بسم الله الرحمن الرحیم

کنوز نجاح و رستکاری و خزاین فلاح و دینداری را مفتاح باب سعادت مآب حمد و ثنای جناب رب الارباب است جل شانه که بمقتضای صدق انتمای کنت کنزا مخفیا از وجود هر موجود مشعله تجلی روشن در طریق معرفت ذات مفیض الجود خود فروزان نمود و بمؤدای حقیقت اقتضای ادعونی استجب لکم گرسنه چشمان خوان حوایج را در مهمانخانه کرم بر سر سفره اجابت دعوت فرمود صدق وار کف دعائی که بدرگاه بی نیازش بلند گردد و از دریای رحمتش سؤال مدعا نماید لئالی گوهر حصول مامول و لبالب در ر وصول مسئول گشته از بیم تهی دستی خواهد آسود و شمع سان هر انسانی که در بزم عبادتش ثابت قدم باشد و زبان بذکر آیات بینانش گشاید مدام روشن دل و نور فزای هر محفل خواهد بود الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین و وسیله قبول عبادات و باعث استجابت دعوات صلوات تامات و تسلیمات نامیات است بر سرور داعیان بشاهراه عبودیت معبود و بشیر و هادیان بصراط المستقیم بندگی ایزد ودود اولین وجود آخرین نمود از ایجاد عوالم امکان مقصود مصداق رتبه اعلای رسالتش قاب قوسین او ادنی مفسر مصحف

والای نبوتش ان هو الا وحی یوحی مقتدای هر دو سرا محمد مصطفی و بر آل اطهار و اهل بیت ابرار آن قافله سالار اخیار که سفاین نجات امت و مصابیح شبستان هدایت و وسایط افاضه فیض خالق و وسایل قبول مسائل خلایق اند علی الخصوص دانای اسرار هل اتی کشاف رموز لو کشف الغطاء موضوع علوم مجموعه دین عده سفر عقبای اهل یقین امام المتقین و یعسوب الدین علی بن ابی طالب امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

اما بعد چون از برکات الطاف و آلای خداوند مستعان و میامن فیض بی منتهای ایزد منان که مدام دلیل طالبان راه حق و هادی سالکان سبیل رضای واهب مطلق است خاطر خطیر ناظر ارجمند و طبع مبارک آسمان پیوند بندگان نواب کامیاب گردون جناب مقدس القاب عالمیان مآب اعظم پادشاهان صاحب نام اکرم سلاطین کیوان غلام آفتاب سپهر عدالت خورشید اوج عظمت و جلالت حکمرانی آفاق را منصرف بحق بسیط زمین را فرمان فرمای مطلق پادشاهی که نام آوران جهان مهجه خود را در منهاج اطاعتش مبذول دارند و سروران دوران عده خویش را در راه خدمت گزاریش گذارند شاهنشاهی که مجموعه آرام و امنیت بلاد از خط فرمانش بتصحیح رسیده و نسخه عتیقه بندگیش بر عباد بمرور ایام

از واجبات گردیده. عظیم الاقتداری که مصباح سلطنتش مقتبس از
دولت سلاطین ربع مسکون. و مفتاح شوکتش کشاینده ابواب دهر
بوقلمون است. بلند مقداری که خواقین گیتی پناه صحیفه عدالتش را
منشئ فرمانروائی دانند. و دعوات دوام دولتش را هر صبح و شام
جهت حفظ میخوانند. صائب تدبیری که از دست گشاده در هر طرف
رایت انا فتحنا افراخته. کشورگیری که قادر توانا زبان داعیانش را
در دفع اعدا بمثابه سیف و سنان ساخته. صاحب احتشامی که در
درگاهش جبین سائی کسری و قیصر اگر کسر شانش نباشد بر جلالتش میفزاید
عالیمقامی که بر آستانش خاقان و فغفور هر یک که سر گذارد از بن دولت
دل بر نمیدارد. همت بلندش باعلاء لوای کلمة الله مقصور. نهمت
ارجمندش باذعان فرمان کونوا انصار الله مشهور. یگانه گوهر درج
اصطفا. فروزان اختر برج ارتضا. سالک شاهراه شرع انور.
پاسبان مذهب حق ائمه اثنی عشر. غلام باخلاص امیر المؤمنین حیدر.
خادم عتبات ذریه پاک پیغمبر. السلطان الجلیل المؤید. و
الخاقان النبیل المسدد. رافع الویة البسالة. باسط بساط
العدل و الجلالة. سلطان سلاطین الامم. مولی ملوک العالم.
اصل اصول الجود و الکرم. و القاهر علی العرب و العجم. و الترک
و الدیلم. المؤید بتایید الملک المنان. السلطان بن السلطان

بن السلطان. و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان. ابو المظفر
شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان لازالت
ایدی الداعین لدوام دولته مبسوطة بالدعاء. و اعلام عظمته
و جلالته مرفوعة الی اعنان السماء. پیوسته راغب و مایل
به تتبع آثار اهل بیت طاهرین. و تصفح اطوار ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین است. و اشتغال باشغال سلطنت
و انجام مهام سپاهی و رعیت. و تنظیم انها بر وجه کامل و لایق. و
رضاجوئی خالق و خلایق. که افاخم خواقین صاحب تخت و کلاه را
دست تصرف از ادنی مراتب آن قاصر و کوتاه است. آن شاهنشاه عالم
پناه را از صرف اوقات در وظایف طاعات و اکتساب حسنات.
که سرآمد جمله سعادات است باز نمیدارد. و اکثر اوقات تحصیل
رسائل اذکار و دعوات. و مجموعهای مؤلفه در عبادات و تفحص
کتب ادعیه و اعمال وارده از مقربان درگاه ایزد متعال میفرمایند
که بدان وسیله نشر آثار پیشوایان دین. و شکرگزاری خالق معین
فرموده باشند. و در این اوان خیر اقتران نسخه عتیقه مشتمله بر دو
مجموعه کثیر المنفعه. یکی مجموعه مشهوره مسماة بکنوز النجاح که از
نفایس مجموعهای دعا و محتوی است بر حرزهای معتبره و عوذهای
شریفه و ادعیه جامعه مأثوره که جهت اکثر مطالب و مقاصد از

اهل بیت عصمت منقول و وارد شده. و دیگری مجموعهٔ معروفهٔ مسماة
بعدة السفر و عدة فی الحضر که آن نیز از مجموعهای مرغوبهٔ مؤلفه
در دعا و عبادات و مشتمل است بر بسیاری از صلوات مستحبه
و تعقیبات و اذکار معتبره و ادعیهٔ ایام هفته و دعاهای مخصوصه
بایام و لیالی متبرکه و برخی از دعاهائی که بجهت بعضی مطالب و اغراض
و دفع بسیاری از علل و امراض از مخازن علوم رسالت و امامت
نقل و روایت شده بنظر آفتاب مثال آن پادشاه بلند اقبال رسیده
و آن هر دو رسالهٔ شریفهٔ منیفه از جملهٔ مؤلفات محدثین علمای
امامیه رضوان الله تعالی علیهم و اکثر ادعیه و اعمالی که در آنها
مذکور است با آنچه در کتب مشهورهٔ معتبره که معتمدین علما تالیف
نموده اند مسطور است موافق و مطابق. و بدا بجهت اعتماد و وثوق را
سزاوار و لایق است مع هذا معروض قوایم سریر آن خسرو جهان بخش
عالمگیر داشته بودند که شیخ جلیل فاضل و نحریر نبیل کامل قدوة
المحققین و اسوة المدققین منبع العلوم الربانیه جامع الکمالات
النفسانیه خاتم المجتهدین معدن الفضل و الحق و الیقین مروج
المذهب شیخ علی بن عبد العالی الکرکی قدس الله روحه و جعل
رحیق الرضوان غبوقه و صبوحه بر نسخهٔ مزبوره کرده بوده و از مرور او
برتبهٔ تصحیح رسیده و آثار خط آن شیخ مرحوم از نسخهٔ مزبوره ظاهر

و آیان

و آیان و بدان سبب اعتبار را شایان است. و خاطر خطیر بیضا
نشان آن فرمانفرمای اهل جهان متعلق گردید که بر مضامین صواب
قرین آن بتفصیل اطلاع حاصل نمایند. لهذا داعی دوام دولت قاهره
محمد باقر بن اسمعیل الحسینی الخاتون آبادی را مورد اشفاق و
عنایات خورشید مثال و مأمور امر واجب الاتباع لازم الامتثال
ساختند که دو رسالهٔ مزبوره را فارسی نموده بنظر انور اکسیر خاصیت
آن مهر سپهر سلطنت و عظمت رساند. امتثالاً لامره الاشرف الارفع
الامجد لا زال نافذاً فی الآفاق بعون الملک الاحد بفارسی نمودن
آنها مشغول گردید. امید که مقبول طبع حق گزین و پسند خاطر معدلت
آیین آن پادشاه جملهٔ روی زمین گشته در عالی درجهٔ استحسان
جلوه گر و ثواب آن عاید بروزگار فرخنده سیر آن خسرو دادگر گردد
و هو الموفق و المعین مؤلف کتاب کنوز النجاح بعد از حمد خداوند منان
و صلوة بر رسول آخر الزمان و آل اطهار علیهم صلوات الله الملک
الجبار و وصف کتاب و سبب تالیف آن گفته است که دعای شریفی
که خوانده میشود بجهت حفظ نمودن خود و احتراز کردن از چیزهائی
که محل خوف باشد دعائیست که روایت کرده است آنرا حضرت امام
جعفر صادق علیه الصلوة و السلام از پدر بزرگوار خود علیه الصلوة
و السلام که جابر بن عبد الله انصاری رضی الله تعالی عنه گفت آ

دعا بجهت ایمن شدن از غرق و سوخته شدن و ایمن شدن از هر چیز ... باشد ... پیغمبر صلی الله علیه و آله ... در جنگی ... امیر المؤمنین علیه السلام ... و السلام تعلیم نموده

کہ جبرئیل علیه السلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و اله نازل شد
و این دعا را آورد و آنحضرت این دعا را در جنکی از جنکها بحضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام تعلیم نمود و برای این
دعا حکایتی هست کہ آنرا درین کتاب ذکر نمودیم و این دعا
امانیست از غرق شدن و سوخته شدن و از قهر و سختی
کبری هر جبر کننده و از هر چیزی کہ از ان ترسان باشی و دعا اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
بنام خدای بخشاینده مهربان کواهی داده است خدا که نیست خدائی مکر او
وَالْمَلٰئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
و فرشتکان و صاحبان علم در حالتی که بر پا دارنده است عدل را نیست خدائی مکر او
الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَنَحْنُ عَلٰى مَا
که غالب درست کردار است بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و ما بر آنچه
قَالَ رَبُّنَا مِنَ الشَّاهِدِيْنَ وَاَنَا اَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ اللّٰهُ وَ
کفته است پروردکار ما از جمله کواهانیم و من کواهی میدهم بآنچه کواهی داده است خدا و
اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَهٰذِهِ الشَّهَادَةُ هِيَ لِيْ
بامانت میسپارم بخدا این شهادت را و این شهادت این شهادت برای من
وَدِيْعَةٌ عِنْدَ اللّٰهِ حَتّٰى يُؤَدِّيَهَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ
امانتی است نزد خدا تا آنکه ادا کند آنرا تا روز قیامت خداوندا

اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ وَبِنُوْرِ قُدْسِكَ وَعَظَمَةِ طَهَارَتِكَ وَ
بدرستی که من پناه میبرم بتو و بروشنی پاکیزکی تو و عظیم بودن پاکی تو و
بَرَكَةِ جَلَالِكَ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ وَعَاهَةٍ وَطَارِقِ الْجِنِّ وَ
ثابت بودن بزرکواری تو از هر آفتی و بلائی و از وارد شونده جن و
الْاِنْسِ اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عِيَاذِيْ فَبِكَ
آدمی مکر وارد شونده که وارد شود بخوبی خداوندا توئی پناه من پس بتو
اَعُوْذُ وَاَنْتَ مَلَاذِيْ فَبِكَ اَلُوْذُ يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ
پناه میبرم و توئی ملجاء من پس بتو التجا می آورم ای کسی که خوار کردیده است برای او کردنهای
الْجَبَابِرَةِ وَخَشَعَتْ لَهُ مَغَائِظُ الْفَرَاعِنَةِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ
جباران و خشوع نموده برای او خشمهای سخت سرکشان پناه میبرم ببزرکی
وَجْهِكَ وَكَرَمِ جَلَالِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَكَشْفِ سِتْرِكَ
ذات تو و کرامی بودن بزرکی تو از خوار کردانیدن تو و برداشتن پرده تو
وَنِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَالْاِضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ اَنَا فِيْ كَنَفِكَ
و فراموش نمودن یاد کردن تو و در کذشتن از شکر کذاری تو من در پناه توام
اٰنَاءَ لَيْلِيْ وَنَهَارِيْ وَنَوْمِيْ وَقَرَارِيْ وَظَعْنِيْ وَاَسْفَارِيْ
در اوقات شب خود و روز خود و خواب خود و قرار خود و کوچ کردن خود و سفر کردن خود
ذِكْرُكَ شِعَارِيْ وَثَنَاؤُكَ دِثَارِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تَنْزِيْهًا
یاد کردن تو شعار من است و ستایش تو دثار من است میکویم که نیست خدائی مکر تو از جهت تنزیه کردن

لوجهك وكرما لسبحات وجهك اجرني من خزيك

ذات تو وگرامی داشتن نورهای ذات تو پناه ده مرا از رسوا کردن تو

ومن شر عذابك واضرب علي سرادقات حفظك و

و از شر عذاب تو وبزن برمن سراپردهای حفظ کردن خود را و

وقني روعتي بخير منك وحفظ عنايتك يا ارحم

نگاه دار و دفع کن خوف مرا بخوبی از جانب خود وحفظ کردن اعانت خود ای رحم کننده ترین

الراحمين سبحانك والحمد لله عدد قطرات ماء

رحم کنندگان تسبیح میکنم تورا وسپاس مر خدا راست بعدد قطرهای آب

الامطار سبحانك والحمد لله عدد ماء البحار سبحانك

بارانها تسبیح میکنم تورا وسپاس مر خدا راست بعدد آب دریاها تسبیح میکنم تورا

والحمد لله عدد الرمل والحصي سبحانك والحمد لله

وسپاس مر خدا راست بعدد ریگ روان وسنگ ریزها تسبیح میکنم تورا وسپاس مر خدا را است

عدد ما احصاه المحصون وتكلم به المتكلمون

بعدد آنچه شمرده اند آنرا شمرندگان وگویا شده اند بآن گویا شوندگان

وفوق ذلك الي منتهي قدرتك يا ذا الجلال

و بالاتر از آن تا نهایت قدرت تو ای صاحب بزرگی

والاكرام وصلي الله علي محمد واله وسلم

وگرامی داشتن ورحمت فرستد خدا بر محمد وآل او وسلام فرستد

دعای دیگر

دعای دیگر بجهت مطلب ذکر شده مذکور شد

دعای دیگر بجهت این مطلب واین دعا را حضرت رسول خدا صلی الله علیه

وآله بانس بن مالک تعلیم نموده وفرموده است که این دعا را هر روز بخوان

پس بدرستی که هر روز که این دعا را بخوانی نمیرسد بتو در آن روز آزاری و ناخوشی

از شیطانی و نه از پادشاهی و نمیرسد بتو آفتی از جنیان و آدمیان و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين محمد

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان وسپاس مر خدا راست که پروردگار عالمیانست محمد

رسول الله صلي الله عليه واله بسم الله علي ديني ونفسي

رسول خداست رحمت فرستد خدا بر او وآل او بنام خدا بر دین من ونفس من

بسم الله علي اهلي ومالي بسم الله علي كل شيء اعطاني

بنام خدا بر اهل من ومال من بنام خدا بر هرچیزی که عطا کرده است بمن

ربي بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض و

پروردگار من بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و

السماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه داء بسم الله

آسمان بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او دردی بکلمه بسم الله

افتتحت وعلي الله توكلت لا حول ولا قوة الا بالله

افتتاح کردم وبر خدا توکل کردم نیست گردشی ونه توانائی مگر بخدا

لا حول ولا قوة الا بالله الله اكبر الله اكبر

نیست گردشی ونه توانائی مگر بخدا خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَلْحَلِیْمُ اَلْکَرِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر الله که بردبار صاحب کرم است نیست خدائی مگر الله
اَلْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
که بلند رتبه بزرگ مرتبه است تسبیح میکنم خدا را که پروردگار آسمانهای هفتگانه است و پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ
عرش عظیم است سپاس مر خدا را که پروردگار عالمهاست عزیز است همسایهٔ تو و بزرگست
ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ فِیْ جِوَارِكَ
ثنای تو و نیست خدائی مگر تو خداوندا بگردان مرا در پناه خود
مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِیْ شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ اِنَّ وَلِیِّیَ
از شر هر صاحب شری و از شر شیطان رانده شده بدرستی که دوست من
اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَّلَ الْکِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِیْنَ فَاِنْ تَوَلَّوْا
خدائیست که فرو فرستاده است قرآن را و او متوجه کارهای صالحان است پس اگر رو گردان شدند
فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ
پس بگو که بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و او
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
پروردگار عرش بزرگ است و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و سلام فرستد
دعای دیگر در این باب و این دعا را حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله بحضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیها تعلیم نموده

یا معنی اینست که خدا متوجه کارهای صالحان است و او دوست میدارد صالحان را یا صالحان را دوست خود نیکو گرداننده

دعا جهت رفع غم و سختی و فتح و ظفر که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت فاطمه صلوات الله علیها تعلیم نموده است

وفرموده

و فرموده است که ای فاطمه هرگاه برسد بتو غمی یا سختی یا بترسی
از پادشاه تکبر کننده یا از مردمان حاجتی سؤال کنی و آن حاجت
تو را مانده و عاجز گردانیده باشد پس این دعا را بخوان پس قسم بآنکسی
که جان من در دست اوست که نخواندم این دعا را در وقت جنگ مگر آنکه فتح
و ظفر یافتم و نخواندم این دعا را بر ضرر دشمنی مگر آنکه نصرت و یاری یافتم و
نخواندم این دعا را برای تو و برای فرزندان تو مگر آنکه دیدم در شما اینچیز را که میخواستم ای فاطمه بگو
یَا عَالِمَ الْغُیُوْبِ وَالسَّرَائِرِ یَا مُطَاعُ یَا عَزِیْزُ یَا عَلِیْمُ یَا هَازِمَ
ای دانای غیبها و پنهانیها ای اطاعت کرده شده ای غلبه کننده ای بسیار دانا ای گریزاننده
الْاَحْزَابِ لِاَحْمَدَ یَا کَائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوْسٰی یَا مُنْجِیَ عِیْسٰی مِنَ
گروهها برای احمد ای کید کنندهٔ فرعون برای موسی ای نجات دهندهٔ عیسی از
اَیْدِی الظَّلَمَةِ یَا مُخَلِّصَ نُوْحٍ مِنَ الْغَرَقِ یَا فَاعِلَ کُلِّ خَیْرٍ یَا
دستهای ظالمان ای خلاص کنندهٔ نوح از غرق شدن ای کنندهٔ هر خیری ای
هَادِیًا اِلٰی کُلِّ خَیْرٍ یَا دَالًّا عَلٰی کُلِّ خَیْرٍ یَا اٰمِرًا بِکُلِّ خَیْرٍ یَا خَالِقَ
هدایت کننده بسوی هر خیری ای دلالت کننده بر هر خیری ای امر کننده بهر خیری ای آفرینندهٔ
الْخَیْرِ یَا اَهْلَ الْخَیْرِ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَدْ رَغِبْتُ اِلَیْكَ
خیر ای اهل خیر توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو بتحقیق که رغبت کرده ام بسوی تو
فِیْمَا قَدْ عَلِمْتَ فَاَجِبْنِیْ بِفَضْلِكَ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ
در چیزیکه بتحقیق دانسته پس اجابت کن مرا بفضل خود ای خدا ای بخشاینده

دعای عظیم الشان که زود مستجاب میگردد

دعائیست عظیم الشان که زود مستجاب میگردد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه روایت شده است

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِاِسْمِكَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْبَرِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بحق نام تو که عظیم و اعظم است و جلیل تر و بزرگتر است

اَلْمَخْزُوْنِ الْمَكْنُوْنِ النُّوْرِ الْبُرْهَانِ الْحَقِّ الْمُبِیْنِ الَّذِیْ
و خزانه کرده شده و پنهان کرده شده است و هدایت کننده او حجت است حق و واضح که

هُوَ نُوْرٌ مِنْ نُوْرٍ مَعَ نُوْرٍ نُوْرٌ فِیْ نُوْرٍ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ نُوْرٌ فَوْقَ
آن نوریست از نور با نور نوریست در نور نوریست بر نور نوریست بر روی

كُلِّ نُوْرٍ نُوْرٌ عَلَا كُلَّ نُوْرٍ وَنُوْرٌ یُضِیْءُ بِهٖ كُلَّ ظُلْمَةٍ
هر نوری نوریست که بلند است بر هر نوری و نوریست که روشن میشود بان هر تاریکی

وَیَنْكَسِرُ بِهٖ شِدَّةُ كُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیْدٍ وَكُلِّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ
و شکسته میشود بان سختی هر شیطان سرکشی و هر جبار عناد ورزنده

وَلَا تَقِرُّ لَهٗ اَرْضٌ وَلَا تَقُوْمُ لَهٗ سَمَآءٌ وَیَاْمَنُ بِهٖ كُلُّ خَآئِفٍ
و قرار نمیگیرد برای آن زمین و برپا نمی ایستد برای آن آسمان و ایمن میشود بان هر ترسانی

وَیَبْطُلُ بِهٖ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ وَبَغْیُ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ
و باطل میشود بان سحر هر سحر کننده و زیادتی هر زیادتی کننده و حسد هر حسد برنده

وَیَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ وَیَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلْكُ حَتّٰی
و شکافته میشود برای عظمت آن صحرا و دریا و راست می ایستد و برمیرود بان کشتی در

یَتَكَلَّمَ بِهِ الْمَلَكُ فَلَا یَكُوْنُ لِلْمَوْجِ عَلَیْهِ سَبِیْلٌ وَهُوَ اسْمُكَ یَا اَللّٰهُ
سخن میگوید بان فرشته پس نمیباشد برای موجه بر آن کشتی راهی و آن نام تست ای خدا

الْاَعْظَمُ الْاَجَلُّ النُّوْرُ الْاَكْبَرُ الَّذِیْ سَمَّیْتَ بِهٖ نَفْسَكَ
که عظیم تر و بزرگتر است و راهنمای بزرگتر است که نامیده بان ذات خود را

وَاسْتَوَیْتَ بِهٖ عَلٰی عَرْشِكَ وَاسْتَقْرَرْتَ بِهٖ عَلٰی كُرْسِیِّكَ
و مستولی شده بان بر عرش خود و متمکن شده بان بر کرسی خود

وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاَسْاَلُكَ
و رو می آورم بسوی تو بمحمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و سؤال میکنم تو را

بِهٖ وَبِهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضِیَ حَاجَتِیْ هٰذِهٖ
بحق او و بحق ایشان اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بر آوری حاجت مرا این حاجت

قَرِیْبًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِیْ كَذَا وَكَذَا
بزودی مانند برهم زدن چشم برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و اینکه بکنی بمن چنین و چنین

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید پس بدرستی که مستجاب میگردد ان شاء الله تعالی دعای دیگر جبرئیل امین علیه السلام این دعا را بجهت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آورده است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنرا بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام تعلیم نموده و جبرئیل فرموده است که یا محمد این دعا هدیه ایست از جانب پروردگار تعالی شانه و نوزده حرف است چهار

دعای هدیه که جبرئیل بجهت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده و آنحضرت بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام تعلیم نموده و خواندن آن سبب نفع عظیم میشود

حرف آن بر پیشانی اسرافیل نوشته شده است و چهار حرف دیگر بر
پیشانی جبرئیل و چهار حرف دیگر بر پیشانی میکائیل و چهار حرف دیگر
بر اطراف عرش و سه حرف آن بر پیشانی عزرائیل نوشته شده است و این دعا را
غمگینی نمیخواند مگر آنکه حق تعالی کفایت کار او میکند و غم او را زایل میکرداند و دعا اینست

یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَ یَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَ یَا سَنَدَ
ای محل اعتماد کسی که محل اعتمادی برای او نباشد و ای ذخیره کسی که ذخیره برای او نباشد و ای معتمد
مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ یَا حِرْزَ الضُّعَفَاءِ
کسی که معتمدی برای او نباشد و ای فریادرس کسی که فریادرسی برای او نباشد ای پناه ضعیفان
یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقَی یَا مُنْجِیَ الْهَلْکَی یَا مُحْسِنُ یَا
ای کسی که بزرگست امید باو ای خلاص کننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای احسان کننده ای
مُجْمِلُ یَا مُفْضِلُ یَا مُنْعِمُ اَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَکَ سَوَادُ اللَّیْلِ
نیکوئی کننده ای تفضل کننده ای نعمت دهنده توئی که سجده کرده است برای تو سیاهی شب
وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ حَفِیفُ الشَّجَرِ
و روشنائی روز و نور ماه و شعاع آفتاب و صدای درختان
وَ دَوِیُّ الْمَاءِ یَا اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِفْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا
و صدای آب ای خدا نیست خدائی مگر تو بکن بمن چنین و چنین
و بجای کذا و کذا حاجت خود را باید گفت دعائی که در عقب همه نمازها
و روزها خوانده میشود حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را

تعقیب هر نماز که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بحضرت
امام حسن و حضرت امام حسین
صلوات الله علیهما تعلیم نموده
و خواندن آن سبب آمرزش
گناهان است

بحضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما تعلیم
نموده و فرموده است که هر که خواهد که بیرون رود از
دنیا و حال آنکه پاک و خالص شده باشد از گناهان چنانکه
خالص میشود طلائی که غشی در آن نباشد و کسی از او طلب مظلمه
نکند پس در عقب هر یک از نمازهای پنجگانه بخواند نسبت پروردگار تعالی
شانه یعنی سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه بعد از آن دست خود را بدعا بگشاید و بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بحق نام تو که پنهان کرده شده خزانه کرده شده پاک
الطُّهْرِ الْمُبَارَکِ وَ اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَ سُلْطَانِکَ الْقَدِیمِ
پاکیزه مبارک است و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که عظیم است و پادشاهی تو که قدیم است
یَا وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ الْاُسَارَی یَا فَکَّاکَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ
ای بخشنده عطاها ای رها کننده اسیرها ای خلاص کننده گردنها از آتش
وَ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی
و سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا
مِنَ النَّارِ وَ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیَا آمِنًا وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سَالِمًا
از آتش و بیرون بری مرا از دنیا در حالی که ایمن باشم و داخل کنی مرا بهشت در حالی که سالم باشم
وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی اَوَّلَهُ فَلَاحًا وَ اَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَ آخِرَهُ
و اینکه بگردانی دعای مرا اول آنرا شایستگی و وسط آنرا فیروزی و آخر آنرا

فلاحا انك انت علام الغیوب دعای دیگر که مرویست از حضرت
دستکاری بدرستی که تو توی بسیار دانای غیبها امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام
و آنحضرت آن دعا را میخوانده است هر گاه مهمی او را
عارض میشده یا حادثه و شدتی او را پیش می آمده و دعا اینست
یا من تحلل به عقد المکاره و یا من یفثا به حد الشدائد
ای کسی که کشوده میشود باو گرههای ناخوشیها و ای کسی که ساکن میشود باو تندی سختیها
و یا من یلتمس منه المخرج الی روح الفرج ذلت
و ای کسی که طلب کرده میشود ازو بیرون رفتن از تنگی براحت کشایش آسان شده است
لقدرتك الصعاب و تسببت بلطفك الاسباب وجری
بقدرت تو همه دشوارها و سبب کردیده است بلطف تو همه سببها [illegible] شده است
بقدرتك القضاء و مضت علی ارادتك الاشیاء فهی
بقدرت تو حکم و روان شده است بر وفق خواهش تو همه چیزها پس همه اینها
بمشیتك دون قولك مؤتمرة و بارادتك دون نهیك
بمحض خواهش تو بی کفتن تو فرمان بردارند و بمجرد اراده تو بی آنکه نهی کنی
منزجرة انت المدعو للمهمات و انت المفزع فی الملمات
منع کرده شده اند توئی خوانده شده برای کارهای عظیم و توئی پناه در بلاهائی که نازل شود
لا یندفع منها الا ما دفعت و لا ینکشف منها الا ما کشفت
دفع نمیشود از بلاها مگر آنچه تو دفع کنی و برطرف نمیشود از آنها مگر آنچه تو برطرف کنی

دعائی که حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام میخوانده در وقتی که مهمی او را رو میداده یا شدت و سختی او را پیش می آمده

وقد

و قد نزل بی یا رب ما قد تکاءدنی ثقله و
و بتحقیق که رسیده است بمن ای پروردگار من آنچه بتحقیق که دشوار است بر من سنگینی آن و
الم بی ما قد بهظنی حمله و بقدرتك اوردته
نازل شده است بمن آنچه بتحقیق که گران کردیده بر من برداشتن آن و بقدرت خود وارد ساخته آنرا
علی و بسلطانك وجهته الی فلا مصدر لما
بر من و بسلطنت خود متوجه ساخته آنرا بسوی من پس نیست باز کردانندهٔ برای آنچه
اوردت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح لما
وارد ساخته باشی و نیست بر کردانندهٔ برای آنچه تو متوجه ساخته باشی و نیست کشایندهٔ برای آنچه
اغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت
تو بسته [illegible] و نیست کسی که به بندد آنچه را که تو کشوده باشی و نیست آسان کنندهٔ برای آنچه تو دشوار کرده باشی
و لا ناصر لمن خذلت فصل علی محمد و اله و افتح
و نیست یاری کنندهٔ برای کسی که تو خوار کرده باشی پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکشای
لی یا رب باب الفرج بطولك و اکسر عنی سلطان
برای من ای پروردگار من در کشایش را بفضل خود و بشکن از من سلطنت
الهم بحولك و انلنی حسن النظر فیما شکوت و اذقنی
اندوه را بقوت خود و برسان بمن خوبی نظر کردن را در آنچه شکوه آن کردم و بچشان بمن
حلاوة الصنع فیما سالت وهب لی من لدنك رحمة
شیرینی کار را در آنچه سؤال کردم و ببخش بمن از جانب خود رحمتی

وَفَرَجاً هَنِيئاً وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً وَلا
وگشادگی گوارائی و بگردان برای من از نزد خود بیرون شدی از این بلا بزودی و
تَشْغَلْنِي بِالاهْتِمامِ عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمالِ
مشغول مگردان مرا بسبب اندوه از رعایت نمودن واجبهای تو و کردن
سُنَنِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِما نَزَلَ بِي يا رَبِّ ذَرْعاً وَ
سنتهای تو پس بتحقیق که طاقت ندارم این بلا را که نازل شده است بمن ای پروردگار من و
امْتَلأْتُ بِحَمْلِ ما حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَأَنْتَ الْقادِرُ عَلى
پر شده ام بسبب برداشتن آنچه حادث شده است بر من از اندوه و توئی قادر بر
كَشْفِ ما مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ ما وَقَعْتُ فِيهِ فَافْعَلْ بِي
برطرف کردن آنچه مبتلا شده ام بآن و دفع کردن آنچه افتاده ام در آن پس بکن بمن
ذلِكَ وَإِنْ لَمْ اسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
این را و اگرچه من مستحق نیستم آنرا از تو ای صاحب عرش بزرگ
دعائیست در محافظت نمودن خود و احتراز کردن از آفات این دعا را
روایت کرده است ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد
باقر صلوات الله و سلامه علیه و آنحضرت فرموده است
که هرگاه من این دعا را بخوانم اگر همه جنیان و آدمیان بر ضرر من اجتماع نمایند پروا نمیکنم
و دعا اینست إِنَّ رَبِّيَ اللهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
بدرستی که پروردگار من خدا است که نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم

دعا بجهت حفظ از همه آفات و بلیات

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ لا حَوْلَ وَلا
و اوست پروردگار عرش بزرگ بس است مرا خدا و خوب وکیلی است نیست گردیدن و
قُوَّةَ إِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ما شاءَ اللهُ كانَ وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ
توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه آنچه خواسته است خدا شده است و آنچه نخواسته است
يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللهَ قَدْ
نشده است گواهی میدهم اینکه خدا بر هر چیزی بغایت توانا است و اینکه خدا بتحقیق
أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَأَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً اللّهُمَّ إِنِّي
که فرو گرفته است بهر چیز علم او و شمرده است عدد هر چیزی را خداوندا بدرستی که من
أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها
پناه میبرم بتو از شر نفس خود و از شر هر جنبنده که پروردگار من گرفته است موی پیشانی او را
إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ
بدرستی که پروردگار من بر راه راست است بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس
لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيّاكَ
مر خدا را پروردگار عالمها بسیار رحم کننده مهربان صاحب روز جزا همین تو را
نَعْبُدُ وَإِيّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ صِراطَ
عبادت میکنیم و همین از تو یاری میجوئیم هدایت کن ما را راه راست راه
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلا الضّالِّينَ
جماعتی که انعام کرده بر ایشان نه غضب کرده شده بر ایشان و نه گمراهان

یعنی از نوعی پروردگار بر راه راست ایست که همه افعال او از تو انتهاء دادن و عذاب کردن و رحمت و انعام بر طریق صحیح و عدالت است و حکمت و دلیل در افعال او فی باشد

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الناس ملک الناس
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو که پناه میبرم به پروردگار ادمیان پادشاه ادمیان
اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی
معبود بحق ادمیان از شر وسوسه کننده پنهان شونده که وسوسه میکند در
صدور الناس من الجنة والناس بسم الله الرحمن الرحیم
سینهای مردمان از جنیان و ادمیان بنام خدای بخشاینده مهربان
قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب
بگو که پناه میبرم به پروردگار صبح از شر انچه افریده است و از شر شب بسیار تاریک هرگاه در اید
ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
و از شر زنان دمندگان در گرهها و از شر حسد برنده هرگاه حسد برد
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بی نیاز که مقصود در حاجتها است نزاییده
لم یولد ولم یکن له کفوا احد الله لا اله الا هو الحی
و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی خدا نیست خدائی مگر او که زنده
القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما
بخود برپاست فرا نمیگیرد او را سنه و نه خوابی از برای اوست انچه در اسمانها و انچه
فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین
در زمین است کیست انکه شفاعت کند نزد او مگر بر خصت او میداند انچه را که پیش

ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء
روی ایشانست و انچه را که پشت ایشانست و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از علم او مگر بانچه او خواسته است
وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما
وسعت دارد کرسی او اسمانها و زمین را و سنگین نمیکند و را نگاه داشتن انها
وهو العلی العظیم لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته
و اوست بلند مرتبه بزرگ رتبه اگر فرو میفرستادیم این قران را بر کوهی هر اینه میدیدی انرا
خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
فروتنی کننده از هم شکافنده از ترس خدا و این مثلها است که میزنیم انها را
للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو
برای مردمان شاید که ایشان تفکر کنند اوست خدائی که نیست خدائی مگر او
عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا
دانای غیب و شهادت است اوست بخشاینده مهربان اوست خدائی که نیست
اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه بی عیب سلام امان دهنده حفظ کننده عزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
جبار بزرگوار پاک است خدا از انچه شریک او میدانند مشرکان اوست خدائی که تقدیر کننده
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات
افریننده صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند برای او انچه در اسمانها

وَالْاَرْضَ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ
وزمین است واوست عزیز حکیم بدرستی که پروردگار شما خدا ایست که او بیافرید اسمانها
وَالْاَرْضَ فِى سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى الَّيْلَ
و زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش میپوشاند بپرده شب
النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ
روز را در حالی که طلب میکند از اشتاکان واو بید است افتابرا وماه را وستارها را در حالیکه مسخر و مطیع اند
بِاَمْرِهِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
بفرمان او اگاه باشید که از برای خدا است خلق وامر مقدس است خدای پروردگار عالمیان
اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا
بخوانید پروردگار خود را از روی فروتنی وپنهانی بدرستی که خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را
تُفْسِدُوا فِى الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
فساد مکنید در زمین بعد از اصلاح ان وبخوانید خدا را از روی ترس و امید
اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بدرستی که رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران بنام خدای بخشاینده مهربان
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا
قسم میخورم بگروهها که صف زننده اند صف زدنی پس رانده اند راندنی پس خوانندہ اند ذکر کردنی
اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ
بدرستی که خدای شما هر اینه یکی است پروردگار اسمانها و زمین وانچه میان انهاست و پروردگار

الْمَشَارِقِ اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ
مشرقهاست بدرستی که ما زینت داده ایم اسمان دنیا را بزینت ستارها وحفظی از
كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ
هر شیطان سرکش نمیشنوند وگوش نمی اندازند بسوی گروه بلند مرتبه وزده میشوند
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ
از هر طرف بجهت راندن وبرای ایشانست عذاب دایمی شدید مگر کسی که ربود
الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
ربودنی پس از پی در امد او را شهابی درخشان پاک است پروردگار تو پروردگار عزت
عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
از انچه وصف میکنند کافران ودرود باد بر پیغمبران مرسل وسپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ اِنَّكَ لَمِنَ
بنام خدای بخشاینده مهربان قسم به یٰس وقران حکیم بدرستی که تو هر اینه از
الْمُرْسَلِينَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِتُنْذِرَ قَوْمًا
رسولانی بر راه راست فرستاده شده از جانب عزیز مهربان تا انکه بترسانی طایفه را
مَا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰى اَكْثَرِهِمْ
که ترسانیده نشده اند پدران ایشان پس ایشان غافلند هر اینه بتحقیق که ثابت است گفتار عذاب بر اکثر ایشان
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اِنَّا جَعَلْنَا فِى اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِىَ اِلَى
پس ایشان ایمان نمی اورند بدرستی که ما کردانیدیم در گردنهای ایشان غلها پس انها رسیده اند تا

الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن

ذنخها پس ایشانند سربلندان وکردانیدیم از پیش روی ایشان سدی واز

خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون وسواء علیهم اانذرتهم

عقب ایشان سدی پس پوشانیدیم چشمهای ایشانرا پس ایشان نمی بینند ویکسانست بر ایشان خواه بترسانی ایشانرا

ام لم تنذرهم لا یؤمنون قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن

یا نترسانی ایشانرا ایمان نمی آورند بگو ای محمد صلی الله علیه وآله که بخوانید خدا را بنام الله یا بخوانید او را بنام رحمن

ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت

بهر نام که بخوانید او را پس برای اوست نامهای نیکو و بسیار بلند مکن قرائت نماز خود را و بسیار آهسته مکن

بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ

آنرا وطلب کن میان آن واین راهی وبگو ای محمد صلی الله علیه وآله که سپاس مر خدایراست که فرا نگرفته است

ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل

فرزندی ونیست برای او شریکی در پادشاهی ونیست برای او دوستی از خواری

وکبره تکبیرا ان فی خلق السموات والارض واختلاف

وبزرگ بگو او را تکبیر گفتنی بدرستی که در آفریدن آسمانها وزمین واختلاف

اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله

شب وروز هر آینه علامتها هست از برای صاحب عقلها آنان که یاد میکنند خدا را

قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات

در حالی که ایستاده اند ونشسته اند وبر پهلوها خوابیده اند وتفکر میکنند در آفریدن آسمانها

والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب

وزمین ای پروردگار ما نیافریدی تو این را باطل بپاکی یاد میکنیم تو را پس نگاه دار ما را از عذاب

النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما

آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو کسی را که داخل کنی در آتش پس بتحقیق که خوار کردانیده او را ونیست

للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی

از برای ظالمان یاری کنندگانی ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده را که ندا میکرد

للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا

برای ایمان باینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را

وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا

وبرطرف کن از ما گناهان ما را وبمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما وبده بما

ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک

آنچه را که وعده کرده بما بر زبان پیغمبران خود وخوار مکن ما را در روز قیامت بدرستی که تو

لا تخلف المیعاد دعائیست که طلب کردن دفع شر وعرویست

خلف نمیکنی وعده را از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام

بسند متصل روایت شده است از فضل بن الربیع واو روایت

کرده است از پدر خود یعنی ربیع که حاجب منصور دوانیقی که یکی

از خلفای بنی عباس است بوده وربیع گفته است که روزی منصور

مرا طلب نمود وگفت ای ربیع جعفر صادق را حاضر کردان پس

بخدا قسم که او را بقتل میرسانم پس من متوجه منزل آنحضرت شدم
وچون بخدمت آنحضرت رسیدم گفتم ای فرزند رسول الله اگر
تورا وصیتی یا عهدی باشد بکن پس آنحضرت با من آمد وفرمود
که منصور را بآمدن من اعلام کن پس من داخل مجلس منصور شدم
وباو گفتم که جعفر بن محمد آمده است گفت او را داخل مجلس گردان
پس حضرت را داخل مجلس منصور گردانیدم وچون حضرت را چشم
بر منصور افتاد دیدم که لبهای مبارک آنحضرت حرکت میکند وچیزی
میخواند که من نمیفهمم وآمد بنزدیک منصور وچون بر منصور سلام
کرد منصور از جای خود برخاست ودست در گردن آنحضرت کرد
ودر پهلوی خود نشانید وگفت هر مطلبی وحاجتی که داری بگو پس
آنحضرت چندین رقعه وعریضه مردم را برآورد وچندین مطلب
دیگر آنرا بمنصور گفت وهمه مطالب را منصور اجابت نمود وربیع حکایت
طولانی نقل کرد تا آنکه گفت که حضرت برخاست وروانه گردید و
من خود را بآنحضرت رسانیدم وگفتم ای فرزند رسول خدا منصور
عزم کار عظیمی داشت یعنی قصد قتل حضرت نموده بود وچون چشم
تو بر او افتاد آن عزم از خاطر او رفت پس حضرت فرمود که ای ربیع
شب گذشته حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را در خواب دیدم وفرمود که ای
جعفر از منصور ترسیده گفتم بلی یا رسول الله پس فرمود که هرگاه چشم تو بر او افتد بگو

بِسْمِ اللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِسْمِ اللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى
بکلمه بسم الله طلب فتح میکنم وبکلمه بسم الله طلب ظفر میکنم وبوسیله محمد صلی
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَةَ اَمْرِي
الله علیه وآله رو می‌آورم خداوندا آسان کن برای من دشواری کار مرا
وَكُلَّ صُعُوبَةٍ وَسَهِّلْ لِي حُزُونَةَ اَمْرِي وَكُلَّ
وهر دشواری را وهموار کن برای من ناهمواری کار مرا و هر
حُزُونَةٍ وَاكْفِنِي مُؤْنَةَ اَمْرِي وَكُلَّ مُؤْنَةٍ
ناهمواری را وکفایت کن برای من مشقت کار مرا و هر مشقتی را

دعای دیگر بجهت این مطلب که مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام

واین دعا را نیز در وقتی خوانده است که داخل مجلس منصور شده
است عرتبه دیگر وچون بیرون آمده است فضل بن الربیع گفته است
که با حضرت دیدم که لبهای خود را حرکت دادی وچیزی خواندی پس
سؤال میکنم از تو که آنرا بمن تعلیم نمائی تا در رشد آید وسختیها از آن
نفع یابم پس آنحضرت فرموده است که خواندم دعائی را که جدم حضرت
امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام خوانده است این دعا را روزی که
مسلم بن عقبه مری در حره جنگ وقتال نمود وجمعی کثیر را در مدینه طیبه بقتل رسانیده
ودعا اینست اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاكْنُفْنِي
خداوندا پاسبانی کن مرا بچشم نگهبانی خود که نمیخوابد ومحافظت کن مرا

دعای دیگر جهت دفع شر و دزد و دشمن که خواندن آن در هر جنگ و قتال و هر درد و خوف ... نافع است

بِرُكْنِكَ الَّذِي لا يُرامُ وَاغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ فَلا
بقوّت خود که قصد کرده نمیشود وبیامرز مرا بقدرت خود برمن پس
اَهْلِكُ وَاَنْتَ رَجائِي فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِها
هلاک نمیشوم من وحال آنکه تو امید منی پس چه بسیار است نعمتی که انعام کردهٔ بآن
عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَها شُكْرِي وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي
برمن که کم بوده است برای تو نزد آن نعمت شکر من وچه بسیار است بلائی که مبتلا ساختی مرا
بِها قَلَّ لَكَ عِنْدَها صَبْرِي فَيا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعَمِهِ
بآن که کم بود برای تو نزد آن صبر من پس ای آنکسی که کم بود شکر من نزد نعمتهای او
فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَيا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ
پس محروم نکرد مرا وای کسی که کم بود صبر من نزد بلاهای او پس وا نگذاشت مرا و
يا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطايا فَلَمْ يَفْضَحْنِي يا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي
ای کسی که دید مرا بر گناهان پس رسوا نکرد مرا ای صاحب احسانی که
لا يَنْقَطِعُ اَبَداً وَيا ذَا النَّعْماءِ الَّتِي لا تُحْصى عَدَداً صَلِّ
منقطع نمیشود احسان او هرگز وای صاحب نعمتهائی که شمرده نمیشود عدد آنها رحمت بفرست
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ فُلانٍ بِكَ اَدْفَعُ فِي
بر محمد وآل محمد ودفع کن از من شر فلان را بتو دفع میکنم در
نَحْرِهِ وَاَسْتَعِيذُ مِنْ شَرِّهِ وَاَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فَاكْفِنِي
گو گردن او وبتو پناه میبرم از شر او وبتو طلب یاری میکنم بر دفع ضرر او پس کفایت کن از من

شَرَّهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ ٥
شر او را بقوت وتوانائی خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

دعای دیگر که از آنحضرت علیه السلام منقولست روایت کرده است هشام بن
احمد وگفته است که شخصی از جانب پادشاه بخدمت حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام آمد وگفت بیا که پادشاه تو را میطلبد
آنحضرت فرمود که جامهای خود را بپوشم وبیایم آنشخص جواب داد که پادشاه
امر کرده است که تو را چنانکه باشی بی مهلت بیریم پس آنحضرت روانه گردید و
در حال رفتن این دعا را خواند وچون بنزد پادشاه آمد ضرری
باو نرسانید وگفت که باز گرد ودعا اینست
اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَاَسْتَعِيذُ
سرکشی میکنم بیاری قوت خدا وتوانائی او از قوت ایشان وتوانائی ایشان وپناه میبرم
بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَاَقُولُ ما شاءَ اللّهُ كانَ
بپروردگار صبح از شر آنچه آفریده است ومیگویم آنچه خواسته است خدا شده است
وَما لَمْ يَشَاْ لا يَكُونُ اَشْهَدُ اَنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وآنچه نخواسته است نمیشود گواهی میدهم اینکه خدا بر هر چیز بغایت توانا است

دعائی دیگر که در حال خوف خوانده میشود حضرت امام جعفر
صادق علیه الصلوة والسلام فرموده است که دعاء ما طائفه
اهل بیت هرگاه داخل شویم بر دشمنان وبر پادشاهان

دعای دیگر بجهت دفع ضرر

دعائی که در حال خوف خوانده میشود

وحاکمان جور اینست که سوره انا انزلناه را
میخوانیم و هفت مرتبه یا الله میکوییم و بعد از ان میکوییم که
نشفع الیک بمحمد و اله ان تغلبه لنا
شفاعت میکنیم بسوی تو بجاه محمد و آل او اینکه غلبه کنی براو برای ما
و آن حضرت فرمود که هر یک از شما شیعیان
که مبتلا شود بخوف از ین جماعت پس چنین کند و بکوید
اللهم الح من اراد نی بسوء منک لمحة توهن بها
خداوندا نظر کن بهر کس که اراده کرده است مرا ببدی از جانب خود نظر کردنی که سست کنی بسبب ان
کیده و تغلب بها مکره و تکسر بها قوته و
حیله او را و غلبه کنی بسبب ان بر مکر او و بشکنی بسبب ان قوت او را و
ترد بها عنی شره یا ربنا و رب کل شیء و بعد ازین میکوییم
برکردانی بسبب ان از من شر او را ای پروردکار ما و پروردکار هر چیزی
که اللهم انی استکفیک ظلم من لم تعظه المواعظ
خداوندا بدرستی که من طلب کفایت میکنم از تو ظلم کسی را که پند نداده او را موعظها
و لم تنفعه الذکری و لم تمنعه منی المصائب و لا الغیر
و نفع نکرده باو یاد آوری و باز نداشته او را از من رسیدن مصیبتها و نه حادثهای تغییر دهنده
اللهم اشغله عنی اللهم انی اعوذ بک من شر فلان
خداوندا فارغ ساز او را از من خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از شر فلان

لمحة نظر کردن خفیف است و تعبیر بلمحه درینجا بجهت اشاره
باینست که در دست نمودن مکر او و شکستن قوت او و دفع کردن شر او
اندک التفاتی از تو کافی است

جای فلان نام آن شخص را باید گفت

اللهم

اللهم ان کنت قضیت علی فی یومی هذا و فی جمعتی هذه
خداوندا اگر بوده باشی که تقدیر کرده باشی بر من در روز من این روز و در هفته من این هفته
و فی شهری هذا و فی سنتی هذه لاحد ممن و لیته
و در ماه من این ماه و در سال من این سال برای کسی از کسانی که مولی ساختی او را
امری سلطانا او اجریت ذکری علی لسانه فاسئلک
بر کار من تسلطی یا جاری کردانیده یاد کردن مرا بر زبان او پس سوال میکنم از تو
ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان توفقه لحاجتی و
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه توفیق دهی او را برای قضاء حاجت من و
تاخذ بقلبه الی هوای فیمن و تسخره لی و تعظمنی فی عینه
اینکه بکردانی دل او را بسوی هوا نفس من و مسخر کردانی او را برای من و عظیم کردانی مرا در نظر او
و تقذف لی فی قلبه الرحمة و الخیر و تصرف عنی اذاه
و بیندازی برای من در دل او رحمت و خیر را و باز داری از من اذیت او
و شره رب انی لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا و لا موتا
و شر او را ای پروردکار من بدرستی که من مالک نیستم برای نفس خود ضرر را و نه نفعی را و نه مردنی را
و لا حیوة و لا نشورا صل علی محمد و ال محمد و افتح
و نه زندکی را و نه محشور شدنی را رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکشای
لی الباب الذی فیه الفرج و المخرج و سخر لی فلانا
برای من دری را که دران باشد کشایش و بیرون شد و مسخر کردان برای من فلان را

وَاعطِف بِقَلبِهٖ عَلَیَّ یَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ فَاِنَّکَ عَلیٰ ذٰلِکَ وَعَلیٰ مَا تَشَآءُ قَدِیرٌ

و مهربان کردان دل او را بر من ای کرداننده دلها پس بدرستی که تو بر ین و بر انچه خواهی بغایت توانا

دعای دیگر که از انحضرت علیه السلام منقولست مسمعی گفته است که بخدمت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمودم که من مردی هستم

که داخل مجلس پادشاه میشوم و گاه میباشد که از ایشان خوف

میکنم پس تعلیم کن بمن دعائی که بخوانم از حضرت

فرمود که چون بر پادشاه داخل شوی و حال

آنکه از و خوف داشته باشی بگو اعوذ برب

الفجر واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا

(پناه میبرم به پروردگار) صبح و شبهائی که ده است و پروردگار جفت و طاق و شب هرگاه

یسر اللهم صل علی محمد وال محمد وادرأ عنی

برود خداوندا رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و دفع کن از من

شرهم وذلل لی ایدیهم والسنتهم منک بالعافیة

شر ایشان را و نرم کردان برای من دستهای ایشان و زبانهای ایشان را از جانب خود بعافیت

دعای دیگر بجهت دفع خوف و دفع ضرر که نیز از انحضرت روایت شده است

سکونی روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة

والسلام فرمود که از جمله دعاهای حضرت موسی علی نبینا واله

وعلیه السلام دعائیست که خواند انرا در وقتی که روی فرعون بروظاهر

دعای بجهت دفع خوف و دفع ضرر

دنمایان شد و این دعای ما طایفه اهل بیت است هرگاه داخل شوی بر

دشمنان و پادشاهان و حاکمان جور و از جور و ستم ایشان خوف کنیم و دعا

اینست اللهم انی ادرأ بک فی نحره واعوذ بک

خداوندا بدرستی که من دفع میکنم بتو در کوبی کردن او و پناه میبرم بتو

من شره واستعینک علیه فاکفنیه بمن شئت

از شر او و طلب یاری میکنم از تو بر دفع ضرر او پس کفایت کن مرا از و بوسیله هرکسی که خواهی

دعاء دیگر که نیز از انحضرت علیه السلام مرویست ابن محبوب

روایت کرده است از محمد بن سنان و او گفته است که من در خدمت

حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام بودم شنیدم

که میمون بانحضرت عرض نمود که پادشاه مکرر مرا طلب میکند و من

از و و از اتباع و موافقان او خوف دارم انحضرت فرمود که هرگاه

چنین است پس بنا کن بر اطراف خود شهری و قلعه گفتم چگونه این

قلعه را بر خود بنا کنم انحضرت فرمود که هرگاه از منزل خود بیرون

روی بخوان سوره قل هو الله احد را در پیش روی خود بعد از ان

متوجه جانب راست خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان

متوجه پشت سر خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه

جانب چپ خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه بالای

سر خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه زیر پای خود

دعای بنای قلعه

بشو و این سوره را بخوان تا برای تو مانند قلعه محکمی باشد که محافظت
نماید تو را در آن روز از ضرر پادشاه و از ضرر شیطان **دعاء**
الحاح که بجهت بر آمدن حوایج خوانده میشود مرویست که محمد بن
مسلم گفته است که مردی آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام و بآنحضرت خطاب نمود و گفت که فدای
تو شوم تعلیم کن مرا دعائی که نفع یابم از آن دعا در دنیای خودم
و آخرت خودم پس آن حضرت فرمود که کجائی تو از دعای
الحاح وضوی کامل بساز و دو رکعت نماز بگذار و بخوان
در رکعت اول سوره حمد و سوره قل هو الله احد را یکمرتبه و در
رکعت دویم سوره حمد و سوره قل یا ایها الکافرون را یکمرتبه بعد از آن بگو
اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا
خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه
فِیْهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِیْ
در آنهاست و آنچه در میان آنها و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار سبع المثانی
وَرَبَّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِیْمِ وَرَبَّ جَبْرَئِیْلَ وَمِیْکَائِیْلَ وَاِسْرَافِیْلَ
و پروردگار قرآن بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ
و پروردگار محمد که ختم کننده همه پیغمبران است بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق نام بزرگ تو

دعای الحاج

الَّذِیْ بِهٖ تَقُوْمُ السَّمَآءُ وَبِهٖ تَقُوْمُ الْاَرْضُ وَبِهٖ تُفَرِّقُ الْجَمِیْعَ
که بسبب آن برپا شده است آسمان و بسبب آن برپا شده است زمین و بسبب آن متفرق میسازی جمع شده را
وَبِهٖ تَجْمَعُ الْمُتَفَرِّقَ وَبِهٖ تَرْزُقُ الْاَحْیَآءَ وَبِهٖ تُحْیِیْ
و بسبب آن جمع میکنی پراکنده شده را و بسبب آن روزی روزی میدهی زندهها را و بسبب آن زنده میکردانی
الْمَوْتٰی وَبِهٖ تُمِیْتُ الْاَحْیَآءَ وَبِهٖ اَحْصَیْتَ عَدَدَ
مردهها را و بسبب آن میمیرانی زندهها را و بسبب آن شمرده عدد
الرِّمَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبِحَارِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ
ریگهای روان را و قدر سنگینی کوهها را و پیمانه دریاها را اینکه رحمت فرستی بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و حاجت خود را سؤال کن و در طلبیدن حاجت الحاح و مبالغه کن
وآل محمد **دعائیست که فضل بسیار دارد و از حضرت امام موسی**
کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده است و مشهور است بدعاء کفایة البلاء
در باب این دعا حکایت طولانی هست و آنحضرت این دعا را خوانده است
در وقتی که بر هرون الرشید داخل شده و هرون الرشید قصد ضرر
و آزار آنحضرت داشته است و چون آنحضرت را دیده از جای خود
جسته و بجانب آنحضرت آمده و دست در کردن او کرده و رعایت
او نموده و عزیمت خود را فسخ کرده است و آنحضرت چون بازگردیده
است فضل بن الربیع بهارون الرشید گفته است که تو اراده زدن
و آزار کردن او داشتی پس چگونه شد که فسخ عزیمت خود نمودی

دعاء کفایة البلاء

واورا پناه دادی و رعایت کردی هرون جواب کفته است که ای
فضل از و بمن رسید چیزی عظیم و بان سبب دانستم که قرب و منزلت
او نزد حق تعالی بسیار است ای فضل چون تو از پیش من رفتی که
اورا بنزد من اوری دیدم که جمعی متوجه خانهٔ من شده اند و حربها
در دست دارند و در میان خانهٔ من حربها را بزمین فرو برده اند
و میکویند که اکر بفرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله ازار رسانند
اورا بزمین فرو میبریم و اکر باو نیکی کند باز میکردیم و ضرر باو نمیرسانیم
فضل کوید که چون این سخن را شنیدم از پی انحضرت رفتم و بخدمت
او عرض نمودم که چه بود انچه خواندید و بدان سبب شر هارون
الرشید را حق تعالی از شما دفع کرد و ضرر او کفایت شد انحضرت
فرمود که خواندم دعاء جدم علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام را
و ان دعائیست که هرکاه ان دعارا خوانده است با لشکری جنگ
نکرده است مکر ایشانرا شکست داده و با سواری مبارزت نموده مکر انکه برو غالب
امده است و ان دعا کفایت بلا است پس کفتم که ان دعا کدام است فرمود که بکو
اللّٰهُمَّ بِكَ اُساوِرُ وَبِكَ اُحاوِلُ وَبِكَ اُجادِلُ وَبِكَ
خداوندا بتو غلبه میکنم و بتو قصد میکنم و بتو مجادله میکنم و بتو
اَصُولُ وَبِكَ اَنْتَصِرُ وَبِكَ اَمُوتُ وَبِكَ اَحْيا اَسْلَمْتُ
حمله میکنم و بتو انتقام میکشم و بتو می میرم و بتو زندکی میکنم تسلیم کرده ام

نَفْسِی اِلَیْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْكَ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
نفس خود را بسوی تو و واکذاشتم کار خود را بسوی تو نیست کردشی و نه توانائی مکر بخدای
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِی وَرَزَقْتَنِی وَسَرَرْتَنِی
بلند مرتبه بزرک رتبه خداوندا بدرستی که تو افریدی مرا و روزی دادی مرا و خوشحال کردی مرا
وَسَتَرْتَنِی مِنْ بَیْنِ الْعِبادِ بِلُطْفِكَ خَوَّلْتَنِی اِذا هَرَبْتُ
و پوشانیدی مرا از میان بندکان بلطف خود عطا کردی بمن بتفضل هرکاه کریختم
رَدَدْتَنِی وَاِذا عَثَرْتُ اَقَلْتَنِی وَاِذا مَرِضْتُ شَفَیْتَنِی
بر کردانیدی مرا و هرکاه لغزیدم فسخ کردی مرا و هرکاه بیمار شدم شفا دادی مرا
وَاِذا دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِی یا سَیِّدِی اِرْضَ عَنِّی فَقَدْ اَرْضَیْتَنِی
و هرکاه سوال کردم از تو اجابت کردی مرا ای اقای من راضی شو از من پس بتحقیق که راضی کردی مرا

دعائی که مرویست از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام

و انرا ابوجعفر بن بابویه علیه الرحمة از مشایخ خود روایت
نموده و کفته است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو
بود و موازی سیصد و شصت نفر از شیعیان که از شهرهای متفرق
امده بودند در خدمت انحضرت میبودند پس دشمنان انحضرت
بمامون الرشید علیه اللعنه خبر دادند که حضرت امام رضا
علیه السلام تهیهٔ خروج کردن نموده و مردمانرا بجهت این مقصد
جمع مینماید پس مامون الرشید فرمان داد که اصحاب و اتباع

ان حضرت را از درخانهٔ حضرت دور کنند و انحضرت
بدین جهت بغایت غمگین واند وهناک کردید پس غسل کرد
و بابی الصلت که از اصحاب و مخصوصان انحضرت بود امر
کرد و فرمود که بروببالای بام و نظر کن که ازین جماعت چه چیز
ظاهر میشود تا من دو رکعت نماز کذارم پس انحضرت دو رکعت نماز
کذارد و در حال قنوت دستهای خود را بجانب اسمان بلند کرد و کفت
اَللّٰهُمَّ یَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ
خداوندا ای صاحب توانائی جمع کننده و رحمت وسیع
وَالْمِنَنِ الْمُتَتَابِعَةِ وَالْاٰلَاۤءِ الْمُتَوَالِیَةِ وَالْاَیَادِیِ
و نعمتهای پی درپی و نعمتهای متوالی و نعمتهای
الْجَمِیلَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِیلَةِ یَا مَنْ لَا یُوصَفُ بِالتَّمْثِیلِ وَلَا
نیکو و بخششهای بسیار ای انکه وصف کرده نمیشود بتشبیه کردن و
یُمَثَّلُ بِنَظِیرٍ وَلَا یُغْلَبُ بِظَهِیرٍ یَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَاَلْهَمَ
تشبیه کرده نمیشود بنظیری و مغلوب کرده نمیشود بسبب معاونی ای انکسی که افرید پس روزی داد و الهام کرد
فَاَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَارْتَفَعَ وَقَدَّرَ
پس کویا کردانید و از نو افرید پس قرار داد شرع را و بلند شد پس بغایت بلند کردید و تقدیر کرد
فَاَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَاَتْقَنَ وَاحْتَجَّ فَاَبْلَغَ وَاَنْعَمَ فَاَسْبَغَ
پس نیکو کردانید و صورت بخشید پس محکم ساخت و حجت قرار داد پس رسانید و انعام کرد پس کامل کردانید

وَاَعْطٰی فَاَجْزَلَ وَمَنَحَ فَاَفْضَلَ یَا مَنْ سَمَا فِی الْعِزِّ
و عطا کرد پس بزرک کردانید و عطیه داد پس تفضل نمود ای انکسی که بلند کردیده در عزت
فَفَاتَ خَوَاطِفَ الْاَبْصَارِ وَدَنَا فِی اللُّطْفِ فَجَازَ
پس فوت شده است از چشمهای ربایند و نزدیک شده است در مهربانی پس تجاوز کرده است
هَوَاجِسَ الْاَفْکَارِ یَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمُلْکِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِی
از بخاطر رسیدن فکرها ای انکسی که یکانه کردید به پادشاهی پس نیست مانندی برای او در
مَلَکُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَوَحَّدَ بِالْکِبْرِیَاۤءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ
پادشاهی سلطنت او و یکتا شده است به بزرکواری پس نیست معارضی برای او
فِی جَبَرُوتِ شَانِهِ یَا مَنْ حَارَتْ فِی کِبْرِیَاۤءِ هَیْبَتِهِ
در جبروت شان او ای انکسی که حیران شده است در بزرکواری مهابت او
دَقِیقُ لَطَائِفِ الْاَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَ اِدْرَاکِ عَظَمَتِهِ
دقیق از عقلهای نازک و مانده شده اند نارسیده بادراک بزرکی او
خَطَائِفُ اَبْصَارِ الْاَنَامِ یَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِینَ
ربایندکان چشمهای مردمان ای دانا بخاطر رسیدهای دلهای عالمیان
وَشَاهِدَ لَحَظَاتِ اَبْصَارِ النَّاظِرِینَ یَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ
و بیننده اشارهای چشمهای نظر کنندکان ای انکسی که خوار شده است روها
لِهَیْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَجَلَتْ لَهُ وَ
برای هیبت او و فروتنی کرده است کردنها برای عظمت و بزرکواری او و

وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ وَارْتَعَدَتِ الْفَرَائِصُ
ترسان شده اند دلها از بیم او ولرزان شده اند رگهای گردنها
مِنْ فَرَقِهِ يَا بَدِیٔ يَا بَدِيعُ يَا قَوِیُّ يَا مَنِيعُ يَا
از ترس او ای ابتدا کننده ای از نو پدید آورنده ای صاحب قوت ای منع کننده ای
عَلِیُّ يَا رَفِيعُ صَلِّ عَلَى مَنْ شَرَّفْتَ الصَّلٰوةَ بِالصَّلٰوةِ
بلند مرتبه ای رفیع الشان رحمت بفرست بر کسی که مشرف کردانیده نماز را بصلوات فرستادن
عَلَيْهِ وَانْتَقِمْ لِی مِمَّنْ ظَلَمَنِی وَاسْتَخَفَّ بِی وَطَرَدَ
بر او وانتقام بکش برای من از کسی که ظلم کرده است بر من و خفت رسانیده است بمن و منع کرده است
الشِّيعَةَ عَنْ بَابِی وَاَذِقْهُ مَرَارَةَ الذُّلِّ وَالْهَوَانِ
شیعیان را از در من وبچشان او را تلخی ذلت و خواری را
كَمَا اَذَاقَنِيهَا وَاجْعَلْهُ طَرِيدَ الْاَرْجَاسِ وَشَرِيدَ الْاَنْجَاسِ
چنانکه چشانیده است بمن آنرا و بگردان او را رانده شده پلیدان و گریخته ناپاکان
راوی گوید که چون آنحضرت از خواندن این دعا فارغ گردید
مردمان بر مامون الرشید شورید ند و در در خانه او اجتماع
نمودند و بحدی شورش و غوغا کردند که مامون الرشید را
از بودن در ان شهر منع کردند و بدین جهت از ان شهر بیرون رفت
دعائی که بجهت آسان شدن کارها از حضرت امام محمد تقی
علیه الصلوة والسلام روایت شده است محمد بن الفرج گفته است

که حضرت

که حضرت

که حضرت امام محمد تقی علیه السلام این دعا را نوشت و بجهت من
ارسال و بمن تعلیم نمود و فرمود که هر که این دعا را در عقب نماز صبح بخواند
هیچ حاجت را طلب نکند مگر آنکه حق تعالی آن حاجت را برای او میسر
و آسان گرداند و کفایت کند هر چه او را اندوهناک سازد و دعا این است
بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی
بنام خدا و رحمت کند خدا بر محمد و آل او و وا میگذارم کار خود را
اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقٰهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ
بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان پس نگاه داشت او را خدا از بدیهای
مَا مَكَرُوا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ
مکر ایشان نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد میکنم تو را بدرستی که بودم من از
الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِی
ستم کنندگان پس اجابت کردیم برای او و نجات دادیم او را از غم و چنین نجات میدهیم
الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ
مؤمنان را بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است پس برگشتند ایشان بنعمتی از جانب خدا
وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
و زیادتی نرسید بایشان مکروهی آنچه خواسته است خدا میشود نیست گردشی و نه توانائی مگر
بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَاِنْ كَرِهَ
بخدا آنچه خواسته است خدا میشود نه آنچه خواسته اند مردمان آنچه خواسته است خدا میشود و اگرچه ناخوش دارند

دعائی که بعد از نماز صبح
برآمدن حاجات و کفایت مهمات
باید خواند

النّاس حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِینَ حَسْبِیَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ
مردمان بس است مرا پروردگار از پرورده شدگان بس است مرا آفریننده از آفریده شدگان
حَسْبِیَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِینَ حَسْبِیَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ
بس است مرا روزی دهنده از روزی داده شدگان بس است مرا خدائی که پروردگار عالمیانست
حَسْبِی مَنْ هُوَ حَسْبِی حَسْبِی مَنْ لَمْ یَزَلْ قَطُّ حَسْبِی حَسْبِی
بس است مرا کسی که او بس است مرا بس است مرا کسی که همیشه در همه زمانها بس است مرا بس است مرا
مَنْ کَانَ مُنْذُ کُنْتُ حَسْبِی حَسْبِیَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
کسی که بوده است از زمانی که بوده ام کفایت کننده من بس است مرا خدا نیست خدائی مگر
هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ
او بر او توکل کرده ام و اوست پروردگار عرش بزرگ

دعا بجهت ایمن شدن از هرچه آدمی از آن ترسد و حذر نماید و مرویست از حضرت امام علی نقی علیه الصلوة والسلام

ابو الحسن منصوری روایت کرده است که ابو السری سهل بن یعقوب بن اسحق گفت که من روزی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلم عرض نمودم که ای آقای من اختیارات ایام که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست و از احسن بن عبد الله بن مطهر از محمد بن سلیمان دیلمی از پدر خود سلیمان دیلمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است در اختیار کردن

روزها بجهت کارها در هر ماه بمن رسیده است و میخواهم که آنرا بر تو عرض کنم و خاطر خود را جمع نمایم پس آنحضرت مرخص فرمود که عرض کنم و بعد از آنکه اختیارات مزبوره را عرض نمودم و تصحیح آن کردم گفتم ای آقای من در اکثر این روزها بسبب نحوستها و خوفها که در این حدیث مذکور است از پی کارها نمیتوان رفت و بسیار است که در این روز متوجه بعض کارها شدن ضرور میشود پس راهنمائی کن مرا بچیزی که بوسیله آن احتراز کنم و محافظت خود نمایم از نحوستها و مخاوف این روزها پس آنحضرت فرمود که ای سهل بدرستی که شیعیان ما را بسبب دوستی ما پناهی و نگاهدارنده هست که اگر بدریاهای عمیق و بیابانهای دور در میان درندگان و گرگان و دشمنان از جنیان و آدمیان راه روند هر آینه از همه خوفها و ترسها ایمن میباشند بسبب ولایت و دوستی ما پس بخدای عز و جل اعتماد کن و در دوستی ائمه طاهرین خالص باش و متوجه هرچه خواهی بشو و هر کاری را که اراده نمائی قصد کن ای سهل هرگاه صبح کنی سه مرتبه بگو
اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِکَ الْمَنِیْعِ الَّذِیْ لَا یُطَاوَلُ
صبح کردم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو که نزاع کرده نمیشود
وَلَا یُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ کُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ
و قصد کرده نمیشود از شر هر ستم کننده و وارد شونده در شب از جمیع هر که

دعا بجهت ایمن شدن از هرچه آدمی از آن ترسد و حذر نماید

خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق من كل

آفریده وانچه آفریده تو از مخلوقات خود تن خاموش و گویا از هرچه

مخوف بلباس سابغة وولاء اهل بيت نبيك محمد عليه

مخوف باشد بزره فراخ که آن دوستی اهل بیت پیغمبر تو که محمد است بر او

وآله السلام محتجبا عن كل قاصد لي الى اذية

و بر آل او باد سلام پوشیده شده از هر که قصد کند مرا بآزار رسانیدن

بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم و

بدیوار محکم اخلاص در اعتراف بحق ایشان و

التمسك بحبلهم جميعا موقنا ان الحق لهم ومعهم

دست زدن به پیمان ایشان همه یقین دارنده باینکه حق از برای ایشان و با ایشان

وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا

و در ایشان و بسبب ایشان است دوستی میکنم با هر که ایشان دوستی کرده اند و دوری میکنم از هر که ایشان دوری کرده اند

فصل على محمد وآله واعذني اللهم بهم من شر

پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و پناه ده مرا خداوندا بسبب ایشان از شر

ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع

انچه میترسم از آن ای بزرگ مرتبه منع کردم دشمنان را از خود بتو آفریننده

السموات والارض انا جعلنا من بين ايديهم سدا

آسمانها و زمین بدرستی که ما گردانیدیم از پیش روی ایشان سدی

ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

و از پشت سر ایشان سدی پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند

و شام نیز سه مرتبه بگو و چون چنین کنی در حصاری و قلعه

خواهی بود از همه خوفها و ترسها و ایمن خواهی بود از هر محذوری

و چون اراده کنی که متوجه کاری شوی در روزی که منع کرده باشند

و حذر فرموده باشند تو را از کردن آن کار پس پیش از آنکه متوجه آن

کار شوی بخوان سوره فاتحة الکتاب و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و

قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه را و پنج آیه سوره آل عمران را که

ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل و

بدرستی که در آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف شب و

النهار لايات لاولي الالباب الذين يذكرون الله

روز هر آینه علامتها هست از برای صاحبان عقلها که یاد میکنند خدا را

قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق

در حالی که ایستاده اند و نشسته اند و بر پهلوها خود خوابیده اند و تفکر میکنند در آفریدن

السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

آسمانها و زمین ای پروردگار ما نیافریدی تو این را باطل

سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل

بپاکی یاد میکنیم ... نگاه دار ما را از عذاب آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو هر کسی را

النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ اَنْصَارٍ رَبَّنَا
در آتش پس بتحقیق که خوار کرد ایندهٔ او را و نیست از برای ظالمان یاری کنندگان ای پروردگار ما
اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيمَانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ
بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده را که ندا میکرد برای ایمان باینکه ایمان بیاورید بپروردگار خود
فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
پس ایمان آوردیم ما ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و برطرف کن از ما گناهان ما را
وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى
و بمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده بما آنچه را که وعده کرده بما بر
رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ
زبان پیغمبران خود و خوار مکن ما را در روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را
وبعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَبِقُدْرَتِكَ
خداوندا بیاری تو حمله میکند حمله کننده و بقدرت تو
يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ اِلَّا بِكَ وَلَا
غلبه میکند غلبه کننده و نیست قوت هر صاحب قوتی مگر بتو و نیست
قُوَّةَ يَمْتَارُهَا ذُو قُوَّةٍ اِلَّا مِنْكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
قوتی که طلب کند آن را صاحب قوتی مگر از تو بحق برگزیدگان تو از مخلوقات تو
خِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلَالَتِهِ
انتخاب کرده شدگان تو از خلق تو که محمد پیغمبر تو و ذریهٔ او و اولاد او بیند

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَرَّ هٰذَا
که بر ایشان باد سلام رحمت بفرست بر او و بر ایشان و کفایت کن از من شر این
الْيَوْمِ وَضُرَّهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ وَاقْضِ لِي فِي
روز و ضرر آن را و روزی کن بمن خوبی و میمنت این روز را و حکم کن برای من در
مُنْصَرَفَاتِي بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ
تصرف کردنهای من به نیکوئی عاقبت و رسیدن بآنچه خوش آیندست او ظفر یافتن
بِالْاُمْنِيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاغِيَةِ وَالْغَوِيَّةِ وَكُلِّ
بآرزو و کفایت کردن طغیان کننده و گمراه کننده و هر
ذِي قُدْرَةٍ عَلَيَّ اَذِيَّةٍ حَتّٰى اَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ
صاحب قدرت بر اذیت را تا آنکه بوده باشم در پناه و حفظی
مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَاَبْدِلْنِي مِنَ الْمَخَاوِفِ فِيهِ
از هر بلائی و بدی و بدل کن برای من خوفها را در این روز
اَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا حَتّٰى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ
بامنیت و موانع را در این روز باسانی تا آنکه مانع نشود مرا منع کننده
عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ اَذَى الْعِبَادِ اِنَّكَ
از رجوع بتو و نرسد بمن حادثه از اذیت بندگان بدرستی که تو
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْاُمُورُ اِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ
بر هر چیز بغایت توانائی و کارها بسوی تو برمیگردد ای آنکه نیست

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ دعائی که بضرر ظالم بجهت
مثل و مانند او چیزی و اوست شنوای بینا نفرین او خوانده میشود

ومرویست از حضرت امام علی نقی علیه الصلوة والسلام
و آنحضرت از پدر بزرگوار خود و او از پدران خود علیهم السلام
روایت نموده است که مردی بخدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام آمد و شکوه نمود از شخصی که بر او ظلم
و ستم کرده پس آنحضرت فرمود که کجائی تو از دعاء مظلوم که آن دعا را
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة
والسلام تعلیم نموده و آن دعا را هیچ مظلومی بضرر ظالم خود نخوانده است مگر اینکه
حق تعالی آن مظلوم را نصرت و یاری نموده است و ضرر آن ظالم را از او رفع و دفع کرده و کفایت
کار او کرده است و دعا اینست اَللّٰهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاۤءِ طَمًّا وَعُمَّهُ
خداوندا فرو گیر او را ببلا فرو گرفتنی و بپوشان او را
بِالْبَلَاۤءِ غَمًّا وَقُمَّهُ بِالْاَذٰى قَمًّا وَارْمِهِ بِيَوْمٍ لَا مَعَادَ
ببلا پوشانیدنی و غضب کن او را باذیت غضب کردنی و بینداز او را بروزی که نباشد بازگشتی
لَهُ وَسَاعَةٍ لَا مَرَدَّ لَهَا وَاَبِحْ حَرِيمَهُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
برای او و ساعتی که نباشد رد کننده برای آن و مباح گردان حریم او را و رحمت بفرست محمد
وَاٰلِهٖ وَاكْفِنِيْ اَمْرَهُ وَقِنِيْ شَرَّهُ وَاصْرِفْ عَنِّيْ كَيْدَهُ
و آل او و کفایت کن از من کار او را و نگاهدار از من شر او را و بگردان از من مکر او را

دعای مظلوم بجهت دفع ضرر ظالم

وَاَخْرِجْ قَلْبَهُ وَسُدَّ فَاهُ عَنِّيْ وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ
و تنگ کردان دل او را و ببند دهان او را از من و پست کردیده است صداها از برای خدای بخشاینده
فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَقَدْ
پس نمیشنوی تو مگر صدای ضعیف و خوار کردیده روها از برای زنده بخود بر پا و بتحقیق
خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا اِخْسَئُوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنِ
که زیان کار است کسی که متحمل شده است ظلم را دور شوید و باشید در جهنم و سخن مگوئید با من
بعد از آن هفت مرتبه بگو صه صه دعائی که بجهت برآمدن مهم
مطالب و حاجات خوانده میشود و از حضرت صاحب الزمان صلوات الله
و سلامه علیه مرویست روایت کرده است احمد بن الدربی از خادم
ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری و او گفته است که بیرون آمد
از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة والسلام
که هر کس را بسوی حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب
جمعه غسل کند و بجای نماز خود رود و دو رکعت نماز کذارد و
در رکعت اول بخواند سوره حمد را و چون بایاک نعبد و ایاک
نستعین برسد صد مرتبه آنرا مکرر کند و بعد از آنکه صد مرتبه
تمام شود تتمه سوره حمد را یک مرتبه بخواند و بعد از تمام شدن
سوره حمد سوره قل هو الله احد را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو
سجده را بجای آورد و سبحان ربی العظیم و بحمده را هفت مرتبه

دعا بجهت برآمدن حوایج و دفع ضرر دشمنان

در رکوع بگوید و سبحان ربی الاعلی و بحمده

را در هر یك از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد

ازان رکعت دویم را نیز ما نند رکعت اول بجای اورد

و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس بدرستی که

حق تعالی البته حاجت او را بر می اورد هر گونه حاجتی که باشد

مگر انکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد و دعا اینست

اللّٰهمّ ان اطعتك فالمحمدة لك و ان عصيتك فالحجة

خداوندا اگر اطاعت کنم تو را پس ستایش برای تست و اگر عصیان کنم تو را پس حجت

لك منك الرَّوح و منك الفرج سبحان من انعم و

برای تست از جانب تست راحت و از جانب تست کشایش منزه است کسی که انعام کرده و

شكر سبحان من قدر و غفر اللّٰهمّ ان كنت عصيتك

قبول شکر کرده منزه است کسی که قادر است و امرزیده است خداوندا اگر هستم که عصیان کرده ام تو را

فانى قد اطعتك فى احب الاشياء اليك و هو

پس بدرستی که من بتحقیق که اطاعت کرده ام تو را در دوست ترین چیزها بسوی تو و ان

الايمان بك لم اتخذ لك ولدا و لم ادع لك شريكا منّا

ایمان اوردن بتو است فرا نگرفته ام برای تو فرزندی و نخوانده ام برای تو شریکی در حالتی که منت کذاشته

منك به علىّ لا منّا منى به عليك و قد عصيتك يا الهى على

از جانب خود بان بر من نه انکه منتی باشد از من بان بر تو و بتحقیق که عصیان کرده ام تو را ای خدای من بر

غير وجه المكابرة و الخروج عن عبوديتك و لا الجحود

غیر طریق منازعه و بیرون رفتن از بندگی تو و نه از راه انکار کردن

لربوبيتك و لكن اطعت هواى و ازلّنى الشيطان

پروردگاری تو و لیکن اطاعت کردم خواهش خود را و لغزانید مرا شیطان

فلك الحجة علىّ و البيان فان تعذبنى فبذنوبى غير

پس برای تست حجت بر من و تمام نمودن آن پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است در حالتی

ظالم لى و ان تغفر لى و ترحمنى فانك جواد كريم و بعد ازان تا نفس

که نیستی ظلم کننده بر من و اگر بیامرزی مرا و رحم کنی مرا پس بدرستی که تو بخشنده صاحب کرمی او وفا کند یا کریم یا

کریم را مکرر بگوید بعد ازان بگوید یا امنا من كل شىء و كل شىء

ای ایمن از هر چیزی و همه چیز

منك خائف حذر اسألك بامنك من كل شىء و خوف

از تو ترسان حذر کننده است سؤال میکنم ترا بحق ایمن بودن تو از هر چیز و ترسیدن

كل شىء منك ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تعطينى

هر چیزی از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه عطا کنی بمن

امانا لنفسى و اهلى و ولدى و سائر ما انعمت به علىّ

امنیتی برای جان من و اهل من و فرزندان من و باقی انچه انعام کرده تو بان بر من

حتى لا اخاف و لا احذر من شىء ابدا انك على كل شىء

تا انکه نترسم و حذر نکنم از چیزی هرگز بدرستی که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَ اِبْرٰهِيمَ نَمْرُودَ
بغایت توانائی و بس است ما را خدا و خوب وکیلی است ای کفایت کنندهٔ ابرهیم از شر نمرود
وَيَا كَافِيَ مُوسٰى فِرْعَوْنَ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
وای کفایت کنندهٔ موسی از شر فرعون سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و بجای فلان
محمد و اینکه کفایت کنی مرا از شر فلان پسر فلان بن فلان نام
شخصی را که از ضرر او میترسد و نام پدر او را بگوید و از حق تعالی
طلب کند که ضرر او را رفع نماید و کفایت کند پس بدرستی که
حق تعالی البته کفایت ضرر او خواهد کرد انشاء الله تعالی
و بعد از آن بسجده رود و حاجت خود را مسئلت نماید و تضرع
و زاری کند بسوی حق تعالی پس بدرستی که نیست مرد مؤمنی و زن
مؤمنه که این نماز را بگذارد و این دعا را از روی اخلاص
بخواند مگر اینکه گشوده میشود برای او درهای آسمان برای
برآمدن حاجت او و دعای او مستجاب میگردد در همان وقت و
در همان شب هر گونه حاجتی که باشد و این بسبب فضل و انعام
حق تعالی است بر ما و بر مردمان دعاء دیگر بجهت دفع ضرر ظالم
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم روایت شده است
از یونس بن عمار مرویست که گفته است که من بخدمت حضرت امام

جعفر

جعفر صادق علیه الصلوة والسلام شکوه کردم از
مردی که اذیت و آزار بمن میرسانید پس آنحضرت فرمود که
نفرین کن بر او جواب گفتم که نفرین کردم حضرت فرمود که نفرین
کردن چنان نیست که کردهٔ بلکه چنین است که توبه کن و خود را از
گناهان باز دار و نماز بگذار و تصدق بکن و چون آخر شب در رسد وضو
کامل بساز و بایست و دو رکعت نماز بگذار بعد از آن سجده کن و در حال سجود بگو
اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ آذَانِي اَللّٰهُمَّ اَسْقِمْ بَدَنَهُ
خداوندا بدرستی که فلان پسر فلان آزار کرده است مرا خداوندا بیمار کن بدن او را
وَاقْطَعْ اَثَرَهُ وَانْقُصْ اَجَلَهُ وَعَجِّلْ لَهُ ذٰلِكَ فِي عَامِهِ هٰذَا
و قطع کن خبر او را و کم کن عمر او را و تعجیل کن برای او این را در سال او این سال
راوی گوید که چنین کردم پس چندی نگذشت که آن ظالم هلاک
کردید دعاء بناء مدینه بر اطراف خود که از ائمه صادقین علیهم السلم
روایت شده است یعنی دعائی که هرگاه کسی این دعا را بخواند
پس گویا بر اطراف خود شهری و حصاری بنا کرده و
چنانکه کسی هرگاه در میان شهر و حصار باشد از شر دشمنان
بیرونی ایمن میباشد کسی که این دعا را بخواند از همهٔ شرور
و آفات و بلاها محفوظ و ایمن میگردد و این دعا چنین است
که را است بایست یا سجده کن در حالی که با طهارت باشی و بگو

دعای دیگر بجهت دفع ضرر ظالم

و دو روزه بدادم ... بجای فلان بن فلان نام آن ظالم و نام پدر او را بگوید

دعای بنای مدینه بر اطراف خود

اللّهمّ انّی احتجب الیک بنور وجهک الکریم الجلیل

خداوندا بدرستی که من پناه می‌آورم بسوی تو بحق نور ذات تو که صاحب کرم بزرگ

القدیم الرّفیع العظیم العلیّ الرّحیم القائم بالقسط

قدیم است و رفیع الشّان عظیم بلند مرتبه مهربان برپای دارنده عدل است

لا اله الّا انت العزیز الحکیم و بمحمّد و آله صلواتک

نیست خدای مگر تو که عزیز درست کرداری و بحق محمد و آل او که رحمتهای تو

علیه و علیهم اجمعین و بملائکتک المقرّبین رضوانک

بر او و بر ایشان همگی باد و بحق فرشتگان مقرّب تو که خوشنودی تو

علیهم اجمعین و ببیتک المعمور و بالسّبع المثانی

بر ایشان همگی باد و بحق بیت المعمور تو و بحق سبع المثانی

والقرآن العظیم و بکلّ من یکرم علیک من

و بحق قرآن عظیم و بحق هر کسی که گرامی است بر تو از

خلقک اجمعین لانفس اهل بیت محمّد صلواتک علیه

مخلوقات همه ایشان برای جانهای اهل بیت محمد که رحمتهای تو بر او

و علیهم و لادیانهم و لجمیع ما ملکتهم و تتفضّل به

و بر ایشان باد و برای دینهای ایشان و برای همه آنچه مالک کردانیده ایشان را و آنچه تفضل میکنی

علیهم و لانفسنا و لادیاننا و لجمیع ما ملکتنا و

بر ایشان و برای جانهای ما و برای دینهای ما و برای همه آنچه مالک کردانیده ما را

بیت المعمور خانه‌ایست و محل عبادت اهل
آسمان است که در آسمان هفتم یا در
آسمان چهارم برابر خانه کعبه معظمه
واقع شده و هر روز هفتاد هزار ملک
زیارت آن میکنند
[illegible]

تفضل

تتفضّل به علینا من شرور جمیع ما قضیت و قدّرت و

تفضل میکنی بآن بر ما از بدیهای جمیع آنچه حکم کرده و تقدیر کرده و

خلقت و من شرور جمیع ما تقضی و تقدّر و تخلق

آفریده و از بدیهای جمیع آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی و خلق میکنی

ما احییتنا و بعد وفاتنا بسم الله الرّحمن الرّحیم

مادام که زنده بداری ما را و بعد از مردن ما پناه می‌آورم باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان

قل هو الله احد الله الصّمد لم یلد و لم یولد و لم

بگو اوست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده و نیز

یکن له کفوا احد کذلک الله ربّنا و بسم الله

نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ما است و باز باین سوره بنام خدای

الرّحمن الرّحیم قل هو الله احد الله الصّمد لم یلد

بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده

و لم یولد و لم یکن له کفوا احد کذلک الله

و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا

ربّنا و بسم الله الرّحمن الرّحیم قل هو الله احد الله

که پروردگار ما است و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است

الصّمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد

بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی

كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا عَنْ فَوْقِهِمْ وَعَنْ فَوْقِنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ
چنین است خدا که پروردگار ماست از بالای سر ایشان و از بالای سر ما و باز باین سوره بنام خدای
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ
بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا
و زاییده نشده است او و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ
و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ
نزاییده و زاییده نشده است او و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا
رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است
الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ
بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی
كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا عَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ اَيْمَانِنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ
چنین است خدا که پروردگار ماست از طرفهای راست ایشان و از طرفهای راست ما و باز باین سوره بنام خدای
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و

يولد

نزاد از ایشان آمد پیغام علیهم الصلوة والسلام استغنا که از پیش و بعد ظاهر میشود

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ
زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای
اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا
زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ
و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا
نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
عَنْ يَسَارِهِمْ وَعَنْ يَسَارِنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
از طرف چپ ایشان و از طرف چپ ما و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ
بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود
لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده
الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
مهربان بگو او ست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و

یکن له کفوا احد کذلک الله ربنا وبسم الله الرحمن
نبود برای او همتا کبی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده
الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم
مهربان بگو اوست خدای یکتا خدای بزرگی که مقصود در حوایج است نزاییده و زاییده نشده است و
یکن له کفوا احد کذلک الله ربنا عن امامهم وعن
نبود برای او همتا کبی چنین است خدا که پروردگار ماست از پیش روی ایشان و از
امامنا وبسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله
پیش روی ما و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است
الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله
بزرگی که مقصود در حوایج است نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کبی چنین است خدا
ربنا وبسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود در حوایج است
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله
نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کبی چنین است خدا
ربنا وبسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است بزرگی که مقصود در حوایج است
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله ربنا عن
نزاییده او زاییده نشده است و نبود برای او همتا کبی چنین است خدا که پروردگار ماست از

حوالیهم وعن حوالینا عصمة وحصنا وحرزا لهم
همه اطراف ایشان و از اطراف ما تا اینکه نگاهدارنده و قلعه و پناهی باشد برای ایشان
ولنا من کل سوء وضر ومکروه ومخوف ومحذور
و برای ما از هر بدی و ضرری و ناخوشی و خوف و ترسیده شده
وشفاء ما عشنا وبعد ما متنا بقدرة ربنا انه
و شفا و ما دام که زنده باشیم و بعد از انکه بمیریم بقدرت پروردگار ما بدرستی که او
علی کل شیء قدیر ولکل شیء حفیظ وصلی الله علی
بر همه چیز بغایت تواناست و برای هر چیز بتنهایی حفظ کننده است او رحمت فرستد خدا
محمد واله اجمعین دعاء برضرر ظالم و نفرین بر او
محمد و ال او همگی مردی امد بخدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام و شکوه کرد از ظالمی که برو ستم میکرده پس انحضرت
امر کرد او را بخواندن این دعا و نهی فرمود او را از خواندن
این دعا بر ضرر کسی که در دین و مذهب با او موافق باشد و دعا
اینست یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان فلان بن فلان ظلمنی
ای یاری کننده مظلوم زیادتی کرده شده بر او بدرستی که فلان پسر فلان ظلم کرده است مرا
وبغی علی فابتله بفقر لا تجبره وبلاء لا تستره
و زیادتی کرده است بر من پس مبتلا کن او را بفقری که تدارک نکنی او را و بلائی که نپوشانی انرا
و انحضرت فرمودند که این دعا را کسی بر ظالم خود نخوانده است مگر

دعا بجهت دفع ظالم

بجای فلان بن فلان نام ان ظالم و نام پدر او را بگوید

مرتبه مگر آنکه حق تعالی مبتلا کرده است آن ظالم را به پیسی که در
پیشانی او نمایان بوده و بعد از پیسی اورا بی چیز و محتاج
کردانیده است دعاء دیگر بجهت دفع ضرر دشمن شیخ ابو جعفر طوسی
علیه الرحمة در کتاب مصباح ذکر کرده است که هر که دشمنی
داشته باشد که آزار باو رساند پس در سجدهٔ
دویم از دو رکعت اول نماز شب بخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ قَدْ شَهَرَنِی وَ نَوَّهَ بِی
خداوندا بدرستی که فلان پسر فلان بتحقیق که ظاهر ساخته است عیب مرا و شهرت داده است مرا
وَ عَرَّضَنِی لِلْمَکَارِهِ اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْهُ عَنِّی بِسُقْمٍ عَاجِلٍ
و در آورده است مرا در معرض ناخوشیها خداوندا پس باز کردان اورا از من به بیماری زود
یَشْغَلُهُ عَنِّی اَللّٰهُمَّ وَ قَرِّبْ اَجَلَهُ وَ اقْطَعْ اَثَرَهُ وَ عَجِّلْ
که مشغول سازد اورا از من خداوندا و نزدیک کردان اجل اورا و قطع کن اثر اورا و تعجیل کن
ذٰلِکَ یَا رَبِّ اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ دعای دیگر بجهت دفع دشمن
این را ای پروردگار من در این ساعت در این ساعت در سجدهٔ دویم رکعت دویم نماز شب
بخواند این دعا را که یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ اَسْاَلُکَ مِنْ
ای بلند رتبه ای بزرگ مرتبه ای بخشاینده ای مهربان سؤال میکنم ترا از
خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ خَیْرِ اَهْلِهَا وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ
خیر دنیا و آخرت و خیر اهل آن و پناه میبرم بتو از شر

دعا بجهت دفع دشمن

یعنی در سجدهٔ دویم از دو رکعت اول نماز شب و در سجدهٔ دویم رکعت دویم نماز شب این دعا را بخواند و بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر اورا بگوید

دعای دیگر بجهت دفع دشمن

الدنیا

الدُّنْیَا وَ شَرِّ اَهْلِهَا اَللّٰهُمَّ اقْرِضْ اَجَلَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ
دنیا و شر اهل آن خداوندا قطع کن اجل فلان پسر فلان را و
اَبْتُرْ عُمْرَهُ وَ عَجِّلْ بِهِ وَ الْحَاحِ و مبالغه کن در دعا کردن
کوتاه کردان عمر اورا و تعجیل کن در این پس بدرستی که حق تعالی کار آن دشمن
کفایت میکند و ضرر اورا دفع مینماید از تو دعای نوشتن رقعه
بجناب مقدس الهی جل شانه و عظم برهانه حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه فرموده است که هرگاه در محنتی و مشقتی
سخت افتی یا بجنس پادشاه جابر گرفتار شوی پس توکل کن بر خدا و بنویس این را
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
بنام خدای بخشاینده مهربان از جانب بندهٔ خوار فلان پسر فلان
اِلَی الْمَوْلَی الْجَلِیلِ اللّٰهِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
بسوی آقای بزرگوار خدائی که نیست خدائی مگر او زندهٔ بخود برپا
وَ سَلَامٌ عَلٰی آلِ یٰسٓ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ
و سلام بر آل یاسین باد محمد و علی و حسن و حسین و
عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنُ
علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر
جَعْفَرٍ وَ عَلِیُّ بْنُ مُوسٰی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ
جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن

بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر اورا بگوید

نوشتن رقعه بجناب مقدس الهی جل شانه

بن علی و الحجة بن الحسن حجتک یا رب علی خلقک اللهم
پسر علی و حجت پسر حسن حجت تواند ای پروردکار من بر خلق تو خداوندا
انی اسئلک بانی اشهد انک الله الهی و اله الاولین
بدرستی که من سؤال میکنم تورا باینکه من کواهی میدهم باینکه تو خدائی خدای منی و خدای پیشینیان
والآخرین و لا اله غیرک اتوجه الیک بحق هذه
و پسینیانی و نیست خدائی غیر تو روی میآورم بسوی تو بحق این
الاسماء التی اذا دعیت بها استجبت و اذا سئلت
نامهائی که هرکاه خوانده شوی بآنها اجابت میکنی و هرکاه سؤال کرده شوی
بها اعطیت لما صلبت علیهم و هونت علی خروج روحی
بآنها عطا میکنی مکر اینکه رحمت فرستی برایشان و آسان کردانی بر من بیرون رفتن جان مرا
و کنت قبل ذلک عیاذا و مجیرا ممن اراد ان یفرط
و بوده باشی پیش از آن پناهی و پناه دهنده از هرکه اراده داشته باشد اینکه زیاده
علینا او ان یطغی و بعد از انکه این را نوشتی در میان قدری
بر ما یا اینکه طغیان کند از کل بکذار و سوره یس را بخوان و بینداز
انرا بدریا و اکر انداختن بدریا ممکن نباشد پس بیند از انرا در
چاه یا چشمهٔ آبی که بتو نزدیک باشد مؤلف کتاب علیه الرحمة
کوید که از اول کتاب تا باین موضع سی کنج است از دعاهای
جامع که کمان نیست که در مجموعهٔ کسی جمع شده باشد پس باید

که از روی جد و جهد متوجه آن شوی و بعقل ثاقب و رای صائب
خود آنرا تامل نمائی تا باین وسیله حق تعالی برساند ترا باردوها
تو و عطا کند مطالب و حوایج تورا بفضل و کرم و انعام خود ان
شاء الله تعالی دعای اعتقاد که مؤلف علیه الرحمه انشا نموده و
مشتمل است بر اقرار و اعتراف کردن باصول دین و بجمیع انچه نزد
فرقهٔ محقهٔ ناجیه شیعهٔ اثناعشریه اعتقاد کردن بان لازم است

دعای اعتقاد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اشهدک و
بنام خدای بخشایندهٔ مهربان خداوندا بدرستی که من کواه میکیرم تورا و
کفی بک شهیدا و اشهد السفرة الکرام البررة
بسی تو برای کواه بودن و کواه میکیرم نویسندکان کرامی نیکوکاران
من ملائکتک و الخیرة من رسلک و انبیائک و صفوتک
از فرشتکان تورا و خوبان از رسولان تورا و پیغمبران تو و برکزیدکان تورا
و اولیائک المخلصین من بریتک انی اشهد انک
و دوستان باخلاص از خلق تورا اینکه من کواهی میدهم اینکه تو
انت الله لا اله الا انت الواحد فی الالهیة الفرد
توئی خدائی که نیست خدائی مکر تو یکتای در خدائی تنهای
فی الازلیة الاول الذی لیس له قبل فیکون شیء
در همیشه بودن اول که نیست برای او چیزی تا اینکه بوده باشد چیزی

قبله والآخر الذي ليس له بعد فيكون شيء بعده
پیش ازو وآخری که نیست برای او بعدی تا اینکه بوده باشد چیزی بعد ازو
والظاهر لا بكثافة والباطن لا بلطافة القديم الذي
وظاهر است نه بکثیف بودن وپنهان است نه بلطیف بودن قدیمی است که
لا يحول الدائم الذي لا يزول الحي الذي لا تلحقه
تغیر نمییابد دایمی است که برطرف نمیشود زنده ایست که نمیرسد باو
الآفات الموجود الذي لا تتغير عليه الحادثات
آفتها موجودیست که متغیر نمیشود بوارد شدن حادثها براو
القدير الذي لا نهاية لمقدوراته العليم الذي لا
توانائی است که نیست آخری برای مقدورات او دانایست که نیست
غاية لمعلوماته تعلم دبيب النملة السوداء على
نهایتی برای معلومات او میدانی تو حرکت کردن مور سیاه را بر
الصخرة الصماء في الليلة الظلماء تعلم خائنة
سنگ خارا در شب تار میدانی تو خیانت
الأعين وما تخفي الصدور ليس كمثلك شيء وأنت
چشمها را وآنچه پنهان میدارند از آن سینها نیست مثل ومانند تو چیزی وتوئی
السميع البصير لم تزل كذلك ولا تزال ما اختلف عليك
شنوای بینا همیشه تو چنین بوده وهمیشه چنین خواهی بود مختلف نشده بر تو

دهر فتختلف منك الحال ولا كنت في مكان فيجوز عليك
روزگار تا اینکه مختلف شود از تو حال ونبوده تو در مکانی تا اینکه روا باشد بر تو
الانتقال الواحد لا ثاني لك في القدم المحدث للأشياء
انتقال یگانه که نیست دومی برای تو در قدیم بودن پدید آورنده چیزها را
بعد العدم الغني لا تحتاج وكل العباد إليك محتاج
بعد از نبودن بی نیازی که محتاج نمیشوی وهمه بندگان بسوی تو محتاجند
لا يبليك الليل والنهار ولا يجوز عليك الشهرة
کهنه نمیکند ترا شب وروز وجایز نیست بر تو شهرت کردن بعیب
والنفار تعاليت عن اتخاذ الأبناء وتقدست عن
ونفرت کردن از تو برتری تو از فراگرفتن فرزندان ومقدسی تو از
ملامسة النساء لم تلد فتكون مولودا ولم تولد
مباشرت کردن با زنان نزائیده تا اینکه بوده باشی خود زائیده شده ونزائیده شده
فتكون محدودا ولا تنالك الأوهام فتقدرك
تا اینکه بوده باشی اندازه کرده شده ونمیرسد بتو عقلها تا اینکه اندازه کنند ترا
ولا تتوهمك الفطن فتصورك ولا تدركك الحواس
ونمیفهمند ترا زیرکان تا اینکه بصورتی درآورند ترا وادراک نمیکنند ترا حاسها
ولا يلمسك المماس ولا توصف بالتجزي والانقسام
ولمس نمیکند ترا لمس کننده وموصوف نمیشوی بپاره شدن ومنقسم کردیدن

ولا تشبه بالجواهر والاجسام ولا بعرض من الاعراض
وتشبيه كرده نميشوی بجوهرها وجسمها ونه بعرضی از عرضها
ولا بالغيرية والابعاض ولا كفو لك فيكافيك
ونه بمغايرت داشتن با چيزها وجزو بودن بر آن چيزها ونيست مانندی برای تو تا اينكه برابری كند با تو
ولا نظير فيساويك لست في الاشياء بوالج ولا
ونه نظيری تا اينكه مساوی باشد با تو نيستی تو در چيزها داخل شونده ونه
عنها بخارج انشات الخلائق انشاء وابتدأتها
از آنها بيرون رونده از نو آفريدی همه مخلوقات را از نو آفريدنی وابتدا كردی آنها را
ابتداء على غير مثال خلا من غيرك ولم تستعن على
ابتدا كردنی بر غير اينكه نمونه پيش بوده باشد از غير تو وطلب ياری نكردی بر
خلقها باحد من خلقك بل رفعت السماء بغير دعائم
خلق كردن آنها بيكی از خلق خود بلكه خود بلند كردی آسمانرا بغير ستونها
واقمتها بلا قوائم وحصنتها من الاود والاعوجاج
وبر پا داشتی آنرا بی پايها ومحكم ساختی آنرا از ميل كردن وكج شدن
ومنعتها من التهافت والانفراج وامسكت الارض
ومنع كردی آنرا از افتادن وشكافتن ونگاه داشتی زمين را
بلا امساك ودسار وارسيتها على غير قرار علمك بها
بی آنكه نگاه داشتن ورسيمانی وثابت كردی آنرا بی آنكه بر جائی قرار كرد علم تو با آنها

قبل تكونها كعلمك بعد تبيينها لم تكونها
پيش از خلق كردن آنها مانند علم تست با آنها بعد از ظاهر كردانيدن آنها خلق نكردی آنها را
لتفيد سلطان ولا خوفا من زوال ونقصان بل
از برای جاری كردن سلطنت خود ونه از جهت خوف از بر طرف شدن وناقص بودن بلكه
استشهدت بحدوثها على ازليتك وبما وسمتها
گواه گرفتی بتازه بودن آنها بر هميشه بودن خود وبآنچه نشان كرده آنها را
به من العجز على قدرتك وبما اضطررتها اليه من
بآن از عاجز بودن بر توانائی خود وبآنچه مضطر ساختهٔ آنها را بسوی آن از
الفناء على ديموميتك لم يخل منك مكان فتدرك
بر طرف شدن بر باقی بودن خود خالی نيست از تو مكانی تا اينكه ادراك كنند تو را
بابنية ولا لك شبح مثال فتنعت بكيفية حارت
باينكه در چه مكانی ونيست برای تو اندازهٔ مشخصی تا اينكه وصف كرده شوی باينكه بر چه حالی حيران شده است
في ملكوتك مذاهب التفكير وانقطعت دون
در پادشاهی بزرگ تو راههای فكر ومنقطع شده است راسخ
الرسوخ في العلم بك جوامع التفسير لم تحلل في
نشده در علم بتو بيانهای جامع فرود نيآورده خود را در
الاشياء فيقال انت فيها كائن ولم تناء عنها فيقال
چيزها تا اينكه گفته شود كه تو در آنها هستی ودور نشده از آنها تا اينكه گفته شود

انت بها بائن واشهد يا الهي انك المتكلم بلا لسان

که تو از انها جدائی وگواهی میدهم ای خدای من اینکه توئی سخن گوینده بی زبانی

ولهوات والسامع بلا خروق وادوات تقول ولا

وکامها وشنونده بی شکافها و التها میکوئی تو و بر

تلفظ وتحفظ ولا تحفظ وانما کلامک فعل

زبان جاری نمیکنی وحفظ میکنی واندک غافل نمیشوی وبدرستیکه سخن تو نیست مگر فعلی

منک انشاته وذکر مبارک انزلته لم یکن قبل

از توکه بدید اورده انرا وذکر مبارکی است که فرو فرستاده انرا که نبوده است پیش از

ذلک کائنا ولو کان قدیما لکان الها ثانیا واشهد یا

این موجود واگر میبود همیشه هر اینه خواهست بود خدای ثانی وگواهی میدهم ای

الهی انک العادل فی القضایا والقسم الجواد بفوائد

خدای من اینکه توئی عادل در حکمها وقسمتها بخشنده بنفع دارنده

العوائد والنعم الحکیم فی افعالک فهی للحکمة

از بخششها ونعمتها حکیمی در کارهای خود پس انها با حکمت

والصواب مطابقة واقوالک فهی للحق والصدق

و درستی مطابقند وحکیمی در قولهای خود پس انها با حق وراستی

موافقة تعالیت عن ارادة الظلم والاستفساد

موافقند برتری تو از اراده کردن ظلم وطلب کردن فساد

وتکرمت عن خلق افعال العباد کما تنزهت عن

و مکرمی تو از افریدن افعال بندکان چنانکه منزهی تو از

الصاحبة والاولاد لا ترضی لعبادک الکفر

فرا گرفتن زن و فرزندان راضی نمیشوی برای بندکان خود کفر را

ولا تشاء الفساد ولا ترید منهم الا الصلاح والرشاد

واشاره کرده نمیشوی بفساد واراده نمیکنی از ایشان مگر خوبی وراه حق را

بل انت الرحیم بهم المحسن الیهم المیسر ما کلفتهم

بلکه توئی مهربان با یشان احسان کننده بسوی ایشان اسان کننده انچه را که تکلیف کرده تو ایشانرا

علیهم بالتمکین منه والاقتدار علیه والارشاد

بر ایشان بتمکین کردن ازان وقدرت دادن بران و راه نمودن

له والهدایة الیه اذ عرضتهم بذلک للثواب

برای ان وهدایت کردن بسوی ان چونکه در عرضه در اوردی ایشانرا باین برای ثواب

العظیم والنعیم المقیم الذی لا یحسن ایصاله

عظیم وبهشت ثابتی که نیکو نبود رسانیدن ان

الیهم الا بالاستحقاق ویقبح فعله باهل الجحود

بایشان مگر باستحقاق و قبیح بود کردن این کار با اهل انکار

والشقاق والکفر والنفاق لم تمنعهم فی دینهم

ومنازعه و کفر ونفاق منع نکردی از ایشان در باب دین ایشان

لطفاً و لا اصلاحاً و لا تحرمهم فوزاً و لا فلاحاً ربّبتنا

لطفی را و نه خوبی را و محروم نکردی ایشانرا از رسیدن بمقصود و نه از رستگاری تربیت کردی ما را

في الدّنيا بنعمتك و احسانك و اشرت لنا في الآخرة

در دنیا بنعمت خود و احسان خود و اشاره کردی برای ما در آخرت

الی عفوك و غفرانك خبرك الينا نازل و شرّنا

بسوی عفو خود و آمرزش خود خبر تو بسوی ما فرود آینده است و شرّ ما

اليك صاعدٌ لم يزل و لا يزال ملكٌ كريمٌ يأتيك

بسوی تو بالا رونده است همیشه و همیشه ملکی گرامی می آید بنزد تو

عنّا بعملٍ قبيحٍ فلا يمنعك ذلك ان تحوطنا بنعمك

از جانب ما با عمل زشتی پس منع نمیکند ترا این حال از اینکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود

و تتفضّل علينا بكرمك فسبحانك ما احلمك و

و تفضل کنی بر ما بکرم خود پس منزهی تو چه بردباری تو و

اكرمك و ما افشى فينا صنائعك و نعمك لا

چه صاحب کرمی تو و چه بسیار است در پیش ما کردارها خوب تو و نعمتهای تو

تكلّف الّا دون الطّاقة و لا تأمر الّا بالاستطاعة

تکلیف نمیکنی مگر کمتر از طاقت و امر نمیکنی مگر بقدر استطاعت

قضاؤك خيرةٌ و تقديرك عدلٌ و هبتك ابتداءٌ

حکم تو پسندیده شده است و تقدیر تو بعدالت است و بخشش تو ابتدائی است

و عفوك فضلٌ لا تحدث في خلقك من فنون الآلام

و در گذشتن تو تفضل است احداث نمیکنی در خلق خود از اقسام دردها

و الامراض الّا لما تقتضيه الحكمة من لطائف الاغراض

و بیماریها مگر بجهت آنچه اقتضا میکند آنرا حکمت از غرضهای لطیف تو

و ترتّبه لهم من جلائل الاعواض و اشهد انّك

و وعده میکنی آنرا برای ایشان از عوضهای عظیم و گواهی میدهم اینکه تویی

المفني الاشياء بعد وجودها حتّى تصير موجودها

برطرف کننده چیزها بعد از بودن آنها تا اینکه بگردد بوده آنها

كمفقودها و ليس فناء الدّنيا بعد ابتداعها

مثل نبوده آنها و نیست برطرف شدن دنیا بعد از نو بدید آمدن آن

باعجب من انشائها و اختراعها و انّك تعود بعد

عجیب تر از نو بدید آوردن آن و اختراع کردن آن و اینکه تو خواهی بود بعد از

فناء الدّنيا وحدك لا شيء معك كما كنت قبل ابتدائها

برطرف شدن دنیا یگانه که نباشد چیزی با تو چنانکه بودی تو پیش از ظاهر شدن دنیا

كذلك تكون بعد فنائها بلا وقتٍ و لا مكانٍ و لا

چنین میباشی بعد از برطرف شدن آن بی وقتی و بی مکانی و بی

زمانٍ عدمت عند ذلك الاحيان و الاوقات و زالت

زمانی معدوم میشود نزد آن زمانها و وقتها و برطرف میشود

السِّنُونَ وَالسَّاعَاتُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ كَمَا بَدَاْتَ اَوَّلَ خَلْقٍ
سالها وساعتها وكواهي ميدهم اينكه تو چنانكه ابتدا كرده اول خلق را
نُعِيدُهُ لِمُرَادِ عَدْلٍ فِي الْعَالَمِينَ تُرِيدُهُ وَمُرَادِ فَضْلٍ
بر ميكردانى انرا بجهت اراده عدالتى كه در همه عالميان اراده دارى انرا و اراده تفضلى
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ تُفِيدُهُ وَتُبَعْثِرُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَتُحَصِّلُ
كه بر همه مؤمنان مى بخشى انرا وبيرون مى آورى كسانى را كه در قبرها يند و حاصل ميكردانى
مَا فِي الصُّدُورِ تَجْزِي بِالْاَعْمَالِ الصَّالِحَاتِ وَتُخَلِّدُ
انچه را كه در سينها است جزا ميدهى بسبب كردن كارهاى خوب ومخلد ميكردانى
الْمُؤْمِنِينَ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ وَلَا تُحْبِطُ ثَوَابَ شَيْءٍ
همه مؤمنانرا در چمنهاى بهشتها وباطل نميكنى ثواب چيزى
مِنَ الطَّاعَاتِ وَتَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَلَا تَغْفِرُ
از طاعتها را ودرميكذرى از بسيارى از كناهان ونمى امرزى
اَنْ يُشْرَكَ بِكَ اِذْ وَعَدْتَ الْكُفَّارَ بِالْخُلُودِ فِي النَّارِ
اينكه شرك ورزيده شود بتو چونكه وعده كرده كافرانرا بمخلد بودن در اتش
فَلَا يَنْجُونَ مِنْ عِقَابِكَ وَتَغْفِرُ مَا دُونَ الشِّرْكِ مِنَ الذُّنُوبِ
پس نجات نمى يابند از عقاب تو ومى امرزى انچه غير شرك است از كناهان
لِمَنْ تَشَاءُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَمَا وَعَدْتَ فِي كِتَابِكَ وَلَا تَظْلِمُ
براى هركه ميخواهى از مؤمنان چنانكه وعده كرده در كتاب خود وظلم نميكنى

مثقال

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَاِنْ تَكُ حَسَنَةً تُضَاعِفْهَا وَتُؤْتِ مِنْ لَدُنْكَ
بمقدار سنكينى يك ذره واكر بوده باشد ان ذره نيكى مضاعف ميكنى انرا وعطا ميكنى از نزد خود
اَجْرًا عَظِيمًا وَاَشْهَدُ يَا اِلٰهِي اَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَ مِنْ عِبَادِكَ
اجرى عظيم وكواهى ميدهم اى خداى من اينكه تو بتحقيق كه انتخاب كرده از ميان بندكان خود
صِفْوَةً لِنَفْسِكَ جَعَلْتَهُمْ اُمَنَاءَ عَلَى وَحْيِكَ وَسُفَرَاءَ
بركزيدكانى چند براى خود كه كردانيده ايشانرا امينان بر وحى خود وخبر اورندكان
بَيْنَكَ وَبَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَاَهْبَطْتَ اِلَيْهِمُ الرُّسُلَ مِنْ مَلٰئِكَتِكَ
ميان تو وميان خلق تو وفرو فرستاده بسوى ايشان رسولان از فرشتكان خود را
وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبَعَثْتَ اِلَيْهِمُ الرُّوحَ الْاَمِينَ
وبركزيده ايشانرا بر همه عالميان وبرانكيخته بسوى ايشان روح الامين را
وَرَضِيتَهُمْ حُجَجًا عَلَى خَلِيقَتِكَ وَتَرَاجِمَةً لِحِكْمَتِكَ
وپسنديده ايشانرا كه حجتى چند باشند بر خلق تو وبيان كننده باشند مر حكمتهاى تورا
فَهُمْ اَنْبِيَاؤُكَ الْمُجْتَبَوْنَ وَاَصْفِيَاؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ
پس ايشان پيغمبران پسنديده تو اند وبركزيدكان بركزيده تو اند
كُلَّمَا مَضَى مِنْهُمْ سَلَفٌ عَقَّبَهُمْ لِحِفْظِ دِينِكَ خَلَفٌ حَتَّى
هرچه كذشت از ايشان پيشى در عقب ايشان در امد براى نكاهدارى دين تو جانشينى تا اينكه
انْتَهَتْ كَرَامَتُكَ اِلَى اَجَلِّهِمْ وَاَكْمَلِهِمْ وَسَيِّدِهِمْ
منتهى شد كرامت تو بسوى بزركوارترين ايشان وكامل ترين ايشان وبزرك ايشان

وَافضلهم محمد صلواتك عليه وآله فاخرجته من
و بهتر از همه ایشان که محمد است رحمتهای تو بر او و بر آل او باد پس بیرون آوردی تو آنحضرت را از
افضل المعادن محتدا واکرم المغارس منبتا و
بهترین معدنها از جهت محل و از گرامی ترین کشت زارها از جهت رویدن و
اعز الخلائق ارومة وافضلها اكرومة وخصصته
عزیزترین همه خلایق از جهت اصل او و افضل از همه ایشان از جهت گرامی بودن و مخصوص گردانیدی او را
بالكتاب القويم والقرآن الكريم والصراط المستقيم و
بکتاب درست و راست و قرآن کریم و راه راست و
نسخت بشريعته شرائع الماضين وختمت به النبيين
برطرف کردی بشریعت او شرعهای گذشتگان را و ختم کردی باو پیغمبران را
واتممت به عدد المرسلين فلا نبي بعده الى يوم الدين
و تمام کردی باو عدد رسولان را پس نیست پیغمبری بعد از او تا روز جزا
واشهد انهم خيرتك من خلقك مطهرون معصومون
و گواهی میدهم اینکه ایشان برگزیدگان تو اند از خلق تو پاکیزگانند معصوماند از گناه
موفقون للصواب في الفعال والمقال صادقون فيما
توفیق داده شدگانند برای درستی در کردار و گفتار راست گویانند در آنچه
ادوه الى العباد على جميع الاحوال واشهد يا الهي انك
رسانیده اند از سوی بندگان بر همه حالها و گواهی میدهم ای خدای من اینکه تو

لم تخل

لم تخل الارض ولن تخليها قط من حجة لك على خلقك
خالی نکذاشته زمین را و خالی نخواهی گذاشت آنرا هرگز از کسی که حجت باشد برای تو بر خلق تو
حافظ لشريعتك مستودع لحكمتك مؤيد ببرهانك
که حفظ کننده باشد مر شریعت تو را سپرده شده باشد نزد او حکمت تو تقویت کرده شده باشد بدلیل واضح تو
مخصوص بسلطانك معصوم من الخطأ والزلل موثوق
مخصوص باشد بسلطنت تو معصوم باشد از غلط و لغزش اعتماد کرده شده باشد
به في القول والعمل جعلته افضل دهره واعلم
باو در گفتار و کردار که گردانیده باشی او را بهترین اهل روزگار خود و داناترین
خلق عصره وسيد قرانه واشجع زمانه واشهد
خلق در عصر خود و بزرگ همچشمان خود و شجاع ترین اهل زمان خود و گواهی میدهم
ان المخصوص بهذه الصفات والمتسم بهذه السمات
اینکه مخصوص باین صفتها و نشان شده باین علامتها
بعد نبينا محمد صلواتك عليه وآله بلا فصل امير
بعد از پیغمبر ما محمد که رحمتهای تو بر او و بر آل او باد بی فاصله امیر
المؤمنين وسيد الوصيين وامام المتقين وقائد
مؤمنان و بزرگ جانشینان و پیشوای متقیان و کشاننده
الغر المحجلين علي بن ابي طالب عليه السلام ثم السبط
خوبان ممتاز علی پسر ابی طالب است بر او باد سلام بعد از او فرزند او

الإمام والسيد الهمام الحسن بن علي ثم سيد الشهداء
كه امام و بزرگ و شجاع و سخی است حسن پسر علی بعد از و بزرگ شهیدان
وافضل الاصفياء الحسين بن علي ثم سيد العابدين
و بهترین برگزیدگان حسین پسر علی است بعد از و بزرگ عابدان
وقرة عين الزاهدين علي بن الحسين ثم البدر الباهر
و روشنی چشم زاهدان علی پسر حسین است بعد از و ماه تمام روشن
والعلم الزاهر والإمام الباقر محمد بن علي ثم السيد
و نشان درخشان و امام شکافنده علوم محمد پسر علی است بعد از و بزرگ
الناطق والإمام الصادق جعفر بن محمد ثم الامين العالم
سخن گو و امام راست گو جعفر پسر محمد است بعد از و امین دانا
والإمام الكاظم موسى بن جعفر ثم الحجة المرتضى و
و امام فرو برنده خشم موسی پسر جعفر است بعد از و حجت برگزیده و
الإمام الرضا علي بن موسى ثم الجواد السخي والإمام
امام پسندیده علی پسر موسی است بعد از و بخشنده با سخاوت و امام
النقي محمد بن علي ثم الوصي الولي والإمام النقي
پرهیزکار محمد پسر علی است بعد از و جانشین دوست و امام پاکیزه
علي بن محمد ثم النور المضيء والإمام الزكي الحسن بن علي
علی پسر محمد است بعد از و نور روشن کننده و امام پاکیزه حسن پسر علی است

ثم وصي الاوصياء وامام الاتقياء الولي الوفي
بعد از و جانشین همه جانشینان و امام پرهیزکاران دوست و فادار
المهدي الحجة المؤتمن ابن الحسن صلواتك عليهم
حضرت مهدی که حجت امانت دار خدا و پسر حسن است رحمتهای تو بر ایشان
اجمعين واشهد انهم اولياؤك المصطفون وحزبك
همگی باد و گواهی میدهم اینکه ایشان دوستان برگزیده تواند و طایفه
الغالبون واصفياؤك الصادقون الذين جللتهم
غلبه کننده تواند و برگزیدگان صادق تواند که بزرگ گردانیده ایشانرا
بكرامتك وغذيتهم بحكمتك واصطفيتهم على
بکرامت خود و غذا داده ایشانرا بحکمت خود و برگزیده ایشانرا بر
بريتك وارتضيتهم لحفظ شريعتك لا امامة بعد
خلق خود و پسندیده ایشانرا برای حفظ شریعت خود نیست امامی بعد از
النبي لمن عداهم ولن يستحقها احد سواهم وهم
پیغمبر برای کسی غیر ایشان و هرگز مستحق آن نبوده کسی سوای ایشان و ایشانند
الشهداء يوم القيمة على رعاياهم لا تقبل الاعمال
گواهان در روز قیامت بر رعیتهای خود قبول کرده نمیشود عملها
الا بمعرفتهم وولايتهم ولا تنال السعادة الابدية
مگر بشناختن ایشان و دوستی ایشان و ادراک کرده نمیشود نیکبختی دایمی

اِلّا بِالتَّمَسُّكِ بِعُرْوَتِهِمْ فَاِنَّهُمْ سُفُنُ النَّجَاةِ وَعَيْنُ الْحَيَاةِ

مگر بدست زدن بحلقهٔ محبت ایشان پس بدرستی که ایشان کشتیهای نجاتند وچشمهٔ آب حیوةاند

وَمَثَلُهُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ

ومثل ایشان مثل کشتی نوح است که هر که سوار شد بران نجات یافت وهر که تخلف کرد

عَنْهَا هَوَى وَلَا يُجَازُ الصِّرَاطُ اِلَّا بِجَوَازِهِمْ وَلَا يُنْجَزُ

ازان هلاک شد وگذشته نمیشود از پل صراط مگر بگذرانیدن ایشان ونمیرسد کسی

الْمَوْعُودُ اِلَّا بِاِنْجَازِهِمْ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ شَهَادَاتِي وَاعْتِقَادَاتِي

بانچه وعده شده است مگر برسانیدن ایشان خداوندا اینها شهادتهای من واعتقادات منست

عَقَدْتُهَا بَعْدَ اَنِ اعْتَقَدْتُهَا فَاكْتُبْهَا لِي عِنْدَكَ

محکم کردم آنهارا بعد از انکه اعتقاد داشتم بانها پس بنویس انهارا برای من نزد خود

مَعَ شَهَادَةِ اُولِي الْعِلْمِ حَتّٰى تُؤَدِّيَهَا اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

با شهادت صاحبان علم تا انکه اداکنی انهارا بسوی من در روز قیامت

وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَتَقْضِيَ لِي بِهَا مِنَ السَّعَادَةِ مَا اَنْتَ

وحال انکه تو از من راضی باشی وحکم کنی برای من بانها از نیک بختی انچه را که تو

قَاضٍ فَقَدْ اَوْجَبْتَ لِي بِهَا غُفْرَانَكَ وَجِنَانَكَ وَالْمُكْثَ

حکم کننده وحال انکه البته واجب کرده بتحقیق برای من بانها امرزش خود وبهشتها خودرا وباقی ماندن

لِي بِبَرَكَتِهَا رِضْوَانَكَ وَاِحْسَانَكَ وَاَحْلَلْتَنِي بِهَا دَارَ

مرا ببرکت انها در خوشنودی تو واحسان تو وفرود اوردی مرا بانها در خانهٔ

الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنِي فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنِي

اقامت از فضل خود درحالی که نرسد بمن درانخانه تعبی ونرسد بمن

فِيهَا لُغُوبٌ وَاَحْيِنِي عَلَيْهَا مَا اَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا

درانخانه واماندگی وزنده بدار مرا برین اعتقادات مادام که زنده میداری مرا وافر کرده شده

وَاَمِتْنِي عَلَيْهَا اِذَا اَمَتَّنِي مَسْرُورًا وَابْعَثْنِي بِهَا

وبمیران مرا برین اعتقادات هر گاه بمیرانی مرا خوشحال وبرانگیزان مرا با این اعتقادات

اِذَا بَعَثْتَنِي مَحْبُورًا وَاجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ

هرگاه برانگیزانی مرا شادمان وبگردان این اعتقادات را برای من نزد خود عهدی در روز

اَلْقَاكَ مَنْشُورًا رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيمَانِ

که ملاقات کنم ترا پهن کرده شده ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم نداکننده را که ندا میکرد برای ایمان

اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ

باینکه ایمان بیاورید بپروردگار خود پس ایمان اوردیم ما ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و

كَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَاٰتِنَا

برطرف کن از ما گناهان ما را وبمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما وبده بما

مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا

انچه را که وعده کرده بما بر زبان پیغمبران خود وخوار مکن ما را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

در روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را

دعاهای وسایل بسوی مسایل که اینها را حضرت امام محمد تقی بمهر دختر مامون الرشید قرار داده

وسایل بسوی مسائل که مرویست از حضرت امام همام ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما الصلوة والسلام سید سعید ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد حسینی راوندی رفع الله درجته گفته است که خبر داد مرا سید سعید مرتضی بن الداعی حسنی در شهر ری و گفت که خبر داد مرا جعفر بن محمد دوریستی و گفت خبر داد مرا شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی رضی الله تعالی عنه و گفت حدیث کرد مرا عبد الله بن رفاعة بن مسعود و گفت حدیث کرد مرا ابرهیم بن محمد بن الحارث النوفلی و گفت حدیث کرد مرا پدرم که خادم و ملازم حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام بود و گفت که چون مامون الرشید دختر خود را بحضرت امام محمد تقی جواد علیه الصلوة والسلام تزویج نمود آنحضرت بمامون نوشت که برای هر زنی از مال شوهر او مهری هست و حق تعالی اموال ما را در آخرت قرار داده و عطا نموده است و ما در آخرت آنها را ذخیره واندوخته خود کرده ایم چنانکه حق تعالی اموال شما را در دنیا برای شما قرار داده و بشما رسانیده است و شما آنها را ضبط نموده و گنج کرده اید و من بمهر دختر تو دادم وسایل بسوی مسائل را و آنها چند مناجات است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بپدر من داده و فرموده است

والدمن و گفت خبر داد مرا

که اینها

که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام محمد باقر علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام زین العابدین علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام حسین علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد برادرم یعنی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در صحیفه نوشته بود و فرمود که این را بمن داد حضرت جبرئیل علیه السلام و گفت که پروردگار تو سلام میرساند بتو و میفرماید که این دعاها کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است پس بگردان این دعاها را وسیلهای خود بسوی مسئلها و حاجتهای خود تا بمقصد برسی و بمطلب خود فایز گردی و منحصر مکردان این دعاها را بر حاجات دنیا که چون چنین کنی بهره تو از آخرت کم میگردد و این دعاها وسیله است بسوی ده مسئلت پس بخواندن این دعاها بکوب درهای رغبت را بجناب مقدس الهی تا گشوده شود و حاجات خود را طلب کن تا برآورده شود و نسخه دعاها اینست **مناجات باستخاره** یعنی مناجاتی که در وقت استخاره کردن و طلب خیر نمودن باید خواند اینست

مناجات باستخاره

اللّهمّ انّ خيرتك فيما استخيرك فيه تنيل الرّغائب

خداوندا بدرستی که خبر نمودن تو در آنچه طلب خیر میکنم از تو در آن میرساند نفعها را بمن

وتجزل المواهب وتغنم المطالب وتطيب المكاسب

و بسیار میدهد بمن بخششها را و نفع میرساند بمن در حاجتها و پاکیزه میگرداند کسبها را

وتهدي الى اجمل المذاهب وتسوق الى احمد

و هدایت میکند بسوی نیکوترین راهها و میکشاند بسوی محمودترین

العواقب وتقي مخوف النّوائب اللّهمّ انّي استخيرك

عاقبتها و نگاه میدارد از بلاهای مخوف خداوندا بدرستی که من طلب خیر میکنم از تو

فيما عزم رأيي عليه وقادني عقلي اليه فسهّل

در آنچه قرار گرفته است رای من بر آن و کشانیده است مرا عقل من بسوی آن پس هموار کن

اللّهمّ ما توعّر ويسّر منه ما تعسّر واكفني

خداوندا آنچه را که ناهموار است و آسان کن از آن آنچه را که دشوار است و کفایت کن مرا

منه المهمّ وادفع عنّي كلّ ملمّ واجعل

از آن کار آنچه را که اهتمام دارم و دفع کن از من هر نازل شونده را و بگردان

عواقبه غنما ومخوفه سلما وبعده قربا

عاقبتهای آن را غنیمت و خوف داشته شده آن را سلامتی و دوری آن را نزدیکی

وجدبه خصبا وارسل اللّهمّ اجابتي وانجح

و قحط آن را ارزانی و بفرست خداوندا اجابت مرا و برآور

طلبتي

طلبتي واقض حاجتي واقطع عوائقها وامنع

مطلب مرا و قضا کن حاجت مرا و قطع کن از من موانع آن را و منع کن

بوائقها واعطني لواء الظّفر بالخيرة فيما

هلاک کنندهای آن را و بده بمن علم ظفر و نصرت را بخیر نمودن در آنچه

استخرتك وفوز الغنم فيما دعوتك وعوائد

طلب خیر نموده ام از تو و رسیدن بنفع را در آنچه طلبیده ام از تو و نفعهای

الافضال فيما رجوتك واقرنه اللّهمّ بالنّجاح

احسان را در آنچه امید داده ام از تو و مقارن ساز آن را خداوندا برستگاری

وحطه بالصّلاح وارني اسباب الخيرة واضحة

و فرو گیر آن را بخوبی و بنما بمن اسباب خیر را واضح

واعلام غنمها لائحة واشدد خناق تعسّرها

و نشانهای فایده آن را ظاهر و محکم کن ریسمان خفه کردن دشواری آن را

وانعش صريع تيسّرها وبيّن اللّهمّ ملتبسها

و بلند کن افتاده شده آسانی آن را و ظاهر گردان خداوندا مشتبه شده آن را

واطلق محتبسها ومكّن اسّها حتّى تكون خيرة

و رها کن حبس کرده شده آن را و محکم کن بنای آن را تا آنکه بوده باشد خیری

مقبلة بالغنم مزيلة للغرم عاجلة النّفع

رو کننده باشد بنفع و زایل کننده باشد از برای ضرر و معجل باشد نفع آن

بباقية الصنع إنك مليٌّ بالمزيد مبتدٍ بالجود،
و باقی باشد نیکی آن بدرستی که تو نهایت قدرت داری بزیاد کردن و ابتدا کننده بخشش

مناجات باستقاله یعنی مناجاتی که در وقت طلب
کردن عفو و درگذشتن حق تعالی از گناهان باید خواند اینست

مناجات باستقاله

اللهم رب إن الرجاء لسعة رحمتك أنطقني
خداوندا ای پروردگار من بدرستی که امید من بسبب وسعت رحمت تو گویا کرده است مرا
باستقالتك والأمل لأناتك ورفقك شجعني
بطلب فسخ کردن از تو و امید من بسبب بردباری تو و مدارای تو صاحب جرأت نموده
على طلب أمانك وعفوك ولي يا رب ذنوب قد
بر طلب کردن امان تو و عفو تو و برای من ای پروردگار من گناهانی که
واجهتها أوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها
روبرو افتاده است آنها را روهای انتقام و خطاهایی که ملاحظه کرده است آنها را
أعين الاصطلام واستوجبت بها على عدلك
چشمهای استیصال و مستحق شده ام بآنها بنابر عدالت تو
أليم العذاب واستحققت باجتراحها مبير العقاب
الم رساننده از عذاب را و مستحق شده ام بکسب کردن آنها هلاک کننده از عقاب را
وخفت تعويقها لإجابتي وردها إياي عن قضاء
و خوف دارم از تعویق انداختن آنها مر اجابت مرا و برگردانیدن آنها مرا از برآوردن

حاجتی

حاجتي وإبطالها لطلبتي وقطعها لأسباب رغبتي من
حاجت من و باطل کردن آنها مر مطلب مرا و قطع کردن آنها مر اسباب رغبت مرا به
أجل ما قد أنقض ظهري من ثقلها وبهظني من
واسطه آنچه بتحقیق که سنگین کرده است پشت مرا از سنگینی آنها و گران کرده است مرا از
الاستقلال بحملها ثم تراجعت رب إلى حلمك
استقلال ببرداشتن آنها باز رجوع کردم ای پروردگار من بسوی حلم تو
عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين ورحمتك
از بسیار خطا کنندگان و بسوی عفو تو از گناهکاران و بسوی رحمت تو
للعاصين فأقبلت بثقتي متوكلا عليك طارحا
برای عاصیان پس رو آوردم با اعتماد خود توکل کننده بر تو اندازنده
نفسي بين يديك شاكيا بثي إليك سائلا رب
نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده پراکندگی خود را بسوی تو سؤال کننده ای پروردگار من
ما لا أستوجبه من تفريج الهم ولا أستحقه
آنچه را که مستحق آن نیستم از برطرف کردن اندوه و آنچه را که مستحق آن نیستم
من تنفيس الغم مستقيلا رب لك واثقا مولاي
از زایل کردن غم طلب فسخ کننده ام ای پروردگار من از تو اعتماد دارنده ام ای آقای من
بك اللهم فامنن علي بالفرج وتطول علي بسلامة
بتو خداوندا پس منت گذار بر من بگشایش و تفضل کن بر من بسلامتی

الْمَخْرَجِ وَادْلُلْنِي بِرَأْفَتِكَ عَلَى سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَازِلْنِي

بیرون شدن ودلالت کن مرا بمهربانی خود بر سمتِ راهِ واضح وبگردان مرا

بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْاَعْوَجِ وَخَلِّصْنِي مِنْ سِجْنِ

بقدرتِ خود از راهِ کج وخلاص کردان مرا از زندانِ

الْكَرْبِ بِاِقَالَتِكَ وَاَطْلِقْ اَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَطُلْ عَلَيَّ

اندوه بدرگذشتن خود وبکشای بند مرا برحمتِ خود وتفضل کن بر من

بِرِضْوَانِكَ وَجُدْ عَلَيَّ بِاِحْسَانِكَ وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ

بخوشنودی خود وجود کن بر من باحسان خود ودرگذر از لغزش من و

فَرِّجْ كُرْبَتِي وَارْحَمْ عَبْرَتِي وَلَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي

برطرف کن اندوه مرا ورحم کن اشکِ مرا ومانع مشو دعای مرا

وَاشْدُدْ بِالْاِقَالَةِ اَزْرِي وَقَوِّ بِهَا ظَهْرِي وَاَصْلِحْ

وسخت کن بدرگذشتن قوت مرا وقوی کردان بان پشت مرا واصلاح کن

بِهَا اَمْرِي وَاَطِلْ بِهَا عُمْرِي وَارْحَمْنِي يَوْمَ حَشْرِي وَ

بان امر مرا ودراز کن بان عمر مرا ورحم کن مرا در روز حشر من و

وَقْتَ نَشْرِي اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ

وقت برانگیختن من بدرستی که تو بخشنده صاحب کرم امرزنده مهربانی

مناجاتِ بسفر یعنی مناجاتی که در وقتی که کسی ارادهٔ سفر کند وخواهد که بیرون رود باید که انرا بخواند اینست

مناجاتی که در وقت ارادهٔ سفر باید خواند

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ سَفَرًا فَخِرْ لِي فِيهِ وَاَوْضِحْ لِي سَبِيلَ

خداوندا بدرستی که من اراده کرده ام سفری را پس اختیار کن برای من درین سفر وواضح کن برای من راه

الرَّاْيِ وَفَهِّمْنِيهِ وَافْتَحْ عَزْمِي بِالْاِسْتِقَامَةِ وَاشْمِلْنِي

تدبیر را وبفهمان بمن انرا وبکشای عزم مرا براستی ودرستی وفرو گیر مرا

فِي سَفَرِي بِالسَّلَامَةِ وَاَفِدْنِي بِهِ جَزِيلَ الْحَظِّ وَ

در سفرِ من بسلامتی ونفع برسان بمن درین سفر بهرهٔ وافر و

الْكَرَامَةِ وَاكْلَاْنِي فِيهِ بِحِرْزِ الْحِفْظِ وَالْحِرَاسَةِ وَ

کرامت را ونگاهدار مرا درین سفر در پناهِ محافظت وپاسبانی و

جَنِّبْنِي اللّٰهُمَّ وَعْثَاءَ الْاَسْفَارِ وَسَهِّلْ لِي حُزُونَةَ

دور کردان از من خداوندا مشقتهای سفرها را وهموار کردان برای من ناهمواری

الْاَوْعَارِ وَاطْوِ لِي طُولَ انْبِسَاطِ الْمَرَاحِلِ وَقَرِّبْ

زمینهای ناهموار را ودرهم پیچ برای من درازی مسافتهای کشاده را ونزدیک کن

مِنِّي بُعْدَ نَائِي الْمَنَاهِلِ وَبَاعِدْ فِي الْمَسِيرِ بَيْنَ خُطَى

بمن دوری منزلهای دور را ودوری افکن در راه رفتن میانِ گامهای

الرَّوَاحِلِ حَتَّى تُقَرِّبَ نِيَاطَ الْبَعِيدِ وَتُسَهِّلَ وُعُورَ

شتران تا انکه نزدیک کنی دوری منزل دور را واسان کنی ناهمواری

الشَّدِيدِ وَلَقِّنِي فِي سَفَرِي اللّٰهُمَّ نُجْحَ طَائِرِ الْوَاقِيَةِ

جای سخت را وملاقات فرمای بمن در سفر من خداوندا بظفر یافتن بحرزهای مشتمل محافظت کننده

وهنئنی غنم العافیة وخفیرا لاستقلال ودلیل
وگوارا کن برای من غنیمت عافیت را وپناه دهنده بسر خود بودن را وراهنمای
مجاوزة الاهوال وباعث وفور الکفایة وسانح خفیر
درگذشتن از خوفها را وباعث وافر بودن کفایت کردن امور مرا ونادره از پناه دهنده
الولایة واجعله اللهم رب سببا عظیم السلم
نصرت بودا وبگردان این را خداوندا ای پروردگار من سببی از برای سلامتی عظیم
حاصل الغنم واجعل اللیل سترا لی من الآفات و
که حاصل باشد منفعتان وبگردان شب را پوششی برای من از آفتها و
النهار مانعا من الهلکات واقطع عنی قطع لصوصه
روز را مانع از هلاکتها وبرطرف کن از من بریدن دزدان این سفر را
بقدرتک واحرسنی من وحوشه بقوتک حتی تکون
بقدرت خود ومحافظت کن مرا از جانوران وحشی آن بتوانائی خود تا آنکه بوده باشد
السلامة فیه مصاحبتی والعافیة مقارنتی والیمن
سلامتی در این سفر مصاحب من وعافیت قرین من ومیمنت
سائقی والیسر معانقی والعسر مفارقی والنجح بین
کشاینده من وآسانی معانقه کننده من ودشواری مفارقت کننده من ورستکاری در میان
مفارقی والقدر موافقی والامن مرافقی انک
راههای سفر من وتقدیر موافقت کننده با من وامنیت رفاقت کننده با من بدرستی که تو

مناجات جهت طلب رزق

ذو المن والطول والقوة والحول وانت علی
صاحب منت واحسانی وصاحب توانائی وقدرتی وتو بر
کل شیء قدیر مناجات برای طلب روزی
همه چیز قادری از جناب مقدس الهی جل شانه
اللهم رب ارسل علی سجال رزقک مدرارا وامطر
خداوندا ای پروردگار من فرو دیز بر من دلوهای روزی خود را فرو ریختنی وبباران
علی سحائب افضالک غزارا وادم غیث نیلک الی
بر من ابرهای احسان خود را بسیار ودایمی بدار باران نعمت خود را بسوی من
سجالا واسبل مزید نعمتک علی خلتی اسبالا وافقرنی
ریزان وبریزان زیاد شده نعمت خود را بر فقر من ریختنی ومحتاج گردان مرا
بجودک الیک واغننی عما یطلب ما لدیک وداو
بکرم خود بسوی خود وبی نیاز گردان مرا از آنکه طلب میکند آنچه را که نزد تست ومداوا کن
فقری بدواء فضلک وانعش صرعة عیلتی بطولک
فقر مرا بدوای تفضل خود وبلند گردان بر رو در افتادن احتیاج مرا با حسان خود
وتصدق علی اقلالی بکثرة عطائک وعلی اختلالی
وتصدق کن بر پریشانی من به بسیاری عطای خود وبر اختلال احوال من
بکریم حبائک وسهل رب سبیل الرزق الی و
به بخشش بزرگ خود وآسان کن ای پروردگار من راه روزی را بسوی من و

اَثْبِتْ قَوَاعِدَهُ لَدَیَّ وَ بَجِّسْ لِی عُیُونَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَفَجِّرْ

ثابت دار اساسها بناها آنرا نزد من و بشکاف برای من چشمهای توسعه رحمت خود را و جاری کردن

اَنْهَارَ رَغَدِ الْعَیْشِ قِبَلِی بِرَأْفَتِكَ وَ اجْدِبْ اَرْضَ فَقْرِی

نهرهای وسعت زندگانی را در پیش من بشفقت خود و خشك کن زمین فقر مرا

وَاَخْصِبْ جَدْبَ ضُرِّی وَاصْرِفْ عَنِّی فِی الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ

و فراوان کردان قحطی ضرر مرا و باز دار از من در باب روزی موانع را

وَاقْطَعْ عَنِّی مِنَ الضِّیقِ الْعَلَائِقَ وَارْمِنِی اللّٰهُمَّ مِنْ

و قطع کن از من از تنگی اسباب آنرا و بیند از بجانب من خداوندا از

سَعَةِ الرِّزْقِ بِاَخْصَبِ سِهَامِهِ وَاحْبُنِی مِنْ رَغَدِ الْعَیْشِ

وسعت روزی فراوان ترین تیرهای آنرا و عطا کن بمن از وسعت زندگانی

بِاَکْثَرِ دَوَامِهِ وَاکْسُنِی اللّٰهُمَّ سَرَابِیلَ السَّعَةِ وَجَلَابِیبَ

دایمی ترین آنرا و بپوشان بمن خداوندا پیراهنهای توسعه را و جامهای

الدَّعَةِ فَاِنِّی رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاِنْعَامِكَ بِحَذْفِ الضِّیقِ وَ

رفاهیت را پس بدرستی که من ای پروردگار من منتظرم برای انعام کردن تو به برطرف کردن تنگی و

لِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِیقِ وَ لِتَفَضُّلِكَ بِبَتْرِ التَّقْتِیرِ وَلِوَصْلِ

برای احسان کردن تو بقطع کردن تاخیر و برای تفضل کردن تو بقطع کردن تنگی و برای متصل ساختن

حَبْلِی بِکَرَمِكَ بِالتَّیْسِیرِ وَاَمْطِرِ اللّٰهُمَّ عَلَیَّ سَمَاءَ

وسیله من بکرم تو بتوانگر ساختن و بباران خداوندا بر من آسمان

رِزْقِكَ بِسِجَالِ الدِّیَمِ وَاَغْنِنِی عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ

روزی خود را ببارانهای دیران و بی نیاز کردان مرا از خلق خود بخششهای نعمتها

وَارْمِ مَقَاتِلَ الْاِقْتَارِ مِنِّی وَاحْمِلْ عَسْفَ الضُّرِّ عَنِّی

بدور انداز کشندهای از تنگی را از من و بردار ظلم ضرر را از من

وَاضْرِبِ الضُّرَّ بِسَیْفِ الْاِسْتِیْصَالِ وَامْحَقْهُ رَبِّ

و بزن ضرر را بشمشیر مستاصل کردن و باطل کن آنرا ای پروردگار من

مِنْكَ بِسَعَةِ الْاِفْضَالِ وَامْدُدْنِی بِنُمُوِّ الْاَمْوَالِ وَاحْرُسْنِی

از جانب خود بتوسعه احسان و اعانت کن مرا بزیاد شدن مالها و نگاه دار مرا

مِنْ ضِیقِ الْاِقْلَالِ وَاقْبِضْ سُوْءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لِی

از تنگی بی چیزی و بگیر بدی قحطی را و پهن کن برای من

بِسَاطَ الْخِصْبِ وَاسْقِنِی اللّٰهُمَّ مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا

فرش فراوانی را و سیراب کردان مرا خداوندا از آب روزی خود بسیار

وَانْهَجْ لِی مِنْ عَمِیمِ بَذْلِكَ طُرُقًا وَفَاجِئْنِی بِالثَّرْوَةِ

و واضح کن برای من از کوی بخشش خود راهها را و بناگاه برسان مرا بتوانگری

وَالْمَالِ وَانْعَشْنِی فِیهِ بِالْاِسْتِقْلَالِ وَصَبِّحْنِی بِالْاِسْتِظْهَارِ

و مال و بلند کردان مرا در آن بمستقل بودن و داخل در صبح کردان مرا بمستظهر بودن

وَمَسِّنِی بِالتَّمَکُّنِ مِنَ الْیَسَارِ اِنَّكَ ذُوالطَّوْلِ الْعَظِیمِ

و داخل در شام کردان مرا بممکن بودن از توانگری بدرستی که تو صاحب احسان عظیم

دیم جمع دیمه است و دیمه باران
است که بی رعد و برق باشد و
تخصیص این نوع از باران بجهت
آنست که دوام این نوع بیشتر از
باقی بارانهاست و باینجا مناسبت
ایراد دیمه نیکو بید

مناجات بجهت پناه بردن از بلاها و آفتها

وَالْفَضْلِ الْجَسِيمِ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ **مناجات بجهت پناه بردن**
وفضل بزرگ و توئی بخشنده صاحب کرم **از بلاها و آفتها**
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاۤءِ وَاَهْوَالِ
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از سختیهای بلاهای نازل شونده و از هولهای
عَظَائِمِ الضَّرَّاۤءِ فَاَعِذْنِي رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَاْسَاۤءِ وَاَجِبْنِي
ضررهای عظیم پس پناه ده مرا ای پروردگار من از بر و در اندازنده از بدی و مانع شو مرا
مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاۤءِ وَنَجِّنِي مِنْ مُفَاجَاَةِ النِّقَمِ وَاَحْرِسْنِي
از حملهاوردندهای بلا و نجات ده مرا از بناگاه رسیدن عقوبتها و نگاهدار مرا
مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَمِنْ سُيُوفِ الْقُحَمِ وَمِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ
از برطرف شدن نعمتها و از شمشیرهای افتادن در بلاها و از لغزش قدمها و
اجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ رَبِّ فِي حِمَى عِزِّكَ وَحِيَاطَةِ حِرْزِكَ
بگردان مرا خداوندا ای پروردگار من در قرق عزت خود و فرو گرفتن در پناه خود
مِنْ مُبَاغَتَةِ الدَّوَاۤئِرِ وَمُعَاجَلَةِ الْبَوَادِرِ اللّٰهُمَّ رَبِّ
از ناگاه درآمدن بدیها و زود رسیدن بلاها خداوندا ای پروردگار
وَاَرْضَ الْبَلَاۤءِ فَاخْسِفْهَا وَعَرْصَةَ الْمِحَنِ فَارْجُفْهَا وَ
و زمین بلا را پس ببر آن را و عرصه محنتها را پس برطرف کن آن را و
شَمْسَ النَّوَاۤئِبِ فَاكْسِفْهَا وَكُرَبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا
آفتاب مصیبتها را پس بپوشان آن را و غمهای روزگار را پس بردار آنها را

وعوائق

وَعَوَاۤئِقَ الْاُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَجِبَالَ السُّوۤءِ فَانْسِفْهَا وَاَوْرِدْنِي
و موانع کارها را پس باز گردان آنها و کوههای بدی را پس از بیخ برکن آنها و وارد ساز مرا
حِيَاضَ السَّلَامَةِ وَاحْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكَرَامَةِ وَاصْحَبْنِي
بحوضهای سلامتی و بار کن مرا بر شتران کرامت و مصاحب گردان مرا
بِاِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَاشْمُلْنِي بِسِتْرِ الْعَوْرَةِ وَمَتِّعْنِي رَبِّ
با درگذشتن از لغزش و فرو گیر مرا بپوشانیدن قبایح و بهره مند گردان مرا ای پروردگار من
بِطُولِ عُمُرِ الْعَافِيَةِ وَبُعْدِ اَجَلِ الْوَافِيَةِ وَجُدْ
بدرازی عمر عافیت و دوری انقضای محافظت کننده و بخشش کن
عَلَيَّ رَبِّ بِاٰلَاۤئِكَ وَكَشْفِ بَلَاۤئِكَ وَدَفْعِ ضَرَّاۤئِكَ
بر من ای پروردگار من بنعمتهای خود و برطرف کردن بلا از جانب خود و دفع کردن بدی از جانب خود
وَادْفَعْ عَنِّي اَلِيمَ عِقَابِكَ وَاَعِذْنِي مِنْ بَوَاۤئِقِ الدُّهُورِ
و دفع کن از من عقاب دردناک خود را و پناه ده مرا از حادثهای روزگار
وَاَنْقِذْنِي مِنْ سُوۤءِ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ وَاحْرُسْنِي مِنْ
و خلاص گردان مرا از بدی عاقبتهای کارها و نگاهدار مرا از
جَمِيعِ الْمَحْذُورِ وَاصْدَعْ صَفَاةَ الْبَلَاۤءِ عَنْ اَمْرِي وَ
همه حذر کرده شدها و بشکاف سنگ سخت بلا را از کار من و
اشْلُلْ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمُرِي اِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِئُ
شل کن دست بلا را از من در مدت عمر من بدرستی که توئی پروردگار بزرگوار و بوجود آورنده

الْمُعِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ مناجات از براى طلب قبول شدن

بازگرداننده بسيار توانا بر كردن آنچه اراده دارى توبه و آمرزش گناهان

اَللّٰهُمَّ اِنِّى قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِاِخْلَاصِ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ وَ

خداوندا بدرستى كه من متوجه شده ام بسوى تو بخالص كردانيدن توبه نصوح و

تَثْبِيتِ عَقْدٍ صَحِيحٍ وَ دُعَاءِ قَلْبٍ قَرِيحٍ وَاِعْلَانِ قَوْلٍ

ثابت كردانيدن اعتقاد صحيح و دعا كردن بدل مجروح و ظاهر كردانيدن قول

صَرِيحٍ اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَتَقَبَّلْ مِنِّى اِنَابَةَ مُخْلِصِ التَّوْبَةِ

صريح خداوندا اى پروردگار من پس قبول كن از من بازگشت خالص كننده توبه را

وَاِقْبَالَ سَرِيعِ الْاَوْبَةِ وَمَصَارِعَ تَخَشُّعِ الْحَوْبَةِ وَ

و روآوردن بازگشت سريع را و زارى كردنهاى خشوع كردن بسبب گناه را و

قَابِلْ رَبِّ تَوْبَتِى بِجَزِيلِ الثَّوَابِ وَكَرِيمِ الْمَآبِ

برابر كن اى پروردگار من توبه مرا بثواب بسيار و بازگشت نيكو

وَحَطِّ الْعِقَابِ وَصَرْفِ الْعَذَابِ وَغُنْمِ الْاِيَابِ

و برطرف شدن عقاب و بازگردانيدن عذاب و بنفع بردن در بازگشت

وَامْحُ اللّٰهُمَّ رَبِّ بِهَا مَا ثَبَتَ مِنْ ذُنُوبِى وَاغْسِلْ

و محو كن خداوندا اى پروردگار من باين توبه آنچه را كه ثبت شده است از گناهان من و بشوى

بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِى وَاجْعَلْهَا جَالِيَةً لِقَلْبِى شَاحِذَةً

بقبول كردن آن توبه همه عيبهاى مرا و بگردان آن توبه را جلا دهنده براى دل من تيز كننده

مناجاة از براى طلب قبول شدن توبه و آمرزش گناهان

نصوح مبالغه در نصح است و نصح بمعنى خلوص بغايت خالص باشد و توبه آنست كه اراده كردن آن گناه هرگز نداشته باشد و عزم جزم برترك آن گناه داشته باشد و بعضى گفته اند كه توبه نصوح پشيمانى در دل و استغفار بزبان و ترك گناهان باعضا و آنكه عازم باشد بترك همه گناهان بلاء

مراد از قول صريح گفتن استغفر الله ربى و اتوب اليه است كه صريح است در بازگشت بسوى حق تعالى و پشيمانى از گناهان

لِبَصِيرَةٍ لُبِّى غَاسِلَةً لِدَرَنِى مُطَهِّرَةً لِنَجَاسَةِ بَدَنِى

براى بينائى عقل من شوينده براى چرك گناهان از من پاك كننده براى نجاست بدن من

مُصَحِّحَةً فِيهَا ضَمِيرِى عَاجِلَةً اِلَى الْوَفَاءِ بِهَا

درست كننده در آن توبه باطن مرا تعجيل كننده بسوى وفا كردن بآن توبه

مَصِيرِى وَاحْتِفَالِى فِى طَوِيَّتِى وَاجْتِهَادِى فِى نَقَاءِ

انتقال مرا و بسوى مبالغه كردن در باب نيت خود و سعى كردن در پاكيزگى

سَرِيرَتِى وَتَثْبِيتِ اِنَابَتِى وَمُسَارَعَةٍ اِلَى

باطن خود و ثابت كردانيدن بازگشت خود و شتاب كردن بسوى

اَمْرِكَ بِطَاعَتِى وَاجْلُ اللّٰهُمَّ رَبِّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّى

فرمان تو با طاعت كردن من و جلا ده خداوندا اى پروردگار من بسبب توبه از من

ظُلْمَةَ الْاِصْرَارِ وَامْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنَ الْاَوْزَارِ

تاريكى اصرار بر گناه را و محو كن بآن آنچه را كه پيش كرده ام آنرا از گناهان

وَاكْسُنِى بِهَا لِبَاسَ التَّقْوَى وَجَلَابِيبَ الْهُدَى

و بپوشان بمن بآن جامه پرهيزكارى را و لباسهاى هدايت را

فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعَاصِى عَنْ خَلَدِى وَنَزَعْتُ

پس بتحقيق كه بيرون كرده ام ريسمان گناهان را از دل خودم و كنده ام

سِرْبَالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدِى مُسْتَمْسِكًا

پيراهن گناهان را از بدن خودم دست زننده ام

رَبِّ بِقُدْرَتِكَ مُسْتَعِيناً عَلىٰ نَفْسِي بِعِزَّتِكَ

ای پروردگار من بقدرت تو طلب یاری کننده ام بر نفس خود بعزت تو

مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتِي مِنَ النَّكْثِ بِخُفْرَتِكَ مُعْتَصِماً

بامانت سپارنده ام توبه خود را از شکستن بپناه و محافظت تو طلب نگاهداری کننده ام

مِنَ الْخِذْلانِ بِعِصْمَتِكَ مُقِرّاً بِأَنَّهُ لا حَوْلَ وَلا

از خوار شدن بنگاهداری تو اقرار کننده ام باینکه نیست گردش و نه

قُوَّةَ إِلّا بِكَ مناجات از برای طلب نمودن

توانائی مگر بتو توفیق حج بیت الله الحرام

اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَجَّ الَّذِي افْتَرَضْتَهُ عَلىٰ مَنِ اسْتَطاعَ

خداوندا روزی کن بمن حجی که واجب کرده آنرا بر هر کسی که استطاعت داشته باشد

إِلَيْهِ سَبِيلاً وَاجْعَلْ لِي فِيهِ هادِياً وَإِلَيْهِ دَلِيلاً

بسوی آن راهی و بگردان برای من در آن حج راهنمائی و بسوی آن دلیلی

وَقَرِّبْ لِي بُعْدَ الْمَسالِكِ وَأَعِنِّي فِيهِ عَلىٰ تَأْدِيَةِ

و نزدیک گردان برای من دوری راهها را و اعانت کن مرا در آن بر ادا کردن

الْمَناسِكِ وَحَرِّمْ بِإِحْرامِي عَلَى النّارِ جَسَدِي وَ

اعمال حج و حرام گردان بسبب احرام من بر آتش بدن مرا و

زِدْ لِلسَّفَرِ فِي زادِي وَقُوَّتِي وَجَلَدِي وَارْزُقْنِي

زیاد گردان برای سفر در توشه من و توانائی من و قوت من و روزی کن بمن

مناجات از برای طلب نمودن توفیق حج بیت الله الحرام

رب

رَبِّ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْإِفاضَةَ إِلَيْكَ وَأَظْفِرْنِي

پروردگار من ایستادن پیش روی ترا و کوچ کردن بسوی ترا و ظفر ده مرا

بِالنُّجْحِ وَاحْبُنِي بِوافِرِ الرِّبْحِ وَأَصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ

برستگاری و عطا کن بمن بنفع وافر و کوچ فرمای مرا ای پروردگار من از

مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِلىٰ مُزْدَلِفَةِ الْمَشْعَرِ وَاجْعَلْها

موقف حج اکبر بسوی مزدلفه که مشعر الحرام است و بگردان آنرا

زُلْفَةً إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَطَرِيقاً إِلىٰ جَنَّتِكَ وَقِفْنِي

سبب نزدیکی بسوی رحمت خود و راهی بسوی بهشت خود و بدار مرا

مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَمَقامَ وُفُودِ الْإِحْرامِ وَأَهِّلْنِي

در موقف مشعر الحرام و در جای وارد شدن برای احرام و سزاوار گردان مرا

لِتَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَنَحْرِ الْهَدْيِ التَّوامِكِ بِدَمٍ

برای ادا کردن اعمال حج و کشتن قربانی صاحب کوهان بزرگ بخونی

يَثُجُّ وَأَوْداجٍ تَمُجُّ وَإِراقَةِ الدِّماءِ الْمَسْفُوحَةِ مِنَ

که روان شود و رگهائی که خون بریزاند و ریختن خونهای جهنده از

الْهَدايا الْمَذْبُوحَةِ وَفَرْيِ أَوْداجِها عَلىٰ ما أَمَرْتَ

قربانیهای ذبح کرده شده و بریدن رگهای آنها بر آن نحوی که امر کرده

وَالتَّنَفُّلِ بِها كَما رَسَمْتَ وَأَحْضِرْنِي اللّٰهُمَّ

و قیمت کردن آنها چنانکه قرار داده و حاضر گردان مرا خداوندا

مراد از موقف عرفات است و مراد از حج اکبر اصل حج است و عمره را حج اصغر میگویند

صَلوٰةَ العَبْدِ راجِيًا لِلْوَعْدِ حالِقًا شَعَرَ راْسِي وَمُقَصِّرًا

بنماز عبد امید وار مر وعده نیك تو را تراشنده موی سر خود را و کوتاه کننده

مُجْتَهِدًا فِي طاعَتِكَ مُشَمِّرًا وَرامِيًا لِلْجِمارِ بِسَبْعٍ

و سعی کننده در فرمان برداری تو دامن بر کمر زننده و اندازنده مر جمرها را بهفت عدد

بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الاَحْجارِ وَاَدْخِلْنِي اللّٰهُمَّ عَرْصَةَ

بعد از هفت عدد از سنك ریزها و داخل کردان مرا خداوندا در عرصه

بَيْتِكَ وَعَقْوَتِكَ وَاَوْلِجْنِي مَحَلَّ اَمْنِكَ وَكَعْبَتِكَ

خانه خود و در ساحت قرب خود و داخل کن مرا در محل امنیت خود و در کعبه خود

وَمَساكِينِكَ وَسُؤّالِكَ وَوَفْدِكَ وَمَحاوِيجِكَ

و در میان مساکین تو و سؤال کنندکان از تو و وارد شوندکان بر تو و محتاجان بتو

وَجُدْ عَلَيَّ اللّٰهُمَّ بِوافِرِ الاَجْرِ مِنَ الاِنْكِفاءِ وَالنَّفْرِ

و ببخش بر من خداوندا اجر وافر بسبب رجوع و کوچ کردن از منی

وَاخْتِمْ لِي مَناسِكَ حَجِّي وَانْقِضاءَ عَجِّي بِقَبُولٍ مِنْكَ

و ختم کن برای من اعمال حج مرا و منقضی شدن صدا بلند مرا بقبول کردن از جانب تو

لِي وَرَاْفَةٍ مِنْكَ بِي يا غَفُورُ يا رَحِيمُ مُناجات از برای

برای من و مهربانی از تو بمن ای آمرزنده ای مهربان دفع ظلم ظالمان

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمَ عِبادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلادِكَ حَتّٰى

خداوندا بدرستی که ظلم کردن بندکان تو بتحقیق که قرار کرفته است در شهرهای تو تا آنکه

وقد جمع وافدات وافد کنی تا کویند که مرد بزرکی وارد شود و نزد او آید بجهت طلب کردن خیر و احسان و وفود بر حق تعالی کنایه است از اینکه بندکان او قصد او کنند و حوایج خود را از و مسئلت نمایند

مناجات از برای دفع ظلم ظالمان

اَماتَ العَدْلَ وَقَطَعَ السُّبُلَ وَمَحَقَ الحَقَّ وَاَبْطَلَ

میرانیده است عدالت را و بریده است راهها را و برطرف کرده است حق را و باطل کرده است

الصِّدْقَ وَاَخْفَى البِرَّ وَاَظْهَرَ الشَّرَّ وَاَخْمَلَ

راستی را و مخفی کرده است نیکی را و ظاهر ساخته است بدی را و پنهان کرده است

التَّقْوٰى وَاَزالَ الهُدٰى وَاَزاحَ الخَيْرَ وَاَثْبَتَ

پرهیزکاری را و زایل کرده است هدایت را و برطرف کرده است خیر را و ثابت کرده است

الضَّيْرَ وَاَنْمَى الفَسادَ وَقَوَّى العِنادَ وَبَسَطَ

ضرر را و زیاد کرده است فساد را و تقویت کرده است معانده را و پهن کرده است

الجَوْرَ وَعَدَّى الطَّوْرَ اَللّٰهُمَّ وَرَبِّ لا يَكْشِفُ

ظلم را و کذرانیده است مردم را از اندازه خود خداوندا و ای پروردکار من برطرف نمیکند

ذٰلِكَ اِلاَّ سُلْطانُكَ وَلا يُجِيرُ مِنْهُ اِلاَّ امْتِنانُكَ

این ظلم را مکر پادشاهی تو و پناه نمیدهد از ان مکر منت کذاشتن تو

اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَبُتَّ حِبالَ الغَشْمِ وَاَخْمِلْ

خداوندا ای پروردکار من پس قطع کن ظلم را و ببر ریسمانهای ظلم را و پنهان کن

سُوقَ المُنْكَرِ وَاَعِزَّ مَنْ عَنْهُ زَجَرَ وَاحْصُدْ

بازار قبیح را و عزیز کردان کسی که از ان منع کند و قطع کن

شَافَةَ اَهْلِ الجَوْرِ وَاَلْبِسْهُمُ الحَوْرَ بَعْدَ الكَوْرِ

بیخ اهل ظلم را و بپوشان بایشان نقصان را بعد از زیادتی

وَعَجِّلْ لَهُمُ الْبَتَاتَ وَاَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلَاتِ وَاَمِتْ
وَتعجيل كن براى ايشان منقطع شدن را وفرود آور بر ايشان عقوبتها را وبميران
جَبْوَةَ الْمُنْكَرَاتِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ
زندكى قبايح را تا اينكه ايمن كرده شود ترسيده شده وآرام كيرد ستم رسيده شده
وَيَشْبَعَ الْجَائِعُ وَيُحْفَظَ الضَّائِعُ وَيُؤْوَى الطَّرِيدُ
وسير كردد كرسنه وحفظ كرده شود تلف شونده وجا داده شود بيرون كرده شده
وَيَعُودَ الشَّرِيدُ وَيُغْنَى الْفَقِيرُ وَيُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ
وبر كردد كريخته وبى نياز كرده شود فقير وپناه داده شود طلب پناه كننده
وَيُوَقَّرَ الْكَبِيرُ وَيُرْحَمَ الصَّغِيرُ وَيُعَزَّ الْمَظْلُومُ
وتعظيم كرده شود پير ورحم كرده شود طفل وعزيز كرده شود مظلوم
وَيُذَلَّ الْخَصُومُ الظَّلُومُ وَيُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ وَ
وذليل كرده شود دشمنى كننده بسيار ظلم كننده وكشايش داده شود اندوهناك و
تُفَرَّجَ الْغَمَّاءُ وَتَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ وَيَمُوتَ
برطرف كرده شود غم وفرو نشيند مصيبت وبميرد
الْاِخْتِلَافُ وَيَحْيَى الْاِئْتِلَافُ وَيَعْلُوَ الْعِلْمُ وَ
مخالفت وزنده شود الفت وبلند شود مرتبه علم و
يَشْمَلَ السِّلْمُ وَتَجْتَمِعَ النِّيَّاتُ وَيُجْمَعَ الشَّتَاتُ
شامل شود سلامتى ونيكو شود نيتها وجمع كرده شود پراكنده كى

وتحضر

مناجات بجهت اداى شكر پروردگار تعالى شانه

وَتُحْضَرَ الْمَشَاهِدُ وَتُعْمَرَ الْمَسَاجِدُ وَيَقْوَى
وحاضر كرده شوند مردم در جايها حاضر شدن ومعمور شود مسجدها وقوى شود
الْاِيمَانُ وَيُتْلَى الْقُرْآنُ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ
ايمان وتلاوت كرده شود قرآن بدرستى كه تو توئى بسيار نعمت دهنده
الْمُنْعِمُ الدَّيَّانُ مناجات از براى اداى شكر
انعام كننده جزا دهنده پروردكار تعالى شانه
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَمُلِمَّاتِ
خداوندا براى تست ستايش بر باز كردانيدن بلاهاى نازل شونده وضررهاى
الضَّرَّاءِ وَكَشْفِ نَوَائِبِ اللَّاْوَاءِ وَتَوَالِي سُبُوغِ
فرود اينده وبرطرف كردن حادثهاى تنكى معيشت وپى در پى رسيدن
النَّعْمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هَنِيِّ عَطَائِكَ وَمَحْمُودِ
نعمتهاى كامل وبراى تست ستايش اى پروردكار من بر كوارا از بخشش تو وپسنديده
بَلَائِكَ وَجَلِيلِ آلَائِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى اِحْسَانِكَ
از نعمت تو وبزرك از نعمتهاى تو وبراى تست ستايش اى پروردكار من بر احسان تو
الْكَثِيرِ وَخَيْرِكَ الْغَزِيرِ وَتَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ وَدَفْعِكَ
كه بسيار است وخير تو كه بسيار است وتكليف كردن تو چيزهاى آسان را ودفع كردن تو
الْعَسِيرَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلَ الشُّكْرِ وَ
دشوار را پس براى تست ستايش اى پروردكار من بر زياد كردن تو اندكى از شكر را و

اعطائك وافر الاجر وحطك مثقل الوزر وقبولك
عطا کردن تو بسیاری از اجر را و برطرف نمودن تو سنگینی گناه را وقبول کردن تو
ضيق العذر ووضعك فادح الاصر وتسهيلك
عذر تنگ و ناقص را و در گذشتن تو دشوار از گناه را و آسان کردن تو
موضع الوعر ومنعك مفظع الامر ولك الحمد
جای ناهموار را و منع کردن تو رسوا کنندهٔ از کار را و برای تست ستایش
رب على البلاء المصروف ووافر المعروف ودفع
ای پروردگار من بر بلاء باز داشته شده و بسیار از احسان و دفع کردن
المخوف واذلال العسوف ولك الحمد على قلة
مخوف و خوار گردانیدن ظلم کننده و برای تست ستایش بر کمی
التكليف وكثرة التخفيف وتقوية الضعيف و
تکلیف و بسیاری تخفیف و تقویت کردن ضعیف و
اغاثة اللهيف ولك الحمد على سعة امهالك ودوام
بفریاد رسیدن مظلوم و برای تست ستایش بر وسعت مهلت دادن تو و دایم بودن
افضالك وصرف محالك وحميد فعالك وتوالي
احسان تو و باز داشتن عذاب تو و نیکو بودن افعال تو و متوالی بودن
نوالك ولك الحمد على تاخير معاجلة العقاب و
عطای تو و برای تست ستایش بر پس انداختن تو تعجیل کردن در عقاب را و

ترک

ترك مغافصة العذاب وتسهيل طرق المآب وانزال
ترک کردن تو ناگاه گرفتن بعذاب را و آسان کردن تو راههای بازگشت و فرو فرستادن تو
غيث السحاب انك المنان الوهاب مناجات از برای طلب
باران را از ابر بدرستی که توئی بسیار نعمت دهنده بسیار بخشنده برآمدن حاجت
اللهم جدير من امرته بالدعاء ان يدعوك ومن
خداوندا سزاوار است کسی که امر کرده او را بدعا کردن اینکه دعا کند و بخواند ترا و کسی
وعدته بالاجابة ان يرجوك ولي اللهم حاجة
که وعده کرده او را باجابت کردن اینکه امیدداشته باشد از تو و برای من خداوندا حاجتی هست
قد عجزت عنها حيلتي وكلت فيها طاقتي وضعفت
که بتحقیق که عاجز شده است از آن چارهٔ من و مانده شده است در آن طاقت من و ضعیف شده است
عن مرامها قدرتي وسولت لي نفسي الامارة بالسوء
از رسیدن بآن توانائی من و زینت داده است برای من نفس من که بسیار امر کننده است ببدی
وعدوي الغرور الذي انا منه ومنها مبتلى ان
و دشمن فریب دهندهٔ من که من از آن دشمن و از آن نفس مبتلایم اینکه
ارغب فيها الى ضعيف مثلي ومن هو في النكول
رغبت کنم در آن حاجت بسوی ناتوانی مثل خودم و کسی که او در ناتوانی
شكلي حتى تداركتني رحمتك وبادرتني بالتوفيق
شبیه من است تا اینکه رسید بمن رحمت تو و مبادرت کرد مرا بتوفیق

مناجات از برای طلب
برآمدن حاجت

رافتك ورددت على عقلي بتطولك والهمتني رشدي

مهربانی تو وبر گردانیدی بر من عقل مرا بتفضل خود وفهمانیدی بمن خیر مرا

بتفضلك واحييت بالرجاء لك قلبي وازلت خدعة

بتفضل خود وزنده گردانیدی بامید وار بودن بتو دل مرا وبرطرف کردی حیله

عدوي عن لبي وصححت بالتاميل فكري وشرحت

دشمن مرا از عقل من ودرست کردی بارزومند کردن بجود فکر مرا وگشادی

بالرجاء لاسعافك صدري وصورت لي الفوز

بامید داشتن بقضا کردن تو حاجت مرا سینه مرا وتصور کردی برای من ظفر یافتن را

ببلوغ ما رجوته والوصول الى ما املته فوقفت

برسیدن بانچه امید داشتم انرا ورسیدن بسوی انچه ارزو داشتم انرا پس ایستادم

اللهم يا رب بين يديك سائلا لك ضارعا اليك

خداوندا ای پروردگار من پیش روی تو سؤال کننده از تو زاری کننده بسوی تو

واثقا بك متوكلا عليك في قضاء حاجتي و

اعتماد دارنده بتو توکل کننده بر تو در بر اوردن حاجت من و

تحقيق امنيتي وتصديق رغبتي فاعذني اللهم

محقق ساختن ارزوی من وراست کردن خواهش من پس پناه ده مرا خداوندا

رب بكرمك من الخيبة والقنوط والاناة

ای پروردگار من بکرم وجود از زیانکاری ونومیدی ودیر انداختن

والتثبيط بهنيئ اجابتك وسابغ موهبتك انك

وناخیر کردن بگوارای اجابت کردن تو وبکامل از بخشش تو بدرستیکه تو

ولي وبالمنائح ملي وانت على كل شيء قدير وبكل شيء محيط

نصر کننده وبعطاها توانگری وتو بر هر چیز قادری وبهمه چیز احاطه کننده

دعائی که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه

روایت شده ومعروف است بدعاء جوشن صغیر سید سعید

شرح دعاء جوشن صغیر

ابو الرضا فضل الله بن علی حسنی علیه الرحمة گفته است که خبر

داد مرا سید ابو تراب حسنی وگفت که خبر داد مرا شیخ ابو عبد الله

دوریستی وگفت خبر داد مرا ابو عبد الله دئلی وگفت

خبر داد مرا هارون بن موسی تلعکبری وگفت حدیث کرد مرا

ابو العباس بن علی بن ابرهیم وگفت حدیث کرد مرا عمارة بن

زید عقیلی وگفت حدیث کرد مرا عبد الله بن علاء وگفت

حدیث کرد مرا امام همام ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق

علیه الصلوة والسلام وفرمود که حدیث کرد مرا پدر من یعنی

حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام وفرمود که حدیث

کرد مرا پدر من یعنی حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة

والسلام وفرمود که حدیث کرد مرا پدر من یعنی سید شهداء

حضرت امام حسین علیه الصلوة والسلام وفرمود که حدیث

کردمرا پدرمن یعنی سید اوصیا حضرت امیر المؤمنین علیه
الصلوة والسلام وفرمود که ای فرزند من آیا تعلیم بکنم بتو
دعائیرا که سریست از اسرار رسول خدا صلی الله علیه واله
ونازل ساخته است انرا روح الامین یعنی جبرئیل علیه السلام
وان گنجی است از گنجهای حق تعالی که مخصوص وممتاز کردانیده است
حضرت رسول صلی الله علیه واله را بان طلب فریاد رسی میکند
بان دعا مظلومان بسوی حق تعالی وان معروفست بجوشن
وحق تعالی کردانیده است انرا برای هر که انرا بخواند حرزی و
امانی از افتها وعقوبتهای دنیا وبهره از نعیم اخرت وسبک
بخشان وانحضرت فرمود که این دعارا تعلیم کن باهل خود و
ترغیب کن ایشانرا برخواندن ان وتوسل کردن در این دعا
بسوی حق تعالی بنامهای مقدسه او واعتراف نمودن بنعمتهای
او ومنع کن اهل خودرا از اینکه تعلیم کنند انرا بکسی که کافر ومشرک
باشد پس بدرستی که هیچ بنده سؤال نکرده است چیزی را از
حق تعالی بوسیله این دعا مگر آنکه عطا کرده است باو وکار اورا
کفایت کرده است وحفظ نموده است اورا از هر حذر کرده شده
ودر تا باین دعا وزود مستجاب شدن دعا ببرکت ان احادیث
احادیث واخبار مشهوره وارد شده از انجمله دیدم نسخه کدر

ظهر ان نوشته شده بود که این دعای جوشن است که مرویست
از حضرت امام همام موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین
بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین ودر اول ان
نسخه نوشته بود که بسم الله الرحمن الرحیم خبرداد مارا شیخ
رئیس ابو البقا هبة الله بن ناصر بن الحسین بن نصر علیه الرحمة
باین طریق که من برو خواندم واو گفت که خبرداد مارا شیخ
اجل سید عالم ابو عبد الله محمد بن هبة الله جعفر بن الطرابلسی
وگفت که خبرداد مارا شیخ ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی وشریف
ابو یعلی محمد بن الحسن جعفری علیهما الرحمه وگفتند که خبرداد
مارا شریف ابو محمد حسن بن احمد بن قاسم محمدی وگفت که
خبرداد مارا شیخ معدل ابو بکر احمد بن الحسن بن عبد العزیز
در محل عکبرا وخبردادند مارا عبد الغفار بن عبد الله
حسینی واسطی وابو محمد هرون بن موسی تلعکبری وابو الفضل
محمد بن عبد الله بن مطلب وگفتند که حدیث کرد مارا ابو
العباس احمد بن عبید الله بن عمار از کتاب خود وخبرداد
مارا نیز محمد بن حمید بن حسن بن ربیع لحمی محدث وگفت که
حدیث کرد مارا نازوک بن عبد الله هاشمی وگفت که حدیث
کرد مارا ابو العباس احمد بن عمار از کتاب خود وگفت که حدیث

کرد مرا ابو الوضاح عبد الله بن احمد بن بدیل تمیمی و گفت که
غیرت میکنم بر این حدیث و خوش نمی آید مرا از اینکه کسی این را بشنود
چنانکه غیرت میکنم بر زن وجیه بجهت آنکه این حدیث از جمله
حدیثهائی است که بغایت شریف و نفیس است پس زنهار که آنرا
بکسی نقل کنی مگر بکسی که مستحق آن باشد و مخصوص گردان باین
حدیث نیکان برادران دینی خود را و علما را تا حق تعالی بسبب آن
بتو و بایشان نفع رساند و شریف ابو محمد محمدی گفته است که حدیث
کرد مرا ابو عبد الله احمد بن محمد بن عیاش جوهری و گفت که حدیث
کرد مرا ابو یوسف یعقوب بن عمر ازدی که مشهور بود بابن فرقاره
و گفت که حدیث کرد مرا ابو الوضاح نهشلی در کوفه و گفت که حدیث
کرد مرا عبد الله بن بدیل و گفت که کشته شد حسین بن علی بن حسن
بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در موضع فخ و نقل
کرد این حدیث و این دعا را و شریف ابو محمد محمدی گفت که حدیث
کردند ما را ابو غالب زراری و ابو المفضل شیبانی و گفتند که
حدیث کرد ما را ابو العباس محمد بن جعفر رزاز قرشی و گفت
که حدیث کرد ما را محمد بن حسین بن ابی الخطاب و گفت که حدیث
کرد ما را عبد الله بن بدیل که با اخبار و احادیث بغایت دانا
بود و بسیار متعبد و راستگو بود و گفت که چون حسین بن علی

که در

که در موضع فخ مقتول شده عزم خروج بر بنی عباس نمود خبر او
بحضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة و السلام رسید پس کسی
فرستاد و اعلام نمود باو که خروج مکن که اگر خروج کنی کشته
خواهی شد پس حسین بآنکسی که از جانب آنحضرت آمده بود
گفت که بسید و آقای من بگو که آیا احتمال میرود که کشته شدن
نباشد و چیزی پیش آید که پست تر از آن باشد پس آنکس برگردید
و این سخن را بخدمت حضرت عرض نمود آنحضرت فرمود که باز
گرد و بحسین بگو که بخدا سوگند که تو کشته خواهی شد پس چنین کن
که من بار دیگر ترا نه بینم پس آنکس که این خبر را بحسین رسانید
حسین گریست و گفت که کیست که در فرموده آنحضرت شک
کند تا آنحضرت ناچار شود بیاد کردن قسم لیکن من میگویم که
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن حسین
نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه از جای خود برخاست
و آمد بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و چون
حضرت او را دید باواز بلند فرمود که یا قتیل فخ یعنی ای کشته
شده در منزل فخ بعد از آن حضرت دست راست مبارک خود را
دراز کرد و بگونه راست او گذارد و دست خود را کشید و بوسید
و فرمود ای حسین این اول قطعه و کوشش خواهد بود از تو که

وارد بهشت میشود و چون حسین باز کردید حضرت این شعر را خواند
که یرید العبد ان یعطی مناه ‧ و یابی الله الا ما ارادا ‧
یعنی اراده دارد بنده که عطا کرده شود ارزوی او و حق تعالی
اباء دارد که واقع شود مگر انچه خود اراده کرده است و بعد از انکه
حسین خروج کرد و سپاه او با سپاه خلیفه ملاقات نمودند و
اتش جنگ در گرفت جمعی دیدند که حسین بکناری رفت و بدست
خود زمین را کاوید و چیزی را دفن نمود و بمعرکه باز کردید و
بحرب مشغول گردید تا کشته شد راوی گوید که عنبسة بن عمر بن
یعقوب یشکری که از مشایخ زیدیه است خبر داد مرا و گفت که
خبر داد مرا احمد بن عمرو و گفت که خبر داد مرا ابی الدواس
که یکی از سپاه حسین بود و گفت که دیدم حسین علیه الرحمه را
که یکی از سیاه پوشان عباسی متوجه او گردید و نیزه بجانب او
افکند پس او نیزه را از خود دفع نمود و نیزه بران سیاه پوش زد
و او را بقتل رسانید پس دیگری متوجه او گردید و با او نیز چنین
کرد پس از یکی از سیاه پوشان شمشیر خود را بنزدیک روی او
اورد و گویا بروی او مالید پس حسین ضربتی بر کاسه سر او بزد
که کلاه خود و بدن او را بدو نیم کرد بحدی که نصف الان تناسل
او با یک نصف بدن و نصف دیگر با نصف دیگر بدن او بود

اسمعیل بن ابان غنوی و
گفت که خبر داد مرا ابن
ع

بعد از ان حسین از معرکه دور شد و چیزی را در زمین دفن
نمودند ندانستم که چه چیز بود و چون کشته شد و سپاه متفرق
گردیدند امدم بموضعی که دیده بودم که چیزی در ان موضع
دفن نموده و کاویدم دیدم که قطعه از گوشت و پوست گونه او
را که ان سیاه پوش بشمشیر قطع نموده بود در ان موضع دفن
کرده است ‧ ابو الوضاح نهشلی گوید که عبد الله بن احمد بن
وضاح تمیمی گفت که چون حسین بقتل رسید و مردمان متفرق
گردیدند سر او را با اسیران اوردند بنزد موسی بن مهدی
خلیفه عباسی پس سر او را ملاحظه نمودیم و جای ضربت را
دیدیم که گونه را است او را با قدری از لحیه او بریده و جدا کرده
است و ان قطعه بوده است که انرا دفن نموده بوده و ان بوده است
که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام خبر داده بوده است
که اول قطعه از تو که وارد بهشت میشود این است بعد از ان
موسی بن مهدی عباسی علیه اللعنه در مقام شماتت شعری
چند خواند و فرمود تا اسیران را اوردند و بیک یک از ایشان
سرزنش مینمود و میفرمود تا گردن میزدند بعد از ان شروع نمود
در مذمت کردن هر یک از اولاد امجاد حضرت امیر المومنین
علیه السلام تا نوبت بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام

رسید و آنحضرترا مذمت بسیار نمود و گفت که بخدا سوگند که خروج نکرده
بود حسین مگر بامر او و پیروی نکرده بود مگر دوستی او را و خدا مرا
بکشد اگر برو رحم کنم پس ابو یوسف قاضی که در آن مجلس حاضر بود
و با او بجرات سخن میگفت گفت یا خلیفه بگویم یا ساکت باشم خلیفه
گفت بگو هرچه خواهی خدا مرا بکشد اگر از موسی بن جعفر عفو کنم
و در گذرم و اگر نه بود آنچه شنیده ام از مهدی در باب جعفر بن
محمد صادق و سخن خبری که بمن رسیده است که او در باب منصور
گفته است هر آینه قبر او را میشکافتم و جسد او را می سوزانیدم
پس ابو یوسف قاضی قسم یاد نمود باینکه زنان او مطلقه باشند
و همه مال او تصدق باشد و همه بندگان او آزاد باشند و چهار پایان
او وقف باشد و حج پیاده برو واجب باشد اگر دروغ گوید اینرا
که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام اراده خروج کردن
نداشت و پدر بزرگوار او و جد بزرگوار او نیز اراده خروج
کردن نداشتند و فرزندان او نیز خواهش خروج کردن ندارند
و بعد از آن نقل کرد که جماعت زیدیه اعتقاد بخروج کردن
دارند و گفت که باقی نمانده اند از جماعت زیدیه مگر این طایفه
که با حسین خروج کردند و حق تعالی خلیفه را برایشان ظفر داده و
غالب گردانید و پیوسته ابو یوسف از این باب سخن میگفت تا آنکه

غضب

غضب خلیفه فرو نشست راوی گوید که این حکایت را برای حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام نقل کردند در وقتی که جمعی در خدمت آنحضرت
حاضر بودند پس آنحضرت بآن جماعت خطاب نمود و فرمود که
شما مصلحت را در چه چیز میدانید پس همه ایشان گفتند که مصلحت
شما را در این میدانیم که از این خلیفه دوری کنید و خود را ازو
پنهان فرمائید که از شر او بشما نرسد پس آنحضرت تبسم نمود
و شعری چند خواند که دلالت میکرد براینکه آنحضرت از شر این
خلیفه ایمن است و ضرر او بآنحضرت نخواهد رسید بعد از آن
فرمود که حق تعالی خوف و ترس شما را زایل گردانید بخدا قسم
که اول مکتوبی که از عراق خواهد آمد باین مضمون خواهد
بود که خلیفه یعنی موسی بن مهدی عباسی در خواب بوده که مرده است
و بخدا قسم که این سخن حق است مثل آنکه شما سخن میگوئید پس آنحضرت
سر مبارک خود را بجانب آسمان بلند گردانید و رو بقبله کرد و شروع نمود
بخواندن دعائی که بعد از این مذکور خواهد شد و بعد از خواندن دعا
بسجده رفت و در حال سجده دعائی را خواند که بعد از این مذکور خواهد شد
که در حال سجده باید خواند و بعد از آن مردمان متفرق شدند و دیگر
مردمان اجتماع نمودند مگر برای خواندن مکتوبی که خبر مردن موسی بن
مهدی و خلیفه شدن هارون الرشید در آن نوشته بود و دعا اینست

دعای جوشن صغیر

إلهي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضىٰ عَلَيَّ سَيْفَ عَداوَتِهِ وَشَحَذَ

ای خدای من بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنی خود را و تند کرد

لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَأَرْهَفَ لِي شَبا حَدِّهِ وَدافَ

برای من دم کارد بزرگ خود را و نازک کرد برای من کناره تندی آن را و حل کرده آمیخت

لِي قَواتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ إِلَيَّ صَوائِبَ سِهامِهِ وَلَمْ تَنَمْ

برای من زهرهای کشنده خود را و راست کرد بجانب من تیرهای درست رونده خود را و نخوابید

عَنِّي عَيْنُ حِراسَتِهِ وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِيَ الْمَكْرُوهَ

از من چشم پاسبانی او و در دل گرفت اینکه برساند بمن ناخوشی را

وَيُجَرِّعَنِي ذُعافَ مَرارَتِهِ نَظَرْتَ إِلىٰ ضَعْفِي عَنِ

و بیاشاماند بمن جرعهٔ آب زهر تلخی خود را نظر کردی بسوی ناتوانی من از

احْتِمالِ الْفَوادِحِ وَعَجْزِي عَنْ مُلِمّاتِ الْجَوائِحِ وَقُصُورِي

برداشتن چیزهای گران و عجز من از حادثهای هلاک کننده و کوتاهی من

عَنِ الانْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي لِمُحارَبَتِهِ وَوَحْدَتِي

از انتقام کشیدن از کسی که قصد کرد مرا بمحاربهٔ خود و تنهایی من

فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ ناواني وَأَرْصَدَهُمْ لِي فِيما

در میان عدد بسیاری از کسانی که دشمنی کردند با من و در کمین کردن ایشان برای من در انچه

لَمْ أُعْمِلْ فِكْرِي فِي الارْصادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ

کار نفرمودم فکر خود را در کمین کردن برای ایشان بمثل آن

فابتدئنی

فَابْتَدَأْتَنِي بِقُوَّتِكَ وَشَدَدْتَ أَزْرِي بِنُصْرَتِكَ وَ

پس تقویت کردی مرا بقوت خود و محکم کردی پشت مرا بنصرت خود و

فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَ

کند کردی برای من تندی او را و خوار کردی او را بعد از جمع کردن او عدد بسیار خود را و

حَشْدِهِ وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَوَجَّهْتَ ما سَدَّدَ

جماعت خود را و بلند کردی کعب مرا بر او و متوجه ساختی آنچه را اگر راست کرده بود

إِلَيَّ مِنْ مَكائِدِهِ إِلَيْهِ وَرَدَدْتَهُ لَمْ تَشْفِ غَلِيلَهُ

بسوی من از تیرهای مکر خود بسوی او و برگردانیدی او را در حالتی که شفا نداده بود کینهٔ خود را

وَلَمْ تَبْرُدْ حَزازاتُ غَيْظِهِ وَقَدْ عَضَّ عَلَيَّ أَنامِلَهُ

و خنک نشده بود گرمیهای خشم او و بتحقیق که بدندان گرفت بر من سر انگشتان خود را

وَأَدْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْفَقَتْ سَراياهُ فَلَكَ الْحَمْدُ

و پشت کرد اعراض کننده بتحقیق که نومید شد لشکرهای او پس برای تست ستایش

يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ وَذِي أَناةٍ لا يَعْجَلُ صَلِّ

ای پروردگار من از توانایی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمائِكَ مِنَ الشّاكِرِينَ

بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرِينَ إِلهِي وَكَمْ مِنْ باغٍ بَغانِي

و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از ستم کننده که ستم کرد مرا

بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي

بکیدهای خود و برپا کرد برای من دامهای صیدهای خود را و موکل کرد بر من

تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ، وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَاراً

جستجوی رعایت کردن خود را و در کمین نشست مثل کمین نشستن شیر از برای شکار خود بجهت انتظار

لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ، وَهُوَ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ يُظْهِرُ لِي

برای یافتن فرصت خود و حال آنکه در اینها همه ظاهر میکرد برای من

بَشَاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لِي وَجْهاً غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَأَيْتَ

شکفتگی چاپلوسی را و میگشود برای من روی غیر گشاده خود را پس چونکه دیدی تو

دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي

فساد باطن او را و زشتی آنچه بخاطر گرفته است برای بدی که پنهان کرده از او در

قَلْبِهِ، وَأَصْبَحَ مُجْلِياً لِي فِي بَغْيِهِ أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ

دل خود و صبح کرد ظاهر کننده برای من در ظلم خود نگونسار کردی او را بمغز سر او

فِي زُبْيَتِهِ، وَنَقَضْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، وَرَدَّيْتَهُ

در زبیه او و شکستی بنای ظلم او را از بیخ آن و انداختی او را

مَهْوَى حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرَابِ رِجْلِهِ

در محل افتادن گو او و کردانیدی گونه او را چسپیده بخاک پای او

وَشَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرِزْقِهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَ

و مشغول کردی او را در بدن او و در روزی او و انداختی او را بسنگ او و

خنقته

خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ، وَكَبَبْتَهُ

خفه کردی او را بزه کمان او و ذبح کردی او را بپیکانهای تیر او و برو در انداختی او را

لِمَنْخِرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَرَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ

به بینی او و برگردانیدی حیله او را در گلو گردن او و بستی او را به پشیمانی او

وَفَتَّتَّهُ بِحَسْرَتِهِ، فَاسْتَخْذَأَ وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ

و کند کردی او را باندوه او پس مطیع شد و حقیر شد بعد از تکبر او

وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلاً مَأْسُوراً فِي رِبَقِ

و باز گشت بعد از سرکشی او خوار بسته شده در ریسمان

حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ

دام خود که بود که آرزو میکرد اینکه ببیند مرا در آن در روز غضب خود

وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا

و نزدیک بود که نزدیک بودم ای پروردگار من اگر نبود رحمت تو اینکه فرود آید بمن آنچه

حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

فرود آمد بمیان سرای او پس برای تست ستایش ای پروردگار من از توانا که مغلوب نمیشود

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا

لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان

إلهي وكم من حاسد شرق بحسرته وعدو شجي
ای خدای من وبسا از حسد برنده که گلو گیر شده بود باندوه خود و دشمنی که اندوهگین شده بود
بغيظه سلقني بحد لسانه ووخزني بشبا سنانه
بخشم خود آزار کرد مرا بتندی زبان خود وطعن زد مرا بکنار نیزهٔ خود
وجعلني غرضا لمراميه وقلدني خلالا لم تزل
وگردانید مرا نشانه برای تیرهای خود وبگردن من انداخت صفتهای را که پیوسته
فيه ناديتك يا رب مستجيرا بك واثقا بسرعة
در خود ش بود خواندم ترا ای پروردگار من پناه آورنده بتو اعتماد کننده بزود
إجابتك متوكلا على ما لم أزل أتعرفه من حسن
اجابت کردن تو توکل کننده بر آنچه همیشه میشناسم آنرا از نیکو
دفاعك عالما أنه لن يضطهد من اعتضد بولايتك
دفع کردن تو دانا باینکه هرگز ستم رسیده نمیشود کسی که قوت گرفت بولایت تو
وأوى إلى ظل كنفك وكفايتك ولم يفزع
وجای گرفت در سایهٔ حمایت تو وکفایت تو ونمی ترساند
الحوادث من لجا إلى معقل الانتصار بك فحصنتني
حادثها کسی را که پناه برد بسوی پناه گاه انتقام کشیدن بتو پس نگاه داشتی مرا
من بأسه بقدرتك وكفيتني سطوته برحمتك
از شدت او بقدرت خود وکفایت کردی از من غضب او را برحمت خود

فلك

فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا
پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که
يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك
شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
از شکر کنندگان وبرای احسانهای تو از یاد کنندگان
إلهي وكم من سحائب مكروه جليتها وسماء نعمة
ای خدای من وبسا از ابرهای ناخوشی که کشودی آنها را وابرهای نعمتی
أمطرتها وجداول كرامة أجريتها وأعين
که بارانیدی آنها را وجدولهای رحمتی که جاری ساختی آنها را وچشمهای
أحداث طمستها وناشئة رحمة نشرتها وجنة
حادثهائی که پر کردی آنها را وپهن شونده رحمتی که پهن کردی آنرا وسپر
عافية ألبستها وغوامر كربات كشفتها و
عافیتی که پوشانیدی آنرا وفرو برندهای غمهائی که برطرف کردی آنها را و
أمور جارية قدرتها لم تعجزك إذ طلبتها ولم
فرمانهای جاری که تقدیر کردی آنها را عاجز نکردند ترا در وقتی که طلب کردی آنها را و
تمتنع عليك إذ أردتها فلك الحمد يا رب من
سرکشی نکردند بر تو در وقتی که خواستی آنها را پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن

مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد
توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد
وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين و
وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو از شکرکنندگان و
لآلائك من الذاكرين الهي وكم من ظن حسن
برای احسانهای تو از یادکنندگان ای خدای من وبسا از گمان نیکوئی
حققت ومن كسر املاق جبرت ومن مسكنة
که درست کردی واز شکستن پریشانی که تدارک کردی واز درویشی
فادحة حولت ومن صرعة مهلكة نعشت ومن مشقة
سنگینی که گردانیدی واز افتادن هلاک کننده که برداشتی واز مشقتی
ارحت لا تسئل يا سيدي عما تفعل وهم يسئلون
که برطرف کردی سؤال کرده نمیشوی ای آقای من از آنچه میکنی ومردمان سؤال کرده میشوند
ولا ينقصك ما انفقت ولقد سئلت فاعطيت
وکم نمیکند خزانه تورا هر قدر که خرج کنی وهر آینه بتحقیق که سؤال کرده شدی پس عطا کردی
ولم تسئل فابتدأت واستميح باب فضلك فما
وسؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی وطلب بخشش کرده شد از درگاه فضل تو پس
اكديت ابيت الا انعاما وامتنانا والا تطولا
باندک دادن راضی نشدی ابا کردی مگر از نعمت دادن واکرام کردن ومگر از تفضل

يا رب واحسانا وابيت الا انتهاكا لحرماتك
ای پروردگار من واحسان کردن وابا کردم مگر از مبالغه کردن در دریدن پردهای محرمات تو
واجتراء على معاصيك وتعديا لحدودك و
وجرأت کردن بر گناهان تو وتجاوز کردن از حدود تو و
غفلة عن وعيدك وطاعة لعدوي وعدوك
غفلت ورزیدن از تهدید تو وفرمان برداری برای دشمن من ودشمن تو
فلم يمنعك يا الهي وناصري اخلالي بالشكر
پس مانع نشد ترا ای خدای من ویاری کننده من خلل رسانیدن من بشکرگذاری
عن اتمام احسانك ولا حجزني ذلك عن ارتكاب
از تمام کردن تو احسان خود را ومانع نشد مرا این از مرتکب شدن
مساخطك الهي وهذا مقام عبد ذليل اعترف
بخشم آورندهای تو ای خدای من واین جای ایستادن بنده خواریست که اعتراف کرده است
لك بالتوحيد واقر على نفسه بالتقصير في اداء
برای تو بیگانگی تو واقرار کرده است بر نفس خود بتقصیر داشتن در ادا کردن
حقك وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميل
حق تو وگواهی داده است برای تو بکامل بودن نعمت تو بر او و نیکوئی
عاداتك عنده واحسانك اليه فهب لي يا الهي
عادتهای تو نزد او واحسان تو بسوی او پس ببخش بمن ای خدای من

وسیدی من فضلك ما اتوسل به الی رحمتك واتخذه

وآقای من از فضل خود آنچه را که وسیله جویم بآن بسوی رحمت تو و فرا گیرم آن را

سلما اعرج فیه الی مرضاتك وآمن به من سخطك

نردبانی که بالا روم در آن بسوی خوشنودی تو و ایمن شوم بسبب آن از غضب تو

بعزتك وطولك وبحق نبیك محمد والائمة

بحق عزت تو و قدرت تو و بحق پیغمبر تو محمد و بحق امامان

صلوات الله علیه وعلیهم فلك الحمد یا رب

رحمتهای خدا بر او و بر ایشان باد پس برای تست ستایش ای پروردگار من

من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی

از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر

محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائك من الشاکرین و

محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از شکر کنندگان و

لآلائك من الذاکرین الهی وکم من عبد

برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده

امسی واصبح فی کرب الموت وحشرجة الصدر و

که شام کرد و صبح کرد در اندوه مرگ و غرغره سینه و

النظر الی ما تقشعر منه الجلود وتفزع له القلوب

نظر کردن بسوی آنچه میلرزد از آن پوستها و میترسد از آن دلها

وانا

وانا فی عافیة من ذلك کله فلك الحمد یا رب

و حال آنکه من هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من

من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی

از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر

محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائك من الشاکرین

محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

ولآلائك من الذاکرین الهی وکم من عبد امسی

و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده

واصبح سقیما موجعا فی انین وعویل یتقلب

و صبح کرده بیمار دردناک در ناله و فریاد در حالی که میگردد

فی غمة لا یجد محیصا ولا یسیغ طعاما ولا

در اندوهی و نمی یابد گریزگاهی و گوارا نمیکند بر خود خوردنی را و نه

شرابا وانا فی صحة من البدن وسلامة من

آشامیدنی را و حال آنکه من هستم در صحتی از بدن و سلامتی از

العیش کل ذلك بفضلك وکرمك فلك الحمد

زندگانی همه اینها بتفضل تو و کرم تست پس برای تست ستایش

یا رب من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل

ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائک من
رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو از
الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی و
شکر کنندگان وبرای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و
سیدی وکم من عبد امسی واصبح خائفا مرعوبا
آقای من وبسا از بنده که شام کرده وصبح کرده ترسان هراسان
مشفقا وجلا هاربا طریدا منحجرا فی مضیق و
خوفناک بیمناک گریزنده رانده شده پنهان گشته در تنگنائی و
مخباة من المخابی وقد ضاقت علیه الارض برحبها
گریزگاهی از گریزگاهها وبتحقیق که تنگ کرده براو زمین با وسعتش
لا یجد حیلة ولا منجی ولا ماوی وانا فی امن
در حالیکه نمی یابد چاره ونه پناهی ونه جایگاهی وحال آنکه من هستم در امنیت
وطمانینة وعافیة من ذلک کله فلک الحمد
و آرام و عافیتی از این بلاها همه پس برای تست ستایش
یا رب من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل
ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست
علی محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائک من الشاکرین
بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

ولآلائک من الذاکرین الهی وسیدی وکم من عبد
وبرای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من وبزرگ من وبسا از بنده
امسی واصبح مغلولا مکبلا بالحدید بایدی
که شام کرده وصبح کرده غل کرده شده حبس کرده شده باهن در دستهای
العداة لا یرحمونه بعیدا من اهله وولده منقطعا
دشمنان که رحم نمیکنند او را دور افتاده از اهل خود واولاد خود جدا شده
عن اخوانه وبلده یتوقع کل ساعة بایة قتلة
از برادران خود وشهر خود توقع دارد در هر ساعت که بکدام کشتن
یقتل وبایة مثلة یمثل وانا فی عافیة من
کشته میشود وبکدام سیاست سیاست کرده میشود وحال آنکه من هستم در عافیتی از
ذلک کله فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب
اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود
وذی اناة لا یعجل صل علی محمد وآل محمد واجعلنی
وصاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا
لنعمائک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین
برای نعمتهای تو از شکر کنندگان وبرای احسانهای تو از یاد کنندگان
الهی وکم من عبد امسی واصبح یقاسی الحرب ومباشرة
ای خدای من وبسا از بنده که شام کرده وصبح کرده بنحوی که میکشد تعب جنگ کردن ومباشرت

القتال بنفسه قد غشيه الاعداۤء من كل جانب بالسيوف
محارب را بنفس خود در حالی که فرو گرفته اند او را دشمنان از هر جانب بشمشیرها
والرماح وسائر آلات الحرب يتقعقع وهو في
و نیزها و باقی آلتهای جنگ و باضطراب حرکت میکند و حال آنکه در رو
الحديد قد بلغ مجهوده لا يعرف حيلة ولا يجد
میان آهن بتحقیق که رسیده است بنهایت طاقت او تو بجوی که نمیشناسد چاره و نمی یابد
مهربا قد اُدنف بالجراحات او جُدّل متشحطا
گریزگاهی بتحقیق که نزدیک رسیده بمردن بسبب جراحتها یا بر رو در افتاده غلطیده
بدمه تحت السنابك والارجل يتمنى شربة من
بخون خود در زیر سمهای اسبان و پاهای مردمان در حالی که آرزو میکند شربتی از
ماۤء او نظرة الى اهله وولده لا يقدر عليها
آب یا نظر کردنی بسوی اهل خود و اولاد خود و قادر نیست بر آن
وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب
و حال آنکه من هستم در عافیت از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار
من مقتدر لا يُغلب وذي اناة لا يعجل صل
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست
على محمد وآل محمد واجعلني لنعماۤئك من الشاكرين
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

ولآلاۤئك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى و
و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده و
اصبح في ظلمات البحار وعواصف الرياح والاهوال
صبح کرده در تاریکیهای دریاها و در بادهای تند و ترسها
والامواج يتوقع الغرق والهلاك لا يقدر على
و موجها توقع دارد غرق شدن و هلاک را در حالی که قادر نیست بر
حيلة او مبتلى بصاعقة او هدم او غرق او
چاره یا مبتلا شده بصاعقه یا خراب شدنی یا غرق شدنی یا
حرق او شرق او خسف او مسخ او قذف وانا
سوختنی یا در گلو گرفتنی یا بزمین فرو رفتنی یا مسخ شدنی یا سنگسار شدنی و حال آنکه من
في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من
هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن
مقتدر لا يُغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد
توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد
وآل محمد واجعلني لنعماۤئك من الشاكرين ولآلاۤئك
و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو
من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح
از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده

مُسافِرًا شاخِصًا عَنْ اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفاوِزِ
سفر کننده دور شونده از اهل خود واولاد خود حیران در بیابانها
تائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهائِمِ وَحِيدًا فَرِيدًا لا يَعْرِفُ
سرگردان با وحشیان وچهارپایان تنها وبیکس که نمیشناسد
حِيلَةً وَلا يَهْتَدِي سَبِيلًا اَوْ مُتَأَذِّيًا بِبَرْدٍ اَوْ حَرٍّ
چاره را و پی نمیبرد براهی یا در آزار باشد بسبب سرما یا گرما
اَوْ جُوعٍ اَوْ عُرًى اَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدائِدِ مِمّا اَنَا مِنْهُ
یا گرسنگی یا برهنگی یا غیر آن از سختیها از آنچه من هستم از آن
خِلْوٌ وَفِي عافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ
خالی و هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من
مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ وَذِي اَناةٍ لا يَعْجَلُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که تعجیل نمیکند رحمت بفرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمائِكَ مِنَ الشّاكِرِينَ وَ
وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
لِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرِينَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
برای احسانهای تو ازیاد کنندگان ای خدای من وآقای من وبسا از بنده
اَمْسى وَاَصْبَحَ فَقِيرًا عائِلًا عارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَهْجُورًا
که شام کرده وصبح کرده پریشان عیالمند برهنه بیچیز مضطرب دور افتاده

جائِعًا ظَمْآنَ يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ اَوْ عَبْدٍ
گرسنه تشنه انتظار میکشد کسی را که احسان کند برو ببخشش یا بنده
وَجِيهٍ كانَ عِنْدَكَ اَوْجَهَ مِنِّي وَاَشَدَّ عِبادَةً لَكَ
با منزلت ورتبه که باشد نزد تو منزلتدارتر از من وبیشتر باشد عبادتش برای تو
مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ حَمَلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ
در حالیکه غل کرده شده وقهر کرده شده باشد بتحقیقیکه متحمل شده است سنگینی را از تعب
الْعَناءِ وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ
آزار کشیدن و سختی بندگی ومشقت بندگی وسنگینی
الضَّرِيبَةِ اَوْ مُبْتَلًى بِبَلاءٍ شَدِيدٍ لا قِبَلَ لَهُ بِهِ
آنچه برو قرار یافته یا مبتلا باشد ببلای سختی که برابری نتواند کرد او با آن بلا
اِلّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَاَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنَعَّمُ الْمُعافى
مگر باحسان کردن تو براو وحال آنکه من هستم مخدوم نعمت داده شده عافیت داده شده
الْمُكَرَّمُ وَفِي عافِيَةٍ مِمّا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
گرامی داشته شده ودر عافیتی از آنچه آن بنده در آن گرفتار است پس برای تست ستایش
عَلى ذٰلِكَ كُلِّهِ يا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ وَذِي
بر این همه ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب
اَناةٍ لا يَعْجَلُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا

لِنَعمائک مِنَ الشّاکرین ولِآلائک مِنَ الذّاکرین
برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان
اِلٰهی ومولای وسیّدی وکم مِن عبدٍ اَمسیٰ و
ای خدای من و آقای من و بزرگ من و بسا از بنده که شام کرده و
اَصبح طریدًا شریدًا حیرانًا متحیّرًا جائعًا خائفًا
صبح کرده رانده شده آواره گشته حیران متحیر گرسنه ترسان
خاسرًا فی الصّحاری والبراری قد احرقه
برهنه در صحراها و بیابانها که بتحقیق سوخته است او را
الحرّ والبرد وهو فی ضرٍّ من الحیوة وضنکٍ من
گرما و سرما و او در مشقتی است از زندگی و تنگی است از
العیش وذلٍّ من المقام ینظر الیٰ نفسه حسرةً
زندگانی و خواریست از مرتبه و منزلت در حالیکه نظر میکند بسوی نفس خود از روی حسرت
لا یقدر لها علیٰ ضرٍّ ولا نفعٍ وانا خلوٌ من ذلک
که قادر نیست برای نفس خود بر دفع ضرری و بر تحصیل نفعی و حال آنکه من هستم خالی از اینها
کلّه بجودک وکرمک فلا اله الّا انت سبحانک
همه بخشش تو و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا
من مقتدرٍ لا یغلب وذی اناةٍ لا یعجل صلّ علیٰ
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که تعجیل نمیکند رحمت فرست بر

محمد

محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلنی لِانعمک من الشّاکرین و
محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
لِآلائک من الذّاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم
برای احسانهای تو از یاد کنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده‌ترین
الرّاحمین الٰهی وسیّدی وکم من عبدٍ امسیٰ و
رحم کنندگان ای خدای و بزرگ من و بسا از بنده که شام کرده و
اصبح علیلًا مریضًا سقیمًا مدنفًا علیٰ فرش العلّة
صبح کرده دردناک بیمار صاحب آزار نزدیک رسیده بمرگ افتاده بر بسترهای بیماری
وفی لباسها یتقلّب یمینًا وشمالًا لا یعرف شیئًا
و در جامه آن در حالیکه میگردد براست و چپ نمی یابد چیزی را
من لذّة الطّعام والشّراب ینظر الیٰ نفسه حسرةً
از لذت خوردنی و آشامیدنی نظر میکند بسوی خود از روی حسرت
لا یستطیع لها ضرًّا ولا نفعًا وانا خلوٌ من ذلک
قادر نیست برای نفس خود دفع ضرری را و تحصیل نفعی و حال آنکه من هستم خالی از اینها
کلّه بجودک وکرمک فلا اله الّا انت
همه بخشش تو و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو
سبحانک من مقتدرٍ لا یغلب وذی اناةٍ لا یعجل
تسبیح میکنم ترا از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لک من العابدین

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد وبگردان مرا برای تو از عبادت کنندکان

ولنعمائک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین

وبرای نعمتهای تو از شکر کنندکان وبرای احسانهای تو از یاد کنندکان

وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای و

ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان ای آقای من و

سیدی وکم من عبد امسی واصبح قد دنا

بزرگ من وبسا از بنده که شام کرد وصبح کرد درحالیکه بتحقیق نزدیک شده است

یومه من حتفه واحدق به ملک الموت فی اعوانه

روز او بمرگ او واحاطه نموده است باو ملک الموت با یاوران خود

یعالج سکرات الموت وحیاضه تدور عیناه

درحالیکه آن بنده مشغول شده وفرو رفته در سختیهای مرگ وحوضهای آن میگردد چشمهای او

یمینا وشمالا ینظر الی احبائه واودائه واخلائه

بجانب راست وچپ نظر میکند بسوی محبان ودوستان ومصاحبان خود

قد منع من الکلام وحجب عن الخطاب ینظر

بتحقیق که منع کرده شده است از سخن کفتن وممنوع شده است از کفتکو درحالی که نظر میکند

الی نفسه حسرة لایستطیع لها ضرا ولا نفعا

بسوی نفس خود از روی حسرت که استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرر را ونفع را وتحصیل

وانا خلو من ذلک کله بجودک وکرمک فلا

وحال آنکه من هستم خالی از آنها همه ببخشش تو وکرم تو پس نیست

اله الا انت سبحانک من مقتدر لایغلب وذی

خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب

اناة لایعجل صل علی محمد وآل محمد واجعلنی

حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا

لک من العابدین ولنعمائک من الشاکرین و

برای تو از عبادت کنندکان وبرای نعمتهای تو از شکر کنندکان و

لآلائک من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم

برای احسانهای تو از یاد کنندکان ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین

الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی

رحم کنندکان ای آقای من وبزرگ من وبسا از بنده که شام کرده

واصبح فی مضائق الحبوس والسجون وکربها و

وصبح کرده در تنگیهای حبسها وزندانها واندوه آنها و

ذلها وحدیدها یتداوله اعوانها وزبانیتها

خواری آنها وآهن آنها که دست بدست میکردانند اورا اعوان آنها وخدمه آنها

فلا یدری ای حال یفعل به وای مثلة یمثل به

پس نمیداند که چه کار کرده میشود باو وبچه عقوبت سیاست کرده میشود باو

فهو في ضر من العيش وضنك من الحيوة ينظر الى
پس او در تعبی است از زندگانی و در تنگی است از زندگی در حالی که نظر میکند بسوی
نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا
خود از روی حسرت استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرر را و نه تحصیل نفع را و حال آنکه من
خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله
هستم خالی از اینها همه بخشش تو و کرم تو پس نیست خدای
الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة
مگر تو تسبیح میکنم تو را از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی
لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لك من
که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای تو از
العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك من
عبادت کنندگان و برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از
الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين
یاد کنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
سيدي ومولاي وكم من عبد امسى واصبح
ای بزرگ من و آقای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده
قد استمر عليه القضاء واحدق به البلاء وفارق
که بتحقیق که مستمر و جاری شده است برو قضا خدا و فرو گرفته است او را بلا و جدا شده است

اخلاءه

اخلاءه واوداءه وامسى اسيرا حقيرا ذليلا في
از مصاحبان و دوستان خود و گردیده است اسیر حقیر خوار در
ايدي الكفار والاعداء يتداولونه يمينا وشمالا
دستهای کافران و دشمنان که دست بدست میکردند او را بجانب راست و چپ
قد حصر في المطامير وثقل في الحديد لا يرى شيئا
که بتحقیق که بند شده است در زندانها و سنگین کرده شده است در آهن که نمی بیند چیزی را
من ضياء الدنيا ولا من روحها ينظر الى نفسه حسرة
از روشنی دنیا و نه از راحت آن در حالی که نظر میکند بسوی خود از روی حسرت
لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله
استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرر را و نه تحصیل نفع را و حال آنکه من هستم خالی از اینها همه
بجودك وكرمك فصل على محمد وال محمد واجعلني
بخشش تو و کرم تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا
لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين و
برای تو از عبادت کنندگان و برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
ارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين سيدي ومولاي
رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای بزرگ من و آقای من
وكم من عبد امسى واصبح قد استنام الى الدنيا
و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده که بتحقیق که مطمئن گردیده بدنیا

للرغبة فيها الى ان خاطر بنفسه وما له حرصا منه
براى خواهش در ان تا اينكه در معرض خطر در آورده جان خودرا ومال خودرا از جهت حريص بودن او
عليها قد ركب الفلك وكسر به وهو فى آفاق
بر تحصيل دنيا كه بتحقيق كه سوار شده است در كشتى وشكسته شده كشتى او وحال آنكه او در اطراف
البحار وظلمها ينظر الى نفسه حسرة لا يقدر
دريا ها وتاريكيهاى آنها نظر ميكند بسوى خود از روى حسرت كه قادر نيست
لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله بجودك
براى نفس خود بر دفع ضرى ونه تحصيل نفعى وحال آنكه من هستم خالى از اينها همه بخشش تو
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا
وكرم تو پس نيست خداى مگر تو تسبيح ميكنم تورا از ان تواناى كه
يغلب وذى اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد
مغلوب نميشود وصاحب حلمى كه شتاب نميكند رحمت بفرست بر محمد وال محمد
واهل بيته واجعلنى لك من العابدين ولنعمائك
واهل بيت او وبگردان مرا براى تو از عبادت كنندگان وبراى نعمتهاى تو
من الشاكرين وارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين
از شكر كنندگان ورحم كن مرا برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان
سيدى ومولاى وكم من عبد امسى واصبح قد
اى بزرگ من وآقاى من وبسا از بنده كه شام كرده وصبح كرده كه بتحقيق كه

اسمر

استمر عليه القضاء واحدق به البلاء والكفار
مستمر وجارى شده بر او قضاى خدا وفرو گرفته است او را بلا وكافران
والاعداء واخذته الرماح والسيوف والسهام
ودشمنان وفرا گرفته است او را نيزه ها وشمشيرها وتيرها
وجدل صريعا وقد شربت الارض من دمه و
وافتاده است بروى خود در حالى كه بتحقيق كه آشاميده است زمين از خون او و
اكلت السباع والطير من لحمه وانا خلو من
خورده اند درندگان ومرغان از گوشت او وحال آنكه من هستم خالى از
ذلك كله بجودك وكرمك لا باستحقاق منى فلا
اينها همه بخشش تو وكرم تو نه باستحقاقى از جانب من پس نيست
اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذى
خداى مگر تو تسبيح ميكنم تورا از ان توانائى كه مغلوب نميشود وصاحب
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واهل بيته
حلمى كه شتاب نميكند رحمت بفرست بر محمد وال محمد واهل بيت او
واجعلنى لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين
وبگردان مرا براى تو از عبادت كنندگان وبراى نعمتهاى تو از شكر كنندگان
وارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين الهى و
ورحم كن مرا برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان اى خداى من و

عِزَّتِكَ یا کَرِیمُ لَاَطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَیْكَ وَلَاُلِحَّنَّ

بعزّتِ تو ای صاحب کرم کہ ہر اینہ طلب میکنم البتہ از انچہ در نزد تست وهر اینہ الحاح میکنم البتہ

عَلَیْكَ وَلَاَمُدَّنَّ یَدِی نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا اِلَیْكَ

بر تو وهر اینہ میکشم البتہ دست خود را بجانب تو با وجود گناہ کاری آن بسوی تو

یَا رَبِّ فَبِمَنْ اَعُوذُ وَبِمَنْ اَلُوذُ لَا اَحَدَ لِی اِلَّا

ای پروردگار من پس بکہ پناہ برم و بکہ التجا کنم نیست کسی برای من مگر

اَنْتَ اَفَرَدْتَنِی وَاَنْتَ مُعَوَّلِی وَعَلَیْكَ مُتَّکَلِی

تو ایا پس بر میگردانی مرا و حال آنکہ توئی معتمد من و بر تست توکل من

اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ

سؤال میکنم ترا بحق نام تو کہ گذاشتی آنرا بر آسمان پس درست ایستاد

وَعَلَی الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَی الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَ

و بر زمین پس قرار گرفت و بر کوهها پس ثابت شد و

عَلَی اللَّیْلِ فَاَظْلَمَ وَعَلَی النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ اَنْ تُصَلِّیَ

بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گردید اینکہ رحمت فرستی

عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ لِی حَوَائِجِی کُلَّهَا وَ

بر محمد و آل محمد و اینکہ برآوری برای من حاجتهای مرا همہ آنهارا و

تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا صَغِیرَهَا وَکَبِیرَهَا وَتُوَسِّعَ

بیامرزی برای من گناهان مرا همہ آنهارا کوچک آنهارا و بزرگ آنهارا و توسعہ دهی

عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِی بِهِ شَرَفَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ

بر من از روزی آنقدر کہ برسانی مرا بآن بشرف دنیا و آخرت

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ مَوْلَایَ بِكَ اسْتَغَثْتُ فَصَلِّ عَلٰی

ای رحم کنندہ ترین رحم کنندگان ای آقای من بتو استغاثہ میجویم پس رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَغِثْنِی وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَاَجِرْنِی وَاَغْنِنِی

محمد و آل محمد و اغاثت کن مرا و بتو پناہ می آورم پس پناہ دہ مرا و بی نیاز گردان مرا

بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ وَبِمَسْاَلَتِكَ عَنْ مَسْاَلَةِ

بفرمان برداری تو از فرمان برداری بندگان و بسؤال کردن از تو از سؤال کردن

خَلْقِكَ وَانْقُلْنِی مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ اِلٰی عِزِّ الْغِنٰی وَ

از خلق تو و منتقل ساز مرا از خواری بی چیزی بسوی عزتِ توانگری و

مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِی اِلٰی عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ فَضَّلْتَنِی

از خواری فرمان نبردن بسوی عزت فرمانبرداری پس بتحقیق کہ زیادتی دادہ مرا

عَلٰی کَثِیرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُودًا مِنْكَ وَکَرَمًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ

بر بسیاری از مخلوقات خود از جہت بخشش از جانب خود و کرامت نہ باستحقاق من

اِلٰهِی فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰی ذٰلِكَ کُلِّهِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای خدای من پس برای تست ستایش بر اینها همہ رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاکِرِینَ

محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان

وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از آن سجده کن
و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و در حال سجود بگو
سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدائم الباقي
سجده کرده است روی من که کهنه بر طرف شونده است برای ذات تو که دائمی و باقیست
سجد وجهي الذليل لوجهك العزيز الجليل سجد
سجده کرده است روی من که خوار است برای ذات تو که عزیز بزرگوار است سجده کرده است
وجهي الفقير لوجهك الغني الكبير سجد وجهي
روی من که محتاج است برای ذات تو که بی نیاز بزرگست سجده کرده است روی من
وسمعي وبصري ولحمي ودمي وجلدي وعظمي وما
و گوش من و چشم من و گوشت من و خون من و پوست من و استخوان من و آنچه
اقلت الارض مني لله رب العالمين اللهم عد
برداشته است زمین از من برای خدا پروردگار عالمیان خداوندا ببخش
على جهلي بعلمك وعلى فقري بغناك وعلى ذلي
بر نادانی من بعلم خود و بر بی چیزی من بتوانگری خود و بر خواری من
بعزك وسلطانك وعلى ضعفي بقوتك وعلى خوفي
بعزت خود و سلطنت خود و بر ضعف من بقوت خود و بر خوف من
بامنك وعلى ذنوبي وخطاياي بعفوك ورحمتك
بایمن ساختن خود و بر گناهان من و خطاهای من بعفو خود و رحمت خود

یا رحمن یا رحیم اللهم انی ادرأ بك في نحر
ای بخشاینده ای مهربان خداوندا بدرستی که من دفع میکنم بتو در گلو کردن
فلان بن فلان واعوذ بك من شره فاكفنيه بما
فلان پسر فلان و پناه میبرم بتو از شر او پس کفایت کن مرا از شر او بآنچه
كفيت به انبياءك واولياءك من فراعنة عبادك
کفایت کرده ما را پیغمبران خود و دوستان خود را از سرکشان بندگان تو
وطغاة خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين
و طاغیان از خلق تو برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
دعای دیگر که از جوشن بیشتر است و معروفست از حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام سید ضیاء الدین تاج الاسلام ابو الرضا
فضل الله بن علی بن عبد الله راوندی قدس الله روحه گفته است
که خبر داد ما را شیخ سعید ابو جعفر محمد بن علی بن حسن مقری
نیشابوری قدس الله روحه و گفت که خبر داد ما را شیخ سعید
ابو الوفا عبد الجبار بن عبد الله مقری و گفت که خبر داد ما را
شیخ موفق ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن محمد طوسی رضی الله عنه
ع و خبر داد ما را ذو الفقار حسنی مروزی و گفت که خبر داد
بطریق مکاتبه شیخ ابو جعفر طوسی علیه الرحمه ع و خبر داد ما را
سید مرتضی ابن الداعی حسنی در شهر ری و گفت که خبر داد ما را

بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر او را بگوید

جوشن دیگر که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است

شیخ ابو عبد الله جعفر بن محمد دوریستی و گفت که خبر داد ما را
محمد بن الحسن الصفار و روایت کرد از احمد بن محمد بن عیسی از
هرون بن مسلم از مسعدة بن صدقه و او گفت که سؤال کردم از حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام که تعلیم کند بمن دعائی
را که بخوانم آنرا در همه کارها و مطالب خود پس آنحضرت بیرون
آورد چند ورق از کتاب کهنه و فرمود که بنویس آنچه در این ورقهاست
که این دعاء جدم حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة و السلم
است و از برای بر آمدن همه مقاصد و کارهاست پس
آنها را بهمان طریق که در آنجا بود نوشتم پس هرگز بسختی و شدتی
نرسیدم و غمگین نکرد مرا چیزی مگر آنکه آن دعا را خواندم پس حق
تعالی گشایش داد و دلگیری مرا زایل گردانید و سختی و شدت
مرا برطرف نمود و مطلب مرا بمن عطا کرد و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ هَدَیْتَنِی فَلَهَوْتُ وَ وَعَظْتَنِی فَقَسَوْتُ وَ
خداوندا هدایت کردی مرا پس غافل بودم و پند دادی مرا پس دل سخت بودم و
اَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ وَ عَرَّفْتَ فَاَصْرَرْتُ ثُمَّ عَرَّفْتَ
عطا کردی نیکو را پس عصیان کردم و شناسانیدی پس اصرار ورزیدم بعد از شناسانیدن
فَاسْتَغْفَرْتُ فَاَقَلْتَ فَعُدْتُ فَسَتَرْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ
پس طلب آمرزش کردم پس درگذشتی پس باز گشتم پس پوشانیدی پس برای تست ستایش

دعای دیگر که او را جوشن مینامند

اِلٰهِی تَقَحَّمْتُ اَوْدِیَةَ هَلَاکِی وَ تَخَلَّلْتُ شِعَابَ تَلَفِی وَ
ای خدای من انداختم خود را در وادیهای هلاک خود و در آمده ام در میان راههای برطرف شدن خود
تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا لِعُقُوبَاتِهَا
متعرض شده ام در آنها برای غضبهای تو و بسبب حلول شدن آنها برای عقوبتهای آنها
وَ وَسِیلَتِی اِلَیْکَ التَّوْحِیدُ وَ ذَرِیعَتِی اَنِّی لَمْ اُشْرِکْ
و وسیله من بسوی تو یگانه دانستن تست و دستاویز من اینست که من شریک نساختم
بِکَ شَیْئًا وَ لَمْ اَتَّخِذْ مَعَکَ اِلٰهًا وَ قَدْ فَرَرْتُ اِلَیْکَ
با تو چیزی را و فرا نگرفته ام با تو خدائی را و بتحقیق که گریخته ام بسوی تو
مِنْ نَفْسِی مَفَرَّ الْمُسِیءِ وَ اَنْتَ مَفْزَعُ الْمُضَیِّعِ حَظَّ نَفْسِهِ
از نفس خود گریختن بدکار و توئی پناه کسی که ضایع کننده است بهره نفس خود را
فَلَکَ الْحَمْدُ اِلٰهِی وَ کَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَیَّ سَیْفَ
پس برای تست ستایش ای خدای من و بسا از دشمنی که کشیده بر من شمشیر
عَدَاوَتِهِ وَ شَحَذَ لِی شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ
دشمنی خود را و تیز کرد برای من کناره تیغ خود را و خیسانید برای من زهرهای کشنده خود را
وَ سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ
و راست کرد بجانب من تیرهای راست رونده خود را و نخوابید از من چشم پاسبانی او
وَ اَظْهَرَ اَنْ یَسُومَنِیَ الْمَکْرُوهَ وَ یُجَرِّعَنِی زُعَاقَ
و ظاهر ساخت اینکه برساند بمن ناخوشی را و بیاشاماند بمن جرعه آب بسیار تلخ

مرارته فنظرت يا الهي الى ضعفي عن احتمال الفوادح

تلخی خود را پس نظر کردی ای خدای من بسوی ناتوانی من از برداشتن بارهای گران

وعجزي عن الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي

وعاجز بودن من از انتقام کشیدن از کسی که قصد کرد مرا بمحاربه خود وتنهائی من

في كثير عدد من ناواني وارصد لي البلاء فيما

در برابر عدد بسیار آنکه دشمنی کرد با من وکمین کرد برای من بلا را در آنچه

لم اعمل فيه فكري فابتدأتني بنصرتك وشددت

بکار نبردم در آن فکر خود را پس تقویت کردی مرا بنصرت خود ومحکم کردی

ازري بقوتك ثم فللت لي حده وصيرته من بعد

پشت مرا بقوت خود بعد از آن کند کردی برای من تندی او را وگردانیدی او را بعد از

جمع وحده واعليت كعبي عليه وجعلت ما

جمعیت تنها وبلند کردی کعب مرا بر او وگردانیدی آنچه را

سدده مردودا عليه فرددته لم يشف غليله

که راست کرده بود از رد کرده شده بر او پس باز گردانیدی او را در حالی که شفا نداده بود سوزش سینه خود را

ولم تبرد حرارة غيظه قد عض على شواه و

وخنک نشده بود گرمی خشم او بتحقیق که بدندان گرفت بر من دستهای خود را و

ادبر موليا قد اخلف سراياه وكم من باغ

پشت کرد اعراض کننده بتحقیق که خلف کردند لشکرهای او وبسا از ستم کننده

بغاني بمكائده ونصب لي اشراك مصائده

که ستم کرد مرا بکیدهای خود وبرپا کرد برای من دامهای صیدهای خود را

ووكل بي تفقد رعايته واضبا الي اضباء

وموکل ساخت برای من جستجوی رعایت کردن خود را ودر کمین نشست بسوی من در کمین نشستن

السبع لصيده وانتظار الانتهاز لفريسته

شیر برای شکار خود وبجهت انتظار کشیدن دست یافتن برای شکار کشته شده خود

فناديتك يا الهي مستغيثا بك واثقا بسرعة

پس ندا کردم ترا ای خدای من استغاثه کننده بتو اعتماد کننده بزود

اجابتك عالما انه لن يضطهد من اوى الى ظل

اجابت کردن تو دانا باینکه هرگز ستم رسیده نمیشود کسی که جا گیرد بسوی سایه

كنفك ولن يفزع من لجا الى معاقل انتصارك

حمایت تو وهرگز نمیترسد کسی که پناه برد بسوی قلعهای محکم انتقام کشیدن تو

وكم من سحائب مكروه قد جليتها وغواشي كربات

وبسا از ابرهای مکروهی که بتحقیق کشادی آن را وپردهای اندوهها

كشفتها لا تسئل عما تفعل ولقد سئلت

که برداشتی آنها را سؤال کرده نمیشوی از آنچه میکنی وهر آینه بتحقیق که سؤال کرده شدی

فاعطيت ولم تسئل فابتدأت واستميح فضلك

پس عطا کردی وسؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی وطلب کرده شد فضل تو

فَمَا اَكُدَتْ اَبَيْتَ اِلَّا اِحْسَانًا وَاَبَيْتُ اِلَّا تَقَحُّمَ

پس کم ندادی اباکردی مگر از احسان کردن و اباکردم مگر انداختن خود

حُرُمَاتِكَ وَتَعَدِّيَ حُدُودِكَ وَالْغَفْلَةَ مِنْ وَعِيدِكَ

در محرمات تو و تجاوز کردن از حدود تو و غافل شدن از بیم دادن تو

فَلَكَ الْحَمْدُ اِلٰهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا

پس برای تست ستایش ای خدا من از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که

يَعْجَلُ هٰذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ وَ

تعجیل نمیکند این مقام کسی است که اعتراف کرده است برای تو بتقصیر کردن و

شَهِدَ عَلٰى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ

گواهی داده است بر نفس خود بضایع کردن خداوندا بدرستی که من تقرب میجویم

اِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ

بسوی تو بملت محمد که بلند است و رو میکنم بسوی تو

بِالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ فَاَعِذْنِي مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ

بملت علوی که روشن است پس پناه ده مرا از شر آنچه آفریده

وَشَرِّ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوْٓءًا وَاِنَّ ذٰلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ

و شر کسی که اراده میکند بمن بدی را و بدرستی که این تنگ نیست بر تو

فِي وُجْدِكَ وَلَا يَتَكَاَّدُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَاَنْتَ

در جنب توانگری تو و سنگین نمیکند تو را در جنب قدرت تو و تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي مَا

بر همه چیز قادری خداوندا رحم کن مرا بترک کردن معاصی مادام

اَبْقَيْتَنِي وَارْحَمْنِي بِتَرْكِ تَكَلُّفِ مَا لَا يَعْنِينِي

که باقی داری مرا و رحم کن مرا بترک کردن مشقت کشیدن آنچه بکار نمی آید برای من

وَارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَاَلْزِمْ

و روزی کن مرا نیکو نظر کردن در آنچه راضی کند ترا از من و لازم کردان

قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي وَاجْعَلْنِي اَتْلُوهُ

دل مرا بحفظ کردن کتاب تو چنانکه تعلیم کرده مرا و بگردان مرا که تلاوت کنم آنرا

عَلٰى مَا يُرْضِيكَ بِهِ عَنِّي وَنَوِّرْ بِهِ بَصَرِي وَاَوْعِهِ

بر نحوی که راضی کند ترا بسبب آن از من و روشن کن بآن چشم مرا و جا ده آنرا

سَمْعِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَفَرِّجْ بِهِ عَنْ قَلْبِي

در گوش من و بشکاف بسبب آن سینه مرا و گشاده گردان بسبب آن دل مرا

وَاَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَاجْعَلْ فِيَّ

و جاری کن بآن زبان مرا و کار فرمای بآن بدن مرا و بگردان در من

مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ مَا يُسَهِّلُ ذٰلِكَ عَلَيَّ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ

از قدرت و توانائی آنقدر که آسان کند این را بر من پس بدرستی که نیست قدرت

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَيْلِي وَنَهَارِي وَ

و نه توانائی مگر بتو خداوندا بگردان شب مرا و روز مرا و

دنیای وآخرتی ومنقلبی ومثوای عافیة منک

دنیای مرا وآخرت مرا وبازگشت مرا وجایگاه مرا عافیتی از جانب تو

ومعافاة وبرکة منک اللهم انت ربی و

وسلامتی وبرکتی از تو خداوندا تو پروردگار منی و

مولای وسیدی وأملی والهی وغیاثی وسندی

آقای منی وبزرگ منی وآرزوی منی وخدای منی وفریادرس منی ومعتمد منی

وخالقی وناصری وثقتی ورجائی لک محیای و

وآفریننده منی ویاری کننده منی واعتماد منی وامید منی از برای تست زندگی من

مماتی ولک سمعی وبصری وبیدک رزقی و

مردن من وبرای تست گوش من وچشم من وبدست تست روزی من و

الیک امری فی الدنیا والآخرة ملکتنی بقدرتک

بسوی تست امر من در دنیا وآخرت مالک شده مرا بقدرت خود

وقدرت علی بسلطانک لک القدرة فی امری

وقادر شده بر من بسلطنت خود برای تست قدرت در کار من

وناصیتی بیدک لا یحول احد دون رضاک برأفتک

وموی پیش سر من بدست تست نمیگردد کسی بدون رضامندی تو بسبب مهربانی تو

ارجو رحمتک وبرحمتک ارجو رضوانک لا ارجو

امید دارم رحمت تورا وبسبب رحمت تو امید دارم رضامندی تورا امید ندارم

ذلک

ذلک لعملی فقد عجز عنی عملی وکیف ارجو ما

این را بجهت عمل خود پس بتحقیق که عاجز است از من باری عمل من پس چگونه امیدوار باشم چیزی را

قد عجز عنی اشکو الیک فاقتی وضعف قوتی

که بتحقیق که عاجز است از من باری شکایت میکنم بسوی تو احتیاج خود را وضعیف بودن قوت خود را

وافراطی فی امری وکل ذلک من عندی وما

وافراط کردن مرا در کار خودم وهمه اینها از جانب من است وآنچه را

انت اعلم به منی فاکفنی ذلک کله اللهم اجعلنی

که تو داناتری بآن از من پس کفایت کن مرا از اینها همه خداوندا بگردان مرا

من رفقاء حبیبک محمد وابراهیم خلیلک ویوم

از رفیقان حبیب تو محمد وابراهیم خلیل تو ودر روز

الفزع الاکبر من الآمنین فآمنی وببشراک

فزع اکبر از امان یافتگان پس امان ده مرا وببشارت خود

فبشرنی وباظلالک فاظللنی وبمفازة من النار

پس بشارت ده مرا وبسایه افکندن خود سایه افکن بر من وبرستگاری از آتش

فنجنی ولا تمسنی السوء ولا تخزنی ومن الدنیا

نجات ده مرا ومرسان بمن بدی را ورسوا مکن مرا واز دنیا

فسلمنی وحجتی یوم القیمة فلقنی وبذکراک فذکرنی

سالم بدار مرا وحجت مرا در روز قیامت برسان بمن وبیاد آوری خود بیاد آور مرا

وَلِلْیُسْرٰی فَیَسِّرْنِی وَلِلْعُسْرٰی فَجَنِّبْنِی وَالصَّلٰوۃَ وَالزَّکٰوۃَ
وبرای یسری توفیق ده مرا واز عسری دور کردان مرا ونماز وزکوة را
فَاَلْهِمْنِی وَلِعِبَادَتِکَ فَقَوِّنِی وَفِی الْفِقْهِ وَمَرْضَاتِکَ
الهام کن بمن وبرای عبادت خود قوت ده مرا ودر دانش ورضامندی تو
فَاسْتَعْمِلْنِی وَمِنْ فَضْلِکَ فَارْزُقْنِی وَیَوْمَ الْقِیٰمَةِ
بکار دار مرا واز فضل خود روزی ده مرا ودر روز قیامت
فَبَیِّضْ وَجْهِی وَحِسَابًا یَسِیْرًا فَحَاسِبْنِی وَبِقَبِیْحِ عَمَلِی
سفید کردان روی مرا وبحساب کردن آسان حساب کن مرا وبعمل زشت من
فَلَا تَفْضَحْنِی وَبِهُدَاکَ فَاهْدِنِی وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ
رسوا مکردان مرا وبهدایت خود هدایت کن مرا وبقولی که ثابت وباقی باشد
فِی الْحَیٰوۃِ الدُّنْیَا وَفِی الْاٰخِرَۃِ فَثَبِّتْنِی وَمَا اَحْبَبْتَ
در زندگی دنیا و در آخرت ثابت بدار مرا وآنچه را که دوست داشتی
فَحَبِّبْهُ اِلَیَّ وَمَا کَرِهْتَ فَبَغِّضْهُ اِلَیَّ وَمَا
پس دوست کردان آنرا بسوی من وآنچه را که ناخوش داشتی پس دشمن کردان آنرا بسوی من وآنچه
اَهَمَّنِی مِنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَۃِ فَاکْفِنِی وَصَلَاتِی
مهم است برای من از امر دنیا وآخرت پس کفایت کن مرا ونماز مرا
وَصِیَامِی وَدُعَآئِی وَنُسُکِی وَشُکْرِی وَدُنْیَایَ وَاٰخِرَتِی
وروزه مرا ودعای مرا وعبادتهای مرا وشکر کردن مرا ودنیای مرا وآخرت مرا

فَبَارِکْ لِی وَالْمَقَامَ الْمَحْمُوْدَ فَابْعَثْنِی وَسُلْطَانًا نَصِیْرًا
پس مبارک وثابت دار برای من ودر محل ایستادن پسندیده پس مبعوث کن مرا وسلطنتی یاری کرده شده
فَاجْعَلْ لِی وَظُلْمِی وَجَهْلِی وَاِسْرَافِی فِی اَمْرِی
پس بکردان برای من وظلم من ونادانی من واسراف کردن من در کار خودم
فَتَجَاوَزْ عَنِّی وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْیَا وَالْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِی
پس در گذر از من واز فتنه زندگی ومردن پس خلاص کردان مرا
وَمِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ فَنَجِّنِی وَمِنْ
واز قبایح آنچه ظاهر است از آن وآنچه مخفی است پس نجات ده مرا واز جمله
اَوْلِیَآئِکَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ فَاجْعَلْنِی وَاَدِمْ لِی صَالِحَ
دوستان خود در روز قیامت پس بکردان مرا وفرود بر برای من اجرهای
الَّذِی اٰتَیْتَنِی وَبِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَاَغْنِنِی وَبِالطَّیِّبِ
که داده بمن وبحلال از حرام پس بی نیاز کردان مرا وبپاکیزه
عَنِ الْخَبِیْثِ فَاکْفِنِی اَقْبِلْ بِوَجْهِکَ الْکَرِیْمِ اِلَیَّ وَلَا
از کثیف کفایت ده مرا روکن بروی بزرگوار خود بسوی من و
تَصْرِفْهُ عَنِّی وَاِلٰی صِرَاطِکَ الْمُسْتَقِیْمِ فَاهْدِنِی وَلِمَا
مکردان روی خود را از من وبسوی راه راست خود پس هدایت کن مرا وبرای آنچه
تُحِبُّ وَتَرْضٰی فَوَفِّقْنِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِنَ
دوست میداری وراضی میشوی پس توفیق ده مرا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از

الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالتَّعَظُّمِ وَالْخُيَلَاءِ
رِيَا وَسُمْعَه وَتَكَبُّر وَبُزُرْكِى كَرْدَن وَتَبَخْتُرْ
وَالْفَخْرِ وَالْبَذَخِ وَالْأَشَرِ وَالْبَطَرِ وَالْإِعْجَابِ
وَتَفَاخُرْ وَنَخْوَتْ وَبِسْيَارِى نَشَاط وَخوشْ آمَدَنْ از مَال وَعُجْب وَرْزِيدَنْ
بِنَفْسِى وَالْجَبْرِيَّةِ رَبِّ فَنَجِّنِى وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ
بِنَفْسِ خُودْ وَتَكَبُّر نمُودَن اى پَرْوَرْدِگَار مَن پَسْ نَجَات دِهْ مَرَا وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از
الْعَجْزِ وَالْبُخْلِ وَالشُّحِّ وَالْحَسَدِ وَالْحِرْصِ وَالنَّفَاسَةِ
عَاجِز بُودَن وَبَخِيل بُودَن وَبِى خَيْر بُودَن وَحَسَد بُرْدَن وَحِرْص دَاشْتَن وَچِشْم كَرْدَن
وَالْغِشِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالْهَلَعِ وَالْجَزَعِ
وَخِيَانَت كَرْدَن وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از طَمَع وَحِرْص وَجَزَع
وَالزَّيْغِ وَالْقَمْعِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَغْيِ وَالظُّلْمِ
وَمَيل كَرْدَن از حق وَخوَار شُدَن وَپَنَاه مِيبَرَم بِتُو از ظُلْم وَسِتَم
وَالْاِعْتِدَاءِ وَالْفَسَادِ وَالْفُجُورِ وَالْفُسُوقِ وَ
وَزِيَادَتِى كَرْدَن وَفَسَاد وَمَعْصِيَتْهَا وَفُسُوق وَ
أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ وَالْعُدْوَانِ وَالطُّغْيَانِ
پَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از خِيَانَت وَزِيَادَه رَوِى وَسَرْكَشِى
رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَالْقَطِيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ
اى پَرْوَرْدِگَار مَن وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از مَعْصِيَت وَقَطْع رَحِم وَبَدِى

ریا بمعنی کردن کار خیر است برای آنکه مردمان ببینند و سمعه کردن کار خیر است برای آنکه مردمان بشنوند

بطر بمعنی طغیان کردن بسبب بسیاری نعمت نیز آمده و درین مقام نیز مناسب است

فسوق بمعنی دروغ گفتن استعمال شده است چنانکه مفسرین در تفسیر و لا فسوق گفته اند که بمعنی بیرون رفتن از طاعت حق تعالی و مرتکب شدن منهیات حق تعالی نیز استعمال شده

والفواحش

وَالْفَوَاحِشِ وَالذُّنُوبِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِثْمِ وَالْمَأْثَمِ
وَقَبَائِح وَگُنَاهَان وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از گُنَاه وَعُقُوبَتِ گُنَاه
وَالْحَرَامِ وَالْمُحَرَّمِ وَالْخَبِيثَةِ وَكُلِّ مَا لَا تُحِبُّ رَبِّ
وَحَرَام وَحَرَام كَرْدَانِيدَه شُدَه وَغَيْر پَاكِيزَه وَهَرچه رَا كه دُوسْت نَمِيدَارِى اى پَرْوَرْدِگَار
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَبَغْيِهِ وَظُلْمِهِ وَ
وَپَنَاه مِيبَرَم بِتُو از شَرّ شَيْطَان وَظُلْم او وَسِتَم او وَ
عُدْوَانِهِ وَشَرَكِهِ وَزَبَانِيَتِهِ وَجُنْدِهِ وَأَعُوذُ بِكَ
زِيَادَتِى او وَدَام او وَمَكْرهَاى او وَسِپَاهِ او وَپَنَاه مِيبَرَم بِتُو
مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَأَعُوذُ
از شَرّ آنچه فُرُود مِى آيَد از آسْمَان وَآنچه بَالا مِيرَوَد دَر آن وَپَنَاه مِيبَرَم
بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّةٍ وَهَامَّةٍ أَوْ جِنٍّ أَوْ
بِتُو از شَرّ آنچه خَلْق كَرْدِه از جُنْبَنْدَه وَگَزَنْدَه يَا جِنِّى يَا
إِنْسٍ مِمَّا يَتَحَرَّكُ وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمَا
آدَمِى از هَرچه حَرَكَت مِيكُنَد وَاز شَرِّ آنچه پَرَاكَنْدَه كَرْدَه دَر زَمِين وَآنچه
يَخْرُجُ مِنْهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَاحِرٍ وَكَاهِنٍ وَ
بِيرُون مِى آيَد از زَمِين وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از شَرّ هَر سِحْر كُنَنْدَه وَدَعْوِى عِلْم غَيْب كُنَنْدَه
زَاكِنٍ وَنَافِثٍ وَرَاقٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ
دَمْ دِهِنْدَه وَدَمَنْدَه وَافْسُون كُنَنْدَه وَپَنَاه مِيبَرَمْ بِتُو از شَرّ هَر

حاسد وطاغ وباغ وظالم ومعتد وجائر واعوذ
حسد برنده وطغیان کننده وظلم کننده وستم کننده وزیادتی کننده وجور کننده وپناه میبرم
بك من العمى والصمم والبكم والبرص والجذام
بتو از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره
والشك والريب واعوذ بك من الكسل والفشل و
و شك و ریب وپناه میبرم بتو از کسالت و بی دلی و
العجز والتفريط والعجلة والتضييع والتقصير و
عاجز بودن وتقصیر و تعجیل وتضییع و کوتاهی و
الابطاء واعوذ بك رب من شر ما خلقت في السموات
کندی وپناه میبرم بتوای پروردگار من از شر آنچه خلق کرده در آسمانها
والارض وما بينهما وما تحت الثرى رب واعوذ
و زمین و آنچه میان آنهاست وآنچه در زیر خاکست ای پروردگار من وپناه میبرم
بك من الفقر والحاجة والفاقة والمسكنة والضيقة
بتو از بی چیزی و احتیاج وتنگدستی ودرویشی و تنگی
والعائلة واعوذ بك من الضيق والشدة والقيد
وعیالمندی وپناه میبرم بتو از تنگی و سختی و قید
والحبس والوثاق والسجون والبلاء وكل مصيبة
و حبس وبستن شدن وزندانها و بلا و هر مصیبتی

لي لا صبر لي عليها امين رب العالمين اللهم
برای من که نباشد صبری برای من بر آنها خداوندا مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا
اعطنا كل الذي سالناك وزدنا من فضلك على
بده بما همه آنچه را که سؤال کردیم از تو وزیاد کن برای ما از فضل خود بر
قدر جلالك وعظمتك بحق لا اله الا انت العزيز الحكيم
قدر بزرگواری خود و عظمت خود بحق این کلمه که نیست خدائی مگر تو که عزیز حکیمی

دعای سمات واین دعائیست عظیم الشان ومجربست ودر وقت
غروب آفتاب روز جمعه آنرا باید خواند واز عثمان بن سعید عمری
که از سفراء حضرت صاحب الزمان صلوات
الله وسلامه علیه است روایت شده است

دعای سمات

اللهم اني اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاعظم
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق نام تو که بزرگ بزرگتر بزرگتر
الاعظم الاعز الاجل الاكرم الذي اذا دعيت
بزرگتر عزیزتر جلیل تر گرامی تر است که هرگاه خوانده شوی
به على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت
بان بر بستهای از درهای آسمان برای گشودن برحمت گشوده میشود
واذا دعيت به على مضائق ابواب الارض للفرج
وهرگاه خوانده شوی بان بر تنگیهای درهای زمین برای گشایش

دیشود اند بود که مراد از مغالق چیزهائی باشد که در آسمانها بسته شده باشد مثل و کلون وامثال آن

انفرجت واذا دعيت به على العسر لليسر تيسرت
کشاده میشود وهرکاه خوانده شوی بان بر دشواری برای اسانی اسان میشود
واذا دعيت به على الاموات للنشور انتشرت و
وهرکاه خوانده شوی بان بر مردکان برای زنده شدن زنده میشوند و
اذا دعيت به على كشف الباساء والضراء انكشفت
هرکاه خوانده شوی بان بر برطرف شدن بلاها وبدحالیها برطرف میشوند
وبجلال وجهك الكريم اكرم الوجوه واعز
وبحق بزرکواری ذات کرامی تو که کرامی ترین ذاتها وعزیزترین
الوجوه الذي عنت له الوجوه وخضعت له الاصوات
ذاتهاست که خوار شده اند برای او ذاتها وفروتنی کرده اند برای او صداها
ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك التي
وترسیده اند برای او دلها از خوف تو وبحق توانائی تو که
تمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنك
نکاه میداری اسمانرا ازانکه بیفتد بر زمین مکر برخصت تو
وتمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
ونکاه میداری اسمانها وزمین را ازینکه زایل شوند وهرآینه اکر
زالتا ان امسكهما من احد من بعدك وبمشيتك
زایل شوند نکاه نمیدارد انهارا کسی بعد از تو وبحق مشیت تو

التي دان لها العالمون وبكلمتك التي خلقت بها
که فروتنی کرده اند برای ان همه عالمیان وبحق کلمه تو که افریده بان
السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب
اسمانها وزمین را وبحق حکمت تو که ساختی بان چیزهای غریب را
وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل
وافریده بان تاریکی را وکردانیده از اشب وکردانیده شب را
سكنا وخلقت بها النور وجعلته نهارا وجعلت
محل آرام وافریده بان حکمت روشنی را وکردانیده ازا روز وکردانیده
النهار نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس وجعلت
روزرا زنده کننده بینا کننده وافریده بان حکمت افتاب را وکردانیده
الشمس ضياء وخلقت بها القمر وجعلت القمر
افتابرا روشنی وافریده بان ماه را وکردانیده ماه را
نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما و
روشنی وافریده بان حکمت ستارهارا وکردانیده انهارا علامتها و
بروجا ومصابيح وزينة ورجوما وجعلت لها
برجها وچراغها وزینت ودورکندها وکردانیده برا انها
مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاري
مشرقها ومغربها وکردانیده برای انها محل طلوعها ومحل حرکتها

وجعلت لها فلكاً و مسابح و قدرتها في السماء منازل
وگردانيدهٔ براى اينها آسمانى وجاهاى شناورى اينها ومقدر كردهٔ اينهارا در آسمان منزلها
فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها
پس نيكو كردهٔ تقدير اينهارا وتصوير كردهٔ اينهارا پس نيكو كردهٔ تصوير اينهارا
واحصيتها باسمائك احصاءً ودبرتها بحكمتك
وشمردهٔ اينهارا بنامهاى خود شمردنى وتدبير كردهٔ اينهارا بحكمت خود
تدبيرا واحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل
تدبير كردنى ونيكو كردهٔ تدبير اينهارا ومسخر كردهٔ اينهارا بسلطنت شب
وسلطان النهار والساعات وعدد السنين والحساب
وسلطنت روز وساعتها وعدد سالها وحساب
وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرأى واحدا فاسئلك
وگردانيدهٔ ديدن اينهارا براى همهٔ مردمان يك ديدن پس سؤال ميكنم ترا
اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك
خداوندا بحق بزرگوارى تو كه سخن گفتهٔ بآن با بندهٔ خود ورسول خود
موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين فوق
موسى پسر عمران كه برو باد سلام در ميان پاكيزگان در بالاى
احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت
آواز فرشتگان مقرب در بالاى ابرهاى نور بالاى تابوت

الشهادة

الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل
شهادت در عمود آتش ودر كوه طور سيناء ودر كوه
حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة من
حوريث در وادى پاكيزه در بقعهٔ مباركه از
جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع
جانب راست كوه طور از درخت ودر زمين مصر بنه
آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي
علامت واضح وروزى كه شكافتى براى بنى اسرائيل دريارا ودر
المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف و
آبهاى شكافته شده كه كردى بسبب آنها امور غريبه را در درياى سوف و
عقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
منعقد وبسته كردى آب دريارا در ميان درياى عميق مانند سنگ وگذرانيدى
ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما
بنى اسرائيل را از دريا وتمام شد كلمهٔ نيكوى تو بر ايشان بسبب آنچه
صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي
صبر كردند وميراث دادى بايشان مشرقهاى زمين را ومغربهاى زمين را كه
باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده
بركت دادهٔ در آنها براى عالميان وغرق گردانيدى فرعون ولشكرهاى اورا

وَمَرَاكِبِهِمْ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ
و مرکبهای ایشان را در دریا و بحق نام تو که بزرگ بزرگتر بزرگتر
الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ
عزیز تر جلیل تر گرامی تر است و بحق بزرگواری تو که تجلی کردی
بِهٖ لِمُوسٰى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ
بان برای موسی کلیم تو که برو باد سلام در کوه طور سیناء و
لِاِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ
برای ابرهیم خلیل تو که برو باد سلام پیش از ان در مسجد خیف
وَلِاِسْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بِئْرِ شَيْعٍ وَلِيَعْقُوبَ
و برای اسحق برگزیدهٔ تو که برو باد سلام در چاه شیع و برای یعقوب
نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ اِيلَ وَاَوْفَيْتَ لِاِبْرٰهِيمَ
پیغمبر تو که برو باد سلام در خانهٔ خدا و وفا کردی برای ابرهیم
عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ وَلِاِسْحٰقَ بِحَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ
که برو باد سلام به پیمان خود و برای اسحق بسوگند تو و برای یعقوب
عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَ
که برو باد سلام بشهادت تو و برای وفا کنندگان بوعدهٔ تو و
لِلدَّاعِينَ بِاَسْمَائِكَ فَاَجَبْتَ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ
برای دعا کنندگان بنامهای تو پس مستجاب کردی و بحق بزرگواری تو که ظاهر شد

لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلٰى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِاٰيَاتِكَ
برای موسی پسر عمران که برو باد سلام بر قبهٔ رمان و بحق نشانهای تو
الَّذِي رَفَعْتَ عَلٰى اَرْضِ مِصْرَ لِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ
که بلند شده تو بر زمین مصر برای بزرگواری عزت و غالب شدن
بِاٰيَاتٍ عَزِيزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَبِشَانِ
بعلامتهای غلبه کننده و بسلطنت غلبه و قدرت و بشان
الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا
کلمه که تمام است و بحق کلمهای تو که تفضل کرده بانها
عَلٰى اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَهْلِ الدُّنْيَا وَ
بر اهل آسمانها و زمین و اهل دنیا و
الْاٰخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ
آخرت و بحق رحمت تو که منت کذاشته بانها بر همه خلق خود
وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي اَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ
و بحق قدرت تو که برپای داشته انرا بر همه عالمیان و بحق نور تو
الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهٖ طُورُ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَ
که بتحقیق که افتاده است از ترس ان کوه طور سیناء و بحق علم تو و
جَلَالِكَ وَكِبْرِيَائِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي
جلالت تو و بزرگواری تو و غلبهٔ تو و عظمت تو که

لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات و

برنداشته است انرا زمین و پست کردیده برای ان اسمانها و

انزجر لها العمق الاکبر ورکدت لها البحار و

بازایستاده برای ان جسم عمیق بزرگتر و ساکن شده برای ان دریاها و

الانهار وخضعت لها الجبال وسکنت لها الارض

نهرها و فروتنی کرده برای ان کوهها و ارام کرفته برای ان زمین

بمناکبها واستسلمت لها الخلائق وخفقت لها

باطراف خود و انقیاد کرده برای ان مخلوقات و مضطرب شده برای ان

الریاح فی جریانها وخمدت لها النیران فی اوطانها

بادها در وزیدن انها و فرومرده برای ان اتشها در جایهای انها

وبسلطانک الذی عرفت لک به الغلبة دهر

وبحق سلطنت تو که شناخته شده است برای تو بسبب ان غلبه در همه

الدهور وحمدت به فی السموات والارضین

زمانها و حمد کرده شده بان در اسمانها و زمینها

وبکلمتک کلمة الصدق التی سبقت لابینا ادم

وبحق کلمهٔ تو کلمهٔ راستی که سبقت کرده برای پدر ما ادم

علیه السلام وذریته بالرحمة واسالک بکلمتک

که بر او باد سلام و برای ذریهٔ او برحمت و سوال میکنم تورا بحق کلمهٔ تو

التی غلبت کل شیء وبنور وجهک الذی تجلیت به

که غالب شده بر هر چیز و بحق نور ذات تو که تجلی کردی بان

للجبل فجعلته دکا وخر موسی صعقا وبمجدک

برای کوه پس کردانیدی انرا پراکنده و بروددرافتاد موسی مدهوش و بحق بزرکواری تو

الذی ظهر علی طور سیناء فکلمت به عبدک

که ظاهر شد بر کوه طور سیناء پس سخن کفتی بان با بندهٔ خود

ورسولک موسی بن عمران وبطلعتک فی ساعیر و

و رسول خود موسی پسر عمران و بحق ظاهر شدن تو در کوه ساعیر و

ظهورک فی جبل فاران بربوات المقدسین و

ظاهر شدن تو در کوه فاران به بلندیهای مرتبهٔ مقدسان و

جنود الملائکة الصافین وخشوع الملائکة المسبحین

سپاه فرشتکان صف زننده و فروتنی کردن فرشتکان تسبیح کننده

وببرکاتک التی بارکت فیها علی ابرهیم خلیلک علیه

و بحق برکتهای تو که برکت داده در انها بر ابرهیم دوست تو که بر او باد

السلام فی امة محمد صلی الله علیه واله وبارکت

سلام در بارهٔ امت محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر ال او و برکت داده

لاسحق صفیک فی امة عیسی علیه السلام وبارکت

برای اسحق برکزیدهٔ تو که بر او باد سلام در بارهٔ امت عیسی که بر او باد سلام و برکت داده

کلّها: همهٔ آن

التی

لیعقوب علیه السلام اسرائیلک فی امة موسی علیه السلام

برای یعقوب که برو باد درود که پیغمبر تست در بارهٔ امت موسی که برو باد سلام

و بارکت لحبیبک محمد صلی الله علیه و اله فی عترته

و برکت داده برای دوست خود محمد که رحمت فرستد خدا برو و بر ال او در عترت او

و ذریته و امته بالرحمة علیهم السلام و نسالک

و ذریت او و امت او برحمت که بر ایشان باد سلام و سوال میکنیم تورا

اللهم و کما غبنا عن ذلک و لم نشهده و امنا

خداوندا و چنانکه غایب بودیم از آنحضرت و ندیدیم او را و ایمان اوردیم

به و لم نره صدقا و عدلا نسالک ان تصلی علی

باو و ندیدیم او را از روی راستی و درستی سوال میکنیم تورا اینکه رحمت فرستی بر

محمد و ال محمد و ان تبارک علی محمد و ال محمد و ترحم

محمد و ال محمد و اینکه مبارک کردانی بر محمد و ال محمد و رحم کنی

علی محمد و ال محمد کافضل ما صلیت و بارکت و رحمت

بر محمد و ال محمد مثل بهترین انچه رحمت فرستاده و مبارک کرده و رحم کرده

و ترحمت علی ابرهیم و ال ابرهیم انک حمید مجید

و ترحم نموده بر ابرهیم و بر ال ابرهیم بدرستی که تو ستوده شده بزرگواری

فعال لما ترید و انت علی کل شیء شهید اللهم بحق

کننده انچه را اراده نمائی و تو بر همه چیز گواهی خداوندا بحق

هذا الدعاء و بحق هذه الاسماء التی لا یعلم تفسیرها

این دعا و بحق این نامهائی که نمیدانند تفسیر انهارا

و لا یعلم ظاهرها و باطنها غیرک صل علی محمد و ال محمد

و نمیدانند ظاهر انهارا و باطن انهارا کسی غیر تو رحمت فرست بر محمد و ال محمد

و در نسخهٔ دیگر بجای و لا یعلم ظاهرها و باطنها

غیرک صل علی محمد و ال محمد چنین است که

و لا یعلم باطنها غیرک افعل بی کذا و کذا و انتقم

و نمیدانند باطن انهارا کسی غیر تو بکن بمن چنین و چنین و انتقام بکش

لی من فلان و اغفر لی ذنوبی ما تقدم و ما تاخر

برای من از فلان و بیامرز برای من گناهان مرا انچه پیش شده و انچه بعد از ان میشود

و وسع علی من حلال رزقک و اکفنی مؤنة انسان

و وسیع کردان بر من از روزی حلال خود و کفایت کن از من مشقت ادم

سوء و جار سوء و قرین سوء و ساعة سوء و سلطان

بد را و همسایهٔ بد را و همنشین بد را و ساعت بد را و پادشاه

سوء انک علی ما تشاء قدیر و بکل شیء علیم امین

بد را بدرستی که تو بر انچه خواهی قادری و بهمه چیز دانائی خداوندا مستجاب کن

رب العالمین محمد بن علی راشدی گفته است که من چند بن

ای پرورندگار عالمیان مرتبه خواندم این دعا را در رفع شدن

بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید ۱۲

بجای فلان نام کسی را که از ضرر او خوف دارد بگوید ۱۲

بلاها و برطرف شدن اسباب غم و اندوه و هر مرتبه که خواندم دعای
من بزودی مستجاب گردید و غم و بلا بزودی برطرف شد و بعضی
از علماء شیعه گفته اند که هر که بخواند این دعا را در هر سمتی که متوجه
شود و بجهت هر حاجتی که قصد کند و بخواند پیش از آنکه برود بجانب
دشمنی که از او خوف کند یا پادشاهی که از او بترسد و بجهت رفع
شدن بلیه که بر او وارد شود حق تعالی حاجت او را بر می آورد
و از کسی ضرر باو نمیرسد و خوف او باطمینان مبدل میگردد و هر که
او را خواندن این دعا مقدور نباشد پس باید که بنویسد و با خود
نگاه دارد و مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلم
فرموده است که اگر قسم یاد کنم بر اینکه اسم اعظم پروردگار تعالی شأنه
در این دعا هست هر آینه قسم را براستی خورده ام پس چون اراده
خواندن این دعا کنید تمام آنرا بخوانید و آنحضرت فرمود که حضرت
یوشع بن نون چون با طایفه عمالقه محاربه و مقاتله نمود و از جهت
زیادتی قوت و کثرت ایشان از ایشان خوف کرد بمخصوصان خود
امر نمود که سبوهای کوچک خالی بیاورند و سبوها را بر دوشهای
خود بگیرند بنام هر یک یک از طایفه عمالقه و نیز فرمود که
شاخ گوسفند میشینه بیاورند و آنرا سوراخ کنند و این دعا را
بنا بی و آهستگی بر آن شاخ بخوانند و سبب اینکه فرمود که آهسته

این دعا را صبح

بخوانند این بود که مبادا شیاطین جن و انس به بینند و بشنوند و بیاموزند
و بدان سبب سحر کنند و بمردمان تعلیم نمایند پس اصحاب یوشع در آن
شب آنچه یوشع فرموده بود بعمل آوردند و چون آخر شب شد سبوها
بلشکرگاه عمالقه بردند و در آنجا شکستند پس شکمهای عمالقه
باد کرد و تا صبح همه ایشان بمردند و آنحضرت فرمود که این دعا
از جمله علمهای عمیق مخزون پنهانست از برای کسی که او را نزد حق
تعالی حاجتی باشد پس این دعا را بخوانید و اظهار مکنید آنرا
مگر برای کسی که اهل و لایق آن باشد و جماعتی که سفیه و کم عقل
باشند و زنان و اطفال و ستمکاران و منافقان اهل و لایق
این دعا نیستند دعاء شب شنبه مرویست که حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام جبرئیل عم را در شب شنبه دید که این
دعا را میخواند و این دعا را از جبرئیل علیه السلام تعلیم
گرفت و آنحضرت جبرئیل را نشناخت پس حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که این شخص که دعا را بتو تعلیم نمود جبرئیل بود و دعا اینست
یا من عفا عن السیئات و لم یجاز بها ارحم عبدک
ای کسی که درگذشته از بدیها و جزا نداده است بآنها رحم کن بندهٔ خود را
یا الله نفسی نفسی ارحم عبدک ای سیداه
ای خدا خلاصی ده نفس مرا خلاصی ده نفس مرا رحم کن بندهٔ خود را ای آقای من

دعای شب شنبه

عَبْدُكَ عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ اَيَا رَبَّاهُ اَيْ اِلٰهِي بِكَيْنُونَتِكَ

بندهٔ تو بندهٔ تو پیش روی تست ای پروردگار من ای خدای من بحق هستی خود

اَيْ اَمَلَاهُ اَيْ رَجَايَاهُ اَيْ غَايَتَاهُ اَيْ مُنْتَهٰى رَغْبَتَاهُ

ای آرزوی من ای امید من ای نهایت مطلب من ای نهایت رغبت من

اَيْ مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ بَيْنَ

ای جاری کننده خون در رگهای من بندهٔ تو بندهٔ تو پیش

يَدَيْكَ اَيْ سَيِّدِي اَيْ مَالِكَ عَبْدِكَ هٰذَا عَبْدُكَ

روی تست ای آقای من ای مالک بندهٔ خود این بندهٔ تست

اَيْ سَيِّدَاهُ اَيْ سَيِّدَاهُ يَا اَمَلَاهُ يَا مَالِكَاهُ اَيَا هُوَ

ای آقای من ای آقای من ای آرزوی من ای صاحب من ای او

اَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنٰى بِي

ای او ای پروردگار من بندهٔ توام نیست چاره برای من و نه بی نیازی برای من

عَلٰى نَفْسِي لَا اَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا اَجِدُ

بر نفس خودم استطاعت ندارم برای نفس خود دفع ضرر را و تحصیل نفع را و نمی یابم

مَنْ اُصَانِعُهُ انْقَطَعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَ

کسی را که سازکاری کنم با او منقطع شده است اسباب حیلها از من و

اضْمَحَلَّ عَنِّي كُلُّ بَاطِلٍ وَاَفْرَدَنِي الدَّهْرُ اِلَيْكَ

برطرف شده است از من هر باطل و تنها گذاشته است مرا روزگار بسوی تو

فَقُمْتُ هٰذَا الْمَقَامَ اِلٰهِي تَعْلَمُ هٰذَا كُلَّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ

پس ایستاده‌ام این مقام ایستادن ای خدای من میدانی اینها را همه پس چگونه تو

صَانِعٌ بِي لَيْتَ شِعْرِي وَلَا اَشْعُرُ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي

سلوک خواهی کرد با من کاش میدانستم و نمیدانم که چگونه میگوئی برای دعای من

اَتَقُولُ نَعَمْ اَوْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي

آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من

يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي

ای وای من ای زاری من ای زاری من ای زاری من ای بدبختی من ای بدبختی من

يَا شِقْوَتِي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي اِلٰى مَنْ اَوْ عِنْدَ مَنْ

ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی کی روم یا نزد کی روم

اَوْ كَيْفَ اَوْ لِمَاذَا اَوْ اِلٰى اَيِّ شَيْءٍ اَلْجَاُ وَمَنْ اَرْجُو وَمَنْ

یا چگونه باشد حال من یا برای چه یا بسوی چه چیز پناه برم و کی را امید داشته باشم و کی

يَعُودُ عَلَيَّ حَيْثُ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَاِنْ قُلْتَ

بخشش میکند بر من در وقتی که وا گذاری مرا ای صاحب آمرزش وسیع و اگر بگوئی تو

نَعَمْ كَمَا اَظُنُّ فَطُوبٰى لِي اَنَا السَّعِيدُ طُوبٰى لِي اَنَا التَّقِيُّ

آری چنانکه گمان دارم پس خوشا حال من منم نیکبخت خوشا حال من منم پاکیزه

طُوبٰى لِي اَنَا الْمَرْحُومُ اَيْ مُتَرَحِّمُ اَيْ مُتَرَئِّفُ اَيْ

خوشا حال من منم رحم کرده شده ای بسیار رحم کننده ای بسیار مهربان ای

فقمت

مُنعطف اى متملّك اى متجبّر اى متسلّط لا عمل لى
بسیار شفقت کننده اى مالک شونده اى بسیار بزرگ اى بسیار تسلّط دارنده نیست عملى براى من
ابلغ به نجاح حاجتى فانا اسئلك باسمك الّذى انشاته
که برسم بسبب آن بسر او بودن حاجت من پس من سؤال میکنم بحق نام تو که بیرون آورده ازرا
من كلّك فاستقرّ فى غيبك فلا يخرج منك الى شئ
از همه نامهاى خود پس قرار گرفته است در علم غیب تو پس بیرون نمیرود از نزد تو بسوى چیزى
سواك اسئلك يا هو لم يلفظ به ولا يلفظ ابدا ابداء
غیر تو سؤال میکنم ترا اى او تلفظ کرده نشده است بآن نام و تلفظ کرده نخواهد شد هرگز ابدا هرگز
به وبك لا شئ غير هذا ولا اجد احدا انفع لى
بآن و بتو نیست چیزى غیر این و نمى یابم کسى را نفع رساننده تر براى خود
منك اى كبير اى علىّ اى من عرّفنى نفسه اى
از تو اى بزرگ اى بلند مرتبه اى کسى که شناسانید بمن نفس خود را اى
من امرنى بطاعته اى من انهانى عن معصيته اى
کسى که امر کرده است مرا بطاعت خود اى کسى که نهى کرده است مرا از معصیت خود اى
من اعطانى مسألتى اى مطلوبا اليه الهى رفضت
کسى که عطا کرده است بمن سؤال مرا اى طلب کرده شده بسوى او اى خداى من ترک کردم
وصيّتك ولم اطعك ولو اطعتك لكفيتنى ما
سفارش تو را و اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت کرده بودم ترا هر آینه کفایت کرده بودى مرا از آنچه

ولى

قمت اليك فيه قبل ان اقوم وانا مع معصيتى
ایستاده ام بسوى تو در آن باب پیش از آنکه بایستم و من با وجود معصیت کردن من
لك راج فلا تحل بينى وبين ما رجوت واردد
براى تو امیدوارم پس حایل و مانع مشو میان من و میان آنچه امید داشته ام و برگردان
يدى علىّ ملاى من خيرك وفضلك وبرّك و
دست مرا بر من مملو از خیر خود و فضل خود و نیکى خود و
عافيتك ومغفرتك ورضوانك بحقّك يا سيّدى
عافیت خود و آمرزش خود و خشنودى خود بحق خودت اى آقاى من
وحضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از خواندن
دعائى که مذکور شد این کلمات شریفه را میخواندند
يا عدّتى عند كربتى يا غياثى عند شدّتى يا
اى تهیه کرده شده من نزد اندوه من اى فریاد رس من نزد سختى من اى
ولىّ نعمتى يا منجحى فى حاجتى يا مفزعى فى ورطتى يا
مؤلى نعمتهاى من اى رستگار کننده من در حاجت من اى پناه من در ورطه من اى
منقذى من هلكتى يا كالئى فى وحدتى صلّ على محمّد
خلاص کننده من از هلاکت من اى حفظ کننده من در تنهائى من رحمت فرست بر محمّد
وآله واغفر لى خطيئتى ويسّر لى امرى واجمع لى
و بر آل او و بیامرز براى من گناه مرا و آسان کردان براى من کار مرا و جمع کن براى من

دعای جامع

شملي وانجح لي طلبتي واصلح لي شأني واكفني واجعل
پراکنده‌ام را و برآور برای من مطلبهای مرا و اصلاح کن برای من حالهای مرا و کفایت کن مرا و بگردان
لي من امري فرجا ومخرجا ولا تفرق بيني وبين
برای من از کار من گشایشی و بیرون شدی و تفرقه مکن میان من و میان
العافية ابدا ما ابقيتني عند وفاتي واذا
عافیت هرگز مادام که باقی بداری مرا تا نزد مردن من و هرگاه
توفيتني يا ارحم الراحمين دعائی که حضرت
بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان امیر المؤمنین علیه
الصلوة والسلم میخوانده‌اند و همه مطالب دنیا و آخرت را در
دعا که مشتمل است بر پنج کلام جمع نموده است اینست
اللهم اني اسألك من الدنيا وما فيها ما اسدد
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از دنیا و آنچه در آنست چیزی که راست کنم
به لساني واحصن به فرجي وأؤدي به اماني
بآن زبان خودرا و حفظ نمایم بآن عورت خودرا و ادا کنم بآن امانت خودرا
واصل به رحمي واتجر به لآخرتي
و صله کنم بآن رحم خودرا و تجارت کنم بآن برای آخرت خودم
دعائیست مجرب که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از برای دختر
خود یعنی فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیها تعلیم نموده

سید سعید علم الهدی عز الدین علی پسر سید سعید ضیاء الدین
ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبد الله بن
محمد بن عبید الله بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن
الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام گفته است که
خبر داد مرا شیخ پیشوا عبد الرحیم بن احمد بن محمد بن اخوه بغدادی
و گفت که خبر داد مرا ابو القسم بن یوسف بن حسن بن مظفر
و گفت که خبر داد مرا جد من و گفت که خبر داد مرا ابو الفضل
محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد المطلب شیبانی و گفت که خبر
داد مرا ابو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن حسنی و گفت
که خبر داد مرا موسی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب
علیهم السلام و او روایت کرده از پدر خود و او از پدر بزرگوار
خود یعنی حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوة و السلام و آن
حضرت فرموده که مادرم یعنی حضرت فاطمه زهرا صلوات الله و
سلامه علیها فرمودند که پدرم یعنی حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله بمن خطاب نمود و فرمود که ای فاطمه آیا تعلیم نکنم
بتو دعائی را که نمیخوانند آنرا کسی مگر آنکه مستجاب میشود
دعای او و تأثیر نمیکند در او سحری و حاصل نمیشود او را دلگیری
و عارض نمیشود با او جنی و شیطانی و رد نمیشود برای او دعائی

سید

وبرآورده میشود هر حاجتی که رغبت باَن داشته باشد از حاجتهای
دنیا و آخرت حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها گوید که گفتم
بلی میخواهم که تعلیم کنی بمن این دعا را ای پدر بخدا قسم که این دعا نزد من دوست
تر است از دنیا و هرچه در دنیاست پس آنحضرت فرمود که بگو
یا اَللهُ یا اَعَزَّ مَذکُورٍ وَ اَقدَمَهُ قِدَماً فِی العِزَّةِ وَ
ای خدا ای عزیزترین یاد کرده شدها و قدیم ترین آنها از راه قدیم بودن در عزت و
الجَبَرُوتِ یا اَللهُ یا رَحِیمَ کُلِّ مُستَرحِمٍ وَ مَفزَعَ کُلِّ
بزرگواری ای خدا ای رحم کننده هر طلب رحم کننده و پناه هر
مَلهُوفٍ یا اَللهُ یا راحِمَ کُلِّ حَزِینٍ یَشکُو بَثَّهُ وَ حُزنَهُ
ستم دیده ای خدا ای رحم کننده هر اندوهناک شکایت کند دلگیری و اندوه خود را
اِلَیکَ یا اَللهُ یا خَیرَ مَن طُلِبَ المَعرُوفُ مِنهُ وَ اَسرَعَهُ
بسوی تو ای خدا ای بهتر کسی که طلب شده است احسان از او و شتاب کننده تر
اِعطاءً یا اَللهُ یا مَن یَخافُ المَلٰئِکَةُ المُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ
از جهت عطا کردن ای خدا ای کسی که میترسند فرشتگانی که برافروخته شده اند بنور
مِنهُ اَسأَلُکَ بِالاَسماءِ الَّتِی یَدعُوکَ بِها حَمَلَةُ عَرشِکَ
از او سؤال میکنم تو را بحق آن نامهائی که میخوانند ترا بآن نامها بردارندگان عرش تو
وَ مَن حَولَ عَرشِکَ وَ یُسَبِّحُونَ بِها شَفَقَةً مِن خَوفِ عَذابِکَ
و کسانی که بر دور عرش تو اند و تسبیح میکنند بآن نامها از جهت ترس از خوف عذاب تو

دعا بجهت رفع اثر سحر و رفع
تب و رفع ضرر شیاطین
و برآمدن حاجات

وبالاسماء

وَ بِالاَسماءِ الَّتِی یَدعُوکَ بِها جَبرَئِیلُ وَ مِیکائِیلُ وَ اِسرافِیلُ
و بحق آن نامهائی که میخوانند ترا بآن نامها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
اِلّا اَجَبتَنِی وَ کَشَفتَ یا اِلٰهِی کَربِی وَ سَتَرتَ ذُنُوبِی
مگر اینکه اجابت کنی مرا و برطرف کنی ای خدای من اندوه مرا و بپوشانی گناهان مرا
یا مَن اَمَرَ بِالصَّیحَةِ فِی خَلقِهِ فَاِذا هُم بِالسّاهِرَةِ
ای کسی که امر میکند بصدا بلند زدن در میان خلق خود پس ناگاه ایشان در صحرای محشر حاضر میشوند
اَسأَلُکَ بِذٰلِکَ الاِسمِ الَّذِی تُحیِی بِهِ العِظامَ وَ
سؤال میکنم ترا بحق آن نامی که زنده میکنی بآن استخوانها را و حال آنکه
هِیَ رَمِیمٌ اَن تُحیِیَ قَلبِی وَ تَشرَحَ صَدرِی وَ تُصلِحَ
آنها پوسیده اند اینکه زنده گردانی دل مرا و بگشائی سینه مرا و اصلاح کنی
شَأنِی یا مَن خَصَّ نَفسَهُ بِالبَقاءِ وَ خَلَقَ لِبَرِیَّتِهِ
حال مرا ای کسی که مخصوص کرده است نفس خود را بباقی بودن و آفریده است برای مخلوقات خود
المَوتَ وَ الحَیٰوةَ یا مَن فِعلُهُ قَولٌ وَ قَولُهُ اَمرٌ وَ اَمرُهُ
مردن و زیستن را ای کسی که کردار او گفتار است و گفتار او امر است و امر او
ماضٍ عَلیٰ ما یَشاءُ اَسأَلُکَ بِالاِسمِ الَّذِی دَعاکَ بِهِ
جاریست بر هرچه خواهد سؤال میکنم ترا بحق آن نامی که خوانده است ترا بآن
خَلِیلُکَ حِینَ اُلقِیَ فِی النّارِ فَاستَجَبتَ لَهُ وَ قُلتَ یا
دوست تو در وقتی که انداخته شد در آتش پس مستجاب کردی برای او و گفتی که ای

بعضی عقیده کرده اند که دزد دود در این محل
خواهد بعمل فی الابد و کفتند
از مکم فعل داده

نارُ کُونِی بَرداً وَسَلاماً علیٰ ابرٰهیم وَبالاِسمِ الّذی دَعاکَ
اُتشْ بشو سَرد وَسَلامتی بَرِ ابرٰهیم وَبحقّ آن نامی که خوانده است ترا
بِهِ مُوسیٰ مِن جانِبِ الطُّورِ الاَیْمَنِ فاستجبتَ لَهُ دُعاءَهُ
بآن نام مُوسیٰ ازجانبِ راستِ کوهِ طور پس مُستجاب کردی برای او دعای اورا
وَبالاِسمِ الّذی کَشَفْتَ عَنْ اَیُّوبَ الضُّرَّ وَتُبْتَ علیٰ
وَبحقّ آن نامی که برطرف کردی از اَیّوب آزار اورا وقبول کردی توبهٔ
داوُدَ وَسخّرتَ لِسُلیمٰنَ الرّیحَ تَجْری بِاَمْرِهِ وَالشَّیاطینَ
داوُدرا ومسخّر گردانیدی برای سُلیمٰن بادرا که جاری میشد بفرمان او ومسخّر کردی شیاطین
وَعَلّمتَهُ مَنطِقَ الطَّیرِ وَبالاِسمِ الّذی وَهَبْتَ بِهِ
وتعلیم کردی باو سخن مرغانرا وبحقّ آن نامی که بخشیدی بسبب آن
لِزکریّاءَ یَحییٰ وَخَلَقتَ بِهِ عیسیٰ مِن رُوحِ القُدُسِ
برای زکریّا یحییٰ را وخلق کردی بآن عیسیٰ را از روح القُدُس
مِن غیرِ اَبٍ وَبالاِسمِ الّذی خَلَقتَ بِهِ العَرشَ وَالکُرسیَّ
بدون پدری وبحقّ آن نامی که آفریدی بسبب آن عرش وکرسی را
وَبالاِسمِ الّذی خَلَقتَ بِهِ الرُّوحانیّینَ وَبالاِسمِ الّذی
وبحقّ آن نامی که آفریدی بآن فرشتگان روحانیین را وبحقّ آن نامی که
خَلَقتَ بِهِ الجِنَّ وَبالاِسمِ الّذی خَلَقتَ بِهِ جَمیعَ الخَلقِ
خلق کردی بآن جنّ را وبحقّ آن نامی که خلق کردی بآن همه مخلوقات را

وَجَمیعَ ما اَرَدتَ مِن شَیءٍ وَبالاِسمِ الّذی قَدَرتَ بِهِ علیٰ
وهمه آنچه را که اراده کردی از چیزی وبحقّ آن نامی که تقدیر کردی بآن بر
کُلِّ شَیءٍ اَسأَلُکَ بِهٰذِهِ الاَسماءِ لَمّا اَعطَیتَنی سُؤلی وَ
هر چیزی سؤال میکنم ترا بحقّ این نامها مگر اینکه عطا کنی بمن سؤال مرا و
قَضَیتَ بِها حَوائِجی وهرگاه این دعارا خواندی گفته میشود
برآوردی بآنها حاجتهای مرا بتو که ای فاطمه آری آری حاجت تورا
برمی آورم خبر داد مارا سیّد سعید ضیاء الدّین علم الهدیٰ
ابو الرّضا فضل الله راوندی قدّس الله روحه وگفته خبر
داد مارا شیخ سعید قطب الدّین ابو جعفر محمّد بن علی مقری
نیشابوری رحمه الله تعالیٰ باین طریق که بر او خواندم واو می‌شنید
واو گفت که خبر داد مارا مفید ابو علی وروایت کرد در نجف
اشرف از پدر خود یعنی شیخ ابو جعفر طوسی علیه الرّحمه در سال
پانصد وهشتاد که من از حج دویم خود فارغ شده واز سفر حجاز
باز گردیده بودم وشیخ علیه الرّحمه گفته است که خبر داد مرا محمّد
بن محمّد وگفت که خبر داد مرا ابو حفص عمر بن محمّد صیرفی وگفت که
حدیث کرد مرا ابو عبد الله حسین بن اسمعیل ضبّی وگفت که
حدیث کرد مرا عبد الله بن شعیب وگفت که حدیث کرد مرا
اسمعیل بن اوس وگفت که حدیث کرد مرا اسحٰق بن یحییٰ وروایت

کرد از ابی بردهٔ اسلمی و او روایت کرد از پدر خود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز صبح را میکذارد آواز خود را بلند میکردانید بحدی که اصحاب آنحضرت که حاضر بودند همکی میشنیدند و میفرمود

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِیْ دِیْنِیَ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ لِیْ عِصْمَةً سه مرتبه

خداوندا اصلاح کن برای من دین مرا که کردانیده از برای من نکاهداری

و میفرمود اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِیْ دُنْیَایَ الَّتِیْ جَعَلْتَ فِیْهَا مَعَاشِیْ

خداوندا اصلاح کن برای من دنیای مرا که کردانیده تو در آن معیشت مرا

سه مرتبه و میفرمود اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِیْ آخِرَتِیَ الَّتِیْ جَعَلْتَ اِلَیْهَا

خداوندا اصلاح کن برای آخرت مرا که کردانیده تو بسوی آن

مَرْجِعِیْ سه مرتبه و میفرمود اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ

بازکشت مرا — خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بخوشنودی تو از

سَخَطِكَ وَاَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ سه مرتبه و میفرمود

غضب تو و پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَ

خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از تو نیست مانعی برای آنچه عطا کنی و

لَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ

نیست عطا کننده مر آنچه را که تو منع کنی و نفع نمی بخشد صاحب غنا را نزد تو غنای او

دعائی که در صبح خوانده میشود

و از سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه منقولست که او کفته است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن خطاب نمود که ای سلمان چون صبح کنی سه مرتبه بکو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اُشْرِكُ بِكَ

خداوندا تو پروردکار منی شریک نمی آورم بتو

لَكَ اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ و چون شام کنی این را سه

برای تو صبح کردیم و صبح کرد پادشاهی برای خدا

مرتبه بکو پس بدرستی که خواندن این دعا کفارهٔ هر کناهیست که در ما بین این دو وقت کرده باشی و حق تعالی ببرکت این دعا آنها را می آمرزد

تسبیحیست که خوانده از بعد از هر نماز سنت است و حضرت صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه تعلیم نموده است از بعضی از مخلصان خود که بشرف پای بوس آنحضرت مشرف شده بودند

سُبْحَانَ مَنْ لَا یَصِفُهُ الْوَاصِفُوْنَ سُبْحَانَ مَنْ لَا یُسَبِّحُهُ

تسبیح میکنم کسی را که وصف نمیتوانند کرد او را وصف کنندکان تسبیح میکنم کسی را که تسبیح نمیتوانند کرد او را

الْمُسَبِّحُوْنَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَمْ یَزَلْ

تسبیح کنندکان تسبیح میکنم او را تسبیح میکنم او را تسبیح میکنم کسی را که بوده است

اَبَدًا سُبْحَانَ مَنْ لَا یَزَالُ اَبَدًا سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

همیشه تسبیح میکنم کسی را که خواهد بود همیشه منزه است او منزه است او

جَلَّ وَعَزَّ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ

بزرکوار و عزیز است نزاییده و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی

تسبیح که بعد از هر نماز خوانده میشود

دعائی که حضرت صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه تعلیم
نموده است از برای کردیکه در حبس بوده است که بجهت خلاصی از حبس بخواند

دعائی که بجهت خلاصی از حبس خوانده میشود

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلآءُ وَ امْتَنَعَ الرَّجآءُ وَضاقَتِ الْاَرْضُ
خداوندا عظیم شده است بلاء وبرکشی کرده است امید وتنگی کرده است زمین
وَمَنَعَتِ السَّمآءُ وَ اَنْتَ الْمُسْتَغاثُ وَ اِلَیْکَ الْمُشْتَکیٰ
ومنع کرده است آسمان وتوئی طلب فریاد رسی کرده شده وبسوی تست شکایت
وَعَلَیْکَ الْمُتَوَکَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخآءِ فَصَلِّ عَلیٰ
وبر تست توکل در سختی ورفاهیت پس رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلیٰ اُولِی الْاَمْرِ الَّذِیْنَ فَرَضْتَ عَلَیْنا
محمد وآل محمد وبر صاحبان فرمان که واجب کرده بر ما
طاعَتَهُمْ وَ عَرَّفْتَنا بِذٰلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ
فرمان برداری ایشانرا وشناسانیده بما بسبب این منزلهٔ ایشانرا پس گشایش ده ازما بحق ایشان
فَرَجاً عاجِلاً قَرِیْباً کَلَمْحِ بِالْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ
گشایش معجل نزدیکی مانند برهم زدن چشم یا نزدیکتر ازان

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و
السلام در هر صبح میخوانده

دعائی که در هر صبح خوانده میشود

اَللّٰهُمَّ اَحْیِنِیْ وَ اَمِتْنِیْ عَلَی الْکِتابِ وَ السُّنَّةِ وَسَلِّمْنِیْ
خداوندا بدار مرا و بمیران مرا بر موافقت کتاب و سنت وسالم بدار مرا

مِنَ الْاَهْوآءِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الزَّیْغِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اعْصِمْنِیْ
از خواهشها وبدعت ومیل کردن وشبهه ونگاه دار مرا
مِنَ الْحَیْرَةِ وَ الضَّلالَةِ وَ الْحُمْقِ وَ الْجَهالَةِ وَمِنْ سُوْءِ
از حیران شدن وگمراهی وحماقت ونادانی و از بدی
الْبَلآءِ وَ الْفِتْنَةِ وَقِلَّةِ الْفَهْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ اتِّصالِ
بلا وآزمایش واز کمی فهم وشناسائی واز متصل بودن
الْغَفْلَةِ بِطُوْلِ الْمُهْلَةِ وَ غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ اِنَّکَ لَطِیْفٌ
غفلت بمهلت طولانی و زیادتی شهوت بدرستیکه تو لطف کننده
لِما تَشآءُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ
برای آنچه خواهی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

دعائی که حضرت خضر علیه السلام
بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلم تعلیم
نموده و فرموده است که بعد از هر نماز آنرا باید خواند

دعائی که بعد از هر نماز خوانده میشود

یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ یا مَنْ لا یُغَلِّطُهُ السّائِلُوْنَ
ای کسی که مشغول نمیسازد اورا شنیدنی از شنیدنی ای کسی که بغلط نمی اندازند اورا سؤال کنندگان
یا مَنْ لا یَتَبَرَّمُ بِاِلْحاحِ الْمُلِحِّیْنَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
ای کسی که دلتنگ نمیشود بسبب الحاح کردن الحاح کنندگان رحمت بفرست بر محمد و بر آل محمد
وَ اَذِقْنا بَرْدَ عَفْوِکَ وَحَلاوَةَ مَغْفِرَتِکَ بِرَحْمَتِکَ
وبچشان بما خنکی عفو خودرا وشیرینی آمرزش خودرا برحمت خود

یا ارحم الراحمین عوذه که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بحضرت علی فوشته در خواب تعلیم نموده
اللهم انی اعوذ بحلمک من جهلی و اعوذ بغناک
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بعلم تو از جهل خودم و پناه میبرم بتوانگری تو
من فقری و اعوذ بعزک من ذلی عز جارک و جل
از بی چیزی خودم و پناه میبرم بعزت تو از خواری خودم عزیز است همسایه تو و جلیل است
ثناؤک و لا اله غیرک یا کریم دعائیکه مرویست که حضرت امام جعفر صادق
ستایش تو و نیست خدائی غیر تو ای صاحب کرم علیه الصلوة و السلام بعد از هر نماز میخواندند
اللهم انی استغفرک و اتوب الیک من کل ذنب
خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو از هر گناهی
سعت الیه قدمی و نطق به لسانی و نظر الیه
که رفته است بسوی آن قدم من و گویا شده است بآن زبان من و نظر کرده است بسوی آن
بصری و استمعت الیه اذنی مما نهیتنی عنه
چشم من و متوجه شده است بسوی آن گوش من از آنچه نهی کرده مرا از آن
فعصیتک فیه و اسئلک ان تصلی علی محمد و آل
پس عصیان کرده ام ترا در آن و سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل
محمد و ان تغفر لی ذنوبی التی کسبت جوارحی هذه
محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهان مرا که کسب کرده است اعضای من از اعضا

فیما سلف من عمری و تستعملنی فیما بقی من عمری فی
در آنچه گذشته است از عمر من و بکار داری مرا در آنچه باقی مانده است از عمر من در
طاعتک و مرضاتک یا ذا الجلال و الاکرام
اطاعت تو و خوشنودی تو ای صاحب جلالت و گرامی داشتن
دعاء دیگر که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست و
بعد از هر نماز فریضه باید خواند و بجهت دفع بلاها مجربست
حسبی الله لدینی حسبی الله لدنیای حسبی الله لآخرتی
بس است مرا خدا برای دین من بس است مرا خدا برای دنیای من بس است مرا خدا برای آخرت من
حسبی الله لما اهمنی حسبی الله لمن بغی علی حسبی
بس است مرا خدا برای آنچه مهم است نزد من بس است مرا خدا برای کسی که زیادتی کند بر من بس است مرا
الله عند الموت حسبی الله عند المسائلة فی القبر
خدا نزد مردن بس است مرا خدا نزد سؤال کردن در قبر
حسبی الله عند المیزان حسبی الله عند الصراط حسبی
بس است مرا خدا نزد ترازوی عمل بس است مرا خدا نزد پل صراط بس است مرا
الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
خدائی که نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ
مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام بیکی از اصحاب
خود فرمود که میخواهی که تعلیم کنم بتو دعائی را که برای دنیای

دعائی که بعد از صبح نماز خوانده میشود

دعائی که خواندن آن بعد از هر نماز فریضه بجهت دفع بلاها میکردد

دعا بجهت دفع درد چشم

تو و برای آخرت تو نیک باشد و درد چشم را از تو رفع نماید پس آن شخص
گفت که بلی پس آنحضرت فرمود که بعد از نماز صبح و بعد از نماز شام بگو
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْكَ اَنْ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق که محمد و آل محمد راست بر تو اینکه
تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ
رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نور را در چشم من
وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ
و بینائی را در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را
فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَ
در عمل من و سلامتی را در نفس من و توسعه را در روزی من و
الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
شکر گذاری را برای تو همیشه مادام که باقی داری مرا علیه و آله فرموده است که هر مؤمن
که صبح کند و این دعا را بخواند پس او بری و بیزار است از هر بدعتی خواه بدعت
آن بدعت را بدانند و او در بهشت با من خواهد بود و دعا اینست
اَصْبَحْنَا عَلٰی فِطْرَةِ الْاِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْاِخْلَاصِ وَ
صبح کردیم بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و
دِیْنِ نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاَنَا اَشْهَدُ
دین پیغمبر ما محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و من گواهی میدهم

دعائی که در صبح خوانده میشود

اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَاَنَا
اینکه نیست خدائی مگر الله و اینکه محمد بنده او و رسول اوست و من
بَرِیْءٌ مِّنْ كُلِّ بِدْعَةٍ وَّضَلَالَةٍ وَّمُتَمَسِّكٌ بِالسُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ
بیزارم از هر بدعتی و گمراهی و چنگ زننده ام بسنت و جماعت
و از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقولست که هر بنده که
خوف کند که نعمتی از او زایل شود یا عافیت و تندرستی
از او تغییر یابد پس این دعا را بخواند حق تعالی باو عطا
میکند [illegible] دنیا و آخرت را و دعا اینست
یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا وَاحِدُ یَا مَجِیْدُ یَا بَرُّ یَا كَرِیْمُ
ای زنده ای بخود برپا ای توانگر ای بزرگوار ای نیکوکار ای صاحب کرم
یَا رَحِیْمُ یَا غَنِیُّ تَمِّمْ عَلَیْنَا نِعْمَتَكَ وَهَنِّئْنَا كَرَامَتَكَ
ای مهربان ای بی نیاز تمام گردان بر ما نعمت خود را و گوارا ساز برای ما کرامت خود را
وَاَلْبِسْنَا عَافِیَتَكَ از جمله دعاهائی که حضرت رسالت پناه
و بپوشان بما لباس عافیت خود را صلی الله علیه و آله میخوانده اینست
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ مَا مَضٰی فِیْ عِلْمِكَ مِنْ ذُنُوْبِیْ وَاعْصِمْنِیْ
خداوندا بیامرز برای من آنچه گذشته است در علم تو از گناهان من و نگاه دار مرا
فِیْمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِیْ وَارْزُقْنِیْ اَعْمَالًا زَكِیَّةً تُطَهِّرُنِیْ
در آنچه باقی مانده است از عمر من و روزی کن مرا عملهای پاکیزه که پاک کند مرا

دعائی که ناگاه بخواند هر که خوف داشته باشد از تغییر نعمت و تندرستی

دعا بجهت دفع ضرر و کفایت کار

وترضی عنی و ایضا از جمله دعاهای
وخوشنود کند ترا از من آن حضرت این است
اللهم رحمتک ارجو فلا تکلنی الی نفسی طرفة
خداوندا رحمت ترا امید دارم پس وامگذار مرا بسوی نفس من بقدر برهم زدن
عین و علیک اعتمد فاصلح لی شانی بعظمتک
چشمی و بر تو اعتماد دارم پس اصلاح کن برای من حال مرا بعظمت خودت
دعائیست که بتجربه رسیده است و تخلف نمیکند و این دعا
را حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام تعلیم نموده
است بمردی از اهل یمن که شترا و سرکشی مینموده و اطاعت او نمیکرده
پس آنحضرت باو فرموده است که هرگاه دشوار شود بر تو چیزی و از عهده
آن بر نیائی خواه اهل تو باشد و خواه مال تو باشد و خواه فرزند تو باشد
و خواه امر فرعونی باشد یعنی طغیان کننده باشد از جمله طغیان کنندگان پس این
دعا را بخوان که حق تعالی ضرر او را رفع مینماید و او را کفایت
میکند و برای این دعا حکایت غریبه هست و دعا اینست
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و
خداوندا بدرستی که من رو میآورم بسوی تو به پیغمبر تو که پیغمبر رحمت است و
اهل بیته الذین اخترتهم علی علم علی العالمین اللهم
باهل بیت او که برگزیده ایشان را دانسته بر همه عالمیان خداوندا

فذلل

مراد از انها کارهای دشوار و دشمنان است که بتقریب مقام معلوم است

دعائی که بجهت رفع هم و غم باید خواند

فذلل لی صعوبتها و حزونتها و اکفنی شرها
پس آسان گردان برای من دشواریهای آنها و ناهمواریهای آنها را و کفایت کن از من شر آنها را
فانک المعافی و الغالب القاهر بسند صحیح روایت
پس بدرستی که تو عافیت دهنده و غلبه کننده قهر کننده شده است
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرموده است
که از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود که هر گز
نرسیده است بکسی که صاحب حلم و عقل باشد دلگیری و اندوهی
پس این دعا را خوانده باشد مگر آنکه حق تعالی دلگیری او را رفع
نموده و برطرف کرده و بجای اندوه او فرحی و گشایشی باو عطا کرده است
پس جمعی از اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند که یا رسول الله
آیا ما این دعا را نیاموزیم پس آنحضرت فرمودند که سزاوار است
برای هر کسی که این دعا را بشنود اینکه بیاموزد آنرا و دعا اینست
اللهم انی عبدک و ابن عبدک ابن امتک و فی قبضتک
خداوندا بدرستی که من بنده تو و پسر بنده تو پسر کنیز توام و در قبضه قدرت توام
ناصیتی فی یدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک
موی پیش سر من در دست تست جاریست در من حکم تو بعدالت است در باب من حکم تو
اسألک بکل حق هو لک و بکل اسم سمیت به نفسک
سؤال میکنم ترا بهر حقی که آن برای تست و بهر اسمی که نامیده این خود را

اَوْ اَنْزَلْتَهُ فِی کِتَابِکَ اَوْعَلَّمْتَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِکَ اَوِ

یا فرو فرستاده آنرا در کتاب خود یا تعلیم کرده آنرا بکسی از خلق خود یا

اسْتَاْثَرْتَ بِهٖ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ اَنْ تَجْعَلَ الْقُرْاٰنَ

انتخاب کرده آنرا در علم غیب نزد خود آنکه بگردانی قرآن را

رَبِیعَ قَلْبِی وَشِفَاءَ صَدْرِی وَنُوْرَ بَصَرِی وَجِلَاءَ

بهار دل من و شفای سینه من و نور دیده من و برطرف کننده

حُزْنِی وَذَهَابَ هَمِّی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که

اندوه من و برنده غم من

اندوهناک نکرد آنید مرا چیزی مگر آنکه جبرئیل علیه السلام

برای من ممثل کردید و خود را بمن نمود و گفت ای محمد بگو

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوْتُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ

توکل کرده ام بر زنده که نمی میرد ستایش مر خدا را است که

یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهٗ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ

فرا نگرفته فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و

یَکُنْ لَهٗ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا و روایت

نمی باشد برای او دوستی از جهت خواری و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی که حضرت

فاطمه زهرا صلوات الله علیها فرموده است که حضرت رسول

خدا صلی الله علیه و آله تعلیم نمود بمن دعائی که هر صبح و شام

دعائی دیگر بجهت رفع غم

از را بخوانم

آنرا بخوانم و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود که اگر

خوش می آید ترا که تب نرسد بتو مادام که در دنیا زندگانی کنی

پس مواظبت کن بر این دعا و بسیار بخوان آنرا و دعا اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرِ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدای روشن کننده بنام خدا که روشن کننده

النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی هُوَ

روشنی است بنام خدای که نوریست بر نور بنام خدائی که او

مُدَبِّرُ الْاُمُوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ

تدبیر کننده کارهاست بنام خدائی که آفریده است نور را از نور

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ النُّوْرَ وَاَنْزَلَ النُّوْرَ عَلَی الطُّوْرِ فِی

ستایش مر خدا را است که آفریده است نور را و فرو فرستاده است نور را بر کوه طور در

کِتَابٍ مَسْطُوْرٍ بِقَدَرٍ مَقْدُوْرٍ عَلٰی نَبِیٍّ مَحْبُوْرٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

کتابی نوشته شده باندازه تقدیر کرده شده بر پیغمبری نیکو ستایش مر خدا را

الَّذِی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُوْرٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُوْرٌ وَعَلَی السَّرَّاءِ وَ

که او بعزت مذکور است و ببزرگی مشهور است و بر خوشحالی و

الضَّرَّاءِ مَشْکُوْرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

بدحالی شکر کرده شده است و رحمت فرستد خدا بر آقای ما محمد و بر آل او که پاکانند

منقولست که سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه گفته است که

دعائی که مواظبت بر آن سبب آنست که هر خواننده آن هرگز تب نکند

اطلاق نور بر ذات الله سبحانه یا بجهت آنست که چنانکه نور هویدا و واضح است وجود حق تعالی نیز هویدا و واضح است نیز اگر چه ذات ... از ذات ممکنات و دلیل است واضح بر وجود ذات مقدس او و یا بجهت آنست که چون حق تعالی منور و روشن کننده عالم است ... نور بر ذات مقدس او اطلاق شده و یا بجهت آنست که حق تعالی هدایت کننده در امثال اینها است والله تعالی اعلم

این دعا را من از حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها تعلیم
گرفتم و تعلیم نمودم آنرا بزیاده بر هزار کس از اهل مکه و مدینه که
ایشانرا علتهای تب و بیماری بود و الحال همه ایشان باذن حق تعالی
چاق و صحیح اند حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که هر که در هر شب
جمعه ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی ایمن کرداند او را از
همه آفتهای دنیا و آخرت و دعا اینست

یا ذا الشمس الفضل علی البریة یا ذا المواهب السنیة
ای کسی که دائمی است انعام او بر خلایق ای صاحب بخششهای بلند مرتبه
یا باسط الیدین بالعطیة صل علی محمد و آل محمد
ای کشاینده دستهای خود ببخشش رحمت فرست بر محمد و آل محمد
خیر الوری سجیة و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة
که بهترین خلایق اند از جهت طبیعت و بیامرز برای ما ای صاحب بلندی در این شب

منقولست که مردی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة
و السلام آمد و گفت تعلیم کن بمن دعائی که مختصر باشد پس آنحضرت فرمود که بگو
اللهم هب لی مع کل بلیة صبرا و مع کل نعمة شکرا
خداوندا ببخش برای من با هر بلائی صبری را و با هر نعمتی شکر گذاری را

دعائی که هر گاه آدمی از کسی ترسد این دعا را بخواند
و این دعا از دعاهای مستجاب است و دعا این است

اللهم لا رب لی سواک فادعوه و لا اله لی غیرک
خداوندا نیست پروردگاری برای من غیر تو تا اینکه بخوانم او را و نیست خدائی برای غیر تو
فارجوه انت الرب و انا العبد و العبد یخطی و
تا اینکه امیدوار باشم او را توئی پروردگار و منم بنده و بنده خطا میکند و
الرب یعفو فان کانت دعوتی لک صادقة و یقینی
پروردگار عفو میکند پس اگر بوده باشد دعا کردن من برای تو صادق و یقین داشتن من
لک خالصا فاغثنی یا غیاث المستغیثین

دعای فرج

برای تو خالص پس فریاد رسی کن مرا ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان
یا من لا یواری منه لیل داج و لا سماء ذات ابراج
ای کسی که پنهان نمیکند مرا از او شب تاریک و نه آسمان صاحب برجها
و لا حجب ذات ارتاج و لا دوی ماء فی بحر عجاج
و نه پردههای صاحب پوشانیدنها و نه صدای آب در دریای فریاد زننده
یا دافع السطوات یا کاشف الکربات یا منزل البرکات
ای دفع کننده حملهها ای برطرف کننده غمها ای فرود آورنده برکتها
یا رافع الدرجات یا خالق الارضین و السموات
ای بلند کننده مرتبهها ای آفریننده زمینها و آسمانها
اسئلک یا فتاح یا من بیده خزائن کل مفتاح ان تصلی
سؤال میکنم تو را ای کشاینده ای کسی که بدست اوست خزانهها هر کلیدی اینکه رحمت فرستی

دعائی که در هر شب جمعه ده مرتبه باید خواند تا ایمن شد از آفتهای دنیا و آخرت

دعای مستجابی که در وقت خوف از کسی باید خواند

دعای فرج که خواندن آن سبب گشایش میشود

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَفْتَحَ لِي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ خَيْرَ الدُّنْيَا
بر محمد و آل محمد و بکشائی برای من در این ساعت خیر دنیا
وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا
و آخرت را و اینکه بگردانی برای من از آنچه من در آن هستم کشایشی و بیرون شدی
إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
بدرستیکه تو بر همه چیز قادری و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

دعای حرز که خواندن آن سبب حفظ از بلاها میشود

دعای حرز تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ مِنْ شَرِّ خَلْقِ
پناه برده ام بزنده که نمی میرد از شر خلق
اللّٰهِ أَجْمَعِينَ وَرَمَيْتُ الَّذِي يُرِيدُنِي بِسُوءٍ بِلَا حَوْلَ وَ
خدا همگی و انداختم کسی را که اراده کرده است مرا ببدی باین کلمه که نیست گردش و
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ
نه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه چنگ میزنم بدستهٔ محکم خدا
الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
که نیست شکستگی برای آن و خدا اوست شنوای دانا
أَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَلِكُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ
مهیا کرده ام برای هر هولی کلمهٔ لا اله الا الله را و برای هر غمی و همی
مَا شَاءَ اللّٰهُ لَنْ يَغْلِبَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَاللّٰهُ غَالِبُ كُلِّ شَيْءٍ
کلمهٔ ما شاء الله را هرگز غالب نمیشود بر خدا چیزی و خدا غلبه کننده است بر هر چیزی

حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او براو توکل کرده ام و اوست پروردگار عرش
الْعَظِيمِ **دعائی که در وقت طلب کردن امان از جناب مقدس الهی و**
بزرگ **و باز گذاشتن کار بسوی او خوانده میشود اینست**

دعا بجهت طلب کردن امان از حق تعالی و کار گذاشتن کارها بحق تعالی

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَ
خداوندا بدرستیکه من بامانت می سپارم جان خود و دین خود و دنیای خود و
أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَجَمِيعَ أُمُورِي وَأَسْبَابِي وَ
اهل خود و مال خود و اولاد خود را و جمیع کارهای خود و وسیلهای خود و
أَحْوَالِي وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِي أَسْتَوْدِعُ ذٰلِكَ الْحَيَّ
احوال خود و خاتمهٔ کارهای خود را بامانت می سپارم اینها را بزنده
الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ أَسْتَوْدِعُ ذٰلِكَ الْحَيَّ الَّذِي
که ضایع نمیشود امانتهای او بامانت می سپارم اینها را بزنده که
لَا يَمُوتُ اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاكْنُفْنِي
نمی میرد خداوندا نگهبانی کن مرا بچشم تو که نمیخوابد و محافظت کن مرا
بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَقَوِّنِي بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا تُضَامُ
بقوت خود که قصد کرده نمیشود و تقویت کن مرا بتوانائی خود که ستم رسانیده نمیشود
اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
خداوندا رحم کن مرا بقدرت خود بر من نیست قدرتی و نه توانائی مگر

بک یا رب العالمین دعائی که در وقت خوف از

بتو ای پروردکار عالمیان کسی خوانده میشود این است

اللهم رب السموات السبع و رب العرش العظیم

خداوندا ای پروردکار آسمانهای هفتگانه و پروردکار عرش عظیم

کن لی جارا من فلان بن فلان و اعوانه من خلیفتک

بوده باش برای من پناهی از شر فلان پسر فلان و مددکاران او از مخلوقات تو

و من شر الجن و الانس ان یفرط علی احد منهم

و از شر جنیان و آدمیان از اینکه زیادتی کند بر من یکی از ایشان

او ان یطغی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله غیرک

یا اینکه طغیان کند عزیز است همسایهٔ تو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدائی غیر تو

دعائی که بجهت دفع ضرر کید و مکر و حیله خوانده میشود اینست

اللهم اجعل کیدهم فی نحورهم و اعذنی من شرورهم

خداوندا بگردان مکر ایشان را در گلوی کردنهای ایشان و پناه ده مرا از بدیهای ایشان

حسبی الله و کفی سمع الله لمن دعا لیس وراء

بس است مرا خدا و کافی است شنیده است خدا و مستجاب کرده است برای کسی که دعا کرده است نیست غیر

الله منتهی حسبی الله و نعم الوکیل دعاء حاجت

خدا منتهائی بس است مرا خدا و خوب وکیلی است دو رکعت نماز بکند و در

و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر سوره که خواهی بخوان و بعد از انکه سلام نماز داد

دعائی که دزد و مخوف از کسی خوانده میشود

بجای فلان بن فلان نام آن شخصی که از او خوف دارد و نام پدر او را بگوید

دعا بجهت دفع ضرر و مکر و حیله دشمنان

بکوا اللهم انی اسألک باسمک العظیم الذی هو ملاء

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنام بزرگ تو که آن پر کننده

الارکان کلها و باسمک الذی اذا دعیت به اجبت

همه رکنها است و بنام تو که هرگاه خوانده شوی بآن اجابت میکنی

و اذا سئلت به اعطیت ان تصلی علی محمد و آل محمد

و هرگاه سؤال کرده شوی بآن عطا میکنی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

و ان تقضی حاجتی لا اله الا انت و اجعل رغبتی

و اینکه برآوری حاجت مرا نیست خدائی مگر تو و بگردان رغبت مرا

فیما عندک دعاء دبیر اللهم انی اسألک و اتوجه

در آنچه نزد تست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو و رو آورم

الیک بنبیک محمد علیه و آله السلام نبی الرحمة

بسوی تو بوسیلهٔ پیغمبر تو محمد بر او و بر آل او باد سلام که پیغمبر رحمت است

یا محمد انی استشفع بک علی ربی فی قضاء

ای محمد بدرستی که من طلب شفاعت خواهی میکنم بجهت تو بر من داد آن از پروردگار من در برآوردن

حاجتی اللهم شفعنی فی نفسی و شفع نبیک فی

حاجت من خداوندا شفیع کردان مرا در نفس من و شفیع کردان پیغمبر خود را در باب من

نقل کرده اند که در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله این دعا را

نابینائی خواند و حق تعالی او را بینا کردانید دعای دبیر بجهت

دعای دبیر بجهت آمدن حاجات

برآمدن حاجت و این دعا مجربست و از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده است و آنحضرت فرموده است که دست خود را بدعا بلند میکنی و میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنِیْ اَنْ اَدْعُوْكَ فَقُلْتَ فِیْ كِتَابِكَ

خداوندا بدرستی که تو امر کرده مرا باینکه بخوانم ترا پس گفته در کتاب خود که

اُدْعُوْنِیْ اَسْتَجِبْ لَكُمْ فَاَنَا اَدْعُوْكَ بِاَحَبِّ اَسْمَآئِكَ

بخوانید مرا تا مستجاب کنم برای شما پس من میخوانم ترا بدوسترین نامهای تو

اِلَیْكَ وَاَمَرْتَنِیْ اَنْ اَسْتَغْفِرَكَ فَقُلْتَ وَاسْتَغْفِرُوْا

بسوی تو و امر کرده مرا اینکه طلب آمرزش کنم از تو پس گفته که و طلب آمرزش کنید

رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا فَاَنَا اَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبٍ لَا

از پروردگار خود بدرستی که او هست بسیار آمرزنده پس من طلب آمرزش میکنم از تو برای گناهی که

یَغْفِرُهٗ غَیْرُكَ وَاَمَرْتَنِیْ اَنْ اَسْاَلَكَ مِنْ فَضْلِكَ فَقُلْتَ

نمی آمرزد آنرا کسی غیر تو و امر کرده مرا اینکه سؤال کنم ترا از فضل تو پس گفته

فِیْ كِتَابِكَ وَاسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ

در کتاب خود که و سؤال کنید خدا را از فضل او بدرستی که خدا هست بهمه

شَیْءٍ عَلِیْمًا فَاَنَا اَسْئَلُكَ مِنْ یَدِكَ الْمَلْاٰیٰ فَقُلْتَ مَا

چیز بسیار دانا پس من سؤال میکنم ترا از دست قدرت تو که پر است پس من کفتم آنچه را

اَمَرْتَنِیْ فَاتِنِیْ مَا وَعَدْتَنِیْ **دعائی که در وقت بیرون رفتن**

که امر کرده مرا پس بده بمن آنچه را که بمن وعده کرده **از خانه باید خواند**

دعائی که جهت برآمدن حاجت مجرب است

بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

بیرون رفتم بنام خدا توکل کردم بر خدا نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَذِلَّ اَوْ اُذَلَّ اَوْ اَضِلَّ

خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از اینکه خوار شوم یا خوار کرده شوم یا گمراه شوم

اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَجْهَلَ اَوْ یُجْهَلَ

یا گمراه کرده شوم یا ظلم کنم یا ظلم کرده شوم یا جاهل باشم یا مجهول کرده شود

عَلَیَّ اَوْ اَعْتَدِیَ اَوْ یُعْتَدٰی عَلَیَّ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ

بر من یا زیادتی کنم یا زیادتی کرده شود بر من بدرستی که تو بر هر چیز

قَدِیْرٌ **دعائی که در وقت داخل شدن خانه باید خواند**

بغایت توانا بِسْمِ اللّٰهِ دَخَلْنَا عَلَی اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا اَللّٰهُمَّ

بنام خدا داخل شدیم بر خدا توکل کردیم خداوندا

ارْزُقْنَا خَیْرَ الْمَدْخَلِ وَخَیْرَ الْمَخْرَجِ **دعائی که در وقت داخل**

روزی کن بما خیر داخل شدن و خیر بیرون رفتن را **شدن بازار باید خواند**

روایت کرده است کعب احبار که حضرت رسول خدا صلعم چون داخل بازار میشد میفرمود

که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او برای اوست پادشاهی و برای اوست

الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ

ستایش زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمی میرد بدست قدرت اوست خیر و او

دعائی که در وقت داخل شدن خانه باید خواند

دعائی که در وقت داخل شدن بازار باید خواند

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ السُّوقِ

بر هر چیز قادر است خداوند ابدرستی که من سؤال میکنم از تو خیر این بازار

وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا

و خیر اهل آنرا و پناه میبرم بتو از شر این بازار و از شر اهل آن

دعائیست جلیل الشان که از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام

روایت شده است حسین بن محمد بن عامر گفته است که خبر داد مرا احمد بن محمد و او از پدر خود روایت کرده که هفت کس از اهل یک شهر در یک مکان در حبس بنی امیه بودند پس روزی یکی از ایشان با زنجیری که داشت مفقود گردید و هر چند تفحص نمودند او را نیافتند و بر خبر او مطلع نگردیدند و بدین جهت بغایت متعجب بودند و بعد از یکسال شش کس دیگر را از حبس مرخص نمودند و آن شش نفر چون بشهر خود باز گردیدند آن شخص مفقود را دیدند که در وطن و منزل خود است از او پرسیدند که چگونه از حبس بیرون آمدی و بمنزل خود رسیدی جواب گفت که دعائی را حفظ نموده بودم و شب و روز آنرا میخواندم پس شبی خوابیدم و در آن شب هفتاد نوبت این دعا را خواندم و بخواب رفتم و چون بیدار شدم خود را در منزل خود و در میان اهل و اولاد خود دیدم و دعا اینست

دعا بجهت خلاص شدن از حبس

اَسْتَلْطِفُ اللّٰهَ اللَّطِيفَ لِمَا يَشَاءُ لِتَيْسِيرِ مَا اَخَافُ

طلب لطف میکنم از خدائی که لطف کننده است مرا هرچه را خواهد برای آسان کردن آنچه میترسم

تَعْسِيرَهُ فَاِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ وَاِنَّ اللّٰهَ

از دشواری آن پس بدرستی که آسان کردن دشوار بر خدا آسان است و بدرستی که خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ

بر همه چیز قادر است خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و لطف کن

لِي فِي اَمْرِي فَاِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ

بمن در کار من پس بدرستی که تو لطف کننده مرا هرچه که خواهی

دعائی که بجهت دفع شر و ضرر دشمن خوانده میشود و این دعا مجربست

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدَ مَنْ

خداوندا توئی که منقطع شده است امید مگر از تو ای کسی

لَا اَحَدَ لَهُ وَمِيكُونِي لَا اَحَدَ لِي غَيْرُكَ وَاين فقره را مکرر

که نباشد کسی برای او نیست کسی برای من غیر تو

انقدر که یکنفس وفا کند بعد از آن میگوئی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ

سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و

فَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَىٰ

فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و علی و محمد و علی و حسن و حجت که بر ایشان باد سلام

لطیف از جمله اسما و اوصاف حق تعالی است و بمعنی لطف کننده و مهربان و مشفق است

دعا بجهت دفع شر

خداوندا توئی تو یعنی تو آنچنان که هستی در صفات کمال و جمال موصوف و بصفات دیگر متصف نمیتوان کرد یا معنی آنست که توئی تو که پاینده و دایم از تو و آنچه [illegible] است امید از غیر تو

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تَکْفِیَنِیْ شَرَّ فُلَانِ
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه کفایت کنی از من شر فلان
بْنِ فُلَانٍ وَّاَنْ تَکُوْنَ لِیْ جَارًا وَّاَنْ تَکْفِیَنِیْ مُؤْنَتَهٗ
پسر فلان را و اینکه بوده باشی برای من پناه و اینکه کفایت کنی از من مشقت اورا
مِنْ غَیْرِ مُؤْنَةٍ عَلَیَّ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ **دعائی که**
از غیر مشقتی بر من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان **هرگاه آدمی**
از کسی خوف کند و از ضرر او بترسد و این دعا را
بخواند حق تعالی دعای اورا مستجاب میکرداند و ضرر اورا رفع مینماید
اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
خدا بزرگترست خدا بزرگترست نیست خدائی مگر الله و خدا بزرگتر
اَعَزُّ وَاَجَلُّ مِمَّنْ اَخَافُ وَاَحْذَرُ اَللّٰهُ اَعَزُّ وَاَجَلُّ
و عزیزتر و بزرگوارترست از کسی که ازو خوف دارم و میترسم خدا عزیزتر و بزرگوارترست
مِنْ خَلْقِهٖ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ مُمْسِکُ
از خلق خود پناه میبرم بخدائی که نیست خدائی مگر او که نگاه دارنده
السَّمَآءِ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ مِنْ شَرِّ مَا
آسمانست ازینکه بیفتد بر زمین مگر بفرمان او از شر آنچه
خَلَقَ وَذَرَاَ وَبَرَاَ وَمِنْ شَرِّ فُلَانٍ خَاصَّةً وَّاَشْیَاعِهٖ
خلق کرده و آفریده و جان داده و از شر فلان بخصوص و از شر پیروان او

وَاَتْبَاعِهٖ **دعائی که در وقت داخل شدن**
و تابعان او **بمجلس پادشاه باید خواند**
یَا مَنْ هُوَ اَعَزُّ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ اَخْشٰی وَاَحْذَرُ وَاَعَزُّ
ای آنکسی که او عزیزترست از هر چیزی که من میترسم و حذر میکنم و عزیزترست
مِنْ جَمِیْعِ خَلْقِهٖ وَاَقْدَرُ اِکْفِنِیْ شَرَّ مَا اَخَافُ
از همه مخلوقات خود و تواناترست کفایت کن از من شر آنچه را که میترسم
وَاَحْذَرُ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ
و حذر میکنم از او در دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
دعای دیگر که در وقت داخل شدن بمجلس
پادشاه باید خواند هفت مرتبه میگوئی
اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ خَیْرُکَ بَیْنَ یَدَیْکَ
همین ترا عبادت میکنیم و همین از تو استعانت میجوئیم خیر تو در پیش روی تو باد
وَشَرُّکَ تَحْتَ قَدَمَیْکَ وَبِاللّٰهِ اَسْتَعِیْنُ عَلَیْکَ اَللّٰهُمَّ
و شر تو در زیر پاهای تو باد و بخدا استعانت میجویم بر دفع تو خداوندا
اکْفِنِیْهِ بِمَا شِئْتَ فَاِنَّهٗ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ
کفایت کن از من شر اورا بانچه خواهی بدرستیکه نیست قوتی مگر بتو
دعائی که حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلام در وقتی که هرون الرشید اراده
قتل آنحضرت کرده از آن خوانده است پس حق تعالی ضرر اورا از آنحضرت رفع نموده

بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر اورا میگوئی

دعا بجهت رفع ضرر کسی که ازو ترسد

بجای فلان نام شخصی را میگوید که ازو ترس داره

روزی بغلام خطاب بدشمن است و
مراد از اینست که حق تعالی از خیال کردن
حقیر و دشمن در پیش روی او ظاهر باشد و
ملاحظه در زیر پاهای او پنهان باشد و
بلکه در نیست بلکه اگر در نیست و عنقریب پیدا شود
پیدا شود

اَللّٰهُمَّ اِنَّ سِرِّی لَکَ مَکْشُوفٌ وَاَنَا اِلَیْکَ مَلْهُوفٌ
خداوندا بدرستی که راز نهان من برای تو ظاهر است و من بسوی تو مظلوم استغاثه کننده ام
اِذَا ازْدَحَمَتْ عَلَیَّ الْهُمُومُ لَجَأْتُ اِلَی الْاِسْتِجَارَةِ بِکَ
هرگاه انبوه شود بر من اندوهها التجا آورم بسوی پناه آوردن بتو
خَاضِعًا لِعِلْمِی بِاَنَّ اَزِمَّةَ الْاُمُورِ بِیَدِکَ وَمَصْدَرَهَا
فروتنی کننده برای علم داشتن من باینکه مهارها کارها بدست تست و بازگشت آنها
عَنْ قَضَائِکَ اَللّٰهُمَّ وَبِعِلْمِکَ بِفَاقَتِی اِلَی حَادِثِ
از تقدیر تست خداوندا و بسبب علم داشتن تو بمحتاج بودن من بسوی تازه
رَحْمَتِکَ لِتَکُونَ لِی شِفَاءً مِنَ الْعَمَی وَنَجَاةً مِنَ
از رحمت تو تا اینکه بوده باشی برای من شفا دهنده از کوری و نجات دهنده از
الْمَحْذُورِ وَعَزِیمَةً عَلَی الْمَقْدُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ سَهَوْتُ
ترسیده شده و عزیمتی بر تقدیر کرده شده خداوندا اگر چنانچه غافل شوم
عَنْ مَسْئَلَتِی وَعَمِیتُ عَنْ حُجَّتِی فَلَا تُبْعِدْنِی یَا رَبِّ
از سؤال کردنم و کور شوم از دلیل و راهنما خودم پس دور مگردان مرا ای پروردگار من
مِنْ هِدَایَاتِکَ وَوِلَایَاتِکَ وَنَیْلِ الْحَظِّ مِنْ کِفَایَاتِکَ
از راهنمائیهای خود و دوستیهای خود و رسیدن بهره از کفایتهای خود
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ دعائی که بجهت پناه بردن از زوال نعمتها
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و نزول بلاها و دلتنگی و دشواری معیشت

و زندگانی خوانده میشود و مشهور است بدعاء ذخر حدیث کرد
مارا ابو عمرو عثمان بن احمد بن عثمان جبائی با جماعتی و همه
گفتند که حدیث کرد مارا ابو طالب عبد الله بن احمد بن یعقوب
انباری و گفت حدیث کرد مارا جعفر بن محمد بن ملک غزاری
و گفت حدیث کرد مرا ابرهیم بن اسحق سبیعی و گفت حدیث کرد
مرا عبد الله بن یونس از محمد بن سنان از ابی محمد مفضل بن عمر
و گفت که داخل شدم بمجلس آقای خودم یعنی حضرت امام جعفر
صادق علیه الصلوة والسلام پس گفتم ای آقای من بدرستی که
شیعیان تو سؤال میکنند دعائی که بوسیله آن پناه برند بسوی
حق تعالی از زایل شدن نعمتها و فرود آمدن عذابها و بلاها و
دشواری معیشت و زندگانی و دلتنگی پس آنحضرت فرمود که
ای مفضل هرگاه یکی از ایشان را کاری سخت و دشوار پیش آید
بدان جهت دلتنگ و غمگین گردد از جانب من
امر کن او را که قصد و نیت خود را جمع کرده اند و
هوا و هوس را از دل خود بیرون کند و آب بر خود فرو ریزد
و جامهای پاک در پوشد و دستهای خود را بدعا بگشاید و بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی ذَخَرْتُ تَوْحِیدِی اِیَّاکَ وَمَعْرِفَتِی بِکَ
خداوندا بدرستی که من ذخیره کرده ام یگانه دانستن من ترا و معرفت خودم را بتو

وَاثِقًا وَاخْلَاصِی لَکَ وَاِقْرَارِی بِرُبُوبِیَّتِکَ وَذَخَرْتُ
اعتماد سپارنده واخلاص ورزیدن خودم را برای تو واقرار داشتن خودرا بپروردگاری تو و ذخیره کرده ام
وِلَایَةَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهٖ مِنْ حُجَّتِکَ فِی خَلْقِکَ
دوستی کسان را که انعام کرده برمن بشناختن ایشان از حجتهای تو در میان خلق تو
وَاَوْلِیَائِکَ وَاَصْفِیَائِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ لِیَوْمِ
ودوستان تو وبرگزیدگان تو از خلق تو که محمد وآل اویند برای روز
فَزَعِی اِلَیْکَ عَاجِلًا وَاٰجِلًا وَقَدْ فَزِعْتُ اِلَیْکَ بِکَ
پناه آوردن من بسوی تو حالا وبعد از این وبتحقیق که پناه آورده ام بسوی تو بوسیله تو
وَبِهِمْ فِی یَوْمِی هٰذَا وَمَوْقِفِی هٰذَا وَسَاَلْتُکَ
وبوسیله ایشان در روز من این روز ودر محل ایستادن من این محل وسؤال کرده ام تو را
حِرَاسَةَ مَا لَدَیَّ مِنْ نِعَمِکَ وَاِزَاحَةَ مَا اَخْشَاهُ
نگهبانی کردن آنچه نزد من است از نعمتهای تو وبرطرف کردن آنچه میترسم آنرا
مِنْ نِقَمِکَ وَالْبَرَکَةَ لِی فِی جَمِیْعِ مَا رَزَقْتَنِیْهِ وَ
از عقوبتهای تو وبرکت دادن را برای من در جمیع آنچه روزی کرده بمن و
تَحْصِیْنَ صَدْرِیْ مِنْ کُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَجَائِحَةٍ وَمُصِیْبَةٍ
اینکه محکم کردن سینه مرا از رسیدن هر غمی واندوهی وسختی ومصیبتی
فِی دِیْنِی وَدُنْیَایَ وَاٰخِرَتِی بِمَنِّکَ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ
در دین من ودنیای من وآخرت من بمنت گذاشتن خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وبعد از خواندن این دعا هرچه خواهد از حوایج خود مسئلت
نماید چه بدرستی که حق تعالی مهربانتر است بما از اینکه رد کند کسی را
که در حاجت خود متوسل بما شده باشد دعای مستجابی که از حضرت امام
زین العابدین علیه الصلوة والسلام منقول است بجهت دفع شدن غم واندوه
یَا سَامِعَ کُلِّ صَوْتٍ وَمُحْیِیَ کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ مَا
ای شنونده هر آوازی وزنده کننده هر شخصی بعد از مردن نیست
لِیْ اِلٰهٌ غَیْرُکَ فَاَدْعُوْهُ وَلَا شَرِیْکٌ لَکَ فَاَرْجُوْهُ
برای من خدائی غیر تو تا اینکه بخوانم او را ونیست شریکی برای تو تا اینکه امید داشته باشم او را
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَخَلِّصْنِیْ یَا رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
رحمت فرست بر محمد وآل محمد وخلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مِنْ کُلِّ غَمٍّ کَمَا تُخَلِّصُ الْوَلَدَ مِنْ بَیْنِ الْمَشِیْمَةِ
وآل محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکنی فرزند را از میان بچه دان
وَاللَّحْمِ بِعِزَّتِکَ وَخَلِّصْنِیْ یَا رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وگوشت بعزت خود وخلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد وآل محمد
مِنْ کُلِّ غَمٍّ کَمَا تُخَلِّصُ اللَّبَنَ مِنْ بَیْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ بِقُوَّتِکَ
از هر اندوهی چنانکه خلاص میگردانی شیر را از میان سرگین وخون بقوت خود
وَخَلِّصْنِیْ یَا رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مِنْ کُلِّ غَمٍّ کَمَا
وخلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد وآل محمد از هر اندوهی چنانکه

تخلص الثمرة من بين ماء وطين ورمل بقدرتك وخلصني
خلاص میکردانی میوه را از میان آب و گل و ریگ روان بقدرت خود و خلاص کردانی مرا

یا رب بحق محمد وال محمد من كل غم كما تخلص البيضة
ای پروردگار من بحق محمد و ال محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکردانی تخم را

من جوف الطاير بجلالك وخلصني يا رب بحق محمد
از میان شکم مرغ ببزرگواری خود و خلاص کردان مرا ای پروردگار من بحق محمد

وال محمد من كل غم كما تخلص الطاير من جوف
و ال محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکردانی مرغ را از میان

البيضة بحولك وقوتك ورحمتك انك فعال
تخم بقدرت خود و توانائی خود و رحمت خود بدرستی که تو بنهایت قدرت داری بر کردن

لما تريد وانت على كل شيء قدير **دعائی که بجهت دفع شداید**
آنچه اراده کنی و تو بر همه چیز بغایت توانا **و سختیها خوانده میشود**

يا اله الجبارين يا اله موسى وهرون يا اله الاولين
ای خدای جباران ای خدای موسی و هرون ای خدای پیشینیان

والاخرين يا فاطر السموات والارضين يا هازم
و پسینیان ای آفریننده آسمانها و زمینها ای گریزاننده

الاحزاب لاحمد يا كائد فرعون لموسى يا منجي عيسى
گروهها برای احمد ای مکر کننده با فرعون برای موسی ای نجات دهنده عیسی

من ايدي الظلمة يا مخلص نوح من الغرق يا منقذ
از دستهای ظالمان ای خلاص کننده نوح از غرق شدن ای رهاننده

ابرهيم من النار صل على محمد وال محمد وخلصني مما
ابرهیم از آتش رحمت فرست بر محمد و ال محمد و خلاص کردان مرا از آنچه

انا فيه **دعاء حضرت داود على نبينا**
من هستم در آن **واله وعليه الصلوة والسلام**

الهي اتيت اطباء عبادك ليداووني فكلهم عليك
ای خدای من رفتم بنزد اطباء از بندگان تو برای اینکه مداوا کنند مرا پس همه ایشان بر تو

دلوني فيا بؤسا للقانطين من رحمتك الهي
دلالت کردند مرا پس ای تنگدستی برای نومید شدگان از رحمت تو ای خدای من

طفت البلاد وجربت العباد وانت خير
گردیدم در شهرها و تجربه کردم بندگان را و تو بهتری

من الكل **دعائی که بحضرت امیر المؤمنین**
از همه **علیه الصلوة والسلام منسوب است**

اللهم انك سلطت علينا بذنوبنا من لا يعرفك
خداوندا بدرستی که تو مسلط ساختی بر ما بسبب گناهان ما کسی را که نمیشناسد ترا

فبحق من يعرفك عليك ان تدفع عنا بلية من لا
پس قسم بحق کسی که میشناسد ترا بر تو اینکه دفع کنی از ما بلیه کسی را که

يعرفك دعائی که بحضرت موسی بن عمران علی نبینا
نمی‌شناسد تو را وآله وعلیه الصلوة والسلام منسوب است
اللهم انی اخافك واخاف من لا یخافك فنجنی
خداوندا بدرستیکه من میترسم از تو ومیترسم از کسی که نمیترسد از تو پس نجات ده
من یخافك اکفنی شر من لا یخافك دعائی که از حضرت امام زین العابدین
کسی که میترسد از تو کفایت کن از من شر کسی را که نمیترسد از تو علیه الصلوة والسلم روایت شده
عبیدك بفنائك سائلك بفنائك مسکینك بفنائك
بنده‌ای تو بر آستانه تست سؤال کننده تو بر آستان تست بیچاره تو بر آستان تست
اسیرك بفنائك یشکو الیك ما لا یخفی علیك
اسیر تو بر آستان تو شکوه میکند بسوی تو آنچه را که مخفی نیست بر تو
حضرت امام همام ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه الصلوة والسلم
فرموده اند که هرگاه و با و مرگ بسیار شود بخوانید این دعا را
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
بنام خدای بخشاینده مهربان نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای
العلی العظیم لا یضر ولا ینفع شیء الا باذن الله
بلند بنده بزرگ مرتبه ضرر نمیرساند و نفع نمیرساند چیزی مگر برخصت خدا
توکلت علی الله لا یأتی بالشفاء الا الله ما شاء
توکل کردم بر خدا نمیدهد شفا را مگر خدا آنچه خواسته

الله لا یصرف السوء الا الله حسبی الله الذی خلقنی
خدا میشود بار نمیگرداند بدی را مگر خدا بس است مرا خدائی که کسی است که آفریده است مرا
فهو یهدین والذی هو یطعمنی ویسقین واذا مرضت
پس او هدایت میکند مرا و کسی است که او اطعام میکند مرا و سیراب میگرداند مرا و هرگاه بیمار شوم
فهو یشفین وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
پس او شفا میدهد مرا و فرو میفرستیم از قرآن چیزی را که آن شفا و رحمت است
للمؤمنین اللهم ارزقنی العافیة یا ولی العافیة
برای مؤمنان خداوندا روزی کن بمن عافیت را ای صاحب عافیت
ولا تفرق بیننا وبین العافیة یا خالق العافیة
وجدا مکن از میان ما و میان عافیت ای آفریننده عافیت
دعائی که از حضرت خضر علیه السلام روایت شده است
و آنرا در صبح هر روز باید خواند
اللهم اجعل بدء یومی هذا صلاحا واوسطه
خداوندا بگردان ابتداء روز مرا این روز خوبی و وسط آنرا
فلاحا واخره نجاحا اسئلك ذلك باسمك الواحد
رستگاری و آخر آنرا ظفر یافتن سؤال میکنم از تو این را بحق نام تو که یکی
الاحد الصمد الذی یملأ الارکان کلها الکبیر
یکانه مقصود در حوائج که پر میکند ارکان را همه آنها را که بزرگ

دعائی که در صبح هر روز باید خواند

دعای درجات

الوقر المتعال دعای درجات که از حضرت امام محمد

باوقار بسیار بلندات باقر علیه الصلوة والسلم روایت شده است

اللهم انی اعوذ بک من صلوة لا ترفع ومن دعاء

خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از نمازی که بلند کرده نشود و از دعائی که

لا یسمع ومن قلب لا یخشع ومن عمل لا ینفع ومن

شنیده نشود و از دلی که فروتنی نکند و از عملی که نفع نرساند و از

بطن لا یشبع ومن عین لا تدمع واسالک الدرجات

شکمی که سیر نشود و از چشمی که اشک نریزد و سؤال میکنم از تو مرتبهای

العلی من الجنة امین اللهم انی اعوذ بک من

بلند از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از

غنی یطغینی ومن فقر یلهینی ومن عمل یخزینی

توانگری که بطغیان اندازد مرا و از بی چیزی که غافل کند مرا و از عملی که دلگیر کند مرا

ومن هوی یردینی ومن قلب یعصینی واسالک الدرجات

و از خواهشی که هلاک کند مرا و از دلی که نافرمانی کند مرا و سؤال میکنم از تو مرتبهای

العلی من الجنة امین اللهم انی اسالک فما

مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو دهانی

صائما وظهرا قائما وشکرا دائما وفؤادا عالما

روزه دارنده و پشت ایستاده و شکر دائمی و دل دانائی

وعیشا سالما واسالک الدرجات العلی من الجنة

و زندگانی با سلامتی و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از بهشت را

امین اللهم اغننی بالحلال عن الحرام وبالصحة

خداوندا مستجاب کن خداوندا بی نیاز گردان مرا بحلال از حرام و بصحت

عن السقام وبالبر عن الاثام وبالیقین عن الاوهام

از بیماری و بنیکوکاری از گناهان و بیقین داشتن از شک داشتنها

وبالنور عن الظلام واسالک الدرجات العلی

و بروشنی از تاریکی و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند

من الجنة امین اللهم انت ذو العز والکبریاء

از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا توئی صاحب عزت و بزرگواری

فاطر الارض والسماء سابغ النعماء عظیم الالاء

توئی آفریننده زمین و آسمان توئی که کامل کننده نعمتها توئی توئی که عظیم احسانهای توئی

واسالک الدرجات العلی من الجنة امین اللهم

و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند را از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا

لا تخیب رجائی ولا تجهد بلائی ولا تسیء قضائی

نومید مکن امیدواری مرا و دشوار مگردان بلای مرا و بد مگردان تقدیر مرا

ولا تشمت بی اعدائی واسالک الدرجات العلی

و شماتت مفرمای بمن دشمنان مرا و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند

مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ صَلٰوةً بِالْاَسْحَارِ

از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو نماز گذاردن را در سحرها

وَصِیَامًا بِالنَّهَارِ وَمُجَانَبَةَ الْاَشْرَارِ وَعَمَلًا تُدْخِلُ بِهٖ

و روزه داشتن را در روز و دوری کردن از بدان را و عملی را که داخل کنی مرا با

اَلْجَنَّةَ وَتُبْعِدُ مِنَ النَّارِ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی

در بهشت و دور گردانی مرا از آتش و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند

مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَسْتَخْرِجْ حَقِّیْ وَوَسِّعْ رِزْقِیْ

از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا ظاهر گردان حق و مال مرا و وسیع گردان روزی مرا

وَصَحِّحْ خَلْقِیْ وَحَسِّنْ خُلُقِیْ وَصَحِّحْ نُطْقِیْ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ

و صحیح گردان بدن مرا و نیکو گردان خلق مرا و صحیح گردان گفتار مرا و سؤال میکنم از تو مرتبهای

الْعُلٰی مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِکْرِیْ وَاشْرَحْ

بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بلند گردان ذکر مرا و بشکاف

صَدْرِیْ وَیَسِّرْ لِیْ اَمْرِیْ وَاحْطُطْ وِزْرِیْ وَوَسِّعْ

سینه مرا و آسان گردان برای من کار مرا و بر طرف کن گناه مرا و وسیع گردان

قَبْرِیْ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ

قبر مرا و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ خَیْرَ مَا عُمِلَ وَخَیْرَ مَا قِیْلَ وَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بهترین آنچه کرده شده و بهترین آنچه گفته شده و

خَیْرَ مَا حُمِلَ وَخَیْرَ مَا نُقِلَ وَخَیْرَ مَا سُئِلَ وَاَسْاَلُكَ

بهترین آنچه برداشته شده و بهترین آنچه نقل شده و بهترین آنچه سؤال کرده شده و سؤال میکنم از تو

الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ

مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

خَیْرَ الْمَسْئَلَةِ وَالدُّعَآءِ وَخَیْرَ الْقَدَرِ وَالْقَضَآءِ

بهترین سؤال کردن و دعا کردن را و خیر تقدیر و حکم تو را

وَخَیْرَ الْاٰخِرَةِ وَالدُّنْیَا وَخَیْرَ الْمَمَاتِ وَالْمَحْیَا وَخَیْرَ

و خیر آخرت و دنیا را و خیر مردن و زیستن را و خیر

الْمُسْتَقَرِّ وَالْمَاْوٰی وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی مِنَ

جای قرار و آرامگاه را و سؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از

الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَ

بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از شرک و دو رنگی و

النِّفَاقِ وَالشَّكِّ وَالشِّقَاقِ وَمَسَاوِی الْاَخْلَاقِ وَ

نفاق و شک و شقاق و خلقهای بد و

مَضَآئِقِ الْاَرْزَاقِ وَالنَّارِ یَوْمَ التَّلَاقِ وَاَسْاَلُكَ

روزیهای تنگ و از آتش در روز تلاق و سؤال میکنم از تو

الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ

مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

صدقاً وصبراً وتواضعاً وذكراً وصلوةً وشكراً
راستی وصبری و فروتنی و ذکری و نمازی و شکر گذاری
وعافيةً وعمراً وجاهاً وقدراً واسألك الدرجات
و عافیتی و عمری و منزلتی و قدری را و سؤال میکنم از تو مرتبهای
العلى من الجنة آمين اللهم اني اسألك الجد
بلند از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو سعی کردن
الاجتهاد وورع الاقتصاد وحسن الاستعداد
در اهتمام داشتن در کارها و پرهیزکاری در میانه روی را و خوبی مهیا شدن را
والاخذ بالسداد وترك الفساد واسألك الدرجات
و فرا گرفتن براستی و درستی را و ترک کردن فساد را و سؤال میکنم از تو مرتبهای
العلى من الجنة آمين از جمله دعاهای
بلند از بهشت خداوندا مستجاب کن که از حضرات ائمه معصومین
عليهم السلام روايت شده است و بجهت طلب
رزق و توسعهٔ معاش خوانده میشود اینست
اللهم اني اسألك من فضلك الواسع الفاضل
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از فضل تو که با وسعت خوب
المفضل رزقاً واسعاً حلالاً طيباً بلاغاً للآخرة
احسان کننده است روزی وسیع حلال پاکیزه را که فائده کنائی باشد از برای آخرت

دعا بجهت توسعهٔ رزق

والدنيا هنيئاً مريئاً صباً صباً من غير من من احد الا
و دنیا و گوارا بی کدارا باشد که فرو ریزنده فرو ریزنده باشد از غیر منتی از کسی مگر
سعة من فضلك وطيباً من رزقك وحلالاً من واسعك
توسعه از فضل تو و پاکیزه از رزق تو و حلالی از روزی وسیع تو
تغنيني به من فضلك اسئل من عطيتك اسأل و
که بی نیاز کردانی مرا بآن از فضل تو سؤال میکنم و از عطای تو سؤال میکنم و
من يدك الملأى اسئل ومن خيرك اسأل يا
از دست تو که پر است سؤال میکنم و از خیر تو سؤال میکنم ای
من بيده الخير وهو على كل شيء قدير مرویست که حضرت
آنکسی که در دست او ست خیر و او بر همه چیز بغایت توانا است امام جعفر صادق
عليه الصلوة والسلام فرموده اند که حزنها و اندوهها بیمارئ
دلهاست همچنانکه آزارها و المها بیماری بدنهاست پس هر که برسد باو حزن و اندوه
یا بلائی پس بگوید اللهم اني اسئلك يا مفجر الانهار و
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای شکافندهٔ نهرها و
مطعم الثمار ويا من سبح له ظلمة الليل وضوء
اطعام کننده میوهها وای کسی که تسبیح کرده برای او تاریکی شب و روشنائی
النهار وما على ظهر الارض وما في قعر البحار افتح
روز و آنچه بر روی زمین است و آنچه در قعر دریاهاست بگشای

دعا بجهت رفع اندوه و بلا

لنا فی هذه الساعة الباب و سهل لنا صالح الاسباب
برای ما در این ساعت در را و آسان گردان برای ما وسیلهای خوب را
و یسر لنا التوبة یا تواب و صل علی محمد و آله
و میسر کن برای ما توبه را ای بسیار قبول توبه کننده و رحمت فرست بر محمد و آل او
یا سمیع یا وهاب مرویست که حضرت رسول خدا صلی الله
ای شنوا ای بسیار بخشنده علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه
الصلوة و السلام خطاب نمود و فرمود که یا علی هرگاه
چیزی ترا بهول اندازد و از آن چیز خوف نمائی پس بگو
اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد و اسئلک
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا
بالکلمات التی تلقاها آدم من ربه پس حضرت
بکلماتی که دانسته آنها را آدم از پروردگار خود امیر المؤمنین
علیه الصلوة و السلام از آنحضرت سؤال نمود و فرمود که یا رسول
الله کدام است آن کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگار
خود آموخت و خواند و توبه او قبول شد پس حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی بدرستی که حق تعالی
فرود آورد آدم را بزمین هند و حوا را بزمین جده و مار را
بزمین اصفهان و ابلیس لعین را بزمین ملتان و در بهشت صورت

توبه در لغت بمعنی رجوع و بازگشت است و هرگاه صفت بنده باشد بمعنی بازگشتن است از معصیت بطاعت و هرگاه صفت حق تعالی باشد بمعنی بازگشتن حق تعالی است بقبول توبه بنده و میتواند بود که بمعنی بازگشتن حق تعالی باشد از عذاب کردن بنده برحمت و مهربانی نمودن برو ... از ظلمات کلمات که بعد از توبه کردن مینمود

هیچ حیوانی نیکوتر از صورت مار و طاوس نبود و مار را چهار
دست و پا بود مانند چهار دست و پای شتر و ابلیس بجوف مار
رفت و داخل بهشت گردید و آدم را فریب داد پس حق تعالی
مار را غضب کرد و چهار دست و پای او بیفتاد و با او فرمود که
گردانیدم روزی ترا از خاک و ترا چنین کردم که بر شکم خود
راه روی پس حق تعالی طاوس را غضب کرد و از اورا و
پاهای اورا از او گرفت بجهت آنکه را هنمائی کرده بود ابلیس را بر
درختی که [illegible] تعالی نهی از خوردن آن نموده بود و آدم در زمین
هند صد [illegible] گریه نمود و سر خود را در آن مدت بجانب آسمان
بلند نکرد و پیوسته دست خود را بر سر خود گذارده بود و بر خطیه
و گناه خود میگریست و با حزن و اندوه نشسته بود تا آنکه حق تعالی
جبرئیل علیه السلام را بجانب او فرستاد پس جبرئیل آمد و گفت ای
آدم بدرستی که پروردگار تو سلام میرساند بتو و میفرماید که ای
آدم آیا من خلق نکردم ترا بدست خود و ندمیدم در تو روح
خود را و برای تو سجده نفرمودم فرشتگان خود را و ساکن نکردم
ترا در بهشت خودم پس این گریه برای چیست حضرت آدم جواب
داد که ای جبرئیل چرا نگریم و حال آنکه اخراج کرده شدم
از جوار و همسایگی پروردگار خودم پس جبرئیل گفت که این

دخم نکند بر کسی که بر تو
رحم کند و حق تعالی [illegible]

کلماتی که حضرت آدم علیه السلام خواند و توبهٔ او قبول شد

کلماترا بخوان پس بدرستی که حق تعالی توبهٔ تورا قبول میکند
پس حضرت آدم این کلمات را خواند و کلمات اینست
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوْٓءًا وَظَلَمْتُ
تسبیح میکنم تورا نیست خدائی مگر تو کرده ام بدیرا و ستم کرده ام
نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاَنْتَ خَیْرُ الْغَافِرِیْنَ
برنفس خود پس بیامرز مرا و رحم کن مرا و تو بهترین آمرزندگانی
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوْٓءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِی
تسبیح میکنم تورا نیست خدائی مگر تو کرده ام بدیرا و ستم کرده ام برنفس خود
فَارْحَمْنِی وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ روایت شده است
پس رحم کن مرا و تو بهترین آمرزندگانی که حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة و السلام فرمود که جماعتی در مکهٔ معظمه روزی
نشسته بودند که مردی آمد و با ایشان گفت که آیا ضیافت یک شب
نزد شما هست یعنی آیا مرا یکشب ضیافت میکنید پس همگی ساکت
شدند پس آن مرد این سخن را بار دیگر گفت باز ایشان ساکت
شدند پس آن مرد مرتبهٔ سیم این سخن را گفت پس مردی که از هر
دو چشم نابینا بود از میان ایشان برخواست و گفت که نزد من
ضیافت یکشب هست و ضیافت یکشب دیگر نیز هست پس آن مرد
گفت که ضیافت یکشب مرا کافیست پس دست نابینا را گرفت و

دعا و حکایت عجیبه

رفت تا بخانهٔ او رسید پس نابینا بجهت او طعامی مهیّا نمود و
آن مرد از آن طعام تناول کرد پس رخت خواب افکند و آب وضو
بجهت او مهیّا نمود و نزدیک او گذارد و نابینا بجای خود رفت
و بعد از آنکه ساعتی از شب بگذشت مهمان برخواست و وضوی
کامل بساخت و بگذاردن نماز مشغول گردید و نماز بسیار
گذارد و بعد از نماز بنشست و در حال نشستن این دعا را خواند
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَةِ
خداوندا ای پروردگار روحهای برطرف شده و ای پروردگار بدنهای کهنه گشته
اَسْاَلُكَ بِطَاعَةِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ اِلٰی اَجْسَادِهَا
سؤال میکنم تورا بحق فرمانبرداری روحهای رجوع کننده بسوی بدنهای خود
وَبِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ اِلٰی عُرُوْقِهَا وَبِطَاعَةِ
و بحق فرمانبرداری بدنهای جمع گردانیده شده بسوی اصلهای خود و بحق فرمانبرداری
الْقُبُوْرِ الْمُنْشَقَّةِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ
قبرهای شکافته شده از اهل آنها و بحق دعوت صادق تو
فِیْهِمْ وَاَخْذِكَ الْحَقَّ بَیْنَهُمْ وَتَبَدُّدِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ
در ایشان و گرفتن و قرار دادن حق را در میان ایشان و بحق پرا کنده شدن خلق همهٔ ایشان
مِنْ مَخَافَتِكَ وَشِدَّةِ سُلْطَانِكَ یَنْتَظِرُوْنَ قَضَآءَكَ
از ترس تو و سختی سلطنت تو در آنکه انتظار میکشند حکم تورا

وَيَخافُونَ عَذابَكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ
ومیترسند از عذاب تو وامید دارند رحمت تورا اینکه بگردانی نور را
فِي بَصَرِي وَالإخْلاصَ فِي عَمَلِي وَالشُّكْرَ فِي قَلْبِي
در دیده من واخلاص را در عمل من و شکر را در دل من
وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلى لِسانِي اَبَداً ما
و ذکر تورا در شب و روز بر زبان من همیشه مادام
اَبْقَيْتَنِي پس نابینا این دعا را شنید وحفظ نمود ومهمان
کرنا فی بذا رعها برخت خواب خود باز گردید پس نابینا برخواست
وضوی کامل ساخت ورو بقبله نمود ونماز بسیار کذارد
وبعد از نماز بنشست ودر حال نشستن این دعا را خواند وچون
بفقرهٔ اجعل النور فی بصری والاخلاص فی عملی
برسید چشمهای او باذن حق تعالی بینا گردید دعائی که در
وقت خوردن تربت مبارکه قبر مطهر حضرت امام حسین
علیه الصلوة والسلام باید خواند این است
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَها وَبِحَقِّ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا بحق آن فرشته که فرا گرفته است این تربت را وبحق
النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَها وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ
آن پیغمبری که پنهان وضبط کرده است این تربت را وبحق آن وصی وامامی که فرود آمده است

دعا در وقت خوردن تربت مبارکه

فِيها اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَها شِفاءً
در این تربت اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی این تربت را شفا دهنده
مِنْ كُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ
از هر دردی وایمن کننده از هر خوفی وحفظ کننده از
كُلِّ سُوءٍ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
هر بدی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در شان حضرت امام حسین
علیه السلام فرموده است که امامان از اولاد او پیند وشفا
در تربت اوست ودعا در زیر قبه او مستجاب است حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرموده است که هر که چیزی از او گم شود
سوره والضحی را چهار مرتبه بخواند وهر گاه چنین کند البته
آنرا می یابد هر چند که در زیر هفت طبقه زمین باشد وسزاوار
است که در وقت خواندن والضحی با وضو باشد ودر محراب عبادت
نشسته باشد دعائی که در وقت داخل شدن بمجلس پادشاه خوانده میشود اینست
اَللّٰهُ اَكْبَرُ مِنْكَ اللّٰهُ اَجَلُّ مِنْكَ اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ
خدا بزرگتر است از تو خدا بزرگوارتر است از تو اگر خواهیم نا میفرستیم
عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ اَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ
بر کافران از آسمان علامت وعذاب را پس میگردد گردنهای ایشان برای آن علامت فروتن شوندگان

برای پیدا کردن چیز گم شده

دعائی که در وقت داخل شدن به بارگاه پادشاه خوانده میشود

وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا وَقَالَ

وپست شده است آوازها برای رحمن پس نمیشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته وگفت

الْمَلِكُ ائْتُوْنِيْ بِهٖ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِيْ فَلَمَّا كَلَّمَهٗ قَالَ

پادشاه مصر که بیاورید برای من یوسف را تا خالص گردانم او را برای نفس خود پس چون سخن گفت با او گفت عزیز مصر

اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِيْنٌ اَمِيْنٌ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ

که بدرستی که تو امروز نزد ما مقرب و امانت داری ایشان جماعتی اند که مهر کرده است خدا

عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْغَافِلُوْنَ

بر دلهای ایشان و گوش ایشان و چشم ایشان و این جماعت ایشانند غافلان

وَجَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوْهُ وَفِيْ اٰذَانِهِمْ

وگردانیدیم ما بر دلهای ایشان پوششها از برای اینکه بفهمند قرآن را و در گوشهای ایشان

وَقْرًا وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَهْتَدُوْا اِذًا اَبَدًا

سنگینی را و اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت پس هدایت نمییابند در این صورت هرگز

حرز دیگر بجهت حفظ از ضرر پادشاه

تَعَزَّزْتُ بِالْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَتَحَصَّنْتُ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ

عزیز شدم بزنده بخود برپا و پناه آوردم باین کلمه که نیست خدائی مگر الله که بلند مرتبه

الْعَظِيْمُ بعد از ان میشماری بانگشتان دست راست خود کهیعص

و بانگشتان دست چپ حمعسق را و هرگاه چنین کنی از پادشاه بزرگ مرتبه است

بتو ضرری نمیرسد دعای دیگر بجهت حفظ از ضرر پادشاه

اَللّٰهُمَّ رَبَّ جَبْرَئِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ وَاِلٰهَ اِبْرَاهِيْمَ

خداوندا ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم

وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالْفُرْقَانِ

و اسحق و یعقوب و نازل کننده توریة و انجیل و قرآن

اِكْفِنِيْ شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ

کفایت کن از من شر فلان پسر فلان را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بخیر تو

مِنْ خَيْرِهٖ وَاَعُوْذُ بِعِزَّتِكَ مِنْ شَرِّهٖ وهرکسی که اراده

از خیر او و پناه میبرم بعزت تو از شر او کند داخل شدن

بر پادشاهی یا بر صاحب سطوت و شوکتی را که از او و از سطوت

او بترسد یا بترسد از بدگوئی صاحب شرارتی که در پیش روی

او باشد پس سزاوار است که چون برو داخل شود یا در پیش روی او

باید بگوید که اَللّٰهُمَّ اكْفِنِيْهِ بِمَا شِئْتَ بِالْعَافِيَةِ و هرگاه

خداوندا کفایت کن از من شر او را بآنچه خواهی بعافیت

این را بگوید پس اگر پادشاه آتش سوزان باشد که فرو می نشیند و

باو ضرر نمیرساند نقل کرده اند که چون هرون الرشید حضرت امام

موسی کاظم علیه السلام را حبس نمود و شب در رسید آنحضرت خوف

نمود که هرون الرشید ملعون او را بقتل رساند پس آنحضرت وضو

تازه کرد و رو بقبله نمود و چهار رکعت نماز گذارد و بعد از ان این دعا را خواند

سَیّدی بَحَقّی مِن حَبسِ فُلانٍ وَخَلِّصنی مِن یَدَیهِ یا مُخَلِّصَ

ای آقای من نجات ده مرا از حبس فلان و خلاص گردان مرا از دستهای او ای خلاص کننده

الشَّجَرِ مِن بَینِ رَملٍ وَطینٍ وَماءٍ وَیا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِن

درخت از میان ریگ روان و گل و آب وای خلاص کننده شیر از

بَینِ فَرثٍ وَدَمٍ وَیا مُخَلِّصَ الوَلَدِ مِن بَینِ مَشیمَةٍ وَرَحِمٍ

میان سرگین و خون وای خلاص کننده فرزند از میان بچه‌دان و رحم

وَیا مُخَلِّصَ النّارِ مِن بَینِ الحَدیدِ وَالحَجَرِ وَیا مُخَلِّصَ الرُّوحِ

وای خلاص کننده آتش از میان آهن و سنگ وای خلاص کننده روح

مِن بَینِ الاَحشاءِ وَالاَمعاءِ خَلِّصنی مِن یَدِ فُلانِ بنِ

از میان اعضای اندرونی و رودها خلاص گردان مرا از دست فلان پسر

فُلانٍ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجمَعینَ حضرت امام زین العابدین

فلان بحق محمد و آل او همگی علیه الصلوة والسلم

روزی داخل شد بر ابن مروان که از خلفاء بنی امیه بود و فرمود

که حاکمی که تو در مدینه طیبه تعیین نموده آزار میرساند بمن پس

ابن مروان ملعون گفت که دیر نیست که بپدر تو و جد تو آزار میرسانند

پس آنحضرت فرمود که بلی اینست جزای کسی که شکوه مخلوقی را بسوی

مخلوقی برد و آنحضرت بمسجد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

باز گردید و در ما بین قبر و منبر دو رکعت نماز گذارد و در رکعت

حضرت بجای فلان نام فرعون زمان ... ذکر نموده است و در مکان دیگری از ان
دعا را بعد از الذی بجای فلان نام آن
شخص را بگوید که از او خوف دارد

بجای فلان بن فلان نام آن شخص
و اگر از دو شخص خوف دارد و نام پدر او را
نداند بگوید

اول سوره حمد و سوره انا انزلناه را یکمرتبه و در رکعت دویم سوره حمد را

یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را ده مرتبه خواند و سلام نماز داد

و بسجده رفت و در حال سجود این دعا را خواند که

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ یا مَن یَملِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای آنکسی که مالک است حاجتهای سؤال کنندگان را

وَیَعلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ وَیُجیبُ دَعوَةَ المُضطَرّینَ

و میداند آنچه را که در دل خاموشان است و اجابت میکند دعای مضطران را

فَاِنَّ لِکُلِّ مَسئَلَةٍ مِنکَ سَمعاً حاضِراً وَلِکُلِّ صامِتٍ

پس بدرستی که برای هر سؤالی از تو هست شنیدن حاضر و برای هر خاموشی

مِنکَ عِلماً مُحیطاً اَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

از تو هست علمی احاطه کننده سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَاَن تَکفِیَنی کَیفَ شِئتَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

و اینکه کفایت کنی مرا بهر نحو که خواهی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و چون از نماز فارغ گردید بغلام خود فرمود که ای غلام نظر

کن و متوجه باش که چه چیز می بینی پس آنحضرت نماز و دعاء مذکور

را نوبت دویم و نوبت سیم نیز بجای آورد و چون فارغ گردید حاکم

مدینه بخدمت آنحضرت آمد و سر مبارک آنحضرت را بوسید

و گفت ای فرزند رسول خدا امان میخواهم از تو از تقصیر من در گذر

تا حق تعالی از تو درگذرد پس آنحضرت از جای نماز خود برخاست
و بحاکم مدینه خطاب نمود و فرمود که چه باعث شد که تو آمدی
حاکم جواب گفت که من در میان خواب و بیداری حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود که باز ایست از آزار
دادن فرزند من و اگر باز نایستی شکوه تو را بپروردگار تعالی
شانه خواهم نمود پس بیدار شدم و بخدمت تو آمدم ای فرزند رسول
خدا صلی الله علیه و آله پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام
از تقصیرات حاکم درگذشت و فرمود که یا رب ما خاب من رجاک
و ما خسر من دعاک یعنی ای پروردگار من نومید نشد هر که
امیدوار شد بتو و زیان نکرد هر که ترا خواند و مطلب خود را از
تو مسئلت نمود روایت کرده است ابو احمد بن عبد السلام بن
حسین شجری کاتب که معروفست بقطان مقری و گفته است که احمد
بن عبد الرحمن بن حسن بن طاهر علوی حسینی را که حاکم مدینه
طیبه بود دیدم که تضرع و زاری و دعاء بسیار میکرد بعد از آن
بسفر رفتم و مدتی مدید او را ندیدم و چون باز گشتم او را دیدم
که تضرع و دعا را قدری کم کرده است پس سبب کم کردن دعا و
تضرع را از او پرسیدم جواب گفت که شبی در مسجد مدینه طیبه
در روضه یعنی ما بین قبر مطهر حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه

علیه و آله و منبر مبارک آنحضرت بودم و دو رکعت نافله صبح را
گذارده و فریضه صبح را هنوز نگذارده بودم که خواب بر من غلبه
نمود و عادت من آن بود که هر شب در آن وقت دعا و تضرع بسیار
مینمودم پس حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها را در خواب
دیدم که میفرمود ای فرزند من ای پسر عبد الرحمن بسیاری تضرع
و زاری تو دل مرا مجروح کرده است پس بآنحضرت عرض کردم که ما را
شما بتضرع و زاری امر فرموده اید پس آنحضرت فرمود که راست گفتی ولیکن تو
کجائی از دعاء جامع و چرا آن دعا را نمیخوانی پس گفتم ای سیده من دعا کدام است جامع
فرمود که بگو اللهم قنعنی بما رزقتنی واسترنی و عافنی
خداوندا قانع گردان مرا بآنچه روزی کرده بمن و بپوشان مرا و عافیت ده مرا
ابدا ما ابقیتنی واغفر لی وارحمنی اذا توفیتنی
همیشه مادام که باقی گذاری مرا و بیامرز مرا و رحم کن مرا هرگاه بمیرانی مرا
اللهم لا تتعبنی فی طلب ما لم تقدره لی وما
خداوندا بتعب میانداز مرا در طلب کردن آنچه تقدیر نکرده آنرا برای من و آنچه را
قدرت لی فاجعله سهلا یسیرا اللهم کاف
که مقدر کرده برای من پس بگردان آنرا آسان میسر خداوندا جزا ده
عنی والدی و کل ذی نعمة علی اللهم فرغنی
از من پدر و مادر مرا و هر صاحب نعمتی را بر من خداوندا فارغ گردان مرا

وسلامه

دعای مشهور بدعای جامع

لِمَا خَلَقْتَنِی لَهُ وَلَا تَشْغَلْنِی بِمَا تَكَفَّلْتَ لِی بِهِ
برای آنچه خلق کرده مرا برای آن و مشغول مکردان مرا بآنچه متکفل شده برای من بآن
وَلَا تُعَذِّبْنِی وَاَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَلَا تَحْرِمْنِی وَاَنَا
و عذاب مکن مرا و حال آنکه من طلب آمرزش میکنم از تو و محروم مکردان مرا و حال آنکه من
اَسْاَلُكَ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِی لِی فِی نَفْسِی وَعَظِّمْ
سؤال میکنم ترا خداوندا ذلیل کردان نفس مرا برای من در پیش خودم و عظیم کردان
شَاْنَكَ فِی قَلْبِی وَاَلْهِمْنِی طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا
مرتبه خود را در دل من و الهام کن بمن طاعت تو و عمل کردن بآنچه
یُرْضِیكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا یُسْخِطُكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ دعائی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواندند
خوشنود میکرداند ترا و دور کردن را بر آنچه بخشم می آورد ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِی مِنَ
خداوندا پاک کردان دل مرا از نفاق و عمل مرا از
الرِّیَاءِ وَلِسَانِی مِنَ الْكَذِبِ وَعَیْنِی مِنَ الْخِیَانَةِ
ریاء و زبان مرا از دروغ و چشم مرا از خیانت
اِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ
بدرستی که تو میدانی خیانت چشمها را و آنچه را که پنهان میکنند سینها
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی
تسبیح میکنم خدا را و ستایش مر خدا راست که بزرگ و حال آنکه مشغولم بحمد او خداوندا بیامرز مرا

ذُنُوبِی وَوَسِّعْ عَلَیَّ رِزْقِی وَاَحْسِنْ خُلُقِی وَطَیِّبْ
گناهان مرا و توسعه ده بر من روزی مرا و نیکو کردان خلق مرا و مرغوب کردان
اِلَیَّ كَسْبِی وَاَقْنِعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَلَا تُذْهِبْ نَفْسِی
بسوی من کسب مرا و قانع کردان مرا بآنچه روزی کرده بمن و مایل مکردان نفس مرا
اِلَی شَیْءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّی وَلَا تُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا حَتّٰی
بسوی چیزی که باز کردانیده از من و بیرون مبر مرا از دنیا تا وقتی
تَرْضٰی عَنِّی اِلٰهِی سَجَدَ لَكَ سَوَادِی وَجَنَانِی وَآمَنَ
راضی شوی از من ای خدای من سجده کرده است برای تو بدن من و دل من و ایمان آورده است
بِكَ فُؤَادِی وَهٰذِهِ یَدِی الَّتِی جَنَیْتُ بِهَا عَلٰی نَفْسِی
بتو دل من و اینست دست من که جنایت کرده ام بآن بر نفس خود
یَا عَظِیمًا یُرْجٰی لِكُلِّ عَظِیمٍ فَاغْفِرِ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ
ای بزرگی که امید داشته میشود برای هر امر بزرگی پس بیامرز گناه بزرگ را
اِلَّا الْعَظِیمُ وَاَنْتَ الرَّبُّ الْكَرِیمُ دعائی که حضرت صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه
مگر بزرگ و توئی پروردگار صاحب کرم
آنرا تعلیم نموده است در خواب بابی الحسن محمد بن احمد بن ابی اللیث رحمه الله
تعالی در شهر بغداد در مقابر قریش و ابی الحسن مذکور از ترس کشته شدن بمقابر
قریش گریخته و پناه برده بوده است پس ببرکت خواندن این دعا از کشته شدن
نجات یافته است و ابو الحسن مزبور گفته است که آنحضرت بمن تعلیم نمود که بگو

دعا بجهت دفع ضرر دشمن و خلاصی از کشته شدن

اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انقطع الرجاء و
خداوندا عظیم شده است بلا و واضح شده است امر و بریده شده است امید و
انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء
برداشته شده است پرده و تنگی کرده است زمین و منع کرده است آسمان
و الیک یا رب المشتکی و علیک المعول فی الشدة
و بسوی تست ای پروردگار من شکایت و بر تست اعتماد در حال سختی
و الرخاء اللهم فصل علی محمد و آل محمد اولی الامر
و خوشی خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد صاحبان فرمان
الذین فرضت علینا طاعتهم فعرفتنا بذلک منزلتهم
که واجب کردهٔ بر ما فرمانبرداری ایشان را پس شناسانیدهٔ بما باین مرتبهٔ ایشان را
ففرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قریبا کلمح البصر
پس گشایش ده از ما بحق ایشان گشایش معجل نزدیکی مانند نظر کردن بچشم
او هو اقرب یا محمد یا علی اکفیانی فانکما
یا نزدیکتر از آن ای محمد ای علی کفایت کنید مرا پس بدرستی که شما
کافیای و انصرانی فانکما ناصرای یا
کفایت کنندگان منید و نصرت کنید مرا پس بدرستی که شما نصرت کنندگان منید ای
مولای یا صاحب الزمان الغوث الغوث ادرکنی
آقای من ای صاحب الزمان فریادرس مرا فریادرس مرا دریاب مرا

ادرکنی ادرکنی و راوی گفته است که در وقت گفتن یا
دریاب مرا دریاب مرا صاحب الزمان حضرت اشاره بسینهٔ
مبارک خود نمود دعائیست که فضل و امتیاز آن بسیار است
یا شفیق یا رفیق یا جاری اللصیق یا رکنی الوثیق
ای مهربان ای رفیق ای همسایهٔ چسپیده بمن ای جانب محکم من
یا مولای بالتحقیق صل علی محمد و آل محمد و فرج
ای آقای من براستی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشای
عنی المضیق و لا تحملنی ما لا اطیق انک الهی الحق
از من تنگی را و بار مکن بر من آنچه را که طاقت ندارم بدرستی که تو خدای منی که حقی
المبین یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا جلیس کل
و هویدائی ای خلاص کنندهٔ غرق شدگان ای نجات دهندهٔ هلاک شدگان ای همنشین هر
غریب و انیس کل وحید فرج عنی الساعة فلا
غریبی و مونس هر تنهائی گشایش ده از من در این ساعت پس نیست
صبر لی علی حلمک یا لا اله الا انت لیس کمثلک
صبری برای من بر حلم تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو نیست مثل مانند تو
شیء و انت علی کل شیء قدیر دعائیست مستجاب
چیزی و تو بر هر چیزی بغایت توانا و بجهت برآمدن حاجات
و دفع حوادث و بلیات مجربست هر گاه امری روی نماید یا حزنی و

ظاهر آنست که مراد حضرت از این اشاره این باشد که در وقت گفتن یا صاحب الزمان مرا قصد باید نمود

دعای مجرب بجهت برآمدن حاجات و دفع بلیات

اندوه آورد پس غسل کن و وضو بساز و دو رکعت نماز بگذار و بر
حضرت پیغمبر و اهل بیتش و صلوات الله علیهم صلوات بفرست و این دعا را بخوان
أَيْنَ فَارُوقُ الْعِلْمِ أَيْنَ إِلٰهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَيْنَ مُغْرِقُ
کجاست جدا کننده علم کجاست خدای بنی اسرائیل کجاست غرق کننده
فِرْعَوْنَ وَجُنُودِهِ أَيْنَ مَنْ إِذَا دُعِيَ أَجَابَ أَيْنَ مَنْ إِذَا
فرعون و لشکرهای او کجاست کسی که هرگاه خوانده شود اجابت کند کجاست کسی که هرگاه
ابْتُغِيَ وُجِدَ أَيْنَ الَّذِي كَانَ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ أَيْنَ
طلب کرده شود یافته شود کجاست آنکسی که بود و حال آنکه نبود چیزی کجاست
الَّذِي يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ أَيْنَ مَنْ لَا يُخْلِفُ أَيْنَ
آنکسی که باقی بماند و فانی میشود هر چیزی کجاست کسی که خلف نمیکند کجاست
مَنْ زَجَرَ الْبَحْرَ بِصَوْتِهِ أَيْنَ مَنْ أَرْسَى الْجِبَالَ بِقُدْرَتِهِ
کسی که برشده است دریا بصدای او کجاست کسی که ثابت کردانیده است کوهها را بقدرتش
أَيْنَ الرَّحْمٰنُ الْقَرِيبُ أَيْنَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ أَيْنَ الْكَاشِفُ
کجاست بخشاینده نزدیک کجاست اجابت کننده دعاها کجاست برطرف کننده
الْكُرُبَاتِ أَيْنَ مُفَرِّجُ الْهُمُومِ أَيْنَ رَبُّ الْأَرْبَابِ
اندوهها کجاست گشاینده غمها کجاست پروردگار پروردگارها
أَيْنَ سَيِّدُ السَّادَاتِ أَيْنَ خَالِقُ الْخَلَائِقِ أَيْنَ عَظِيمُ الرَّجَاءِ
کجاست بزرگ بزرگان کجاست آفریننده مخلوقات کجاست کسی که عظیم است امید باو

أَنْتَ هُوَ أَنْتَ هُوَ أَنْتَ هُوَ بعد از آن سجده شکر بکن و در حال سجده بگو
تو آنی تو آنی تو آنی يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
تا نفس منقطع شود بعد از آن ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
حاجت را سؤال کن پس بدرستی که بر آورده میشود ان شاء الله تعالی
دعائی که منسوبست بحضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیهما الصلوة و السلام
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ
خداوندا بدرستی که من روی می آورم بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر رحمت که محمد است
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ
و با آل او که پاکانند که برگزیده ایشان را بر همه عالمیان و
جَعَلْتَهُمْ أَمَامِي وَأَمَامَ طَلِبَتِي وَبِهِمْ أَسْتَتِرُ مِنْ
کردانیده ایشان را پیش روی من و پیش روی مطلبهای من و با ایشان پنهان میشوم از
شَرِّ أَعْدَائِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ اَللّٰهُمَّ بِكَ
شر دشمنان خودم و از شر هر صاحب شری خداوندا بتو
أُسَاوِرُ وَبِكَ أُحَاوِلُ وَبِكَ أَصُولُ وَبِكَ أَنْتَصِرُ أَسْلَمْتُ
غلبه میکنم و بتو قصد میکنم و بتو حمله میکنم و بتو انتقام میکشم و اگذاشتم
نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي
نفس خود را بسوی تو و متوجه ساختم روی خود را بسوی تو و تفویض نموده ام کار خود را
إِلَيْكَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ رُدَّ كَيْدَ أَعْدَائِي
بسوی تو نیست گردشی و نه توانائی مگر بتو خداوندا رد کن حیله دشمنان مرا

فی نحورهم بحقهم وبحقک العظیم اللهم فذلل

در گوی کردنها ایشان بحق ایشان و بحق تو که عظیم است خداوندا پس آسان و هموار کردان

لی صعوبتها وحزونتها واکفنی شرها فانک

برای من دشواری آنجماعت و ناهمواری آنجماعت را و کفایت کن از من شر آنجماعت پس بدرستیکه

الکافی المعافی الغالب القاهر **دعائیست مستجاب بجهت طلب رزق**

کفایت کننده عافیت دهنده غلبه کننده قهر نماینده

اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان

خداوندا اگر بوده باشد روزی من در آسمان پس فرو فرست آنرا و اگر بوده باشد

فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه و

در زمین پس بیرون آور آنرا و اگر بوده باشد دور پس نزدیک کن آنرا و

ان کان قریبا فیسره وان کان قلیلا فکثره

اگر بوده باشد نزدیک پس آسان کن آنرا و اگر بوده باشد کم پس بسیار کردان آنرا

وان کان کثیرا فبارک لی فیه وارسله علی

و اگر بوده باشد بسیار پس برکت ده برای من در آن و بفرست آنرا بر

ایدی خیار خلقک ولا تحوجنی الی شرار خلقک

دستهای بهترین خلق خود و محتاج مگردان مرا بسوی بدان از خلق خود

وان لم یکن فکونه بکینونیتک ووحدانیتک

و اگر موجود نباشد پس موجود کن آنرا بحق هستی خودت و یگانگی خودت

اللهم

مراد از ایشان در بحق ایشان حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین علیهم الصلوة والسلام است

دعا بجهت طلب رزق

اللهم انقله الی حیث اکون ولا تنقلنی الیه حیث

خداوندا نقل کن آنرا بسوی من هرجا که باشم و نقل مکن مرا بسوی آن در هرجا

یکون انک علی کل شیء قدیر **دعای دیگر بجهت طلب رزق**

که بوده باشد بدرستیکه تو بر همه چیز بغایت توانائی

یا قدیم الاحسان یا من احسانه فوق کل احسان

ای آنکسی که قدیم است احسان او ای آنکسی که احسان او بالای هر احسانی است

یا ملیکا یملک الدنیا والاخرة فبالعرش وما علا

ای صاحب ملکی که مالک است دنیا و آخرت را پس بحق عرش و آنچه بلند است

وبالکرسی وما حوی وباللوح وما وعی وبالقلم

و بحق کرسی و آنچه فرو گرفته است و بحق لوح و آنچه ضبط کرده است و بحق قلم

وما جری وبالبیت وما بنی وبالقران ومن تلا

و آنچه جاری شده است و بحق خانه و آنچه بنا کرده است و بحق قرآن و کسی که تلاوت کرده است

وابرهیم ومن اصطفی ومحمد صلی الله علیه واله

و بحق ابراهیم و کسیکه برگزیده است و بحق محمد صلی الله علیه و آله

ومن اجتبی اسالک ان تصلی علی محمد وال محمد وان

و کسیکه انتخاب کرده است سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تصرف عنی شدة ما انا فیه من جهة الرزق وترزقنی

بازداری از من سختی آنچه را که هستم من در آن از جهت روزی و روزی کنی مرا

دعای دیگر بجهت طلب رزق

مِنْ اَطْيَبِهَا وَاَوْسَعِهَا فَاِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ دعائیست منسوب بحضرت سید الساجدین زین العابدین صلوٰة الله وسلامه علیه

از پاکیزه ترین روزیها و وسیع ترین آنها پس بدرستیکه تو قادر صاحب اقتداری

اِلٰهِي كَيْفَ اَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَكَيْفَ لَا اَدْعُوكَ

ای خدای من چگونه بخوانم ترا و بتحقیق که عصیان کرده ام ترا و چگونه نخوانم ترا

وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَاِنْ كُنْتُ خَاطِئًا

و بتحقیق که شناخته ام ترا محبت تو در دل من است و اگر هستم خطا کننده

مَدَدْتُ اِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ

بلند کرده ام بسوی تو دستی را که بگناهان مملو است و چشمی را که بامید واری

مَمْدُودَةً اِلٰهِي اَنْتَ اِلٰهُ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَاَنَا اَسِيرُ

بلند شده است ای خدای من تو خدائی که بزرگ بزرگانی و من اسیر

الْاُسَرَاءِ مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي اِلٰهِي اِنْ طَالَبْتَنِي بِذَنْبِي

اسیرانم و هستم در گرو عمل خود ای خدای من اگر مطالبه کنی مرا بگناه من

فَلَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ طَالَبْتَنِي بِجُرْمِي فَلَاُطَالِبَنَّكَ

پس هر آینه مطالبه میکنم ترا بعفو تو و اگر مطالبه کنی مرا بمعصیت من پس هر آینه مطالبه میکنم

بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَمَرْتَنِي بِالنَّارِ فَلَاُخْبِرَنَّ اَهْلَهَا

بکرم تو و هر آینه اگر امر کنی مرا بآتش پس هر آینه خبر میدهم البته اهل آتش را

اَنِّي كُنْتُ اَقُولُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ اِلٰهِي

با اینکه من بودم که چنین میگفتم اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله ای خدای من

الطَّاعَةُ لَا تَسُرُّكَ وَالْمَعْصِيَةُ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي مَا لَا

طاعت خوشنود نمیکند ترا و معصیت ضرر نمیرساند ترا پس ببخش بمن آنچه

يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

خوشنود نمیکند ترا و بیامرز برای من آنچه را که ضرر نمیرساند بتو برحمت خود ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي خِزَانَةً لِلتَّوْحِيدِ

رحم کنندگان خداوندا بگردان دل مرا خزانه برای یگانه دانستن تو

وَلِسَانِي مِفْتَاحًا لِلتَّمْجِيدِ فَاِنِّي لَا اَعْتَزُّ اِلَّا بِالذُّلِّ

و زبان مرا کلیدی برای اظهار بزرگواری تو پس بدرستیکه من عزیز نمیشوم مگر با فروتنی کردن

لَكَ وَلَا اٰمَنُ اِلَّا بِالْخَوْفِ مِنْكَ دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام

برای تو و ایمن نمیشوم مگر بخوف داشتن از تو در مناجات با پروردگار جل شانه میخوانده

يَا مَنْ لَا تَسُرُّكَ طَاعَتُنَا وَلَا تَضُرُّكَ مَعْصِيَتُنَا هَبْ

ای آنکسی که خوشحال نمیکند ترا طاعت ما و ضرر نمیرساند بتو معصیت ما ببخش

لَنَا مَا لَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَضُرُّكَ يَا مَنْ

برای ما آنچه را که خوشحال نمیکند ترا و بیامرز برای ما آنچه را که ضرر نمیرساند بتو ای آنکسی که

اِذَا وَعَدَ وَفٰى وَاِذَا تَوَعَّدَ عَفَا اَغْنِنَا بِغِنَاكَ

هرگاه وعده کرد وفا نمود و هرگاه تهدید کرد عفو نمود غنی گردان ما را بغنای خود

عَمَّنْ سِوَاكَ وَارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا

از هر که غیر تست و روزی کن ما را از فضل تو که واسع است روزی حلال بی

مناجات حضرت امام زین العابدین علیه الصلوٰة والسلام

دعای حضرت سید الشهداء علیه الصلوة و السلام

وَلا تُحوِجنا اِلی اَحَدٍ مِن خَلقِکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِه از جملهٔ دعاهای حضرت امام

و محتاج مکردان مارا بسوی کسی از خلق خود بحق محمد و آل او حسین علیه الصلوة و السلام است

اِلهی اَنعَمتَ عَلَیَّ فَلَم تَجِدنی شاکِرًا وَ ابتَلَیتَنی

ای خدا من انعام کردی بر من پس نیافتی مرا شکر کننده و مبتلا ساختی مرا

فَلَم تَجِدنی صابِرًا فَلا اَنتَ اَدَمتَ البَلِیَّةَ بِتَرکِ

پس نیافتی مرا صبر کننده پس نه تو دایمی کردانیدی بلا را بترک کردن من

الصَّبرِ وَ لا اَنتَ سَلَبتَ النِّعمَةَ بِتَرکِ الشُّکرِ اِلهی

صبر را و نه تو سلب کردی از من نعمت را بترک کردن من شکر را ای خدای من

ما یَکُونُ مِنَ الکَریمِ اِلَّا الکَرَمُ وَ لا مِنَ الجافی

نمی باشد از صاحب کرم مگر کرم و نه از جفا کننده

اِلَّا الجَفاءُ دعائیست که از حضرت امیر المؤمنین علیه

مگر جفا کردن الصلوة و السلام روایت شده است

دعای حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام

اِلهی لَو سَاَلتَنی حَسَناتی لَوَهَبتُها لَکَ مَعَ فَقری اِلَیها

ای خدا من اگر سؤال کنی تو از من اعمال حسنهٔ مرا هر آینه میبخشم آنهارا برای تو با وجود احتیاج من بآنها

وَ اَنا عَبدٌ فَکَیفَ لا تَهَبُ لی سَیِّئاتی مَعَ غِناکَ

و حال آنکه من بنده ام پس چگونه نمی بخشی تو برای من گناهان مرا با وجود بی نیازی تو

عَنها وَ اَنتَ رَبٌّ دعای سجدهٔ شکر که از معصومین

از آنها و حال آنکه تو پروردگاری علیهم السلم منقول است

کیف

دعای سجدهٔ شکر

کَیفَ لا اَفرَحُ یا رَبِّ وَ اَنتَ لی رَبٌّ وَ کَیفَ لا اَفرَحُ

چگونه شادمان نباشم ای پروردگار من و حال آنکه تو هستی مر من پروردگار و چگونه شادمان نباشم

یا رَبِّ وَ اَنا لَکَ عَبدٌ اَللّهُمَّ فَکَما کُنتَ اَنتَ الدَّلیلَ

ای پروردگار من و حال آنکه من هستم برای تو بنده خداوندا پس چنانکه بودی تو دلالت کننده

عَلَیکَ فَکُن اَنتَ الشَّفیعَ اِلَیکَ یا عالِمًا بِالجُملَةِ

بر خودت پس باش تو شفاعت کننده من بسوی خودت ای دانا بهمه

غَنِیًّا عَنِ التَّفصیلِ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ دعائیست

بی نیاز از تفصیل دادن ای خدا ای خدا ای خدا که حضرت

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام در سجدهٔ شکر میخواندند

امیر المؤمنین علیه السلام از بسیار در سجدهٔ شکر میخواندند

اُناجیکَ یا سَیِّدی کَما یُناجِی العَبدُ الذَّلیلُ رَبَّهُ العَزیزَ وَ اَطلُبُ

مناجات میکنم با نوای ای آقای من چنانکه مناجات میکند بندهٔ ذلیل با پروردگار عزیز خود و طلب میکنم

اِلَیکَ طَلَبَ مَن یَعلَمُ اَنَّکَ تُعطی وَ لا یَنقُصُ مِمّا عِندَکَ شَیءٌ وَ

بسوی تو مثل طلب کردن کسی که میداند اینکه تو عطا میکنی و کم نمیشود از آنچه نزد تست چیزی و

اَستَغفِرُکَ استِغفارَ مَن یُؤمِنُ اَنَّهُ لا یَغفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنتَ وَ

طلب آمرزش میکنم از تو مانند طلب آمرزش کردن کسی که اعتقاد دارد اینکه نمی آمرزد گناهان را مگر تو و

اَتَوَکَّلُ عَلَیکَ تَوَکُّلَ مَن یَعلَمُ اَنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ

توکل میکنم بر تو مانند توکل کردن کسی که میداند اینکه تو بر هر چیز قادری

منقولست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را

وا در خواب دیدم که فرمود ای مقاتل ابن دعا را
بطلا بنویس پس گفتم یا رسول الله من طلا از کجا
آورده ام پس آن حضرت بمن داد ظرفی را که طلا دران
بود و فرمود که بنویس پس نوشتم این دعا را که
اِلٰهی کَیْفَ اَدْعُوكَ وَاَنَا اَنَا وَكَيْفَ اَقْطَعُ
ای خدای من چگونه بخوانم ترا و حال آنکه من منم و چگونه قطع کنم
رَجَآئِیْ عَنْكَ مِنْ فَضْلِكَ وَاَنْتَ اَنْتَ اِلٰهِی اِذَا لَمْ
امید خود را از تو از فضل تو و حال آنکه تو توئی ای خدای من هرگاه
اَسْاَلْكَ فَتُعْطِيَنِیْ فَمَنِ الَّذِیْ اَسْاَلُهُ فَيُعْطِيَنِیْ اِلٰهِی
سؤال نکنم ترا تا اینکه عطا کنی بمن پس کیست آنکسی که سؤال کنم او را تا اینکه عطا کند بمن ای خدای
اِذَا لَمْ اَتَضَرَّعْ اِلَيْكَ فَتَرْحَمَنِیْ فَمَنِ الَّذِیْ اَتَضَرَّعُ
هرگاه زاری نکنم بسوی تو تا اینکه رحم کنی مرا پس کیست آنکسی که زاری کنم
اِلَيْهِ فَيَرْحَمَنِیْ اِلٰهِی اِذَا لَمْ اَدْعُكَ فَتَسْتَجِيْبَ لِیْ فَمَنِ
بسوی او تا اینکه رحم کند مرا ای خدای من هرگاه نخوانم ترا تا اینکه مستجاب کردانی برای من پس کیست
الَّذِیْ اَدْعُوهُ فَيَسْتَجِيْبَ لِیْ اِلٰهِی كَمَا فَلَقْتَ الْبَحْرَ
آنکسی که بخوانم او را تا اینکه مستجاب کند برای من ای خدای من چنانکه شکافتی دریا را
لِمُوسٰى وَنَجَّيْتَهُ مِنْ فِرْعَوْنَ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ
برای موسی و نجات داده او را از فرعون پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

یعنی من چنانم که هستم و بدیها کرده ام و بصفات نقص موصوفم
یعنی تو ای پروردگار من چنانی که هستی و بصفات کمال و جمال موصوفی و از هر عیبی و نقصی منزه و مبرائی

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ لِیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرَجًا وَمَخْرَجًا دعائیست
وآل محمد و اینکه بگردانی برای من از کار من گشایشی و بیرون شدنی عجیب
اِلٰهِی رَاَی النَّاسُ كَثْرَةَ مَقَامِیْ بِبَابِكَ وَنَظَرُوا فِیْ بِمَرَابِعِ
ای خدای من دیده اند مردمان بسیاری ایستادن مرا بدرگاه تو و گردیدن مرا در چراگاه
جَنَابِكَ فَظَنُّوا اَنَّ لِیْ مَدْخَلًا وَبِقُرْبِكَ حَالًا وَمَنْزِلًا
آستانه تو پس گمان کردند اینکه برای من راه داخل شدنی هست و بقرب تو حالتی و مرتبه هست
وَاَنَا اَعْلَمُ بِحَالِیْ مِنْهُمْ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِحَالِیْ مِنِّیْ فَعَامِلْنِیْ
و حال آنکه من داناترم بحال خودم از ایشان و تو داناتری بحال من از من پس معامله کن با من
يَا اِلٰهِی عَلٰی حَسَبِ ظُنُونِهِمْ وَقَابِلْ بِالْقَبُولِ فَغَايَةُ عَمَلِیْ
ای خدای من بروش گمانهای ایشان و مقابله کن بقبول کردن بد از عمل مرا
فَالْغَبْنُ مُعْتَبَرٌ اِلَّا فِیْ شَاْنِكَ وَلَا جَزْرَ فِیْ مَدِّ
پس مغبون شدن حاصل است مگر در باره تو و نیست کوتاهی در مد
بِحَارِ اِحْسَانِكَ دعائیست بجهت دفع هر
دریاهای احسان تو شدتی و سختی
تَحَصَّنْتُ بِالْمَلِكِ الْحَیِّ الَّذِیْ لَا يَمُوتُ اَبَدًا وَاعْتَصَمْتُ
پناه برده ام بپادشاه زنده که نمیرد هرگز و چنگ زده ام
بِذِی الْقُدْرَةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاسْتَغَثْتُ
بصاحب قدرت و عظمت و بخشش و جبروت و استغاثه جسته ام

وَاَنْ تُنَجِّيَنِیْ مِنْ كُلِّ
و اینکه نجات دهی مرا از هر
غَمٍّ وَهَمٍّ
غم و اندوهی
دعای عجیب

دعائیست جهت دفع هر سختی

بِذِی الْعِزَّةِ وَالْعَدْلِ وَالْمَلَکُوتِ وَرَمِیتُ وَجْهَ مَنْ
بصاحب عزت وعدالت وپادشاهی بزرگ وانداختم روی کسی را
بودنیخ بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ دعای
کازار میکند مرا بکلمهٔ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ دیگر
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ نَفْسًا بِلَا بَلَاءٍ وَدِینًا بِلَا هَوَاءٍ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو نفس بی بلائی را ودین بی خواهشی را
وَعَمَلًا بِلَا رِیَاءٍ وَرِزْقًا بِلَا عَنَاءٍ وَعَفْوًا بِلَا حِسَابٍ
وعمل بی ریائی را وروزی بی تعبی را وبخشش بی حسابی را
وَجَنَّةً بِلَا عَذَابٍ وَرُؤْیَةً بِلَا حِجَابٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ
وبهشت بی عذابی را ودیدار بی پرده را برحمت تو ای رحم کننده ترین
الرَّاحِمِینَ مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و
رحم کنندگان والسلام فرموده است که چهار کلمه در کتاب خداست
که هر که آنها را بخواند عطا کرده میشود آنچه بعد از آنها مذکور
است ودعای او مستجاب میگردد اول از کلمات اینست
حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ حق تعالی بعد از این کلام
بس است ما را خدا وخوب وکیل است میفرماید که فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ
مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ یعنی پس بازگشتند که گفتند

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ باز گردیدند بنعمتی از جانب پروردگار
تعالی شانه وبفضلی که نرسید بایشان بدی پس کسی که از دیگری
بترسد یا از چیزی خوف داشته باشد وحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ
الْوَکِیلُ را بخواند حق تعالی پناه دهد او را از آن ضرر ونعمت
باو رساند دویم اینست مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
حق تعالی بعد از این کلام آنچه خواست خدا است نیست توانائی مگر بخدا
میفرماید که فَعَسٰی رَبِّی اَنْ یُؤْتِیَنِ خَیْرًا مِنْ جَنَّتِکَ یعنی پس
نزدیک است که پروردگار من عطا کند بمن بهتر از باغ تو را پس
کسی که خواهش بمال وفرزند وزینت دنیا داشته باشد ومَا شَاءَ
اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ را بخواند حق تعالی عطا کند باو آنچه را
که خواهش نموده است سیم اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ نیست خدائی مگر تو
تسبیح میکنم تو را بدرستی که من هستم از ظالمان حق تعالی بعد از آن
میفرماید که فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ
یعنی حضرت یونس چون گفت لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی
کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ پس مستجاب کردانیدیم از برای او ونجات
دادیم او را از غم وهمچنین نجات میدهیم مؤمنان را پس هر که غمگین
باشد واین را بخواند حق تعالی او را از غم نجات دهد چهارم

آیتست فَسَتَذْکُرُونَ مَا اَقُولُ لَکُمْ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی
پس زود باشد که یاد کنید آنچه را که میگویم برای شما و تفویض میکنم کار خود را بسوی
اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ حق تعالی بعد از آن میفرماید
خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان فَوَقٰهُ اللّٰهُ سَیِّئَاتِ مَا
مَکَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ الْعَذَابِ یعنی مؤمن آل فرعون
چون این را گفت حق تعالی نگاه داشت او را از بدیهای
آنچه مکر کرده بودند و نازل شد بآل فرعون بدی عذاب
پس هر که از مکر و حیله کسی برسد و این کلام را بخواند حق تعالی
او را از بدی آن مکر نگاهداری کند از حضرت امام موسی
کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده است که چهار چیز است که
هر که در او باشد و موصوف بآنها باشد حق تعالی او را از اهل بهشت
مینویسد اول کسیست که عصمت و پناه او گواهی دادن و گفتن
لا اله الا الله باشد دویم کسیست که هرگاه حق تعالی نعمتی
نیست خدائی مگر الله باو عطا کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سیم
کسیست که هرگاه مصیبتی باو برسد ستایش از برای خدا بگوید
اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ چهارم کسی است که هرگاه
بدرستی که ما برای خدائیم و بدرستی که ما بسوی او رجوع کنندگانیم گناهی کند بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ منقولست که ابو حمزه ثمالی رضی الله تعالی عنه گفته است
طلب آمرزش میکنم از خدا

کلام مع

نسخه
فستذکرون ما اقول لکم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا بهفت چیز وصیت
نمود و من آن هفت چیز را ترک نکرده ام و بعد از این نیز ترک
نخواهم کرد وصیت کرد مرا بدوست داشتن مساکین و بیچارگان
و نزدیک نمودن خود باایشان و وصیت کرد مرا که صلهٔ رحم
بجا آورم و رعایت خویشی نمایم هرچند که خویشان از من
رو بگردانند و وصیت کرد مرا که حق را بگویم هرچند تلخ باشد
و مردم را ناخوش آید و وصیت کرد مرا که در راه خدا از ملامت
و سرزنش ملامت کنندگان اندیشه نکنم و وصیت کرد مرا که
از خلق چیزی سؤال نکنم و وصیت کرد مرا که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
نیست گردیدنی و نه قوتی
اِلَّا بِاللّٰهِ بسیار بگویم و فرمود که این از جملهٔ گنجهای بهشت است
مگر بخدا حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام فرموده است که حق تعالی
چنان نیست که در شکر را بگشاید و در زیاد کردن نعمت را
ببندد بجهت آنکه میفرماید که لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَاَزِیدَنَّکُمْ
یعنی اگر شکر کنید مر این نعمت را بر شما زیاد میکردانم و حق تعالی
چنان نیست که بگشاید در دعا را و ببندد در اجابت را بجهت
آنکه میفرماید که اُدْعُونِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ یعنی دعا کنید مرا تا
مستجاب کردانم دعا را برای شما و چنان نیست که بگشاید در
توبه را و به بندد در آمرزش را بجهت آنکه میفرماید که و من

ووصیت کرد مرا که نظر کنم بکسی که از من پست تر باشد و نظر نکنم بکسی که از من بالاتر باشد

يَعْمَلْ سُوءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِيمًا
يعنى هر كه بكند كار بدى را يا ظلم و ستم كند بر نفس خود بعد از ان
طلب آمرزش كند از خدا مى يابد خدا را بغايت قبول كننده توبه
و بسيار رحم كننده مرويست كه يحيى بن معاذ رازى گفته است
كه چون بنده دعا كند و بسبب دعا كردن خوشدل گردد پس بدان
كه حق تعالى اراده دارد كه اورا بيامرزد و چون بنده توفيق
يابد كه شكر كند پس بدان كه حق تعالى اراده دارد كه نعمت را
بروزياد گرداند و چون بنده بر دیگرى رحم كند پس بدان كه
حق تعالى اراده دارد كه اورا رحم كند و چون بنده نماز را نيكو
گذارد پس بدان كه حق تعالى اراده دارد كه روزى دهد اورا
و مبارك گرداند براى او آنچه را باو عطا كرده است و چون به
بينى بنده را كه بخويشان خود رعايت ميكند و صله رحم بجا مى
آورد پس بدان كه حق تعالى اراده دارد كه عمر اورا زياد گرداند
و چون به بينى بنده را كه با مردمان مدارا نيكو ميكند پس بدان
كه حق تعالى اراده دارد كه بپوشاند باو جامه سلامت را و چون
به بينى كه مردى گريزانست از مردمان پس بدان كه بوى بهشت
بمشام او رسيده است محمد بن على بن محبوب گفته است كه بحضرت امام
على نقى هادى عسكرى عليه الصلوة و السلام نوشتم و شكوه

دعا بجهت اداء دين و توسعه روزى

كردم باَنحضرت كه قرضى دارم كه سنگين شده و بر من كوتاه سوار
گرديده و عيال بسيار دارم و مال من كم است و برادران
بر من جفا ميكنند پس بخط مبارك آنحضرت جواب رسيد
كه بعد از هر نماز فريضه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ را هزار مرتبه
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ طلب آمرزش ميكنم از خدا الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ را
نيست گرديدنى و نه توانائى مگر بخداى صد مرتبه و بلند بسيار بزرگ مرتبه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ را صد مرتبه بگو راوى گويد كه
سپاس مر خدا يرا كه پروردگار عالميانست چنين كردم پس زمانى نگذشت كه
قرض من ادا شد و احوال من نيكو گرديد و از خلق بى نياز
شدم بحول و قوت پروردگار تعالى شانه مرويست كه حضرت
امام جعفر صادق عليه الصلوة و السلم فرمودند كه حضرت
امام زين العابدين عليه الصلوة و السلام چون قرضى بهم
ميرسانيد اين دعا را ميخواند پس بسيار نميگذشت كه حق تعالى قرض اورا ادا مينمود
و دعا اينست يَا مَاجِدُ يَا وَاجِدُ يَا حَلِيمُ يَا حَنَّانُ يَا

اى بزرگوار اى توانگر اى بردبار اى بسيار مهربان اى

دعا بجهت اداء دين

يا جواد ای بخشنده

مَنَّانُ يَا كَرِيمُ اَسْأَلُكَ تُحْفَةً مِنْ تُحَفَاتِكَ تَلُمُّ
بسيار نعمت دهنده اى صاحب كرم سؤال ميكنم از تو تحفه از تحفهاى تو كه جمع كنى
بِهَا شَعَثِى وَ تَقْضِى بِهَا دَيْنِى وَ تُصْلِحُ بِهَا
بان پراكندگى مرا و ادا كنى بان قرض مرا و اصلاح كنى بان

تعقیب نماز صبح و شام بجهت دفع بلاها

شافنی برحمتك یا سیدی از حضرت امام جعفر صادق
خالق مرا برحمت خود ای آقای من علیه الصلوة والسلم
روایت شده است که چون نماز شام و نماز صبح را بگذاری هفت مرتبه
بگو بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
بنام خدای بخشاینده مهربان نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای
العلی العظیم پس بدرستی که هر که چنین کند تمیرسد باو
بلند مرتبه بزرگ مرتبه جذام و پیسی و دیوانگی و حق تعالی دفع
میکند از او هفتاد نوع از انواع بلا را و در روایت دیگر
وارد شده است که اگر شقی و بدبخت باشد نام او را از میان
بدبختان محو و برطرف میکند و از جمله نیک بختان مینویسند

تعقیب نماز صبح بجهت دفع بلاها

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر که بعد از نماز فریضه صبح
ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا
قوة الا بالله بپاکی یاد میکنم خدای بزرگوار را و مشغولم بحمد او و نیست گردیدن و نه
توانائی مگر بخدای العلی العظیم حق تعالی نگاه میدارد او را از
دیوانگی و جذام بلند مرتبه بزرگ مرتبه و پیسی و کوری و از اینکه خانه بر
سر او فرود آید و از بی چیز شدن و از مردن بد و از بلیه
که حق تعالی بر و نفرین نموده باشد و از آنحضرت مرویست که هر که

بگوید

ثواب گفتن الحمد لله کما هو اهله

بگوید الحمد لله کما هو اهله نویسند کاتبان آسمان از
سپاس مر خدا را است چنانکه او سزاوار است نوشتن ثواب آن دست
میکشند بجهت بسیاری آن و میگویند خداوندا ما غیب را
نمیدانیم پس حق تعالی میفرماید که بنویسید آنرا چنانکه بنده
من گفته است و بر من است که ثواب آنرا باو برسانم و از آنحضرت

ثواب گفتن تسبیحات اربع

روایت شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزی باصحاب خود متوجه شد و فرمود که سپری بجهت خود
فرا گیرید پس ایشان گفتند که یا رسول الله آیا سپر از برای
دفع ضرر دشمن باشد که بما نزدیک شده است پس آنحضرت
فرمود که نه ولیکن سپری که آتش را از شما دفع کند بگوئید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر الله و خدا
اکبر مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
بزرگتر است که چون من داخل بهشت شدم فضائی دیدم بغایت
وسیع و مسطح و هموار و دیدم که جمعی از فرشتگان در آن فضا
عمارت بنا میکنند خشتی از طلا و خشتی از نقره و گاهی
دست میکشند و بیکار مینمانند پس گفتم بایشان که چه شده است
شما را که گاهی به بنا کردن مشغول میشوید و گاهی دست میکشید

تعقیب نماز

جواب گفتند که هرگاه نفقهٔ ما بما میرسد مشغول ثنا کردن
میشویم گفتم نفقهٔ شما چیست گفتند نفقهٔ ما انست که مؤمن
درد ثنا بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ
اَکبَرُ صفوان بن مهران جمال گفته است که از حضرت امام
جعفر صادق علیه الصلوة والسلام شنیدم که فرمود که حق تعالی
انعام نکرده است بر بنده نعمتی خواه کوچک باشد آن نعمت و خواه
بزرگ پس آن بنده گفته باشد الحمد لله مگر آنکه شکر آن نعمت را
ادا کرده است دعائی که خوانند از بعد از هر نماز سنت است
اِلٰهی قَلَّ شُکری فَلَم تَحرِمنی وَعَظُمَت خَطیئَتی فَلَم
ای خدا من قلیل بود شکر من پس محروم نساختی مرا و بزرگ شد گناه من پس
تَفضَحنی وَرَاَیتَنی عَلَی المَعاصی فَلَم تَجبَهنی خَلَقتَنی
رسوا نکردی مرا دیدی مرا بر معاصی پس رد نکردی مرا خلق کردی مرا
لِلطّاعَةِ فَعَصَیتُکَ فیما بِهٖ اَمَرتَنی فَنِعمَ الرَّبُّ
برای فرمانبرداری پس عصیان کردم ترا در چیزی که بآن امر کردی مرا پس خوب پروردگاری
سَیِّدی وَبِئسَ العَبدُ وَجَدتَنی فَها اَنَا بَینَ یَدَیکَ
ای آقای من و بد بنده یافتی مرا پس اینک من در پیش روی توام
مُعتَرِفاً بِذُنُوبی ماقِتاً لِنَفسی مُقِرّاً بِالاِساءَةِ وَ
اعتراف کننده بگناهان خود غضبناک بر نفس خود اقرار کننده به بد کردن و

دعا بجهت دفع درد چشم

الظُّلمِ عَلیٰ نَفسی مَن اَنَا یا رَبِّ فَیُقصَدَ عَزائی وَ
ستم کردن بر نفس خود کیستم من ای پروردگار من تا اینکه قصد کرده شود آزار کردن من قسم
عِزَّتِکَ ما تَزینُ سُلطانَکَ مَعصِیَتی فَهَب لی ما لا
بعزت تو که چرکین نمیکند پادشاهی ترا معصیت من پس بخش برای من چیزی را که
یَنقُصُکَ وَاغفِر لی ما لا یَضُرُّکَ وَاصنَع بی ما
نقصان نمیرساند بتو و بیامرز برای من آنچه را که ضرر نمیرساند بتو و بکن بمن آنچه را
اَنتَ اَهلُهُ وَلا تَصنَع بی ما اَنَا اَهلُهُ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
که تو سزاوار آنی و مکن بمن آنچه را که من سزاوار آنم ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
دعائی که بجهت شفا یافتن از درد چشم باید خواند
یا مَدعُوّاً بِالاَحَدِ وَمَوصُوفاً بِالصَّمَدِ یا مَن جَلَّ عَنِ
ای خوانده شده بیگانگی و ای وصف کرده شده بمقصود بودن در حاجتها ای آنکسی که برتر است از
الوالِدِ وَالوَلَدِ وَالکُفوِ وَالعَدَدِ اِشفِ عَینی مِنَ
پدر و فرزند و مانند و تعدد شفا ده چشم مرا از
الرَّمَدِ وَقَلبی مِنَ النِّسیانِ وَالکَهَدِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
درد و دل مرا از فراموشی و کرفتگی بحق محمد و آل
مُحَمَّدٍ اَبَدَ الاَبَدِ وَحَسبُنَا اللهُ وَحدَهُ غَوثاً غَوثاً
محمد همیشه همیشه و بس است ما را خدا بتنهائی فریاد رس مرا فریاد رس مرا
دعائی که بجهت شفا یافتن از همه آزارها و بیماریها باید خواند

دعا بجهت دفع آزارها و بیماریها

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف
بگو که بخوانید کسانی را که گمان کرده اید از غیر خدا پس مالک نمیشند بر طرف کردن
الضر عنکم و لا تحویلا یا من لا یکشف احد سواه
بدحالی را از شما و نه گردانیدن را ای آنکسی که بر طرف نمیکند کسی غیر او
اکشف عنی ضری و حوله الی من یجعل معک الها
بر طرف کن از من بدحالی مرا و بگردان از آن بسوی کسی که قرار میدهد همتا با تو خدای
آخر لا اله الا انت تعالیت عما یقول الظالمون
دیگر نیست خدائی مگر تو برتری از آنچه میگویند ظالمان
علوا کبیرا تمام شد ترجمهٔ کتاب کنوز النجاح و مسئول
برتری بزرگ
از درگاه فالق الاصباح و خالق الاشباح
و الارواح آنست که بدرجهٔ رتبهٔ قبول آن شاهنشاه عادل
باذل و کافهٔ انام را از آن حظی کامل و بهره شامل حاصل کرده
و اتمام ترجمهٔ کتاب عدة السفر و عمدة فی الحضر را که الحال
شروع در آن میشود توفیق یابد **مؤلف از کتاب** بعد از حمد
خدای واهب الالباب و صلوات بر پیغمبر عالیجناب و آل ابرار
آن هادی طریق صواب و ذکر اوصاف آن کتاب گفته است که
از جمله دعاهای مخصوصه بصبح و شام دعای
شریفیست که وارد شده است در اخبار که

ادعیه صباح و مسا

دعائی که در هر صبح خوانده میشود

هرکه آنرا هر صبح بخواند بر آورده شود از برای او
هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت **و دعا اینست**
یا کبیر کل کبیر یا من لا شریک له و لا وزیر
ای بزرگ هر بزرگی ای کسی که نیست شریکی برای او و نه وزیری
یا خالق الشمس و القمر المنیر یا عصمة الخائف
ای آفریننده آفتاب و ماه روشن کننده ای نگاهدارنده ترسنده
المستجیر یا مطلق المکبل الاسیر یا رازق الطفل
پناه جوینده ای رها کننده محبوس بند کرده شده ای روزی دهنده طفل
الصغیر یا جابر العظم الکسیر یا راحم الشیخ
کوچک ای باصلاح آورنده استخوان شکسته ای رحم کننده پیر
الکبیر یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث
سالخورده ای روشن کننده روشنی ای تدبیر کننده امور ای برانگیزاننده
من فی القبور یا شافی الصدور یا جاعل الظل و
کسانیکه هستند در قبرها ای شفا دهنده سینها ای آفریننده سایه و
الحرور یا عالما بذات الصدور یا منزل الکتاب و
گرما ای دانا بحال سینها ای نازل کننده کتاب و
النور و الفرقان و الزبور یا من تسبح له الملائکة
نور و فرقان و زبور ای کسی که تسبیح میکنند برای او فرشتگان

بِالْاِبْكٰارِ وَالظُّهُورِ يٰا دٰائِمَ الثَّبٰاتِ يٰا مُخْرِجَ النَّبٰاتِ

دَرْ صُبْحِهٰا وَپِیشِينْهٰا ای هميشه ثابت ای بیرون آورنده گیاه

بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصٰالِ يٰا مُحْيِيَ الْاَمْوٰاتِ يٰا مُنْشِئَ الْعِظٰامِ

دَرْ صُبْحگاه وَپَسینْهٰا ای زنده کننده مُردگان ای از نو آفریننده استخوانهای

الدّٰارِسٰاتِ يٰا سٰامِعَ الصَّوْتِ يٰا سٰابِقَ الْفَوْتِ يٰا كٰاسِيَ

پُوسیده ای شنونده آواز ای سبقت گیرنده بر فوت ای پوشاننده

الْعِظٰامِ الْبٰالِيَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ يٰا مَنْ لٰا يَشْغَلُهُ شُغْلٌ

استخوانهای کهنه شده بعد از مُردن ای کسی که مشغول نمیسازد اورا شغلی

عَنْ شُغْلٍ يٰا مَنْ لٰا يَتَغَيَّرُ مِنْ حٰالٍ اِلٰى حٰالٍ يٰا مَنْ لٰا

از شُغلی ای کسی که متغیّر نمیشود از حالی بسوی حالی ای کسی که

يَحْتٰاجُ اِلٰى تَجَشُّمِ حَرَكَةٍ وَلٰا انْتِقٰالٍ يٰا مَنْ لٰا

محتاج نمیشود بسوی زحمت حرکتی و نه منتقل شدنی ای کسی که

يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ يٰا مَنْ يَرُدُّ بِالْطَفِ الصَّدَقَةِ

مشغول نمیسازد اورا کاری از کاری ای کسی که باز میگرداند بوسیله کمترین صدقه

وَالدُّعٰاءِ عَنْ اَعْنٰانِ السَّمٰاءِ مٰا حُتِمَ وَاُبْرِمَ مِنْ

و دُعایی از اطراف آسمان آنچه را که جزم و محکم کرده شده است از

سُوْءِ الْقَضٰاءِ يٰا مَنْ لٰا يُحِيطُ بِهِ مَوْضِعٌ وَمَكٰانٌ يٰا مَنْ

قضای بد ای کسی که احاطه نمیکند باو موضعی و مکانی ای کسی که

يَجْعَلُ الشِّفٰاءَ فِيمٰا يَشٰاءُ مِنَ الْاَشْيٰاءِ يٰا مَنْ يُمْسِكُ

قرار میدهد شفا را در آنچه میخواهد از چیزها ای کسی که نگاه میدارد

الرَّمَقَ مِنَ الْمُدْنَفِ الْعَلِيلِ بِمٰا قَلَّ مِنَ الْغِذٰاءِ يٰا مَنْ

حیات را از بیمار نزدیک بمرگ باندکی از غذا ای کسی که

يُزِيلُ بِاَدْنَى الدَّوٰاءِ مٰا غَلُظَ مِنَ الدّٰاءِ يٰا مَنْ اِذٰا وَعَدَ

زایل میکرداند به پست ترین دوای آنچه را که عظیم باشد از درد ای کسی که هرگاه وعده کند

وَفٰى وَاِذٰا تَوَعَّدَ عَفٰا يٰا مَنْ يَمْلِكُ حَوٰائِجَ السّٰائِلِينَ

وفا نمود و هرگاه وعده عذاب کرد عفو نمود ای کسی که مالک است حاجتهای سؤال کنندگان را

يٰا مَنْ يَعْلَمُ مٰا فِي الضَّمِيرِ يٰا عَظِيمَ الْخَطَرِ يٰا كَرِيمَ

ای کسی که میداند آنچه را که در دل است ای بزرگ منزلت ای کریم

الظَّفَرِ يٰا مَنْ لَهُ وَجْهٌ لٰا يَبْلٰى يٰا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لٰا يَفْنٰى

ظفر ای کسی که برای اوست ذاتی که کهنه نمیشود ای کسی که برای اوست پادشاهی که برطرف نمیشود

يٰا مَنْ لَهُ نُورٌ لٰا يُطْفٰى يٰا مَنْ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ اَمْرُهُ يٰا

ای کسی که برای اوست روشنی که خاموش نمیشود ای کسی که برتر است از هر چیزی فرمان او ای

مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سُلْطٰانُهُ يٰا مَنْ فِي جَهَنَّمَ سَخَطُهُ يٰا

کسی که در صحرا و دریاست سلطنت او ای کسی که در جهنم است غضب او ای

مَنْ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ يٰا مَنْ مَوٰاعِيدُهُ صٰادِقَةٌ يٰا مَنْ

کسی که در بهشت است رحمت او ای کسی که وعدههای او راست است ای کسی

آیا دیه فاضلة یا من رحمته واسعة یا غیاث المستغیثین

کہ نعمتہا او زیادہ است ای کسی کہ رحمت او وسیع است ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگا

یا مجیب دعوة المضطرین یا من هو بالمنظر الاعلی وخلقه

ای اجابت کنندہ دعای مضطران ای کسی کہ او در منظر اعلی است و مخلوقات او

بالمنزل الادنی یا رب الارواح الفانیة یا رب

در منزل پست تراند ای پروردگار جانہای فنا شوندہ ای پروردگا

الاجساد البالیة یا ابصر الناظرین یا اسمع السامعین

بدنہای کہنہ شوندہ ای بیناترین نظر کنندگان ای شنوندہ ترین شنوندگان

یا اسرع الحاسبین یا احکم الحاکمین یا واهب

ای زود ترین حساب کنندگان ای حکم کنندہ ترین حکم کنندگان ای بخشندہ

العطایا یا مطلق الاساری یا رب العزة یا اهل

عطاہا ای رہا کنندہ اسیران ای پروردگار عزت ای سزاوار

التقوی والمغفرة یا من لا یدرک امده یا من لا یحصی

پرہیزگاری و آمرزش ای کسی کہ ادراک کردہ نمیشود نہایت او ای کسی کہ شمردہ نمیشود

عدده یا من لا ینقطع مدده اشهد والشهادة لی

عدد او ای کسی کہ منقطع نمیشود مدد او گواہی میدہم و حال آنکہ گواہی برای من

رفعة وعدة وهی منی سمع وطاعة وبها ارجو

بلندی و ذخیرہ ایست و آن از من شنیدنی و اطاعت کردنی است و بسبب آن امید دارم

المفازة یوم الحسرة والندامة انک انت الله لا اله

بمقصد رسیدن را در روز حسرت و پشیمانی بدرستی کہ تو توئی خدائی کہ نیست خدائی

الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک

مگر تو یگانہ نیست شریکی برای تو و اینکہ محمد بندہ تو

ورسولک صلواتک علیه واله وانه قد بلغ

و رسول تست رحمتہای تو بر او و آل او باد و اینکہ او بتحقیق کہ رسانید

عنک وادی ما کان واجبا علیه لک وانک

از جانب تو و ادا کرد آنچہ بود واجب بر او برای تو و اینکہ تو

تعطی دائما وترزق وتعطی وتمنع وترفع وتضع

عطا میکنی ہمیشہ و روزی میدہی و عطا میکنی و منع میکنی و بلند میکنی و پست میکنی

وتغنی وتفقر وتخذل وتنصر وتعفو و

و غنی میکردانی و فقیر میسازی و وا میگذاری و یاری میکنی و عفو میکنی و

ترحم وتصفح وتجاوز عما تعلم ولا تجور

رحم میکنی و در میگذری و تجاوز میکنی از آنچہ میدانی و جور نمیکنی

ولا تظلم وانک تقبض وتبسط وتمحو وتبدئ و

و ستم نمیکنی و اینکہ تو میستانی و پہن میکنی و محو میکنی و ابتدا میکنی و

تعید وتحیی وتمیت وانت حی لا تموت فصل

عود میفرمائی و زندہ میکردانی و میمیرانی و تو زندہ کہ نمی میری پس رحمت

على محمد وآله واهدني من عندك وافض على
بر محمد وآل او وهدايت كن مرا از نزد خودت وفرو ريز بر من
من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من
از فضل خودت وپهن كن بر من از رحمت خودت ونازل كردان بر من از
بركاتك فطالما عودتني الحسن الجميل واعطيتني
بركتهاى خودت پس ديرى است كه عادت فرموده مرا به نيكى نيكو وعطا كرده بمن
الكثير الجزيل وسترت على القبيح اللهم فصل
بسيار بزرگ را وپوشانيده بر من عمل زشت را خداوندا پس رحمت بفرست
على محمد وآله وعجل فرجي واقلني عثرتي و
بر محمد وآل او وتعجيل كن در كشايش كار من ودر گذر از لغزش من و
ارحم عبرتي واردُدني الى افضل عادتك
رحم كن اشك مرا وباز گردان مرا بسوى بهترين عادت خودت
عندي واستقبل بي صحة من سقمي وسعة من
نزد من واستقبال فرماى بمن تندرستى مرا از بيمارى من وتوسعه را از
عدمي وسلامة شاملة في بدني وبصيرة نافذة
بى چيزى من وسلامتى فرو گيرنده را در بدن من وبينائى رسانى را
في ديني ومهدني واعني على استغفارك و
در دين من واصلاح كن مرا واعانت كن مرا بر طلب آمرزش كردن از تو و

استقالتك

استقالتك قبل ان يفنى الاجل وينقطع العمل
طلب كردن در گذشتن تو پيش از آنكه آخر شود عمر ومنقطع شود عمل
واعني على الموت وكربته وعلى القبر ووحشته
ويارى كن مرا بر مردن واندوه آن وبر قبر ووحشت آن
وعلى الميزان وخفته وعلى الصراط وزلته وعلى
وبر ترازوى عمل وسبك بودن آن وبر پل صراط ولغزيدن از آن وبر
يوم القيمة وروعته واسألك نجاح العمل قبل
روز قيامت وترس از آن روز وسؤال ميكنم از تو فايز شدن بعمل نيكو را پيش از آن
انقطاع الاجل وقوة في سمعي وبصري واستعمالا
بريده شدن عمر وقوت را در گوش من وچشم من وكار فرمودنى
لصالح ما علمتني وفهمتني انك انت الرب الجليل
براى شايسته آنچه ياد داده بمن وفهمانيده بمن بدرستى كه توئى پروردگار بزرگوار
وانا العبد الذليل وشتان ما بيننا يا حنان
ومنم بنده خوار وبسيار دورى وتفاوت است ميان من وتو اى بسيار مهربان
يا منان يا ذا الجلال والاكرام وصل على من به
اى بسيار نعمت دهنده اى صاحب بزرگى وگرامى داشتن ورحمت بفرست بر كسى كه بسبب او
فهمتنا وهو اقرب وسائلنا اليك ربنا محمد
فهمانيده بما واو نزديك ترين وسيلهاى ما است بسوى تو اى پروردگار ما يعنى محمد

والِهِ وعِترَتِهِ الطّاهِرینَ و از جملهٔ دعاهائی که
وآل او وأولاد او که پاکانند جلالت و فضیلت آنها بسیار است

وشرایط کمال وخوبی را بغایت جمع نموده اند
وخواندن آنها اختصاص بصبح وشام دارد دعائی

است که مشهور است بدعاء حریق واز حضرت امام
زین العابدین علیه الصلوة والسلم روایت شده است ودعا اینست

اللّهمّ انّی اصبحتُ اُشهِدُکَ وکفی بِکَ شهیدًا
خداوندا بدرستی که من صبح کرده ام درحالی که گواه میگیرم تورا وبس است تو برای گواه بودن

واُشهِدُ ملائکتَکَ وحَمَلَةَ عرشِکَ وسُکّانَ
وگواه میگیرم فرشتگان تورا وبردارندگان عرش تورا وساکنان

سبعِ سمواتِکَ وارضِکَ وانبیاءَکَ ورُسُلَکَ
آسمانهای هفتگانهٔ تو وزمینهای هفتگانهٔ تورا وپیغمبران تو ورسولان تو

ووَرَثَةَ انبیائکَ والخالصینَ مِن عبادِکَ وجمیعَ
ووارثان پیغمبران تورا ومخلصان از بندگان تو وهمهٔ

خلقِکَ فاشهَد لی وکفی بِکَ شهیدًا انّی اشهدُ
آفریدگان تورا پس گواه شو برای من وبس تو برای گواه بودن اینکه من گواهی میدهم

انّکَ انتَ اللهُ لا اله الّا انتَ المعبودُ وحدَکَ لا
اینکه تو توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو عبادت کرده شده تنهائی نیست

ودعای مشهور بدعای حریق

شریکَ لکَ وانّ محمّدًا عبدُکَ ورسولُکَ وانّ کلَّ
شریکی برای تو واینکه محمد بندهٔ تو ورسول تست واینکه هر

معبودٍ مِن دونِ عرشِکَ الی قرارِ ارضِکَ السّابعةِ
عبادت کرده شده از پایین عرش تو تا قرارگاه زمین هفتمین

السُّفلی باطلٌ مُضمَحِلٌّ ما خلا وجهَکَ الکریم
پایین تر تو باطل وبرطرف شونده است غیر ذات کریم تو

فانّهُ اعزُّ واکرمُ واجلُّ واعظمُ مِن ان یصِفَ
پس بدرستی که او عزیزتر وگرامی تر وجلیل تر وعظیم تر است از اینکه وصف کنند

الواصِفونَ کُنهَ جلالِهِ او تهتدیَ القلوبُ الی
وصف کنندگان نهایت بزرگی اورا یا اینکه راه بیابند دلها بسوی

کُنهِ عظمتِهِ یا مَن فاقَ مدحَ المادحینَ فخرُ مدحِهِ
کنه عظمت او ای کسی که برتر است از مدح مدح کنندگان فخر مدح او

وعدا وصفَ الواصفینَ مآثرُ حمدِهِ وجلَّ عن
وتجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان صفتهای نیکوی حمد او وبلند است از

مقالِ النّاطقینَ تعظیمُ شانِهِ بعد از آن سه مرتبه بگوید صلِّ
گفتن گویندگان تعظیم شان او رحمت بفرست

علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وافعَل بی ما انتَ اهلُهُ یا
بر محمد وآل محمد وبکن بمن آنچه تو سزاوار آنی ای

اهل التقوی واهل المغفرة بعد ازان یازده مرتبه بگوید لا اله

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش نیست خدای

الا الله وحده لا شریك له سبحان الله وبحمده

مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او بپاکی یاد میکنم خدا را و مشتغلم بحمد او

استغفر الله واتوب الیه ما شاء الله لا قوة

طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او آنچه خواسته است خدا شده است نیست توانائی

الا بالله هو الاول والاخر والظاهر والباطن

مگر بخدا اوست اول و آخر و ظاهر و باطن

له الملك وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی

برای اوست پادشاهی و برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند

وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر

و او زنده است که نمی میرد بدست اوست خیر و او بر همه چیز قادر است

بعد ازان یازده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا

تسبیح میکنم خدا را و ستایش مر خدا راست و نیست خدای مگر

الله والله اکبر استغفر الله واتوب الیه ما

الله و خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او آنچه

شاء الله لا قوة الا بالله لا حول ولا قوة الا بالله

خواسته است خدا شده است نیست توانائی مگر بخدا نیست گردیدن و نه توانائی مگر بخدا

الحلیم الکریم العلی العظیم الرحمن الرحیم الملك

بردبار صاحب کرم بلند رتبه بزرگ مرتبه بخشاینده مهربان پادشاه

القدوس الحق المبین عدد خلقه وزنة عرشه و

بسیار پاکیزه حق هویدا میگویم این را بعدد مخلوقات او و هم وزن عرش او و

ملاء سمواته وارضیه وعدد ما جری به قلمه و

بقدر پری آسمانهای او و زمینهای او و بعدد آنچه جاری شده است بآن قلم او و

احصاه کتابه ومداد کلماته ورضاه لنفسه

شمرده است آنرا کتاب او و بقدر مداد کلمات او و بقدر خوشنودی او برای ذات خود

بعد ازان بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد المبارکین

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که صاحبان برکتند

وصل علی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وحملة

و رحمت بفرست بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بردارندگان

عرشك اجمعین والملائکة المقربین اللهم صل

عرش تو همه و فرشتگان مقرب خداوندا رحمت بفرست

علیهم جمیعا حتی تبلغهم الرضا وتزیدهم بعد

بر ایشان همه تا اینکه برسانی بایشان خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد ازان

الرضا مما انت اهله یا ارحم الراحمین اللهم

خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰى مَلَكِ الْمَوْتِ وَاَعْوَانِهٖ
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحمت بفرست بر ملک الموت و یاوران او
وَصَلِّ عَلٰى رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجِنَانِ وَصَلِّ عَلٰى مَالِكٍ
و رحمت بفرست بر رضوان و خازنان بهشت و رحمت بفرست بر مالک
وَخَزَنَةِ النِّيْرَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ
و خازنان آتشها خداوندا رحمت بفرست بر ایشان تا اینکه برسانی ایشان را
الرِّضَا وَتَزِيْدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهٗ يَا اَرْحَمَ
خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین
الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ وَالسَّفَرَةِ
رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر کرام الکاتبین و نویسندگان
الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالْحَفَظَةِ لِبَنِيْ اٰدَمَ وَصَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَةِ
گرامی نیکوکاران و نگاه دارندگان بنی آدم و رحمت بفرست بر فرشتگان
الْهَوَآءِ وَمَلٰٓئِكَةِ الْاَرَضِيْنَ السُّفْلٰى وَمَلٰٓئِكَةِ اللَّيْلِ وَ
هواء و فرشتگان زمینهای پست تر و فرشتگان شب و
النَّهَارِ وَالْاَرْضِ وَالْاَقْطَارِ وَالْبِحَارِ وَالْاَنْهَارِ وَ
روز و زمین و اطراف و دریاها و نهرها و
الْبَرَارِيْ وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ وَصَلِّ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ
صحراها و بیابانها و چولها و رحمت بفرست بر فرشتگان خود

رضوان فرشته ایست که موکل بر بهشت است

مالک فرشته ایست که موکل بر جهنم است

الذین

اَلَّذِيْنَ اَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَسْبِيْحِكَ وَ
که بی نیاز کرده ایشان را از خوردنی و آشامیدنی به تسبیح کردن ایشان و
عِبَادَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا
عبادت کردن ایشان تو را خداوندا رحمت بفرست بر ایشان تا اینکه برسانی ایشان را خوشنودی
وَتَزِيْدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهٗ يَا اَرْحَمَ
و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین
الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰى
رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحمت بفرست بر
اَبِيْنَا اٰدَمَ وَاُمِّنَا حَوَّآءَ وَمَنْ وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَ
پدر ما آدم و مادر ما حوا و هر که زاییده اند او را از پیغمبران و
الصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصَّالِحِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
صدیقان و شهیدان و صالحان خداوندا رحمت بفرست
عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَتَزِيْدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا
بر ایشان تا اینکه برسانی بایشان خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی
مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهٗ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِيْنَ وَعَلٰى اَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِيْنَ
بر محمد و اهل بیت او که پاکیزگانند و بر اصحاب او که برگزیدگانند

اغنیتهم یعنی تسبیح و عبادت را گردانیدی ایشان را غذا بجای طعام و شراب ایشان و دیگر احتیاج بطعام و شراب اصلا ندارند

وعلى ازواجه المطهرات وعلى ذريّة محمد وعلى كلّ

و بر زنان او که پاک باشند و بر اولاد محمد و بر هر

نبيّ بشّر بمحمد وعلى كلّ نبيّ ولد محمدا وعلى

پیغمبری که بشارت داده است بمحمد و بر هر پیغمبری که محمد از و بوجود آمده و بر

كلّ امرأة كفلت محمدا وعلى كلّ ملك هبط على

هر زنی که پرستاری نموده است محمد را و بر هر فرشته که فرود آمده است بر

محمد وعلى كلّ من في صلاتك عليه رضا لك

محمد و بر هر کسی که در رحمت فرستادن تو برو خوشنودی باشد برای تو

ورضا لنبيك محمد عليه واله السلام اللهمّ

و خوشنودی باشد برای پیغمبر تو محمد که برو و بر آل او باد سلام خداوندا

صلّ عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد

رحمت بفرست بر ایشان تا اینکه برسانی بایشان خوشنودی را و زیاد کنی برای ایشان بعد از

الرضا ممّا انت اهله يا ارحم الراحمين اللهمّ

خوشنودی از انچه تو سزاواری ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

صلّ على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد

وارحم محمدا وال محمد كافضل ما صلّيت وباركت

و رحم کن محمد و آل محمد را مانند بهترین انچه رحمت فرستاده و برکت داده

وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد

و ترحم کرده بر ابرهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده شده بزرگی

اللهمّ اعط محمدا الوسيلة والفضل والفضيلة

خداوندا عطا کن بمحمد وسیله را و زیادتی و فضیلت

والدرجة الرفيعة واعطه حتى يرضى وزده

و مرتبهٔ بلند را و عطا کن باو تا انکه خوشنود شود و زیاد کن برای او

بعد الرضا ممّا انت اهله اللهمّ صلّ على محمد

بعد از خوشنودی از انچه تو سزاواری خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال محمد بعدد من صلّى عليه اللهمّ صلّ على محمد

و آل محمد بعدد هر که صلوات فرستاده است براو خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال محمد كما ينبغي لنا ان نصلّي عليه ممّا انت

و آل محمد چنانکه سزاوار است برای ما باینکه صلوات فرستیم برو از انچه تو

اهله يا ارحم الراحمين اللهمّ صلّ على محمد وال

سزاواری ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد كما امرتنا ان نصلّي عليه اللهمّ صلّ على

محمد چنانکه امر کردی ما را باینکه صلوات فرستیم براو خداوندا رحمت بفرست

محمد وال محمد بعدد من لم يصلّ عليه اللهمّ صلّ

محمد و آل محمد بعدد هر که صلوات نفرستاده است برو خداوندا رحمت بفرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کُلِّ حَرْفٍ فِی صَلٰوةٍ صُلِّیَتْ

بر محمد و آل محمد بعدد هر حرفی در صلواتی که صلوات فرستاده شده

عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِکُلِّ شَعْرَةٍ

بر او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بعدد هر موئی

وَ لَفْظَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ نَفَسٍ وَ صِفَةٍ وَ سُکُونٍ وَ حَرَکَةٍ

و تلفظ کردنی و ملاحظه نمودنی و جانی و صفتی و سکونی و حرکتی

مِمَّنْ صَلّٰی عَلَیْهِ وَ مِمَّنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ وَ بِعَدَدِ

از کسانی که صلوات فرستاده باشد بر او و از کسانی که صلوات نفرستاده باشد بر او و بعدد

سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سُکُونِهِمْ وَ حَرَکَاتِهِمْ

ساعتهای ایشان و دقیقهای ایشان و سکون ایشان و حرکتهای ایشان

وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِیْقَاتِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ وَ اَیَّامِهِمْ

و حقیقتهای ایشان و وقتهای ایشان و صفتهای ایشان و روزهای ایشان

وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِیْهِمْ وَ اَشْعَارِهِمْ وَ اَبْشَارِهِمْ

و ماههای ایشان و سالهای ایشان و موهای ایشان و پوستهای ایشان

وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوْا اَوْ یَعْمَلُوْنَ اَوْ کَانَ

و بعدد هم وزن ذره آنچه عمل کرده اند یا عمل میکنند یا صادر شده است

مِنْهُمْ اَوْ یَکُوْنُ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ وَ کَاَضْعَافِ ذٰلِکَ

از ایشان یا میشود تا روز قیامت و مانند دوچندانها آن

اضعافا

اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ

دوچندانهای زیاد کرده شده تا روز قیامت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا خَلَقْتَ وَ مَا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بعدد آنچه خلق کرده و آنچه

اَنْتَ خَالِقُهُ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ صَلٰوةً تُرْضِیْهِ اَللّٰهُمَّ

تو خلق کننده آنی تا روز قیامت رحمتی که راضی کردانی اورا خداوندا

فَلَکَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَآءُ وَ الشُّکْرُ وَ الْفَضْلُ وَ الْمَنُّ

پس برای تست حمد و ستایش و شکر و فضل و نعمت

وَ الطَّوْلُ وَ الْخَیْرُ وَ الْحُسْنٰی وَ النِّعْمَةُ وَ الْعَظَمَةُ وَ

و احسان و خیر و نیکی و نعمت و عظمت و

الْجَبَرُوْتُ وَ الْمُلْکُ وَ الْمَلَکُوْتُ وَ الْقَهْرُ وَ السُّلْطَانُ

بزرگواری و پادشاهی و پادشاهی بزرگ و غلبه و تسلط

وَ الْفَخْرُ وَ السُّؤْدُدُ وَ الْاِمْتِنَانُ وَ الْکَرَمُ وَ الْجَلَالُ وَ

و فخر و بزرگی و نعمت و کرم و عظمت و

الْاِکْرَامُ وَ الْخَیْرُ وَ التَّوْحِیْدُ وَ التَّمْجِیْدُ وَ التَّحْمِیْدُ

گرامی داشتن و خوبی و حکم بیگانگی و بزرگی و حمد کردن

وَ التَّهْلِیْلُ وَ التَّکْبِیْرُ وَ التَّقْدِیْسُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الْمَغْفِرَةُ

و تهلیل و تکبیر و حکم بپاک بودن و رحمت و آمرزش

والكبرياء والعظمة ولك ما زكى وطاب وطهر من

وبزرگواری و بزرگی وبرای تست انچه پاکیزه وخوش وپاك باشد از

الثناء الطيب والمديح الفاخر والقول الحسن الجميل

ستایش پاکیزه ومدح فخر کننده وگفتار خوب نیکوئی

الذي ترضى به عن قائله وترضي به قائله و

که خوشنود کردی بان از گوینده ان وراضی گردانی بسبب ان گوینده انرا و

هو رضا لك يتصل حمدي بحمد اول الحامدين

ان رضا است باشد برای تو پیوسته گردد حمد من بحمد اول حمد کنندگان

وثنائي بثناء اول المثنين على رب العالمين متصلا

وستایش من بستایش اول ستایش کنندگان بر پروردگار عالمیان درحالیکه متصل باشد

ذلك بذلك وتهليلي بتهليل اول المهللين وتكبيري

ان بان وپیوسته باشد تهلیل من بتهلیل اول تهلیل کنندگان وتکبیر من

بتكبير اول المكبرين وقولي الحسن الجميل بقول

بتکبیر اول تکبیر کنندگان وگفتار خوب نیکوی من بگفتار

اول القائلين المجملين المثنين على رب العالمين

اول گویندگان نیکوگفتار ثناگویان بر پروردگار عالمیان

متصلا ذلك بذلك وتهليلي بتهليل اول المجملين

درحالیکه متصل باشد ان بان وپیوسته باشد تهلیل من بتهلیل اول نیکوگفتاران

المثنين على رب العالمين متصلا ذلك بذلك من اول

ثناگویان بر پروردگار عالمیان درحالیکه متصل باشد ان بان از ابتداء

الدهر الى اخره وبعدد ذرا السموات والارضين

روزگار تا اخر ان و بعدد ذره اسمانها و زمینها

والرمال والتلال والجبال وعدد جرع ماء البحار

و ریگها و تلها وکوهها وعدد جرعهای اب دریاها

وعدد قطر الامطار وورق الاشجار وعدد النجوم

وعدد قطرهای بارانها و برگ درختان و عدد ستارها

وعدد الثرى والحصى والنوى والمدر وعدد زنة

و عدد خاك وسنگ ریزها وهسته خرما وکلوخها وعدد هم وزن

ذلك وعدد زنة السموات والارضين وما فيهن

ان وعدد هم وزن اسمانها و زمینها و انچه در انهاست

وما بينهن وما تحتهن وما بين ذلك وما فوق ذلك

وانچه میان انها وانچه زیر انهاست وانچه میان ان و انچه بالای انست

الى يوم القيمة من لدن العرش الى قرار ارضك

تا روز قیامت از نزد عرش تو تا قرارگاه زمین

السابعة السفلى وبعدد حروف الفاظ اهلهن

هفتمین پایین تو وبعدد حرفهای لفظهای اهل انها

وَعَدَدِ اَزْمَانِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَشَعَائِرِهِمْ وَسَاعَاتِهِمْ

وعدد زمانهای ایشان ودقیقهای ایشان وعلامتهای ایشان وساعتهای ایشان

وَاَيَّامِهِمْ وَشُهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ

وروزهای ایشان وماههای ایشان وسالهای ایشان وسکون ایشان وحرکتهای ایشان

وَاَشْعَارِهِمْ وَاَبْشَارِهِمْ وَعَدَدِ زِنَةِ مَا عَمِلُوا اَوْ يَعْمَلُونَ

وموهای ایشان وپوستهای ایشان وعدد هم وزن انچه کرده اند یا میکنند

اَوْ بَلَغَهُمْ اَوْ رَاَوْا اَوْ ظَنُّوا اَوْ فَطِنُوا اَوْ كَانَ مِنْهُمْ

یا رسیده است بایشان یا دانسته اند یا گمان کرده اند یا متفطن شده اند یا صادر شده از ایشان

اَوْ يَكُونُ مِنْهُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذٰلِكَ

یا صادر میشود از ایشان تا روز قیامت وعدد هم وزن ذرّ آن

وَاَضْعَافِ ذٰلِكَ وَكَاَضْعَافِ ذٰلِكَ اَضْعَافًا

و چندانهای آن ومانند دوچندانهای آن دوچندانهای

مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

زیاد کرده شده کند اندانهارا وشماره انهارا غیر تو ای صاحب بزرگی

وَالْاِكْرَامِ وَاَهْلُ ذٰلِكَ اَنْتَ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ

وگرامی داشتن وسزاوار این توئی ومستحق آن ومستوجب آن

مِنِّي وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

از من واز همه خلق خودت ای از نو آفریننده آسمانها و زمین

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَسْتَ بِرَبٍّ اِسْتَحْدَثْنَاكَ وَلَا مَعَكَ اِلٰهٌ

خداوندا بدرستی که تو نیستی پروردگاری که ما احداث کرده باشیم ترا ونیست با تو معبودی

فَيُشْرِكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ وَلَا مَعَكَ اِلٰهٌ اَعَانَكَ

پس شریک شود با تو در پروردگاری تو ونیست با تو خدائی که یاری کرده باشد ترا

عَلٰى خَلْقِنَا اَنْتَ رَبُّنَا كَمَا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ

بر آفریدن ما تو پروردگار مائی چنانکه میگوئی وبالاتر از انچه میگویند

الْقَائِلُونَ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

گویندگان سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه

تُعْطِيَ مُحَمَّدًا اَفْضَلَ مَا سَاَلَكَ وَاَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ

عطا کنی بمحمد بهترین انچه سؤال کرده است از تو وبهترین انچه سؤال کرده شده تو برای او

وَاَفْضَلَ مَا اَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اُعِيذُ

وبهترین انچه تو سؤال کرده میشوی برای او تا روز قیامت پناه میدهم

اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَنَفْسِي وَ

اهل بیت پیغمبر من محمد صلی الله علیه وآله را ونفس خود را

دِينِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاَهْلِي وَقَرَابَتِي وَاَهْلَ بَيْتِي

ودین خود ومال خود واولاد خود واهل خود ونزدیکان خود واهل بیت خود

وَكُلَّ ذِي رَحِمٍ لِي دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ اَوْ يَدْخُلُ

وهر صاحب خویشی را برای من که داخل شده است در دین اسلام یا داخل شود

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَخَزَائِنِي وَخَاصَّتِي وَمَنْ قَلَّدَنِي

تا روز قیامت وخزانهٔ خودرا ومخصوصان خودرا وهرکرا که بر کردن من احسان نهادست

دُعَاءً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ يَدًا أَوْ رَدَّ عَنِّي غِيبَةً أَوْ

دعائی یا احسان کرده است بسوی من نعمتی را یا باز کردانیده است از من غیبتی را یا

قَالَ فِيَّ خَيْرًا أَوِ اتَّخَذْتُ عِنْدَهُ يَدًا أَوْ صَنِيعَةً

کفته است درباره من چیزی را یا فرا کرفته ام نزداو نعمتی یا احسانی را

وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللهِ

وهمسایکان خود وبرادران خودرا از مردان مؤمن وزنان مؤمنه بخدا

وَبِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ

وبنامهای او که تمام وعام وشامل وکامل

الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُتَعَالِيَةِ الزَّكِيَّةِ

وپاك وصاحب فضیلت وصاحب برکت وبلند وپاکیزه

الشَّرِيفَةِ الْمَنِيعَةِ الْكَرِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ

وشریف وقوی غالب وکرامی وبزرك وخزانه کذاشته شده

الْمَكْنُونَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ وَبِأُمِّ

وپنهان کرده شده اند که تجاوز نمیکند از آنها نیکوکاری ونه بدکرداری وبام

الْكِتَابِ وَخَاتِمَتِهِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ وَ

الکتاب وآخر کتاب وآنچه در میان ام الکتاب وآخر کتابست از سوره شریفه و

آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ وَعَوْذَةٍ وَبَرَكَةٍ وَ

آیه محکمه وشفائی ورحمتی وتعویذی وبرکتی و

بِالتَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ

بتورات وانجیل وزبور وقران وصحف ابرهیم

وَمُوسَى وَبِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللهُ وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ

وموسی وبهر کتابی که نازل کردانیده است آنرا خدا وبهر پیغمبر مرسلی که فرستاده است اورا

اللهُ وَبِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللهُ وَبِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ

خدا وبهر حجتی که برپای داشته است آنرا خدا وبهر دلیلی که ظاهر کرده است آنرا

اللهُ وَبِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللهُ وَبِكُلِّ آلَاءِ اللهِ وَعَظَمَتِهِ

خدا وبهر نوری که روشن کرده است آنرا خدا وبهمه نعمتهای خدا وبزرکی او

أُعِيذُ نَفْسِي وَأَسْتَعِيذُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ مَا

پناه میدهم نفس خودرا وپناه میجویم از شر هر صاحب شری واز شر آنچه

أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ أَكْبَرُ وَمِنْ

میترسم وحذر میکنم واز شر آنچه پروردکار من از آن بزرکتر است واز

شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ

شر فاسقان عرب وعجم واز شر فاسقان جنیان و

الْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ وَإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ

آدمیان وشیاطین وپادشاهان وابلیس ولشکرهای او

وَاَشْيَاعِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ وَ

وپیروان او وتابعان او واز شر آنچه در روشنی وتاریکی است و

مِنْ شَرِّ مَا دَهِمَ اَوْ هَجَمَ اَوْ اَلَمَّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ

از شر آنچه فرو گیرد یا هجوم کند یا نازل شود واز شر هر غمی و اندوهی

وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ

وآفتی و پشیمانی و بلائی و بیماری واز شر آنچه حادث میشود

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَاتِي بِهِ الْاَقْدَارُ وَمِنْ شَرِّ مَا

در شب و روز و می آورد آنرا تقدیرات واز شر آنچه

فِي النَّارِ وَشَرِّ مَا فِي الْاَرَضِينَ وَالْاَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ

در آتش است وشر آنچه در زمینها و اطراف زمین و صحراها

وَالْبِحَارِ وَالْاَنْهَارِ وَمِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَالْفُجَّارِ وَ

و دریاها و نهرهاست واز شر همه فاسقان و فاجران و

الْكُهَّانِ وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالدُّعَّارِ وَالْاَشْرَارِ

کاهنان و ساحران و حسد برندگان و افساد کنندگان و بدان

وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ

واز شر آنچه فرو میرود در زمین وآنچه بیرون می آید ازان وآنچه نازل میشو

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ اِلَيْهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ

از آسمان وآنچه بالا میرود بسوی آسمان واز شر هر صاحب شری واز

شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ

شر هر جنبنده که پروردگار من گرفته است ناصیه آنرا بدرستی که پروردگار من بر راه

مُسْتَقِيمٍ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ

راست است پس اگر رو بگردانند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَاَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ

توکل کرده ام و او پروردگار عرش بزرگست و پناه میبرم بتو خداوندا

مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

از غم و اندوه و عاجز شدن و کسالت و بیجرائی و بخل و زبونی

وَمِنْ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَمِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

واز سنگینی قرض و غلبه مردان واز عملی که نفع نرساند

وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ

واز چشمی که اشک نریزد واز دلی که فروتنی نکند واز دعائی که مستجاب نشود

وَمِنْ نَصِيحَةٍ لَا تَنْجَعُ وَمِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ وَمِنْ اِجْمَاعٍ

واز نصیحتی که نفع نرساند واز مصاحبانی که منع ننمایند واز عزم نمودن

عَلٰى نُكْرٍ وَتَوَدُّدٍ عَلٰى خُسْرٍ اَوْ تَاَخُّذٍ عَلٰى خُبْثٍ وَ

بر قبیح و دوستی کردن بر زیان کاری یا دادوستد نمودن برناخوشی و

مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَالْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَالْاَنْبِيَا

از آنچه پناه جستند ازان محمد و فرشتگان مقرب و پیغمبران

المرسلون والائمة المطهرون والشهداء والصالحون
مرسل وامامان پاک شدگان از گناه وشهیدان وصالحان
وعبادك المتقون واسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وبندگان متقی تو وسؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد
وان تعطيني من الخير ما سألوا وان تعيذني من الشر
واینکه عطا کنی بمن از خیر آنچه را که سؤال کرده اند واینکه پناه دهی مرا از شر
ما استعاذوا واسألك اللهم من الخير كله عاجله و
آنچه پناه جسته اند وسؤال میکنم ترا خداوندا از خیر همه آن دنیوی آن و
آجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك رب
اخروی آن از آنچه دانسته ام از آن واز آنچه ندانسته ام وپناه میبرم بتو ای پروردگار من
من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون
از همزات شیاطین وپناه میبرم بتو ای پروردگار من از اینکه حاضر کرده شوند نزد من
بسم الله على اهل بيت النبي محمد صلى الله عليه
بنام خدا بر اهل بیت پیغمبر یعنی محمد صلی الله علیه
وآله بسم الله على نفسي وديني بسم الله على اهلي
وآله بنام خدا بر نفس من ودین من بنام خدا بر اهل من
ومالي بسم الله على كل شيء اعطاني ربي بسم الله
ومال من بنام خدا بر هر چیزی که عطا کرده است بمن پروردگار من بنام خدا

على احبتي وولدي وقراباتي بسم الله على جيراني
بر دوستان من وفرزندان من وخویشان من بنام خدا بر همسایگان
المؤمنين واخواني ومن قلدني دعاء او اتخذ
مؤمن من وبرادران من وهر کسی که انداخته است بر گردن من دعا را یا فرا گرفته است
عندي صنيعة او اسدى الي يدا من المؤمنين
نزد من احسانی را یا احسان کرده است بسوی من نعمتی را از مردان مؤمن
والمؤمنات بسم الله على ما رزقني ربي ويرزقني
وزنان مؤمنه بنام خدا بر آنچه روزی کرده است مرا پروردگار من وروزی میکند مرا
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض و
بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین و
لا في السماء وهو السميع العليم اللهم صل
نه در آسمان واوست شنوای دانا خداوندا رحمت فرست
على محمد وآل محمد وصلني بجميع ما سألك عبادك
بر محمد وآل محمد ورعایت کن مرا بهمه آنچه سؤال کرده اند از تو بندگان
المؤمنون وان تصلهم به من الخير واصرف عني
مؤمن تو واینکه رعایت کنی ایشان را بآن از خیر وبازگردان از من
جميع ما سألك عبادك المؤمنون ان تصرفه عنهم
همه آنچه را که سؤال کرده اند از تو بندگان مؤمن تو اینکه بازگردانی آنرا از ایشان

مِنَ السُّوءِ وَالرَّدی وَزِدْنی مِنْ فَضْلِكَ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ
از بدی وهلاکت وزیاده کردان مرا از فضل خود آنچه تو سزاوارِ آن
وَوَلِیُّهُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
ومولی آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و
اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجِی
اهل بیت او که پاکیزه کانند وتعجیل کن خداوندا کشایش ایشانرا وکشایش مرا
وَفَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ
وکشایش ده از هر غمگینی از مردان مؤمن وزنان مؤمنه خداوندا
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی نَصْرَهُمْ وَاَشْهِدْنِی
رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن بمن نصرت کردن ایشانرا وحاضر ساز مرا
اَیَّامَهُمْ وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
در روزکار ایشان وجمع کن میان من ومیان ایشان در دنیا و آخرت
وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَیْهِمْ وَاقِیَةً حَتّٰی لَا یُخْلَصَ اِلَیْهِمْ اِلَّا
وبگردان از جانب خود بر ایشان نگاهدارنده تا آنکه رسیده نشود بسوی ایشان مگر
بِسَبِیلِ خَیْرٍ وَعَلٰی تَبَعِهِمْ وَعَلٰی شِیعَتِهِمْ وَمُحِبِّیهِمْ وَ
از راه خیری و بر تابعان ایشان و بر پیروان ایشان و بر محبان ایشان و
عَلٰی اَوْلِیَائِهِمْ وَعَلٰی جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَاِنَّكَ
بر دوستان ایشان و بر همه مردان مؤمن وزنان مؤمنه پس بدرستی که تو

یعنی کسی از دشمنان ایشان تا بایشان
رساند تا آنکه از آنکه دشمنی او زایل
گردد و از راه خیر روی با ایشان
بیند

عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ
بر همه چیز بغایت توانائی بنام خدا وبیاری خدا واز جانب خدا وبسوی خدا
وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبِیَ
ونیست غلبه کننده مگر خدا آنچه خواست خدا شده است نیست توانائی مگر بخدا بس است مرا
اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ وَ
خدا توکل کردم بر خدا وتفویض میکنم کار خودرا بسوی خدا و
اَلْتَجِئُ اِلَی اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اُحَاوِلُ وَاُصَاوِلُ وَاُكَاثِرُ
التجا می آورم بسوی خدا وبخدا قصد میکنم وحمله می آورم وزیادتی میکنم
وَاُفَاخِرُ وَاَعْتَزُّ وَاَعْتَصِمُ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَیْهِ
وفخر می نمایم وعزیز میکردم وچنگ می زنم بر او توکل کردم وبسوی اوست
مَتَابِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ عَدَدَ الثَّرٰی وَالنُّجُومِ
بازگشتن میگویم که نیست خدائی مگر الله که زنده بخود برپاست بعدد خاک وستارها
وَالْمَلٰئِكَةِ الصُّفُوفِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ
وفرشتگان صف زننده نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او
الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ
بلند رتبه بزرگ مرتبه است نیست خدائی مگر الله بپاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من هستم از جمله ستمکاران
وَ از جملهٔ توقیعاتی که از جانب حضرت صاحب
الزمان صلوات الله وسلامه علیه بعز اصدار یافته است

بسوی محمد بن صلت قمی علیه الرحمة اینست که ابن دعا را
زیادتی و تتمه هست و از تتمه اینست

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِیْمِ وَرَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفِیْعِ
خداوندا ای پروردگار نور عظیم و پروردگار کرسی بلند
وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِیْلِ وَ
و پروردگار دریای پر از آب و نازل کننده توریة و انجیل و
رَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُوْرِ وَمُنْزِلَ الزَّبُوْرِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِیْمِ
پروردگار سایه و گرما و نازل کننده زبور و قرآن بزرگ مرتبه
وَرَبَّ الْمَلٰٓئِکَةِ الْمُقَرَّبِیْنَ وَالْاَنْبِیَآءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ
و پروردگار فرشتگان مقرب و پیغمبران و رسولان
اَنْتَ اِلٰهُ مَنْ فِی السَّمَآءِ وَاِلٰهُ مَنْ فِی الْاَرْضِ لَا
توئی خدای هرکه در آسمانست و خدای هرکه در زمین است نیست
اِلٰهَ فِیْهِمَا غَیْرُکَ وَاَنْتَ جَبَّارُ مَنْ فِی السَّمَآءِ وَجَبَّا
خدا در آسمان و زمین غیر تو و توئی جبر کننده هرکه در آسمان است و جبر کننده
مَنْ فِی الْاَرْضِ لَا جَبَّارَ فِیْهِمَا غَیْرُکَ وَاَنْتَ حَکَمُ
هرکه در زمین است نیست جبر کننده در آسمان و زمین غیر تو و توئی حکم کننده
مَنْ فِی السَّمَآءِ وَحَکَمُ مَنْ فِی الْاَرْضِ لَا حَکَمَ فِیْهِمَا
هرکه در آسمان است و حکم کننده هرکه در زمین است نیست حکم کننده در آسمان و زمین

غَیْرُکَ وَاَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِی السَّمَآءِ وَخَالِقُ مَنْ فِی الْاَرْضِ
غیر تو و توئی آفریننده هرکه در آسمان است و آفریننده هرکه در زمین است
لَا خَالِقَ فِیْهِمَا غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ
نیست آفریننده در آسمان و زمین غیر تو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بحق ذات
الْکَرِیْمِ وَبِنُوْرِ وَجْهِکَ الْمُشْرِقِ وَمُلْکِکَ الْقَدِیْمِ یَا
کریم تو و بحق نور ذات روشن تو و پادشاهی قدیم تو ای
حَیُّ یَا قَیُّوْمُ اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ اَشْرَقَتْ بِهِ
زنده ای بخود برپای سؤال میکنم تو را بنام تو که درخشنده گشت بآن
السَّمٰوٰتُ وَالْاَرَضُوْنَ وَبِاسْمِکَ الَّذِیْ عَلَیْهِ یَصْلَحُ
آسمانها و زمینها و بنام تو که بسبب آن باصلاح آمدند
الْاَوَّلُوْنَ وَالْاٰخِرُوْنَ یَا حَیًّا قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیًّا
پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده
بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیًّا حِیْنَ لَا حَیَّ وَیَا مُحْیِیَ الْمَوْتٰی وَیَا
بعد از هر زنده ای زنده در هنگامی که نیست هیچ زنده و ای زنده کننده مردها و ای
حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ
زنده نیست خدائی مگر تو ای زنده ای بخود برپای سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِیْ مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ
بر محمد و آل محمد و روزی دهی مرا از جائی که گمان دارم و از

مراد از نور ذات حق تعالی صفات
کمال حق تعالی است و روشن بودن
حق تعالی عبارت است از تدبیر کردن
حق تعالی احوال مخلوقات و تکفل ارزاق
بندگان بالعقود والله تعالی اعلم

لا أحتسب رزقاً واسعاً حلالاً طيباً وأن تفرج عني
که گمان ندارم روزی فراخی حلالی پاکیزه و اینکه برطرف کنی از من
كل غم وكل هم وأن تعطيني ما أرجوه وآمله إنك
هر غمی و هر اندوهی و اینکه عطا کنی بمن آنچه را امید دارم از او و دارم امید از او بدرستیکه تو
على كل شيء قدير وخواندن دعای عشرات ده هر
بر همه چیز قادری صبح و شام سنت است و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله والحمد لله
بنام خدای بخشاینده مهربان بپاکی یاد میکنم خدا را و ستایش مر خدا را
ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة
و نیست خدا مگر الله و خدا بزرگ تر است و نیست توانائی و نیرو
إلا بالله العلي العظيم سبحان الله آناء الليل و
مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه بپاکی یاد میکنم خدا را در ساعتهای شب و
أطراف النهار سبحان الله بالغدو والآصال سبحان
طرفهای روز بپاکی یاد میکنم خدا را در وقتهای صبح و وقتهای شام بپاکی یاد میکنم
الله بالعشي والإبكار سبحان الله حين تمسون وحين
خدا را در وقت خفتن و بامداد بپاکی یاد میکنم خدا را هنگامی که شام میکنید و هنگامی
تصبحون وله الحمد في السموات والأرض وعشيا
که صبح میکنید و برای اوست ستایش در آسمانها و زمین و در وقت خفتن

وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من
و هنگامی که داخل در وقت ظهر میشوید بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از
الحي ويحيي الأرض بعد موتها وكذلك تخرجون سبحان
زنده و زنده میکرداند زمین را بعد از مردن آن و اینچنین بیرون آورده خواهید شد منزه است
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند کافران و درود بر پیغمبران مرسل باد
والحمد لله رب العالمين سبحان ذي الملك والملكوت
و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است پاک است خداوندی که صاحب ملک و پادشاهی است
سبحان ذي العزة والجبروت سبحان ذي الكبرياء
پاک است خداوندی که صاحب غلبه و قهر است پاک است خداوندی که صاحب بزرگواری
والعظمة الملك الحق المبين القدوس سبحان الملك
و عظمت است پادشاه حق هویدای بسیار پاکیزه پاک است پادشاه
الحي الذي لا يموت سبحان الملك الحي القدوس سبحان
زنده که نمی میرد پاک است پادشاه زنده بسیار پاکیزه پاک است
القائم الدائم سبحان العلي الأعلى سبحان الدائم
خداوند برپای همیشه پاک است خداوند بلند مرتبه برتر پاک است خداوند همیشه
القائم سبحان ربي العظيم سبحان ربي الأعلى
برپا پاک است پروردگار من که بزرگ رتبه است پاک است پروردگار من که بلند تر است

سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ

پاکست زنده بخود برپای پاکستاوو بلندست بسیار پاکیزه بسیار منزه است

رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح است پاکست خداوندی که همیشه است

غَيْرِ الْغَافِلِ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ سُبْحَانَ خَالِقِ

و غافل نمیگردد پاکست خداوندی که داناست بدون تعلیمی پاکست خداوند آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ

آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خداوندی که می بیند چشمها را

وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اَللّٰهُمَّ

و نمی بینند او را چشمها و اوست دانای آگاه خداوندا

إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ وَبَرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ

بدرستی که من صبح کرده ام از جانب تو در نعمتی و خوبی و برکتی و تندرستی

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ

پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تمام گردان بر من نعمت خود و خوبی خود

وَبَرَكَاتِكَ وَعَافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرَامَتَكَ أَبَدًا

و برکتهای خود و تندرستی از جانب خود را و فضل تو و گرامی داشتن تو مرا همیشه

مَا أَبْقَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ وَبِفَضْلِكَ

مادام که باقی میداری مرا خداوندا بسبب نور تو هدایت یافتم و بسبب فضل تو

اسْتَغْنَيْتُ وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بی نیاز گشتم و در نعمت تو صبح کردم و شام کردم خداوندا بدرستی که من

أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلٰئِكَتَكَ وَ

گواه میگیرم ترا و بس است تو برای گواه بودن و گواه میگیرم فرشتگان ترا و

أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمٰوَاتِكَ

پیغمبران ترا و رسولان ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای تو

وَأَرَضِيكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

و زمینهای تو و همه مخلوقات ترا باینکه تو توئی خدائی که نیست خدائی مگر

أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ

تو یگانه نیست شریکی برای تو و اینکه محمد بنده تو و

رَسُولُكَ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُحْيِي وَتُمِيتُ وَ

رسول تست و اینکه تو بر هر چیز بسیار توانائی زنده میکردانی و می میرانی

أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ

گواهی میدهم اینکه بهشت حق است و اینکه آتش حق است و حشر حق است

وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

و قیامت آینده است نیست شکی در آن و اینکه خدا بر می انگیزاند هر که را که در

الْقُبُورِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

قبرهاست و گواهی میدهم اینکه علی بن ابی طالب فرمانفرمای مومنانست

حَقّاً حَقّاً وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهٖ هُمُ الْاَئِمَّةُ الْهُدَاةُ
براستی و درستی و اینکه امامان از اولاد او ایشانند امامان راهنمایندگان
الْمَهْدِيُّوْنَ غَيْرُ الضَّآلِّيْنَ وَلَا الْمُضِلِّيْنَ وَاَنَّهُمْ
راه یافتگان نه گمراهان و نه گمراه کنندگان و اینکه ایشان
اَوْلِيَآؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ وَحِزْبُكَ الْغَالِبُوْنَ وَصَفْوَتُكَ
دوستان برگزیدگان تواند و گروه غلبه کنندگان تواند و برگزیدگان تو
وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلٰى عِبَادِكَ
و اختیار کرده شدگان تواند از خلق تو و برگزیدهٔ ایشانرا بر همه بندگان خود
وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِيْنَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَ
و گردانیدهٔ ایشانرا حجت بر همه عالمیان رحمتهای تو بر ایشان باد و
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ لِيْ
درود و رحمت خدا و برکتهای او خداوندا بنویس برای من
هٰذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتّٰى تُلَقِّيَنِيْهَا وَاَنْتَ عَنِّيْ رَاضٍ
این گواهی را نزد خودت تا اینکه برسانی آنرا بمن و حال آنکه تو از من راضی باشی
اِنَّكَ عَلٰى مَا تَشَآءُ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
بدرستیکه تو بر آنچه خواهی قادری خداوندا برای تست سپاس سپاسی
يَصْعَدُ اَوَّلُهٗ وَلَا يَنْفَدُ اٰخِرُهٗ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
که بالا رود اول آن و آخر نشود آخر آن خداوندا برای تست سپاس

وَنُجَبَآءَكَ الَّذِيْنَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِيْنِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَآءُ كَنَفَيْهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْاَرْضُ
سپاسی که پست کند از برای تو آسمان دو بال خود را و تسبیح کند برای تو زمین
وَمَنْ عَلَيْهَا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا اَبَدًا لَا
و هر که بر روی آنست خداوندا برای تست سپاس سپاسی دائمی ابدی که نباشد
انْقِطَاعَ لَهٗ وَلَا نَفَادَ وَلَكَ يَنْبَغِيْ وَاِلَيْكَ يَنْتَهِيْ فِيَّ
انقطاعی برای آن و نه آخر شدنی و برای تو سزاوار باشد و بسوی تو منتهی شود در من
وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِيْ وَقَبْلِيْ وَبَعْدِيْ وَاَمَامِيْ وَخَلْفِيْ
و بر من و نزد من و با من و پیش از من و بعد از من و پیش روی من و عقب من
وَفَوْقِيْ وَتَحْتِيْ وَاِذَا مِتُّ وَبَقِيْتُ فَرْدًا وَحِيْدًا ثُمَّ
و بالای سر من و در زیر من و هر گاه بمیرم و باقی بمانم تنهای غریب بعد از آن
فَنِيْتُ وَلَكَ الْحَمْدُ اِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ
فانی شوم و برای تست سپاس هر گاه محشور کردم و برانگیخته شوم ای آقای من
اَللّٰهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيْعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلٰى جَمِيْعِ
خداوندا و برای تست حمد و شکر بهمه حمدهای تو همهٔ آنها بر همه
نَعْمَآئِكَ كُلِّهَا حَتّٰى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ اِلٰى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا
نعمتهای تو همهٔ آنها تا اینکه منتهی شود حمد بسوی آنچه دوست میداری ای پروردگار ما
وَتَرْضَاهُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ اَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ
و خوشنود میگردی از آن خداوندا برای تست سپاس بر هر خوردنی و آشامیدنی

وَبَطْشَتِهِ وَقَبْضَتِهِ وَبَسْطَتِهِ وَفِي كُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَةٍ اَللّٰهُمَّ

وسختگیری وگرفتنی و دادنی ودر هر جای موی خداوندا

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

برای تست حمد حمدی که دایمی باشد با دایمی بودن تو وبرای تست حمد حمدی

لَا مُنْتَهٰى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَمَدَ

که نباشد منتهای برای آن غیر علم تو وبرای تست حمد حمدی که نباشد آخری

لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَجْرَ لِقَائِلِهِ

برای آن غیر خواستن تو وبرای تست حمد حمدی که نباشد مزدی برای گوینده آن

اِلَّا رِضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا عَلٰى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

مگر خوشنودی تو وبرای تست حمد حمدی بر حلم کردن تو بعد از دانستن تو

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا عَلٰى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَلَكَ

وبرای تست حمد حمدی بر عفو کردن تو بعد از قدرت تو وبرای تست

الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ

حمد ای سبب حمد وبرای تست حمد ای میراث برنده حمد وبرای تست حمد

بَدِيعَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ

ای نو پیدا آورنده حمد وبرای تست حمد ای منتهای حمد وبرای تست حمد ای نو آفریننده

الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ

حمد وبرای تست حمد ای خریدار حمد وبرای تست حمد ای متولی

الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ

حمد وبرای تست حمد ای کسی که قدیم است حمد او وبرای تست حمد ای راست وعده

وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَائِمَ الْمَجْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ

ای وفا کننده بعهد ای کسی که غالب است سپاه او ای کسی که برپاست بزرگی او وبرای تست حمد

رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْاٰيَاتِ

ای کسی که بلند است مرتبهای او ای اجابت کننده دعاها ای نازل کننده آیتها

مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجَ النُّورِ

از بالای هفت آسمان ای کسی که بزرگست برکتهای او ای بیرون آورنده روشنی

مِنَ الظُّلُمَاتِ وَمُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ

از تاریکیها وبیرون آورنده کسی که در تاریکیهاست بسوی روشنی

مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ

ای بدل کننده بدیها به نیکیها و گرداننده نیکیها مرتبها

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ

خداوندا برای تست حمد ای آمرزنده گناه وقبول کننده توبه سخت

الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ

عذاب صاحب انعام نیست خدای مگر تو بسوی تست بازگشت

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي

خداوندا برای تست حمد در شب هرگاه بپوشاند وبرای تست حمد در

النهار اذا تجلى ولك الحمد في الآخرة والاولى
روز هرگاه ظاهر شود وبرای تست حمد در آخرت و دنیا
ولك الحمد عدد كل نجم وملك في السماء ولك
وبرای تست حمد بعدد هر ستاره و فرشته که در آسمان است وبرای تست
الحمد عدد الثرى والحصى والنوى ولك الحمد
حمد بعدد خاك و سنگ ریزها و هستهای خرما وبرای تست حمد
عدد ما في جوف الارض ولك الحمد عدد اوزان
بعدد آنچه در میان زمین است وبرای تست حمد بعدد وزنهای
مياه البحار ولك الحمد عدد اوراق الاشجار ولك
آبهای دریاها وبرای تست حمد بعدد برگهای درختان وبرای تست
الحمد عدد ما على وجه الارض ولك الحمد عدد
حمد بعدد آنچه بر روی زمین است وبرای تست حمد بعدد
ما احصى كتابك ولك الحمد عدد ما احاط به
آنچه شمرده است کتاب تو وبرای تست حمد بعدد آنچه احاطه کرده است آن
علمك ولك الحمد عدد الانس والجن والهوام و
علم تو وبرای تست حمد بعدد آدمیان وجنیان وجانوران گزنده و
الطير والبهائم والسباع حمدا كثيرا طيبا مباركا
مرغان وچهارپایان ودرندگان حمدی بسیار پاکیزه برکت داده شده

فيه كما تحبه ربنا وترضى وكما ينبغي لكرم وجهك
در آن چنانکه دوست میداری ای پروردگار ما وخوشنود میگردی وچنانکه سزاوار باشد بر آن کریم بودن ذات تو
وعز جلالك پس ده مرتبه میگوئی لا اله الا الله وحده
وعزیز بودن بزرگواری تو نیست خدائی مگر الله یکی است او
لا شريك له له الملك وله الحمد وهو اللطيف الخبير
نیست شریکی برای او برای اوست پادشاهی وبرای اوست ستایش واوست دانای آگاه
بعد از ده مرتبه میگوئی لا اله الا الله وحده لا شريك
نیست خدائی مگر الله یکی است او نیست شریکی
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي
برای او برای اوست پادشاهی وبرای اوست حمد زنده میکند ومیمیراند ومیمیراند وزنده میکند
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
واوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر واو بر هر چیز بغایت توانا
بعد از ده مرتبه میگوئی استغفر الله الذي لا اله الا هو
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او
الحي القيوم واتوب اليه بعد از ده مرتبه میگوئی يا الله
زنده بخود برپا است وبازگشت میکنم بسوی او ای خدا
يا الله وده مرتبه يا رحمن يا رحمن وده مرتبه يا رحيم يا رحيم
ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان

وده مرتبه یا بدیع السموات والارض وده مرتبه یا ذا الجلال
ای نو پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگی
والاکرام وده مرتبه یا حنان یا منان وده مرتبه یا حی یا
وگرامی داشتن ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای زنده ای
قیوم وده مرتبه یا حی لا اله الا انت وده مرتبه یا الله
بجود برپا ای زنده نیست خدائی مگر تو ای خدا
لا اله الا انت وده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم وده
نیست خدائی مگر تو بنام خدای بخشاینده مهربان
مرتبه اللهم صل علی محمد وال محمد وده مرتبه اللهم افعل
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد خداوندا بکن
بی ما انت اهله وده مرتبه امین امین وده مرتبه
بمن آنچه تو سزاواری خداوندا مستجاب کن خداوندا مستجاب کن
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یگانه خداست مقصود در حاجتها
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد بعد از آن
نزاییده است و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی
میگوئی اللهم اصنع بی ما انت اهله ولا تصنع بی ما
خداوندا بکن با من آنچه تو سزاواری و مکن با من آنچه

انا اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة وانا
من سزاوارم پس بدرستی که تو هستی سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش و من هستم
اهل الذنوب والخطایا فارحمنی یا مولای وانت
اهل گناهان و خطاها پس رحم کن مرا ای آقای من و تو
ارحم الراحمین بعد از آن ده مرتبه میگوئی لا حول ولا قوة
رحم کننده ترین رحم کنندگانی نیست گردیدنی و نه توانائی
الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد
مگر بخدا توکل کردم بر زنده که نمی میرد و سپاس
لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
مر خدا راست که فرا نگرفته است فرزندی و نیست برای او شریکی
فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
در پادشاهی و نیست برای او دوستی از جهت خواری و تعظیم کن او را
تکبیرا دعای دیگر که هر شام خوانده میشود و مرویست که
تعظیم کردنی حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام
در شبی که بجای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابیده و آن
حضرت از مکه معظمه هجرت نموده این دعا را خوانده است و دعا اینست
امسیت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول
شام کردم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو که نزاع کرده نمیشود

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شبی که بجای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابید این دعا را خوانده

ولا يحاول من شر كل غاشم وطارق ومن سائر من

وقصد کرده نمیشود از شر هر ستم کننده و وارد شونده در شب و از جمیع هر که

خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق

آفریدی و آنچه آفریده تو از مخلوقات خود که خاموش و گویا باشد

من كل مخوف بلباس سابغة ولاء أهل بيت

از هر ترسیده شده بزره فراخ گران دوستی اهل بیت

نبيك محمد عليهم السلام محتجبا من كل قاصد لي

پیغمبرت محمد بر ایشان باد سلام پوشیده شده از هر قصد کننده مرا

الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف

بازار رسانیدن بدیوار محکم اخلاص ورزیدن در اعتراف کردن

بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق لهم و

بحق ایشان و دست زدن به پیمان ایشان یقین دارنده باینکه حق از برای ایشانست و

معهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب

با ایشان و در ایشان و بسبب ایشانست دوستی میکنم با هر که ایشان دوستی کرده اند و دوری میکنم

من جانبوا فصل على محمد واله واعذني اللهم

از هر که ایشان دوری کرده اند پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و پناه ده مرا خداوندا

بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي

بایشان از شر هرچه میترسم از آن ای بزرگ مرتبه منع کردم دشمنان را

عني ببديع السموات والارض انا جعلنا من بين ايديهم

از خود بنو آفریننده آسمانها و زمین بدرستی که ما کرده ایم از پیش روی ایشان

سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

سدی و از پشت سر ایشان سدی پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمیدیدند

دعا که در صبح خوانده میشود الحمد لله على كل نعمة واستغفر الله

سپاس برای خداست بر هر نعمتی و طلب آمرزش میکنم خدا را

من كل ذنب ولا حول ولا قوة الا بالله من كل هول

از هر گناهی و نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدا از هر ترسی

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله واسلمت نفسي

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا و بیاری خدا و واگذاشتم نفس خود را

الى الله ووجهت وجهي لله وما توفيقي الا بالله

بسوی خدا و متوجه ساختم روی خود را برای خدا و نیست توفیق یافتن من مگر بخدا

وان الفضل بيد الله وان الهدى هدى الله وان

و میدانم اینکه احسان بدست خداست و اینکه هدایت هدایت خداست و اینکه

الامر كله لله وان مردنا الى الله وما الحكم الا

کار همه آن برای خداست و اینکه بازگشت ما بسوی خداست و نیست حکم مگر

لله وما بنا من نعمة فمن الله ولا ياتي بالخير الا الله

از برای خدا و آنچه هست در ما از نعمتی پس از جانب خداست و نمی آورد خیر را مگر خدا

دعای دیگر که در صبح خوانده میشود

وَلَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ اِلَّا اللّٰهُ وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا اِلَّا

وباز نمیکرداند بدیها را مگر خدا و نیست ضرر رساننده ایشان چیزی را مگر

بِاِذْنِ اللّٰهِ وَلَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ وَنِعْمَ الْقَادِرُ

برخصت خدا و نیست نگاهدارنده امروز از فرمان خدا و خوب قادری است

اَللّٰهُ وَنِعْمَ الْمَوْلٰى اللّٰهُ وَنِعْمَ النَّصِيرُ اللّٰهُ وَلَا يَغْفِرُ

خدا و خوب آقائی است خدا و خوب یاری کننده ایست خدا و نمی آمرزد

الذُّنُوبَ اِلَّا اللّٰهُ اَعْدَدْتُ لِكُلِّ حَرَكَةٍ بِسْمِ اللّٰهِ

گناهان را مگر خدا مهیا کرده ام برای هر حرکتی که بگویم بنام خدا

وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِكُلِّ حَسَنَةٍ اَلْمِنَّةُ لِلّٰهِ

و برای هر نعمتی که حمد مر خدا یراست و برای هر خوبی که منت خدا یراست

وَلِكُلِّ سَيِّئَةٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلِكُلِّ شِدَّةٍ اِسْتَعَنْتُ

و برای هر گناهی که طلب آمرزش میکنم از خدا و برای هر سختی که استعانت میجویم

بِاللّٰهِ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ اِنَّا لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

از خدا و برای هر مصیبتی که بدرستی که ما برای خدائیم و نیست گردشی و نه توانائی مگر

بِاللّٰهِ وَاَسْتَهْدِي اللّٰهَ وَاَسْتَكْفِي اللّٰهَ وَاَسْتَعِينُ

بخدا و طلب هدایت میکنم از خدا و طلب کفایت میکنم از خدا و استعانت میجویم

بِاللّٰهِ وَاَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَالْاِسْتِظْهَارُ بِاللّٰهِ وَاَعْتَصِمُ

بخدا و طلب آمرزش میکنم از خدا و استظهار من بخداست و چنگ میزنم

یعنی مهیا کرده ام که در ابتدای هر حرکت
کردن بگویم بسم الله و چون نعمت
بمن برسد بگویم الحمد لله و هر نیکوئی
بمن برسد بگویم المنة لله و در حین
آنکه بعمل گناهی بگویم استغفر الله
و در هنگام هر سختی بگویم استعنت بالله
و بعد از هر مصیبتی بگویم انا لله و انا الیه
راجعون

بحبل

بِحَبْلِ اللّٰهِ وَاُوْمِنُ بِاللّٰهِ وَاَتَوَكَّلُ عَلَى اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ

بریسمان خدا و ایمان می آورم بخدا و توکل میکنم بر خدا بنام خدا

اِعْتَصَمْتُ وَبِاللّٰهِ تَحَصَّنْتُ وَعَلَى اللّٰهِ الْحَيِّ الَّذِي لَا

چنگ زده ام و بخدا پناه آورده ام و بر خدای زنده که نه

يَمُوتُ تَوَكَّلْتُ وَرَمَيْتُ مَنْ يُؤْذِينِي وَيُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ

می میرد توکل کرده ام و انداخته ام کسی را که آزار میکند مرا و آزار میکند مؤمنان

بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

باین کلمه که نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه

دعای دیگر که در صبح و شام خوانده میشود و از حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده است

اَصْبَحْنَا وَالْمُلْكُ وَالْحَمْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ

صبح کرده ایم و حال آنکه پادشاهی و حمد و بزرگی و بزرگواری

وَالْجَبَرُوتُ وَالْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالْجَلَالُ وَالْجَمَالُ وَ

و قهر و غلبه و علم و بردباری و جلالت و خوبی و

الْكَمَالُ وَالْبَهَاءُ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّعْظِيمُ وَالتَّسْبِيحُ

صفات کمال و حسن و حکم بپاکی و عظمت و تسبیح

وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّمْجِيدُ وَالسَّمَاحُ

و تکبیر و تهلیل و حمد کردن و بزرگوار دانستن و بخشش

دعای دیگر که در صبح و شام
خوانده میشود

وَالْجُودُ وَالْكَرَمُ وَالْمَجْدُ وَالْمَنُّ وَالْخَيْرُ وَالْفَضْلُ وَ
وعطا و كرم و شرافت و منت و خير و احسان و
السَّعَةُ وَالْحَوْلُ وَالسُّلْطَانُ وَالْقُوَّةُ وَالْعِزَّةُ وَ
توسعه و قدرت و سلطنت و قوت و عزت و
الْقُدْرَةُ وَالْخَزَائِنُ وَالْفَتْقُ وَالرَّتْقُ وَاللَّيْلُ
توانائى و خزانها و گشادن و بستن و شب
وَالنَّهَارُ وَالظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ
و روز و تاريكيها و نور و دنيا و آخرت
وَالْخَلْقُ جَمِيعاً وَالْأَمْرُ كُلُّهُ وَمَا سَمَّيْتُ وَمَا لَمْ
و مخلوقات همگى و امر همه آن و آنچه نام بردم و آنچه
أُسَمِّ وَمَا عَلِمْتُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَمَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ
نام نبردم و آنچه دانستم و آنچه ندانستم و آنچه موجود شده و آنچه موجود خواهد شد
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ
همه اينها براى خداى كه پروردگار عالميان است سپاس مر خدا راست كه برده است
بِاللَّيْلِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ وَأَنَا فِي نِعْمَةٍ مِنْهُ وَ
شب را و آورده است روز را و حال آنكه من هستم در نعمتى از او و
عَافِيَةٍ وَفَضْلٍ عَظِيمٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا سَكَنَ
عافيتى و تفضل عظيمى سپاس مر خدا راست كه براى اوست آنچه ساكن گرديده

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
در شب و روز و اوست شنواى دانا سپاس مر خدا راست كه
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ
داخل ميكند شب را در روز و داخل ميكند روز را در شب و
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَهُوَ
بيرون مى آورد زنده را از مرده و بيرون مى آورد مرده را از زنده و او
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ اَللّٰهُمَّ لَكَ نُمْسِي وَلَكَ نُصْبِحُ
داناست بآنچه در سينهاست خداوندا براى تو شام و براى تو صبح ميكنيم
وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ نَصِيرُ أَعُوذُ بِكَ أَنْ
و بتو زنده ميشويم و بتو مى ميريم و بسوى تو بازگشت ميكنيم پناه ميبرم بتو از اينكه
أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ
گمراه شوم يا گمراه كرده شوم يا ظلم كنم يا ظلم كرده شوم يا جاهل باشم يا
يُجْهَلَ عَلَيَّ أَوْ أَجُورَ أَوْ يُجَارَ عَلَيَّ يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ
مجهول كرده شود بر من يا ستم كنم يا ستم كرده شود بر من اى گرداننده دلها
ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ
ثابت گردان دل مرا بر اطاعت تو و اطاعت پيغمبر تو خداوندا
لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
ميل مفرما دل مرا بعد از آنكه هدايت كرده باشى مرا و ببخش براى من از نزد خود

رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

رحمتی بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده خداوندا بدرستی که شب و روز

خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَلَا تَبْتَلِنِي فِيهِمَا بِجُرْاَءةٍ عَلٰى

دو مخلوقند از مخلوقاتِ تو پس مبتلا مساز مرا در آنها بجرات کردن بر

مَعَاصِيكَ وَلَا رُكُوبٍ لِمَحَارِمِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِمَا

معصیتهای تو و نه مرتکب شدن برای محرمات تو و روزی کن مرا در آنها

عَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ

عملی قبول کرده شده و سعیی مزد داده شده و تجارتی که هرگز زیان نکند

دعای دیگر که در صبح خوانده میشود از حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده است

يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ

ای کسی که او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای کسی که مانع میشود میان

الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى يَا مَنْ لَيْسَ

مرد و دل او ای کسی که او در منظر اعلی است ای کسی که نیست

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ

مثل مانند او چیزی و اوست شنوای بینا ای بخشنده تر کسی که سؤال کرده شده است

وَيَا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطٰى يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا اَفْضَلَ مُرْتَجًى

وای توانگرتر کسی که عطا کرده است وای خوبتر کسی که خوانده شده است وای بهتر کسی امید داشته شده است

دعای دیگر که در صبح خوانده میشود

وَيَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا

وای شنونده ترین شنوندگان وای بیناترین نظر کنندگان وای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلٰى

رحم کننده ترین رحم کنندگان وای حکم کننده ترین حکم کنندگان رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَامْدُدْ لِي

محمد و آل محمد و وسیع گردان بر من در روزی من و دراز کن برای من

فِي عُمْرِي وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ

در عمر من و پهن کن بر من رحمت خود را و بگردان مرا از کسانی که انتقام میکشی

بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

باو برای دین خود و بدل مکن مرا بغیر من خداوندا بدرستی که تو

تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ فَاَوْسِعْ عَلَيَّ

متکفل شده روزی مرا و روزی هر جنبنده را پس وسیع گردان بر من

وَعَلٰى عِيَالِي مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ

و بر عیال من از روزی تو که فراخ حلال پاکیزه است و

اَكْفِنَا مِنَ الْفَقْرِ مَرْحَبًا بِالْحَافِظِينَ وَحَيَّاكُمَا اللّٰهُ

کفایت کن ما را از بیچیزی مرحبا بدو فرشته حفظ کننده و تحیت فرستد بر شما خدا

مِنْ كَاتِبَيْنِ رَحِمَكُمَا اللّٰهُ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

از دو نویسنده رحمت کند شما را خدا بدانید اینکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدا مگر

وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ

وای بهترین نصرت کنندگان

وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ

وای زودترین حساب کنندگان

الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده
الله یکانه است نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او
ورسوله واشهد ان الدین کما شرع وان
و رسول اوست و گواهی میدهم اینکه دین چنانست که قرار داده است و اینکه
القول کما حدث وان الله هو الحق المبین
گفتار چنانست که حکایت کرده است و اینکه خدا اوست حق هویدا
اللهم بلغ محمدا وال محمد افضل التحیة وافضل
خداوندا برسان بمحمد و آل محمد بهترین تحیت و بهترین
السلام اصبحت وربی محمود اصبحت لا اشرك
سلام را صبح کردم و حال آنکه پروردگار من ستوده شده است صبح کرده ام در حالتیکه شریک نمیکنم
به شیئا ولا ادعو مع الله احدا ولا اتخذ من دونه
با او چیزی را و نمیخوانم با خدا کسی را و فرا نمیگیرم از غیر او
ولیا اصبحت عبدا مملوکا لا املك الا ما
دوستی را صبح کرده ام در حالتیکه هستم بندهٔ مملوک که مالک نیستم مگر آنچه را
ملکنی ربی اصبحت لا استطیع ان اسوق الی
که مالک کرد اینده است مرا پروردگار من صبح کرده ام در حالتیکه قادر نیستم اینکه بکشانم بسوی
نفسی خیر ما ارجو ولا اصرف عنها شر ما احذر
نفس خود خیر آنچه را که امید دارم و باز نمیتوانم گردانید از نفس خود شر آنچه را که حذر دارم

اصبحت

اصبحت مرتهنا بعملی اصبحت فقیرا لا اجد افقر
صبح کرده ام در حالتیکه در گرو عمل خود هستم صبح کرده ام در حالتیکه محتاجم نمی یابم محتاجتر
منی بالله اصبح وبالله امسی وبالله احیا وبالله
از خود را بخدا صبح میکنم و بخدا شام میکنم و بخدا زنده میشوم و بخدا
اموت والی الله النشور دعاهای ایام هفته که از حضرت امام موسی کاظم
میمیرم و بسوی خداست محشور شدن علیه الصلوة والسلام روایت شده است
دعاء روز جمعه مرحبا بخلق الله الجدید وبکما من کاتبین
مرحبا بآفریده شدهٔ خدا که تازه است و مرحبا بشما از دو نویسنده
وشاهدین اکتبا بسم الله اشهد ان لا اله الا
و دو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر
الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده
الله تنهاست نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او
ورسوله وان الاسلام کما وصف والدین کما
و رسول اوست و اینکه اسلام چنانست که وصف کرده و دین چنانست
شرع وان الکتاب کما انزل والقول کما حدث
که قرار داده و اینکه قرآن چنانست که نازل ساخته و گفتار چنانست که حکایت کرده
وان الله هو الحق المبین وصلوات الله وبرکاته
و اینکه خدا اوست حق هویدا و رحمتهای خدا و برکتهای او

ادعیهٔ ایام هفته

دعای روز جمعه

وشرائف تحیاته وسلامه علی محمد وآله اصبحت فی

و تحیتهای شریفه او و درود او بر محمد و آل او بامداد صبح کردم در

امان الله الذی لا یستباح وفی ذمة الله التی لا

امان خدا آنچنان امانی که مباح شمرده نمیشود و در پیمان خدا که

تخفر وفی جوار الله الذی لا یضام وکنف الله الذی

شکسته نمیشود و در پناه خدا که ستم کرده نمیشود و حرز او که

لا یرام وجار الله آمن محفوظ ما شاء الله کل

قصد کرده نمیشود و کسی که در پناه خدا ایمن و محفوظ است آنچه خواسته است خدا شده است هر

نعمة فمن الله لا یأتی بالخیر الا الله ما شاء الله

نعمتی پس از خدا است نمی آورد خیر را مگر خدا آنچه خواسته است خدا شده است

نعم القادر الله ما شاء الله توکلت علی الله

خوب قادریست خدا آنچه خواسته است خدا شده است توکل کردم بر خدا

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له

گواهی میدهم اینکه نیست خدا مگر الله تنهاست نیست شریکی برای او برای او است

الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده

پادشاهی و برای او است ستایش زنده میکرداند و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست اوست

الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم اغفر لی کل ذنب

خیر و او بر همه چیز بغایت توانا است خداوندا بیامرز برای من هر گناهی را

یحبس رزقی ویحجب مسئلتی او یقصر بی عن بلوغ

حبس میکند روزی مرا و مانع میشود مطلب مرا یا کوتاهی میفرماید مرا از رسیدن

مسئلتی او یصد بوجهک الکریم عنی اللهم اغفر لی

بمطلب خود یا باز میدارد ذات کریم ترا از من خداوندا بیامرز برای من

وارزقنی وارحمنی واجبرنی وعافنی واعف عنی

و روزی ده مرا و رحم کن مرا و تدارک کن شکستگی مرا و عافیت ده مرا و عفو کن از من

وارفعنی واهدنی وانصرنی والق فی قلبی الصبر

و بلند گردان مرا و هدایت کن مرا و یاری کن مرا و بینداز در دل من صبر

والنصر یا مالک الملک فانه لا یملک ذلک غیرک

و نصرت را ای صاحب پادشاهی پس بدرستیکه مالک نیست این را کسی غیر تو

اللهم وما کتبت علی من خیر فوفقنی واهدنی

خداوندا و آنچه نوشته تو بر من از خیر پس توفیق ده مرا و راهنمائی کن مرا

له ومن علی به کله واعنی وثبتنی علیه و

[illegible]ان و منت کن از بر من بآن همه آن و اعانت کن مرا و ثابت بدار مرا بر آن و

اجعله احب الی من غیره واثر عندی مما سواه

بگردان آنرا محبوب تر بسوی من از غیر آن و برگزیده تر نزد من از آنچه غیر آن باشد

وزدنی من فضلک اللهم انی اسالک رضوانک

و زیاده کن مرا از فضل خودت خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو خوشنودی ترا

وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَاَسْاَلُكَ

وبهشت را وپناه میبرم بتو از خشم تو و آتش وسؤال میکنم از تو

النَّصِيبَ الْاَوْفی فی جَنَّاتِ النَّعِيمِ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ لِسَانِی

بهره تمام تر را در بهشتهای نعیم خداوندا پاك كردان زبان مرا

مِنَ الْكَذِبِ وَقَلْبِی مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِی مِنَ الرِّيَاءِ وَ

از دروغ كفتن ودل مرا از نفاق داشتن وعمل مرا از ریا و

بَصَرِی مِنَ الْخِيَانَةِ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا

چشم مرا از خیانت كردن پس بدرستیكه تو میدانی خیانت چشمها را و آنچه را

تُخْفِی الصُّدُورُ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ مَحْرُومًا مُقَتَّرًا

كه پنهان میدارند سینها خداوندا اكر بوده باشم نزد تو محروم تنك كرده شده

عَلَیَّ رِزْقِی فَامْحُ حِرْمَانِی وَتَقْتِيرَ رِزْقِی وَاكْتُبْنِی

بر من روزی من پس محو كن محروم بودن من وتنك بودن روزی مرا وبنویس مرا

عِنْدَكَ مَرْزُوقًا مُوَفَّقًا لِلْخَيْرَاتِ فَاِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ

نزد خودت روزی داده شده توفیق داده برای كارها خیر پس بدرستیكه تو كفته مباركی تو

وَتَعَالَيْتَ يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ

وبرتری تو كه محو میكند خدا آنچه را میخواهد وثبت میكند ونزد اوست اصل كتاب

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بدرستیكه تو ستوده شده بزركی

دعاء روز شنبه

دُعَاءُ رُوزِ شَنْبَه مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ

مرحبا بافریده شده خدا كه تازه است ومرحبا بشما از دو نویسنده

وَشَاهِدَيْنِ اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

ودو كواه بنویسید بنام خدا كواهی میدهم اینكه نیست خدائی مكر الله

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

تنهاست نیست شریكی برای او وكواهی میدهم اینكه محمد بنده او ورسول اوست

وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالدِّينَ كَمَا

وكواهی میدهم اینكه اسلام چنانست كه وصف كرده ودین چنان است

شَرَعَ وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ

كه قرار داده واینكه قرآن چنان است كه نازل ساخته واینكه خدا اوست حق

وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ
وكفتار چنانست كه حكایت كرده

الْمُبِينُ وَصَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَصْبَحْتُ

هویدا ورحمتهای خدا وسلام او بر محمد وآل او بامداد صبح كردم

اَللّٰهُمَّ فِی اَمَانِكَ اَسْلَمْتُ اِلَيْكَ نَفْسِی وَوَجَّهْتُ

خداوندا در امان تو تسلیم كردم بسوی تو نفس خودرا ومتوجه ساختم

اِلَيْكَ وَجْهِی وَفَوَّضْتُ اِلَيْكَ اَمْرِی وَاَلْجَاْتُ اِلَيْكَ

بسوی تو روی خودرا وتفویض نمودم بسوی تو كار خودرا وتكیه دادم بسوی تو

ظَهْرِی رَهْبَةً وَرَغْبَةً اِلَيْكَ لَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ

پشت خودرا از جهت ترس از تو ورغبت كردن بسوی تو نیست پناه ونه جای خلاص از تو

الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و رسولک الذی
مگر بسوی تو ایمان اوردم بکتاب تو که نازل ساختهٔ و برسول تو که
ارسلت اللهم انی فقیر الیک فارزقنی بغیر
فرستادهٔ خداوندا بدرستی که من محتاجم بسوی تو پس روزی ده مرا بی
حساب انک ترزق من تشاء بغیر حساب اللهم انی
حساب بدرستی که تو روزی میدهی هر کرا که میخواهی بی حساب خداوندا بدرستی که من
اسالک الطیبات من الرزق و ترک المنکرات و حب
سؤال میکنم از تو پاکیزهای از روزی را و ترک کردن عملهای بد را و دوست داشتن
المساکین و ان تتوب علی اللهم انی اسالک
بیچارگان را و اینکه قبول کنی توبه را بر من خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را
بکرامتک التی انت اهلها ان تجاوز عن سوء ما
بکرامت تو که تو سزاوار آنی اینکه درگذری از بدی آنچه
عندی بحسن ما عندک و ان تعطینی من جزیل عطائک
نزد من است به نیکی آنچه نزد تست و اینکه عطا کنی بمن از بزرگ عطای خود
افضل ما اعطیته احدا من عبادک اللهم انی اعوذ
بهترین آنچه عطا کردهٔ آنرا بیکی از بندگان خود خداوندا بدرستی که من پناه میبرم
بک من مال یکون علی فتنة و من ولد یکون لی عدوا
بتو از مالی که بوده باشد بر من فتنه و از فرزندی که بوده باشد برای من دشمن

اللهم قد تری مکانی و تسمع دعائی و کلامی و تعلم
خداوندا بتحقیق که می بینی جای مرا و میشنوی دعای مرا و سخن مرا و میدانی
حاجتی اسالک بجمیع اسمائک ان تقضی لی کل حاجة
حاجت مرا سؤال میکنم ترا بحق همهٔ نامهای تو اینکه برآوری برای من هر حاجتی
من حوائج الدنیا و الاخرة اللهم انی ادعوک
از حاجتهای دنیا و آخرت را خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا
دعاء عبد ضعیف ضعفت قوته و اشتدت فاقته
خواندن بندهٔ ناتوانی که ضعیف شده باشد قوت او و سخت شده باشد احتیاج او
و عظم جرمه و قل عدده و ضعف عمله دعاء
و عظیم باشد گناه او و کم باشد عدد او و ضعیف باشد عمل او خواندن
من لا یجد لفاقته سادا غیرک و لا لضعفه عونا
کسی که نیابد برای احتیاج خود سد کنندهٔ غیر تو و نه برای ناتوانی خود معینی
سواک اسالک جوامع الخیر و خواتمه و سوابقه
غیر تو سؤال میکنم از تو جمع کنندهها خیر را و خاتمهای خیر را و پیشی کنندهها خیر را
و فوائده و جمیع ذلک بدوام فضلک و احسانک
و فائدهها خیر را و همهٔ آنرا بحق دائمی بودن فضل تو و احسان تو
و بمنک و رحمتک فارحمنی و اعتقنی من النار یا
و بحق نعمت تو و مهربانی تو پس رحم کن مرا و آزاد گردان مرا از آتش ای

مَنْ کَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْمَآءِ وَیَا مَنْ سَمَكَ الْهَوَآءَ

انکبی که جمع کرده است زمین را بر روی آب وای انکبی که بلند کردانیده است هوارا

بِالسَّمَآءِ وَیَا وَاحِدًا قَبْلَ کُلِّ اَحَدٍ وَیَا وَاحِدًا بَعْدَ

باسمان وای یگانه پیش از هر کسی وای یگانه بعد از

کُلِّ شَیْءٍ وَیَا مَنْ لَا یَعْلَمُ وَلَا یَدْرِیْ کَیْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ

هر چیزی وای انکسی که نمیداند و نمیفهمد کسی که چگونه است او مگر او

وَیَا مَنْ لَا یَقْدِرُ قُدْرَتَهُ اِلَّا هُوَ وَیَا مَنْ هُوَ کُلَّ

وای انکسی که قادر نیست قدرت او را مگر او وای انکسی که او هر

یَوْمٍ فِیْ شَاْنٍ یَا مَنْ لَا یَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ وَیَا

روزی در کاری است ای انکسی که مشغول نمیسازد او را کاری از کاری وای

غَوْثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ وَیَا صَرِیْخَ الْمَکْرُوْبِیْنَ وَیَا مُجِیْبَ

فریادرس طلب فریادرسی کنندگان وای فریادرس اندوهناکان وای اجابت کننده

دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ وَیَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَ

دعای درماندگان وای بخشاینده در دنیا و اخرت و

رَحِیْمَهُمَا رَبِّ ارْحَمْنِیْ رَحْمَةً لَا تُضِلَّنِیْ وَلَا تُشْقِنِیْ

مهربان در دنیا و اخرت ای پروردگار من رحم کن مرا رحمتی که گمراه نسازی مرا و بدبخت نکردانی مرا

بَعْدَهَا اَبَدًا اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی نَبِیِّهٖ

بعد از ان هرگز بدرستی که تو ستوده شده بزرگی و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر او

دعاء روز یکشنبه

مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ دُعَاءُ رُوْزِ یکشنبه

محمد که بر او و ال او باد رحمت و درود

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِیْدِ وَبِکُمَا مِنْ کَاتِبَیْنِ وَشَاهِدَیْنِ

مرحبا بافریده شده خدا که تازه است و مرحبا بشما ای دو نویسنده و دو گواه

اُکْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدا مگر الله تنهاست

لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَ

نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او و رسول اوست و

اَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ کَمَا وَصَفَ وَالدِّیْنَ کَمَا شَرَعَ

گواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده و دین چنانکه قرار داد

وَاَنَّ الْکِتَابَ کَمَا اَنْزَلَ وَالْقَوْلَ کَمَا حَدَّثَ وَاَنَّ

و اینکه قران چنانست که نازل ساخته و گفتار چنانست که حکایت کرده و اینکه

اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ حَیَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّی

خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد خدا محمد را بسلام و رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ اَصْبَحْتُ وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ

خدا بر او و ال او چنانکه او سزاوار است صبح کردم و صبح کرد پادشاهی

وَالْکِبْرِیَآءُ وَالْعَظَمَةُ وَالْخَلْقُ وَالْاَمْرُ وَاللَّیْلُ وَ

و بزرگواری و عظمت و خلق و امر و شب و

النهار وما يكون فيهما لله وحده لا شريك له اللهم

روز و آنچه میباشد در شب و روز برای خداست که یکی است نیست شریکی برای او خداوندا

اجعل اول هذا النهار صلاحا واوسطه نجاحا

بگردان اول این روز را صلاحی و میان او را فیروزی

وآخره فلاحا واسألك خير الدنيا والآخرة اللهم

و آخر آن را رستگاری و سؤال میکنم از تو خیر دنیا و آخرت خداوندا

لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته

وا مگذار برای من گناهی را مگر آنکه بیامرزی آن را و نه اندوهی را مگر آنکه برطرف کنی آن را

ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا حفظته

و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آن را و نه غایبی را مگر آنکه حفظ کنی آن را

وأديته ولا مريضا الا شفيته وعافيته ولا

و برسانی آن را و نه بیماری را مگر آنکه شفا دهی او را و عافیت بخشی او را و نه

حاجة من حوائج الدنيا والآخرة لك فيها رضا

حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت که تو را باشد از آن خوشنودی

ولي فيها صلاح الا قضيتها اللهم تم نورك

و مرا باشد در آن مصلحت مگر آنکه برآوری آن را خداوندا تمام است نور تو

فهديت وعظم حلمك فعفوت وبسطت يدك

پس هدایت کردی و بزرگ است بردباری تو پس عفو کردی و گشاده دست خود را

فاعطيت

فاعطيت فلك الحمد وجهك خير الوجوه وعطيتك

پس عطا کردی پس برای تست ستایش ذات تو بهترین ذاتهاست و عطای تو

انفع العطية فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر

نافعترین عطاهاست پس برای تست حمد اطاعت کرده میشوی ای پروردگار ما پس جزای خیر میدهی

ونعصى ربنا فتغفر تجيب المضطر وتكشف الضر

و عصیان کرده میشوی ای پروردگار ما پس میآمرزی اجابت میکنی درمانده را و برطرف میکنی بدحالی را

وتشفي السقم وتنجي من الكرب العظيم لا تجزى

و شفا میدهی بیماری را و نجات میدهی از سختی عظیم عوض داده نمیشوی

بآلائك ولا يحصي نعماءك احد رحمتك وسعت

بنعمتهای خود و نمیشمارد نعمتهای تو را احدی رحمت تو گنجایش دارد

كل شيء وانا شيء فارحمني ومن الخيرات فارزقني

هر چیزی را و من هستم چیزی پس رحم کن مرا و از خوبیها پس روزی کن مرا

تقبل صلاتي واسمع دعائي ولا تعرض عني

قبول کن نماز مرا و بشنو دعای مرا و رو مگردان از من

يا مولاي حين ادعوك ولا تحرمني الهي حين

ای آقای من هنگامی که دعا میکنم تو را و محروم مگردان مرا ای خدای من هنگامی

اسألك من اجل خطاياي ولا تحرمني لقاءك و

که سؤال میکنم تو را از جهت خطاهای من و محروم مگردان مرا از ملاقات خود و

اجعل محبتي وارادني محبتك وارادتك واكفني

بگردان دوستی مرا وخواهش مرا دوستی تو وخواهش تو وکفایت کن از این

هول المطلع اللهم اني اسألك ايمانا لا يرتد

هول مطلع خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ایمانی را که باز نگردد

ونعيما لا ينفد ومرافقة محمد صلى الله عليه و

ونعمتی را که آخر نشود ورفاقت کردن با محمد صلی الله علیه و

آله في اعلى جنة الخلد اللهم واسألك العفاف

آله را در بلندترین مراتب بهشت دایمی خداوندا وسوال میکنم از تو عفت

والتقى والعمل بما تحب وترضى والرضا

وپرهیزکاری وعمل کردن را بآنچه دوست میداری وخوشنود میگردی وراضی بودن

بالقضاء والنظر الى وجهك الكريم اللهم لقني

بقضا را ونظر کردن را بسوی ذات کریم تو خداوندا بفهمان بمن

حجتي عند الممات ولا ترني اعمالي حسرات

حجت مرا نزد مردن ومنما بمن عملهای مرا حسرتها

اللهم اكفني طلب ما لم تقدر لي من رزق وما

خداوندا کفایت کن از من طلب کردن آنچه را که تقدیر نکرده برای من از روزی وآنچه

قسمت لي فأتني به في يسر منك وعافية اللهم

قسمت کرده برای من بیاور بمن آنرا در آسانی از تو وتندرستی خداوندا

اني اسألك توبة نصوحا تقبلها مني تبقي علي

بدرستی که من سوال میکنم از تو توبه نصوحی که قبول کنی آنرا از من که باقی داری بر من

بركتها وتغفر بها ما مضى من ذنوبي وتعصمني

برکت آنرا وبیامرزی بسبب آنچه گذشته است از گناهان من ونگاهداری مرا

بها فيما بقي من عمري يا اهل التقوى واهل

بسبب آن توبه در آنچه باقی مانده است از عمر من ای سزاوار پرهیزکاری وسزاوار

المغفرة وصل على محمد وآل محمد انك حميد مجيد

آمرزش ورحمت فرست بر محمد وآل محمد بدرستی که تو ستوده شده بزرگی

دعاء روز دوشنبه مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من

مرحبا باو آفریده شده خدا که تازه است ومرحبا بشما از

كاتبين وشاهدين اكتبا بسم الله اشهد ان لا

دو نویسنده ودو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست

اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا

خدائی مگر الله تنهاست نیست شریکی برای او وگواهی میدهم اینکه محمد

عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف

بنده او ورسول اوست وگواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده

وان الدين كما شرع وان القول كما حدث

واینکه دین چنانست که قرار داده واینکه گفتار چنانست که حکایت کرده

دعاء روز دوشنبه

وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ حَيَّا

واينكه قران چنانست كه نازل ساخته واينكه خدا اوست حق هويدا تحيت فرستد

اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ

خدا محمد را بسلام ورحمت فرستد خدا براو وبر ال او خداوندا

مَا اَصْبَحْتُ فِيْهِ مِنْ عَافِيَةٍ فِيْ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ فَاَنْتَ

انچه صبح كرده ام دران از عافيتى در دين من ودنياى من پس توئى

الَّذِيْ اَعْطَيْتَنِيْ وَرَزَقْتَنِيْ وَوَفَّقْتَنِيْ لَهٗ وَسَتَرْتَنِيْ

انكسى كه عطا كرده اى ان بمن وروزى كرده مرا وتوفيق داده مرا براى ان وپوشانيده مرا

فَلَا حَمْدَ لِيْ اِلٰهِيْ فِيْمَا كَانَ مِنِّيْ مِنْ خَيْرٍ وَلَا

پس نيست ستايشى براى من اى خدا من در انچه صادر شده است از من از خيرى ونيست

عُذْرَ لِيْ فِيْمَا كَانَ مِنِّيْ مِنْ شَرٍّ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ

عذرى براى من در انچه صادر شده است از من از بدى خداوندا بدرستى كه من پناه ميبرم

بِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلٰى مَا لَا حَمْدَ لِيْ فِيْهِ اَوْ مَا لَا

بتو از اينكه اعتماد كنم بر انچه نيست ستايشى براى من در ان يا انچه نيست

عُذْرَ لِيْ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّهٗ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِيْ

عذرى براى من از ان خداوندا بدرستى كه نيست گرديدنى ونه توانائى براى من

عَلٰى جَمِيْعِ ذٰلِكَ اِلَّا بِكَ يَا مَنْ بَلَّغَ اَهْلَ الْخَيْرِ الْخَيْرَ

بر همه اينها مگر بتو اى انكسى كه رسانيده است باهل خوبى خوبى را

وَاَعَانَهُمْ عَلَيْهِ وَبَلِّغْنِيَ الْخَيْرَ وَاَعِنِّيْ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ

واعانت كرده است ايشان را بران برسان بمن خير را واعانت كن مرا بران خداوندا نيكو كن

عَافِيَتِيْ فِي الْاُمُوْرِ كُلِّهَا وَاَجِرْنِيْ مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ

عافيت مرا در كارها همه انها وپناه ده مرا از مواضع خوارى

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ

در دنيا واخرت بدرستى كه تو بر هر چيز بغايت توانائى خداوندا

اِنِّيْ اَسْاَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ

بدرستى كه من سؤال ميكنم از تو واجب كرده شدهها رحمت تو را وجزم كرده شدهها امرزش تو را

وَاَسْاَلُكَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

وسؤال ميكنم از تو فايده بردن را از هر نيكى وسالم بودن را از هر

اِثْمٍ وَاَسْاَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ

گناهى وسؤال ميكنم از تو فايز شدن ببهشت را ونجات يافتن از اتش را خداوندا

رَضِّنِيْ بِقَضَائِكَ حَتّٰى لَا اُحِبَّ تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ وَ

راضى گردان مرا بقضاى خود تا اينكه دوست ندارم زود شدن انچه را كه تاخير كرده

لَا تَاْخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ مَا اَحْبَبْتُ

نه تاخير انچه را كه تعجيل كرده بر من خداوندا عطا كن بمن انچه را دوست داشتهام

وَاجْعَلْهُ خَيْرًا لِيْ اَللّٰهُمَّ مَا اَنْسَيْتَنِيْ فَلَا تُنْسِنِيْ

وبگردان ان را خير براى من خداوندا هرچه را فراموش گردانيدى از من پس فراموش مگردان از من

ذِکْرَکَ وَمَا اَحْبَبْتُ فَلَا اُحِبُّ مَعْصِیَتَکَ اَللّٰهُمَّ

یادِ ترا وهرچه را دوست دارم پس دوست ندارم معصیت تورا خداوندا

اُمْکُرْ بِیْ وَلَا تَمْکُرْ عَلَیَّ وَاَعِنِّیْ وَلَا تُعِنْ عَلَیَّ

مکر کن برای من و مکر مکن بر ضرر من و اعانت کن مرا و اعانت مکن بر ضرر من

وَانْصُرْنِیْ وَلَا تَنْصُرْ عَلَیَّ وَاهْدِنِیْ وَیَسِّرْ لِیَ

ونصرت ده مرا و نصرت مده بر ضرر من و هدایت کن مرا و آسان کردان برای من

الْهُدٰی وَاَعِنِّیْ عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِیْ حَتّٰی اَبْلُغَ فِیْهِ ثَارِیْ

هدایت را و اعانت کن مرا بر کسی که ظلم کرده است بر من تا اینکه برسم در ان بخون خواهی خود

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ لَکَ شَاکِرًا ذَاکِرًا مُحِبًّا لَکَ

خداوندا بکردان مرا برای تو شکر کننده ذکر کننده دوست دارنده برای تو

رَاهِبًا وَاخْتِمْ لِیْ مِنْکَ بِخَیْرٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ

خوف دارنده و ختم کن برای من از جانب خودت بخوبی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِعِلْمِکَ الْغَیْبَ وَقُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ اَنْ تُحْیِیَنِیْ

بحق دانستن تو غیب را و قدرت تو بر مخلوقات اینکه زنده بداری مرا

مَا کَانَتِ الْحَیٰوةُ خَیْرًا لِیْ وَاَنْ تَتَوَفَّانِیْ اِذَا کَانَتِ

مادام که بوده باشد زندگی خیر از برای من و اینکه بمیرانی مرا هرگاه بوده باشد

الْوَفَاةُ خَیْرًا لِیْ وَاَسْاَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی السِّرِّ وَالْعَلَانِیَةِ

مردن خیر از برای من و سؤال میکنم از تو خوف داشتن از تو را در پنهان و اشکار

استاد ذکر حق تعالی بانیمعنی است که کاری چند کند که کرشید با شد بیکار [illegible] کنند که بمکر کنند باشد پس یعنی این نوع [illegible] خداوندا دعا چنین خواهد بود که بمکر [illegible] بکار کسی که کاری کند که [illegible] بکار کسی که بمکر [illegible] کند برای نفع رسانیدن بکار [illegible] کنند برای کسی که [illegible] ضرر رسانیدن بود والله تعالی اعلم

وَالْعَدْلَ فِی الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَصْدَ فِی الْغِنٰی

وعدالت کردن را در حال خوشنودی و خشم و میانه روی را در حال توانگری

وَالْفَقْرِ وَاَنْ تُحَبِّبَ اِلَیَّ لِقَآءَکَ فِیْ غَیْرِ ضَرَّآءَ مُضِرَّةٍ

و بی چیزی و اینکه دوست کردانی بسوی من ملاقات ترا در غیر سختی ضرر رساننده

وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ وَاخْتِمْ لِیْ بِمَا خَتَمْتَ بِهٖ لِعِبَادِکَ

و نه فتنه کمراه کننده و ختم کن برای من بانچه ختم کرده بان از برای بندکان

الصّٰالِحِیْنَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ

صالح خود بدرستیکه تو ستوده شده بزرکی و رحمت فرستد خدا بر محمد و

اٰلِهٖ وَسَلَّمَ دعاء روز سه شنبه مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِیْدِ وَ

آل او و سلام فرستد مرحبا بافریده شده خدا که تازه است و

بِکُمَا مِنْ کَاتِبَیْنِ وَشَاهِدَیْنِ اُکْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ

مرحبا بشما از دو نویسنده و دو کواه بنویسید که بنام خدا

اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَ

کواهی میدهم اینکه نیست خدائی مکر الله تنهاست نیست شریکی برای او و

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ

کواهی میدهم اینکه محمد بنده او و رسول اوست و کواهی میدهم اینکه اسلام

کَمَا وَصَفَ وَاَنَّ الدِّیْنَ کَمَا شَرَعَ وَاَنَّ الْکِتَابَ کَمَا

چنانست که وصف کرده و دین چنان است که قرار داده و اینکه قرآن چنانست

دعاء روز سه شنبه

أَنْزَلَ وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

که نازل ساخته و گفتار چنان است که حکایت کرده و اینکه خدا اوست حقّ هویدا

حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصْبَحْتُ

تحیت فرستد خدا محمد را بسلام و رحمت فرستد خدا بر او و آل او صبح کردم

أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَ

در حالتی که سؤال میکنم از تو آمرزش و عافیت را در دین خود و دنیای خود و

آخِرَتِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي اللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي

آخرت خود و اهل خود و مال خود و اولاد خود خداوندا بپوشان عیبهای مرا

وَأَجِبْ دَعَوَاتِي وَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي

و مستجاب گردان دعاهای مرا و حفظ کن مرا از پیش روی من و از پس سر من

وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي اللّٰهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا

و از جانب راست من و از جانب چپ من خداوندا اگر بلند گردانی مرا پس کیست

الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ تَضَعْنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي

آنکسی که پست گرداند مرا و اگر پست گردانی مرا پس کیست آنکسی که بلند گرداند مرا

اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِلْفِتْنَةِ نَصَبًا

خداوندا مگردان مرا برای بلا نشانه و نه برای فتنه برپای داشته شده

وَلَا تُتْبِعْنِي بِبَلَاءٍ فِي إِثْرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ

و لاحق مگردان بمن بلائی را در عقب بلائی پس بتحقیق که می بینی ناتوانی مرا و

تضرّعي

تَضَرُّعِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ فَأَعِذْنِي وَأَسْتَجِيرُ

زاری مرا پناه میبرم بتو از همه غضب تو پس پناه ده مرا و پناه میجویم

بِكَ مِنْ جَمِيعِ عَذَابِكَ فَأَجِرْنِي وَأَسْتَنْصِرُكَ عَلَى

بتو از همه عذاب تو پس پناه ده مرا و طلب نصرت میکنم از تو بر دفع

عَدُوِّكَ فَانْصُرْنِي وَأَسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي وَأَتَوَكَّلُ

دشمن تو پس نصرت ده مرا و استعانت میجویم بتو پس اعانت کن مرا و توکل میکنم

عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَأَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَأَسْتَعْصِمُكَ

بر تو پس کفایت کن مرا و طلب هدایت میکنم از تو پس هدایت کن مرا و طلب نگاهداری میکنم از تو

فَاعْصِمْنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَأَسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي

پس نگاه دار مرا و طلب آمرزش میکنم از تو پس بیامرز مرا و طلب رحم میکنم از تو پس رحم کن مرا

وَأَسْتَرْزِقُكَ فَارْزُقْنِي سُبْحَانَكَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ

و طلب روزی میکنم از تو پس روزی ده مرا بپاکی یاد میکنم ترا کیست آنکسی که میداند که چه چیزی تو

وَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ يَعْرِفُكَ وَقُدْرَتَكَ وَلَا يَهَابُكَ

و نمی ترسد از تو و کیست که بشناسد ترا و قدرت ترا و هیبت نبرد از تو

سُبْحَانَكَ رَبَّنَا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا دَائِمًا

بپاکی یاد میکنم ترا ای پروردگار ما خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ایمان دائمی را

وَقَلْبًا خَاشِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَأَسْأَلُكَ

و دل فروتنی کننده را و علم نفع رساننده را و یقین راستی را و سؤال میکنم از تو

دِينًا قَيِّمًا وَاَسْاَلُكَ رِزْقًا وَاسِعًا اَللّٰهُمَّ لَا تَقْطَعْ
دین ذات درستی را و سؤال میکنم از تو روزی واسعی را خداوندا قطع مکن

رَجَاءَنَا وَلَا تُخَيِّبْ دُعَاءَنَا وَلَا تُجْهِدْ بَلَاءَنَا وَاَسْاَلُكَ
امید ما را و نا امید مکن دعای ما را و سخت مکردان بلای ما را و سؤال میکنم از تو

الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَاَسْاَلُكَ الْغِنَاءَ
عافیت و شکر بر عافیت را و سؤال میکنم از تو بی نیازی را

عَنِ النَّاسِ اَجْمَعِينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا مُنْتَهٰى
از مردمان همه ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و ای منتهای

هِمَّةِ الرَّاغِبِينَ وَالْمُفَرِّجَ عَنِ الْمَهْمُومِينَ وَيَا مَنْ اِذَا
همت رغبت کنندگان و کشایش دهندهٔ از اندوهناکان و ای انکسی که هرگاه

اَرَادَ شَيْئًا فَحَسْبُهُ اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اَللّٰهُمَّ
اراده کند چیزی را پس بس است او را اینکه بگوید بان که بشو پس میشود خداوندا

اِنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَكَ وَكُلَّ شَيْءٍ بِيَدِكَ وَكُلَّ شَيْءٍ اِلَيْكَ
بدرستی که هر چیزی برای تست و هر چیزی بدست تست و هر چیزی بسوی تو

يَصِيرُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ
بازگشت میکند و تو بر هر چیزی بغایت توانائی نیست منع کننده برای آنچه عطا کرده

وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا
و نیست عطا کننده برای آنچه منع کرده و نیست آسان کننده برای آنچه دشوار کرده باشی و نیست

مُعَسِّرَ لِمَا يَسَّرْتَ وَلَا مُعَقِّبَ لِمَا حَكَمْتَ وَلَا يَنْفَعُ
دشوار کننده برای آنچه آسان کرده باشی و نیست پس اندازنده برای آنچه حکم کرده باشی و نفع نمیدهد

ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ مَا شِئْتَ كَانَ
صاحب غنا را نزد تو غنای او و نیست توانائی مگر بتو آنچه خواسته شده است

وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ فَمَا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِي وَ
و آنچه نخواسته نشده است خداوندا پس آنچه کوتاهی نموده است از آن عمل من و

رَاْيِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ مَسْئَلَتِي مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَدًا
فهم من و نرسیده است بان سؤال من از خوبی که وعده کرده ای آنرا بیکی

مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرٍ اَنْتَ مُعْطِيهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ
از خلق خودت و خوبی که تو عطا کننده ای آنرا بیکی از خلق خودت

فَاِنِّي اَسْئَلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ فِيهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
پس بدرستی که من سؤال میکنم ترا و رغبت میکنم بسوی تو در آن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او بدرستی که تو ستوده شده بزرگواری

دعاء روز چهارشنبه مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا
مرحبا با فریده شدهٔ خدا که تازه است و مرحبا بشما

مِنْ كَاتِبَيْنِ وَشَاهِدَيْنِ اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ
از دو نویسنده و دو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه

یعنی غنای ما را در دنیا نفعی ندارد
بغیر از آنکه نزد تو
از نافع و نفعها است عمل کردن طاعات
و عبادات

لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا

نيست خدائى مگر الله تنهاست نيست شريكى براى او وگواهى ميدهم اينكه محمد

عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف

بنده او ورسول اوست وگواهى ميدهم اينكه اسلام چنانست كه وصف كرده

والدين كما شرع وان الكتاب كما انزل والقول

و دين چنانست كه قرار داده واينكه قرآن چنانست كه نازل ساخته وگفتار

كما حدث وان الله هو الحق المبين حيا الله محمدا

چنانست كه حكايت كرده واينكه خدا اوست حق هويدا تحيت فرستد خدا محمد را

بالسلام وصلى الله عليه واله اللهم اجعلنى من

بسلام ورحمت فرستد خدا بر او وآل او خداوندا بگردان مرا از

افضل عبادك نصيبا فى كل خير تقسمه فى هذا اليوم

جمله بهترين بندگان خود از راه بهره در هر خيرى كه قسمت ميكنى آنرا در اين روز

من نور تهدى به ورزق تبسطه وضر تكشفه او

از نورى كه هدايت ميكنى بان وروزى كه پهن ميكنى آنرا وبدحالى كه برطرف ميكنى آنرا يا

بلاء تصرفه اوشر تدفعه اورحمة تنشرها

بلائى كه بازميگردانى آنرا يا شرى كه دفع ميكنى آنرا يا رحمتى كه پراكنده ميكنى آنرا

اومعصية تصرفها اللهم اغفر لى ما قد سلف

يا معصيتى كه بازميگردانى آنرا خداوندا بيامرز براى من آنچه را كه گذشته است

من ذنوبى واعصمنى فيما بقى من عمرى وارزقنى

از گناهان من ونگاه دار مرا در آنچه باقى مانده است از عمر من وروزى گردان مرا

عملا ترضى به عنى اللهم انى اسالك بكل اسم

عملى كه خوشنود گردى بسبب آن از من خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بحق هر نامى

هو لك سميت به نفسك او انزلته فى شىء من

كه آن براى تست ونام نهاده بان نفس خود را ونازل كرده آنرا در چيزى از

كتبك او استاثرت به فى علم الغيب عندك

كتابهاى خود يا اختيار كرده آنرا در علم غيب نزد خودت

اوعلمته احدا من خلقك ان تجعل القرآن ربيع

يا تعليم كرده آنرا بيكى از خلق خودت اينكه بگردانى قرآن را بهار

قلبى وشفاء صدرى ونور بصرى وذهاب همى

دل من وشفاى سينه من ونور ديده من وبرطرف شدن غم

وحزنى فانك لا حول ولا قوة الا بك اللهم

واندوه من پس بدرستى كه تو نيست گرديدنى ونه توانائى مگر بتو خداوندا

رب الارواح الفانية ورب الاجساد البالية

اى پروردگار روحهاى فانى شده واى پروردگار بدنهاى كهنه گشته

اسالك بطاعة الارواح البالغة الى عروقها

سؤال ميكنم ترا بحق اطاعت كردن جانهائى كه رسيده اند بسوى اصلهاى خود

وَبِطَاعَةِ الْقُبُورِ الْمُنْشَقَّةِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ
وبحق اطاعت کردن قبرهائی که شکافته شده اند از اهلِ آنها وبحق دعوت تو
الصَّادِقَةِ فِيهِمْ وَاَخْذِكَ الْحَقَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْخَلَائِقِ
که راست است دربارهٔ ایشان وفرا گرفتن تو حق را درمیانِ ایشان ومیان خلایق
فَلَا يَنْطِقُونَ مِنْ مَخَافَتِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ
پس گویا نمیشوند از ترس تو امید دارند رحمت تورا ومیترسند
عَذَابَكَ اَسْأَلُكَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْيَقِينَ فِي
از عذاب تو سؤال میکنم از تو روشنی را در دیدهٔ من ویقین را درِ
قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَذِكْرَكَ عَلَى لِسَانِي اَبَدًا
دلِ من واخلاص را در عملِ من ویادِ ترا بر زبانِ من همیشه
مَا اَبْقَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ مَا فَتَحْتَ لِي مِنْ بَابِ طَاعَةٍ
مادام که باقی گذاری مرا خداوندا آنچه کشوده برای من از درِ اطاعت
فَلَا تُغْلِقْهُ عَنِّي اَبَدًا وَمَا اَغْلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَابِ
پس مبند آنرا از من هرگز وآنچه بندی از من از درِ
مَعْصِيَةٍ فَلَا تَفْتَحْهُ عَلَيَّ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَلَاوَةَ
معصیت پس مگشای آنرا بر من هرگز خداوندا روزی کن بمن شیرینی
الْاِيمَانِ وَطَعْمَ الْمَغْفِرَةِ وَلَذَّةَ الْاِسْلَامِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ
ایمان را ومزهٔ آمرزش را ولذت اسلام را وخنکی زندگانی را

خنکی زندگانی کنایه است از
بی‌دردی و خوشحالی در زندگانی
که بعد از مردن است

بَعْدَ الْمَوْتِ اِنَّهُ لَا يَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
بعد از مردن بدرستی که مالک نیست این را کسی غیرِ تو خداوندا بدرستی که من
اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اَذِلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ
پناه میبرم بتو از اینکه گمراه شوم یا خوار شوم یا ظلم کنم یا ظلم کرده شوم
اَوْ اَجْهَلَ اَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ اَوْ اَجُورَ اَوْ يُجَارَ عَلَيَّ
یا جاهل باشم یا مجهول کرده شود بر من یا ستم کنم یا ستم کرده شود بر من
اَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا مَغْفُورًا لِي ذَنْبِي مَقْبُولًا لِي
بیرون بر مرا از دنیا آمرزیده شده برای من گناه من قبول کرده شده برای من
عَمَلِي وَاَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ
عملِ من وبده بمن کتاب مرا بدست راستِ من وحشر کن مرا در گروهِ
النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ دعاء تربه بخشنبه
پیغمبر یعنی محمد که رحمت فرستد خدا بر او وآل او ودرود فرستد
مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ وَشَاهِدَيْنِ
مرحبا بآفریده شدهٔ خدا که تازه است ومرحبا بشما از دو نویسنده ودو گواه
اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
بنویسید که بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله تنها است
لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ
نیست شریکی برای او وگواهی میدهم اینکه محمد بندهٔ او ورسولِ اوست و

اَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالدِّيْنَ كَمَا شَرَعَ

گواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده و دین چنانست که قرار داده

وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَالْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَاَنَّ

و گفتار چنانست که حکایت کرده و قرآن چنانست که نازل ساخته و اینکه

اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَ

خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد خدا محمد را بسلام و

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَصْبَحْتُ اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ

رحمت فرستد خدا بر او و آل او صبح کردم در حالتیکه پناه میبرم بذات خدا

الْكَرِيْمِ وَاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَكَلِمَتِهِ التَّامَّةِ مِنْ

که کریم است و نام خدا که عظیم است و کلمه خدا که تمام است از

شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَالْعَيْنِ اللَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ

شر جانوران زهردارنده و جانوران گزنده و چشم لامه و از شر

مَا خَلَقَ وَذَرَاَ وَبَرَاَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ رَبِّيْ

آنچه خلق کرده و آفریده و جان داده و از شر هر جنبنده که پروردگار من

اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

گرفته است موی پیش سر آنرا بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

اَللّٰهُمَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ وَاَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

خداوندا پناه میبرم بتو از همه خلق تو و توکل میکنم بر تو

عین لامه یعنی چشم بدی که با بکسی نگرد رساند و آدمی را چشم زند چنانکه مشهور است

فِيْ جَمِيْعِ اُمُوْرِيْ فَاحْفَظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِيْ وَمِنْ

در همه کارهای خود پس حفظ کن مرا از پیش روی من و از پشت سر من و از

فَوْقِيْ وَمِنْ تَحْتِيْ وَلَا تَكِلْنِيْ فِيْ حَوَآئِجِيْ اِلٰى عَبْدٍ

بالای سر من و از زیر پای من و وامگذار مرا در حاجتهای من بسوی بنده

مِنْ عِبَادِكَ فَتَخْذُلَنِيْ اَنْتَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِيْ فَلَا تُخَيِّبْنِيْ

از بندگان خود تا فرو گذاشت نماید مرا توئی آقای من و بزرگ من پس نومید مکن مرا

مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ

از رحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از زوال نعمت تو

وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَاسْتَعَنْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهٖ

و منتقل شدن عافیت تو و استعانت میجویم بتوانائی خدا و قوت او

مِنْ حَوْلِ خَلْقِهٖ وَقُوَّتِهِمْ وَاَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ

از توانائی خلق او و قوت ایشان و پناه میبرم بپروردگار صبح از

شَرِّ مَا خَلَقَ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ اَللّٰهُمَّ اَعِزَّنِيْ

شر آنچه آفریده است بس است مرا خدا و خوب وکیل است خداوندا عزیز کردان مرا

بِطَاعَتِكَ وَاَذِلَّ اَعْدَآئِيْ بِمَعْصِيَتِكَ وَاقْصِمْهُمْ يَا

بفرمانبرداری تو و خوار گردان دشمنان مرا بمعصیت کردن تو و در هم شکن ایشانرا ای

قَاصِمَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَ

شکننده هر تکبرکننده عنادورزنده ای آنکسی که نا امید نمیکرداند کسی را که دعا کند او را

يَا مَنْ اِذَا تَوَكَّلَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ كَفَاهُ اِكْفِنِي كُلَّ

ای انکسی که هرگاه توکل کند بنده برا و کفایت میکند او را کفایت کن برای من هر

مُهِمٍّ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ عَمَلَ

کار مهمی از کار دنیا و آخرت را خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو عمل

الْخَائِفِيْنَ وَخَوْفَ الْعَامِلِيْنَ وَخُشُوْعَ الْعَابِدِيْنَ وَ

خوف دارندکان را و خوف عمل کنندکان را و فروتنی عبادت کنندکان را و

عِبَادَةَ الْمُتَّقِيْنَ وَاِخْبَاتَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاِنَابَةَ الْمُخْبِتِيْنَ

عبادت پرهیزکاران را و اطمینان مومنان را و بازگشت مطمئنان را

وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَيُسْرَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ وَاَلْحِقْنَا

و توکل مومنان را و آسانی توکل کنندکان را و ملحق ساز ما را

بِالْاَحْيَاءِ الْمَرْزُوْقِيْنَ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَاَعْتِقْنَا

بزندکان روزی داده شدکان و داخل کردان ما را در بهشت و آزاد کردان ما را

مِنَ النَّارِ وَاَصْلِحْ لَنَا شَاْنَنَا كُلَّهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

از آتش و اصلاح کن برای ما کار ما را همه آن خداوندا بدرستی که من

اَسْاَلُكَ اِيْمَانًا صَادِقًا يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِيْنَ

سوال میکنم از تو ایمان صادق را ای انکسی که مالک است حاجتهای سوال کنندکان را

وَيَعْلَمُ ضَمِيْرَ الصَّامِتِيْنَ اِنَّكَ بِكُلِّ خَيْرٍ عَلِيْمٌ

و میداند آنچه را که در دل خاموشان است بدرستی که تو بهر خیری بسیار دانائی

غیر

غَيْرُ مُعَلَّمٍ اَسْاَلُكَ اَنْ تَقْضِيَ لِيْ حَوَائِجِيْ وَاَنْ تَغْفِرَ

نه دانا کرده شده سوال میکنم از تو اینکه برآوری برای من حاجتهای مرا و اینکه بیامرزی

لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ

برای من و برای والدین من و برای همه مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلمان

وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَصَلَّى اللّٰهُ

و زنان مسلمان زندکان از ایشان و مردکان و رحمت فرستد خدا

عَلٰى سَيِّدِنَا نَبِيِّهٖ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ دعائی که از حضرت امام زین

بر بزرک ما که پیغمبر اوست یعنی محمد و آل او العابدین علیه الصلوٰة

والسلام روایت شده است حسن بن بلیل ابو کهمل رازی معرة النعمان

گفته است که خبر داد ما را حسن بن عباس و گفت حدیث کرد

ما را یحیی بن یزید بن عبد الملک نوفلی و او روایت کرد

از پدر خود و پدر او از جد او که از جمله دعاهای حضرت

امام زین العابدین علیه الصلوٰة والسلام که بعد از آنکه از

نماز فریضه یا از نماز نافله فارغ میشده میخوانده اینست

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنَا فِيْ هٰذَا الْوَقْتِ مِنْ رَحْمَتِكَ

خداوندا مکردان ما را در این وقت از رحمت خود

مَحْرُوْمِيْنَ وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهٗ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِيْنَ

محروم شدکان و نه برای تفضل کردن آنچه را که امیدواریم آن را از بخشش تو نا امید شدکان

دعاء منقول از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که بعد از نماز فریضه و نافله میخواندند

قاضی

اللهم خصنا بعظيم الاجر وكريم الذخر وحسن

خداوندا مخصوص کردان مارا باجر عظیم وذخیرهٔ گرامی وشکرگذاری

الشكر ودوام اليسر اللهم اقبلنا وتقبل منا

نیکو وآسانی دایمی خداوندا قبول کن مارا وقبول کن از ما

واقلبنا منجحين واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا

وبرگردان مارا رستگاران وبیامرز برای ما گناهان مارا همه و

تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رحمتك

هلاک مکن مارا باهلاک شوندگان وباز مدار از ما رحمت خود را

يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بگردان مارا درین وقت

ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته و

از جملهٔ کسانی که سوال کرده اند ترا پس عطا کردی ایشان را وشکر کرده باشند ترا پس زیاد کرده باشی برای ایشان و

تاب اليك فقبلته وتوسل اليك من ذنوبه

توبه کرده باشد بسوی تو پس قبول کردی توبهٔ ایشان را ومتوسل شده باشد بسوی تو از گناهان خود

كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام

همه آنها پس آمرزیده باشی گناهان ایشان را ای صاحب جلال وگرامی داشتن

اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا

خداوندا توفیق ده مارا وبراه راست بدار مارا ونگاه دار ما را وقبول کن زاری مارا

يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى

ای بهترین کسی که سوال کرده شده است وای رحم کننده ترین کسی که طلب رحم کرده شده است ای آنکسی که مخفی نیست

عليه اغماض الجفون ولا لحظات العيون ولا

بر او پوشانیدن پلکها ونه ملاحظه کردنهای چشمها ونه

ما استتر في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمون

آنچه پنهان است در پرده ونه آنچه مشتمل است بر آن مضمون

القلوب بل كل قد احصاه علمك ووسعه حلمك

دلها بلکه همه آنهارا شمرده است علم تو وگنجایش داده آنهارا حلم تو

بلا مؤنة وكلفة ولا اختلاف اذ كذلك سبحانك

بی مشقتی وتکلیف کردنی بی آنکه اختلافی بهم رسد اندازد ترا منزهی تو

عما يقول الظالمون علوا كبيرا تسبح لك السموات

از آنچه میگویند ظالمان بلندی بزرگی تسبیح میکند برای تو آسمانها

باقطارها والارضون باكنافها وجميع ما ذرأت

با اطراف آنها وزمینها با جوانب آنها وهمه آنچه آفریده

وبرأت فيهن وان من شيء الا يسبح بحمدك

وجان داده در آنها ونیست از چیزی مگر آنکه تسبیح میکند ملتبس بحمد تو

فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام

پس برای تست ستایش وبزرگواری وبلندی عظمت ای صاحب جلال وگرامی داشتن

وَالطَّوْلِ وَالْاِنْعَامِ وَالْاَيَادِي الْجِسَامِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاِحْسَان وَاِنْعَام وَنعمتهای بزرگ رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهٗ لَا مَا اَنَا اَهْلُهٗ
و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی نه آنچه من سزاوار آنم
فَاَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيْمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيْمُ وَاَنَا اَسِيْرُ
پس توئی بخشنده صاحب کرم مهربان رحم کننده و منم اسیر
خَطِيْئَاتِيْ وَذُنُوْبِيْ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ
خطاهای خود و گناهان خود ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
و آنحضرت یا ربّاه را بقدری که بیکنفس وفا کند تکرار مینموده دعا
دیگر که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وارد
شده است و در روایت وارد شده است که هر که این دعا را
بعد از نماز فریضه بخواند حفظ کرده میشود نفس او و خانه او و مال او و فرزند او
و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که پیش کرده ام و گناهانی را که آخر کرده ام
وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَاِسْرَافِيْ عَلٰى نَفْسِيْ
و آنچه را پنهان کرده ام و آنچه آشکار کرده ام و اسراف زیادتی که بر نفس خود کرده ام
وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَالْمُؤَخِّرُ
و آنچه را که تو دانا تری خداوندا توئی پیش اندازنده و پس اندازنده

دعائی که خوانند آن بعد از هر نماز فریضه سبب حفظ جان و خانه و مال و فرزند است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ
نیست خدائی مگر تو بحق دانستن تو غیب را و قدرت داشتن تو بر خلق
اَجْمَعِيْنَ مَا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِيْ فَاَحْيِنِيْ وَتَوَفَّنِيْ
همگی مادام که بدانی زندگی را بهتر برای من پس زنده بدار مرا و بمیران مرا
اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
هر گاه بدانی مردن را بهتر برای من خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو
خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ
ترسیدن از تو را در پنهان و آشکار و کلمه حق را در حال غضب
وَالرِّضَا وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنٰى وَاَسْاَلُكَ
و خوشنودی و میانه روی را در حال بی چیزی و توانگری و سؤال میکنم از تو
نَعِيْمًا لَا يَنْفَدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَاَسْئَلُكَ
نعمتی را که آخر نشود و خنکی چشمی را که منقطع نگردد و سؤال میکنم از تو
الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ
راضی بودن را بقضا و سردی زندگانی را بعد از مردن و لذت
النَّظَرِ اِلٰى وَجْهِكَ وَشَوْقًا اِلٰى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءَ
نظر کردن را بسوی وجه تو و مشتاق بودن را بسوی ملاقات کردن تو بی ضرری که
مُضِرَّةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَيِّنَّا بِزِيْنَةِ الْاِيْمَانِ
ضرر رساننده باشد و بی فتنه که گمراه کننده باشد خداوندا زینت ده ما را بزینت ایمان

وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِيْنَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِيْمَنْ هَدَيْتَ

وبگردان مارا راه نمایندگان راه یافتگان خداوندا هدایت کن مارا در میان جماعتی که هدایت کرده

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ عَزِيْمَةَ الرَّشَادِ وَالثَّبَاتَ فِي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو جزم رسیدن براه حق را و ثابت بودن را در

الْاَمْرِ وَالرُّشْدَ وَاَسْئَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ

کار و رسیدن براه حق را و سؤال میکنم از تو شکر گذاری نعمت تو را و خوبی

عَافِيَتِكَ وَاَدَاۤءَ حَقِّكَ وَاَسْاَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا

از عافیت تو را و ادا کردن حق تو را و سؤال میکنم از تو ای پروردگار من دل

سَلِيْمًا وَلِسَانًا صَادِقًا وَاَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعْلَمُ وَ

سالمی و زبان صادقی را و طلب آمرزش میکنم از تو برای آنچه میدانی و

اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا تَعْلَمُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ

سؤال میکنم از تو خیر آنچه را که میدانی و پناه میبرم بتو از شر آنچه میدانی

فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ

پس بدرستیکه تو میدانی و ما نمیدانیم و تو بسیار دانائی بغیبها

دُعَاءِ دیگر که از حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلام روایت شده است

اَللّٰهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيْمِ وَرَاْفَتِكَ بِبَرِيَّتِكَ اللَّطِيْفَةِ

خداوندا بحق نیکوئی قدیم تو و مهربانی تو بحق مخلوقات لطیف تو

دعائی که خواندن آن بعد از نماز فرض سبب درازی عمر است

وَشَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ وَقُدْرَتِكَ بِسِتْرِكَ

و شفقت تو بحق کارهای محکم تو و قدرت تو بحق پوشانیدن

الْجَمِيْلِ وَعِلْمِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَحْيِ قُلُوْبَنَا

نیکوی تو و دانائی تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و زنده گردان دلهای ما را

بِذِكْرِكَ وَاجْعَلْ ذُنُوْبَنَا مَغْفُوْرَةً وَعُيُوْبَنَا

بیاد خودت و بگردان گناهان ما را آمرزیده شده و عیبهای ما را

مَسْتُوْرَةً وَفَرَايِضَنَا مَشْكُوْرَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُوْرَةً

پوشانیده شده و واجبهای ما را شکر کرده شده و سنتهای ما را پسندیده شده

وَقُلُوْبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُوْرَةً وَنُفُوْسَنَا بِطَاعَتِكَ

و دلهای ما را بیاد تو آباد کرده شده و نفسهای ما را بفرمان برداری تو

مَسْرُوْرَةً وَعُقُوْلَنَا عَلٰى تَوْحِيْدِكَ مَجْبُوْرَةً وَاَرْوَاحَنَا

خوشنود شده و عقلهای ما را بر یگانه شناسی تو جبر کرده شده و روحهای ما را

عَلٰى دِيْنِكَ مَفْطُوْرَةً وَجَوَارِحَنَا عَلٰى خِدْمَتِكَ مَقْهُوْرَةً

بر دین تو خلق کرده شده و اعضای ما را بر خدمت تو غلبه کرده شده

وَاَسْمَاۤءَنَا فِيْ خَوَاۤصِّكَ مَشْهُوْرَةً وَحَوَاۤئِجَنَا لَدَيْكَ

و نامهای ما را در میان مخصوصان تو شهرت یافته شده و حاجتهای ما را نزد خود

مَيْسُوْرَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَاۤئِنِكَ مَدْرُوْرَةً اَنْتَ

آسان کرده شده و روزیهای ما را از خزانهای خودت ریزان شده تو ئی

اللهُ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَقَدْ فازَ مَنْ والاكَ
خدائی که نیست خدائی مگر تو هر اینه بحقیق که بمقصد رسید هر که دوست داشت ترا
وَسَعِدَ مَنْ ناجاكَ وَعَزَّ مَنْ ناداكَ وَظَفِرَ
و نیکبخت شد هر که مناجات کرد با تو و عزیز شد هر که طلبید تورا و ظفر یافت
مَنْ رَجاكَ وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ وَرَبِحَ مَنْ تاجَرَكَ
هر که امید داشت بتو و غنیمت برد هر که قصد کرد تورا و سود یافت هر که سودا کرد با تو
دعاء دیگر مرویست که هر که این دعا را بعد از هر نماز فریضه بخواند و
بران مداومت نماید انقدر عمر او دراز شود که از حیات ملول گردد
و دعا اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد خداوندا
اِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ
بدرستی که رسول تو که راست گو و تصدیق کرده شده است که رحمتهای تو برو باد و
آلِهِ قالَ اِنَّكَ قُلْتَ ما تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ اَنَا فاعِلُهُ
آل او گفته است اینکه تو گفته که تردد نکرده ام در چیزی که من کننده آن باشم
كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ
مانند تردد من در قبض روح بنده مؤمن خود هم ناخوش میدارد
الْمَوْتَ وَاَكْرَهُ مَساءَتَهُ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
مرگ را و من ناخوش میدارم ناخوشی او را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَعَجِّلْ لِاَوْلِيائِكَ الْفَرَجَ وَالْعافِيَةَ وَالنَّصْرَ
و تعجیل کن برای دوستان خودت گشایش و عافیت و نصرت را
وَلا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي وَلا فِي فُلانٍ وَفُلانٍ و بجای
و ناخوش مگردان مرا در نفس من و نه در فلان و فلان فلان و
فلان نام دوستان خود را که درازی عمر ایشان را میخواهد بگوید
دعای دیگر لحیه خود را بدست راست خود میگیرد و دست
چپ را بدعا بر میدارد باین طریق که کف گشوده
و بجانب آسمان باشد و سه مرتبه میگوید
يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ
ای صاحب جلالت و گرامی داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنِي مِنَ النّارِ بعد از ان دست راست
محمد و پناه ده مرا از آتش خود را بلند میکند و کف
آنرا بجانب آسمان میگشاید و سه مرتبه میگوید
يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا غَفُورُ يا رَحِيمُ بعد از ان
ای عزیز ای صاحب کرم ای آمرزنده ای مهربان هر دو دست
را بر میگرداند و پشت دستها را بجانب آسمان میکند و سه مرتبه میگوید
صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنِي مِنَ الْعَذابِ الْاَلِيمِ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا از عذاب دردناک

بعد از ان هر دو دست را بزیر می آورد و میگوید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَفَقِّهْنِیْ فِی الدِّیْنِ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و دانا کردان مرا در دین
وَحَبِّبْنِیْ اِلَی الْمُسْلِمِیْنَ وَاجْعَلْ لِّیْ لِسَانَ صِدْقٍ
و دوست کردان مرا بسوی مسلمانان و بکردان برای من زبان راستی
فِی الْاٰخِرِیْنَ وَارْزُقْنِیْ هَیْبَةَ الْمُتَّقِیْنَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ
درمیان پسینیان و روزی کن مرا هیبتی که برای متقیان می باشد ای خدا ای خدا
یَا اَللّٰهُ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهٗ عَلَیْکَ عَظِیْمٌ اَنْ تُصَلِّیَ
ای خدا سؤال میکنم ترا بحق کسی که حق او برتو عظیم است اینکه رحمت فرستی
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تَسْتَعْمِلَنِیْ بِمَا عَرَّفْتَنِیْ مِنْ
بر محمد و آل محمد و اینکه بکار داری مرا بانچه شناسانیده بمن از
حَقِّکَ وَاَنْ تَبْسُطَ عَلَیَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِکَ دعای دیگر
حق خودت و اینکه پهن کنی برمن از روزی حلال خودت مروی است که کمترین
چیزی از دعا که مجزیست بعد از نماز واجبی اینست که بگوئی
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُکَ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد خداوندا بدرستی که ما سؤال میکنیم ترا
مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُکَ وَنَعُوْذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ
از هر خیری که احاطه کرده است آن را علم تو و پناه میبریم بتو از هر شری

احاط

اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُکَ عَافِیَتَکَ فِیْ اُمُوْرِنَا
که احاطه کرده است آن را علم تو خداوندا بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو عافیت ترا در کارهای ما
کُلِّهَا وَنَعُوْذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ
همه آنها و پناه میبریم بتو از خواری دنیا و عذاب آخرت
دعائی که از تعقیبات مخصوصه بظهر است و روایت کرده است
از معویة بن عمار از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام
یَا اَسْمَعَ السَّامِعِیْنَ وَیَا اَبْصَرَ النَّاظِرِیْنَ وَیَا اَسْرَعَ
ای شنونده ترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای زود حساب کننده ترین
الْحَاسِبِیْنَ وَیَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِیْنَ وَیَا اَکْرَمَ الْاَکْرَمِیْنَ
حساب کنندگان و ای بخشنده ترین بخشنده تران و ای کرامی تر کرامی تران
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ وَاَجْزَلِ وَاَوْفٰی وَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد مثل بهتر و بیشتر و درستتر و
اَحْسَنِ وَاَجْمَلِ وَاَکْرَمِ وَاَطْهَرِ وَاَزْکٰی وَ
نیکوتر و آراسته تر و کرامی تر و پاکیزه تر و زیاد شونده تر و
اَنْوَرِ وَاَعْلٰی وَاَبْهٰی وَاَسْنٰی وَاَنْمٰی وَاَدْوَمِ
روشن تر و بهتر و درخشان تر و بلندتر و نمو کننده تر و دایمی تر
وَاَعَمِّ وَاَبْقٰی مَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَمَنَنْتَ وَ
و شامل تر و پاینده تر از آنچه رحمت فرستاده و برکت داده و انعام کرده و

تعقیب مخصوص نماز ظهر

تَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ

ترحم کرده بر ابرهیم و آل ابرهیم بدرستی که تو ستوده شدهٔ بزرگواری

اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰی

خداوندا انعام کن بر محمد و آل محمد چنانکه انعام کردهٔ بر

مُوْسٰی وَهٰرُوْنَ وَسَلِّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ

موسی و هرون و سلام فرست بر محمد و آل محمد چنانکه سلام فرستادهٔ

عَلٰی نُوْحٍ فِی الْعٰلَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْ عَلَیْهِ مِنْ

بر نوح درمیان عالمیان خداوندا و وارد ساز بر او از

ذُرِّیَّتِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَاَتْبَاعِهٖ

فرزندان او و زنان او و اهل بیت او و اصحاب او و پیروان او

مَنْ تَقَرُّ بِهِمْ عَیْنُهٗ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَمِمَّنْ یَّسْقِیْهِ

کسانی که خنک کنی بایشان چشم او را و بگردان ما را از جملهٔ ایشان و از کسانی که آب میدهد ایشان را

بِكَاْسِهٖ وَتُوْرِدُهٗ حَوْضَهٗ وَاحْشُرْنَا فِیْ زُمْرَتِهٖ

بجام خود و وارد میسازی ایشان را بر حوض او و حشر کن ما را درمیان گروه او

وَاجْعَلْنَا تَحْتَ لِوَآئِهٖ وَاَدْخِلْنَا فِیْ كُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ

و بگردان ما را در زیر علم او و داخل کردان ما را در هر چیزی که داخل کردهٔ

فِیْهِ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوْٓءٍ اَخْرَجْتَ

در آن محمد و آل محمد را و بیرون بر ما را از هر بدی که بیرون بردهٔ

منه

مِنْهُ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ مُحَمَّدٍ وَّ

از آن محمد و آل محمد را و جدائی میندازی میان ما و میان محمد و

اٰلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَدًا وَّلَا اَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا

آل محمد بقدر برهم زدن چشم هرگز و نه کمتر از آن و نه

اَكْثَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاجْعَلْنِیْ

بیشتر خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا

مَعَهُمْ فِیْ كُلِّ شِدَّةٍ وَّرَخَآءٍ وَّاجْعَلْنِیْ مَعَهُمْ فِیْ كُلِّ

با ایشان در هر سختی و رفاهیتی و بگردان مرا با ایشان در هر

اَمْنٍ وَّخَوْفٍ وَّاجْعَلْنِیْ مَعَهُمْ فِیْ كُلِّ عَافِیَةٍ وَّبَلَآءٍ

امنیتی و خوفی و بگردان مرا با ایشان در هر عافیتی و بلائی

وَاجْعَلْنِیْ مَعَهُمْ فِیْ كُلِّ مَثْوًی وَّمُنْقَلَبٍ اَللّٰهُمَّ

و بگردان مرا با ایشان در هر قرارگاهی و جای بازگشتی خداوندا

اَحْیِنِیْ مَحْیَاهُمْ وَاَمِتْنِیْ مَمَاتَهُمْ وَاجْعَلْنِیْ مَعَهُمْ

زنده دار مرا مثل زندگی ایشان و بمیران مرا مثل مردن ایشان و بگردان مرا با ایشان

فِی الْمَوَاقِفِ كُلِّهَا وَاجْعَلْنِیْ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِیْهًا

در موقفها همه آنها و بگردان مرا بوسیلهٔ ایشان نزد خودت روشناس

فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

در دنیا و آخرت و از جملهٔ مقربان خداوندا رحمت فرست بر

محمد وآل محمد واكشف عني بهم كل كرب ونفس

محمد وآل محمد وبرطرف كن از من بسبب ایشان هر مشقتی را ودنا یل کن

عني بهم كل هم وفرج عني بهم كل غم و

از من بسبب ایشان هر غمی را وبگشای از من بسبب ایشان هر اندوهی را و

اكفني بهم كل خوف واصرف عني بهم مقادير

کفایت کن از من بسبب ایشان هر ترسی را وباز گردان از من بسبب ایشان اندازها

كل بلاء وسوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة

هر بلائی را وبدی قضا را ودر یافتن بدبختی را وشماتت کردن

الأعداء اللهم وصل على محمد وآله واغفر لي

دشمنان را خداوندا ورحمت فرست بر محمد وآل او وبیامرز برای من

ذنبي وطيب لي كسبي وقنعني بما رزقتني وبارك

گناه مرا وپاکیزه گردان برای من کسب مرا وقانع ساز مرا بانچه روزی داده بمن وبرکت ده

لي فيه ولا تذهب بنفسي إلى شيء صرفته عني

برای من در آن ومبر نفس مرا بسوی چیزی که باز گردانیده آنرا از من

اللهم إني أعوذ بك من دنيا تمنع خير الآخرة

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از دنیائی که منع کند خیر آخرت را

ومن عاجل يمنع خير الآجل وحيوة تمنع خير الممات

واز حاضری که منع کند خیر آینده را وزندگی که منع کند خیر مردن را

وآل

وأمل يمنع خير العمل اللهم إني أسألك الصبر على

وارزوئی که منع کند خیر عمل را خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو صبر کردن بر

طاعتك والصبر على طاعتك والصبر عن معصيتك

طاعت تو را وصبر کردن وباز ایستادن از معصیت تو را

والقيام بحقك وأسألك حقائق الإيمان وصدق

وایستادگی کردن بحق تو را وسؤال میکنم از تو حقیقتهای ایمان را وراستی

اليقين في المواطن كلها وأسألك العفو والعافية

یقین را در موطنها همه انها وسؤال میکنم از تو در گذشتن وعافیت

والمعافاة في الدنيا والآخرة عافية الدنيا من

ومعافات را در دنیا وآخرت عافیت دنیا را از

البلاء وعافية الآخرة من الشقاء اللهم إني

بلا وعافیت آخرت را از بدبختی خداوندا بدرستیکه من

أسألك الظفر والسلامة وحلول دار الكرامة

سؤال میکنم از تو ظفر وسلامتی وفرود آمدن در خانه کرامت را

اللهم إني أسألك العافية وتمام العافية و

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو عافیت را وتمام بودن عافیت را و

الشكر على العافية يا ولي العافية اللهم

شکر بر عافیت را ای بخشنده عافیت خداوندا

اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَدُعَائِي رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً

بگردان برای من در نماز من و دعای من ترسی از تو و رغبتی

إِلَيْكَ وَرَاحَةً تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي

بسوی تو و راحتی که انعام کنی آن برمن خداوندا محروم مگردان مرا

سَعَةَ رَحْمَتِكَ وَسُبُوغَ نِعْمَتِكَ وَشُمُولَ عَافِيَتِكَ

از وسعت رحمت خود و کامل بودن نعمت خود و شامل بودن عافیت خود

وَجَزِيلَ عَطَايَاكَ وَمِنَحَ مَوَاهِبِكَ لِسُوءِ مَا عِنْدِي

و عظیم از عطاهای خود و دهشهای بخششهای خود برای بدی آنچه نزد من است

وَلَا تُجَازِنِي بِقَبِيحِ عَمَلِي وَلَا تَصْرِفْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و جزا مده مرا بسبب عمل قبیح من و باز مگردان روی رحمت کریم خود را

عَنِّي اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي وَأَنَا أَدْعُوكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي

از من خداوندا محروم مگردان مرا و حال آنکه من میخوانم ترا و نا امید مگردان مرا

وَأَنَا أَرْجُوكَ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ

و حال آنکه من امیدوارم بتو و وا مگذار مرا بسوی نفس من بقدر بهم زدن چشمی

أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَحْرِمَنِي وَيَسْتَأْثِرَ

هرگز و نه بسوی کسی از خلق تو پس محروم گرداند مرا و اختیار کند

عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ

برمن خداوندا بدرستی که تو محو میکنی آنچه را میخواهی و ثبت میکنی و نزد تست

أُمُّ الْكِتَابِ أَسْأَلُكَ بِآلِ يَاسِينَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

اصل کتاب سؤال میکنم تورا بحق آل پیغمبر که برگزیدگان تو اند از خلق تو

وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي

و پسندیدگان تو اند از آفریدگان تو و پیش میدارم ایشان را در پیش روی حاجت خود

وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي عِنْدَكَ

و رغبت من بسوی تو خداوندا اگر بوده باشی تو چنین که نوشته باشی مرا نزد خود

فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا مَحْرُومًا مُقَتَّرًا عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ

در اصل کتاب بدبخت محروم تنگ گرفته شده برمن در روزی

فَامْحُ مِنْ أُمِّ الْكِتَابِ شَقَائِي وَحِرْمَانِي وَأَثْبِتْنِي

پس محو کن از اصل کتاب بدبختی مرا و محرومی مرا و ثبت کن مرا

عِنْدَكَ سَعِيدًا مَرْزُوقًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثْبِتُ

نزد خود نیکبخت روزی داده شده پس بدرستی که تو محو میکنی آنچه را میخواهی و ثبت میکنی

وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ

و نزد تست اصل کتاب خداوندا بدرستی که من برای آنچه فرو فرستادی بسوی من

مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ وَأَنَا مِنْكَ خَائِفٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ وَأَنَا

از خیر محتاجم و من از تو ترسانم و بتو پناه آورنده ام و من

حَقِيرٌ مِسْكِينٌ أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

حقیر مسکینم که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه

وَعَدْتَنِي اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ قَالَ ادْعُونِي
وعده کرده بمن بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را ای آنکسی که گفته است بخوانید مرا
اَسْتَجِبْ لَكُمْ نِعْمَ الْمُجِيبُ اَنْتَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ
تا اجابت کنم برای شما خوب اجابت کننده تو ای بزرگ من و آقای من
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْوَلِيُّ وَبِئْسَ الْعَبْدُ
و خوب وکیل تو و خوب پروردگاری تو و خوب صاحبی تو و بد بنده هستم
اَنَا وَهٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ يَا فَارِجَ
من و اینست جای پناه برنده بتو از آتش ای گشاینده
الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
اندوه و ای برطرف کننده غم ای اجابت کننده دعای درماندگان
وَرَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا ارْحَمْنِي
و ای بخشاینده در دنیا و آخرت و مهربان در دنیا و آخرت رحم کن مرا
رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَدْخِلْنِي
رحمتی که بی نیاز گردانی مرا بسبب آن از رحمت کسی که غیر تست و داخل گردان مرا
بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
برحمت خود در میان بندگان صالح خود سپاس مر خدا راست که
قَضٰى عَنِّي صَلٰوتِي فَاِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
ادا کرد از من نماز مرا پس بدرستی که نماز بوده است بر مؤمنان

کِتَابًا مَوْقُوتًا بعد از دو سجده شکر را بجای آورد
فرض معین و کیفیت دو سجده شکر آنست که سینه و شکم
خود را بر زمین بچسبانی و دستهای خود را بر زمین فرش نمائی
و پهن کنی و در سجود نماز چنین نباید کرد بلکه پیشانی و کف
دستها و زانوها و انگشت بزرگ پاها را بر زمین باید گذارد
و باقی اعضا را از زمین جدا و از یکدیگر نیز جدا باید نمود
و در سجده شکر صد مرتبه شُكْرًا شُكْرًا و اگر سه مرتبه
شُكْرًا لِلّٰهِ بگوئی مجزیست شکر میکنم خدا را شکر کردنی
شکر میکنم شکر کردنی برای خدا و حضرت امام موسی کاظم علیه
الصلوة والسلام در سجده شکر میگفت که
رَبِّ عَصَيْتُكَ بِلِسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ
ای پروردگار من عصیان کردم ترا بزبان خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم
لَاَخْرَسْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ
هر آینه لال میکردی مرا و معصیت کردم ترا بچشم خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم
لَاَكْمَهْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ
هر آینه نابینا خلق میکردی مرا و معصیت کردم ترا بگوش خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم
لَاَصْمَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِيَدِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ
هر آینه کر میکردی مرا و معصیت کردم ترا بدست خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لَکَنَعتَنی وَعَصَیْتُکَ بِفَرجی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِکَ

هر آینه شل میکردی مرا و معصیت کردم ترا بفرج خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لَعَقَمْتَنی وَعَصَیْتُکَ بِرِجْلی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِکَ

هر آینه عقیم میکردی مرا و معصیت کردم ترا بپای خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لَجَذَمْتَنی وَعَصَیْتُکَ بِجَمیعِ جَوارِحِیَ الَّتی اَنْعَمْتَ بِها

هر آینه قطع میکردی پای مرا و معصیت کردم ترا بهمه اعضای خودم که انعام کرده بانها

عَلَیَّ وَلَمْ یَکُنْ هذا جَزآءَکَ مِنّی بعد از ان هزار

بر من و حال آنکه نبود این جزای تو از من مرتبه میگفت

اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ بعد از ان طرف راست روی خود را

طلب میکنم عفو را طلب میکنم عفو را بر زمین میچسبانید و با واز حزین سه مرتبه میگفت

بُؤْتُ اِلَیْکَ بِذَنْبی عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسی

باز گشتم بسوی تو بگناه خودم کردم بدی را و ظلم کردم بر نفس خود

فَاغْفِرْ لی فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَیْرُکَ یا مَوْلایَ

پس بیامرز برای من پس بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را کسی غیر تو ای آقای من

بعد از ان طرف چپ روی خود را بر زمین میچسبانید و سه مرتبه میگفت

اِرْحَمْ مَنْ اَساءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَکانَ وَاعْتَرَفَ

رحم کن کسی را که بد کرده است و کسب گناه کرده است و فروتنی نموده است و اعتراف بگناه نموده است

دعائی که روایت کرده است از معویة بن عمار که بعد از نماز عصر باید خواند

تعقیب نماز عصر

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ

سپاس مر خدا یرا که پروردگار عالمیان است و رحمت فرستد خدا بر محمد که خاتم

النَّبِیّینَ وَعَلی آلِهِ الطّاهِرینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

پیغمبران است و بر آل او که پاکانند از گناه خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی اللَّیْلِ اِذا یَغْشی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آل محمد در شب هرگاه بپوشاند و رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ فِی النَّهارِ اِذا تَجَلّی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

محمد در روز هرگاه روشن شود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد

فِی الْمَلَاِ الْاَعْلی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الْاخِرَةِ

در جماعت بلند مرتبه تر و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در آخرت

وَالْاُولی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ما لاحَ الْجَدیدانِ

و دنیا و رحمت فرست بر محمد و آل او مادام که ظاهر شوند آن دو چیز تازه

وَمَا اطَّرَدَ الْخافِقانِ وَما حَدَا الْحادِیانِ وَما

و مادام که دایم باشد مشرق و مغرب و مادام که بر انند آن دو راننده و مادام

عَسْعَسَ لَیْلٌ وَما ادْلَهَمَّ ظَلامٌ وَما تَنَفَّسَ صُبْحٌ

که بیاید شب و مادام که بنهایت رسد تاریکی و مادام که نفس کشد صبح

وَما اَضاءَ فَجْرٌ اَللّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ

و مادام که روشن شود فجر خداوندا بگردان محمد را که رحمت فرستد خدا برو

وَآلِهِ خطیب وفد المؤمنین الیك والمکسو حلل
وآل او خطیب گروه مؤمنان بسوی تو و پوشانیده شده جامهای
الامان اذا وقف بین یدیك والناطق اذا خرست
امان هرگاه بایستد پیش روی تو و گویا هرگاه گنگ شود
الالسن بالثناء علیك اللهم اعل درجته و
زبانها بستایش کردن بر تو خداوندا بلند گردان مرتبه او را و
ارفع منزلته واظهر حجته وتقبل شفاعته
بالا بر منزلت او را و ظاهر گردان حجت او را و قبول کن شفاعت او را
وابعثه المقام المحمود الذی وعدته واغفر
و برانگیز او را در مقام پسندیده شده که وعده کرده او را و بیامرز
ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم بلغ
آنچه را که احداث کرده اند احداث کنندگان از امت او بعد از او خداوندا برسان
روح محمد وآل محمد منی التحیة والسلام و
بروح محمد و آل محمد از جانب من درود و سلام را و
اردد علی منهم التحیة والسلام یا ذا الجلال و
باز گردان برمن از جانب ایشان درود و سلام را ای صاحب بزرگی و
الاکرام والفضل والانعام اللهم انی اعوذ
گرامی داشتن و تفضل و انعام خداوندا بدرستیکه من پناه

بك من مضلات الفتن ما ظهر منها وما بطن والاثم
بتو از گمراه کنندهای فتنها آنچه ظاهر است از آنها و آنچه پنهان است و از گناه
والبغی بغیر الحق وان اشرك بك ما لم تنزل به
و ستم بغیر حق و از اینکه شریك کنم با تو چیزی را که نفرستاده بآن
سلطانا وان اقول علیك ما لا اعلم اللهم
حجتی و دلیلی و از اینکه بگویم بر تو چیزی را که ندانم خداوندا
انی اسئلك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
بدرستیکه من سؤال میکنم از تو واجب کنندها رحمت تو و لازم کنندها آمرزش تو را
والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم
و نفع بردن را از هر نیکوئی و سلامتی را از هر گناهی
واسئلك الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم
و سؤال میکنم از تو فایز شدن بهشت را و نجات یافتن از آتش را خداوندا
صل علی محمد وآل محمد واجعل لی فی صلاتی و
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان برای من در نماز من و
دعائی برکة تطهر بها قلبی وتؤمن بها روعی
دعای من برکتی که پاك گردانی بآن دل مرا و ایمن سازی بآن ترس مرا
وتکشف بها کربی وتغفر بها ذنبی وتصلح
و برطرف کنی بآن اندوه مرا و بیامرزی بآن گناه مرا و اصلاح کنی

بِهَا اَمْرِي وَتُغْنِي بِهَا فَقْرِي وَتُذْهِبُ بِهَا ضُرِّي وَ
بان کارِ مرا وتوانگر کردانی بان پریشانی مرا و ببری بان بدحالی مرا و
تُفَرِّجُ بِهَا غَمِّي وَتُسَلِّي بِهَا هَمِّي وَتَشْفِي بِهَا سُقْمِي
زایل کنی بان غم مرا وتسلی دهی بان اندوه مرا وشفا دهی بان بیماری مرا
وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي وَتَقْضِي
وایمن سازی بان خوف مرا وبرطرف کنی بان اندوه مرا وادا کنی
بِهَا دَيْنِي وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي
بان قرض مرا وجمع کنی بان پراکندگی مرا وسفید کردانی بان روی مرا
وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
و بکردان انچه را که نزد تست خبر برای من خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا
وآل محمد ووامکذار برای من کناهی را مکر اینکه بیامرزی انرا ونه
كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا خَوْفًا اِلَّا اٰمَنْتَهُ وَلَا سُقْمًا
اندوهی را مکر انکه زایل کنی انرا ونه ترسی را مکر انکه ایمن سازی انرا ونه بیماری را
اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا اَفْرَجْتَهُ وَلَا غَمًّا
مکر انکه شفا دهی انرا ونه غمی را مکر انکه برطرف کنی انرا ونه اندوهی را
اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حُزْنًا اِلَّا سَلَّيْتَهُ وَلَا دَيْنًا
مکر انکه ببری انرا ونه غمکینی را مکر انکه تسلی دهی انرا ونه قرضی را

اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً
مکر انکه ادا کنی انرا ونه دشمنی را مکر انکه دفع کنی اورا ونه حاجتی را
اِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا دَعْوَةً اِلَّا اَجَبْتَهَا وَلَا مَسْاَلَةً
مکر انکه روا کنی انرا ونه دعائی را مکر انکه اجابت کنی انرا ونه سؤالی را
اِلَّا اَعْطَيْتَهَا وَلَا اَمَانَةً اِلَّا اَدَّيْتَهَا وَلَا فِتْنَةً
مکر انکه عطا کنی انرا ونه امانتی را مکر انکه برسانی انرا ونه فتنه را
اِلَّا صَرَفْتَهَا اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي مِنَ الْعَاهَاتِ وَ
مکر انکه بکردانی انرا خداوندا بکردان از من از عیبها و
الْاٰفَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ مَا اُطِيقُ وَمَا لَا اُطِيقُ صَرْفَهُ
افتها و بلاها انچه را که طاقت دارم وانچه را که طاقت ندارم کردانیدن انرا
اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ
مکر بسبب تو خداوندا صبح کرده است ظلم من پناه جوینده بعفو تو و
اَصْبَحَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفِي
صبح کرده است کناهان من پناه جوینده بامرزش تو وصبح کرده است ترس من
مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَ
پناه جوینده بامان تو وصبح کرده است پریشانی من پناه جوینده بتوانکری تو
اَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا
صبح کرده است خواری من پناه جوینده بعزت تو وصبح کرده است ناتوانی من پناه جوینده

يقُوَّتِكَ وَاصبَحَ وَجهِيَ البَالِي الفَانِي مُستَجِيرًا بِوَجهِكَ
بتوانائی تو وصبح کرده است روی کهنه فانی شونده من پناه جوینده بذات
الدَّائِمِ البَاقِي يَا كَائِنًا قَبلَ كُلِّ شَيءٍ وَيَا مُكَوِّنَ
باقی دایمی تو ای موجود پیش از هر چیز وای موجود کننده
كُلِّ شَيءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاصرِف عَنِّي وَعَن
هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و باز گردان از من و از
اَهلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاَهلِ حُزَانَتِي وَاِخوَانِي مِنكَ
اهل من و مال من و اولاد من و اهل خزانه من و برادران من دور از تو
شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيطَانٍ مَرِيدٍ
شر هر صاحب شری را و شر هر جبر کننده عناد ورزنده و شیطان سرکشی را
وَسُلطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ وَحَاسِدٍ مُعَانِدٍ وَ
و پادشاه ظلم کننده و دشمن غلبه کننده را و حسد برنده عناد کننده و
بَاغٍ مُرَاصِدٍ وَمِن شَرِّ السَّامَّةِ وَالهَامَّةِ وَمَا
سم کننده کمین کننده را و از شر حیوانات صاحب زهر و جانوران گزنده و آنچه
دَبَّ فِي اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَشَرِّ فُسَّاقِ العَرَبِ وَالعَجَمِ
حرکت کند در شب و روز و شر فاسقان عرب و عجم
وَفَسَقَةِ الجِنِّ وَالاِنسِ وَاَعُوذُ بِدِرعِكَ الحَصِينَةِ
و فاسقان جن و انس و پناه میبرم بزره محکم تو

الَّتِي لَا تُرَامُ اَن تُمِيتَنِي غَمًّا اَو هَمًّا اَو مُتَرَدِّيًا اَو
که قصد کرده نمیشود از اینکه بمیرانی مرا بسبب غم یا اندوه یا افتادن از بلندی یا
هَدمًا اَو رَدمًا اَو غَرَقًا اَو حَرَقًا اَو عَطَشًا اَو
فرود آمدن خانه یا رسیدن کلوخی یا غرق شدن یا سوختن یا تشنگی یا
شَرَقًا اَو صَبرًا اَو تَرَدِّيًا اَو اَكِيلَ سَبُعٍ اَو فِي
چیزی در گلو ماندن یا بطریق صبر یا افتادن یا خورده شده درنده یا در
اَرضِ غُربَةٍ اَو مِيتَةَ سُوءٍ وَاَمِتنِي عَلَى فِرَاشِي فِي عَافِيَةٍ
زمین غربت یا مردن بد و بمیران مرا بر فراش من در عافیت
اَو فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ اَهلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلتَ
یا در صفی که وصف کرده اهل آن را در کتاب خودت پس گفته
كَاَنَّهُم بُنيَانٌ مَرصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ
که گویا ایشان هستند بنای محکم بر طاعت تو و طاعت رسول تو
مُقبِلًا عَلَى عَدُوِّكَ غَيرَ مُدبِرٍ عَنهُ قَائِمًا بِحَقِّكَ
در حالتی که رو کننده باشم بر دشمن تو پشت کننده نباشم از آن ایستاده کننده باشم بحق تو
غَيرَ جَاحِدٍ لِآلَائِكَ وَلَا مُعَانِدٍ لِاَولِيَائِكَ وَلَا
انکار کننده نباشم مر نعمتهای ترا و عناد ورزنده نباشم مر دوستان ترا و
مُوَالِيًا لِاَعدَائِكَ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ اجعَل دُعَائِي
دوست دارنده نباشم مر دشمنان ترا ای صاحب کرم خداوندا بگردان دعای مرا

مراد از میرانیدن بطور غضب آنست که
[illegible]

فِی الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ وَاجْعَلْنِی عِنْدَكَ وَجِیهًا فِی
درمیان دعاها بالا برده شده مستجاب شده و بگردان مرا نزد خودت روشناس در
الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ الَّذِینَ لَا خَوْفٌ
دنیا و آخرت و از جملهٔ مقربانی که نیست خوف
عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ وَاغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَمَا
بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند و بیامرز برای من و برای پدر و مادر من و آنچه
وَلَدَا وَمَنْ وَلَدْتُ وَمَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ
زائیده اند و هرکه از من بوجود آمده و آنچه از ایشان بوجود آمده است از مردان مومن و
الْمُؤْمِنَاتِ یَا خَیْرَ الْغَافِرِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَضٰی
زنان مومنه ای بهترین آمرزندگان سپاس مر خدای راست که ادا کرد
عَنِّی صَلٰوةً كَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ كِتَابًا مَوْقُوتًا دعائی که روایت کرده است
از من نمازی را که بود بر مومنان فرضی معین معقول است که بعد نماز مغرب باید خواند
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ الْبَشِیرِ
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا رحمت بفرست بر محمد بشارت دهنده
النَّذِیرِ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْخَیِّرِ الْفَاضِلِ
ترساننده چراغ روشن پاکیزه پاک صاحب خیر بسیار افزون مرتبه
خَاتَمِ اَنْبِیَائِكَ وَسَیِّدِ اَصْفِیَائِكَ وَخَالِصِ اَخِلَّائِكَ
خاتم پیغمبران تو و بزرگ برگزیدگان تو و خالص دوستان تو

تعقیب نماز مغرب

ذِی الْوَجْهِ الْجَمِیلِ وَالشَّرَفِ الْاَصِیلِ وَالْمِنْبَرِ النَّبِیلِ
صاحب روی نیکو و بزرگواری اصل مند و صاحب منبر عظیم
وَالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و جایگاه پسندیده شده و حوض [illegible] رود خداوندا رحمت فرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِكَ
بر محمد چنانکه رسانید پیغامهای تورا و جهاد کرد در راه تو
وَنَصَحَ لِاُمَّتِهٖ وَعَبَدَكَ حَتّٰی اَتَاهُ الْیَقِینُ وَصَلِّ
و نصیحت کرد برای امت خود و عبادت کرد تورا تا اینکه آمد اورا یقین و رحمت فرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِینَ الْاَخْیَارِ الْاَتْقِیَاءِ الْاَبْرَارِ
بر محمد و آل او که پاکانند برگزیدگانند پرهیزکارانند نیکوکارانند
الَّذِینَ انْتَجَبْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَیْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ
که برگزیدهٔ ایشان را برای نفس خود و اختیار کردهٔ ایشان را از میان خلق خود
وَاٰمَنْتَهُمْ عَلٰی وَحْیِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِكَ وَ
و امین کردهٔ ایشان را بر وحی خود و گردانیدهٔ ایشان را خزانه داران علم خود و
تَرَاجِمَةَ وَحْیِكَ وَاَعْلَامَ نُورِكَ وَحَفَظَةَ سِرِّكَ
بیان کنندگان وحی خود و نشانهای نور خود و نگاهدارندگان سر خود
وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا اَللّٰهُمَّ
و برطرف کردهٔ از ایشان گناه را و پاک گردانیدهٔ ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا

وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ
و منهل مشهود

انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم
نفع ده مارا بسبب دوستی ایشان و محشور ساز مارا در گروه ایشان و زیر علم ایشان
ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك
و جدائی مینداز میان ما و میان ایشان و بگردان مرا بسبب ایشان نزد خود
وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين
روشناس در دنیا و آخرت و از مقربانی که
لا خوف عليهم ولا هم يحزنون الحمد لله الذي
نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند سپاس مر خدا راست که
اذهب النهار بقدرته وجاء بالليل برحمته
برده است روز را بقدرت خود و آورده است شب را برحمت خود
خلقا جديدا وجعله لباسا ومسكنا وجعل الليل
خلقی تازه و گردانیده است از لباس و از مکانی و گردانیده است شب
والنهار آيتين ليعلم بها عدد السنين والحساب
و روز را دو علامت تا اینکه دانسته شود بانها شماره سالها و حساب
الحمد لله على اقبال الليل وادبار النهار اللهم
سپاس مر خدا راست بر آوردن شب و پشت کردن روز خداوندا
صل على محمد وآله واصلح لي ديني الذي هو عصمة
رحمت فرست بر محمد و آل او و اصلاح کن برای من دین مرا که آن نگاهدارنده

مراد بودن شب و روز است دو علامت
بر کمال قدرت حق تعالی نابودن
آنها است و دو علامت برای دانستن
شماره سال و حساب آن و الله تعالی
اعلم

امري واصلح لي دنياي التي فيها معيشتي واصلح
امر من است و اصلاح کن برای من دنیای مرا که در اوست زندگانی من و اصلاح کن
لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة
برای من آخرت مرا که بسوی اوست بازگشت من و بگردان زندگی را زیاد کننده
لي من كل خير واجعل الموت راحة لي من كل
برای من از هر خیری و بگردان مردن را راحتی برای من از هر
سوء واكفني امر دنياي وآخرتي بما كفيت
بدی و کفایت کن برای من کار دنیای مرا و آخرت مرا بانچه کفایت کرده
به اولياءك وخيرتك من عبادك الصالحين
بان دوستان خود را و برگزیدگان خود از بندگان شایسته خود را
واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني
و باز گردان از من شر دنیا و آخرت را و توفیق ده مرا برای آنچه خوشنود میسازد ترا از من
يا كريم امسينا والملك لله الواحد القهار
ای صاحب کرم شام کردیم و حال آنکه پادشاهی برای خدای یکتای قهار است
وما في الليل والنهار انى وهذا الليل والنهار
و آنچه در شب و روز است بدرستیکه من و این شب و روز
خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما
دو مخلوقیم از مخلوقات تو پس نگاه دار مرا در آنها بقوت خود و منما آنها را

جُرْاَةً مِنّی عَلیٰ مَعاصِیکَ وَلا رُکُوباً مِنّی لِمَحارِمِکَ

جرأتی ازمن بر نافرمانیهای تو و نه ارتکابی ازمن برای محرمات تو

وَاجْعَلْ عَمَلی فیهِما مَقْبُولاً وَسَعْیی مَشْکُوراً وَسَهِّلْ

و بگردان عمل مرا درانها قبول کرده شده وسعی مرا جزاداده شده واسان کن

لی ما اَخافُ عُسْرَهُ وَسَهِّلْ لی ما صَعُبَ عَلَیَّ

برای من انچه راکه می ترسم ازدشواری ان واسان کردان برای من انچه راکه دشوارست برمن

اَمْرُهُ وَاقْضِ لی فیهِ بِالْحُسْنیٰ وَآمِنّی مَکْرَکَ

امران وحکم کن برای من دران بر نیکوئی وایمن سازمرا از مکرخود

وَلا تَهْتِکْ عَنّی سِتْرَکَ وَلا تُنْسِنی ذِکْرَکَ وَلا

و پاره مکن ازمن پرده خودرا وفراموش مسازازمن یاد کردن ترا و

تَحُلْ بَیْنی وَبَیْنَ حَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَلا تُلْجِئْنی اِلیٰ

حایل قرارمده میان من ومیان قدرت تو وقوت خودت وناچار مگردان مرا بسوی

نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً وَلا اِلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

نفس خودم بقدر برهم زدن چشمی هرگز ونه بسوی یکی از مخلوقات خود

یا کَریمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ مَسامِعَ

ای صاحب کرم خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وبگشای گوشهای

قَلْبی لِذِکْرِکَ حَتّیٰ اَعِیَ وَحْیَکَ وَاَتَّبِعَ کِتابَکَ

دل مرا برای یاد تو تا اینکه حفظ نمایم وحی تورا وپیروی کنم کتاب تورا

واصدق

وَاُصَدِّقَ رُسُلَکَ وَاُومِنَ بِوَعْدِکَ وَاَخافَ

وتصدیق نمایم رسولان ترا وتا اینکه ایمان اورم بوعده تو و بترسم

وَعیدَکَ وَاُوفِیَ بِعَهْدِکَ وَاَتَّبِعَ اَمْرَکَ وَاَجْتَنِبَ

از وعده عذاب تو ووفا کنم بعهد تو و پیروی کنم فرمان تورا ودوری نمایم

نَهْیَکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَصْرِفْ عَنّی

از نافرمانی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وبازمگردان ازمن

وَجْهَکَ وَلا تَمْنَعْنی فَضْلَکَ وَلا تَحْرِمْنی عَفْوَکَ

روی رحمت خودرا ومنع مکن ازمن فضل خودرا ومحروم مسازمرا از عفو خود

وَاجْعَلْنی اُوالی اَوْلِیاءَکَ وَاُعادی اَعْداءَکَ وَ

وبگردان مرا که دوست دارم دوستان تورا ودشمن دارم دشمنان تورا و

ارْزُقْنِی الرَّهْبَةَ مِنْکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْخُشُوعَ

روزی کن مرا ترسیدن از تو ورغبت داشتن بسوی تو وفروتنی

وَالْوَقارَ وَالتَّسْلیمَ لِاَمْرِکَ وَالتَّصْدیقَ بِکِتابِکَ

وسنجیدگی وانقیاد کردن برای امر تو وتصدیق کردن بکتاب تو

وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وپیروی کردن طریقه پیغمبر تورا که رحمت فرستد خدا براو وآل او ودرود فرستد

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لا یَشْبَعُ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند وازشکمی که سیر نگردد

بیرون ... کنایه است از ... یاصی ... دوری کرده ... است که ... ۱۲

وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَ

وَازْ چشمی که اشك نريزد وَازْ دلی که فروتنی نکند وَازْ نمازی که بالا برده نشود وَ

عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَآءٍ لَا يُسْمَعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ

ازْ عملی که نفع نرساند وَازْ دعائی که مستجاب نشود وَپناه میبرم بتو ازْ

سُوْءِ الْقَضَآءِ وَدَرَكِ الشَّقَآءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَآءِ

بدی قضا وَدَرْيافتن بدبختی وَشماتت کردن دشمنان

وَجَهْدِ الْبَلَآءِ وَعَمَلٍ لَا يُرْضٰى وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ

وَمشقت بلا وَعملی که پسندیده نشود وَپناه میبرم بتو از

الْفَقْرِ وَالْقَهْرِ وَالْكُفْرِ وَالْوَقْرِ وَالْغَدْرِ

پریشانی وَقهر وَکفر وَسنگینی وَحیله

وَضِيقِ الصَّدْرِ وَسُوْءِ الْاَمْرِ وَمِنْ بَلَآءٍ لَيْسَ لِي عَلَيْهِ

وَتنگی سینه وَبدی کار وَازْ بلائی که نیست برای من بران

صَبْرٌ وَمِنَ الدَّآءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ

صبری وَازْ درد عضال وَغلبهٔ مردان وَنومیدی

الْمُنْقَلَبِ وَسُوْءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْاَهْلِ وَالْمَالِ

بازگشت وَبدی نگریستن درْ نفس وَاهل وَمال

وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ وَاَعُوذُ

وَدین وَاولاد وَنزد معاینهٔ ملك الموت وَپناه میبرم

بِاللّٰهِ مِنْ اِنْسَانِ سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ وَيَوْمِ

بخدا ازْ آدم بد وَهمسایهٔ بد وَمصاحب بد وَروز

سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَ

بد وَساعت بد وَازْ شرّ آنچه فرو میرود درْ زمین وَ

مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ

آنچه بیرون می آید از زمین وَآنچه نازل میشود از آسمان وَآنچه بالا میرود

فِيهَا وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِلَّا طَارِقًا

دران وَازْ شرّ وارد شوندهای درْ شب وَروز مگر وارد شونده

يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

که وارد شود بخیر وَازْ شرّ هر جنبنده که پروردگار من گرفته است موی پیش سر اورا

اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ

بدرستی که پروردگار من بر راه راست است پس بزودی کفایت میکند ترا از شر ایشان خدا

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى عَنِّي صَلٰوةً كَانَتْ

وَاوست شنوای دانا سپاس مر خدایرا که ادا کرد از من نمازی را که بود

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا دعائیکه روایت کرده است امام معویة بن عمار که

برمؤمنان فرضی قرار داده شده بعد از نماز خفتن باید خواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا رحمت فرست بر محمد وَآل محمد

صَلوةً تُبلِّغنا بها رضوانك والجنة وتنجينا بها
رحمتی که برسانی ما را بسبب آن بخشنودی خود و بهشت و نجات دهی ما را بسبب آن
من سخطك والنار اللهم صل على محمد وآله و
از غضب خود و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و
ارنی الحق حقا حتی اتبعه وارنی الباطل
بنما بمن حق را حق تا اینکه پیروی کنم آنرا و بنما بمن باطل را
باطلا حتی اجتنبه ولا تجعله علی متشابها فاتبع
باطل تا اینکه دوری کنم از آن و مگردان آنرا بر من مشتبه پس پیروی کنم
هوای بغیر هدی منك واجعل هوای تبعا
خواهش خود را بی هدایتی از تو و بگردان خواهش مرا تابع
لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضاها من
برای خوشنودی تو و فرمانبرداری تو و بگیر برای خودت خوشنودی آنرا از
نفسی واهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنك
نفس من و هدایت کن مرا برای آنچه اختلاف شده است در آن از حق برخصت تو
انك تهدی من تشاء الی صراط مستقیم اللهم
بدرستی که تو هدایت میکنی هر که را میخواهی بسوی راه راست خداوندا
صل علی محمد وآله واهدنی فیمن هدیت وعافنی
رحمت فرست بر محمد و آل او و هدایت کن مرا در میان کسانی که هدایت کرده و عافیت ده مرا

فیمن عافیت وتولنی فیمن تولیت وبارك لی
در میان کسانی که عافیت داده و متولی شو برای در میان کسانی که متولی شده و برکت ده برای من
فیما اعطیت وقنی شر ما قضیت انك تقضی و
در آنچه عطا کرده و نگاه دار مرا از شر آنچه تقدیر کرده بدرستی که تو تقدیر میکنی و
لا یقضی علیك وتجیر ولا یجار علیك تم نورك
تقدیر کرده نمیشود بر تو و پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو تمام است نور تو
اللهم فهدیت فلك الحمد وعظم حلمك
خداوندا پس هدایت کرده پس برای تست حمد و عظیم است حلم تو
فعفوت فلك الحمد وبسطت یدك فاعطیت فلك
پس عفو کرده پس برای تست حمد و گشاده دست خود را پس عطا کرده پس برای تست
الحمد تطاع ربنا فتشكر وتعصی ربنا فتغفر
حمد اطاعت کرده میشوی پروردگار ما پس جزا میدهی و عصیان کرده میشوی پروردگار ما پس میآمرزی
وتستر انت كما اثنیت علی نفسك بالكرم و
و می پوشانی تو چنانی که ثنا کرده بر ذات خود بکرم و
الجود لبیك وسعدیك تباركت وتعالیت
جود ایستاده ام بخدمت مکرر و یاری میجویم از تو مکرر مبارکی تو و بلندی تو
لا ملجأ ولا منجا منك الا الیك لا اله الا انت
نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْٓءً ا وَظَلَمْتُ

تسبیح میکنم تورا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام بدی را و ستم کرده ام

نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ

بر نفس خود پس بیامرز برای من و رحم کن مرا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ

نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم تورا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام

سُوْٓءً ا وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی یَا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ لَا

بدی را و ستم کرده ام بر نفس خود پس بیامرز برای من ای بهترین آمرزندگان نیست

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ

خدائی مگر تو تسبیح میکنم تورا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام

سُوْٓءً ا وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَتُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ

بدی را و ستم کرده ام بر نفس خود پس قبول توبه کن بر من بدرستی که تو توئی بسیار قبول توبه کننده

الرَّحِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ

مهربان نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم تورا بدرستی که من هستم از ستمکاران

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَی

پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند کافران و درود باد بر

الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

رسولان خدا و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است خداوندا رحمت فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَیِّتْنِیْ مِنْكَ فِیْ عَافِیَةٍ وَصَبِّحْنِیْ

بر محمد و آل محمد و بروز آور و شب بر ار مرا از جانب خود در عافیت و داخل در صبح کن مرا

مِنْكَ فِیْ عَافِیَةٍ وَاسْتُرْنِیْ مِنْكَ بِالْعَافِیَةِ وَارْزُقْنِیْ

از جانب خود در عافیت و بپوشان مرا از جانب خود بعافیت و روزی کن مرا

تَمَامَ الْعَافِیَةِ وَدَوَامَ الْعَافِیَةِ وَالشُّکْرَ عَلَی

تمام بودن عافیت و دائمی بودن عافیت و شکر گذاری بر

الْعَافِیَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِیْ وَذُرِّیَّتِیْ

عافیت را خداوندا بدرستی که من می سپارم بتو نفس خود و ذریه خود

وَاَهْلِیْ وَمَالِیْ وَوَلَدِیْ وَاَهْلَ حُزَانَتِیْ وَکُلَّ نِعْمَةٍ

و اهل خود و مال خود و اولاد خود و اهل خزانه خود را و هر نعمتی را

اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ اَوْ تُنْعِمُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَ

که انعام کرده بآن بر من یا انعام میکنی پس رحمت فرست بر محمد و آل او و

اجْعَلْنِیْ فِیْ کَنَفِكَ وَاَمْنِكَ وَکِلَائَتِكَ وَ

بگردان مرا در سایه خود و امان خود و نگاهبانی خود و

حِفْظِكَ وَحِیَاطَتِكَ وَکِفَایَتِكَ وَسِتْرِكَ وَذِمَّتِكَ

نگاهداری خود و محافظت خود و کارگذاری خود و پرده خود و زینهار خود

وَجِوَارِكَ وَوَدَائِعِكَ یَا مَنْ لَا تَضِیْعُ وَدَائِعُهٗ وَلَا

و همسایگی خود و امانتهای خود ای کسی که ضایع نمیشود امانتهای او و

يجيب سائله ولا ينفد ما عنده اللهم اني ادرأ

نومید نمیکردد سؤال کننده او و آخر نمیشود آنچه نزد اوست خداوندا بدرستی که من دفع میکنم

بك في نحور اعدائي وكيد من كادني وبغى

بیاری تو در گلوهای دشمنان خودم و مکر کسی که مکر کند با من و زیادتی کند

علي اللهم من ارادنا فارده ومن كادنا

بر من خداوندا هر که اراده کند ما را پس اراده کن او را و کسی که مکر کند با ما

فكده ومن نصب لنا فخذه يا رب اخذ عزيز

پس مکر کن با او و کسی که بر پا کند برای ما پس بگیر او را ای پروردگار من گرفتن غالب

مقتدر اللهم صل على محمد وال محمد واصرف

صاحب اقتدار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و باز گردان

عني من البليات والآفات والعاهات والنقم

از من از بلاها و آفتها و عیبها و عقابها

ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب التلف وما

و لازم بودن بیماری و بر طرف شدن نعمتها و عاقبتهای تلف و آنچه

طغى به الماء لغضبك وما عتت به الريح عن

طغیان کند بسبب آن آب برای غضب تو و آنچه سرکشی کند بسبب آن باد به

امرك وما اعلم وما لا اعلم وما اخاف وما لا

فرمان تو و آنچه را میدانم و آنچه را نمیدانم و آنچه را می ترسم و آنچه را که نه

اخاف وما احذر وما لا احذر وما انت اعلم به

می ترسم و آنچه را حذر میکنم و آنچه را که حذر نمیکنم و آنچه را که تو دانا تری بآن

اللهم صل على محمد وال محمد وفرج همي ونفس

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشای اندوه مرا و بر طرف کن

غمي وسل حزني واكفني ما ضاق به صدري

غم مرا و تسلی ده اندوه مرا و کفایت کن از من آنچه را که تنگ شده است بسبب آن سینه من

وعيل به صبري وقلت فيه حيلتي وضعفت

و مغلوب شده است بسبب آن صبر من و کم است در آن چاره من و ضعیف است

عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني فيه

از آن قوت من و عاجز است از آن طاقت من و برگردانیده است مرا در آن

الضرورة عند انقطاع الآمال وخيبة الرجاء

ضرورت نزد منقطع شدن آرزوها و نومیدی امید

من المخلوقين اليك فصل على محمد وال محمد و

از مخلوقات بسوی تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

اكفنيه يا كافيا من كل شيء ولا يكفي منه شيء

کفایت کن از من آنرا ای کفایت کننده از هر چیزی و کفایت نمیکند از او چیزی

اكفني كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم

کفایت کن از من هر چیزی را تا اینکه باقی نماند چیزی ای کریم خداوندا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِیْ حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ وَ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج بیت حرام تو و

زِیَارَةَ قَبْرِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ مَعَ التَّوْبَةِ وَ

زیارتِ قبرِ پیغمبر تو که بر او و بر آل او باد سلام با توبه و

النَّدَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِیْ وَدِیْنِیْ وَاَهْلِیْ

پشیمانی خداوندا بدرستی که من می سپارم بتو نفس خود را و دین خود و اهل خود

وَوَلَدِیْ وَاِخْوَانِیْ وَاَسْتَكْفِیْكَ مَا اَهَمَّنِیْ وَمَا

و اولاد خود و برادران خود را و طلب کفایت میکنم ترا از آنچه قصد کرده مرا و آنچه

لَمْ یُهِمَّنِیْ وَاَسْاَلُكَ بِخَیْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِیْ

قصد نکرده مرا و سؤال میکنم ترا بحق خوبان تو از خلق تو که

لَا یَمُنُّ بِهٖ سِوَاكَ یَا كَرِیْمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ قَضٰی

انعام نمیکند بان غیر تو ای صاحب کرم سپاس مر خدا یراست که ادا کرد

عَنِّیْ صَلٰوةً كَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ كِتَابًا مَوْقُوْتًا

از من نمازی را که بود بر مؤمنان فرضِ معیّن

دعائی که مخصوص است باینکه بعد از نمازِ صبح بابد خواند و روایت کرده است از معویة بن عمّان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ

بنام خدای بخشاینده مهربان و رحمت فرستد خدا بر محمد و اهل

یا معنی انست که انچه اندوهگین کرده است مرا و انچه اندوهگین نکرده است مرا

بَیْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ الْاَخْیَارِ الْاَتْقِیَاۤءِ الْاَبْرَارِ الَّذِیْنَ

بیت او که پاکان برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکاراند که

اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِیْرًا وَاُفَوِّضُ

برده است خدا از ایشان گناه را و پاکیزه کرده است ایشانرا پاکیزه کردنی و واگذاشتم

اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ وَمَا تَوْفِیْقِیْ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ

کار خود را بسوی خدا و نیست توفیق من مگر بخدا بر او توکل کردم

وَمَنْ یَّتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ

و کسی که توکل میکند بر خدا پس خدا بس است او را بدرستی که خدا رساننده

اَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا مَاشَاۤءَ اللّٰهُ كَانَ

امر خود است بتحقیق که کرده است خدا برای هر چیز اندازه آنچه را خواسته است خدا شده است

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِیْلُ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ

بس است ما را خدا و خوب وکیل و کارگذار است و پناه میبرم بخدای شنوای دانا

مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ وَاَعُوْذُ

از شر شیطان رانده شده و از وسوسهای شیطانها و پناه میبرم

بِكَ رَبِّ اَنْ یَّحْضُرُوْنِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

بتو ای پروردگار من از اینکه حاضر شوند نزد من و نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا

الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ كَثِیْرًا

بلند مرتبه بزرگ رتبه سپاس مر خدا یراست که پروردگار عالمیان است سپاس بسیار

كَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

چنانچه او سزاوار آنست و مستحق آنست و چنانچه شایسته است برای کریم بودن

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ عَلَى اِدْبَارِ اللَّيْلِ وَاِقْبَالِ النَّهَارِ

ذات او و غلبهٔ بزرگی او بر پشت کردن شب و رو آوردن روز

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ وَ

سپاس مر خدا براست که برد شب را در حالتی که تیره و ظلمانی بود بقدرت خود و

جَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَنَحْنُ

آورد روز را در حالتی که روشن و نورانی بود برحمت خود مخلوق تازه و حال آنکه ما هستیم

فِي عَافِيَتِهِ وَسَلَامَتِهِ وَسَتْرِهِ وَكِفَايَتِهِ وَجَمِيلِ

در عافیت او و سلامت او و پرده او و کفایت کردن او و خوبی

صُنْعِهِ مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَالْيَوْمِ الْعَتِيدِ وَ

احسان او مرحبا بآفریدهٔ خدا که تازه است و روزی که حاضر است و

الْمَلَكِ الشَّهِيدِ مَرْحَبًا بِكُمَا مِنْ مَلَكَيْنِ كَرِيمَيْنِ

فرشته که گواه است مرحبا بشما از دو فرشتهٔ کریم

وَحَيَّاكُمَا اللّٰهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ حَافِظَيْنِ اُشْهِدُكُمَا

و درود فرستد بر شما خدا از دو نویسندهٔ حفظ کننده گواه میگیرم شما را

فَاشْهَدَا لِي وَاكْتُبَا شَهَادَتِي هٰذِهِ مَعَكُمَا حَتّٰى

پس گواهی دهید برای من و بنویسید گواهی مرا این گواهی را نزد خودتان تا اینکه

اَلْقٰى بِهَا رَبِّي اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

ملاقات کنم با آن پروردگار خود را اینکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله یکتا است

لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او

وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ

و درود فرستد بندهٔ او و رسول اوست فرستاده است او را با هدایت و دین

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

حق برای اینکه غالب کرداند او را بر دین همه آن و هر چند که ناخوش داشته باشند مشرکان

وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَالْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالْقَوْلَ

و اینکه دین چنانست که قرار داده و اسلام چنانست که بیان کرده و قول

كَمَا حَدَّثَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَالرَّسُولَ حَقٌّ وَالْاِمَامَ

چنانست که خبر داده و اینکه خدا او مستحق و بر و رسول حق است و امام

حَقٌّ وَالْقُرْاٰنَ حَقٌّ وَالْمَوْتَ حَقٌّ وَمُسَاءَلَةَ مُنْكَرٍ

حق است و قرآن حق است و مردن حق است و سؤال کردن منکر

وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَ

و نکیر در قبر حق است و مبعوث شدن حق است و پل صراط حق است و

الْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ

ترازوی اعمال حق است و بهشت حق است و آتش حق است و قیامت

آتية لا ريب فيها وان الله باعث من في القبور فصل
آينده است نيست شكى در آن واينكه خدا برانگيزاننده است هر كه در قبرها است پس رحمت فرست
على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك
بر محمد وآل محمد وبنويس خداوندا گواهى مرا نزد خود
مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد
با گواهى صاحبان علم بتو اى پروردگار من وهر كه ابا كند از اينكه گواهى دهد
لك بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا او لك
براى تو باين شهادت وگمان برد كه از براى تو مانندى هست يا از براى تو
ولدا او لك صاحبة او لك شريكا او معك خالقا
فرزندى يا از براى تو زنى يا از براى تو شريكى هست يا با تو خلق كننده
او رازقا فانا برىء منهم لا اله الا انت تعاليت
يا روزى دهنده هست پس من بيزارم از ايشان وميگويم كه نيست خدائى مگر تو برترى
عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم
از آنچه ميگويند ستمكاران برترى بزرگ پس بنويس خداوندا
شهادتي مكان شهادتهم واحيني على ذلك وامتني
گواهى مرا بجاى گواهى ايشان وزنده بدار مرا براين شهادت وبميران مرا
عليه وابعثني عليه وادخلني برحمتك في عبادك
بر آن ومبعوث كن مرا بر آن وداخل كن مرا برحمت خود در ميان بندگان خود

الصالحين

الصالحين اللهم صل على محمد واله وصبحني منك
كه صالحانند خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وداخل صباح كن مرا از جانب خود
منك صباحا صالحا مباركا ميمونا لا خازيا ولا
صباحى شايسته با بركت صاحب يمنت نه با خوارى ونه
فاضحا اللهم صل على محمد واله واجعل اول يومي
با رسوائى خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وبگردان اول روز مرا
هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا
اين روز شايستگى وميان آنرا رستگارى وآخر آنرا بمطلب رسيدن
واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع
وپناه ميبرم بتو از روزى كه اول آن ترسناكى وميان آن بى تابى
واخره وجع اللهم صل على محمد واله وارزقني
وآخر آن دردناكيست خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وروزى كن
خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله وخير
خير روز مرا اين روز وخير آنچه در آنست وخير آنچه پيش از آنست وخير
ما بعده واعوذ بك من شره وشر ما فيه وشر
آنچه بعد از آنست وپناه ميبرم بتو از شر اين روز وشر آنچه در آنست وشر
ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على محمد وآل محمد
آنچه پيش از آنست وشر آنچه بعد از آنست خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

وَافْتَحْ لِي بَابَ كُلِّ خَيْرٍ فَتَحْتَهُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ وَ
وبگشای برای من در هر خیری را که گشوده آنرا بر روی کسی از اهل خیر و
لَا تُغْلِقْهُ عَنِّي أَبَدًا وَأَغْلِقْ عَنِّي بَابَ كُلِّ شَرٍّ فَتَحْتَهُ
مبند آنرا از من هرگز و ببند از من در هر شری را که گشوده آنرا
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِّ وَلَا تَفْتَحْهُ عَلَيَّ أَبَدًا اَللّٰهُمَّ
بر کسی از اهل شر و مگشای آنرا بر من هرگز خداوندا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان مرا با محمد و آل محمد
فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَشْهَدٍ وَمَقَامٍ وَمَحَلٍّ وَمُرْتَحَلٍ وَفِي
در هر جایگاهی و هر محل حضوری و هر مقامی و هر جای فرود آمدنی و جای کوچ کردنی و در
كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَعَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
هر سختی و آسانی و عافیتی و بلائی خداوندا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ
محمد و آل او و بیامرز برای من آمرزیدنی لازم محتم که باقی نگذاری
لِي ذَنْبًا وَلَا خَطِيئَةً وَلَا إِثْمًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
از برای من ذنبی و نه خطائی و نه گناهی را خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از تو
مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَ
از هر گناهی که توبه کردم بسوی تو از آن بعد از آن عود کردم در آن و

أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَعْطَيْتُكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ أَفِ لَكَ بِهِ
طلب آمرزش میکنم از تو از برای آنچه دادم بتو از نفس خود بعد از آن وفا نکردم از برای تو بآن
وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَهُ مَا
و طلب آمرزش میکنم از تو از برای آنچه اراده کرده بودم بآن ذات ترا پس مخلوط شد بآن آنچه
لَيْسَ لَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي يَا رَبِّ
نبود از برای تو پس رحمت فرست بر محمد و آل او و بیامرز از برای من ای پروردگار من
وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَمَا وَلَدْتُ وَمَا تَوَالَدُوا
و از برای پدر و مادر من و اولاد ایشان و اولاد من و آنچه توالد و تناسل نموده اند
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ
از مردان مؤمن و زنان مؤمنه زندگان از ایشان و مردگان ایشان
وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي
و از برای برادران ما آنانکه سبقت کرده اند ما را با یمان داشتن و مگردان در
قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ
دلهای ما کینه از برای کسانی که ایمان آورده اند ای پروردگار ما بدرستی که تو مهربان صاحب رحمی
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَوٰةً إِنَّ الصَّلَوٰةَ كَانَتْ
سپاس مر خدا را که ادا کرد از من نماز را بدرستی که نماز هست
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا
بر مؤمنان فرضی قرار داده شده

دعاهای مخصوصه بشب جمعه

از جمله دعاهای شب جمعه

دعائیست که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه
روایت شده است و آنحضرت فرموده است که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که قسم بآنکسی که مرا به پیغمبری
و دین حق مبعوث گردانیده است که نیست بنده مؤمنی که بخواند
این دعا را از روی اخلاص و یقین مگر آنکه حق تعالی دعای او را
مستجاب میگرداند بجدی که اگر دعا کند بر کلیدهای آهن هر آینه
گداخته میشود و اگر دعا کند که بر روی آب و آن راه رود هر آینه بر
روی آن راه خواهد رفت و نیست بنده که این دعا را چهل شب جمعه بخواند
مگر آنکه حق تعالی از و عفو میکند و می آمرزد برای او هر گناهی را که در
میان او و حق تعالی باشد و حدیث طول دارد و ما این قدر را نقل کردیم

دعای شب جمعه

و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَیْءَ قَبْلَكَ وَاَنْتَ
خداوندا توئی اول پس نیست چیزی پیش از تو و توئی
الْاٰخِرُ لَا تَهْلِكُ وَاَنْتَ الْحَیُّ لَا تَمُوتُ وَالْخَالِقُ لَا
آخر برطرف نمیشوی و توئی زنده نمیمیری و توئی آفریننده
تَعْجِزُ وَاَنْتَ الْبَصِیرُ لَا تَرْتَابُ وَالصَّادِقُ لَا تَكْذِبُ
عاجز نمیشوی و توئی بینا شك نمیکنی و توئی راست گو دروغ نمیگوئی
وَالْقَاهِرُ لَا تُغْلَبُ الْاَبَدِیُّ لَا تَنْفَدُ الْقَرِیبُ لَا
و توئی غلبه کننده مغلوب نمیشوی توئی همیشه آخر نمیشوی توئی نزدیك

تَبْعُدُ الْقَادِرُ لَا تُضَامُ الْغَافِرُ لَا تَظْلِمُ الصَّمَدُ لَا
دور نمیگردی توئی قادر ستم رسانیده نمیشوی توئی آمرزنده ظلم نمیکنی توئی میان پر
تُطْعَمُ الْقَیُّومُ لَا تَنَامُ الْمُجِیبُ لَا تَسْاَمُ الْجَبَّارُ لَا
اطعام کرده نمیشوی توئی بخود برپا نمیخوابی توئی اجابت کننده دلتنگ نمیشوی توئی جبار
تُرَامُ الْعَالِمُ لَا تُعَلَّمُ الْقَوِیُّ لَا تَضْعُفُ الْعَظِیمُ
قصد کرده نمیشوی توئی دانا تعلیم کرده نمیشوی توئی توانا سست نمیشوی توئی عظیم
لَا تُوصَفُ الْوَفِیُّ لَا تُخْلِفُ الْعَدْلُ لَا تَحِیفُ
وصف کرده نمیشوی توئی وفا کننده خلف نمیکنی توئی عادل میل نمیکنی
الْغَنِیُّ لَا تَفْتَقِرُ الْكَبِیرُ لَا تَصْغُرُ الْمَنِیعُ لَا تُقْهَرُ
توئی بی نیاز محتاج نمیشوی توئی بزرگ خوار نمیشوی توئی قوی مقهور نمیشوی
الْمَعْرُوفُ لَا تُنْكَرُ الْغَالِبُ لَا تُغْلَبُ الْوِتْرُ لَا
توئی معروف انکار کرده نمیشوی توئی غالب مغلوب نمیشوی توئی یکتا
تَسْتَاْنِسُ الْفَرْدُ لَا تَسْتَشِیرُ الْوَهَّابُ لَا تَمَلُّ
طلب مونس نمیکنی توئی یگانه مشورت نمیکنی توئی بسیار بخشنده دلگیر نمیشوی
الْجَوَادُ لَا تَبْخَلُ الْعَزِیزُ لَا تُذَلُّ الْحَافِظُ لَا تَغْفُلُ
توئی صاحب جود بخل نمیکنی توئی عزیز ذلیل گردانیده نمیشوی توئی نگاه دارنده غافل کرده نمیشوی
الْقَائِمُ لَا تَنَامُ الْمُحْتَجِبُ لَا تُرَی الدَّائِمُ لَا تَفْنَی الْبَاقِی
توئی قائم نمیخوابی توئی پنهان دیده نمیشوی توئی دائم فانی نمیشوی توئی باقی

لا تبلى المقتدر لا تنازع الواحد لا تشبه ولا
کهنه نمیشوی تو ای صاحب اقتدار نزاع کرده نمیشوی تو ای واحد تشبیه کرده نمیشوی نیست
اله الا انت الحق الذی لا تغیرک الازمنة ولا
خدای مگر تو ای حق که تغییر نمیدهد ترا زمانها و
تحیط بک الامکنة ولا تاخذک نوم ولا سنة
احاطه نمیکند بتو مکانها و فرو نمیگیرد ترا خوابی و نه پینکی
ولا یشبهک شیء وکیف لا تکون کذلک وانت خالق
و شبیه نیست بتو چیزی و چگونه نبوده باشی چنین و حال آنکه تو آفریننده
کل شیء لا اله الا انت هالک کل شیء الا وجهک
هر چیزی نیست خدای مگر تو هلاک شونده است هر چیزی مگر ذات
الکریم اکرم الوجوه یا امان الخائفین وجار
کریم تو که کریمترین ذاتهاست ای امان دهنده ترسندگان و پناه
المستجیرین اسألک ولا اسأل غیرک وارغب
پناه جویندگان سؤال میکنم ترا و سؤال نمیکنم غیر ترا و رغبت میکنم
الیک ولا ارغب الی غیرک اسألک بافضل
بسوی تو و رغبت نمیکنم بسوی غیر تو سؤال میکنم ترا به نیکوترین
المسائل کلها وانجحها التی لا ینبغی للعباد
مسئلتها همه آنها و بر آمده ترین آنها که سزاوار نیست برای بندگان

ان

ان یسألوک الا بها انت الفتاح النفاح ذو الخیرات
اینکه سؤال کنند ترا مگر بآنها توئی کشاینده بسیار نفع رساننده صاحب خیرها
مقیل العثرات کاتب الحسنات ماحی السیئات
در گذرانندهٔ لغزشها نویسندهٔ اعمال حسنه محو کنندهٔ گناهان
رافع الدرجات اسألک یا الله یا رحمن باسمائک
بلند کنندهٔ مرتبها سؤال میکنم ترا ای خدا ای بخشاینده بحق نامهای
الحسنی کلها وکلماتک العلیا ونعمک التی
نیکوی تو همهٔ آنها و کلمهای بلند تو و نعمتهای تو که
لا تحصی واسألک باکرم اسمائک علیک واحبها
شمرده نمیشود و سؤال میکنم ترا بحق گرامی ترین نامهای تو بر تو و دوست ترین آنها
الیک واشرفها عندک منزلة واقربها منک
بسوی تو و شریفترین آنها نزد تو از جهت منزلت و نزدیکترین آنها از تو
وسیلة واسرعها منک اجابة وباسمک المکنون
برای وسیله بودن و زودترین آنها از تو برای اجابت کردن و بحق نام تو که پنهان
المخزون الجلیل الاجل الذی تحبه وترضی عمن
خزانه سپرده شدهٔ بزرگ بزرگترست که دوست میداری آنرا و راضی میشوی از کسی
دعاک به وتستجیب له دعاءه حق علیک ان لا
که بخواند ترا بآن و مستجاب کنی برای او دعای او را لازم است بر تو اینکه

تحرم سائلك ولا تردّه وبكلّ اسمٍ هو لك في التّورٰية
محروم نسازی سوال کننده خود را و رد نکنی او را و بحق هر نامی که آن نام برای تست در توریة
والانجيل والزّبور والفرقان العظيم وبكلّ اسمٍ هو
و انجیل و زبور و قرآن عظیم و بحق هر نامی که آن نام
لك علّمته احدًا من خلقك او تعلّمه احدًا او
برای تست خواه تعلیم کرده باشی او را بیکی از خلق خود یا تعلیم بکنی او را بکسی یا
استأثرت به في علم الغيب عندك واسألك
انتخاب کرده باشی بان نام در علم غیب نزد خودت و سؤال میکنم تو را
بكلّ اسمٍ دعاك به حملة عرشك وملٰئكتك
بحق هر نامی که خوانده باشد ترا بان نام بردارندگان عرش تو و فرشتگان تو
واصفياؤك من خلقك وبحقّ السّائلين لك و
و برگزیدگان تو از خلق تو و بحق سؤال کنندگان برای تو و
الرّاغبين اليك والمتعوّذين بك والمتضرّعين اليك
رغبت کنندگان بسوی تو و پناه آورندگان بتو و زاری کنندگان بسوی تو
ادعوك يا اللّٰه دعاء من اشتدّت فاقته وعظم
میخوانم ترا ای خدا خواندن کسی که سخت شده باشد احتیاج او و بزرگ باشد
جرمه واشرف على الهلكة وضعفت قوّته ومن
گناه او و مشرف شده باشد بر هلاکت و ضعیف شده باشد قوت او و خواننده کسی

لم يثق بشيءٍ من عمله ولا يجد لفاقته سادًّا
که اعتماد نداشته باشد بچیزی از کردار خود و نیابد برای احتیاج خود رفع کننده
غيرك ولا لضعفه مقوّيًا غيرك ولا لذنبه غافرًا
غیر تو و نه برای سستی خود تقویت کننده غیر تو و نه برای گناه خود آمرزنده
غيرك فقد هربت منها اليك غير مستنكفٍ
غیر تو پس بتحقیق که گریختم از آنها بسوی تو در حالی که نیستم استنکاف کننده
ولا مستكبرٍ عن عبادتك يا انس كلّ مستجيرٍ ويا سند
و نه استکبار کننده از عبادت تو ای مونس هر پناه جوینده و ای معتمد
كلّ فقيرٍ اسألك بانّك انت اللّٰه الحنّان المنّان
هر فقیری سؤال میکنم تو را باینکه تو توئی خدای بسیار مهربان بسیار نعمت دهنده
لا اله الّا انت بديع السّمٰوات والارض ذو الجلال
نیست خدائی مگر تو تو بدید آورنده آسمانها و زمین صاحب بزرگی
والاكرام عالم الغيب والشّهادة الرّحمٰن الرّحيم انت
و گرامی داشتن دانای پنهان و حاضر بخشاینده مهربان توئی
الرّبّ وانا العبد وانت الملك وانا المملوك
پروردگار و منم بنده و توئی پادشاه و منم مملوک
وانت العزيز وانا الذّليل وانت الغنيّ وانا الفقير
و توئی عزیز و منم ذلیل و توئی بی نیاز و منم فقیر

وَاَنْتَ الْحَیُّ وَاَنَا الْمَیِّتُ وَاَنْتَ الْبَاقِیْ وَاَنَا الْفَانِیْ وَ

وتوئی زنده ومنم مرده وتوئی باقی ومنم فانی و

اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاَنَا الْمُسِیْئُ وَاَنْتَ الْغَفُوْرُ وَاَنَا الْمُذْنِبُ

توئی احسان کننده ومنم بد کننده وتوئی آمرزنده ومنم گناه کننده

وَاَنْتَ الرَّحِیْمُ وَاَنَا الْخَاطِیُٔ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا

وتوئی مهربان ومنم خطا کننده و توئی خالق و منم

الْمَخْلُوْقُ وَاَنْتَ الْقَوِیُّ وَاَنَا الضَّعِیْفُ وَاَنْتَ الْمُعْطِیْ

مخلوق وتوئی توانا و منم ناتوان وتوئی عطا کننده

وَاَنَا السَّآئِلُ وَاَنْتَ الرَّازِقُ وَاَنَا الْمَرْزُوْقُ وَاَنْتَ

ومنم سؤال کننده و توئی روزی دهنده ومنم روزی داده شده وتوئی

اَحَقُّ مَنْ شَکَوْتُ اِلَیْهِ وَاسْتَغَثْتُ بِهٖ وَرَجَوْتُهٗ

سزاوارتر کسانی که شکایت کنم بسوی او واستغاثت جویم باو وامید داشته باشم او را

اِلٰهِیْ کَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهٗ وَکَمْ مِنْ مُسِیْئٍ

ای خدای من بسا از گناه کاری که بخشیدی که آمرزیدی برای او وبسا از بد کننده

قَدْ تَجَاوَزْتَ عَنْهُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاغْفِرْ لِیْ

که بخشیدی که درگذشتی ازو پس رحمت بفرست بر محمد وآل او وبیامرز برای من

وَارْحَمْنِیْ وَاعْفُ عَنِّیْ وَافْتَحْ لِیْ بَابَ فَضْلِکَ سُبُّوْحٌ

ورحم کن مرا ودرگذر از من وبگشای برای من در فضل خود را بپاکی

ذکرک

ذِکْرُکَ قُدُّوْسٌ اَمْرُکَ نَافِذٌ قَضَآؤُکَ یَسِّرْ لِیْ

ذکر تو بسیار پاکیزه است امر تو جاریست حکم تو آسان کردان برای من

مِنْ اَمْرِیْ مَا اَخَافُ عُسْرَهٗ وَفَرِّجْ عَنِّیْ وَعَنْ وَالِدَیَّ

از کار من آنچه را که می ترسم دشواری آنرا وگشایش ده از من واز والدین من

وَعَنْ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَاکْفِنِیْ مَا اَخَافُ ضَرُوْرَتَهٗ

واز هر مؤمن ومؤمنه وکفایت کن از من شر آنچه را که میترسم ضرر آنرا

وَادْرَاْ عَنِّیْ مَا اَخَافُ حُزُوْنَتَهٗ وَسَهِّلْ لِیْ وَلِکُلِّ

ودفع کن از من آنچه را که میترسم دشواری آنرا وآسان کن برای من وبرای هر

مُؤْمِنٍ مَا اَرْجُوْهُ وَاٰمُلُهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ

مؤمن آنچه را که امید دارم آنرا وآرزو میکنم آنرا نیست معبودی مگر تو تسبیح میکنم تورا

اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ دُعَای دیگر بجهت شب جمعه که از آستیان وشیعیان

بدرستی که من هستم از ظالمان از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوٰة والسلام روایت کرده اند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِکَ تَهْدِیْ بِهَا

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو رحمتی را از نزد خودت که هدایت کنی بآن

قَلْبِیْ وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِیْ وَتَلُمُّ بِهَا شَعَثِیْ وَتَحْفَظُ

دل مرا وجمع کنی بآن پراکندگی مرا وفراهم آوری بآن ژولیدگی مرا وحفظ کنی

بِهَا غَآئِبِیْ وَتُصْلِحُ بِهَا شَاهِدِیْ وَتُزَکِّیْ بِهَا عَمَلِیْ

بآن غایب مرا واصلاح کنی بآن حاضر مرا وپاکیزه کردانی بآن عمل مرا

نافع است این دعا کفایت کند از برای دفع اعدا

و [illegible] شدن از آن ۱۲

وَتُلْهِمُنِي بِهَا رُشْدِي وَتَعْصِمُنِي بِهَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَللّٰهُمَّ

وَالْهَام کنی مرا بان رشاد مرا ونکاهداری مرا بان از هر بدی خداوندا

اَعْطِنِي اِيمَانًا صَادِقًا وَيَقِينًا خَالِصًا وَرَحْمَةً اَنَالُ

عطا کن بمن ایمانِ صادق ویقینِ خالص ورحمتی که دریابم

بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ

بان شرافت کرامی داشتن تورا در دنیا واخرت خداوندا

اِنِّي اَسْئَلُكَ الْفَوْزَ فِي الْقَضَاءِ وَمَنَازِلَ الْعُلَمَاءِ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو رستکاری را در حکم ومنزلهای علما را

وَعَيْشَ السُّعَدَاءِ وَالنَّصْرَ عَلَى الْاَعْدَاءِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

وزندکانی نیکبختان را ونصرت یافتن بر دشمنان را خداوندا بدرستی که من

اَنْزَلْتُ بِكَ حَاجَتِي وَاِنْ ضَعُفَ عَمَلِي فَقَدِ افْتَقَرْتُ

فرود اورده ام بتو حاجتِ خود را واکرچه ضعیف است عملِ من پس بتحقیق که محتاج شده ام

اِلٰى رَحْمَتِكَ فَاَسْئَلُكَ يَا قَاضِيَ الْاُمُورِ وَيَا شَافِيَ

بسوی رحمتِ تو پس سؤال میکنم از تو ای قضا کننده امرها وای شفا دهنده

الصُّدُورِ كَمَا تُجِيرُ بَيْنَ الْبُحُورِ اَنْ تُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِ

سینها چنانکه مانع میشوی میان دریاها اینکه پناه دهی مرا از عذابِ

السَّعِيرِ وَمِنْ دَعْوَةِ الثُّبُورِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْقُبُورِ اَللّٰهُمَّ

جهنم واز خواندن ثبور واز ازمایش در قبرها خداوندا

وَمَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ مُنْيَتِي وَلَمْ

وانچه نارسانست از ان سؤال من ونرسیده است بان ارزوی من و

تُحِطْ بِهِ مَسْئَلَتِي مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

احاطه نکرده است انرا طلب کردن من از خیری که وعده کرده انرا بیکی از خلق خودت

فَاِنِّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ فِيهِ اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْحَبْلِ الشَّدِيدِ

پس بدرستی که من رغبت دارم بسوی تو در ان خداوندا ای صاحب ریسمان محکم

وَالْاَمْرِ الرَّشِيدِ اَسْئَلُكَ الْاَمْنَ يَوْمَ الْوَعِيدِ وَ

وفرمانِ درست سؤال میکنم از تو ایمن بودن را در روز تهدید و

الْجَنَّةَ يَوْمَ الْخُلُودِ مَعَ الْمُقَرَّبِينَ الشُّهُودِ وَالرُّكَّعِ

بهشت را در روز مخلد بودن با مقربانِ حاضران ورکوع کنندکان

السُّجُودِ الْمُوفِينَ بِالْعُهُودِ اِنَّكَ رَحِيمٌ وَدُودٌ وَاِنَّكَ

سجده کنندکان ووفا کنندکانِ بعهدها بدرستی که تو مهربانِ بسیارِ دوست دارنده بدرستی که تو

تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا هَادِينَ مَهْدِيِّينَ

میکنی انچه را که اراده کنی خداوندا بکردان مارا هدایت کنندکانِ هدایت یافتکان

غَيْرَ ضَالِّينَ وَلَا مُضِلِّينَ سِلْمًا لِاَوْلِيَائِكَ وَحَرْبًا

نه کمراهان ونه کمراه کنندکان در حالی که در صلح باشیم با دوستان تو ودر جنگ باشیم

لِاَعْدَائِكَ نُحِبُّ بِحُبِّكَ التَّائِبِينَ وَنُعَادِي بِعَدَاوَتِكَ

با دشمنان تو دوست داریم بسببِ دوستی تو توبه کنندکان را ودشمنی کنیم بسببِ عداوت تو

خالقك اللهم هذا الدعاء وعليك الاستجابة

که خالق تو کرده خداوندا اینست دعا و بر تو لازم است مستجاب کردن

وهذا الجهد وعليك التكلان اللهم اجعل

واینست سعی و بر تست توکل خداوندا بگردان

لي نورا في قلبي ونورا في قبري ونورا بين يدي

برای من نوری در دل من و نوری در قبر من و نوری پیش روی من

ونورا تحتي ونورا فوقي ونورا في سمعي ونورا

و نوری زیر پای من و نوری بالای سر من و نوری در گوش من و نوری

في بصري ونورا في شعري ونورا في بشري و

در چشم من و نوری در موی من و نوری در پوست من و

نورا في لحمي ونورا في دمي ونورا في عظامي

نوری در گوشت من و نوری در خون من و نوری در استخوانهای من

اللهم اعظم لي النور سبحان الذي ارتدى بالعز

خداوندا عظیم گردان برای من نور را تسبیح میکنم آنکسی را که ردای خود کرده عزت

وبان به سبحان الذي لبس المجد وتكرم به

و ظاهر شده است بسبب آن تسبیح میکنم آنکسی را که پوشیده است بزرگی را و گرامی شده است

سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان ذي الفضل

تسبیح میکنم آنکسی را که سزاوار نیست تسبیح کردن مگر برای او تسبیح میکنم صاحب احسان

اعمال ماه رجب

والنعم سبحان ذي المجد والكرم سبحان ذي الجلال

و نعمتها را تسبیح میکنم صاحب بزرگی و کرم را تسبیح میکنم صاحب جلالت

والاكرام **اعمال ماه رجب** روایت کرده است ابان بن

و گرامی داشتن را عثمان از کثیر نوا که حضرت امام جعفر صادق

علیه الصلوة والسلام فرمودند که حضرت نوح علی نبینا و

آله و علیه السلام در روز اول ماه رجب بکشتی سوار گردید

و امر فرمود بهر که با او بود که آن روز را روزه بدارند و آنحضرت

فرمود که هر که آن روز را روزه بدارد آتش جهنم از او دور میگردد

بقدر یکساله راه و هر که هفت روز از این ماه را روزه بدارد

هفت در دوزخ بر روی او بسته میگردد و هر که هشت روز

این ماه را روزه بدارد گشوده میشود از برای او هشت در بهشت

و هر که پانزده روز این ماه را روزه بدارد عطا کرده میشود

باو هر چه سؤال کند و هر که زیاده بر این روزه بدارد حق تعالی

ثواب او را زیاده میگرداند **اعمال شب اول ماه رجب** مرویست که

حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام را خوش می آمد که

آدمی در سالی چهار شب خود را از استراحت و کارهای دنیا فارغ سازد

و مشغول عبادت گردد و آن چهار شب شب اول ماه رجب و شب نیمه ماه

شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی است **دعای شب اول ماه رجب**

دعای شب اول ماه رجب

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَ اَنَّكَ عَلٰی كُلِّ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا باینکه تو پادشاهی و اینکه تو بر هر

شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَ اَنَّكَ مَا تَشَاۤءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ

چیز بغایت توانائی واینکه تو چنانی که انچه خواهی از کاری میشود خداوندا

اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه من رو می اورم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد رحمت فرستد خدا بر او

وَاٰلِهٖ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّی اَتَوَجَّهُ

و آل او که پیغمبر رحمت است ای محمد ای رسول خدا بدرستیکه من رو می اورم

بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّی لِيُنْجِحَ لِی بِكَ طَلِبَتِی

بوسیله تو بسوی خدا که پروردگار تو و پروردگار من است تا برآورد برای من بوسیله تو مطلب را

وَيَقْضِیَ بِكَ حَاجَتِی اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَنْجِحْ

و قضا کند بوسیله تو حاجت مرا خداوندا بحق پیغمبر تو محمد و بحق آل او برآور

طَلِبَتِی بعد از ان سؤال کند حاجت خود را و از حضرت امام

مطلب مرا جعفر صادق علیه الصلوة والسلام مرویست که هر که

حضرت امام حسین علیه السلام را در روز اول ماه رجب

زیارت کند حق تعالی او را می امرزد البته و درین روز حضرت

امام محمد باقر علیه السلام متولد شده است نماز ماه رجب

سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه نماز این ماه را روایت نموده

نماز ماه رجب

وفضل بسیار و ثواب عظیم بجهت ان نقل کرده و گفته است که کیفیت این

نماز اینست که در اول این ماه ده رکعت و در وسط این ماه یعنی روز

پانزدهم ده رکعت و در اخر ان ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک

سلام و در هر رکعتی سوره حمد را یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را سه مرتبه

و سوره قل یا ایها الکافرون را سه مرتبه بخواند و چون در اول ماه ده رکعت

را بگذارد بعد از هر دو رکعت که سلام دهد دستها را بدعا بردارد و بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ

نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او و از برای اوست پادشاهی و از برای اوست

الْحَمْدُ يُحْيِی وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ

سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمی میرد بدست اوست خیر

وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ

و او بر هر چیز بغایت تواناست خداوندا نیست مانعی برای انچه تو عطا کرده

وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ

و نیست عطا کننده برای انچه تو منع کرده و نفع نمیرساند صاحب غنا را نزد تو غنای او

بعد از ان دستها را بروی خود بمالد و پائین اورد و چون در وسط ماه ده رکعت

دیگر را بگذارد بعد از هر دو رکعت که سلام دهد دستها خود را بدعا بردارد و بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست

اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ

سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر و

هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا

او بر هر چیز بغایت تواناست خدای یکانه یکتائی که مقصود است در حاجتها

فَرْدًا وِتْرًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا بعد از ان

بی همتای طاق که فرا نکرفته است زنی و نه فرزندی دستهارا بروی

خود بمالد و پایین آورد و چون در آخر ماه ده رکعت دیکر را بکذارد و بعد

از هر دو رکعت که سلام دهد دستها را بدعا بردارد و بکوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

نیست خدائی مکر الله یکانه است نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست

اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ

سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و او بر هر چیز بغایت تواناست و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او

الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

که پاکانند و نیست کردشی از معصیت و نه قوتی بر طاعت مکر بخدا بلند مرتبه بزرک رتبه

بعد از ان دستها را بروی خود بمالد و پایین آورد و حاجت

خود را از حق تعالی سؤال نماید پس بدرستی که دعای او مستجاب

میکردد

میکردد ان شاء الله تعالی **تسبیح ماه رجب** ابو سعید خدری

روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که آکاه باشید که ماه رجب ماه خداست و آنحضرت

فضیلت روزه داشتن درین ماه و ثواب روزه داران این ماه

را ذکر نمود تا آنکه جمعی از اصحاب کفتند یا رسول الله هر که

قادر بر روزه داشتن این ماه نباشد چکار کند که این ثواب و

فضل را دریابد آنحضرت فرمود که از اول ماه رجب تا روز سیم

آن هر روز این تسبیح را صد مرتبه بکوید و تسبیح اینست

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ

تسبیح میکنم خدای صاحب جلال را تسبیح میکنم کسی را که سزاوار نیست تسبیح کردن

اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ

مکر از برای او تسبیح میکنم خداوند عزیزتر کریم تر تسبیح میکنم کسی را که پوشیده است

الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ **دعائی که در ماه**

عزت را و او بران لایق است **رجب باید خواند**

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ وَالْآلَاءِ الْوَازِعَةِ

خداوندا ای صاحب نعمتهای کامل و نعمتهای و ازضر

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ

و رحمت وسیع و توانائی جمع کننده و نعمتهای

دعای ماه رجب

الجسيمة والمواهب العظيمة والايادي الجميلة و

بزرگ و بخششهای عظیم و نعمتهای نیکو و

العطايا الجزيلة يا من لا ينعت بتمثيل ولا يمثل

عطاهای بسیار ای آنکه وصف کرده نمیشود بتشبیه کردن و تشبیه کرده نمیشود

بنظير ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق

بنظیری و مغلوب نمیشود بسبب معاون ای آنکه آفرید پس روزی داد

والهم فانطق وابتدع فشرع وعلا فارتفع

و الهام کرد پس گویا کردانید و از نو آفرید پس شروع نمود و بلند شد پس بغایت بلند گردید

وقدر فاحسن وصور فاتقن واحتج فابلغ

و تقدیر کرد پس نیکو گردانید و صورت بخشید پس محکم ساخت و حجت آورد پس رسانید

وانعم فاسبغ واعطى فاجزل ومنح

و انعام کرد پس کامل گردانید و عطا کرد پس بسیار داد و عطیه داد

فافضل يا من سما في العز ففات نواظر الابصار

پس تفضل نمود ای آنکه بلند شده است در عزت پس نایاب شده است از مردمکهای چشمها

ودنا في اللطف فجاز هواجس الافكار يا من

و نزدیک شده است در مهربانی پس گذشته است از بخاطر رسیدهای فکرها ای آنکه

توحد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه

که یگانه گردید بپادشاهی پس نیست مانندی برای او در پادشاهی سلطنت او

وتفرد بالآلاء والكبرياء فلا ضد له في جبروت

و منفرد شد بنعمتها و بزرگواری پس نیست ضدی برای او در عظمت

شانه يا من حارت في كبرياء هيبته دقائق لطائف

شان او ای آنکه حیران شده اند در بزرگواری مهابت او دقیقهای نازکهای

الاوهام وانحسرت دون ادراك عظمته خطائف

عقلها و وامانده شده اند نرسیده بادراک بزرگی او ربایندگان

ابصار الانام يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت

چشمهای مردمان ای آنکه خوار شده اند روها برای هیبت او و فروتنی نموده اند

الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من خيفته

گردنها برای بزرگی او و ترسیده اند دلها از ترس او

اسالك بهذه المدحة التي لا تنبغي الا لك وبما

سوال میکنم ترا بحق این ستایش که سزاوار نیست مگر از برای تو و بآنچه

وايت به على نفسك لداعيك من المؤمنين وبما

وعده داده بان بر نفس خود از برای دعا کننده تو از مومنان و بآنچه

ضمنت الاجابة فيه على نفسك للداعين يا اسمع

ضامن شده اجابت را در آن بر نفس خود از برای دعا کنندگان ای شنونده ترین

السامعين وابصر الناظرين واسرع الحاسبين

شنوندگان و بیناترین نظر کنندگان و زودترین حساب کنندگان

يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

ای صاحب توانائی قوی رحمت فرست بر محمد آخر پیغمبران و بر آل او که پاکیزگانند

وَاقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هٰذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَاحْتِمْ لِي

و قسمت کن از برای من در ماه ما این ماه خیر آنچه قسمت کرده و لازم گردان برای من

فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَاحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي

در حکم خود برای من خیر آنچه لازم کردانیده و زنده بدار مرا مادام که زنده داری مرا

مَوْفُورًا وَامِتْنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ

وافر کردانیده شده و بمیران مرا شادمان و آمرزیده شده و متولی شو تو

نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا

نجات دادن مرا از سؤال کردن در برزخ و دفع کن از من منکر

وَنَكِيرًا وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى

و نکیر را و بنما بچشم من مبشر و بشیر را و بگردان از برای من بسوی

رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا وَمُلْكًا

رضوان خود و بهشتهای خود باز گردیدن و عیشی قرار داده شده و پادشاهی

كَبِيرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ دعاء دیگر که در

بزرگی و رحمت فرست بر محمد و آل او ماه رجب باید خواند

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ

ای آنکسی که مالک است حاجتهای سؤال کنندگان را و میداند آنچه در دل خاموشان است

لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اَللّٰهُمَّ

برای هر سؤالی از تو گوش حاضریست و جوابی آماده خداوندا

وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ

و قسم بوعدهای تو که راست است و نعمتهای تو که زیادتی دهنده است و رحمت تو

الْوَاسِعَةُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ

که فراخ است پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل او و اینکه

تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ دعای دیگر که در ماه

بر آوری برای من حاجتهای مرا برای دنیا و آخرت رجب باید خواند

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو صبر شکر کنندگان برای تو را و عمل

الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ

ترسندگان از تو را و یقین عبادت کنندگان برای تو را خداوندا تو یی

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ

بلند مرتبه بزرگ رتبه و منم بنده تو سختی رسیده بی چیز تو یی

الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

بی نیاز ستوده شده و منم بنده خوار خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى

محمد و آل او و منت گذار بسبب بی نیازی خودت بر بی چیزی من و بسبب حلم خودت بر

جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ
نادانی من و بسبب توانائی خودت بر ناتوانی من ای بغایت توانا ای غالب خداوندا
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي
رحمت فرست بر محمد و آل محمد که وصیهای پسندیده اند و کفایت کن برای من
مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰى
آنچه غمگین سازد مرا از کار دنیا و آخرت بدرستی که تو بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ دعائی که خواندن ان در هر روز از
هر چیز بغایت توانائی روزهای ماه رجب سنت است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَانِي
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بمعنیها
جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلَاةُ اَمْرِكَ الْمَامُونُونَ عَلٰى
همه آنچه دعا میکنند ترا بان صاحبان اختیار کار تو که امین کرده شده اند بر
سِرِّكَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِاَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ
راز تو بشارت یافتگانند بامر تو وصف کنندگانند از برای قدرت تو
الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ اَسْئَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ
آشکارا کنندگانند از برای بزرگواری تو سؤال میکنم ترا بانچه گویا شده است در ایشان از خواهش تو
فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَاَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ
پس گردانیدی ایشان را معدنها برای سخنان خود و رکنها از برای اعتقاد بیگانگی تو و

دعاء هر روز ماه رجب

ایاتك

اٰيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ
آیتها و مقامهای تو که نیست معطل شدنی از برای انها در هر مکانی
يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا اِلَّا
میشناسند ترا بانها هر کسی که شناخته است ترا نیست فرقی میان تو و میان انها مگر اینکه
اَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتْقُهَا وَرَتْقُهَا بِيَدِكَ بَدْؤُهَا
ایشان بندگان تو و آفریده شده تو اند گشودن انها و بستن انها بدست تست ابتدای انها
مِنْكَ وَعَوْدُهَا اِلَيْكَ اَعْضَادٌ وَاَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ
از تو و بازگشت انها بسوی تست اعانت کنندگانند و گواهانند و حکم کنندگانند در میان خلایق
وَاَذْوَادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُوَّادٌ فَبِهِمْ مَلَاْتَ سَمَاءَكَ
و دفع کنندگانند و محافظت کنندگانند و پیش روندگانند پس بایشان پر کردی آسمان خود را
وَاَرْضَكَ حَتّٰى ظَهَرَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَبِذٰلِكَ
و زمین خود را تا آنکه ظاهر شد اینکه نیست خدائی مگر تو پس باین
اَسْئَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ
سؤال میکنم ترا و بجایگاههای عزت از رحمت تو و بمقامهای تو
وَعَلَامَاتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَزِيدَنِي
و علامتهای تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زیاد کردانی
اِيمَانًا وَتَثْبِيتًا يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا
از جهت ایمان و ثابت کردانیدن برد من ای پنهان در حال هویدائی خود و ای هویدا

فِی بُطُونِهِ وَمَکْنُونِهِ یَا مُفَرِّقاً بَیْنَ النُّورِ وَالدَّیْجُورِ
درحال پنهانی خود ومستوری خود ای جدا کننده اندازنده میان روشنی وتاریکی
یَا مَوْصُوفاً بِغَیْرِ کُنْهٍ وَمَعْرُوفاً بِغَیْرِ شِبْهٍ حَادَّ کُلِّ
ای وصف کرده شده بغیر کنهی وشناخته شده بدون شبهی اندازه کننده هر
مَحْدُودٍ وَشَاهِدَ کُلِّ مَشْهُودٍ وَمُوجِدَ کُلِّ مَوْجُودٍ
اندازه کرده شده وگواه بهر گواهی داده شده وایجاد کننده هر موجودی
وَمُحْصِیَ کُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدَ کُلِّ مَفْقُودٍ لَیْسَ دُونَکَ
وشمارنده هر شمرده شده ونایابنده هر نایاب شده نیست غیر تو
مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَالْجُودِ یَا مَنْ لَا یُکَیَّفُ
هیچ عبادت کرده شده ای اهل بزرگواری وبخشش ای انکسی که چگونگی او سؤال کرده نمیشود
بِکَیْفٍ وَلَا یُؤَیَّنُ بِأَیْنٍ یَا مُحْتَجِباً عَنْ کُلِّ عَیْنٍ یَا
بکیف ومکان او سؤال کرده نمیشود باین ای پنهان شده از هر چشمی ای
دَیْمُومُ یَا قَیُّومُ وَعَالِمَ کُلِّ مَعْلُومٍ صَلِّ عَلَی عِبَادِکَ
دائم ای بخود برپا ودانای هر دانسته شده رحمت فرست بربندگان خود
الْمُنْتَجَبِینَ وَبَشَرِکَ الْمُحْتَجَبِینَ وَمَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ
که برگزیده کانند ومردمان خود که در پرده شده کانند وفرشتگان خود که مقربان
الصَّافِّینَ وَالْحَافِّینَ وَبَارِکْ لَنَا فِی شَهْرِنَا هَذَا
صف زده کانند وفرو گیرنده کانند ومبارک گردان از برای ما در ماه ما این ماهی

ضمیر مکنونه ... [illegible]

الْمُکَرَّمِ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرُمِ وَأَسْبِغْ عَلَیْنَا فِیهِ
گرامی داشته شده است وما بعد آن از ماههای حرام وکامل گردان برما درین ماه
النِّعَمَ وَأَجْزِلْ لَنَا فِیهِ الْقِسَمَ وَأَبْرِرْ لَنَا فِیهِ
نعمتها را وبسیار کن از برای ما درینما قسمتها را وراست گردان از برای ما درینما
الْقَسَمَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ
سوگندرا بحق نام تو که بزرگ تر بزرگوارتر بزرگ تر است گرامی تر است
الَّذِی وَضَعْتَهُ عَلَی النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَی اللَّیْلِ
آنچنان نامی که گذاردی آنرا بر روز پس روشن گردید وبر شب
فَأَظْلَمَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا تَعْلَمُ مِنَّا وَمَا لَا نَعْلَمُ وَاعْصِمْنَا
پس تیره شد وبیامرز از برای ما آنچه را که میدانی از ما وآنچه را که ما نمیدانیم ونگاهدار ما را
مِنَ الذُّنُوبِ خَیْرَ الْعِصَمِ وَاکْفِنَا مَا فِی قَدَرِکَ
از گناهان بهترین نگاهداشتنها وکفایت کن از ما شر آنچه را که در تقدیر تست
وَامْنُنْ عَلَیْنَا بِحُسْنِ نَظَرِکَ وَلَا تَکِلْنَا إِلَی غَیْرِکَ
وانعام کن بر ما به نیکی نظر کردن خود ووامگذار ما را بسوی غیر خود
وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَیْرِکَ وَبَارِکْ لَنَا فِیمَا کَتَبْتَهُ لَنَا
ومنع مکن ما را از خیر خود ومبارک گردان از برای ما در آنچه نوشته آنرا برای ما
مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِیئَةَ أَسْرَارِنَا وَأَعْطِنَا
از عمرهای ما واصلاح کن برای ما پنهان شده رازهای ما را وعطا کن بما

المرجّب
که تعظیم کرده شده

مِنْكَ الْاَمٰانَ وَاسْتَعْمِلْنٰا بِحُسْنِ الْاِيمٰانِ وَبَلِّغْنٰا
ازجناب خودت امان را وبکاردار ما را به نیکی ایمان وبرسان ما را
شَهْرَ الصِّيٰامِ وَمٰا بَعْدَهُ مِنَ الْاَيّٰامِ وَالْاَعْوٰامِ يٰا
بماه روزه وما بعد آن از روزها وسالها ای
ذَا الْجَلاٰلِ وَالْاِكْرٰامِ دعای دیگر که در هر یک از روزهای
صاحب بزرگی وگرامی داشتن ماه رجب خواندن از سنت است
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فی رَجَبٍ مُحَمَّدِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق دو زائیده شده در رجب محمد
بْنِ عَلِیٍّ الثّٰانی وَابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ
پسر علی دویم وپسر او علی پسر محمد برگزیده شده که بر ایشان باد درود
وَاَتَقَرَّبُ بِهِمٰا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يٰا مَنْ اِلَيْهِ
ونزدیکی میجویم بوسیلهٔ ایشان بسوی تو به بهترین قربها ای آنکسی که بسوی او
الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفيمٰا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْئَلُكَ سُؤٰالَ
احسان طلب کرده شده است ودر آنچه نزد اوست رغبت کرده شده است سؤال میکنم ترا سؤال کردن
مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ
کناه کرده گناه کاری که بتحقیق که حبس کرده باشد او را گناهان او ومحکم بسته باشد او را
عُيُوبُهُ فَطٰالَ عَلَی الْخَطٰايٰا دُؤُبُهُ وَمِنَ الرَّزٰايٰا
عیبهای او پس بطول انجامیده باشد بر خطاها تعب کشیدن او واز مصیبتها

خطوبه

دعای دیگر هر روز ماه رجب

خُطُوبُهُ يَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ
کارهای او سؤال میکند از تو توبه کردن ونیکی بازگشت وباز ایستادن
عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النّٰارِ فَكٰاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمّٰا
از گناه را واز آتش خلاص نمودن کردن خود را ودر گذشتن از آنچه
فی رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ يٰا مَوْلاٰیَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ
او در بند است پس تو ای آقای من بزرگترین امیدهای او ومعتمدهای اوئی
اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِمَسٰائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسٰائِلِكَ
خداوندا وسؤال میکنم ترا بسؤالهای تو که شریفند ووسیلهای تو
الْمُنيفَةِ اَنْ تَتَغَمَّدَنی فی هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ
که بلندند اینکه بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از جانب خودت
وٰاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وٰازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمٰا رَزَقْتَهٰا قٰانِعَةٍ
که فراخ باشد ونعمتی که دفع کننده ضررها باشد ونفسی که بآنچه روزی کرده او را قناعت کننده باشد
اِلیٰ نُزُولِ الْحٰافِرَةِ وَمَحَلِّ الْاٰخِرَةِ وَمٰا هِیَ اِلَيْهِ صٰائِرَةٌ
تا هنگام فرود آمدن بقبر ورسیدن بخانه آخرت وآنچه آن نفس بسوی آن بازگشت کننده است
يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ دعای استفتاح ونجاح که مشهور است
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بدعاء ام داود چون کسی اراده عمل
استفتاح کند ایام بیض این ماه را که روز سیزدهم وچهاردهم
وپانزدهم است روزه بدارد ودر روز پانزدهم چون آفتاب

عمل استفتاح

زوال کند نماز ظهر و عصر را بکذارد و در رکوع و سجود انها را
نیکو بجای آورد و در موضع خالی باشد که او را شغلی مشغول
نسازد و کسی با او سخن نکوید و بعد از انکه از نماز ظهر و عصر
فارغ کردد دو رکعت نماز کذارد و در هر رکعتی سوره حمد را
یک مرتبه و بیست و پنج مرتبه آیه شهد الله را که اینست
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِکَةُ وَاُولُوا
کواهی داده است خدا که نیست خدائی مکر او و فرشتکان و صاحبان
الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ
علم در حالی که بپای دارنده است عدل را نیست خدائی مکر او که غالب درست کردار است
اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ
بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و اختلاف نکرده اند جماعتی که
اُوتُوا الْکِتَابَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا
داده شده اند کتاب را مکر بعد از انکه آمده است ایشان را علم از روی ستم کشی
بَیْنَهُمْ وَمَنْ یَکْفُرْ بِاٰیَاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ
در میان ایشان و هر که کافر شود بایتهای خدا پس بدرستی که خدا زود حساب است
و صد مرتبه یا قاضی حوایج السائلین را بخواند و چون از
نماز فارغ ای بر آورنده حاجتهای سوال کنندکان کردد رو بقبله کند و
سوره حمد را صد مرتبه و سوره قل هو الله احد را صد مرتبه

دعای استغفار

و آیة الکرسی را ده مرتبه بخواند بعد از ان بخواند سوره
انعام و سوره بنی اسرائیل و سوره کهف و سوره لقمن و سوره الم
تنزیل و سوره یس و سوره و الصافات و سوره حم سجده و سوره حم
عسق و سوره حم دخان و سوره فتح و سوره واقعه و سوره ملک و سوره
نون و سوره اذا السماء انشقت و ما بعد انرا تا آخر قران مجید و بعد
از انکه از خواندن این سورها فارغ کردد رو بقبله بخواند این دعا را که
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِیمُ الَّذِی لَا
بنام خدای بخشاینده مهربان راست کفته است خدای بزرک مرتبه که نیست
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
خدائی مکر او زنده بخود بر پا صاحب جلالت و کرامی داشتن
الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ
بخشاینده مهربان بردبار صاحب کرم که نیست مانند مثل او
شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ الْبَصِیرُ الْخَبِیرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ
چیزی و اوست شنوای دانای بینای آکاه کواهی داده است خدا که
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ
نیست خدائی مکر او و فرشتکان و صاحبان علم در حالی که برپای دارنده است عدل
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ
نیست خدائی مکر او که غالب درست کردار است و رسانیده اند رسولان او که بزرکانند

وَ اَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ
ومن بر این از جمله گواهانم خداوندا برای تست ستایش و برای تست
الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ وَ لَكَ الْقَهْرُ وَ لَكَ النِّعْمَةُ وَ
بزرگی و برای تست عزت و برای تست غلبه و برای تست نعمت و
لَكَ الْعَظَمَةُ وَ لَكَ الرَّحْمَةُ وَ لَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ
برای تست عظمت و برای تست رحمت و برای تست هیبت و برای تست
السُّلْطَانُ وَ لَكَ الْبَهَاءُ وَ لَكَ الْاِمْتِنَانُ وَ لَكَ
سلطنت و برای تست حسن و برای تست نعمت دادن و برای تست
التَّسْبِيحُ وَ لَكَ التَّقْدِيسُ وَ لَكَ التَّهْلِيلُ وَ لَكَ
تسبیح کردن و برای تست اعتقاد بپاکی داشتن و برای تست تهلیل و برای تست
التَّكْبِيرُ وَ لَكَ مَا يُرٰى وَ لَكَ مَا لَا يُرٰى وَلَكَ
تکبیر و برای تست آنچه دیده میشود و برای تست آنچه دیده نمیشود و برای تست
مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى وَ لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰى وَلَكَ
آنچه بالای آسمانهای بلندست و برای تست آنچه در زیر ثریٰ است و برای تست
الْاَرَضُونَ السُّفْلٰى وَ لَكَ الْاٰخِرَةُ وَ الْاُولٰى وَ
زمینهای پست و برای تست آخرت و دنیا و
لَكَ مَا تَرْضٰى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ وَ النَّعْمَاءِ
برای تست آنچه خوشنود گردی بآن از ستایش و سپاس و شکر و نعمتها

تهلیل یعنی گفتن لا اله الا الله است و تکبیر یعنی گفتن الله اکبر یعنی توئی کبی که در شأن تو نمیتوان گفت که بنست خدا ای سکر الله و بیتوان گفت که خدا بزرگتر است و در شأن ضمیر تو این نوع سخنان تکبیره و نمیتوان گفت

و نیز خاکیست که آن کو در طرف سه بران باشد و نیز آنکه بود که مراد از زمین در پیغام سطلوعات باشد خواه در طرف داشته باشد یا نه والله تعالی اعلم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيلَ اَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَ الْقَوِيِّ
خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل که امانت دارتست بر وحی تو و توانا است
عَلٰى اَمْرِكَ وَ الْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ
بر فرمان تو و اطاعت کرده شده است در آسمانهای تو و مواضع کرامتهای تو
الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ
بردارنده است برای سخنان تو و یاری کننده است پیغمبران ترا و هلاک سازنده است
لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ
دشمنان ترا خداوندا رحمت بفرست بر میکائیل فرشته رحمت تو
وَ الْمَخْلُوقِ لِرَاْفَتِكَ وَ الْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ
و آفریده شده برای مهربانی تو و طلب آمرزش کننده یاری کننده برای اهل طاعت تو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ
خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و صاحب
الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ
صور که منتظر است برای فرمان تو و ترسان و هراسان است از خوف تو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلٰى
خداوندا رحمت بفرست بر بردارندگان عرش که پاکانند و بر
السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلٰى مَلٰٓئِكَتِكَ
نویسندگان گرامی نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان تو

الکرام الکاتبین وعلی ملئکة الجنان وخزنة النیران

کە کرامی و نویسندگانند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان آتشها

وملک الموت والاعوان یا ذا الجلال والاکرام

و ملک موت و مددکاران او ای صاحب بزرگی و کرامی داشتن

اللهم صل علی ابینا آدم بدیع فطرتک الذی

خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمده شده آفرینش تو که

کرمته بسجود ملئکتک واَبحته جنتک اللهم

گرامی داشتی او را بسجده کردن فرشتگان تو و حلال کردانیدی برای او بهشت خود را خداوندا

صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من

رحمت بفرست بر مادر ما حوا پاک کرده شده از گناه پاکیزه کردانیده شده از

الدنس المفضلة من الانس المترددة بین محال

چرک یعنی زیادتی داده شده از میان آدمیان تردد کننده میان جاهای

القدس اللهم صل علی هابیل وشیث وادریس

پاکیزگی خداوندا رحمت بفرست بر هابیل و شیث و ادریس

ونوح وهود وابرهیم واسمعیل واسحق ویعقوب

و نوح و هود و ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب

ویوسف والاسباط ولوط وشعیب وایوب وموسی

و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی

وصالح

وصالح

وهرون ویوشع ومیشا والخضر وذی القرنین ویونس

و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس

والیاس والیسع وذی الکفل وطالوت وداود

و الیاس و الیسع و ذی الکفل و طالوت و داود

وسلیمان وآصف وزکریاء وشعیا ویحیی وتورخ

و سلیمان و آصف و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ

ومتی وارمیا وحیقوق ودانیال وعزیر وعیسی و

و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و

شمعون وجرجیس والحواریین والاتباع وخالد

شمعون و جرجیس و حواریان و تابعان و خالد

وحنظلة اللهم صل علی محمد وآل محمد وارحم

و حنظله خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن

محمدا وآل محمد وبارک علی محمد وآل محمد کما

محمد را و آل محمد را و برکت فرست بر محمد و آل محمد مانند آنچه

صلیت ورحمت وبارکت علی ابرهیم وآل ابرهیم

رحمت فرستاده و رحم نموده و برکت فرستاده بر ابرهیم و آل ابرهیم

انک حمید مجید اللهم صل علی الاوصیاء والسعداء

بدرستی که تو ستوده شده بزرگی خداوندا رحمت بفرست بر وصیها و نیکبختان

وَالشُّهَدَآءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ

وشهيدان وپيشوايان هدايت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال

وَالْاَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِيْنَ وَالزُّهَّادِ

و اوتاد وسياحت كنندگان وعبادت كنندگان واخلاص ارندگان وزاهدان

وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِهٖ

واهل جد و سعى ومخصوص گردان محمد و اهل بيت اورا

بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوْحَهٗ

بهترين رحمتهاى خود ووافرترين كرامتهاى خود ورسان بروح او

وَجَسَدَهٗ مِنِّىْ تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا

وبدن او از جانب من تحيت وسلام را وزياده گردان اورا از جهت زيادتى وشرف

وَاِكْرَامًا حَتّٰى تُبَلِّغَهٗ اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ

واكرام كردن تاانكه برسانى اورا به بلندترين مرتبهاى اهل شرافت

مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِيْنَ اَللّٰهُمَّ

از پيغمبران ورسولان وفاضلتران مقربان خداوندا

وَصَلِّ عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلٰئِكَتِكَ

ورحمت بفرست بر هركه نام بردم وهركه نام نبردم از فرشتگان تو

وَاَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ

و پيغمبران تو ورسولان تو واهل طاعت تو و برسان

صَلَوَاتِىْ اِلَيْهِمْ وَاِلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِىْ

صلوات مرا بسوى ايشان وبسوى روحهاى ايشان وبگردان ايشان را برادران من

فِيْكَ وَاَعْوَانِىْ عَلٰى دُعَائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَشْفِعُ

در راه تو واعانت كنندگان من بر دعا كردن تو خداوندا بدرستى كه من طلب شفاعت ميكنم

بِكَ اِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلٰى كَرَمِكَ وَبِجُوْدِكَ اِلٰى

بتو بسوى تو وبكرم تو بسوى كرم تو وببخشش تو بسوى

جُوْدِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طَاعَتِكَ

بخشش تو وبرحمت تو بسوى رحمت تو وباهل طاعت تو

اِلَيْكَ وَاَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَاَلَكَ بِهٖ اَحَدٌ

بسوى تو وسوال ميكنم ترا خداوندا بهمه انچه سوال كرده اند ترا بان يكى

مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيْفَةٍ غَيْرِ مَرْدُوْدَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ

از ايشان از سوال كردن شريفى كه رد كرده نشده باشد وبانچه خوانده اند ترا

بِهٖ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا

بان از خواندنى بر اورده شده كه نوميد كرده نشده باشد اى الله اى بخشاينده اى

رَحِيْمُ يَا كَرِيْمُ يَا عَظِيْمُ يَا جَلِيْلُ يَا مُنِيْلُ يَا جَمِيْلُ

مهربان اى صاحب كرم اى بزرگ اى بزرگ مرتبه اى دهنده اى نيكو

يَا كَفِيْلُ يَا وَكِيْلُ يَا مُقِيْلُ يَا مُجِيْرُ يَا خَبِيْرُ يَا مُنِيْرُ يَا

اى كفيل اى وكيل اى دركذرنده اى پناه دهنده اى اگاه اى روشن كننده اى

مبیرُ یا مَنیعُ یا مُذِلُّ یا مُجِلُّ یا کَبیرُ یا قَدیرُ یا
ملاک کننده ای قوی ای غلبه دهنده ای مجیل ای بزرگ ای بغایت توانا ای
بَصیرُ یا شَکورُ یا بَرُّ یا طُهرُ یا طاهِرُ یا قاهِرُ یا ظاهِرُ
بینا ای جزای شکر دهنده ای بسیار احسان کننده ای بغایت پاک ای پاک ای غالب ای ظاهر
یا باطِنُ یا ساتِرُ یا مُحیطُ یا مُقتَدِرُ یا حَفیظُ یا مُجیرُ
ای باطن ای پوشاننده ای فرو گیرنده ای بغایت توانا ای حفظ کننده ای پناه دهنده
یا قَریبُ یا وَدُودُ یا حَمیدُ یا مَجیدُ یا مُبدِئُ یا
ای نزدیک ای بغایت دوست ای ستوده شده ای صاحب شرف ای ابتدا کننده ای
مُعیدُ یا شَهیدُ یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ یا مُنعِمُ یا مُفضِلُ
عود فرماینده ای گواه ای احسان کننده ای نیکوئی کننده ای انعام دهنده ای تفضل کننده
یا قابِضُ یا باسِطُ یا هادی یا مُرسِلُ یا مُرشِدُ یا مُسَدِّدُ
ای فرا گیرنده ای پهن کننده ای راه نماینده ای رسول فرستنده ای ارشاد کننده ای براه حق آرنده
یا مُعطی یا مانِعُ یا دافِعُ یا رافِعُ یا باقی یا واقی
ای عطا کننده ای منع کننده ای دفع کننده ای رفع کننده ای پاینده ای نگاه دارنده
یا خَلّاقُ یا وَهّابُ یا تَوّابُ یا فَتّاحُ یا نَفّاحُ
ای بسیار آفریننده ای بسیار بخشنده ای بسیار قبول توبه کننده ای کشاینده ای بسیار انعام دهنده
یا مُرتاحُ یا مَن بِیَدِهٖ کُلُّ مِفتاحٍ یا نَفّاعُ یا رَؤُفُ
ای مرتاح ای آنکسی که بدست اوست هر کلیدی ای بغایت نفع رساننده ای بغایت مهربان

ودود یعنی بغایت دوست دارنده یا بغایت دوست داشته شده بندگان خاص خود را

مرتاح جواد دهنده و آنکه بدو بندگی بتان کشاده بخشش او وراحت کشاده شود

یا عطوف

یا عَطوفُ یا کافی یا شافی یا مُعافی یا مُکافی
ای مهربانی کننده ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای عافیت بخشنده ای مکافات دهنده
یا وَفیُّ یا مُهَیمِنُ یا عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَکَبِّرُ یا
ای وفا کننده ای حفظ کننده ای غالب ای جبار ای متکبر ای
سَلامُ یا مُؤمِنُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا نورُ یا مُدَبِّرُ
سلام ای امان دهنده ای یگانه ای مقصود در حوایج ای نور ای تدبیر کننده
یا فَردُ یا وِترُ یا قُدّوسُ یا ناصِرُ یا مُؤنِسُ یا
ای یکتا ای طاق ای بسیار منزه ای نصرت دهنده ای انس دهنده ای
باعِثُ یا وارِثُ یا عالِمُ یا حاکِمُ یا بادِئُ یا
برانگیزاننده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای ابتدا کننده ای
مُتَعالی یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَحَبِّبُ یا قائِمُ یا دائِمُ
بلند مرتبه ای صورت بخشنده ای سلامتی دهنده ای دوستی اظهار کننده ای بر پا ای همیشه
یا عَلیمُ یا حَکیمُ یا جَوادُ یا بارِئُ یا بارُّ یا سارُّ
ای بغایت دانا ای درست کردار ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شادی دهنده
یا عَدلُ یا فاضِلُ یا دَیّانُ یا حَنّانُ یا مَنّانُ
ای بغایت عادل ای صاحب فضل ای جزا دهنده ای مهربان ای نعمت دهنده
یا سَمیعُ یا بَدیعُ یا خَبیرُ یا مُعَبِّرُ یا مُعینُ یا ناشِرُ
ای شنوا ای نو بنیاد آورنده ای پناه دهنده ای تعبیر دهنده ای یاری کننده ای حشر کننده

يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي

ای آمرزنده ای قدیم ای آسان کننده ای میسّر کرداننده ای میراننده ای زنده کرداننده

يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ

ای نفع رساننده ای روزی دهنده ای بغایت توانا ای سبب ساننده سببها ای فریادرسنده

يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ

ای بی نیاز کننده ای سرمایه دهنده ای آفریننده ای حفظ نماینده ای تنها

يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا

ای حاضر ای جبر کننده ای حفظ نماینده ای صاحب شدت ای فریادرس ای

عَائِدُ يَا قَابِضُ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ

احسان کننده ای ستاننده ای آنکسی که بلند شده پس بغایت بلند کردیده پس بوده است

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ فَدَنَا وَبَعُدَ فَنَاى

در غرفهٔ بلندتر ای آنکسی که نزدیک شده پس نزدیک کردیده و دور شده پس دور کردیده

وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقَادِيرُ

و دانسته است رازها و پنهان تر را ای آنکسی که بسوی اوست تدبیر و برای اوست اندازها

يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ

ای آنکسی که دشوار بر او سهل آسان است ای آنکسی که او بر آنچه میخواهد

قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ

بغایت توانا ای فرستندهٔ بادها ای شکافندهٔ صبح ای برانگیزانندهٔ

کنایه از دعوی در لفظ ... است از بنا الغرفه ... چنانکه گفته اند

راصد یعنی کسیکه در کمین نشسته و ملاحظه احوال و افعال عبادی نماید ... است و آن نیز مناسب است یعنی ای کسیکه ملاحظه احوال و افعال بندگان میکنی و اینها از عجز اعمال میدانی

الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ

روحها ای صاحب جود و بخشش ای باز کرداننده آنچه بتحقیق فوت شده

يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ

ای حشر کنندهٔ مردگان ای جمع کنندهٔ پراکندگی ای روزی دهندهٔ هر که میخواهد

وَفَاعِلَ مَا يَشَاءُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا

و کنندهٔ آنچه میخواهد ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن ای زنده ای

قَيُّومُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى يَا

بخود برپا ای زنده هنگامی که زنده نبود ای زنده ای زنده کرداننده مردگان ای

حَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا

زنده نیست خدائی مگر تو نوپدید آورنده آسمانها و زمین ای

إِلٰهِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

خدای من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

و برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت کرده و برکت فرستاده

وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ

و رحم کرده و ترحم نموده بر ابرهیم و آل ابرهیم بدرستیکه تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَفَقْرِي وَ

ستوده شده بزرگی و رحم کن خواری مرا و بی چیزی مرا و احتیاج مرا و

اِنفرادی و وحدتی و خضوعی بین یدیک و اعتمادی
تنهائی مرا و یکتائی مرا و فروتنی کردن مرا پیش روی تو و اعتماد کردن مرا
علیک و تضرعی الیک ادعوک دعاء الخاضع الذلیل
بر تو و زاری مرا بسوی تو دعا میکنم ترا مثل دعای فروتنی کننده خوار
الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع
خشوع کننده خوف کننده بیم دارنده سختی رسیده خوار حقیر گرسنه
الفقیر العائذ المستجیر المقر بذنبه المستغفر
فقیر پناه آورنده پناه جوینده اقرار کننده بگناه خود طلب آمرزش کننده
منه المستکین لربه دعاء من اسلمته ثقته و
از آن افتادگی کننده از برای پروردگار خود مثل دعا کسی که ترک کرده باشد او را معتمد او
رفضته احبته و عظمت فجیعته دعاء حرق
و اگذاشته باشند او را دوستان او و عظیم شده باشد دردناکی او دعای دل سوخته
حزین ضعیف مهین بائس مستکین بک مستجیر اللهم
اندوهناک ناتوان حقیر سختی رسیده بیچاره بتو پناه جوینده خداوندا
و اسألک بانک ملیک و انک ما تشاء من امر یکون
و سؤال میکنم ترا باینکه تو پادشاهی و اینکه تو آنچه را خواهی از امری میشود
و انک علی ما تشاء قدیر و اسألک بحرمة هذا الشهر
و اینکه تو بر آنچه خواسته باشی بسیار توانائی و سؤال میکنم ترا بحرمت این ماه

الحرام و البیت الحرام و البلد الحرام و الرکن و المقام
حرام و خانه حرام و شهر حرام و رکن و مقام
و المشاعر العظام و بحق نبیک محمد علیه و آله السلام
و مکانهای عبادت که عظیمند و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد سلام
یا من وهب لآدم شیثا و لابرهیم اسمعیل و اسحق و یا
ای آنکسی که بخشیده است بآدم شیث را و بابرهیم اسمعیل و اسحق را وای
من رد یوسف علی یعقوب و یا من کشف بعد البلاء
آنکسی که باز کرد یوسف را بر یعقوب وای آنکسی که زایل کردانید بعد از رسیدن بلا
ضر ایوب یا راد موسی علی امه و زاید الخضر فی
بدحالی ایوب را ای باز کرداننده موسی بر مادر او و زیاد کرداننده خضر در
علمه و یا من وهب لداود سلیمن و لزکریا یحیی
علم او وای آنکسی که بخشیده است بداود سلیمان را و بزکریا یحیی را
و لمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب و یا کافل ولد موسی
و بمریم عیسی را ای حفظ کننده دختر شعیب وای ضامن فرزند موسی
اسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی
سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای من
ذنوبی کلها و تجیرنی من عذابک و توجب لی
گناهان مرا همه آنها را و پناه دهی مرا از عذاب خود و واجب کردانی برای من

رِضْوانِكَ وَ اَمانِكَ وَاِحْسانِكَ وَ غُفْرانِكَ وَجِنانِكَ

خوشنودی خود را و امان دادن خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشتهای خود را

وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَفُكَّ عَنّى كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنى وَ بَيْنَ مَنْ

و سؤال میکنم ترا اینکه جدا سازی از من هر حلقه را که باشد میان من و میان کسی

يُؤْذِينى وَ تَفْتَحَ لى كُلَّ بابٍ وَ تُلَيِّنَ لى كُلَّ صَعْبٍ

که آزار میکند مرا و بکشائی از برای من هر دری را و نرم کنی از برای من هر دشواری را

وَتُسَهِّلَ لى كُلَّ عَسيرٍ وَ تُخْرِسَ عَنّى كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَ

و آسان کردانی برای من هر دشواری را و لال کردانی از من هر گوینده بشر را و

تَكُفَّ عَنّى كُلَّ باغٍ وَ تَكْبِتَ كُلَّ عَدُوٍّ لى وَحاسِدٍ وَ تَمْنَعَ

باز داری از من هر طغیان کننده را و برو در اندازی هر دشمنی را و حسد برنده را و منع کنی

مِنّى كُلَّ ظالِمٍ وَ تَكْفِيَنى كُلَّ عائِقٍ يَحُولُ بَيْنى وَ بَيْنَ

از من هر ظالمی را و باز داری از من هر مانعی را که حایل شود میان من و میان

وَلَدى وَ يُحاوِلُ اَنْ يُفَرِّقَ بَيْنى وَ بَيْنَ طاعَتِكَ وَ يُثَبِّطَنى

فرزند من و قصد کند که جدائی بیندازد میان من و میان طاعت تو و باز دارد مرا

عَنْ عِبادَتِكَ يا مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدينَ وَ قَهَرَ عُتاةَ

از عبادت تو ای آنکسی که لجام کرده است جنیان تمرد کننده را و غلبه کرده است بر سرکشان

الشَّياطينِ وَ اَذَلَّ رِقابَ الْمُتَجَبِّرينَ وَ رَدَّ كَيْدَ

شیطانها و خوار کرده است کردنهای متکبران را و بازگردانیده است مکر

یعنی سؤال میکنم از تو اینکه هر حلقه و رابطه که میان من و میان آنان کسانی که باشند از احبا ... سازی تا از اینکه میان من و ... باشد و ... از ... اوحلاوس نخوم

الْمُتَسَلِّطينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفينَ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلى

تسلط دارندکان را از ناتوانان سؤال میکنم ترا بتوانائی تو بر

ما تَشاءُ وَ تَسْهيلِكَ لِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ اَنْ تَجْعَلَ

آنچه میخواهی و آسان کردانیدن تو برای آنچه میخواهی بنحوی که میخواهی اینکه بکردانی

قَضاءَ حاجَتى فيما تَشاءُ بعد از آن سجده کند و کونهای خود را

برآوردن حاجت مرا در میان آنچه میخواهی بر خاک بمالد و در حال سجود بکوید

اَللّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ امَنْتُ فَارْحَمْ ذُلّى وَ

خداوندا برای تو سجده کردم و بتو ایمان آوردم پس رحم کن خواری مرا و

فاقَتى وَاجْتِهادى وَ تَضَرُّعى وَمَسْكَنَتى وَ فَقْرى

احتیاج مرا و سعی کردن مرا و زاری مرا و افتادکی مرا و بی چیزی مرا

اِلَيْكَ يا رَبِّ و سعی کند که اشک از چشمهای او بیاید

بسوی تو ای پروردکار من هرچند بقدر سر سوزن باشد پس بدرستی

که این علامت اجابت دعاست اعمال ماه شعبان حسن بن محبوب

کفته است که عبد الله بن حزم ازدی کفت که از حضرت امام

جعفر صادق علیه الصلوة و السلام شنیدم که میفرمود که هر که

روز اول ماه شعبان را روزه بدارد بهشت برای او واجب

میشود البته و هر که دو روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی

از روی لطف و مرحمت باو نظر میکند در هر روز و هر شب ماه

اعمال ماه شعبان

که در سرای دنیا باشد و در بهشت نظر لطف خود را از وی بر نمیدارد
و هر که سه روز از این ماه را روزه بدارد هر روز در بهشت حق
تعالی را در عرش او زیارت میکند و ابو حمزه ثمالی روایت
کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة و السلم فرمود
که هر که ماه شعبان را روزه بدارد پاک میگردد از هر لغزشی
و وصمه و بادره راوی گوید که بخدمت آنحضرت عرض نمودم
که وصمه چیست جواب فرمود که وصمه قسمیست که در معصیت خدا
یاد کرده باشد و نذریست که در معصیت خدا کرده باشد پس گفتم
که بادره چیست جواب فرمود که بادره قسمیست که در حال غضب
یاد کرده باشد و توبه از آن اینست که پشیمان شود از آن و صفوان
بن مهران جمال روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة و السلام بمن فرمود که رغبت بفرمای جماعتی را
که در ولایت تو میباشند بروزه ماه شعبان پس گفتم فدای تو شوم
آیا در روزه شعبان فضلی و زیادتی میدانی جواب فرمود که
آری بدرستی که چون هلال شعبان دیده میشد حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله امر میفرمود تا در مدینه طیبه منادی
ندا مینمود که ای اهل یثرب بدرستی که حق تعالی مرا رسول و پیغمبر
شما کرد اینده است آگاه باشید که شعبان ماه من است پس حق

تعالی

تعالی رحم کند کسی را که اعانت و یاری کند مرا بر ماه من بعد از آن
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام میفرمود که از وقتی که آن ندا را شنیده ام
روزه ماه شعبان از من فوت نشده است و بعد از این نیز تا حیات
دارم روزه آن ماه از من فوت نخواهد شد ان شاء الله تعالی
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که روزه دو ماه
پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی دعائی که در هر روز از
روزهای ماه شعبان خوانده میشود محمد بن یحیی عطار روایت
کرده است از احمد بن محمد سیاری و او از عباس و او از مجاهد
و او از پدر خود روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة
و السلم در وقت زوال آفتاب در هر روز از روزهای ماه شعبان و در شب
نیمه ماه شعبان صلوات بر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرستاد باین طریق که
میگفت اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که درخت نبوت و
موضع الرسالة و مختلف الملائکة و معدن العلم
جایگاه رسالت و محل تردد فرشتگان و معدن علم
و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک
و اهل بیت وحیند خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که کشتی

دعاء هر روز ماه شعبان

الجارية في اللجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق

روانند در دریاهای پر آب عمیق ایمن میشود کسی که سوار شود آنرا و هلاک میشود

من تركها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم

کسی که واگذارد پیش افتاده از ایشان بیرون رونده است از دین و پس افتاده از ایشان

زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل على محمد

هلاک شونده است و ملازمت کننده برای ایشان ملحق شونده است بایشان خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد الكهف الحصين وغياث المضطر المستكين

و آل محمد که پناه محکم و فریادرس مضطر بیچاره بی چیز

وملجأ الهاربين وعصمة المعتصمين اللهم صل

و پناه گریزندگانند و نگاهدارنده چنگ زنندگانند خداوندا رحمت بفرست

على محمد وآل محمد صلوة كثيرة تكون لهم رضى

بر محمد و آل محمد رحمتی بسیار که بوده باشد از برای ایشان خوشنودی

ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول منك وقوة

و از برای حق محمد و آل محمد اداکردنی و بجا آوردنی بتوانائی از تو و قوتی

يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد

ای پروردگار همه عالمها خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

الطيبين الأبرار الأخيار الذين اوجبت حقوقهم

که پاکیزگان نیکوکاران پسندیدگانند آنچنانی که واجب کردانیدی حقوق ایشانرا

وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهم صل على محمد و

و فرض کردانیدی فرمانبرداری ایشان و دوستی ایشانرا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

آل محمد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك

آل محمد و معمور کردان دل مرا بطاعت خودت و رسوا مکن مرا بمعصیت خودت

وارزقني مواساة من قترت عليه من رزقك بما

و روزی کردان مرا مواسات کردن با کسی که تنگ کرده باشی بر او از روزی خودت بآنچه

وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك و

وسعت داده بر من از فضل خودت و پهن کرده بر من از عدالت خودت و

احييتني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك

زنده داشتی مرا در زیر سایه خودت و اینماه ماه پیغمبر تو بزرگ رسولان تست

شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان الذي

یعنی شعبان که فرو گرفته آنرا از جانب خود برحمت و خوشنودی آنچنان ماهی

كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب في صيامه

که بود رسول خدا رحمت فرستد خدا بر او و آل او که اهتمام می نمود در روزه داشتن آن

وقيامه في لياليه وأيامه بخوعاً لك في اكرامه

و قیام بعبادت در شبهای آن و روزهای آن از برای طلب کردن احسان از تو بسبب گرامی داشتن آن

واعظامه الى محل حمامه اللهم فأعنا على الاستنان

و تعظیم نمودن آن تا وقت رسیدن وفات او خداوندا پس اعانت کن ما را بر عمل کردن

بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ
بسنت او در این ماه و دریافتن شفاعت نزد او خداوندا و بگردان او را
لِي شَفِيعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا
برای من شفاعت کننده و راهی بسوی تو که وسیع باشد و بگردان مرا از برای او پیروی کننده
حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي
تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالتیکه از من راضی باشی و از گناهان من
غَاضِيًا قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَ
چشم پوشنده باشی بتحقیق که لازم کرده باشی از برای من از جانب خود رحمت و خوشنودی را و
أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ و محمد بن ابی حمزه
فرود آورده باشی مرا در سرای قرار و جایگاه خوبان روایت کرده است
که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام فرمود
که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه این استغفار
را بخواند حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد راوی
گوید که از آنحضرت سؤال کردم که افق مبین چیست جواب فرمود که
صحرائیست در پیش روی عرش و در آن صحرا نهرها جاریست و قدحها
در کناران نهرها هست بعدد ستارگان و استغفار اینست
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او که بخشاینده مهربان

الحی

اعمال و ادعیه ماه مبارک رمضان

ادعیه دیدن هلال ماه مبارک رمضان

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اعمال و ادعیه ماه مبارک
زنده بخود برپاست و باز گشت میکنم بسوی او رمضان چون هلال ماه
مبارک رمضان را دیدی بخوان دعائی را که منقولست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنرا میخوانده است و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ
خداوندا نو گردان این ماه را برما مقرون بامنیت و ایمان و سلامتی
وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ
و اسلام و عافیتی فروگیرنده و روزی فراخ
وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ
و دفع کردن بیماریها خداوندا روزی کن بما روزه گرفتن ایمان را و قیام بعبادت را درایمان
وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ
و تلاوت کردن قرآن را در این ماه خداوندا سلامت بدار این ماه را برای ما و بگیر و قبول کن این ماه را
مِنَّا وَسَلِّمْنَا فِيهِ دعاء دیگر حضرت امیر المؤمنین
از ما و سلامت بدار ما را در این ماه علیه الصلوة والسلام چون
هلال رمضان را میدیده رو بجانب قبله
میکرده و این دعا را میخوانده است که
اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ
خداوندا نو گردان این ماه را برما مقرون بامنیت و ایمان و سلامتی

وَالْاِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

و اسلام و عافيت فرو گيرنده خداوندا روزى كن بما

صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْاٰنِ فِيْهِ اَللّٰهُمَّ

روزه گرفتن اين ماه را و قيام نمودن در شبهاى او و تلاوت كردن قرآن را در اين ماه خداوندا

سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنَا فِيْهِ و مرويست

سلامت بدار اين ماه را براى ما و قبول كن اين ماه را از ما و سلامت بدار ما را در او و بگيرم ... كه آنحضرت

ميفرموده است كه چون هلال را به بينى پس از جاى خود حركت مكن

و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذَا الشَّهْرِ وَنُوْرَهُ

خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم از تو خير اين ماه را و نور اين ماه را

وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطُهُوْرَهُ وَرِزْقَهُ وَاَسْاَلُكَ

و نصرت اين ماه را و بركت اين ماه را و پاكى اين ماه را و روزى اين ماه را و سوال ميكنم از تو

خَيْرَ مَا فِيْهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا

خير آنچه در اين ماه هست و خير آنچه بعد از اين ماه است و پناه ميبرم بتو از شر آنچه

فِيْهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَ

در اين ماه است و شر آنچه بعد از اين ماه است خداوندا داخل گردان ماه را بر ما مقرون بايمنى و

الْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْبَرَكَةِ وَالتَّقْوٰى وَالتَّوْفِيْقِ

ايمان و سلامتى و اسلام و نفع و پرهيزكارى و توفيق يافتن

لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى و در هر شب در وقت افطار بگو

بر آنچه دوست ميدارى و خوشنود شوى

(margin note:) در بعضى از نسخ اين دعا طهوره ... بعد از ... و در بعضى ... معناى تقطره از ... اينست كه سوال ميكنم از تو ... ماه را ...

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَعَانَنَا فَصُمْنَا وَرَزَقَنَا فَاَفْطَرْنَا

سپاس مر خدا را است كه اعانت كرد ما را پس روزه داشتيم و روزى داد ما را پس روزه گشوديم

اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلٰى رِزْقِكَ اَفْطَرْنَا وَعَلَيْكَ

خداوندا براى تو روزه داشتيم و بر روزى تو روزه گشوديم و بر تو

تَوَكَّلْنَا اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَاَعِنَّا عَلَيْهِ وَسَلِّمْنَا

توكل كرديم خداوندا قبول كن اين را از ما و اعانت كن ما را بر اين و سلامت دار ما را

فِيْهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِيْ يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ اَلْحَمْدُ

در اين و بگير و قبول كن اين را از ما در آسانى از جانب خود و تندرستى سپاس

لِلّٰهِ الَّذِيْ قَضٰى عَنَّا يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ دعائيكه در شب اول ماه مبارك

مر خدا را كه ادا كرد از ما روزى از ماه رمضان را رمضان خوانده ميشود

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَانَ لَهُ كُلُّ

خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم ترا بنام تو آنچنان نامى كه ذليل شده براى آن هر

شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ

چيزى و برحمت تو آنچنان رحمتى كه گنجايش دارد هر چيزى را و بعظمت تو

الَّتِيْ تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوْتِكَ الَّتِيْ غَلَبَتْ

آنچنان عظمتى كه افتاده كرده است براى آن هر چيزى و بتسلط تو آنچنان تسلطى كه غالب است

كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِيْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُوْرُ

هر چيزى را و بعلم تو چنان علمى كه احاطه كرده است بهر چيزى اى نور

(margin:) دعاء وقت افطار روزه ماه مبارك رمضان

بهتر اينست كه اين دعا پيش از افطار و بعد از افطار هر دو خوانده شود

دعاء شب اول ماه مبارك رمضان

يا با معنى است كه اطاعت كرده يا بندگى و فروتنى نموده است براى آن هر چيزى

الحمد

قدوس یا اول قبل کل شیء ویا باقی بعد کل شیء
بسیار پاک از عیب ای اول پیش از هر چیزی وای باقی بعد از هر چیزی
یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
ای الله ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبیامرز برای من
الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب
گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را وبیامرز برای من گناهانی را
التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی تقطع
که نازل میسازند عقوبتها را وبیامرز برای من گناهانی را که قطع میکنند
الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء
امید را وبیامرز برای من گناهانی را که غالب میگردانند دشمنان را
واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر
وبیامرز برای من گناهانی را که رد میکنند دعا را وبیامرز
لی الذنوب التی یستحق بها نزول البلاء واغفر
برای من گناهانی را که استحقاق داشته میشود بسبب آنها فرود آمدن بلا وبیامرز
لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی
برای من گناهانی را که حبس میکنند باران آسمان را وبیامرز برای من
الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر لی الذنوب
گناهانی را که بر میدارند پرده را وبیامرز برای من گناهانی را

التی تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تورث
که تعجیل میکنند فنا را وبیامرز برای من گناهانی را که موروث میشوند
الندم واغفر لی الذنوب التی تهتک العصم و
پشیمانی را وبیامرز برای من گناهانی را که پاره میکنند بندها را و
البسنی درعک الحصینة التی لا ترام وعافنی
بپوشان بمن زره محکم خودت را که قصد کرده نمیشود وعافیت ده مرا
من شر ما اخاف واحذر واحاذر باللیل و
از شر آنچه خوف دارم وحذر میکنم واز شر آنچه حذر میکنم در شب و
النهار فی مستقبل سنتی هذه اللهم رب السموات
روز در سال آینده من این سال خداوندا ای پروردگار آسمانهای
السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
هفتگانه وپروردگار زمینهای هفتگانه وآنچه در آنهاست وآنچه میان آنهاست
ورب العرش العظیم ورب السبع المثانی والقرآن
وپروردگار عرش بزرگ وپروردگار سبع المثانی و قرآن
العظیم ورب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل ورب
بزرگ مرتبه وپروردگار اسرافیل و میکائیل وجبرئیل وپروردگار
محمد صلی الله علیه وآله وسلم سید المرسلین
محمد رحمت فرستد خدا بر او وآل او وسلام فرستد بر او که بزرگ رسولان است

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَسْاَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ

وآخر پیغمبران است سؤال میکنم ترا بحق خودت وبحق آنچه نامیده ای بآن ذات خودرا

يَا عَظِيمُ اَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ

ای بزرگ مرتبه توئی آنکسی که نعمت میدهی بنعمت بزرگ ودفع میکنی هر حذر کرده شده

وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ

وعطا میکنی هر نعمت وافری را ومضاعف میکردانی از نیکیها باندك

وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ

وبه بسیار ومیکنی آنچه میخواهی ای بغایت توانا ای الله ای بخشاینده

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي

رحمت بفرست بر محمد واهل بیت او وبپوشان بمن در سال آینده من

هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ

این سال پرده خودرا وتازه کردان روی مرا بنور خودت ودوست دار مرا بدوستی خودت

وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ

وبرسان مرا برضوان خودت وبزرگ کرامت خودت وانعام

عَطِيَّتِكَ وَاَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا

بزرگ خودت وعطا کن بمن از خیر آنچه نزد تست واز خیر آنچه

اَنْتَ مُعْطِيهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ

تو عطا کننده ای بیکی از خلق خودت وبپوشان بمن با وجود آن

عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوٰى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰى

عافیت خودرا ای جایگاه هر شکایتی وای گواه هر رازی

وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا

وداناي هر پنهانی وای دفع کننده آنچه میخواهی از بلائی ای

كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ وَ

کرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابرهیم و

فِطْرَتِهِ وَعَلٰى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ

فطرت او وبر دین محمد که رحمت فرستد خدا براو وآل او وسلام فرستد

سُنَّتِهِ وَعَلٰى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ

بر طریقه او وبر بهترین مردنی پس بمیران مرا در حالتی که دوستدار باشم دوستان ترا

مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ

ودشمن باشم دشمنان ترا خداوندا ودور کردان مرا در این سال

كُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي

از هر علی یا گفتاری یا کرداری که دور کرداند مرا از تو وبکشان مرا

اِلٰى كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ

بجانب هر علی یا گفتاری یا کرداری که نزدیك کرداند مرا از تو در این

السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ

سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ومنع کن مرا از هر علی یا

قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَاَخَافُ

کفتاری یا کرداری که صادر شود از من که میترسم از ضرر عاقبت آن و میترسم

مَقْتَكَ اِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارَ اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ

از غضب کردن تو مرا بر آن از ترس اینکه بکردانی روی کریم خود را

عَنِّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ

از من پس مستحق شوم بسبب آن نقص را از بهره که از برای من است نزد تو ای مهربان

يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ

ای رحم کننده خداوندا بکردان مرا در سال آینده من این سال

فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ

در حفظ خودت و در همسایکی خودت و در پناه خودت و بپوشان بمن پرده

عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ

عافیت خود را و ببخش بمن کرامت خود را عزیز است همسایه تو و بزرک است ثنای تو

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِ مَنْ

و نیست خدائی غیر تو خداوندا بکردان مرا پیروی کننده از برای شایسته کسانی

مَضٰى مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا

که رفته اند از دوستان تو و ملحق کردان مرا بایشان و بکردان مرا تصدیق کننده

لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ

برای جماعتی که کفته اند راست را بر تو از ایشان و پناه میبرم بتو خداوندا

یعنی احاطه کند یعنی در یابد سال گناه من
و ابتغا بمعنی استعمال است مانند دو رده
و در دیگر مراد دو رده کردن است بمعنی ادیب است
و در دو رده بعض از نسخ چنین است که
یحیط به خطیئتی یعنی احاطه کند مرا کناه
من و بنا بر این نسخه ابتغا در کلام عامد بود

اَنْ تُحِيطَ بِهِ خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي وَ

از اینکه احاطه کند باین سال کناه من و ستمکاری من و زیاده روی من بر نفس خودم و

اتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذٰلِكَ

پیروی کردن من خواهش خود را و مشغول شدن من بهوسهای خودم پس حایل شود این

بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ

میان من و میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم فراموش شده نزد تو

مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنَقِمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ

متعرض شده برای غضب تو و عذاب تو خداوندا توفیق ده مرا برای هر

عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضٰى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفٰى

عمل صالحی که خوشنود کردی بآن از من و نزدیک کردان مرا بسوی خودت نزدیک کردانیدنی

اَللّٰهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

خداوندا چنانکه کفایت کردی از پیغمبر خودت محمد رحمت فرستد خدا بر او

وَاٰلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ

و آل او خوف دشمن او را و برطرف کردی دلکیری او را و زایل کردانیدی غم او را

وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ

و راست کردانیدی برای او وعده خود را و وفا کردی برای او به پیمان خود خداوندا

فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَ

پس بهمان نحو کفایت کن از من خوف این سال را و آفتهای این را

اسقامها و فتنها و شرورها و احزانها وضیق المعاش

بیماریها این را و فتنهای این را و بدیهای این را و اندوهها ایرا و تنگی معاش را

فیها و بلغنی برحمتك كمال العافیة بتمام دوام

درین سال و برسانیدمرا بسبب رحمت خودت بکمال تندرستی باتمام بودن دایمی بودن

النعمة عندی الی منتهی اجلی اسئلك سؤال من

نعمت نزد من تا منتهای عمر من سؤال میکنم ترا سؤال کردن کسی

اساء وظلم واستكان واعترف واسئلك ان

که بد کرده وظلم کرده وفروتنی نموده و اقرار کرده باشد وسؤال میکنم از تو اینکه

تغفرلی ما مضی من الذنوب التی حصرتها حفظتك

بیامرزی برای من انچه گذشته است از گناهان که ضبط کرده اند انها را حافظان تو

واحصتها كرام ملئكتك علی وان تعصمنی الهی

وشمرده اند انها را فرشتگان مکرم تو بر من و اینکه نگاه داری مرا ای خدای

من الذنوب فیما بقی من عمری الی منتهی اجلی یا الله

از گناهان در انچه باقی مانده است از عمر من تا منتهای عمر من ای الله

یا رحمن صل علی محمد واهل بیته واتنی كل ما

ای بسیار بخشنده رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او وعطا کن بمن هرچه

سئلتك ورغبت الیك فیه فانك امرتنی بالدعا

سؤال کرده ام از تو و رغبت کرده ام بسوی تو در ان پس بدرستی که تو امر کرده مرا بدعا کردن

وتكفلت بالاجابة یا ارحم الراحمین است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان باید خواند

وضامن شده اجابت کردن را ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القران

خداوندا این ماه ماه رمضان است که فرو فرستاده در وی قران را

هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وهذا

در حالتی که هدایت کننده است برای مردمان و دلیلهای واضح است از راه نما وجدا کردن حق و باطل واینماه

شهر الصیام وهذا شهر القیام وهذا شهر التوبة

ماه روزه داشتن است و این ماه ماه ایستادن است و این ماه ماه توبه کردن است

وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من

و این ماه ماه امرزش و رحمت است و این ماه ماه ازاد کردن از

النار والفوز بالجنة وهذا شهر فیه لیلة القدر

اتش و رستگاری بهشت است و این ماه ماهیست که در ان است شب قدر

التی هی خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد و

که ان شب بهتر است از هزار ماه خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و

ال محمد واعنی علی صیامه وقیامه وسلمه لی

ال محمد و اعانت کن مرا بر روزه داشتن ان و قیام بعبادت در ان و سلامت دار از برای من

وسلمنی فیه واعنی علیه بافضل عونك ووفقنی

و سلامت دار مرا در این ماه و اعانت کن مرا بران به بهترین اعانت خود و توفیق ده مرا

فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَاَوْلِيَآئِكَ صَلَّى اللّٰهُ
دريما از براى فرمانبردارى تو وفرمانبردارى رسول تو واوليأى تو كه رحمت فرستد خدا
عَلَيْهِمْ وَفَرِّغْنِى فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَآئِكَ وَتِلَاوَةِ
بر ايشان وفارغ كردان مرا درينما براى عبادت تو ودعاى تو وتلاوت نمودن
كِتَابِكَ وَاَعْظِمْ لِى فِيهِ الْبَرَكَةَ وَاَحْسِنْ لِى فِيهِ
كتاب تو وبزرك كردان براى من درينماه بركت را ونيكو كردان براى من درينماه
الْعَافِيَةَ وَاَصِحَّ فِيهِ بَدَنِى وَاَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِى وَ
عافيت را وصحيح كردان درينماه بدن مرا ووسيع كردان درينماه روزى مرا و
اكْفِنِى مَا اَهَمَّنِى وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَآئِى وَبَلِّغْنِى
كفايت كن از من آنچه غمكين سازد مرا ومستجاب كردان درينماه دعاى مرا وبرسان مرا
فِيهِ رَجَآئِى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَذْهِبْ
درينماه باميد من خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وببر
عَنِّى فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفَتْرَةَ
از من درينماه پينكى وكاهلى ودلتنكى وسستى
وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ وَجَنِّبْنِى فِيهِ الْعِلَلَ
وسنك دلى وغافل شدن وفريب خوردن را ودور كن از من درينماه آزارها
وَالْاَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْاَحْزَانَ وَالْاَعْرَاضَ وَ
وبيماريها وغمها واندوهها وعارضها و

الْاَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّى فِيهِ
مرضها وخطاها وكناهان را وبازكردان از من درينماه
السُّوٓءَ وَالْفَحْشَآءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَآءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَا
بدحالى وكار بسيار قبيح ومشقت وبلا وتعب ورنج را
اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَآءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
بدرستى كه تو شنونده دعائى خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و
اَعِذْنِى فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَ
پناه ده مرا درينماه از شيطان رانده شده وهمز او ولمز او و
نَفْثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَكَيْدِهِ وَ
نفث او ونفخ او ووسوسه او ومانع كشتن او وحيله او و
مَكْرِهِ وَحَبَآئِلِهِ وَخُدَعِهِ وَاَمَانِيِّهِ وَغُرُورِهِ وَ
مكر او ودامهاى او وفريبهاى او وآرزوهاى دروغ او وفريفتنهاى او و
فِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَاَحْزَابِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَاَشْيَاعِهِ
فتنه او ودام او وكروههاى او وتابعان او وپيروان او
وَاَوْلِيَآئِهِ وَشُرَكَآئِهِ وَجَمِيعِ مَكَآئِدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
ودوستان او وشريكان او وهمه مكرهاى او خداوندا رحمت بفرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَبُلُوغَ
بر محمد وآل محمد وروزى كن بما قيام اينماه را وروزه داشتن اينماه ورسيدن

الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي
با آرزو داد درینماه ودر قیام این ماه وکامل کردانیدن آنچه خوشنود کند ترا از من
صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي
از روی صبر وطلب اجر و ایمان و یقین بعد از ان قبول کن انرا از من
بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
باضعاف بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار عالمیان
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد وروزی کن مرا حج وعمره
وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
وسعی کردن وتوانائی وخوشدلی وبازگشت و توبه
وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَ
ونزدیکی جستن وخیر قبول کرده شده و ترس و رغبت و
التَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَ
زاری و فروتنی ونازکدلی و نیت راست و
صِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ
راستی زبان وترسیدن از تو وامیدواری برای تو وتوکل کردن
عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ مِنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ
بر تو واعتماد داشتن بتو وپرهیزکاری از محرمات تو با گفتار

القول

الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ
شایسته وسعی قبول کرده شده وعمل بلند کرده شده و دعای مستجاب
وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَ
وحایل مشو میان من ومیان چیزی از اینها بسبب عارضه ونه مرضی و
لَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ
نه اندوهی ونه غمی ونه بیماری ونه غافل شدنی ونه فراموشی
بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ لِحَقِّكَ
بلکه بنگاهداری ومحافظت کردن از برای تو ودر راه تو ورعایت کردن از برای حق تو
وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
ووفا کردن به پیمان تو ووعده تو برحمت تو ای رحم کننده ترین
الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي
رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد وقسمت کن برای من
فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي
درینماه بهترین آنچه قسمت میکنی آنرا برای بندگان صالح خودت وعطا کن بمن
فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ
درینماه بهترین آنچه عطا میکنی دوستان مقرب خود را از رحمت
وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ
وآمرزش و مهربانی واجابت ودر گذشتن وآمرزش

تا دو محافظت کردن حق تعالی است
اینست یا محافظت کردن تا اینکه است
او از حق تعالی از برای او و دوری او

الدَّآئِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ

دائمی وعافیت ومعافات وآزادی از آتش و

الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

فایز شدن بهشت وخیر دنیا وآخرت خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَآئِيْ فِيْهِ اِلَيْكَ وَاصِلًا

بر محمد وآل محمد وبگردان دعای مرا درین ماه بسوی تو رسیده

وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ اِلَيَّ فِيْهِ نَازِلًا وَعَمَلِيْ فِيْهِ مَقْبُوْلًا

ورحمت خود وخیر خود را بسوی من درین ماه فرود آینده وعمل مرا درین ماه قبول کرده شده

وَسَعْيِيْ فِيْهِ مَشْكُوْرًا وَذَنْبِيْ فِيْهِ مَغْفُوْرًا حَتّٰى

وسعی مرا درین ماه جزای خیر داده شده وگناه مرا درین ماه آمرزیده شده تا

يَكُوْنَ نَصِيْبِيْ فِيْهِ الْاَكْثَرَ وَحَظِّيْ فِيْهِ الْاَوْفَرَ

بوده باشد بخش من درین ماه بیشتر وبهره من درین ماه وافرتر

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِلَيْلَةِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وتوفیق ده مرا درین ماه برای شب

الْقَدْرِ عَلٰى اَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ اَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهَا اَحَدٌ

قدر بر بهترین حالتی که دوست میداری که بوده باشد بران حالت کسی

مِنْ اَوْلِيَآئِكَ وَاَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِيْ خَيْرًا

از دوستان تو وخوشنود کننده ترین حالها برای تو پس بگردان آنرا برای من بهتر

بعضی از علما گفته اند که عافیت
یعنی دفع کردن حق تعالی است بلاها
را از آدمی و معافاة یعنی
دفع کردن حق تعالی است ... از آنکه
جانب او دفع کردن اذیت خلایق است از ایشان
و اذیت ایشان از خلایق

مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا اَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ اَحَدًا

از هزار ماه وروزی کن مرا دران شب بهترین آنچه روزی کرده کسی را

مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِيَّاهَا وَاَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِيْ فِيْهَا

از کسانی که رسانیده او را بان شب وگرامی داشته او را بان شب وبگردان مرا دران شب

مِنْ عُتَقَآئِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَآئِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَآءِ

از جمله آزاد شدگان خود از جهنم وخلاص کرده شدگان خود از آتش ونیکبختان

خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

خلق تو بسبب آمرزش تو وخوشنودی تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِيْ شَهْرِنَا هٰذَا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وروزی کن ما را در ماه ما این ما

الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَ

سعی وکوشش و توانائی وخوشدلی را وآنچه را دوست میداری و

تَرْضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

خوشنود میگردی خداوندا ای پروردگار صبح وشبهای ده گانه وشفع و وتر

وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا اَنْزَلْتَ فِيْهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ

وپروردگار ماه رمضان وآنچه نازل ساخته درین ماه از قرآن و

رَبَّ جَبْرَئِيْلَ وَمِيْكَآئِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ وَجَمِيْعِ الْمَلٰٓئِكَةِ

پروردگار جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وهمه فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ
مقرب و پروردگار ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب
وَرَبَّ مُوسٰى وَعِيسٰى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَ
و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و رسولان و
رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَ
پروردگار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو بر ایشان همگی باد و
اَسْاَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ لَمَّا صَلَّيْتَ
سؤال میکنم ترا بحقی که ایشانراست بر تو و بحق عظیم تو مگر اینکه رحمت بفرستی
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ اِلَىَّ نَظْرَةً
بر او و آل او و بر ایشان همه و نظر کنی بسوی من نظر کردنی
رَحِيمَةً تَرْضٰى بِهَا عَنِّى رِضًا لَا سَخَطَ عَلَىَّ بَعْدَهُ اَبَدًا
مهربان که خوشنود کردی بان از من خوشنودی که خشمی نباشد بر من بعد از ان هرگز
وَاَعْطَيْتَنِى جَمِيعَ سُؤْلِى وَرَغْبَتِى وَاُمْنِيَّتِى وَاِرَادَتِى
و عطا کنی بمن همه سؤال کرده شده هام را و رغبت داشته شده هام را و آرزو کرده شده هام را و اراده کرده شده هام را
وَصَرَفْتَ عَنِّى مَا اَكْرَهُ وَاَحْذَرُ وَاَخَافُ عَلٰى
و باز گردانی از من آنچه را ناخوش دارم و حذر میکنم و میترسم بر
نَفْسِى وَمَا لَا اَخَافُ وَعَنْ اَهْلِى وَمَالِى وَاِخْوَانِى وَ
نفس خودم و آنچه را که نمی ترسم و از اهل من و مال من و برادران من و

ذُرِّيَّتِى اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَاٰوِنَا تَائِبِينَ
فرزندان من خداوندا بسوی تو گریختیم ما از گناهان خود پس جای بده ما را در حالیکه توبه کننده ایم
تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا
و قبول توبه کن بر ما در حالی که استغفار کننده ایم و بیامرز برای ما
مُتَعَوِّذِينَ وَاَعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَاَجِرْنَا
در حالی که پناه آورنده ایم و پناه ده ما را در حالیکه پناه جوینده ایم و پناه ده ما را
مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ وَاٰمِنَّا
در حالیکه اطاعت کننده ایم و فرو مگذار ما را در حالیکه ترس دارنده ایم و ایمن گردان ما را
رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاَعْطِنَا اِنَّكَ
در حالیکه رغبت کننده ایم و شفیع گردان ما را در حالی که سؤال کننده ایم و عطا کن بما بدرستی که تو
سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّى وَاَنَا
شنونده دعائی و نزدیکی و اجابت کننده خداوندا تو پروردگار منی و من
عَبْدُكَ وَاَحَقُّ مَنْ سَاَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْاَلِ
بنده توهستم و سزاوارترین کسی که سؤال کند او بنده پروردگار اوست و سؤال نکرده اند
الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوَى
بندگان از کسی که مانند تو باشد از راه کرم و بخشش ای جای شکوه
السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهٰى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ
سؤال کنندگان و ای منتهای حاجت رغبت کنندگان و ای فریادرس

شفیع ما را از آن جا عفو گردان که
شفاعت یافتند و مرخص گردیده اند
گردیده اند شفاعت کنند یا سلوف
که ... شفاعت ما را تا دیدار وجوه
و دیگران ...

الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ

طلب فریاد رسی کنندگان و ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای پناه گریزندگان

وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ

و ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان و ای پروردگار ضعیف شمرده شدگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ

و ای برطرف کننده اندوه اندوه رسیدگان و ای کشایش دهنده غم

الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ

غمگینان و ای برطرف کننده اندوه بزرگ ای الله ای بخشاینده

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز

لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَ

از برای من گناهان مرا و عیبهای مرا و بدکرداری مرا و ستمکاری مرا و گناه مرا و

إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ

زیاده روی مرا بر نفس خودم و روزی گردان مرا از فضل خودت و رحمت خودت

فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا

پس بدرستی که مالک نیست آن رحمت را غیر تو و درگذر از من و بیامرز برای من همه آنچه

سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ

گذشته است از گناهان من و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده است از عمر من و بپوشان

عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي

بر من و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خویشان من و اهل حزانه من

وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا

و هر کسی که بوده باشد از من براهی از مردان مؤمن و زنان مؤمنه در دنیا

وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

و آخرت پس بدرستی که اینها همه بدست تست و توئی واسع المغفرة

فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي

پس نومید مگردان مرا ای آقای من و رد مکن دعای مرا و باز مگردان دست مرا

إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا

بسوی گردن من تا آنکه بکنی آن را بمن و مستجاب کنی برای من همه آنچه

سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

سؤال کرده ام از تو و زیاده کردانی مرا از فضل خودت پس بدرستی که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ

بغایت توانائی و ما بسوی تو رغبت کننده ایم خداوندا از برای تست نامهای

الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ

و سؤال میکنم ترا بنام تو بنام خدای بسیار رحم کننده مهربان که اگر بوده باشی

خزانه کسی که عیال او در الگو کفایت کند او / غم ایشان بخورد و بکفایت ایشان / مشغول میکرده

فقضيت في هذه الليلة تنزل الملٰئكة والروح فيها
که حکم کرده باشی در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در زمره

السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین

واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به
و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن

قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي و
دل مرا و ایمانی که مخلوط نباشد بآن شکی و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و

آتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني
بده بمن در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار مرا

عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة
از عذاب آتش و اگر نبوده که حکم کرده باشی در این شب

تنزل الملٰئكة والروح فيها فأخرني الى ذلك
فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن پس تأخیر کن مرا بسوی آن

وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن
و روزی گردان مرا در آن شب یاد کردن تو و شکر گذاری تو و فرمانبرداری تو و نیکو کردن

عبادتك فصل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك
عبادت تو را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ببهترین رحمتهای تو

يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای یکتا ای مقصود در حوایج ای پروردگار محمد

اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم
غضب کن امروز برای خاطر محمد و برای خاطر نیکان اولاد او و بقتل رسان دشمنان ایشان را

بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض
جدا جدا و بشمار عدد ایشان را و وامگذار بر پشت زمین

منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة
از ایشان کسی را و نیامرز برای ایشان هرگز ای نیکو صحبت

يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديء
ای جانشین پیغمبران توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان ابتدا کننده

الرفيع البديع الذي ليس كمثلك شيء والدائم
رفیع الشان از نو پدید آورنده که نیست مانند مثل تو چیزی و دائمی

غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في
که غافل نمیشوی و توئی آن زنده که نمیمیرد تو در هر روزی در

شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد
کاری توئی جانشین محمد و نصرت کننده محمد و زیادتی دهنده محمد

مراد از حسنه
دنیا زن فاضله و باقی نعمتهای
دنیویست و مراد از حسنه آخرت بهشت
و نعمتهای آنست و در حدیثی وارد شده
آنکه حسنه دنیا زن عفیفه صالحه است
که مرد از دیدن او محظوظ باشد و مراد
از حسنه آخرت حور زنان بهشتست

یعنی جانشین پیغمبران که دوازده امامند
که دشمنان ایشان ظلمها
کردند با ایشان کرده اند

اَسْاَلُكَ اَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَآئِمَ
سؤال میکنم از تو اینکه نصرت دهی وصی محمد و جانشین محمد را برپا دارنده
بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِيَآءِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ
عدالت را از اوصیاء محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان باد
اِعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ بِحَقِّ لَآ اِلٰهَ
مایل کردان بر ایشان نصرت تو را ای خداوندی که نیست خدائی مکر تو بحق کلمه طیبه لا اله
اِلَّآ اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي
الا انت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ اَمْرِي اِلٰى غُفْرَانِكَ
دنیا و آخرت و بگردان عاقبت امر مرا بامرزش خودت
وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذٰلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ
و رحمت خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و چنین نسبت داده ذات خود را
يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ بَلٰى اِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ
ای آقای من بلطیف آری بدرستی که تو مهربانی پس رحمت بفرست بر محمد و
اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّالْطُفْ لِمَا تَشَآءُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ
آل محمد و مهربانی کن برای آنچه میخواهی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او
وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هٰذَا وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ
و روزی کن بمن حج و عمره را در سال ما این سال و احسان کن بر من

لطیف یعنی مهربان و مشفق است
و نسبت داد حق تعالی
ذات خود را بالطف و این یکی از لطف
و از جمله اوصاف خود را تنها عنه
حتی شمرده است

بجميع

بِجَمِيعِ حَوَآئِجِي لِلْاٰخِرَةِ وَالدُّنْيَا اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ
بهمه حاجتهای من برای آخرت و دنیا طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و
اَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
توبه میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من نزدیک اجابت کننده است طلب آمرزش میکنم خدا را
رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَّدُودٌ اَسْتَغْفِرُ
که پروردگار من است و توبه میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان بسیار دوست دارنده است طلب آمرزش میکنم
اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا اَللّٰهُمَّ
خدا را که پروردگار من است و توبه میکنم بسوی او بدرستی که او هست بسیار آمرزنده خداوندا
اغْفِرْ لِي اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمِلْتُ
بیامرز برای من بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی ای پروردگار من بدرستیکه من کرده ام
سُوٓءًا وَّظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
بدی را و ستم کرده ام بر نفس خود پس بیامرز برای من گناهان مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را
اِلَّآ اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ
مگر تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی مگر او زنده
الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ غَفَّارًا لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ
بخود برپای بردبار بزرگ صاحب کرم در حالتی که بسیار آمرزنده است گناه بزرگ را
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بعد از سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ
و توبه میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم خدا را بدرستی که خدا

كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا پس بگويد اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ
هست امرزنده مهربان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو اینکه
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْدِرُ مِنَ
رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی در آنچه تقدیر میکنی از
الْاَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
امر بزرگ محتوم در شب قدر از حکمی
الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
که رد کرده نمیشود و تبدیل کرده نمیشود اینکه بنویسی مرا از جمله حج کنندگان خانه
الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ
حرام تو که نیکو کرده شده باشد حج ایشان و جزای خیر داده شده باشد سعی ایشان و امرزیده شده باشد
ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ لِي
گناهان ایشان و پوشانیده شده باشد از ایشان گناهان ایشان و اینکه بگردانی برای من
فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي
در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی اینکه دراز کردانی عمر مرا و وسیع کردانی روزی مرا
وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي وَدَيْنِي اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
و ادا کنی از من امانت مرا و قرض مرا مستجاب کن ای پروردگار عالمیان
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ
خداوندا بگردان برای من گشایشی و بیرون شدنی و روزی ده مرا از جائی

مراد از امر عظیم محتوم [illegible]

مراد از خانه حرام کعبه معظمه است

اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ
گمان دارم و از جائی که گمان ندارم و محافظت کن مرا از راهی که
اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَرِسُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
محافظت خود میکنم و از راهی که محافظت خود نمیکنم و رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثِيرًا دعائی که از اول ماه مبارک رمضان تا
محمد و سلام فرست سلام بسیار اخر از هر شب خواندن آن سنت است
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ
خداوندا بدرستی که من ابتدا میکنم ستایش را بحمد تو و تو توفیق دهنده
لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ وَاَيْقَنْتُ بِاَنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
برای راستی و درستی بمنت خود یقین کرده ام باینکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی
فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي
در محل درگذشتن و رحمت و سخت ترین عذاب کنندگانی در
مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي
محل عذاب کردن و غضب و بزرگترین متجبرانی در
مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لِي
محل بزرگواری و عظمت خداوندا رخصت داده برای من
فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي وَ
در دعا کردن تو و سوال کردن از تو پس بشنو ای شنوا ستایش مرا و

دعای [illegible] ماه مبارک رمضان

اَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَاَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ
اجابت کن ای مهربان دعای مرا و درگذر ای بخشاینده لغزش مرا پس بسا
يَا اِلٰهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا
ای خدای من از اندوهی که بتحقیق که کشاده آنرا و غمهائی که بتحقیق که برطرف کرده اینها
وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَةِ
و لغزشی که بتحقیق درگذشته از آن و رحمتی که بتحقیق که پهن کرده آنرا و حلقه
بَلَاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
بلائی که بتحقیق که جدا کرده آنرا سپاس مر خدا یراست که فرا نگرفته است
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
زنی و نه فرزندی و نبوده است برای او شریکی در پادشاهی
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و نبوده است برای او دوستی از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی سپاس مر خدا یراست
بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلٰى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بهمه سپاسهای او همه آنها بر همه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدا یراست
الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي اَمْرِهِ
که نیست مخالفت کننده برای او در پادشاهی او و نیست نزاع کننده برای او در کار او
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شِبْهَ لَهُ
سپاس مر خدا یرا که نیست شریکی برای او در خلق او و نه شبیهی برای او

مراد از حلقه بلا بلائی است که
مانند حلقه آدمی را فرو گرفته و
بدور او ایکس کرده باشد

تکبیر یعنی گفتن الله اکبر است
و معنای آنست که معنای آن باشد که
تعظیم او با اظهار بزرگواری او بکن
تعظیم کردنی یعنی تعظیمی که هیچ تعظیم
بالاتر از آن نباشد
باشد چنانکه ...

فِي عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ
در بزرگی او سپاس مر خدا یراست که پهن است در میان خلایق فرمان او و سپاس او
الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذِي
ظاهر است بسبب کرم بزرگواری او کشاده است بجشش دست خود را آنخداوندی که
لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا
کم نمیشود خزانهای او و زیاد نمیکرداند او را بسیاری عطا مگر
كَرَمًا وَجُودًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
کرم و بخشش بدرستی که او اوست عزیز بسیار بخشنده خداوندا بدرستی که من
اَسْاَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ
سؤال میکنم از تو اندکی را از بسیار با آنکه احتیاج من بسوی آن عظیم است
وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ
و بی نیازی تو از آن قدیم است و حال آنکه آن نزد من بسیار است و آن بر تو
سَهْلٌ يَسِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ
سهل آسان است خداوندا بدرستی که عفو کردن تو از گناه من و تجاوز کردن تو
عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلٰى قَبِيحِ عَمَلِي
از خطای من و درگذشتن تو از ظلم کردن من و پوشانیدن تو بر عمل قبیح من
وَحِلْمَكَ عَنْ كَبِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي
و بردباری تو از گناه بزرگ من نزد آنچه بوده است از خطای من و تعمد کردن من

اطمعنی فی ان اسألك ما لا استوجبه منك الذی

بطمع انداخت مرا دلیری بر آنکه سؤال کنم از تو چیزی را که مستحق نیستم آنرا از تو که

رزقنی من رحمتك و اریتنی من قدرتك و عرفتنی

روزی کرده مرا از رحمت خودت و نموده بمن از قدرت خودت و شناسانیده بمن

من اجابتك فصرت ادعوك امنا و اسألك مستأنسا

از اجابت کردن خودت پس گردیده ام بحالی که دعا میکنم ترا در حالتی که ایمن بوده و سؤال میکنم ترا در حالتی که انس گیرنده

لا خائفا و لا وجلا مدلا علیك فیما قصدت فیه

نه خوف دارنده ام و نه ترسان نازکننده ام بر تو در آنچه قصد کرده ام در آن

الیك فان ابطا عنی عتبت بجهلی علیك و لعل

بسوی تو پس اگر دیر شود بر من عتاب میکنم بسبب نادانی خودم بر تو و شاید

الذی ابطا عنی هو خیر لی لعلمك بعاقبة الامور

که آنچه دیر شده است از من آن بهتر باشد برای من بسبب علم تو بعاقبت کارها

فلم ار مولی کریما اصبر علی عبد لئیم منك علی

پس ندیده ام آقای صاحب کرمی را صبر کننده تر بر بنده دنی از تو بر من

یا رب انك تدعونی فاولی عنك و تتحبب الی

ای پروردگار من بدرستی که تو میخوانی مرا پس رو میگردانم از تو و دوستی میکنی تو بسوی من

فاتبغض الیك و تتودد الی فلا اقبل منك کان لی التطول علیك ثم

پس دشمنی میکنم بسوی تو و بجا مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا که احسان برای من بر تو هست پس

لم یمنعك ذلك من الرحمة لی و الاحسان الی و

مانع نشده است ترا این از رحمت کردن برای من و احسان نمودن بسوی من و

التفضل علی بجودك و کرمك فارحم عبدك

تفضل کردن بر من بسبب بخشش تو و کرم تو پس رحم کن بنده

الجاهل وجد علیه بفضل احسانك انك جواد

نادان خود را و بخشش کن بر او بزیادتی احسان خودت بدرستی که تو بخشنده

کریم الحمد لله مالك الملك مجری الفلك مسخر

صاحب کرمی سپاس مر خدا را است که صاحب پادشاهی است جاری کننده کشتیها است تسخیر کننده

الریاح فالق الاصباح دیان الدین رب العالمین

بادها است شکافنده صبح است جزا دهنده روز جزا است پروردگار عالمیان است

الحمد لله علی حلمه بعد علمه و الحمد لله علی عفوه

سپاس مر خدا را است بر بردباری او بعد از دانائی او و سپاس مر خدا راست بر عفو او

بعد قدرته و الحمد لله علی طول اناته فی غضبه

بعد از قدرت او و سپاس مر خدا راست بر درازی زمان حلم او در حال غضب او

و هو القادر علی ما یرید الحمد لله خالق الخلق

و اوست قادر بر آنچه اراده میکند سپاس مر خدا راست که آفریننده خلایق است

و باسط الرزق ذی الجلال و الاکرام و الفضل

و پهن کننده روزی است صاحب بزرگی و گرامی داشتن و تفضل

وَالْإِحْسَانِ الَّذِي بَعُدَ فَلَا يُرَىٰ وَقَرُبَ فَشَهِدَ

واحسان است آن خداوندی که دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس حاضر است

النَّجْوَىٰ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ

سرگوشی را مبارک است و بلند مرتبه است سپاس مر خدا را است که نیست برای او

مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ

نزاع کننده که برابری کند با او و نه مانندی که شرکت کند با او و نه معاونی

يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ

که اعانت کند او را غلبه کرده است بعزت خود بر عزیزان و فروتنی کرده اند برای عظمت او

الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

صاحبان عظمت پس رسیده است بسبب قدرت خود بانچه میخواهد سپاس مر خدا را است که

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ

اجابت میکند مرا هنگامی که ندا میکنم او را و میپوشاند بر من هر عیبی را در حالی که من معصیت او میکنم

وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ

و عظیم میکرداند نعمت را بر من پس تدارک نمیکنم او را پس بسا از بخشش گوارای

قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ

که بتحقیق که عطا کرده است بمن و بلیه عظیم ترسیده شده که بتحقیق که کفایت کرده است مرا و خوشحالی

مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَ

خوش آینده که بتحقیق که نموده است بمن پس ستایش میکنم برو در حالی که حمد کننده ام و

اذکره

أَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَ

یاد میکنم او را در حالی که تسبیح کننده ام سپاس مر خدا را است که دریده نمیشود پرده او و

لَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ

بسته نمیشود در او و رد کرده نمیشود سؤال کننده او و نومید کرده نمیشود

آمِلُهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي

امید دارنده او سپاس مر خدا را است که ایمن میکرداند خوف کنندگان را و نجات میدهد

الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ

صالحان را و بلند میکرداند ضعیف شمرده شدگان را و پست میکند تکبر ورزندگان را

وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمِ

و هلاک مینماید پادشاهان را و جانشین ایشان میکرداند دیگران را سپاس از برای خدا است شکننده

الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّلَمَةِ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ

جباران است هلاک کننده ظالمان است دریابنده گریختگان است عذاب کننده

الظَّالِمِينَ صَرِيخِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ

ستمکاران است فریادرس طلب فریادرسی کنندگان است جایگاه حاجتهای طلب کنندگان است

وَمُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ

و محل اعتماد مؤمنان است سپاس مر خدا را است که از هراس او بلرزه در آورده میشود

السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمَّارُهَا وَتَمُوجُ

آسمان و ساکنان آن و بلرزه در میآید زمین و ساکنان آن و موج میزند

اَلْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ

دریاها و کسی که شناوری میکند در گردابهای آنها سپاس از برای خدا که خلق میکند و

يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ

خلق کرده نشده است و روزی میدهد و روزی داده نمیشود و اطعام میکند و اطعام کرده نمیشود

وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ

و میمیراند زندگان را و زنده میکرداند مردگان را و او زنده ایست که نمیمیرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

بدست اوست خوبی و او بر هر چیزی بغایت توانا است خداوندا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَ

بر محمد که بنده تو و رسول تو و امانت دار تست و برگزیده تو و

حَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ

دوست تو و انتخاب کرده شده تواست از میان مخلوقات تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده

رِسَالَاتِكَ اَفْضَلَ وَاَحْسَنَ وَاَكْمَلَ وَاَجْمَلَ وَ

پیغامهای تست رحمتی که فاضلتر و بهتر و کاملتر و نیکوتر و

اَزْكٰى وَاَنْمٰى وَاَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَسْنٰى وَاَكْثَرَ

پاکیزه تر و زیاده شونده تر و خوشتر و پاک تر و روشن تر و بزرگتر باشد

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ

از آنچه رحمت فرستاده و برکت فرستاده و ترحم کرده و مهربانی نموده و سلام فرستاده

عَلٰى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ

بر یکی از بندگان خودت و پیغمبران خودت و رسولان خودت و برگزیدگان خودت

مِنْ خَلْقِكَ وَاَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى

از خلق خودت و اهل کرامت بر تو خداوندا و رحمت بفرست بر

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى

سرکرده مؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان و رحمت بفرست بر

الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

صدیقه پاک از گناهان یعنی فاطمه زهرا بزرگ زنان

الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلٰى سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاِمَامَيِ الْهُدٰى

عالمیان و رحمت بفرست بر دو نواده پیغمبر رحمت و دو پیشوای هدایت

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ

یعنی حسن و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست

عَلٰى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجِكَ عَلٰى عِبَادِكَ وَاُمَنَائِكَ

بر پیشوایان مسلمانان و حجتهای تو بر بندگان تو و امانت داران تو

فِي بِلَادِكَ صَلٰوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى

در شهرهای تو رحمتی که بسیار و همیشه باشد خداوندا و رحمت بفرست

وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

صاحب اختیار کار تو که برپاست و امیدواری شده است و بسیار عادل انتظار کشیده شده است

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسٰى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِي

علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و فرزند هادی مهدی

احففه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا

فرو گیر اورا بفرشتگان مقرب خود وتقویت کن اورا بروح القدس ای

رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك

پروردگار عالمیان خداوندا بگردان اورا دعوت کننده مردم بسوی کتاب تو

والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت

وبرپای دارنده دین تو خلیفه گردان اورا در زمین چنانکه خلیفه گردانیده

الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له

جماعتی راکه پیش از و بوده اند ممکن گردان برای او دین اورا انچنان دینی که پسندیده از برای او

ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك

بدل کن اورا از بعد خوف او ایمنی که عبادت کند تورا وشریک نسازد با تو

شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر

چیزی را خداوندا عزیز گردان اورا وعزیز گردان بسبب او ونصرت ده اورا وانتقام بکش

به انصره نصرا عزيزا اللهم اظهر به دينك و

باو نصرت ده اورا نصرتی که غلبه کننده باشد خداوندا ظاهر ساز بسبب او دین خودرا و

سنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة

سنت پیغمبر خودرا تا آنکه مخفی نگرداند چیزی از حق را بجهت ترسیدن

احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة

از کسی از خلق خداوندا بدرستی که ما رغبت میکنیم بسوی تو در دولت گرامی

تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق و

عزیز گردانی بسبب آن دولت اسلام را واهل اسلام را وخوار گردانی بسبب آن نفاق را و

اهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك و

اهل نفاق را وبگردانی مارا در آن دولت از دعوت کنندگان بسوی فرمانبرداری تو و

القادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا

کشانندگان بسوی راه حق تو وروزی ما گردانی بسبب آن دولت گرامی بودن دنیا

والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه

وآخرت را خداوندا آنچه شناسانیده بما از حق پس متحمل آن گردان ما را

وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا

وآنچه ما کوتاهی کرده ایم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع کن بسبب او پراکندگی ما را

واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر

وفراهم آور بسبب او شکافتگی از ما را وپیوسته گردان بسبب او جدا گشته ما را وبسیار کن

به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا

بسبب او کمی ما را وعزیز گردان بسبب او خواری ما را وبی نیاز گردان بسبب او عیالمند ما را

واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد

وادا کن بسبب او از قرض ما وتدارک کن بسبب او بیچیزی ما را وسد کردان

به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا و

بسبب او احتیاج ما را وآسان گردان بسبب او دشواری ما را وسفید گردان بسبب او روهای ما را و

فك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به

خلاص کردان بسبب او گرفتاری ما را و برآور بسبب او مطلب ما را و بعمل آور بسبب او

مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به

وعدهای ما را و مستجاب کردان بسبب او دعای ما را و عطا کن ما را بسبب او

فوق رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين

بالاتر از خواهش ما را ای بهترین سؤال کرده شدگان و وسعت داربرین عطا کنندگان

اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا

شفا ده بسبب او سینهای ما را و برطرف کن بسبب او کینه دلهای ما را

واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك

و هدایت کن ما را بسبب او برای آنچه اختلاف کرده شده است در آن از حق برخصت خودت

انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا

بدرستی که تو هدایت میکنی هر کسی را که میخواهی بسوی راه راست و نصرت ده ما را

على عدوك وعدونا اله الحق امين اللهم

بر دشمن تو و دشمن ما ای خداوند خلق مستجاب کن خداوندا

انا نشكوا اليك فقد نبينا وغيبة امامنا

بدرستی که ما شکوه میکنیم بسوی تو از نبودن پیغمبر ما و غایب بودن امام ما

وكثرة عدونا وشدة الفتن وتظاهر الزمان

و بسیاری دشمن ما و سخت بودن فتنها و تظاهر زمانه

علينا فصل على محمد وال محمد واعنا على ذلك بفتح

بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و اعانت کن ما را بر آن بکشایشی

تعجله وضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان

که تعجیل کنی آن را و بضرری که برطرف کنی آن را و نصرتی که غالب کنی آن را و پادشاه

حق تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية

حقی که ظاهر کردانی او را و رحمتی از جانب خودت که فرو گیری ما را بآن و عافیتی

منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين دعا كه در سحر هر شب ماه

از جانب خودت که بپوشانی آن را بما برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مبارک رمضان خوانده میشود

يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي و

ای تهیهٔ من در حال مشقت من و ای رفیق من در حال سختی من و

يا وليي في نعمتي ويا غياثي في رغبتي انت

ای صاحب من در نعمت من و ای فریادرس من در رغبت من توئی

الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي

پوشاننده عیب من و امان دهنده ترس من و در گذرنده لغزش من

فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسالك خشوع

پس بیامرز برای من گناه مرا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو فروتنی

الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد

ایمان را پیش از فروتنی خواری در آتش ای یگانه

علينا

صمد بمعنی مطاع و بزرگی که بلند مرتبه
باشد و بعضی گفته‌اند که صمد بزرگی است
که بجود بر پا و فنا از غیر باشد و بعضی
گفته‌اند کسی که هرچه اراده کند بعمل آید
و بعضی گفته‌اند که موجود شود و بعضی بیان فرموده‌اند
از غیر موجود است و هم در بعضی
بر آمده است و بعضی اخبار است که بر خود آمد
و ثابت است و وجود حق تعالی استحکام
از اسباب بعض و ستی ... است

يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

ای یکتا ای مقصود در حاجتها ای کسی که نزاییده است و زاییده نشده است و نیست

لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يَا مَنْ يُعْطِى مَنْ سَاَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ

برای او همتا کسی ای آنکسی که عطا میکند بهر کسی که سؤال کرده است او را از روی مهربانی از او و

رَحْمَةً وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْاَلْهُ تَفَضُّلًا مِنْهُ

رحمت و ابتدا میکند به نیکی کسی را که سؤال نکرده باشد او را از روی تفضل از او

وَكَرَمًا بِكَرَمِكَ الدَّآئِمِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ

و از روی کرم بسبب کرم دائمی خودت رحمت فرست بر محمد و اهل

بَيْتِهِ وَهَبْ لِى رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً اَبْلُغُ بِهَا

بیت او و ببخش بمن رحمتی وسیع جمع کننده که برسم بسبب آن در خیر

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا

بخیر دنیا و آخرت خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم تو را برای گناهی

تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَاَسْتَغْفِرُكَ

توبه کرده ام بسوی تو از آن بعد از آن عود کرده ام در آن و طلب آمرزش میکنم تو را

لِكُلِّ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِى فِيهِ مَا لَيْسَ

برای هر چیزی که اراده کرده ام بآن ذات تو را پس مخلوط شده است مرا در آن چیزی که نبوده است

لَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنْ ظُلْمِى

برای تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و در گذر از ستمکاری من

وَجُرْمِى بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ

و گناه من بسبب بردباری خودت و بخشش خودت ای صاحب کرم ای کسی که نومید نمیشود

سَآئِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَآئِلُهُ يَا مَنْ عَلَا فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ

سؤال کننده او و آخر نمیشود عطای او ای کسی که بلند است پس نیست چیزی بالاتر از او

وَدَنَا فَلَا شَيْءَ دُونَهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

و نزدیک است پس نیست چیزی نزدیک تر از او رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْنِى يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسٰى اَللَّيْلَةَ اَللَّيْلَةَ اَللَّيْلَةَ

و رحم کن مرا ای شکافنده دریا برای موسی درین شب درین شب درین شب

اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِى

درین ساعت درین ساعت درین ساعت خداوندا پاک گردان دل مرا

مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِى مِنَ الرِّيَآءِ وَلِسَانِى مِنَ الْكَذِبِ

از نفاق و عمل مرا از ریا و زبان مرا از دروغ

وَعَيْنِى مِنَ الْخِيَانَةِ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَآئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا

و چشم مرا از خیانت پس بدرستی که تو میدانی خیانت چشمها را و آنچه را

تُخْفِى الصُّدُورُ يَا رَبِّ هٰذَا مَقَامُ الْعَآئِذِ بِكَ

پنهان میکند سینها ای پروردگار من اینجاست جای پناه آورنده بتو

مِنَ النَّارِ هٰذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ هٰذَا

از آتش اینجاست جای پناه جوینده بتو از آتش اینجاست

مَقَامُ الْمُسْتَغِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ هٰذَا مَقَامُ الْهَارِبِ
جای طلب فریاد رسی کننده بتو از آتش اینست جای گریزنده
اِلَيْكَ مِنَ النَّارِ هٰذَا مَقَامُ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ وَ
بسوی تو از آتش اینجاست جای کسی که بازگردد برای تو بخطای خود و
يَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَيَتُوبُ اِلٰى رَبِّهِ هٰذَا مَقَامُ الْبَائِسِ
اعتراف نماید بگناه خود و توبه کند بسوی پروردگار خود اینجاست جای بیچاره محتاج
الْفَقِيرِ هٰذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ هٰذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ
بی چیز اینجاست جای خوف دارنده پناه جوینده اینجاست جای اندوهناک
الْمَكْرُوبِ هٰذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ الْمَغْمُومِ هٰذَا مَقَامُ
مشقت رسیده شده اینجاست جای اندوهناک غمگین اینجاست جای
الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ هٰذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِقِ هٰذَا
غریب غرق شده اینجاست جای وحشت دارنده ترسان اینجاست
مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِهَمِّهِ مُفَرِّجًا
جای کسی که نمی یابد برای گناه خود آمرزنده غیر تو و نه برای اندوه خود کشاینده
سِوَاكَ يَا اَللّٰهُ يَا كَرِيمُ لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ
غیر تو ای الله ای صاحب کرم مسوزان روی مرا با آتش
بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ
بعد از سجده کردن من برای تو و بخاک مالیدن من روی خود را بدون منتی از من بر تو

بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنُّ وَالتَّفَضُّلُ عَلَيَّ اِرْحَمْ
بلکه برای تست سپاس و منت و تفضل بر من رحم کن
اَيْ رَبِّ اَيْ رَبِّ اَيْ رَبِّ وَاَنْقَذَ اَيْ رَبِّ اَبْكُوبِهِ
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من که نفس منقطع شود بعد از آن بگوید
ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَتَبَدُّدَ
ناتوانی مرا و کمی چاره مرا و نازک بودن پوست مرا و متفرق بودن
اَوْصَالِي وَتَنَاثُرَ لَحْمِي وَجِسْمِي وَجَسَدِي وَوَحْدَتِي
پیوندهای مرا و پراکندگی گوشت من و جسم من و بدن مرا و تنهائی مرا
وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ
و وحشت مرا در قبر من و بیتابی مرا از بلای خورد
اَسْاَلُكَ يَا رَبِّ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَالْاِغْتِبَاطَ يَوْمَ
سؤال میکنم از تو ای پروردگار من سردی چشم و خوشحالی را در روز
الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ بَيِّضْ وَجْهِي يَا رَبِّ يَوْمَ تَسْوَدُّ
حسرت و پشیمانی سفید گردان روی مرا ای پروردگار من در روزی که سیاه میشود
الْوُجُوهُ اٰمِنِّي مِنَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ اَسْاَلُكَ الْبُشْرٰى
روها ایمن گردان مرا از ترس بزرگتر سؤال میکنم از تو خبر شادی
يَوْمَ تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْاَبْصَارُ وَالْبُشْرٰى عِنْدَ
روزی را که مضطرب میشوند در آن روز دلها و چشمها و خبر شادی را نزد

فِرَاقِ الدُّنْيَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَرْجُوْهُ عَوْنًا فِیْ

مفارقت کردن از دنیا سپاس مر خدا راست کہ امید دارم از و یاری کردن را در

حَیٰوتِیْ وَ اُعِدُّهُ ذُخْرًا لِیَوْمِ وَفَاتِیْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

زندگی من و مہیا میسازم او را ذخیرہ برای روز احتیاج خود م سپاس مر خدا راست

الَّذِیْ اَدْعُوْهُ وَ لَا اَدْعُوْ غَیْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَیْرَهُ

کہ میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر خوانده بودم غیر او را

لَخَیَّبَ دُعَآئِیْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَرْجُوْهُ وَ لَا اَرْجُوْ

هر آینہ نومید کرده بود دعا مرا سپاس مر خدا راست کہ امید میدارم از و و امید نمیدارم

غَیْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَیْرَهُ لَاَخْلَفَ رَجَآئِیْ اَلْحَمْدُ

از غیر او و اگر امید داشتم از غیر او هر آینہ بعمل نیاورده بود امید مرا سپاس

لِلّٰهِ الْمُنْعِمِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ ذِی الْجَلَالِ وَ

مر خدا راست کہ نعمت دهنده احسان کننده نیکی کننده انعام کننده صاحب بزرگی و

الْاِکْرَامِ وَلِیِّ کُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبِ کُلِّ حَسَنَةٍ وَ

گرامی داشتن است صاحب اختیار هر نعمتی و صاحب هر نیکی و

مُنْتَهٰی کُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِیْ کُلِّ حَاجَةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

منتہای هر رغبتی و بر آورنده هر حاجتی است خداوندا رحمت بفرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِیْ الْیَقِیْنَ وَحُسْنَ الظَّنِّ

بر محمد و آل محمد و روزی کن بمن یقین و نیکی گمان

بک

بِکَ وَ اَثْبِتْ رَجَآءَکَ فِیْ قَلْبِیْ وَ اقْطَعْ رَجَآئِیْ عَمَّنْ

بتو را و ثابت گردان امید داشتن از تو را در دل من و قطع کن امید مرا از کسی

سِوَاکَ حَتّٰی لَا اَرْجُوْ غَیْرَکَ وَ لَا اَثِقُ اِلَّا بِکَ یَا

کہ غیر تست تا آنکہ امید نداشتہ باشم از غیر تو و اعتماد نداشتہ باشم مگر بتو ای

لَطِیْفًا لِمَا تَشَآءُ اُلْطُفْ لِیْ فِیْ جَمِیْعِ اَحْوَالِیْ بِمَا

مہربان بآنچہ میخواهی مہربانی کن برای من در همہ احوال من بآنچہ

تُحِبُّ وَتَرْضٰی یَا رَبِّ اِنِّیْ ضَعِیْفٌ عَلَی النَّارِ فَلَا

دوست میداری و خوشنود میگردی ای پروردگار من بدرستیکہ من ناتوانم بر آتش پس

تُعَذِّبْنِیْ بِالنَّارِ یَا رَبِّ ارْحَمْ دُعَآئِیْ وَتَضَرُّعِیْ

عذاب مکن مرا بآتش ای پروردگار من رحم کن دعای مرا و زاری مرا

وَخَوْفِیْ وَ ذُلِّیْ وَمَسْکَنَتِیْ وَ تَعَوُّذِیْ وَتَلَوُّذِیْ

و ترسیدن مرا و خواری مرا و افتادگی مرا و پناه آوردن مرا و عجز کردن مرا

یَا رَبِّ اِنِّیْ ضَعِیْفٌ عَنْ طَلَبِ الدُّنْیَا وَ اَنْتَ وَاسِعٌ

ای پروردگار من بدرستیکہ من ناتوانم از طلب کردن دنیا و توهستی صاحب توسع

کَرِیْمٌ اَسْئَلُکَ یَا رَبِّ بِقُوَّتِکَ عَلٰی ذٰلِکَ وَقُدْرَتِکَ

و کرم سوال میکنم ترا ای پروردگار من بتوانائی تو بر آن و قدرت تو

عَلَیْهِ وَغِنَاکَ عَنْهُ وَحَاجَتِیْ اِلَیْهِ اَنْ تَرْزُقَنِیْ

بر آن و بی نیازی تو از آن و محتاج بودن من بسوی آن اینکہ روزی کنی مرا

فی عامی هذا وشهری ویومی وساعتی هذه رزقا
در سال من این سال وماه من وروز من وساعت من این ساعت روزی
تغنینی به عن تکلف ما فی ایدی الناس من
که غنی سازی مرا بسبب آن از مشقت آنچه در دستهای مردمان است از
رزقک الحلال الطیب ای رب منک اطلب و الیک
روزی تو که حلال پاکیزه است ای پروردگار من از تو طلب میکنم و بسوی تو
ارغب وایاک ارجو وانت اهل ذلک لا ارجو
رغبت مینمایم و تو را امید دارم و تو سزاوار این هستی امید وار نیستم
غیرک ولا اثق الا بک یا ارحم الراحمین ای
از غیر تو و اعتماد ندارم مگر بتو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای
رب ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی وعافنی
پروردگار من ستم کرده ام بر نفس خود پس بیامرز از برای من و رحم کن مرا و عافیت ده مرا
یا سامع کل صوت ویا جامع کل فوت ویا باری
ای شنونده هر صدائی و ای جمع کننده هر فوت شده و ای آفریننده
النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات و
نفسها بعد از مردن ای آنکسی که فرو نمیگیرد او را تاریکیها و
لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا یشغله شیء
مشتبه نمیشود بر او صداها ای آنکسی که مشغول نمیسازد او را چیزی

عن شیء اعط محمدا صلی الله علیه واله افضل
از چیزی عطا کن محمد را که رحمت فرستد خدا بر او و آل او بهترین
ما سألک وافضل ما سئلت له وافضل ما انت
آنچه سوال کرده است تو را و بهترین آنچه سؤال کرده شده برای او و بهترین آنچه تو
مسئول له الی یوم القیمة وهب لی العافیة
سؤال کرده خواهی شد برای او تا روز قیامت و ببخش برای من عافیت را
حتی تهنئنی المعیشة واختم لی بخیر حتی لا تضرنی
تا آنکه گوارا گردانی بمن زندگانی را و ختم کن برای من بخیر تا آنکه ضرر نرساند بمن
الذنوب اللهم رضنی بما قسمت لی حتی لا اسأل
گناهان خداوندا راضی گردان مرا با آنچه قسمت کرده برای من تا آنکه سؤال نکنم
احدا شیئا اللهم صل علی محمد وال محمد وافتح
از کسی چیزی را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشای
لی خزائن رحمتک ارحمنی رحمة لا تعذبنی
از برای من خزانهای رحمت خودت را رحم کن مرا رحمتی که عذاب نکنی مرا
بعدها ابدا فی الدنیا والاخرة وارزقنی من
بعد از آن رحمت هرگز در دنیا و آخرت و روزی کن مرا از
فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا لا تفقرنی الی
فضل وسیع خودت روزی حلال پاکیزه که محتاج نسازی مرا بسوی

أَحَدٍ سِوَاكَ تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْراً وَ إِلَيْكَ فَاقَةً وَ

کسی بعد از آن غیر خود نه در حالی که زیاد کرداند مرا بسبب آن از جهت شکر گذاری و بسوی خود از جهت فقر

فَقْراً وَ بِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَ تَعَفُّفاً يَا مُحْسِنُ يَا

احتیاج و بسبب تو از کسی که غیر تست از جهت بی نیازی و تعفف ای احسان کننده ای

مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مَلِيكُ يَا مُقْتَدِرُ صَلِّ

نیکی کننده ای نعمت دهنده ای تفضل کننده ای پادشاه ای بغایت توانا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْفِنِي الْمُهِمَّ كُلَّهُ وَ اقْضِ

بر محمد و آل محمد و کفایت کن برای من آنچه مهم است همه آنرا و حکم کن

لِي بِالْحُسْنَى وَ بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ اقْضِ لِي

برای من به نیکوئی و مبارک گردان برای من در همه کارهای من و بر آور برای من

جَمِيعَ حَوَائِجِي اَللَّهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ تَعَسُّرَهُ فَإِنَّ

همه حاجتهای مرا خداوندا آسان گردان برای من آنچه را که میترسم دشوار کردن آنرا پس بدرستی

تَيْسِيرَ مَا أَخَافُ تَعَسُّرَهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ سَهِّلْ لِي مَا

که آسان کردانیدن آنچه میترسم دشوار کردن آنرا بر تو آسان است و هموار کردان برای من آنچه را

أَخَافُ حُزُونَتَهُ وَ نَفِّسْ عَنِّي مَا أَخَافُ ضِيقَهُ وَ كُفَّ

که میترسم ناهمواری آنرا و برطرف کن از من آنچه را که میترسم تنگی آنرا و کفایت کن

عَنِّي مَا أَخَافُ غَمَّهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مَا أَخَافُ

از من آنچه را که میترسم غم آنرا و باز کردان از من آنچه را که میترسم

بَلِيَّتَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبّاً

بلیه آنرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا پر کن دل مرا از دوستی

لَكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ إِيمَاناً بِكَ

برای تو و ترس از تو و تصدیق کردن بکتاب تو و ایمان داشتن بتو

وَ فَرَقاً مِنْكَ وَ شَوْقاً إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

و ترسیدن از تو و شوق داشتن بسوی تو ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن

اَللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ قِبَلِي حُقُوقاً فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ وَ لِلنَّاسِ

خداوندا بدرستی که از برای تو نزد من حقی چند هست پس تصدق کن بآنها بر من و از برای مردمان

قِبَلِي تَبِعَاتٌ فَتَحَمَّلْهَا عَنِّي وَ قَدْ أَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ

نزد من مظلمها هست پس بردار آنها را از من و بتحقیق که واجب کردانیده از برای هر مهمانی

قِرًى وَ أَنَا ضَيْفُكَ فَاجْعَلْ قِرَايَ اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ

ضیافتی و من مهمان توام پس بگردان ضیافت مرا درین شب بهشت

يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ وَ لَا حَوْلَ وَ

ای بسیار بخشنده بهشت ای بسیار بخشنده آمرزش نیست توانائی و

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ ادعیه شبهای دهه آخر ماه مبارک رمضان

نیروئی مگر بتو دعای شب اول از دهه آخر

يَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَ يَا مُولِجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ

ای داخل کننده شب در روز و ای داخل کننده روز در شب

مُخرِجَ الحَيِّ مِنَ المَيِّتِ وَمُخرِجَ المَيِّتِ مِنَ الحَيِّ يا رازِقَ
بیرون آورنده زنده از مرده وبیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده
مَن يَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ يا اَللهُ يا رَحمٰنُ يا رَحِيمُ يا
هر کسی را که میخواهد بی حساب ای الله ای بخشاینده ای مهربان ای
اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الاَسماءُ الحُسنىٰ وَالاَمثالُ
الله ای الله ای الله برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای
العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ اَسأَلُكَ اَن تُصَلِّيَ
بلندتر و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ اَهلِ بَيتِهِ وَاَن تَجعَلَ اسمي
بر محمد و آل محمد و بر اهل بیت او و اینکه بگردانی نام مرا
فِي هٰذِهِ اللَّيلَةِ مِنَ السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ
در این شب از جمله نیکبختان و روح مرا با شهیدان
وَاِحساني في عِلِّيِّينَ وَاِساءَتي مَغفُورَةً وَاَن تَهَبَ
و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی
لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبي وَاِيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنّي
بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من
وَتُرضِيَني بِما قَسَمتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَ
و راضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه و

دعای شب بیست و دویم

فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ ذاتِ الحَرِيقِ وَارزُقني
در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده و روزی کن بمن
فِيها ذِكرَكَ وَشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ اِلَيكَ وَالاِنابَةَ
در این شب یاد کردن تو و شکرگذاری تو را و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت
وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ
و توفیق دادن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که بر او
وَعَلَيهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و سیم یا سالِخَ النَّهارِ مِنَ
و برایشان باد سلام ای کشنده روز از
اللَّيلِ فَاِذا نَحنُ مُظلِمُونَ وَمُجرِيَ الشَّمسِ لِمُستَقَرِّها
روی شب پس ناگاه ما در آینده ایم در تاریکی و جاری کرداننده آفتاب برای قرارگاه آن
بِتَقدِيرِكَ يا عَزِيزُ يا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ القَمَرِ مَنازِلَ
بسبب تقدیر خود ای عزیز ای دانا و ای تقدیر کننده ماه در منزلها
حَتّىٰ عادَ كَالعُرجُونِ القَدِيمِ يا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ
تا وقتی که کرد ید مانند شاخ خرمای کج شده شش ماهه ای روشنی دهنده هر روشنی و
مُنتَهىٰ كُلِّ رَغبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعمَةٍ يا رَحمٰنُ يا اَللهُ
منتهای هر رغبتی و صاحب هر نعمتی ای بخشاینده ای الله
يا قُدُّوسُ يا اَحَدُ يا واحِدُ يا فَردُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا
ای بنیاد پاک ای یکتا ای یگانه ای تنها ای خدا ای خدا ای

اللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ
خدا برای تست نامهای نیکوتر ومثلهای بلندتر وبزرگواری

وَالْاٰلٰآءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ
ونعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد وبر اهل

بَيْتِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَآءِ
بیتاو و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان

وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ وَاِسَآءَتِيْ
وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا در علیین وبدکرداری مرا

مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا
آمرزیده شده واینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا وایمانی

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّيْ وَتُرْضِيَنِيْ بِمَا قَسَمْتَ لِيْ وَاٰتِنَا
که ببرد شک را از من وراضی گردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من وبده ما را

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ
در دنیا حسنه ودر آخرت حسنه ونگاهدار ما را از عذاب

النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيْقِ وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
آتش سوزاننده وروزی کن بمن در این شب یاد کردن تو وشکرگذاری تو

وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيْقَ
ورغبت کردن بسوی تو وبازگشت نمودن وتوبه کردن وتوفیق یافتن

دعای شب بیست و سیم

لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که براو وبر ایشان باد سلام

دعای شب بیست و سیم از ماه يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ
ای پروردگار شب قدر وگرداننده آن بهتر از

اَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَ
هزار ماه وپروردگار شب وروز وکوهها ودریاها و

الظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ يَا بَارِئُ يَا
تاریکیها وروشنیها وزمین وآسمان ای آفریننده ای

مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا قَيُّوْمُ يَا
صورت بخشنده ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای خدا ای بخشاینده ای بخود برپا ای

اَللّٰهُ يَا بَدِيْعُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى
خدا ای نوپدید آورنده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْاٰلَآءُ اَسْئَلُكَ
ومثلهای بلندتر وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَآءِ وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ
شب در زمرهٔ نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا

فِی عِلِّیِّینَ وَاِسَاءَتِی مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً تُبَاشِرُ
درْ علیین وبدکرداری مرا آمرزیده شده واینکه بجشی بمن یقینی که مباشر شوی
بِهِ قَلْبِی وَاِیمَاناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّی وَتُرْضِیَنِی بِمَا
بان دل مرا وایمانی که ببرد شک را ازمن وراضی کردانی مرا باچه
قَسَمْتَ لِی وَآتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً
قسمت کرده برای من وبده بما در دنیا حسنه ودر آخرت حسنه
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الْحَرِیقِ وَارْزُقْنِی فِیهَا شُکْرَکَ
ونکاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده وروزی کن بمن درین شب شکرکذاری تو
وَذِکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
ویاد کردن تو را ورغبت کردن بسوی تو وبازکشت نمودن وتوبه کردن
وَالتَّوْفِیقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ
وتوفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که برو وبرایشان باد سلام
محمد بن عیسی باسناد خود از حضرات ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم
روایت کرده است که در شب بیست وسیم ماه مبارک رمضان این دعا
را مکرر بخوان خواه در سجده باشی وخواه ایستاده وخواه نشسته
وبرهر حال که باشی ودر همه اوقات ماه مبارک رمضان ودر هر
وقت دیکر نیز که بیاد تو آید وترا ممکن شود این دعا را مکرر بخوان

وَدُعَا اینست که اول حمد الهی بکن وصلوة بر حضرت رسول
خدا وآل او صلوات الله علیهم بفرست بعد از آن بکو
اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ فِی هٰذِهِ السَّاعَةِ
خداوندا بوده باش از برای دوست خودت حجت پسر حسن در این ساعت
وَفِی کُلِّ سَاعَةٍ وَلِیّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَ
ودر هر ساعتی دوست ونکاه دارنده وکشاننده ونصرت کننده و
دَلِیلاً وَعَیْناً حَتّٰی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ
راه نماینده وچشم تا آنکه جای دهی او را در زمین خودت از روی خواهش وبهره مند کردانی او را
فِیهَا طَوِیلاً دعای شب بیست وچهارم از دایم یَا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلَ
در آن زمانی دراز ای شکافنده صبح وکردانندهٔ
اللَّیْلِ سَکَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَاناً یَا عَزِیزُ یَا عَلِیمُ
شب را چیزی که بآن آرام کیرند وآفتاب وماه را حسابی ای غالب ای دانا
یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ
ای صاحب نعمت واحسان وقوت وتوانائی وتفضل وانعام
ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللّٰهُ یَا فَرْدُ یَا
صاحب بزرکی وکرامی داشتن ای الله ای بخشاینده ای الله ای یکانه ای
وِتْرُ یَا اَللّٰهُ یَا ظَاهِرُ یَا بَاطِنُ یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
ای یکتا ای خدا ای ظاهر ای باطن ای زنده نیست خدائی مکر تو

دعای شب بیست وچهارم

لَكَ الأَسْمَاءُ الحُسْنَى وَالأَمْثَالُ العُلْيَا وَالكِبْرِيَاءُ
برای تُست نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری
وَالآلاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمّد و آل محمّد و اینکه
تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي
بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا
مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً
با شهیدان و نیکی مرا در علّیّین و بدکرداری مرا آمرزیده شده
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ
و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد
الشَّكَّ عَنِّي وَرِضاً بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
شک را از من و رضامندی را بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه
وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الحَرِيقِ
و در آخرت حسنه و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزانشده
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو و شکرگذاری تورا و رغبت کردن بسوی تو
وَالإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ
و باز گشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن برای آنچه توفیق داده برای آن محمّد و

آل

آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ **دعای شب بیست و ششم** يَا جَاعِلَ
آل محمّد را که بر او و بر ایشان باد سلام ای گردانندهٔ
اللَّيْلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ مَعَاشاً وَالأَرْضِ مِهَاداً وَالجِبَالِ
شب را پوشش و روز را وقت زیستن و زمین را فراش و کوهها را
أَوْتَاداً يَا اللهُ يَا قَاهِرُ يَا اللهُ يَا جَبَّارُ يَا اللهُ يَا سَمِيعُ
میخها ای الله ای قهر نماینده ای الله ای جبّار ای الله ای شنوا
يَا اللهُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الأَسْمَاءُ
ای خدا ای نزدیک ای اجابت کننده ای الله ای الله ای الله برای تست نامهای
الحُسْنَى وَالأَمْثَالُ العُلْيَا وَالكِبْرِيَاءُ وَالآلاءُ
نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَ
سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمّد و آل محمّد و اهل بیت او و
أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي
اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا
مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً
با شهیدان و نیکی مرا در علّیّین و بدکرداری مرا آمرزیده شده
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ
و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

دعای شب بیست و پنجم

عنی و رضا بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی

از من و رضا مندی را بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه و در

الآخرة حسنة و قنا عذاب النار ذات الحریق و ارزقنی

آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده و روزی کن بمن

فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة

درین شب یاد کردن تو و شکر گذاری تو را و رغبت کردن بسوی تو و باز گشت نمودن

و التوبة و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد

و توبه کردن و توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را

علیه و علیهم السلام **دعا شب ششم از دهه آخر** یا جاعل اللیل

که بر او و بر ایشان باد سلام ای گردانندهٔ شب

دعای شب بیست و ششم

و النهار آیتین یا من محی آیة اللیل و جعل آیة النهار

و روز دو علامت ای آنکسی که محو کرده است علامت شب را و گردانیده است علامت روز را

مبصرة لیبتغوا فضلا منه و رضوانا یا مفصل کل شیء

روشن تا اینکه طلب کنند رحمت او را از او و خوشنودی را ای تفصیل کننده هر چیز

تفصیلا یا ماجد یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا

تفصیل کردنی ای بزرگ ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای

الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا

خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر

والکبریاء

و الکبریاء و الآلاء اسألک ان تصلی علی محمد و آل

و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء

محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان

و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی

و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا

مغفورة و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا

آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی

یذهب الشک عنی و ترضینی بما قسمت لی و آتنا

که ببرد شک را از من و راضی گردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما

فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب

در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب

النار ذات الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک

آتش سوزاننده و روزی کن بمن درین شب یاد کردن تو و شکر گذاری تو را

و الرغبة الیک و الانابة و التوبة و التوفیق لما

و رغبت کردن بسوی تو و باز گشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن را برای آنچه

وفقت له محمدا و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که رحمت فرستد خدا بر او و آل او و سلام فرستد

دعای شب بیست وهفتم

دعای شب هفتم از دهم یا مادّ الظلّ ولو شئت لجعلته ساکنا

ای کشاننده سایه و اگر خواسته بودی هرآینه کرده بودی آنرا ساکن

وجعلت الشمس علیه دلیلا ثمّ قبضته الیک

و گردانیدی آفتاب را بر آن سایه دلیلی پس فرا گرفتی آن سایه را بسوی خودت

قبضا یسیرا یا ذا الجود والطول والکبریاء والآلاء

فرا گرفتنی آسانی ای صاحب بخشش و انعام و بزرگواری و نعمتها

لا اله الّا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن

نیست خدائی مگر تو دانای غیب و شهادت بخشاینده

الرحیم لا اله الّا انت یا قدّوس یا سلام یا مؤمن

مهربان نیست خدائی مگر تو ای بسیار پاک ای سلام ای امان دهنده

یا مهیمن یا عزیز یا جبّار یا متکبّر یا الله یا

ای حفظ کننده ای غالب ای جبّار ای متکبّر ای خدا ای

خالق یا باری یا مصوّر یا الله یا الله یا الله لک

خلق کننده ای آفریننده ای صورت بخشنده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست

الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء و

نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و

الآلاء اسالک ان تصلّی علی محمّد وعلی اهل بیته

نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمّد و بر اهل بیتش

وان

وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی

و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا

مع الشهداء واحسانی فی علّیّین واسائتی مغفورة

با شهیدان و نیکی مرا در علّیّین و بدکرداری مرا آمرزیده شده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب

و اینکه بخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد

الشکّ عنّی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی

شک را از من و راضی کردانی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده بما در

الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب

دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب

النار ذات الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک

آتش سوزاننده و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو و شکر گذاری تو را

والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق

و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن را

لما وفّقت له محمّدا وآل محمّد صلّی الله علیه واله

برای آنچه توفیق داده برای آن محمّد و آل محمّد را که رحمت فرستد خدا بر او و آل او

وسلّم دعای شب هشتم از دهم آخر یا خازن اللیل فی الهواء

و سلام فرستد ای ضبط کننده شب در هوا

دعای شب بیست وهشتم

وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّماءِ وَمانِعَ السَّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى

وضبط کننده روشنی در آسمان ومنع کننده آسمان از اینکه بیفتد بر

الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا يا عَلِيمُ

زمین مگر برخصت او ونگاه دارنده آسمان وزمین اینکه بر طرف شوند ای دانا

يا غَفُورُ يا حَلِيمُ يا دائِمُ يا اَللهُ يا وارِثُ يا باعِثَ

ای بسیار آمرزنده ای بردبار ای همیشه ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزاننده

مَنْ فِي الْقُبُورِ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ

هر که در قبرهاست ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای

الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

نیکو و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها

اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی

اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ

نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان

وَاِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِساءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ

ونیکی مرا در علیین وبدکرداری مرا آمرزیده شده واینکه

تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا وایمانی که ببرد شک را

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً

از من وراضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من وبده بما در دنیا حسنه

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ ذاتِ الْحَرِيقِ

ودر آخرت حسنه ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده

وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

وروزی کن بمن در این شب یاد کردن تو وشکرگذاری تو را ورغبت کردن بسوی تو

وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً

وبازگشت نمودن وتوبه کردن وتوفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دعاء شب نهم از دهه آخر

وآل محمد را که رحمت فرستد خدا برو وآل او وسلام فرستد

دعای شب بیست و نهم

يا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهارِ وَمُكَوِّرَ النَّهارِ عَلَى اللَّيْلِ

ای پوشاننده شب بر روز وپوشاننده روز بر شب

يا عَلِيمُ يا حَكِيمُ يا رَبَّ الْاَرْبابِ وَسَيِّدَ السّاداتِ

ای دانا ای درست کردار ای پرورده کار همه پروردگان وبزرگ همه بزرگان

لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ يا اَقْرَبَ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يا

نیست خدائی مگر تو ای نزدیکتر بسوی من از رگ گردن ای

اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ

خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر ومثلهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى
بلندتر و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر
مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِيْ
محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در
السُّعَدَآءِ وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ
زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین
وَاِسَاءَتِيْ مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ
و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی بمن یقینی که مباشر شوی بان
قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّيْ وَتُرْضِيَنِيْ بِمَا قَسَمْتَ
دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و راضی کردانی مرا بانچه قسمت کرده
لِيْ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّ
برای من و بده بما در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و
قِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيْقِ وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَ
نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان شده و روزی کن بمن درین شب یاد کردن تو و
شُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَ
شکرگذاری تورا و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن و
التَّوْفِيْقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
توفیق یافتن را برای انچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که رحمت کند خدا برو و

دعاء شب سیم

اٰلِهٖ وَسَلَّمَ دعاء شب دهم از دهه آخر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيْكَ لَهٗ
آل او و سلام فرستد سپاس مر خدا راست که نیست شریکی برای او
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِيْ لِكَرَمِ وَجْهِهٖ وَعِزِّ جَلَالِهٖ وَكَمَا
سپاس مر خدا راست چنانکه سزاوار است برای کریم بودن ذات او و عزت بزرگواری او و چنانکه
هُوَ اَهْلُهٗ يَا قُدُّوْسُ يَا نُوْرُ يَا نُوْرُ يَا قُدُّوْسُ يَا
او لایق است ای بغایت پاک ای نور ای نور ای بسیار پاک ای
سُبُّوْحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيْحِ يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا
بسیار تسبیح کرده شده ای منتهای تسبیح ای بخشاینده ای کننده رحمت ای
اَللّٰهُ يَا عَلِيْمُ يَا كَبِيْرُ يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيْفُ يَا جَلِيْلُ يَا سَمِيْعُ
خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگ ای شنونده
يَا بَصِيْرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَ
ای بیننده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکو تر و
الْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ
مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب
فِي السُّعَدَآءِ وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ
در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین

وَاِساءَ فی مغفورةً وان تهب لی یقیناً تباشر به

وبد کرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن

قلبی وایماناً یذهب الشکّ عنّی وترضینی بما قسمت

دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و راضی کردان مرا بآنچه قسمت کرده

لی وآتنا فی الدنیا حسنةً وفی الآخرة حسنةً

برای من و بده بما در دنیا حسنه و در آخرت حسنه

وقنا عذاب النار ذات الحریق وارزقنی فیها ذکرک

و نگاه دار مرا از عذاب آتش سوزان شده و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو

وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة و

و شکر گذاری ترا و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن و

التوفیق لما وفّقت له محمّداً وآل محمّد صلوات الله

توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که رحمتهای خدا

علیه وعلیهم وسلامه **وداع ماه مبارک رمضان شب آخر**

بر او و بر ایشان باد و سلام او این ماه این دعاء وداع را بخوان

اللّهمّ انّک قلت فی کتابک المنزل علی لسان

خداوندا بدرستی که تو گفته در کتاب فرو فرستاده خودت بر زبان

نبیّک المرسل علیه السلام وقولک حقّ شهر رمضان

پیغمبر مرسل خودت بر او باد سلام و فرموده تو حق است ماه رمضانی

دعای وداع ماه مبارک رمضان

الّذی انزل فیه القرآن هدیً للناس وبیّنات

که فرو فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که هدایت است برای مردمان و دلیلهای واضح

من الهدی والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرّم

از هدایت و جدا کردن حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق که بآخر رسید

فأسألک بوجهک الکریم وکلماتک التامّة ان

پس سؤال میکنم ترا بحق ذات تو که کریم است و کلمهای تو که تمام است که اگر

کان بقی علیّ ذنب لم تغفره لی او ترید ان تعذّبنی

باقیمانده چنین که بآمرزیده باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی از برای من یا اراده داشته باشی که عذاب کنی مرا

علیه او تقایسنی به ان یطلع فجر هذه اللیلة او

بر آن گناه یا مقایسه کنی مرا بآن اینکه طلوع کند صبح این شب یا

ینصرم هذا الشهر الّا وقد غفرته لی یا

بآخر رسد این ماه مگر و بتحقیق که آمرزیده باشی آنرا برای من ای

ارحم الرّاحمین اللّهمّ لک الحمد بمحامدک کلّها

رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا برای تست ستایش بستایشهای تو همه آنها

اوّلها وآخرها ما قلت لنفسک منها وما قال

اول آنها و آخر آنها آنچه تو گفته برای ذات خودت از آنها و آنچه گفته اند

لک الخلائق الحامدون المجتهدون المعدّدون

برای تو خلایق ستایش کنندگان سعی کنندگان شمارندگان

المؤثرون في ذكرك وشكرك الذين اعنتهم
اختیار کنندگان در ذکر تو و شکر کردن برای تو آنچنانکه اعانت کردی ایشانرا
على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة
بر اداکردن حق تو از اقسام خلق تو از فرشتگان
المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين
مقرب و پیغمبران و رسولان و اقسام سخن گویندگان
المسبحين لك من جميع العالمين على انك قد بلغتنا
تسبیح کنندگان برای تو از همه عالمیان بر اینکه تو بتحقیق که رسانیدی مارا
شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل
بماه رمضان و حال آنکه بود بر ما از نعمتهای تو و بود نزد ما از قسمهای
قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك فبذلك لك
بسیار تو و احسان تو و پی در پی بودن انعام تو پس بسبب این برای تست
منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد
منتهای ستایش همیشه دایمی ثابت پیوسته ابدی
الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا
که آخر نشود در درازی روزگار بزرگ است ستایش تو اعانت کردی مارا
عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة
بر آن تا آنکه ادا کردی از ما روزه آنرا و ایستادن در آنرا از نماز

وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله
و آنچه صادر شد از ما در آن ماه از نیکی یا شکری یا ذکری خداوندا پس قبول کن آنرا
منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك
از ما به نیکوترین قبول خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود
وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه
و آمرزیدن خود و اصل خوشنودی خود تا آنکه فیروزی دهی مارا در آن
بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتؤمننا
بهر خیر طلب کرده شده و بسیار از عطای بخشیده شده و ایمن گردانی مارا
فيه من كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني
در آن از هر چیز ترسیده شده و گناه کسب کرده شده خداوندا بدرستی که من
اسألك بعظيم ما سألك احد من خلقك من كريم
سؤال میکنم ترا بحق عظیم آنچه سؤال کرده است ترا کسی از خلق تو از شریف
اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي
نامهای تو و ستایش بسیار تو و دعای مخصوص بتو اینکه رحمت بفرستی
على محمد وال محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی ماه مارا این ماه بزرگترین ماه
رمضان مر علينا مذ انزلتنا الى الدنيا بركة في
رمضانی که گذشته است بر ما از آن زمانی که فرستاده مارا بسوی دنیا از راه برکت در

عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتَشْفِيعِي فِي
نگاه داشتن دین من وخلاص کردن نفس من وبرآوردن حاجت من وقبول کردن شفاعت من در
مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ
مطالب من وتمام کردن نعمت بر من وباز گردانیدن بدی از من ولباس
الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ
تندرستی برای من واینکه بگردانی مرا برحمت خودت از کسانی که جمع کرده باشی برای ایشان
لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي
فضیلت شب قدر را وگردانیده باشی آن شب را برای ایشان بهتر از هزار ماه در
أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ
مزد بزرگتر واندوختهای نفیس وعمر دراز وشکر
الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ
نیکو وآسانی دایمی خداوندا وسؤال میکنم ترا برحمت تو
وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ
واحسان تو وعفو تو ونعمتهای تو وبزرگواری تو واحسان قدیم تو
وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ
ونعمت دادن تو اینکه نگردانی این ماه را آخرین برخوردی از ما بماه رمضان
حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ
تا اینکه برسانی ما را بآن از سال آینده بر نیکوترین حالی وبشناسانی بمن هلال آنرا

مَعَ النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَ
با نظر کنندگان بسوی آن وجویندگان برای آن در کاملترین عافیت تو و
أَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَأَجْزَلِ قِسْمِكَ اللَّهُمَّ يَا
تمامترین نعمت تو ووسیعترین رحمت تو وبیشترین قسمتهای تو خداوندا ای
رَبِّيَ الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعُ
پروردگار من که نیست برای من پروردگاری غیر او نبوده باشد این وداع
مِنِّي وَدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقَاءِ حَتَّى
از من وداع فانی شدنی ونه آخرین برخوردی از ملاقات ماه رمضان تا اینکه
تُرِيَنِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَسْبَغِ النِّعَمِ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ
بنمائی آنماه را بمن از سال آینده در کاملترین نعمتها و بهترین امید
وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
وحال آنکه من بوده باشم برای تو بر نیکوترین وفا کردنی بدرستی که تو شنونده دعائی
اللَّهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ
خداوندا بشنو دعای مرا ورحم کن زاری مرا وفروتنی کردن مرا برای تو
وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا أَرْجُو
وافتادگی مرا وتوکل کردن مرا بر تو ومن از برای تو اطاعت کننده ام امید ندارم
نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ
رستگاری را ونه عافیتی را ونه مشرف گردانیدنی را ونه رسانیدنی را مگر بسبب تو

وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ
وَاز جانب تو پس منت گذار بر من بزرگ گشت ستايش تو و پاك گشت نامهاى تو
بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَاَنَا مُعَافًى مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ وَمَكْرُوهٍ
برسانيدن من بماه رمضان وحال آنكه من معاف باشم از هر بدى و ناخوشى
وَمَحْذُورٍ مِنْ جَمِيعِ الْبَوَآئِقِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا
و حذر كرده شده از همه هلاك كنندها سپاس مر خدا راست كه اعانت كرد ما را
عَلٰى صِيَامِ هٰذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتّٰى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ
بر روزه داشتن اين ماه و ايستادن در اين ماه تا رسانيد ما را باخر شبى
مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ وَاَرْضٰى
از ان خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم ترا بدوسترين انچه دعا كرده شده و پسنديده ترين
مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ
چيزى كه خوشنود گشته به ان از محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و سلام فرستد
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وِدَاعِي شَهْرَ
اينكه رحمت بفرستى بر محمد و آل محمد و نگردانى وداع كردن من ماه
رَمَضَانَ وِدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وِدَاعَ اٰخِرِ
رمضان را وداع بيرون رفتن من از دنيا و نه وداع آخرين
عِبَادَتِي فِيهِ وَلَا اٰخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ
عبادت كردن من در ماه و نه آخرين روزه داشتن من براى تو و روزى كن مرا عود كردن

فيه

فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي
در ماه پس عود كردن در اين ماه برحمت خودت اى دوست دارنده مؤمنان و توفيق ده مرا
فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ
در اين ماه از براى شب قدر و بگردان انرا براى من بهتر از هزار ماه
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا
اى پروردگار عالميان اى پروردگار شب قدر و گرداننده ان
خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَ
بهتر از هزار ماه اى پروردگار شب و روز و كوهها و
الْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ يَا بَارِئُ
درياها و تاريكيها و روشنيها و زمين و آسمان اى آفريننده
يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ
اى صورت بخشنده اى بسيار مهربان اى بسيار نعمت دهنده اى خدا اى بخشاينده اى مهربان
يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا
اى بجود برپا اى نو پديد آورنده براى تست نامهاى نيكوتر و مثلهاى بلندتر
وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْاٰلَآءُ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ
و بزرگوارى و نعمتها سؤال ميكنم ترا بنام تو بنام خداى
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ
بخشاينده مهربان اينكه رحمت بفرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بگردانى

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اى رحم كننده ترين رحم كنندگان

اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء

نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان

واحسانی فی علیین واساءتی مغفورة وان تهب لی

و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی بمن

یقینا تباشر به قلبی وایمانا لا یشوبه شک ورضا

یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که مخلوط نشود بآن شکی و خوشنودی

بما قسمت لی وان تؤتینی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة

بآنچه قسمت کرده برای من و اینکه عطا کنی بمن در دنیا حسنه و در آخرت

حسنة وان تقینی عذاب النار اللهم اجعل فیما

حسنه و اینکه نگاه داری مرا از عذاب آتش خداوندا بگردان در میان آنچه

تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر

حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر محتوم و در میان آنچه جدا میکنی از امر

الحکیم فی لیلة القدر فی القضاء الذی لا یرد و

محکم در شب قدر در میان حکمی که باز گردانیده نمیشود

لا یبدل ولا یغیر ان تکتبنی من حجاج بیتک

تبدیل کرده نمیشود و تغییر داده نمیشود اینکه بنویسی مرا از جملهٔ حج کنندگان خانهٔ

الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور

حرام تو که نیکو کرده شده باشد حج ایشان جزای خیر داده شده باشد سعی ایشان آمرزیده شده باشد

ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی و

گناه ایشان کفاره داده شده باشد از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در میان آنچه حکم میکنی و

تقدر ان تعتق رقبتی من النار یا ارحم الراحمین

تقدیر میکنی اینکه آزاد کردانی گردن مرا از آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم انی اسألک ولم یسئل العباد مثلک جودا و

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا و سؤال نکرده اند بندگان کسی را مثل تو از راه بخشش و

کرما وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت

کرم و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی کسی که مثل تو باشد تو

موضع مسألة السآئلین ومنتهی رغبة الراغبین

هستی موضع سؤال سؤال کنندگان و منتهای رغبت رغبت کنندگان

اسألک باعظم المسآئل کلها وافضلها وانجحها

سؤال میکنم ترا ببزرگترین سؤالها همهٔ آنها و بهترین آنها و برآمده ترین آنها

التی ینبغی للعباد ان یسألوک بها یا الله یا رحمن

آنچنان سؤالها که سزاوار است برای بندگان اینکه سؤال کنند ترا بآنها ای الله ای بخشاینده

وباسمآئک ما علمت منها وما لم اعلم وباسمآئک

و بنامهای تو آنچه را دانستم از آنها و آنچه ندانستم و بنامهای

الحسنی وامثالک العلیا وبنعمک التی لا تحصی و

نیکوتر تو و مثلهای بلندتر تو و بنعمتهای تو که شمرده نمیتواند شد و

بِاَكْرَمِ اَسْمَآئِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا

بگرامی ترین نامهای تو بر تو و دوست ترین آنها بسوی تو و شریفترین آنها

عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيْلَةً وَاَجْزَلِهَا

نزد تو از جهت منزلت و نزدیکترین آنها از تو بجهت مرتبه و وافرترین آنها

مِنْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا لَدَيْكَ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ

از جانب تو بجهت ثواب و زودترین آنها نزد تو از راه اجابت و بنام تو

الْمَكْنُوْنِ الْمَخْزُوْنِ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ الْاَكْبَرِ الْاَجَلِّ

که پنهان کرده شده خزانه گذاشته شده زنده بخود برپای بزرگتر بزرگوارتری است

اَلَّذِيْ تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى بِهٖ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهٖ

که دوست میداری او را و میخواهی او را و خوشنود میگردی بسبب آن از کسی که بخواند ترا بآن

وَتَسْتَجِيْبُ لَهٗ دُعَآءَهٗ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَلَّا تُخَيِّبَ سَآئِلَكَ

و مستجاب میکنی برای او دعای او را و لازم است بر تو اینکه نومید نگردانی سوال کننده خود را

وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيْلِ

و سوال میکنم ترا بهر نامی که آن از برای تست در توریة و انجیل

وَالزَّبُوْرِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهٖ حَمَلَةُ

و زبور و فرقان و بهر نامی که خوانده اند ترا بآن بردارندگان

عَرْشِكَ وَمَلٰٓئِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيْعُ الْاَصْنَافِ مِنْ

عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه اقسام از

خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ اَوْ صِدِّيْقٍ اَوْ شَهِيْدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِيْنَ

مخلوقات تو از پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان

اِلَيْكَ الْفَرِقِيْنَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِيْنَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِيْ

بسوی تو که ترسندگانند از تو پناه آورندگانند بتو و بحق مجاوران

بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِيْنَ وَمُقَرَّبِيْنَ وَمُقَدَّسِيْنَ

خانه حرام تو که حج کنندگان و عمره بجای آورندگان و نزدیکان و مقدسان اند

وَالْمُجَاهِدِيْنَ فِيْ سَبِيْلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ

و بحق جهاد کنندگان در راه تو و بحق هر بنده عبادت کننده برای تو

فِيْ بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوْكَ دُعَآءَ مَنْ

در صحرا یا دریا یا بیابان یا کوه دعا میکنم تو را دعای کسی

قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهٗ وَكَثُرَتْ ذُنُوْبُهٗ وَعَظُمَ

که بتحقیق که شدید باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و عظیم باشد

جُرْمُهٗ وَضَعُفَ كَدْحُهٗ دُعَآءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهٖ

تقصیر او و ضعیف باشد سعی او دعای کسی که نیابد برای نفس خود

سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهٖ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهٖ غَافِرًا غَيْرَكَ

سد کننده و نه از برای ناتوانی خود معتمدی و نه از برای گناه خود آمرزنده غیر تو

هَارِبًا اِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

در حالتی که گریزنده ام بسوی تو پناه آورنده ام بتو عبادت کننده ام برای تو سرباز زننده ام

وَلا مُسْتَكْبِرٍ خائِفاً بائِساً فَقيراً مُسْتَجيراً بِكَ اَسْأَلُكَ

ونه تكبر كننده ام بلكه ترسانم بيناوا محتاج پناه جوينده ام بتو سؤال ميكنم تورا

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطانِكَ وَبِمُلْكِكَ

بعزت تو وعظمت وقهر تو وسلطنت تو وبپادشاهى تو

وَبَهائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِآلائِكَ وَحُسْنِكَ

وبحسن تو وبخشش تو وكرم تو وبنعمتهاى تو وحسن تو

وَجَمالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلى ما اَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَدْعُوكَ

وجمال تو وبتوانائى تو بر انچه اراده داشته از خلق خودت دعا ميكنم تورا

يا رَبِّ خَوْفاً وَطَمَعاً وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعاً وَ

اى پروردگار من از روى خوف وطمع وترس ورغبت وفروتنى و

تَمَلُّقاً وَتَضَرُّعاً وَاِلْحافاً وَاِلْحاحاً خاضِعاً لَكَ لا

تملق وزارى ومبالغه والحاح درحالى كه فروتنى كننده ام از براى تو نيست

اِلهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ يا قُدُّوسُ يا

خدائى مگر تو يگانه تو نيست شريكى براى تو اى بسيار پاك اى

قُدُّوسُ يا قُدُّوسُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا رَحْمنُ يا

بسيار پاك اى بسيار پاك اى خدا اى خدا اى بخشاينده اى

رَحْمنُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَبُّ يا رَبُّ

بخشاينده اى مهربان اى مهربان اى پروردگار اى پروردگار

يا رَبِّ اَعُوذُ بِكَ يا اَللهُ اَلْواحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ

اى پروردگار پناه ميبرم بتو اى خداى يكتاى يگانه مقصود در حاجتها

اَلْوِتْرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعالُ وَاَسْأَلُكَ بِجَميعِ ما دَعَوْتُكَ

طاق بزرگوار بلند مرتبه وسؤال ميكنم تورا بهمه انچه خوانده ام تورا

بِهِ وَبِاَسْمائِكَ الَّتى تَمْلَأُ اَرْكانَكَ كُلَّها اَنْ تُصَلِّيَ

بان وبنامهاى تو كه پر ميكند اطراف تورا همه انها را اينكه رحمت بفرستى

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَاَوْسِعْ

بر محمد وآل محمد وبيامرز براى من ورحم كن مرا و وسعت ده

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظيمِ وَتَقَبَّلْ مِنّي شَهْرَ رَمَضانَ وَ

بر من از انعام بزرگ خودت وقبول كن از من ماه رمضان را و

صِيامَهُ وَقِيامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوافِلَهُ وَاغْفِرْ لي وَ

روزه انرا وايستادن در انرا وواجبانرا وسنتهاى انرا و بيامرز براى من و

ارْحَمْني وَاعْفُ عَنّي وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضانَ

رحم كن مرا ودر گذر از من ومگردان اينماه را اخرين ماه رمضانى

صُمْتُهُ لَكَ وَعَبَدْتُكَ فيهِ وَلا تَجْعَلْ وَداعي اِيّاهُ

كه روزه داشته باشم انرا از براى تو وعبادت كرده باشم ترا در ان ومگردان وداع كردن من اينماه را

وَداعَ خُرُوجي مِنَ الدُّنْيا اَللّهُمَّ اَوْجِبْ لي مِنْ رَحْمَتِكَ

وداع بيرون رفتن من از دنيا خداوندا واجب گردان از براى من از رحمت خود

وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ
و آمرزش خودت و خوشنودی خودت و هراس از خودت بهترین آنچه عطا کرده
اَحَدًا مِنْ عَبِيدِكَ فِيهِ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ
یکی از کسانی که عبادت کرده اند ترا در این ماه خداوندا مگردان مرا زیان کارترین
مَنْ سَاَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا
کسی که سؤال کرده باشد ترا در اینماه و بگردان مرا از کسانی که آزاد کرده باشی ایشانرا در این
الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ
ماه از آتش و آمرزیده باشی برای ایشان آنچه پیش بوده است از گناه ایشان
وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَ
و آنچه آخر بوده است و واجب کردانیده باشی برای ایشان بهترین آنچه امید وار بوده اند از تو
اَمَلَهُ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ
آرزو نموده اند از تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا روزی کن مرا عود کردن
فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ
در روزه اینماه برای تو و عبادت کردن تو در اینماه و بگردان مرا از کسانی که نوشته باشی ایشانرا
فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ
در این ماه از حج کنندگان خانهٔ حرام تو که نیکو کردانیده باشد حج ایشان
الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذَنْبُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ اٰمِينَ
آمرزیده شده است برای ایشان گناه ایشان قبول کرده شده است عمل ایشان خداوندا مستجاب کن خداوندا مستجاب کن

اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ
خداوندا مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا وامگذار برای من در اینماه
ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا
گناهی را مگر آنکه آمرزیده باشی آنرا و نه خطائی را مگر آنکه برطرف کرده باشی آنرا و نه
عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً
لغزشی را مگر آنکه در گذشته باشی از آن و نه قرضی را مگر آنکه ادا کرده باشی آنرا و نه بی چیزی را
اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً اِلَّا
مگر آنکه بی نیاز کرده باشی آنرا و نه غمی را مگر آنکه برطرف کرده باشی آنرا و نه احتیاجی را مگر
سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرَضًا اِلَّا
سد کرده باشی آنرا و نه برهنگی را مگر که پوشانیده باشی آنرا و نه بیماری را مگر که
شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ
شفا داده باشی او را و نه دردی را مگر که برده باشی آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِي وَرَجَائِي
دنیا و آخرت مگر که بر آورده باشی آنرا بر بهترین آرزوهای من و امیدهای من
فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
در باب تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا میل مفرمای دلهای ما را بعد از آنکه
اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا
هدایت کرده باشی ما را و ذلیل مگردان ما را بعد از آنکه عزیز کردانیده باشی ما را و پست مکن ما را

یعنی نیست نباشی که محتاج او ازان احتیاج را
و بدارد آن اهل الانجن تعمو که کرده باشی
کردیکه مرا احتیاج بغیر تو نباشد

بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا
بعد از انکه بلند کرده باشی مارا و خوار مکن مارا بعد از انکه گرامی داشته باشی مارا و فقیر مکن مارا
بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا
بعد از انکه غنی گردانیده مارا و منع مکن مارا بعد از انکه عطا کرده باشی بما
وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ
و محروم مگردان مارا بعد از انکه روزی داده مارا و تغییر مده چیزی را از
نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا
نعمتهای خودت بر ما و احسان خودت بسوی ما برای چیزی که واقع شده است که از گناهان ما
وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ
و نه برای انچه آن واقع خواهد شد از ما پس بدرستی که در کرم تو و عفو تو
وَفَضْلِكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ
و فضل تو وسعتی هست برای آمرزیدن گناهان ما پس بیامرز برای ما و در گذر
عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
از ما و عذاب مکن مارا بر انها برحمت خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِينُنِي
خداوندا گرامی دار مرا در این مجلس من گرامی داشتنی که خوار نسازی مرا
بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا
بعد از ان هرگز و بلند گردان مرا بلند گردانیدنی که پست نکنی مرا بعد از ان

اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ اَبَدًا وَعَافِنِي
هرگز و عزیز گردان مرا بعزتی که ذلیل نگردانی مرا بعد از ان هرگز و عافیت ده مرا
عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي
عافیتی که مبتلا نسازی مرا بعد از ان هرگز و باز گردان از من
شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ
شر هر شیطان سرکشی را و شر هر جبار عناد ورزنده را و شر
كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ
هر نزدیکی یا دوری را و شر هر خوردی یا بزرگی را و شر هر
دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ
جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر انرا بدرستی که پروردگار من بر راه
مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ
راست است خداوندا انچه بوده باشد در دل من از شکی یا ریبی
اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ
یا انکاری یا نومیدی از رحمت یا خوشحالی یا نازیدنی یا نشاطی یا طغیانی یا تفاخری
اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ
یا تکبری یا ریائی یا سمعه یا شقاقی یا نفاقی
اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ
یا کفری یا دروغ گفتنی یا معصیتی یا چیزی که دوست نداری

شقاق بمعنی نزاع نمودن و مخالفت کردن [illegible]

عَلَیهِ وَلِیّاً لَکَ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِی وَتُبَدِّلَنِی
بر آن حال دوستی برای خود پس سؤال میکنم ترا اینکه محو کنی آنرا از دل من و تبدیل کنی مرا
مَکَانَهُ اِیمَاناً بِکَ وَرِضًا بِقَضَائِکَ وَوَفَاءً بِعَهْدِکَ
بجای آن ایمانی بتو و خوشنودی بحکم تو و وفا کردن بپیمان تو
وَوَجَلاً مِنْکَ وَزُهْداً فِی الدُّنْیَا وَرَغْبَةً فِیمَا
و ترس از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت کردن در آنچه
عِنْدَکَ وَثِقَةً بِکَ وَطُمَأْنِینَةً اِلَیْکَ وَتَوْبَةً
نزد تست و اعتماد کردن بتو و آرام گرفتن بسوی تو و توبه
نَصُوحاً اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلاَّ فَاَخِّرْ
نصوحی بسوی تو خداوندا اگر بوده باشی که برسانی ما را بان و اگر نه پس تاخیر کن
اَجَالَنَا اِلَی قَابِلٍ حَتَّی تُبَلِّغَنَاهُ فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَ
اجلهای ما را بسال آینده تا اگر برسانی ما را بان در آسانی از جانب تو و
عَافِیَةٍ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ
عافیتی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد
وَآلِهِ کَثِیراً وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
و آل او بسیار و رحمت خدا و برکتهای او
تهلیلی که در دهه اول ماه ذی الحجه خوانده میشود مرویست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه در هر روز از روزهای

میخواند و میفرمود که هر که
ابن تهلیل را

تهلیل دهه اول ماه
ذی الحجه

دهه اول ماه ذی الحجه این تهلیل را در آن ده روز بخواند بعدد هر مرتبه
که لا اله الا الله را گفته است حق تعالی عطا میکند باو در بهشت درجه
از مروارید و یاقوت و ما بین هر درجه صد ساله راه است برای سواری کرم
شده و در هر درجه شهریست و در آن قصریست از جوهر و تهلیل اینست
لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِی وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ
نیست خدائی مگر الله بعدد شبها و روزگارها نیست خدائی مگر الله
عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا
بعدد موجهای دریاها نیست خدائی مگر الله و رحمت او بهتر است از آنچه
یَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْکِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ
جمع میکنند نیست خدائی مگر الله بعدد خارها و درختان نیست خدائی
اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ
مگر الله بعدد موها و کرکها نیست خدائی مگر الله بعدد
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ لَا اِلٰهَ
سنگها و کلوخها نیست خدائی مگر الله بعدد قطرهای باران نیست خدائی
اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ فِی اللَّیْلِ
مگر الله بعدد نظر کردن چشمها نیست خدائی مگر الله در شب
اِذَا عَسْعَسَ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ فِی الصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا
هرگاه تاریک شود نیست خدائی مگر الله در صبح هرگاه نفس کشد نیست

إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا

خدائی مگر الله بعدد بادها در صحراها و سنگها نیست

إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ

خدائی مگر الله از این روز تا روزی که دمیده شود در صور

دعای روز اول ماه ذی الحجة این دعا را از اول ماه ذی الحجه تا شام روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و بعد از نماز شام باید خواند

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا

خداوندا این روزها است که زیادتی داده آنها را بر همه روزها و شریف کرده آنها را

وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا فِيهَا

و بتحقیق که رسانیدی مرا بآنها بنعمت خود و رحمت خود پس فرود آور بر ما در آنها

مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اَللّٰهُمَّ

از برکتهای خودت و وسیع گردان بر ما در آنها از نعمتهای خودت خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِيَنَا

بدرستی که من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه هدایت کنی ما را

فِيهَا لِسَبِيلِ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ

در آنها از برای راه هدایت و روزی کنی بما در آنها پرهیزکاری و عفت و دنیا

وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ إِنِّي

و توانگری را و عمل کردن را در آنها بآنچه دوست میداری و خوشنود میشوی خداوندا بدرستی که من

أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا

سؤال میکنم ترا ای محل هر شکایتی و ای شنونده هر رازی و ای

شَاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

حاضر در نزد هر جمعیتی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَ

محمد و آل محمد و اینکه بر طرف کنی از ما در آنها بلا را و

تَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا

مستجاب گردانی برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را و اعانت کنی ما را و توفیق دهی ما را

فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا

در آنها برای آنچه دوست میداری ای پروردگار ما و خوشنود میشوی و بر آنچه واجب کرده بر ما

مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ وِلَايَتِكَ

از اطاعت تو و اطاعت رسول تو و آنهائی که اهلیت صاحب اختیاری دارند از جانب تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را ای بسیار رحم کننده ای مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی برای ما در آنها خوشنودی را

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنْزِلُ فِيهَا

بدرستی که تو شنونده دعائی و محروم مگردان ما را از خیر آنچه فرود می آید در آنها

مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا فِيهَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ

از آسمان و پاک کردان ما را در آنها از گناهان ای بسیار دانای غیبها

وَاَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و واجب کردان از برای ما در آنها خانهٔ دایمی را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا

محمد و وامگذار از برای ما در این روزها گناهی را مگر آنکه آمرزیده باشی آن را و نه اندوهی را

اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا غَائِبًا اِلَّا

مگر آنکه برطرف کرده باشی آن را و نه قرضی را مگر آنکه ادا کرده باشی آن را و نه غایبی را مگر آنکه

اَدَّيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِلَّا

نزدیک کرده باشی آن را و نه حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آنکه

سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ

سهل کرده باشی آن را و آسان کرده باشی آن را بدرستی که تو بر همه چیز بغایت توانائی خداوندا

يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ

ای دانای چیزهای مخفی ای رحم کنندهٔ اشکها ای اجابت کنندهٔ دعاها

يَا رَبَّ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ

ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکسی که مشتبه نمیشود بر او

الْاَصْوَاتُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا

آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در این روزها

مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ

از آزاد کرده شدگان خود و خلاص کرده شدگان از آتش و رسیدگان بهشت تو

النَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

که نجات یافتگانند برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد

وَآلِهِ اَجْمَعِينَ **ذکر نمازهائی که در شریعت مقدسه ترغیب**

و آل او همگی **و تحریص بآنها شده** از آنجمله است نماز حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی

سورهٔ حمد را یکمرتبه و سورهٔ انا انزلناه را پانزده مرتبه بخوان و

حال آنکه ایستاده باشی پس رکوع کن و در رکوع نیز سورهٔ انا انزلنا

را پانزده مرتبه بخوان بعد از آن سر از رکوع بردار و راست بایست

و سورهٔ انا انزلناه را پانزده مرتبه بخوان پس سجده کن و در سجود نیز

پانزده مرتبه بخوان پس سر بردار از سجود و بنشین و در حال نشستن

نیز پانزده مرتبه بخوان پس سجدهٔ دویم را بجای آور و در این سجده

نیز پانزده مرتبه بخوان پس سر از سجده بردار و بنشین و در حال

نشستن نیز سورهٔ مذکوره را پانزده مرتبه بخوان بعد از آن برخیز

و رکعت دویم را نیز بدستور رکعت اول بجای آور و تشهد بخوان و

سلام نماز بگو بعد از آن هر تعقیب و دعائی که خواهی بخوان و چون

این نماز را گذاردی و فارغ گردیدی در میان تو و حق تعالی گناهی

نماز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

باقی نماند مگر آنکه حق تعالی انرا امرزیده است برای تو نماز تسبیح
این نماز چهار رکعت است بدو سلام در رکعت اول سوره حمد و
سوره اذا زلزلت را هر یك یکمرتبه و در رکعت دویم سوره حمد و
سوره و العادیات را هر یك یکمرتبه و در رکعت سیم سوره حمد
و سوره اذا جاء نصر الله را یکمرتبه بخوان و در هر رکعتی چون از قرائت
فارغ شوی سُبحانَ اللهِ وَ الحمدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اللهُ
اَکبَرُ
پاکست خدا و سپاس از برای خدا و نیست خدا مگر الله و خدا بزرگترست
را پانزده مرتبه پیش از رکوع و ده مرتبه درحال رکوع
و ده مرتبه در وقتی که سر از رکوع بردارد و راست بایستد و ده مرتبه
درحال سجده اول و ده مرتبه درما بین دو سجده و ده مرتبه در
حال سجده دویم و ده مرتبه در وقتی که سر از سجده دویم بردارد
و درست بنشیند چهار رکعت نماز را بدو تشهد و دو سلام بترتیب
مذکور بجای آورد و در سجده دویم رکعت چهارم که از خواندن ده مرتبه تسبیح
فارغ میگردد بگوید سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ
پاکست خداوندی که لباس خود کرده عزت
وَ الوَقارَ سُبحانَ مَن تَعَطَّفَ بِالمَجدِ وَ تَکَرَّمَ
و بزرگی را پاکست خداوندی که مهربانی کرده است بسبب بزرگی خود و کرامی شده است
بِهِ سُبحانَ مَن لا یَنبَغِی التَّسبیحُ اِلّا لَهُ سُبحانَ مَن
بسبب آن پاکست خداوندی که سزاوار نیست تسبیح کردن مگر از برای او پاکست خداوندی

تشهد و دو

نماز جعفر طیار

و در رکعت چهارم سوره حمد و سوره قل هو الله احد را یکمرتبه

اَحصی کُلَّ شَیءٍ عِلمُهُ سُبحانَ ذِی المَنِّ وَ النِّعَمِ سُبحانَ
که شمرده است هر چیزی را علم او پاکست صاحب منت و نعمتها پاکست
ذِی القُدرَةِ وَ الکَرَمِ سُبحانَ ذِی العِزَّةِ وَ الفَضلِ
صاحب توانائی و کرم پاکست صاحب غلبه و تفضل
سُبحانَ ذِی القُوَّةِ وَ الطَّولِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسأَلُکَ بِمَعاقِدِ
پاکست صاحب قوت و احسان خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بمواضع بستن
العِزِّ مِن عَرشِکَ وَ مُنتَهَی الرَّحمَةِ مِن کِتابِکَ وَ بِاسمِکَ
عزت از عرش تو و بمنتهای رحمت از کتاب تو و باسم
الاَعظَمِ وَ کَلِماتِکَ التّامَّةِ الَّتی تَمَّت صِدقاً اَن
اعظم تو و کلمهای تمام تو که تمام شده است از روی راستی اینکه
تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهلِ بَیتِهِ وَ اَن تَفعَلَ بی کَذا وَ کَذا
رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او و اینکه بکنی بمن چنین و چنین
مفضل بن عمر روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق
عَلَیهِ الصَّلوةُ وَ السَّلامُ را دیدم درحالی که مشغول گذاردن
این نماز بود پس دستهای خود را بدعا بلند کردانید و این دعا را
خواند باین طریق که یا رَبِّ یا رَبِّ را مکرر نمود بحدّی که نفس
قطع شد پس یا رَبّاه یا رَبّاه را مکرر نمود تا نفس قطع شد پس
رَبِّ رَبِّ را مکرر نمود تا نفس قطع شد پس یا اَللهُ یا اَللهُ را مکرر

بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید

نمود تا نفس قطع شد پس یا رحیم یا رحیم را مکرر نمود تا نفس قطع
شد پس گفت یا رحمن یا رحمن را هفت مرتبه و یا ارحم
الراحمین را ای بخشاینده ای بخشاینده هفت مرتبه بعد از آن وای رحم کننده ترین رحم کنندگان
گفت اللهم انی افتتح القول بحمدک و انطق
خداوندا بدرستی که من ابتدا میکنم گفتار را بسپاس تو و گویا میشوم
بالثناء علیک و امجدک و لا غایة لمدحک و اثنی
به ستایش بر تو و به بزرگواری یاد میکنم ترا و حال آنکه نیست نهایت برای ستایش تو و ثنا میکنم
علیک و من یبلغ غایة ثنائک و امد مجدک و انی
بر تو و کیست که تواند رسید بنهایت ثنای تو و باخر بزرگواری تو و کجاست
لخلیقتک کنه معرفة مجدک و ای زمن لم تکن
برای مخلوقات تو اصل شناسائی بزرگواری تو و کدام زمان است که نبوده تو
ممدوحا بفضلک موصوفا بمجدک عوادا علی المذنبین
ستایش کرده شده باحسان خود موصوف به بزرگواری خود بسیار بخشا بر گناهکاران
بحلمک تخلف سکان ارضک عن طاعتک فکنت
بحلم خود مخالفت کردند ساکنان زمین تو از فرمان برداری تو پس بودی
علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک
بر ایشان مهربان ببخشش خود بخشاینده بفضل خود بسیار نفع رساننده بکرم خود
یا لا اله الا انت المنان ذو الجلال و الاکرام
ای آنکه نیست خدائی مگر تو که بسیار نعمت دهنده صاحب بزرگی و گرامی داشتنی

یا تعجیل نمیکنی که فی الفور رجوع کنند بر گناهکاران بعلم خود یعنی بسیار رجوع بکنی از غضب کردن بحلم خود

والقرز

وآنحضرت فرمود که ای مفضل هر گاه ترا حاجتی باشد که در فکر
آن باشی پس این نماز را بگذار و این دعا را بخوان و حاجت خود را
طلب کن تا حق تعالی حاجت ترا بر آورد ان شاء الله تعالی

نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه مرویست که حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام فرموده است که هر کسی از شما
شیعیان که چهار رکعت نماز گذارد و در هر رکعت سوره حمد را یکمرتبه
و سوره قل هو الله احد را پنجاه مرتبه بخواند و چون از نماز
فارغ گردد این دعا را که تسبیح منسوب بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام است بخواند بیرون میرود از گناهان خود مانند روزی که
از مادر زائیده شده است و بر آورده میشود همه حاجتها او و تسبیح اینست
سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه
تسبیح میکنم خداوندی را که آخر نمیشود علامتهای او تسبیح میکنم خداوندی را که کم نمیشود خزانهای او
سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما
تسبیح میکنم خداوندی را که نیست بر طرف شدنی برای فخر او تسبیح میکنم خداوندی را که آخر نمیشود آنچه
عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا
نزد اوست تسبیح میکنم خداوندی را که نیست بر طرف شدنی از برای مدت او تسبیح میکنم خداوندی که
یشارک احدا فی امره سبحان من لا اله غیره
شریک نمیکند کسی را در کار خود تسبیح میکنم خداوندی را که نیست خدائی غیر او

وبعد از خواندن این یا من عفی عن السیئات ولم یجاز

تسبیح بخواندن دعا که ای آنکه درگذشت از بدیها و جزا نداده است

بها ارحم عبدك يا الله نفسي نفسي ارحم عبدك

با آنها رحم کن بنده خودت را ای خدا درباره ام درباره ام رحم کن بنده خودت را

اي سيداه عبدك عبدك بين يديك ايا رباه

ای آقای من بنده تو بنده تو پیش روی تست ای پروردگار من

اي الهي بكينونتك اي املاه اي رجاياه اي

ای خدای من بحق هستی خودت ای آرزوی من ای امید من ای

غاياتاه اي منتهى رغبتاه اي مجري الدم في

نهایت امید من ای منتهای رغبت من ای جاری کننده خون در

عروقي عبدك عبدك بين يديك اي سيدي

رگهای من بنده تو بنده تو پیش روی تست ای آقای من

اي مالك عبده هذا عبدك اي سيداه اي سيداه

ای مالك بنده خود اینست بنده تو ای آقای من ای آقای من

يا املاه يا مالكاه ايا هوا يا هو يا رباه عبدك

ای آرزوی من ای مالك من ای او ای او ای پروردگار من بنده توام

لا حيلة لي ولا غنى بي على نفسي لا استطيع لها

نیست چاره برای من و نیست بی نیازی مرا بر نفس خودم استطاعت ندارم برای نفس خود

ضرا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه انقطعت

ضرری و نه نفعی را و نمی یابم کسی را که کارسازی کنم با او منقطع شده است

اسباب الخدائع عني واضمحل عني كل باطل وافردني

اسباب حیلها از من و برطرف شده است از من هر باطلی و تنها گذاشته مرا

الدهر اليك فقمت هذا المقام الهي تعلم هذا

روزگار بسوی تو پس ایستاده ام در این مقام ای خدای من میدانی این را

كله فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر

همه را پس چگونه تو سلوك خواهی کرد با من کاش بدانستم و نمیدانستم

كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت

که چگونه میگوئی برای دعای من آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی

لا فيا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي

نه پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من ای زاری من ای زاری من ای زاری من

يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي

ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من

الى من او عند من او كيف او لماذا او الى

بسوی کی روکنم یا نزد کی اظهار حال خود کنم یا چگونه صبر کنم یا برای چه بسوی

اي شئ الجاء ومن ارجو ومن يعود علي حيث ترفضني

چه چیز پناه برم و کی را امید داشته باشم و کی نفع میرساند بر من در جائی که ترك کنی مرا

يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما اظن فطوبى لى
ای کسی که وسیع است آمرزش او واگر بگوئی آری چنانکه من گمان میبرم پس خوشا حال
انا السعيد طوبى لى انا التقى طوبى لى انا المرحوم
منم نیکبخت خوشا حال من منم پرهیزکار خوشا حال من منم رحم کرده شده
اى مترحم اى مترئف اى متعطف اى متملك
ای بسیار رحم کننده ای بسیار مهربان ای بسیار شفقت کننده ای بسیار مالک شونده
اى متجبر اى متسلط لا عمل لى ابلغ به نجاح
ای بسیار بزرگ ای بسیار تسلط دارنده نیست عملی برای من که برسم بآن به برآمدن
حاجتى فانا اسئلك باسمك الذى انشاته من كلك
حاجت خود پس من سؤال میکنم تو را بنام تو که ظاهر ساختهٔ آنرا از همه نامهای خود
فاستقر فى غيبك فلا يخرج منك الى شئ سواك
پس قرار گرفته است در علم غیب تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی چیزی غیر تو
اسئلك يا هو لم يلفظ به ولا يلفظ ابدا ابدء به
سؤال میکنم ترا ای آنکه تلفظ کرده نشده است بآن و تلفظ کرده نمیشود هرگز ابتدا میکنم بآن
وبك لا شئ غير هذا ولا اجد احدا انفع لى منك
و بتو نیست چیزی غیر این و نمی یابم کسی را که نفع رساننده تر باشد برای من از تو
اى كبير اى على اى من عرفنى نفسه اى من
ای بزرگ مرتبه ای بلند رتبه ای کسی که شناسانیده است بمن خود را ای کسی که

امرنى بطاعته اى من نهانى عن معصيته اى من
امر کرده است مرا بطاعت خود ای کسی که نهی کرده است مرا از معصیت خود ای کسی که
اعطانى مسئلتى اى مطلوبا اليه الهى رفضت وصيتك
عطا کرده است بمن مطلب مرا ای طلب کرده شده بسوی او ای خدای من ترک کردم سفارش تو را
ولم اطعك ولو اطعتك لكفيتنى ما قمت اليك
و اطاعت نکردم تو را و اگر اطاعت کرده بودم ترا هر آینه کفایت کرده بودی برای من آنچیز را که ایستادهام بسوی تو
فيه قبل ان اقوم وانا مع معصيتى لك راج فلا تحل
در آن پیش از آنکه بایستم و من با وجود معصیت کردنم برای تو امید وارم پس مانع مشو
بينى وبين ما رجوت واردد يدى على ملاء من خيرك
میان من و میان آنچه امید دارم و برگردان دست مرا بر من مملو از خیر تو
وفضلك وبرك وعافيتك ومغفرتك ورضوانك
و فضل تو و احسان تو و عافیت تو و آمرزش تو و خوشنودی تو
بحقك يا سيدى وحضرت امير المؤمنين عليه السلام بعد از خواندن دعای
بحق خودت ای آقای من که مذکور شد این کلمات شریفه را میخواندند
يا عدتى عند كربتى يا غياثى عند شدتى يا ولى نعمتى
ای تهیهٔ من نزد اندوه من ای فریاد رس من نزد سختی من ای صاحب نعمتهای من
يا منجحى فى حاجتى يا مفزعى فى ورطتى يا منقذى من
ای رستگار کننده من در حاجت من ای پناه من در ورطه من ای خلاص کننده مرا از

هلکنی یا کالئی فی وحدتی صل علی محمد و آله و
هلاک من ای حفظ کننده من در تنهائی من رحمت بفرست بر محمد و آل او و
اغفر لی خطیئتی و یسر لی امری و اجمع لی شملی و
بیامرز برای من گناه مرا و آسان کردان برای من کار مرا و جمع کن برای من پراکندگی مرا و
انجح لی طلبتی و اصلح لی شانی و اکفنی و اجعل
برآور برای من مطلبهای مرا و اصلاح کن برای من حال مرا و کفایت کن مرا و بگردان
لی من امری فرجا و مخرجا و لا تفرق بینی و بین العافیة
برای من از کار من کشایش و بیرون شدی و تفریق مکن میان من و میان عافیت
ابدا ما ابقیتنی عند وفاتی و اذا توفیتنی یا ارحم
هرگز مادام که باقی بداری مرا نزد مردن من و هرگاه بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین
الراحمین نماز حضرت فاطمه صلوات الله و سلامه علیها
رحم کنندگان این نماز دو رکعت است و در رکعت اول سوره حمد را یکمرتبه
و سوره انا انزلناه را صد مرتبه و در رکعت دوم سوره حمد را یکمرتبه و سوره
قل هو الله احد را صد مرتبه بخواند و بعد از آنکه سلام نماز دهد تسبیحی
که بحضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها منسوب است بخواند و تسبیح این است
سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال
پاکست خداوندی که صاحب عزت بلند شریف است پاک است خداوندی که صاحب بزرگی
الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم
بلند بزرگست پاکست خداوندی که صاحب پادشاهی فاخر قدیمی است

نماز حضرت فاطمه علیها السلام

سبحان من لبس البهجة و الجمال سبحان من تردی
پاکست خداوندی که پوشیده است نیکوئی و جمال را پاکست خداوندی که ردا خود کرده است
بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا
نور و سنجیدگی را پاکست خداوندی که می بیند جای پای مور را در سنگ صاف
سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من
پاکست خداوندی که می بیند موقع مرغ پرنده را در هوا پاکست خداوندی
هو هکذا و لا هکذا غیره و چون از خواندن
که او چنین است و نیست چنین غیر او تسبیح مذکور فارغ شود
دستهای خود را تا مرفق برهنه سازد و بر زمین سجده کند
بنحوی که همه اعضای سجود او بر زمین رسد و حایلی در میان اعضای
سجود او و خاک نباشد و در حال سجود حاجت خود را از جناب
مقدس الهی مسئلت نماید و نیز در حال سجود این دعا را بخواند
یا من لیس غیره رب یدعی یا من لیس فوقه اله یخشی
ای آنکسی که نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکسی که نیست بالای او خدائی که ترسیده شود
یا من لیس دونه ملک یتقی یا من لیس له وزیر یؤتی
ای آنکسی که نیست غیر او پادشاهی که ترسیده شود ای آنکسی که نیست برای او وزیری که اتیان کرده شود
یا من لیس له حاجب یرشی یا من لیس له بواب
ای آنکسی که نیست برای او دربانی که رشوه داده شود ای آنکسی که نیست برای او دربانی که بنزد او روند

یعنی مانعی از نزد او رفتن و باو گفتن
نماید

يُغنيني يا مَن لا يَزدادُ عَلى كَثرَةِ السُّؤالِ اِلّا كَرَماً

بر نزداو روندای انکسی که زیاد نمیشود با بسیاری سؤال کردن از و مکر کرم

وَجوداً وَعَلى كَثرَةِ الذُّنوبِ اِلّا عَفواً وَصَفحاً صَلِّ

و بخشش و با بسیاری کناهان بندکان مکر عفو و در کذشتن رحمت بفرست

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافعَل بي كَذا وَكَذا

بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

بجای کذا وکذا حاجت خود را بکوید

نماز کامله که در روز جمعه کذارده میشود مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام از پدر بزرکوار خود و او از جد بزرکوار خود و او از حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده است که هرکه در روز جمعه چهار رکعت نماز کذارد هر دو رکعت بیک سلام و بخواند در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب را ده مرتبه و سوره قل اعوذ برب الناس را ده مرتبه و سوره قل اعوذ برب الفلق را ده مرتبه و سوره قل هو الله احد را ده مرتبه و سوره قل یا ایها الکافرون را ده مرتبه و سوره انا انزلناه را ده مرتبه و آیة الکرسی را ده مرتبه و آیة شهد الله را ده مرتبه و چون از نماز فارغ کردد استغفر الله را صد مرتبه بکوید و بعد از ان سبحان الله

نماز کامله که در روز جمعه کذارده میشود

وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ وَلا حَولَ

و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مکر الله و خدا بزرکتر است و نیست کردیدن از طاعت معصیت

وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ را صد مرتبه بکوید

و نه قوت بر طاعت مکر بخدای بلند رتبه بزرک مرتبه و صد مرتبه

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ را بکوید حق تعالی

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد دفع میکند از و شر

اهل آسمان و شر اهل زمین را نماز حاجت عبد الرحیم قصیر روایت کرده و کفته است که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام رفتم و کفتم فدای تو شوم من دعائی اختراع کرده ام پس آنحضرت فرمود که بکذار مرا از اختراع خود هرکاه امری بر تو نازل شود پس پناه بر بسوی حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله و دو رکعت نماز بکذار و چنانکه افتتاح میکنی و تکبیر احرام نماز فریضه را میکوئی افتتاح و احرام آن دو رکعت را نیز چنین کن و چون از تشهد و سلام نماز فارغ شدی بکو

نماز حاجت

اَللّهُمَّ اَنتَ السَّلامُ وَمِنكَ السَّلامُ وَاِلَيكَ السَّلامُ

خداوندا توئی سلام و از تست سلام و بسوی تو باز میکردد سلام

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ وَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برسان بروح محمد و

الِ محمدٍ عنی السلام و السلام علیهم و رحمة الله و
آل محمد از جانب من سلام را و سلام برایشان باد و رحمت خدا و
برکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی
برکتهای او خداوندا بدرستی که این دو رکعت هدیه است از من
الی رسولک فاثبنی علیهما ما امّلت و رجوته
بسوی پیغمبر تو پس ثواب ده مرا برین دو رکعت آنقدر که آرزو دارم و امید دارم از آن
فیک و فی رسولک یا ولی المؤمنین بعد از ان سجده کن و در
در تو و در پیغمبر تو ای دوست مؤمنان حال سجده چهل مرتبه بگو
یا حی یا قیوم یا حیا لا یموت یا حی لا اله الا انت
ای زنده ای بخود بر پا ای زنده که نمیمیرد ای زنده نیست خدائی مگر تو
یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین
ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
بعد از ان گونهٔ راست خود را بر زمین بگذار و انرا که در سجده
گفتی چهل مرتبه دیگر بگو بعد از ان گونهٔ چپ خود را بر زمین
بگذار و باز همان را چهل مرتبه بگو بعد از ان سر خود را
بردار و دستها را بدعا بلند کن و لوذه کن یعنی دو انگشت شهادت
را حرکت بده و درین حال نیز همان را چهل مرتبه بگو بعد از ان لحیه
خود را بدست چپ خود بگیر و گریه کن یا خود را بر گریه بدار و بگو

یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی
ای محمد ای رسول خدا شکوه میکنم بسوی خدا و بسوی تو در باب حاجت خود
و اشکو الی اهل بیتک الراشدین و بک اتوجه
و شکوه میکنم بسوی اهل بیت تو که صاحبان رشدند و بتو متوجه میشوم
الی الله فی حاجتی بعد از ان سجده کن و در حال سجده بگو
بسوی خدا در باب حاجت خودم یا الله یا الله تا نفس منقطع شود بعد از ان
بگو صل علی محمد و ال محمد و افعل بی کذا و کذا
ای خدا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که این نماز را
گذارد و ادعیهٔ مذکوره را بخواند پس من ضامنم بر خدای عز و
جل که از جای خود حرکت نکند تا حاجت او برآورده شود نماز

نماز دیگر بجهت برآمدن حاجت

دیگر بجهت برآمدن حاجت مرویست که حضرت امام رضا صلوات
الله و سلامه علیه فرموده است که هر که او را حاجتی باشد و بدان
جهت دلتنگ شده باشد و دست او بجائی نرسد پس از برای حق تعالی
فرود آورد و باو عرض نماید پس بآنحضرت عرض نمودند که چگونه عرض
نماید آنحضرت جواب فرمود که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را
روزه بدارد و در روز جمعه سر خود را بخطمی بشوید و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوشد و بهترین بوهای خوش را بکار برد و تصدق

دهد بمسلمانی بهرچه اورا میسر شود بعد از ان بیرون رود بجائی
که سقفی نداشته باشد و بی حایل در زیر اسمان باشد و رو بقبله
بایستد و دو رکعت نماز گذارد و بخواند در رکعت اول سوره حمد
را یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را پانزده مرتبه بعد از ان رکوع
کند و سوره قل هو الله احد را در حال رکوع نیز پانزده مرتبه
بخواند بعد از ان سر از رکوع بردارد و در حال ایستادن سوره
قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند و بسجود رود و در سجود نیز
سوره قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند پس سر از سجده
بردارد و در حال نشستن نیز سوره قل هو الله احد را پانزده
مرتبه بخواند پس بسجده دویم رود و درین سجده نیز ان سوره را
پانزده مرتبه بخواند و سر از سجده بردارد و برخیزد و رکعت دویم
را بهمین ترتیب بجای اورد و چون بجهت تشهد بنشیند سوره
قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند و سلام نماز دهد و بعد
از سلام نیز ان سوره را پانزده مرتبه بخواند و سجده کند و
در حال سجود نیز ان سوره را پانزده مرتبه بخواند پس کونه راست
خود را بر زمین گذارد و ان سوره را پانزده مرتبه بخواند پس کونه
چپ خود را بر زمین گذارد و ان سوره را پانزده مرتبه بخواند بعد از ان
سجده کند و پیشانی خود را بر زمین گذارد و گریه کند و بگوید

یا جواد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا من لم
ای بخشنده ای بزرگ ای یگانه ای یکتا ای مقصود در حوایج ای انکسی که
یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من هو
نزاییده و زاییده نشده و نیست برای او همتا کسی ای کسی که او
هکذا لا هکذا غیره اشهد ان کل معبود من لدن
چنین است نیست چنین غیر او گواهی میدهم اینکه هر عبادت کرده شده از نزد
عرشك الى قرار ارضك باطل الا وجهك جل
عرش تو تا محل قرار زمین تو باطل است مگر ذات تو بزرگست
جلالك یا معز كل ذليل و يا مذل كل عزيز تعلم
بزرگواری تو ای عزیز کننده هر خواری و ای خوار کننده هر عزیزی میدانی
كربتى فصل على محمد و آله و فرج عنى
اندوه مرا پس رحمت بفرست بر محمد و ال او و گشایش ده از من
بعد از ان کونه راست خود را بر زمین گذارد و سه مرتبه دعا
مذکور را بخواند بعد از ان کونه چپ خود را بر زمین گذارد
و دعای مذکور را سه مرتبه بخواند و انحضرت فرمود که هرگاه
بنده خدا چنین کند حق تعالی حاجت او را بر می اورد و باید
در حاجت خود متوسل باشد بخدای عز و جل و بمحمد مصطفی و
اهل بیت او صلوات الله علیهم نماز و دعای که از حضرات ائمه

نماز و دعا بجهت دفع دشمنان و خصماء

معصومین علیهم السلام بجهت دفع دشمنان و خصماء و معاندان تعلیم
شده آ چهار رکعت نماز میگذاری بدو تشهد و دو سلام و
میخوانی در رکعت اول سوره حمد را یکمرتبه و سوره اذا جاء
نصر الله را ده مرتبه و در رکعت دویم سوره حمد را یکمرتبه
و سوره قل هو الله احد را ده مرتبه و در رکعت سیم سوره
حمد را یکمرتبه و سوره قل اعوذ برب الفلق را ده مرتبه و در
رکعت چهارم سوره حمد را یکمرتبه و سوره قل اعوذ برب الناس
را ده مرتبه و بعد از فارغ شدن از نماز صلوات بر حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله و بر آل اطهار او میفرستی هر قدر که توانی بعد از ان ده مرتبه میگوئی
یا فارج الهم و یا کاشف الغم و یا مجیب دعوة المضطرین
ای کشاینده غم و ای برطرف کننده اندوه و ای اجابت کننده دعای درماندگان
خلصنا من اعدائک پس ده مرتبه میگوئی یا قاضی الحاجات
خلاصی ده ما را از دشمنان خودت ای بر آورنده حاجتها
بعد از ان ده مرتبه میگوئی یا مجیب الدعوات خلصنا من
اعدائک بعد از ان ده ای اجابت کننده دعاها خلاصی ده ما را از
دشمنان خودت مرتبه میگوئی یا جلیل بعد از ان ده مرتبه میگوئی
یا دلیل المتحیرین و یا غیاث (ای بزرگوار) المستغیثین خلصنا
ای دلیل متحیران و ای فریاد رس طلب فریاد رسی کنندگان خلاصی ده ما را

دعا بجهت دفع ظالم

من اعدائک یا کریم بعد از ان ده حسبنا الله و نعم
از دشمنان خودت ای صاحب کرم مرتبه میگوئی بس است ما را خدا و خوب
الوکیل نعم المولی و نعم النصیر خلصنا من اعدائک
وکیل است خوب آقائی و خوب یاری کننده ایست خلاصی ده ما را از دشمنان خودت
یا لطیف بعد از ان ده و من یتوکل علی الله فهو حسبه
ای مهربان مرتبه میگوئی و کسی که توکل کند بر خدا پس خدا بس است او را
خلصنا من اعدائک یا حلیم بعد از ان صد مرتبه میگوئی
خلاصی ده ما را از دشمنان خودت ای صاحب حلم یا رب یا رب
و حاجت خود را سؤال میکنی که ای پروردگار من ای پروردگار من
مستجاب میشود انشاء الله تعالی بجهت دفع ظالم سوره الحاقة
در چهل شب هر شب چهل مرتبه میخوانی و در هر مرتبه که
سوره مذکوره را تمام کردی میگوئی الهی انت
حلیم ذو اناة لا طاقة لی مع اناتک اضر (ای خدای من تو)
بردباری صاحب مهلت دادنی نیست طاقتی از برای من با مهلت دادن تو ضرر رساننده است
بالمظلومین حلمک انائم انت حوشیت حوشیت
بمظلومان بردباری تو آیا خوابی تو حاشا که تو چنین باشی حاشا که تو چنین باشی
و هر شب چون از چهل مرتبه خواندن سوره
مذکوره فارغ گردیدی میگوئی

اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهٖ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ

سرکشی میکنم بیاری قوت خدا و توانائی او از قوت خلق ایشان و توانائی ایشان

وَاَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَاَقُوْلُ مَا شَاءَ

و پناه میبرم بپروردگار صبح از شر آنچه آفریده است و میگویم که آنچه خواسته است

اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

خدا شده است و آنچه نخواسته است نشده است و گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

الله یگانه است نیست شریکی برای او و اینکه خدا بر هر چیز

قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَاَنَا فِيْ حِمَاكَ

بغایت توانا است خداوندا بدرستی که از برای هر پادشاهی قورقی است و من در قورق توام

فَاَحْمِنِيْ مِنْهُمْ وَقِنِيْ شَرَّهُمْ بعد از آن باواز

پس حمایت کن مرا از ایشان و نگاه دار مرا از شر ایشان حزین میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَبِمِحَالِكَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعزت تو که قوی است و بمکر تو

الشَّدِيْدِ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِيْ خَلْقُكَ لَهَا ذَلِيْلٌ اَنْ تُصَلِّيَ

که سخت است و بغلبه تو که مخلوقات تو از برای آن خوارند اینکه رحمت فرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَاْخُذَهُمُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

بر محمد و آل محمد و اینکه بگیری ایشان را در این ساعت در این ساعت

اَللّٰهُمَّ ارْمِهِمْ بِسَهْمٍ مِنْ سِهَامِكَ تُعَلِّقُ بِهَا قُلُوْبَهُمْ

خداوندا بینداز ایشان را بتیری از تیرهای خودت که بیاویزی بآن تیرها دلهای ایشان را

بعد از آن سجده میکنی و در حال سجود سه مرتبه میگوئی

شُكْرًا لِلْعَزِيْزِ شُكْرًا لِلْكَرِيْمِ شُكْرًا لِلدَّائِمِ

شکر میکنم برای عزیز شکر میکنم برای صاحب کرم شکر میکنم برای همیشه

الْقَائِمِ الَّذِيْ يُجِيْبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ

برپائی که اجابت میکند دعای درمانده را هرگاه دعا کند او را و برطرف میکند

السُّوْٓءَ بعد از آن حاجت خود را سؤال میکنی تا برآورده

بدی را شود ان شاء الله تعالی **نماز شکر** نماز فریضه را

نماز شکر

چون بجا آوری و فارغ کردی پس نماز شکر بکذار باین طریق

که دو رکعت نماز بکذار و در رکعت اول سوره حمد و سوره

قل هو الله احد را یکمرتبه و در رکعت دوم سوره حمد و سوره

قل یا ایها الکافرون را یکمرتبه و در رکوع و هر یک از دو سجده

رکعت اول بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلّٰهِ وَحَمْدًا

سپاس مر خدا راست شکر میکنم شکر میکنم برای خدا و حمد میکنم

و در رکوع و هر یک از دو سجده رکعت دوم بگو

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ قَضٰى لِيْ حَاجَتِيْ وَاسْتَجَابَ دُعَائِيْ

سپاس مر خدا راست که برآورده است برای من حاجت مرا و مستجاب کرده است دعای مرا

نماز استخاره

وَاَعطانی مَسئَلَتی **نماز استخاره** مرویست که حضرت امام
وعطا کرده است بمن مطلب مرا زین العابدین علیه الصلوة والسلام
هرگاه قصد کردن کاری مانند حج یا عمره یا خریدن چیزی یا
فروختن چیزی مینمود وضو میساخت بعد از آن دو رکعت نماز
میگذارد بجهت استخاره یعنی بجهت آنکه از حق تعالی طلب کند
و مسئلت نماید که آنچه خیر و صلاح آنحضرت در آنست حق تعالی
از آن پیش آورد مثل آنکه اگر خیر او در خریدن این متاع است حق
تعالی چنان کند که آنرا بخرد و اگر خیر او در نخریدن است حق
تعالی چنان کند که ترک خریدن آن کند و خریدن دست بهم
ندهد و آن حضرت میخواند در این دو رکعت سوره حشر و سوره
الرحمن را بعد از آن میخواند سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل
اعوذ برب الناس را و چون سلام نماز میداد میخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِن کانَ کَذا وَکَذا خَیراً لی فی دینی وَدُنیای
خداوندا اگر بوده باشد چنین و چنین خیر برای من در دین من و دنیای من
وَعاجِلِ اَمری وَآجِلِه فَیَسِّرهُ لی عَلی اَحسَنِ الوُجوهِ
و اول کار من و آخر آن پس آسان گردان آنرا برای من بر نیکوترین راهها
وَاَجمَلِها اَللّٰهُمَّ وَاِن کانَ کَذا وَکَذا شَرّاً لی فی دینی
و بهترین راهها خداوندا و اگر بوده باشد چنین و چنین شر برای من در دین من

بجای کذا و کذا آن مقصود و موضع آن دو کاری که اراده آن نموده میگوید

وَدُنیای وَآخِرَتی وَعاجِلِ اَمری وَآجِلِه فَاصرِفهُ
و دنیای من و آخرت من و اول کار من و آخر آن پس باز گردان آنرا
عَنّی عَلی اَحسَنِ الوُجوهِ وَاَجمَلِها رَبِّ اعزِم لی
از من بر بهترین راهها و نیکوترین راهها ای پروردگار من جزم کن برای من
عَلی رُشدی وَاِن کَرِهَت ذٰلِکَ اَو اَبَتهُ نَفسی
بر رشد من و اگر چه ناخوش داشته باشم آنرا یا اِبا کند آنرا نفس من

نماز دیگر بجهت استخاره

نماز دیگر بجهت استخاره مرویست که جابر بن عبد الله انصاری
گفته است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله استخاره را
بما تعلیم مینمود چنانکه سوره قرآن را بما تعلیم مینمود و میفرمود که
هرگاه یکی از شما قصد کاری بکند پس بگذارد نمازی را که غیر
نماز فریضه باشد یعنی دو رکعت نماز سنت بگذارد بجهت طلب کردن
خیر از حق تعالی و بعد از آنکه سلام نماز دهد بخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستَخیرُکَ بِعِلمِکَ وَاَستَقدِرُکَ
خداوندا بدرستی که من طلب خیر میکنم از تو بعلم تو و طلب قدرت میکنم از تو
بِقُدرَتِکَ وَاَسئَلُکَ مِن فَضلِکَ العَظیمِ فَاِنَّکَ
بقدرت تو و سؤال میکنم ترا از فضل عظیم تو پس بدرستی که تو
تَقدِرُ وَلا اَقدِرُ وَتَعلَمُ وَلا اَعلَمُ وَاَنتَ عَلّامُ
قدرت داری و قدرت ندارم من و میدانی و نمیدانم من و تو بسیار دانائی

که امر آنست که در دو رکعت اول بعد از حمد سوره جحد و سوره الرحمن را و در دو رکعت دوم بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس را بخواند و احتمال داده که مراد این باشد که در دو رکعت اول سوره حشر و در دوم سوره الرحمن را بخواند و بعد از نماز معوذتین را و عادت بخواند والله تعالی اعلم

الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی

بغیبها خداوندا اگر هستی تو که میدانی اینکه این کار خیر است برای من

فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاقدره لی ویسره

در دین من و زندگانی من و عاقبت کار من پس مقدر ساز او را برای من و میسر کردان او را

لی وبارک لی فیه وان کنت تعلم انه شر لی

برای من و مبارک کردان برای من در او و اگر هستی تو که میدانی اینکه آن شر است برای من

فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی و

در دین من و زندگانی من و عاقبت کار من پس باز کردان او را از من و

اصرفنی عنه وقدر لی الخیر حیث ما کان ورضنی به

باز کردان مرا از آن و تقدیر کن برای من خیر را هر جائی که بوده باشد و راضی کردان مرا بآن

نماز دیگر بجهت استخاره در روایتی دیگر هست که دو رکعت نماز بکذارد و بعد از آن صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد از آن

طلب خیر میکنم از خدا برحمت او خیری در عافیت

بفهم خود رجوع کن که کردن آن کار را بهتر میفهمی یا نکردن آنرا و هر یک را که بهتر دانی آنرا بکن که خیر تو در آنست انشاء الله تعالی

حرزی که از دو امام شهید حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما روایت شده است

عاجل هذا الامر یعنی کار را که اراده کردن آن داری نام ببرد

نماز دیگر بجهت استخاره

اللهم احفظنا من جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن

خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از پیش روی ما و از

خلفنا وعن ایماننا وشمائلنا ابدا ما ابقیتنا

پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی گذاری ما را

واحفظ دیننا وولدنا ومالنا بما حفظت به کتابک

و حفظ کن دین ما و فرزندان ما و مال ما را بآنچه حفظ کرده بآن کتاب

العزیز الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من

عزیز خودت را آنچنان کتابی که نمی آید آنرا باطل از پیش روی آن و نه از

خلفه تنزیل من حکیم حمید اللهم احفظنا من

پس سر آن که فرو فرستاده شده است از جانب حکیم ستوده شده خداوندا حفظ کن ما را از

جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن خلفنا وعن ایماننا

همه دشمنان ما از پیش روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما

وعن شمائلنا ابدا ما ابقیتنا واحفظنا واحفظ

و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی گذاری ما را و حفظ کن ما را و حفظ کن

دیننا وولدنا ومالنا بما حفظت به عبدک الذی

دین ما و فرزندان ما و مال ما را بآنچه حفظ کرده بآن بنده خودت را آنچنان بنده

فهمته وسخرت له الشیاطین ثم قلت وکنا لهم

که فهمانیده او را و مسخر کرده ای برای او شیاطین را بعد از آن گفته و بودیم ما از برای ایشان

حرزی که از حسنین صلوات الله علیهما روایت شده

یا اینکه اینک کرد آنچه برای ما هست

حافظین اللهم احفظنا کما حفظت عبدک ونبیک
حفظ کننده خداوندا حفظ کن ما را چنانکه حفظ کرده بنده خودت و پیغمبر خودت
یعقوب حیث قلت فالله خیر حافظا وهو ارحم
یعقوب را در جائی که گفته که پس خدا بهتر است از راه حافظ بودن و او رحم کننده ترین
الراحمین اللهم احفظنا من جمیع اعدائنا من بین
رحم کنندگان است خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از پیش
ایدینا ومن خلفنا وعن ایماننا وشمائلنا ابدا ما
روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما همیشه مادام
ابقیتنا واحفظ دیننا ونفسنا وولدنا ومالنا بما
که باقی گذاری ما را و حفظ کن دین ما و نفس ما و فرزندان ما و مال ما را بانچه
حفظت به السقف المحفوظ حیث قلت وجعلنا السماء
حفظ کرده بان سقف حفظ کرده شده را در جائی که گفته و کردانیدیم اسمان را
سقفا محفوظا اللهم احفظنا من جمیع اعدائنا من
سقفی حفظ کرده شده خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از
بین ایدینا ومن خلفنا وعن ایماننا وعن شمائلنا
پیش روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما
ابدا ما ابقیتنا واحفظ دیننا ومالنا وولدنا بما
همیشه مادام که باقی گذاری ما را و حفظ کن دین ما و مال ما و فرزندان ما را بانچه

حفظت به عبادک المحفوظین الذین قلت فی شانهم و
حفظ کرده بان بندگان حفظ کرده شدگان خودت را که گفته در شان ایشان که
هو القاهر فوق عباده ویرسل علیکم حفظة اللهم
اوست قهر کننده در بالای بندگان خود و میفرستد بر شما حفظ کنندگان خداوندا
احفظنا من جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن خلفنا
حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از پیش روی ما و از پشت سر ما
وعن ایماننا وعن شمائلنا ابدا ما ابقیتنا واحفظ
و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی گذاری ما را و حفظ کن
دیننا ونفسنا وولدنا ومالنا بما حفظت به اللوح
دین ما و نفس ما و فرزندان ما و مال ما را بانچه حفظ کرده بان لوح
المحفوظ حیث قلت بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ
محفوظ را در جائی که گفته که بلکه آن قرآنی است شریف در لوحی حفظ کرده شده
اللهم احفظنا من جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن
خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از پیش روی ما و از
خلفنا وعن ایماننا وشمائلنا ابدا ما ابقیتنا و
پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی گذاری ما را
احفظ دیننا ونفسنا ومالنا وولدنا بما حفظت به
حفظ کن دین ما و نفس ما و مال ما و فرزندان ما را بانچه حفظ کرده بان

عبادك الصالحين حيث قلت له معقبات من بين يديه

بندگان صالح خودرا درجائی که گفته که از برای او هست فرشتگان از پیش روی او

ومن خلفه يحفظونه من امر الله وقنا من سيئات ما

و از پشت سر او که حفظ میکنند او را از امر خدا و نگاه دار ما را از بدیهای آنچه

يكيدون وما يمكرون اللهم احفظنا من جميع اعدائنا

مکر میکنند و آنچه حیله میکنند خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما

من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا

از پیش روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما

ابدا ما ابقيتنا واحفظ ديننا ونفسنا وولدنا و

همیشه مادام که باقی گذاری ما را و حفظ کن دین ما و نفس ما و فرزندان ما را و

مالنا بما حفظت به عبدك الذي قال وافوض امري

مال ما را بآنچه حفظ کرده بآن بنده خودت را که گفته است و وامیگذارم کار خود را

الى الله ان الله بصير بالعباد اللهم احرسنا بعينك

بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان خداوندا پاسبانی کن ما را بچشم خودت

واحفظنا بحفظك اللهم احفظنا بحياطتك اللهم

و حفظ کن ما را بحفظ خودت خداوندا حفظ کن ما را بفرو گرفتن خودت خداوندا

احفظنا بخاص عنايتك اللهم احفظنا بجميل عنايتك

حفظ کن ما را بعنایت مخصوص خودت خداوندا حفظ کن ما را بعنایت نیکوی خودت

اللهم احفظنا بحسن كلائتك ممن يريد بنا سوءا او

خداوندا حفظ کن ما را بمحافظت نیک خودت از کسی که اراده دارد نسبت بما بدی یا

شرا او يكائد لنا اساءة اني اعوذ بالرحمن منك ان

شری را یا مکر میکند برای ما از راه رسانیدن بدی بدرستی که من پناه میبرم برحمن از تو اگر

كنت تقيا اني عذت بربي وربكم ان ترجمون اخسئوا

هستی پرهیزکار بدرستی که من پناه بردم به پروردگار خود و پروردگار شما از اینکه سنگسار کنید مرا دور شوید

فيها ولا تكلمون اخذت اسماعهم وابصارهم

و خوار باشید در جهنم و سخن مگوئید با من گرفتم گوشهای ایشان و چشمهای ایشان را

بسمع الله وبصره واخذت قوتهم بقوة الله واستترت

بشنوائی خدا و بینائی خدا و گرفتم قوت ایشان را بقوت خدا و پوشانیدم خود را

منكم بستر النبوة والايمان التي كانت الانبياء

از شما به پرده نبوت و ایمانی که بوده اند پیغمبران

يستترون بها من سطوات الفراعنة فسترهم الله

که می پوشانیده اند خودرا بآن از سطوتهای سرکشان پس می پوشانید ایشان را خدا

بستره جبرئيل عن ايماننا وميكائيل عن شمائلنا ومحمد

به پرده خود جبرئیل از طرفهای راست ما و میکائیل از طرفهای چپ ما و محمد

امامنا والله العظيم يحجز عنا شركم ويمنعنا

از پیش روی ما است و خدای عظیم مانع میشود از ما شر شما را و منع میکند ما را

مِنكُم عَلِمَ اللهُ بِنا وَبِكُم عَينُ اللهِ تَرعانا وَتَرعاكُم

ازضرر شما عالم است خدا بما وبشما چشم خدا می پایند ما را ومی پایند شما را

اَللّٰهُمَّ مَن اَرادَ بِنا مَكرًا اَو عَيبًا اَو شَرًّا اَو مَساءَةً

خداوندا کسی که اراده داشته باشد بما مکری یا عیبی یا شری یا بدی را

مِن جِنٍّ وَاِنسٍ فَاِنّا نَسئَلُكَ اَن تُخرِجَ ذٰلِكَ مِن صَدرِهِ

از جن و آدمی پس بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو اینکه بیرون بری این را از سینهٔ او

وَتَختِمَ عَلىٰ قَلبِهِ وَبَصَرِهِ وَاُذُنِهِ غِشاوَةً وَتُبكِمَ

و مهر کنی بر دل او و بکردان بر چشم او و گوش او پوششی و گنگ کنی

لِسانَهُ وَتَشُلَّ يَدَهُ وَتُمِيتَهُ بِغَيظِهِ وَتَرُدَّ كَيدَهُ فِي

زبان او را و شل کنی دست او را و بمیرانی او را بخشم خودش و باز گردانی مکر او را در

نَحرِهِ وَتُحيطَ ذٰلِكَ السُّوءَ بِهِ وَتَخنُقَهُ بِهِ مَكرَهُ

گلوی گردن او و احاطه فرمائی آن بدی را بخودش و گلو گیر کنی با او مکر او را

كَاِحاطَةِ القَلائِدِ عَلَى التَّرائِبِ وَكَرُسُوخِ السِّجِّيلِ

مانند احاطه کردن قلادها بر پیش سینها و مانند فرو رفتن سنگ گل

عَلىٰ اَصحابِ الفِيلِ يا خَيرَ النّاصِرِينَ وَيا اَكرَمَ

بر اصحاب فیل ای بهترین نصرت کنندگان وای گرامی ترین

القادِرِينَ يا خَيرَ مَن دُعِيَ وَيا اَجوَدَ مَن اَعطىٰ يا خَيرَ

قادران ای بهترین کسی که خوانده شده وای بخشنده ترکسی که عطا کرده ای بهتر

مَن تَجاوَزَ يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ رَمَيتُ كُلَّ مَن يُرِيدُنا بِسُوءٍ

کسی که درگذشته ای رحم کننده ترین رحم کنندگان انداختم هر کسی را که اراده میکند ما را ببدی

تَوَكَّلنا عَلَى الحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَكَفىٰ بِاللهِ وَكِيلًا

توکل کردیم بر زنده که نمی میرد و بس است خدا برای وکیل بودن

رَمَيتُ كُلَّ مَن يُرِيدُنا بِسُوءٍ بِالسَّبعِ المَثانِي وَالقُرآنِ

انداختم هر کسی را که اراده میکند ما را ببدی بسبع المثانی و قرآن

العَظِيمِ اِن اَرادَنِيَ اللهُ بِضُرٍّ هَل هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ

عظیم اگر اراده داشته باشد خدا مرا بضرری آیا ایشان برطرف کننده اند ضرر او را

اَو اَرادَنِي بِرَحمَةٍ هَل هُنَّ مُمسِكاتُ رَحمَتِهِ قُل حَسبِيَ

یا اگر اراده داشته باشد مرا برحمتی آیا ایشان نگاهدارنده اند رحمت او را بگو بس است مرا

اللهُ عَلَيهِ يَتَوَكَّلُ المُتَوَكِّلُونَ حَسبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا

خدا بر او توکل میکنند توکل کنندگان بس است مرا خدا نیست خدائی مگر

هُوَ عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِيمِ فَسَيَكفِيكَهُمُ

او بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است پس زود باشد که کفایت کند تو را از شر ایشان

اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ

خدا و او است شنوای دانا و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند

دعائی که از حضرت امام همام ابی الحسن علی بن موسی
الرضا علیه التحیة والثناء روایت شده است

کسانی که گفتند مردم بتحقیق جمع شده اند برای شما پس بترسید از ایشان پس زیاد کرد ایشان را ایمان و گفتند بس است ما را خدا و نیکو وکیل است

اللهم انی اسألك ببدو الامر بمكنون السر بحياطة
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق ابتدای امر به پوشیده شده پنهان باحاطه کردن

قاف بموقف يوم المخاف بعلم الحروف بصحف الانجيل
کوه قاف بمحل ایستادن در روز ترس به علم ظاهر از حروف بصحیفهای انجیل

بقراءة الزبور بزخرف الطور بكتاب مسطور في
بخواندن زبور به زینت کوه طور به کتاب نوشته شده در

رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع و
پوستی پهن کرده شده و به خانهٔ معمور و سقف بلند کرده شده و

البحر المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع
دریای مملو ساکن بدرستی که عذاب پروردگار تو هر آینه واقع شدنی است نیست برای آن دفع کننده

باية الكرسي بحجاب العرش بحملة العرش بحفيف
بحق آیة الکرسی به حجاب عرش به بردارندگان عرش به صدای

الشجر بدوي الماء بساحة الارض بحجر الاسود بركن
درختان به صدای آب به فضای زمین به حجر الاسود برکن

العراق بركن الحجاز بركن اليمان بركن الشام
عراقی برکن حجازی برکن یمانی به رکن شامی

ببئر زمزم بمقام ابرهيم ببكاء يونس بدمع داود
به چاه زمزم به مقام ابرهیم بگریهٔ یونس به اشك داود

بحيتان البحر
بماهیان دریا

بملك

بملك سليمن بحكمة لقمان برجعة ذى القرنين بكتب
به پادشاهی سلیمن بحکمت لقمان به بازگشت ذی القرنین بکتابهای

الياس بقوة دانيال بامانة شعيب بنجاة لوط بقميص
الیاس به قوت دانیال به امانت داری شعیب به نجات یافتن لوط به پیراهن

يوسف بحزن يعقوب بضر ايوب بعصا موسى بورد
یوسف به اندوه یعقوب به بدحالی ایوب به عصای موسی به ورد

هارون بولادة مريم بعلم الخضر بعدد الملئكة
هارون به زائیدن مریم به علم خضر به عدد فرشتگان

بهداية الفقه بهوانة الفقر بليلة القدر بالسماء
به راهنمائی علم به خواری فقر به شب قدر به آسمان

وما فوقها والارض وما تحتها بكرامة الايمان بنون
وانچه بالای آنست و زمین وانچه زیر آنست بکرامت ایمان به نون

والقلم بقوة الجبال بعدل الميزان بالصفا والمروة
والقلم به قوت کوهها به عدالت میزان به کوه صفا و مروه

بموضع عرفات بجبل منى بمسجد الخيف بالمشعر الحرام
به موضع عرفات به کوه منی به مسجد خیف به مشعر الحرام

بصفاء آدم بصفوة حواء بعلم شيث بكرامات هود
به صفای آدم به صفای حوا به علم شیث به کرامتهای هود

بسفينة نوح بناقة صالح بخلة ابرهيم بقربان اسمعيل
به کشتی نوح به ناقه صالح بخلیل بودن ابرهیم بقربانی کردن اسمعیل
وذبحه بذرية اسحق برأفة زكرياء بعفة يحيى
وکشتن او به اولاد اسحق به مهربانی زکریا بعفت داشتن یحیی
بمستقر الامواج بمستقر الارواح بقطر المطر
به محل قرار موجها به محل قرار روحها بقطرات باران
بنظر المنظر بليلة الخميس بليلة الجمعة بالساعات
بنظر کردن چشم به شب پنجشنبه به شب جمعه به ساعتها
والايام بقراءة كتابك بفضل موسى بكرامات عيسى
وروزها بخواندن کتاب تو به فضیلت موسی به کرامتهای عیسی
بمحمد خاتم النبيين وآله المعصومين المنتجبين من آل
بحق محمد که آخر پیغمبران است وآل او که معصوم وبرگزیدگانند از آل
طه وآل يس يا بارئ الانام بعد الموت يا محيي العظام
طه وآل یس ای جان دهنده خلایق بعد از مردن ای زنده کننده استخوانها
يا من هو بالمنظر الاعلى بحقك على خلقك وبحق النبي
ای کسی که او در منظر اعلی است بحق تو بر خلق تو وبحق پیغمبر
الامي والكتاب العربي المهدي وبحق الصبيان
ناخوانده ونانوشته وکتاب عربی راهنمائی کرده شده بیان وبحق طفلان

الرضع

الرضع والبهائم الرتع والجبال الخشع والسوآم و
شیرخواره وچهارپایان چرنده وکوهای فروتنی کننده وجانوران زهردارنده
الهوآم والمسبحين بالليل والنهار والمستغفرين بالاسحار
گزنده وتسبیح کنندگان در شب وروز واستغفار کنندگان در سحرها
صل على محمد وآل محمد واغفر ذنوبنا وارزقنا الجنة
رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبیامرز گناهان ما را وروزی کن بما بهشت را
واقض حوائجنا من امور ديننا ودنيانا وآخرتنا و
وبرآور حاجتهای ما را از کارهای دین ما ودنیای ما وآخرت ما و
اعف عنا واغفر لنا ولآبائنا وارحمنا واجرنا
عفو کن از ما وبیامرز برای ما وبرای پدران ما ورحم کن ما را وپناه ده ما را
من خزي الدنيا وعذاب الآخرة واصرف عنا جميع
از خواری دنیا وعذاب آخرت وبازگردان از ما جمیع
انواع البلايا ولا تؤاخذنا بخطايانا واغفر لنا ولجميع
انواع بلاها را ومؤاخذه مکن ما را بگناهان ما وبیامرز برای ما وبرای همه
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات برحمتك
مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان مسلمان وزنان مسلمان برحمت خودت
يا ارحم الراحمين **حرز ابی دجانه انصاری** مرویست که
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و

حرز کبیر ابی دجانه انصاری

السّلام فرموده است که ابو دجانه انصاری آمد بخدمت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله پدرم و مادرم
فدای تو باد من در شبی بیرون آمدم ناگاه کسی را دیدم که از
در در آمد پس نزدیک او رفتم و دست من بیدن او رسید ناگاه
دیدم که پوست او مانند پوست خار پشت است پس حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السّلام
فرمود که یا ابا الحسن بنویس حرزی برای ابی دجانه و برای هر کس
از امت من که برسد باو از جن و از جنون و از عارضها و بلاها
پس حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام دوات و کاغذ سفید
طلبید و سؤال کرد که یا رسول الله چه چیز بنویسم جواب فرمود
که بنویس این حرز را و بعد از آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام
این حرز را نوشت ابو دجانه آنرا گرفت و بمنزل خود رفت و حرز را
پارچه پیچید و نگاه داشت و چون شب شد و خوابید دید که جنیان
که در آن خانه اند میگویند که ای ابی دجانه سوزانیدی ما را و هلاک
کردانیدی ما را بعد ازین کاری نخواهیم کرد که تو را ناخوش آید و بفضل
حق تعالی جنیان دیگر آزاری باو نرسانیدند و حرز اینست
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات
بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس مر خدا راست که آفریده است آسمانها

والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا
و زمین را و گردانیده است تاریکیها و روشنی را بعد از آن جماعتی که کافر شده اند
بربهم یعدلون هذا کتاب من محمد رسول الله صلوات
بپروردگار خود عدول میکنند این نوشته است از جناب محمد رسول خدا رحمتهای
الله علیه و آله النبی الامی القرشی المکی التهامی
خدا بر او و بر آل او باد که پیغمبر ناخوانده و نانوشته قرشی مکی تهامی
الابطحی الهاشمی صاحب القضیب والناقة والحوض
ابطحی هاشمی است که صاحب شمشیر و شتر است و صاحب حوض کوثر
والشفاعة والتاج والهراوة صاحب قول لا اله الا
و شفاعت و تاج و عصا است صاحب قول لا اله الا
الله الی من طرق الدار من العمار والسکان والدعار
الله است بسوی کسانی که وارد شوند خانه را از عامران و ساکنان و ترسانندگان
الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحق
مگر وارد شونده که وارد شود بخیر اما بعد پس بدرستی که برای ما و برای شما در حق
سعة فان یکن طارقا مولعا او داعیا مبطلا او مودیا
توسعه هست پس اگر بوده باشد در سیاه شما وارد شونده حریص یا خواننده بسیار باطل یا آزار رساننده
مقتحما فاترکوا حملة القرآن وانطلقوا الی عبدة
هجوم کننده پس واگذارید بردارندگان قرآن را و بروید بجانب عبادت کنندگان

الْاَوْثَانِ هٰذَا كِتَابٌ يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

این نوشته است که گویا میشود بر شما بحق بدرستی که ما هستیم که باطل میکنیم بتها

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ يُرْسَلُ

آنچیزیرا که بودید شما که میکردید بدرستیکه رسولان ما می نویسند آنچه را که مکر میکنید شما فرستاده میشود

عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ بِسْمِ اللّٰهِ

بر شما قطعه از آتش و مس پس انتقام نمیکشید بنام خدا

وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا

و باستعانت خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و نیست غالبی مگر خدا و نیست

اَحَدٌ سِوَى اللّٰهِ وَلَا اَحَدٌ مِثْلُ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا اِلٰهَ

کسی غیر خدا و نیست کسی مثل خدای بخشاینده مهربان نیست خدا

اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ اَبْتَدِاءُ وَاَسْتَفْتِحُ

مگر او که پروردگار عرش عظیم است بنام خدا ابتدا میکنم و طلب فتح میکنم

بِاللّٰهِ وَاَتَوَكَّلُ عَلَى اللّٰهِ صَاحِبُ كِتَابِي هٰذَا فِي حِرْزِ اللّٰهِ

بخدا و توکل میکنم بر خدا صاحب کتاب من این کتاب در حرز خدا

وَكَنَفِ اللّٰهِ وَاَمَانِ اللّٰهِ وَضَمَانِ اللّٰهِ حَيْثُ مَا كَانَ

و پناه خدا و امان خدا و ضمان خداست در هر جائی که بوده باشد

وَحَيْثُ مَا تَوَجَّهَ لَا تَقْرَبُوهُ وَلَا تَفْزَعُوهُ وَلَا تُضَارُّوهُ

و بهر جا که متوجه شود نزدیک مشوید او را و مترسانید او را و ضرر مرسانید باو

شواظ
بمعنی زبانهٔ آتش
نیز آمده و دود بی آتش
است

قَاعِدًا وَلَا قَائِمًا وَلَا نَائِمًا وَلَا فِي اَكْلٍ وَلَا فِي شُرْبٍ وَ

در حال نشستن و نه در حال ایستادن و نه در حال خواب و نه در وقت خوردن و نه در وقت آشامیدن و

لَا فِي اغْتِسَالٍ وَلَا فِي جَنَابَةٍ وَلَا فِي جِبَالٍ وَلَا فِي

نه در وقت غسل کردن و نه در حال جنابت و نه در کوهها و نه در

بِحَارٍ وَلَا فِي حَالٍ مِنَ الْاَحْوَالِ وَلَا فِي لَيْلٍ وَلَا فِي

دریاها و نه در حالی از حالها و نه در شب و نه در

نَهَارٍ وَكُلَّمَا سَمِعْتُمْ ذِكْرَ كِتَابِي هٰذَا فَادْبِرُوا عَنْهُ

روز و هر وقتی که بشنوید شما ذکر کتاب مرا این کتاب پس پشت بکردانید از او

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ غَالِبُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نیست خدائی مگر خدا که غالب است بر هر چیزی و او بر هر چیز قادر است

وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَهُوَ اَعَزُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و بسوی اوست بازگشت و او عزیزتر است از هر چیزی و او بر هر چیز

حَفِيظٌ اَللّٰهُمَّ احْفَظْ يَا رَبِّ مَنْ عَلَّقَ عَلَيْهِ كِتَابِي هٰذَا

نگهبان است خداوندا حفظ کن ای پروردگار من کسی را که آویخته شده است بر او کتاب مرا این کتاب

بِالْاِسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ لَا

بنامی که آن نوشته شده است بر سراپردهای عرش نیست

اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْغَالِبُ الَّذِي لَا يَغْلِبُهُ شَيْءٌ وَلَا يَنْجُو

خدائی مگر الله که غالب است که غلبه نمیکند بر او چیزی و نجات نمی‌یابد

مِنهُ هارِبٌ وَاُعِيذُهُ بِالحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَبِالعَزِيزِ
اَزْ اُو گُرِيزَنْدَه وَپناه مِيدِهَم اُورَا بِزِنْدَه كه نَمِي مِيرَد وَبعزِيزِي
الَّذِي لا يُضامُ وَبِالقَيُّومِ الَّذِي لا يَنامُ وَبِالكُرسِيِّ
كه سِتَم رَسَانِيدَه نمِيشَود وَبخُود بَرپَائِي كه نمِيخوَابَد وَبَر كُرسِي
الَّذِي لا يَزُولُ وَاُعِيذُهُ بِالاِسمِ الَّذِي هُوَ مَكتُوبٌ
كه زَائِل نمِيشَود وپناه مِيدهم اُورَا بنامِي كه آن نوشته شُده است
فِي اللَّوحِ المَحفُوظِ وَبِالاِسمِ الَّذِي هُوَ مَكتُوبٌ فِي
دَر لَوح مَحفُوظ وَبنامِي كه آن نوشته شده است در
التَّورٰيةِ وَالاِنجِيلِ وَبِالاِسمِ الَّذِي هُوَ مَكتُوبٌ فِي
تورٰيةٰ وَانجِيل وَبنامِي كه آن نوشته شده است در
الزَّبُورِ وَبِالاِسمِ الَّذِي هُوَ مَكتُوبٌ فِي القُرآنِ وَبِالاِسمِ
زبُور وَبنامِي كه آن نوشته شده است دَر قُرآن وبنامِي
الَّذِي حُمِلَ بِهِ عَرشُ بِلقِيسَ اِلىٰ سُلَيمٰنَ بنِ داوُدَ عَلَيهِما
كه بَرداشته شد بسَبَب آن بارگاه بلقيس بجانِب سُليمٰن پِسَر داوُد كه بر ايشان باد
السَّلامُ قَبلَ اَن يَرتَدَّ اِلَيهِ طَرفُهُ وَبِالاِسمِ الَّذِي نَزَلَ
سَلام پيش از آنكه بَر گردد بسُوی او چشم او وَبنامِي كه نازل شد
بِهِ جَبرَئِيلُ عَلَيهِ السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ
بآن جبرئِيل كه بر او باد سَلام بَر مُحمَّد كه رحمت فرستد خدا بر او وَآل او

فِي يَومِ الاِثنَينِ وَبِالاَسماءِ الثَّمانِيَةِ المَكتُوباتِ عَلىٰ قَلبِ
دَر رُوز دُوشنبه وَ بنامهاى هشت گانه كه نوشته شده اند بر دل
الشَّمسِ وَضَوءِ القَمَرِ وَبِالاِسمِ الَّذِي يَسِيرُ بِهِ السَّحابُ
آفتاب وَرُوشنائى ماه وَبنامِي كه راه ميروند بآن ابرهاى
الثِّقالُ وَيُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلٰئِكَةُ مِن خِيفَتِهِ
سَنگين وَتسبيح ميكند رعد بحمد او وَفرشتگان از ترس او
وَبِالاِسمِ الَّذِي تَجَلّىٰ بِهِ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الجَبَلِ
وَبنامى كه ظاهر شد بآن پروردگار كه عزيز و بزرگوار است بر كوه
لِمُوسىٰ بنِ عِمرانَ عَلَيهِ السَّلامُ فَتَقَطَّعَ الجَبَلُ مِن اَصلِهِ
براى مُوسىٰ پسر عمران بر او باد سَلام پس پاره پاره شد كوه از بيخ آن
وَخَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً وَبِالاِسمِ الَّذِي كُتِبَ عَلىٰ وَرَقِ
وَبرو افتاد مُوسىٰ بيهوش وَبنامى كه نوشته شده است بر برگ
الزَّيتُونِ وَاُلقِيَ فِي النّارِ فَلَم يَحتَرِق وَبِالاِسمِ الَّذِي
زيتُون وانداخته شد در آتش پس نسوخت وَبنامى كه
مَشىٰ بِهِ الخِضرُ عَلَيهِ السَّلامُ عَلَى الماءِ فَلَم تَبتَلَّ قَدَماهُ
راه رفت بآن خضر بر او باد سَلام بر روى آب پس تر نشد پاهاى او
وَبِالاِسمِ الَّذِي نَطَقَ بِهِ عِيسَى بنُ مَريَمَ صَلَواتُ اللّٰهِ
وَبنامى كه سخن گفت بآن عيسىٰ پسر مريم كه رحمتهاى خدا

عَلَيْهِ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا وَابْرَءَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَ
بر او باد در گهواره در حال کودکی و شفا داد اکمه و ابرص را و
اَحْيَى الْمَوْتٰى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُعِيْذُهُ بِاللّٰهِ الَّذِيْ نَجّٰى اِبْرٰهِيْمَ
زنده کرد مردگان را باذن خدا و پناه میدهم او را بخدائی که نجات داد ابرهیم را
عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَارِ نَمْرُوْدَ بْنِ كَنْعَانَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِيْ دَعٰى
که بر او باد سلام از آتش نمرود پسر کنعان و بنامی که دعا کرد
بِهٖ يُوْسُفُ الصِّدِّيْقُ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فِي الْجُبِّ فَنَجَا
بان یوسف صدیق که رحمتهای خدا بر او باد در چاه پس نجات یافت
وَبِالْاِسْمِ الَّذِيْ دَعَا بِهٖ يُوْنُسُ بْنُ مَتّٰى مِنَ الظُّلْمَةِ فَنَجَّيْتَهٗ
و بنامی که دعا کرد بان یونس پسر متی در تاریکی پس نجات دادی او را
وَبِالْاِسْمِ الَّذِي انْفَلَقَ بِهِ الْبَحْرُ لِمُوْسَى بْنِ عِمْرَانَ صَلَوٰاتُ
و بنامی که شکافته شد بان دریا برای موسی پسر عمران که رحمتهای
اللّٰهِ عَلَيْهِ وَبَنِيْ اِسْرَآئِيْلَ وَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيْمِ
خدا بر او باد و برای بنی اسرائیل و بود هر شکافی مثل کوه عظیم
وَاُعِيْذُهُ بِالتِّسْعِ اٰيَاتٍ الَّتِيْ نَزَلَتْ بِطُوْرِ سَيْنَآءَ عَلٰى
و پناه میدهم او را به نه علامتی که نازل شد در کوه طور سینا بر
مُوْسٰى صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاُعِيْذُ حَامِلَ كِتَابِيْ هٰذَا مِنْ
موسی که رحمتهای خدا بر او باد و پناه میدهم بردارنده کتاب خود را این کتاب از

اکمه نابینا کسی که از مادر کور زاده شود و ابرص کسی که پیس باشد

كُلِّ عَيْنٍ نَاظِرَةٍ وَاُذُنٍ سَامِعَةٍ وَاَلْسُنٍ نَاطِقَةٍ وَاَيْدٍ
هر چشم نظر کننده و گوشهای شنونده و زبانهای سخن گوینده و دستهای
بَاطِشَةٍ وَاَقْدَامٍ مَاشِيَةٍ وَقُلُوْبٍ وَاعِيَةٍ وَصُدُوْرٍ
ضرر رساننده و پایهای راه رونده و دلهای حفظ کننده و سینهای
خَاوِيَةٍ وَاَنْفُسٍ كَافِرَةٍ وَيَمِيْنٍ لَازِمَةٍ وَبَلِيَّةٍ ظَاهِرَةٍ
فرو گیرنده و نفسهای کفر ورزنده و قسم لازمی و بلای ظاهری
اَوْ بَاطِنَةٍ وَاُعِيْذُهُ مِمَّنْ يَعْمَلُ السُّوْٓءَ وَالْخَطَايَا اَوْ
یا پنهانی و پناه میدهم او را از کسی که میکند بدی و خطاها یا
يَهُمُّ بِهَا مِنْ ذَكَرٍ وَاُنْثٰى وَاُعِيْذُهُ مِنْ شَرِّ عُقَدِهِمْ
قصد میکند بانها از مرد و زن و پناه میدهم او را از شر گرهای ایشان
وَمَكْرِهِمْ وَسِلَاحِهِمْ وَبَرِيْقِ اَعْيُنِهِمْ وَحَرِّ اَجْسَادِهِمْ
و مکر ایشان و سلاح ایشان و برق چشمهای ایشان و گرمی بدنهای ایشان
وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِيْنِ وَمِنَ التَّوَابِعِ وَاللَّوَازِمِ
و از شر جن و آدمی و شیطانها و از توابع و لوازم
وَالسَّحَرَةِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَكُوْنُ فِي الْجِبَالِ وَالْغِيَاضِ وَ
و ساحران و از شر انچه می باشد در کوهها و جنگلها و
الْخَرَابِ وَالْعُمْرَانِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِي الْقُبُوْرِ وَمِنْ شَرِّ
خرابها و معمورها و از شر ساکنان قبرها و از شر

توابع و لوازم جنیانی اند که همراه آدمی باشند و لوازم آنها که همراه ایشان باشند

سَاكِنِي الْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَكُونُ فِي الْمِيَاهِ وَالْأَوْدِيَةِ

ساکنان دریاها و نهرها و از شر کسی که می باشد درمیان آبها و دره‌ها

وَالْأَنْهَارِ وَالْقِفَارِ وَالْآبَارِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ

و نهرها و غارهای بلند و چاهها و از شر شیطانها و از

شَرِّ كُلِّ غُولٍ وَغُولَةٍ وَسَاحِرٍ وَسَاحِرَةٍ وَسَاكِنٍ وَ

شر هر مرد غول و زن غول و مرد سحر کننده و زن سحر کننده و مرد ساکن و

سَاكِنَةٍ وَتَابِعٍ وَتَابِعَةٍ وَشَرِّهِمْ وَشَرِّ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ

زن ساکن و مرد تابع و زن تابع و شر ایشان و شر پدران ایشان و مادران ایشان

وَأَبْنَائِهِمْ وَمِنْ شَرِّ الطَّيَارَاتِ وَأُعِيذُهُ بِأَهْيَا شَرَاهِيَا

و پسران ایشان و از شر فالهای بد و پناه میدهم اورا باز لی ذاتی

وَأُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ الدَّهَالِسِ وَالْأَبَالِسِ

و پناه میدهم بردارنده کتابخودم را این کتاب از شر دهالس و ابلیسها

وَمِنْ شَرِّ الْفَاعِلِ وَالْفَاعِلَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ سَاحِرَةٍ

و از شر مرد کننده و زن کننده و از شر هر چشم سحر کننده

وَخَاطِئَةٍ وَمِنْ شَرِّ الدَّاخِلِ وَالْخَارِجِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ

و خطا کننده و از شر داخل شونده و بیرون رونده و از شر هر زیادتی کننده

وَعَادٍ وَمِنْ شَرِّ عَفَارِيتِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الرِّيَاحِ

و تجاوز کننده و از شر عفریتهای جن و آدمی و از شر بادها

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ أَعْجَمِيٍّ وَفَصِيحٍ وَنَائِمٍ وَيَقْظَانٍ وَأُعِيذُ حَامِلَ

و از شر هر عجمی و فصیحی و خوابی و بیداری و پناه میدهم بردارنده

كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ سَاكِنِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْبُيُوتِ وَ

کتابخودم را این کتاب از شر ساکنان زمین و آسمان و خانها و

الزَّوَايَا وَالْمَزَابِلِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ يُولَعُ بِهَا وَأُعِيذُهُ

گوشها و مزبلها و از شر هر که حرص میورزد درانها و پناه میدهم اورا

مِنْ شَرِّ مَا نَظَرَ إِلَيْهِ الْعُيُونُ وَأُضْمِرَتْ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ

از شر آنچه نظر میکند بسوی آن چشمها و پنهان کرده شده است بران دلها

وَأُخِذَتْ عَلَيْهِ الْعُهُودُ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يُولَعُ بِالْفُرُشِ وَالْمُهُودِ

و گرفته شده است بران عهدها و از شر کسی که حرص میورزد در رختخوابها و گهوارها

وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَعْمَلُ الْعَزِيمَةَ وَمِنْ شَرِّ مَنْ لَا يَقْبَلُ النَّصِيحَةَ

و از شر کسی که میکند عزیمت را و از شر کسی که قبول نمیکند نصیحت را

وَمِنْ شَرِّ مَنْ إِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصُ

و از شر کسی که هرگاه یاد کرده شود خدای تعالی میگدازد چنانکه میگدازد قلعی

وَأُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ

و پناه میدهم بردارنده کتابخودم را این کتاب از شر ابلیس و از شر شیطانها

وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَعْمَلُ الْعُقَدَ وَمِنْ يَسْكُنُ الْهَوَاءَ وَالْجِبَالَ وَ

و از شر کسی که میبندد گرهها را و کسی که ساکن میشود در هوا و کوهها و

الْبِحَارِ وَمَنْ فِي الظُّلُمَاتِ وَمَنْ فِي النُّورِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَسْكُنُ

دریاها وکسی که در تاریکیهاست وکسی که در روشنی است واز شر کسی که ساکن می باشد

الْقُبُورَ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَمَنْ يَكُونُ مَعَ

در قبرها واز شر کسی که راه برود در بازارها وکسی که می باشد با

الدَّوَابِّ وَالْمَوَاشِي وَالْوُحُوشِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَكُونُ فِي

چهارپایان وگلها ووحشیان واز شر کسی که می باشد در

الْآرَامِ وَالْآجَامِ وَالْآكَامِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يُوَسْوِسُ فِي

دشتها ونیستانها وتلها واز شر کسی که وسوسه میکند در

صُدُورِ النَّاسِ وَيَسْتَرِقُ السَّمْعَ وَأُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي

سینهای مردمان وگوش می اندازد وپناه میدهم بردارنده کتاب خودرا

هٰذَا مِنَ النَّظْرَةِ وَاللَّمْحَةِ وَالْخَطْرَةِ وَالْكَسْرَةِ وَ

این کتاب از نظر کردن ونظر سبک وبخاطر گذرانیدن وشکستن و

النَّفْخَةِ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ الْمُتَمَرِّدَةِ وَمِنْ شَرِّ الطَّائِفِ

دمیدن وچشمهای مردمان وجنیان سرکش واز شر طوف کننده

وَالطَّارِقِ وَالْغَاسِقِ وَالْوَاقِبِ وَأُعِيذُهُ مِنْ شَرِّ

ووارد شونده وشب تاریك وداخل شونده وپناه میدهم اورا از شر

كُلِّ عَقْدٍ وَسِحْرٍ وَفَزَعٍ وَاسْتِيحَاشٍ أَوْ هَمٍّ أَوْ كَرْبٍ أَوْ أَحْزَانٍ

هر گرهی وسحری وترسی ووحشتی یا غمی یا اندوهی یا سوختنی

أَوْ وَسْوَاسٍ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَعْتَرِي لِبَنِي آدَمَ وَبَنَاتِ حَوَّاءَ

یا وسوسه واز هر دردی که عارض میشود برای پسران آدم ودختران حوا

مِنْ قِبَلِ الْبَلْغَمِ وَالدَّمِ وَالْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ وَالْحَمْرَاءِ وَ

از جانب بلغم وخون ومره سیاه وسرخ و

الصَّفْرَاءِ وَمِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَاءٍ

زرد واز زیادتی ونقصان واز شر هر دردی

يُغَيِّرُ الْجِلْدَ أَوْ جَارِحَةٍ أَوْ عِرْقٍ أَوْ عَصَبٍ أَوْ فِي نُطْفَةٍ

که تغییر دهد پوست را یا عضوی یا رگی یا پی یا در نطفه

أَوْ فِي كُلِّ زَوْجٍ أَوْ فِي سَمْعٍ أَوْ بَصَرٍ أَوْ شَعْرٍ أَوْ بَشَرٍ أَوْ

یا در هر زوجی یا در گوشی یا چشمی یا موئی یا پوستی یا

سِنٍّ أَوْ ظُفُرٍ أَوْ رِجْلٍ أَوْ يَدٍ أَوْ ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ وَأُعِيذُهُ

دندانی یا ناخنی یا پائی یا دستی یا ظاهری یا پنهانی وپناه میدهم اورا

بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ آدَمُ أَبُو الْبَشَرِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ

بآنچه پناه جسته است بآن آدم پدر آدمیان که رحمتهای خدا براو باد

وَشِيثُ وَهَابِيلُ وَإِدْرِيسُ وَنُوحٌ وَلُوطٌ وَإِبْرٰهِيمُ

وبآنچه پناه جسته است بآن شیث وهابیل وادریس ونوح ولوط وابرهیم

وَإِسْمٰعِيلُ وَإِسْحٰقُ وَيَعْقُوبُ وَالْأَسْبَاطُ وَعِيسَى وَ

واسمعیل واسحق ویعقوب وفرزندان یعقوب وعیسی و

ايوب و يونس و الياس و اليسع و يوسف و موسى و
ايوب و يونس و الياس و اليسع و يوسف و موسى و
هرون و داود و زكريا و يحيى و هود و شعيب و
هرون و داود و زكريا و يحيى و هود و شعيب و
صالح و لقمن و ذوالكفل و ذوالقرنين و طالوت و
صالح و لقمن و ذوالكفل و ذوالقرنين و طالوت و
العزير و الخضر و النبي الامي المصطفى صلوات الله
عزير و خضر و پیغمبر امی برگزیده که رحمتهای خدا
عليه و عليهم و كل ملك مقرب و نبي مرسل و اقسمت
بر او و بر ایشان باد و بانچه پناه جستم بان هر ملک مقرب و پیغمبر مرسل و قسم خوردم
و اسميت على من علق عليه كتابي هذا بسم الله
و نام بردم بر کسی که او یخته شده است بر او کتابم این کتاب بنام خدای
الرحمن الرحيم الجليل الحميد الفعال لما يريد و اعبده
بخشاینده مهربان بزرگوار ستوده شده بسیار کننده برای انچه خواهد و پناه میدهم اورا
بالله و بما استنارت به الشمس [illegible] به القمر و هو
بخدا و بانچه نورانی شده است بان افتاب و روشن شده است بان ماه و ان
مكتوب تحت العرش لا اله الا الله محمد رسول الله
نوشته شده است در زیر عرش که نیست خدائی مگر الله محمد رسول خدا

فسیکفیکهم

فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم نفذت حجة
پس زود باشد که کفایت کند خدا از تو شر ایشان را و اوست شنوای دانا جاری شد حجت
الله و ظهر سلطان الله و تفرق اعداء الله و بقي وجه
خدا و ظاهر شد سلطنت خدا و متفرق شدند دشمنان خدا و باقی ماند ذات
الله و انت يا حامل كتابي هذا في حرز الله و كنف الله
خدا و تو ای بردارنده کتابم این کتاب در حرز خدا و پناه خدا
و ستر الله و امان الله و جوار الله و الله جارك و
و پرده خدا و امان خدا و همسایگی خدائی و خدا همسایه تو و
ولیك ما شاء الله كان و ما لم يشا لم يكن اشهد
دوست تو انچه خواسته است خدا شده است و انچه نخواسته است نشده است گواهی میدهم
ان الله على كل شئ قدير و ان الله قد احاط بكل
اینکه خدا بر همه چیز قادر است و اینکه خدا بتحقیق که احاطه کرده است هر
شئ علما و احصى كل شئ عددا و احاط بما لديه خبرا
چیزی از راه علم و شمرده است هر چیزی را از جهت عدد و احاطه کرده است بانچه نزد اوست از راه اطلاع
ان الله و ملئكته [illegible]صلون على النبي يا ايها الذين امنوا
بدرستی که خدا و فرشتگان او رحمت میفرستند بر پیغمبر ای کروهی که ایمان اورده اید
صلوا عليه و سلموا تسليما ختمت كتابي هذا بخاتم
رحمت بفرستید بر او و سلام فرستید سلام فرستادنی مهر کردم کتاب خودم را این کتاب بمهر

اللهِ الَّذی خَتَمَ بِهِ اَقطارَ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ وَبِخاتَمِ
خدا که مهر کرده است بآن اطراف آسمانها و زمین را و بمهر
اللهِ المَنیعِ وَبِخاتَمِ سُلَیمٰنَ بنِ داوُدَ وَبِخاتَمِ مُحَمَّدٍ المُصطَفیٰ
خدا که قوی است و بمهر سلیمان پسر داود و بمهر محمد مصطفی
صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَلا اِنَّ اَولِیاءَ اللهِ لا خَوفٌ عَلَیهِم
که رحمتهای خدا بر ایشان باد آگاه باش بدرستی که دوستان خدا نیست خوفی بر ایشان
وَلا هُم یَحزَنُونَ وَبِکُلِّ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ وَبِکُلِّ نَبِیٍّ
و نه ایشان اندوهناک میشوند و بهر فرشته مقرّبی و بهر پیغمبر
مُرسَلٍ وَبِاللهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ
مرسلی و بخدائی که نیست خدائی مگر او که پروردگار عرش بزرگ است
منقولست که هر که این دعا را چهل صباح بخواند میشود از
جمله نصرت کنندگان حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة والسلام
اَللّٰهُمَّ بَلِّغ مَولانا صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُكَ عَلَیهِ فی
خداوندا برسان آقای ما صاحب الزمان را که رحمتهای تو بر او باد در
مَشارِقِ الاَرضِ وَمَغارِبِها وَسَهلِها وَجَبَلِها عَنّی
مشرقهای زمین و مغربهای زمین و هموار زمین و کوه زمین از جانب من
وَعَن والِدَیَّ وَاَولادی وَاِخوانی فی دینی صَلوةً
و از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و برادران من در دین من رحمتی

كثیرة

كَثیرَةً زِنَةَ عَرشِكَ وَعَدَدَ كَلِماتِكَ وَعَدَدَ ما اَحصاهُ
بسیار هم وزن عرش تو و بعدد کلمهای تو و بعدد آنچه شمرده است آن را
كِتابُكَ وَعَدَدَ ما اَحاطَ بِهِ عِلمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُجَدِّدُ
کتاب تو و بعدد آنچه احاطه کرده است بآن علم تو خداوندا بدرستی که من هر آینه تازه میکنم
فی صَبیحَةِ هٰذَا الیَومِ وَما عِشتُ بِهِ فی اَیّامِ حَیوتی
در صبح این روز و آنچه زنده بمانم در آن در روزهای زندگی خود
عَهداً وَبَیعَةً لِمَولانا صاحِبِ الزَّمانِ فی عُنُقی لا
پیمانی و بیعتی برای آقای ما صاحب الزمان در گردن خودم که
اَحُولُ عَنها وَلا اَزُولُ اَللّٰهُمَّ اجعَلنی مِن اَنصارِهِ وَ
برنگردم از آن و زایل نشوم خداوندا بگردان مرا از نصرت کنندگان او و
نُصّارِهِ وَالذّابّینَ عَنهُ وَالمُمتَثِلینَ لِاَمرِهِ وَ
یاوران او و دفع کنندگان از او و امتثال کنندگان برای فرمان او و
المُستَشهَدینَ بَینَ یَدَیهِ اَللّٰهُمَّ وَاِن حالَ بَینی وَبَینَهُ
شهید شدگان در پیش روی او خداوندا و اگر چنانکه حایل شود میان من و میان او
اَلمَوتُ الَّذی جَعَلتَهُ عَلیٰ عِبادِكَ حَتماً فَاَخرِجنی
مردنی که گردانیدهٔ آن را بر بندگان خودت لازم پس بیرون آور مرا
مِن قَبری مُؤتَزِراً كَفَنی شاهِراً سَیفی مُجَرِّداً قَناتی
از قبر من بخود پیچیده کفن خودم را از غلاف کشیده شمشیر خود را برهنه کرده نیزه خود را

شاهر یعنی کسی که شمشیر خود را از غلاف بیرون آورده باشد و از برهنه کرده باشد و آماده زدن داشته باشد

مُلَبِّیاً دَعْوَةَ الدّاعی لِلْحاضِرِ وَالْبادی اَللّٰهُمَّ وَاَرِنِی

لبیک گوینده خواندن کسی را که طلب کننده است مر حاضران در شهرها و صحرا نشینان را خداوندا و بنمای بمن

الطَّلْعَةَ الرَّشیدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمیدَةَ وَاکْحُلِ اللّٰهُمَّ

آن طلعت نیکو را و آن سفیدی پیشانی محمود را و سرمه بکش خداوندا

مَرَهی بِنَظْرَةٍ مِنّی اِلَیْهِ وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ اَزْرَهُ وَطَوِّلْ

چشم ما را سرمه را بسبب نظر کردن از من بسوی او و قوی گردان خداوندا قوت او را و دراز کن

عُمْرَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَکَ وَ

عمر او را و قوت ده پشت او را و معمور گردان خداوندا باو شهرهای خود را و

اَحْیِ بِهِ عِبادَکَ فَاِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ ظَهَرَ

زنده گردان بسبب او بندگان خود را پس بدرستی که تو گفته و گفتار تست حق که ظاهر شده است

الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ اَیْدِی النّاسِ فَاَظْهِرْ

فساد در بیابان و دریا بسبب آنچه کسب کرده اند دستهای مردمان پس ظاهر کردان

لَنا وَلِیَّکَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ

برای ما دوست خود را و پسر دختر پیغمبر خود را که نامیده شده است بنام پیغمبر تو

حَتّی لا یَخْفی شَیْءٌ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ

تا اینکه مخفی نماند چیزی از حق از ترس کسی از خلق خداوندا

اکْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ اِنَّهُمْ

بردار این سختی را از این امت بحاضر شدن آنحضرت بدرستی که ایشان

یَرَوْنَهُ بَعیداً وَنَرٰیهُ قَریباً یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ

گمان میکنند او را دور و می بینیم ما او را نزدیک ای آقای من ای صاحب الزمان

اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ اَنَا مُنْتَظِرٌ لَکَ حَتّی یُمَکِّنَنِیَ اللهُ مِنْ دَوْلَتِکَ

تعجیل کن تعجیل کن که من منتظرم برای آمدن تو تا اینکه ممکن سازد مرا خدا از دولت تو

اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ مناجاتی که منسوب است بحضرت امام همام سید

تعجیل کن تعجیل کن السّاجدین زین العابدین صلوات الله وسلامه علیه

اِلٰهی طالَ ما نامَتْ عَیْنایَ وَقَدْ حَضَرَتْ اَوْقاتُ صَلَواتِکَ

ای خدای من بطول انجامید که بخواب رفته بود چشمهای من و حال آنکه بتحقیق که حاضر شده بود وقتهای نمازهای تو

وَاَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَیَّ تَحَلَّمُ بِحِلْمِکَ الْکَریمِ اِلی اَجَلٍ

و تو مطلع بودی بر من در حالتی که حلم میکردی بحلم بزرگ خود تا زمانی

قَریبٍ فَوَیْلٌ لِهاتَیْنِ الْعَیْنَیْنِ کَیْفَ تَصْبِرانِ غَداً

نزدیک پس وای بر این دو چشم چگونه صبر خواهند کرد فردا

عَلی حَریقِ النّارِ اِلٰهی طالَ ما اَمْشَتْ قَدَمایَ فِی

بر سوزانیدن آتش الهیا ای خدای من بطول انجامید که براه رفت پاهای من در

غَیْرِ طاعَتِکَ وَاَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَیَّ تَحَلَّمُ بِحِلْمِکَ الْکَریمِ اِلی

غیر طاعت تو و تو مطلع بودی بر من و حال آنکه حلم میکردی بحلم بزرگ خود تا

اَجَلٍ قَریبٍ فَوَیْلٌ لِهاتَیْنِ الْقَدَمَیْنِ کَیْفَ تَصْبِرانِ غَداً

زمانی نزدیک پس وای بر این دو پا چگونه صبر خواهند کرد فردا

على تحريق النار الهي طالما ارتكبت نفسي بما هو راجع

بر سوزانيدن آتش اينها را اى خدا من بطول انجاميد كه مشغول شد نفس من بكار چند بد كه آن بر گردد

الي وانت مطلع على تحلم بحلمك الكريم الى اجل

بر من و تو مطلع بودی بر من و حال آنكه حلم ميكردی بحلم بزرگ خود تا زمانی

قريب فويل لهذا الجسد الضعيف كيف تصبر غدا

نزديك پس واى بر اين بدن ناتوان چگونه صبر ميكند فردا

على تحريق النار الهي ليت امي لم تلدني الهي ليت

بر سوزانيدن آتش او را اى خداى من كاش مادر من نزاييده بود مرا اى خدا من كاش

السباع قسمت لحمي على اطراف الجبال ولم اقم

درندگان قسمت كرده بودند گوشت مرا بر اطراف كوهها و نه ايستاده بودم و با مجال

بين يديك الهي ليتني كنت طيرا فاطير في الهواء

پيش روى تو اى خداى من كاش من بودم مرغى پس پرواز ميكردم در دنيا هوا

من فرقك الهي الويل لي ان كان في النار مجلسي الهي

از ترس تو اى خداى من واى بر من اگر بوده باشد در آتش نشيمن من اى خداى من

الويل لي ثم الويل لي ان كان الزقوم طعامي الهي

واى بر من پس واى بر من اگر بوده باشد درخت زقوم خوراك من اى خدا من

الويل لي ثم الويل لي ان كان القطران لباسي الهي

واى بر من پس واى بر من اگر بوده باشد جامهاى آتش لباس من اى خدا من

الويل لي ثم الويل لي ان كان الجحيم شرابي الهي الويل

واى بر من پس واى بر من اگر بوده باشد جحيم جهنم شراب من اى خداى من واى

لي ثم الويل لي اذا انا قدمت اليك وانت ساخط

بر من پس واى بر من در وقتی كه من بيايم بسوى تو و حال آنكه خشمناك باشی

علي فما الذي يرضيك عني او باي حسنات سبقت

بر من پس چيست آن چيزى كه خوشنود گرداند ترا از من يا بكدام حسنهائى كه سبقت كرده است

مني في طاعتك ارفع بها اليك راسي وينطلق

از من در طاعت تو كه بلند كنم بسبب آنها بسوى تو سر خود را و جارى شود

بها لساني الا الرجاء منك فقد سبقت رحمتك

بآنها زبان من مگر اميدوارى از تو پس بتحقيق كه سبقت كرده است رحمت تو

غضبك وقلت وقولك الحق نبئ عبادي اني انا

غضب ترا و گفتى تو و گفته تو است حق كه خبر ده بندگان مرا اينكه من منم

الغفور الرحيم وان عذابي هو العذاب الاليم

بسيار آمرزنده مهربان و اينكه عذاب من اوست عذاب دردناك

صدقت وبررت يا سيدي لا يرد غضبك الا حلمك

راست گفتى تو و نيكو گفتى اى آقاى من برنميگرداند غضب ترا مگر حلم تو

ولا يجير من عقابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا

و پناه نميدهد از عقاب تو مگر رحمت تو و نجات نميدهد از تو مگر

التضرع الیک فها انا ذا بین یدیک ذلیل صاغر راغم
زاری کردن بسوی تو پس اینک من ایم پیش روی تو ذلیل و خوار و افتاده کننده
داحض فان تعف عنی فقد بما شملتنی رحمتک و
ناچیز مر پس اگر عفو کنی از من پس از قدیم فرو گرفته است مرا رحمت تو و
البستنی عافیتک وان تعذبنی فانا لذلک اهل و
پوشانیده است مرا عافیت تو و اگر عذاب کنی مرا پس من برای آن سزاوارم و
هو منک عدل یا رب غبر انی اسألک بالمخزون
آن از تو عدالت است ای پروردگار من غیر اینکه من سؤال میکنم تو را بحق خزانه کذاشته شده
من اسمائک وبما وراء الحجب من بهائک ان ترحم
از نامهای تو و بحق آنچه در عقب پردهاست از نیکوئی تو اینکه رحم کنی
هذه النفس الجزوع وهذا البدن الهلوع وهذا
این نفس جزع کننده را و این بدن حریص را و این
الجلد الرقیق وهذا العظم الدقیق الذی لا یصبر علی
پوست نازک را و این استخوان تنک را که صبر نمیتواند کرد بر
حر شمسک فکیف یصبر علی حر نارک ولا یطیق
حرارت آفتاب تو پس چگونه صبر میتواند کرد بر حرارت آتش تو و طاقت ندارد
لصوت رعدک فکیف یطیق صوت غضبک عفوک
برای صدای رعد تو پس چگونه طاقت میتواند داشت صدای غضب تو را طلب میکنم عفو ترا

عفوک عفوک فقد غرقتنی الذنوب وغمرتنی
طلب میکنم عفو ترا طلب میکنم عفو ترا پس بتحقیق که غرق کرده است مرا گناهان و فرو گرفته است مرا
النعم وقل شکری لک وضعف عملی ولا شیء
نعمتها و کم است شکر من برای تو و ضعیف است عمل من و نیست چیزی
اتکل علیه الا رحمتک یا ارحم الراحمین
که اعتماد کنم بر آن مگر رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

کیفیت نماز رغائب

نماز رغائب که بطرق عامه روایت شده است روزه میداری پنجشنبه
اول ماه رجب را و چون شب جمعه میرسد بعد از نماز مغرب و پیش
از نماز عشا دوازده رکعت نماز میکذاری هر دو رکعت بیک
سلام و میخوانی در هر رکعتی سوره حمد را یکمرتبه و سوره انا
انزلناه را سه مرتبه و سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه
و چون از کذاردن دوازده رکعت فارغ شوی هفتاد مرتبه میکوئی
اللهم صل علی محمد النبی الامی و آله پس سجده
خداوندا رحمت بفرست بر محمد که پیغمبر امی است و بر آل او میکنی و
در حال سجده هفتاد مرتبه میکوئی سبوح قدوس
رب الملائکة والروح بسیار منزه است بسیار پاکیزه است
پروردگار فرشتگان و روح پس سر از سجده بر میداری
و هفتاد مرتبه میکوئی رب اغفر لی وارحم
ای پروردگار من بیامرز و رحم کن

وَتجاوز عمّا نعلم انّك انت العلیّ العظیم

و درگذر از آنچه میدانی بدرستیکه تو بلند رتبه بزرگ مرتبه

بعد از آن سجدهٔ دیگر میکنی و هفتاد مرتبه میگوئی

سبّوح قدّوس ربّ الملائکة والرّوح پس دران

بسیار منزه است بسیار پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح

سجده

حاجت خود را از حق تعالی مسئلت مینمائی مرویست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله فرموده است که اطاعت زنان

مکنید در هیچ حالی و ایمن مکردانید ایشان را بر مالی و باز مکذارید

ایشان را برای تدبیر کردن کار عیال اگر ایشان را بکذارید که هرچه

خواهند بکنند خود را بمهلکها می افکنند نیست ایشان را دینی

در هنگامی که لذتی پیش آید و نیست ایشان را پرهیزکاری در وقتی

که شهوت و خواهش رو دهد فراموش میکنند خوبیرا و در خاطر

میکیرند بدیرا تهمت و بهتان میکویند و متوجه کار شیطان

میکردند دعا بجهت دفع خوف و اندوه و دفع ضرر پادشاه

مرویست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام خطاب

نموده و فرموده است که یا علی هرگاه ترا باندوه و در چیزی یا از پادشاه بترسی پس بگو

لا اله الّا الله الحلیم الکریم سبحان الله وبحمده

نیست خدائی مگر الله بردبار صاحب کرم تسبیح میکنم خدا را و حمد میکنم او را

دعا بجهت دفع خوف و اندوه و دفع ضرر پادشاه

ربّ السّموات السّبع وربّ العرش العظیم والحمد لله

که پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است و سپاس مر خدا راست

ربّ العالمین اللّهمّ انّی اعوذ بك من شرّ فلان

که پروردگار عالمیان است خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شر فلان

بجای فلان نام کسیرا که از و خوف دارد بگوید

بجهت دفع شر

وادرأ بك فی نحره بجهت دفع شر مرویست که ربیع گفته

و دفع میکنم بتو در گلوی گردن او

است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چون داخل مجلس منصور دوانیقی شد این را خواند که

خیرك بین یدیك وشرّك تحت قدمیك وانا استعین

خیر تو پیش روی تو باد و شر تو در زیر پاهای تو باد و من استعانت میجویم

بالله علیك بجهت دفع هر شدتی و سختی مرویست که حضرت

بجهت دفع هر شدتی و سختی

بخدا بر تو

امام موسی کاظم علیه السلام فرموده است که رسول

خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که یا علی هرگاه بهولی

اندازد ترا امری یا نازل شود بر تو شدتی و سختی پس بگو

اللّهمّ انّی اسألك بحقّ محمّد وآل محمّد ان تنجینی

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه نجات دهی مرا

من الکرب العظیم بجهت دفع ضرر کلب بسند مذکور مرویست

بجهت دفع ضرر سگ

از اندوه بزرگ

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده

است که یا علی چون ببینی سگ را که فریاد و زوزه میکند پس بخوان

این آیه شریفه را تا حق تعالی تورا از ضرر آن کفایت کند و آیه اینست
یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من
ای گروه جنیان و آدمیان اگر میتوانید که بیرون روید از
اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا
اطراف آسمانها و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر
بسلطان بجهت دفع خوف از شیر بسند مذکور از حضرت رسول صلی الله
بسلطانی و قوتی علیه و آله روایت شده است که فرمود یا علی هر گاه به بینی شیر را پس بگو
الله اکبر الله اکبر الله اکبر مما اخاف واحذر
خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است از آنچه میترسم و حذر میکنم
اللهم انی ادرأ بک فی نحره واعوذ بک من شره
خداوندا بدرستیکه من دفع میکنم بتو در گوی کردن آن و پناه میبرم بتو از شر آن
بجهت باز آمدن بنده گریخته مرویست از جابر که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده است که بجهت باز آمدن بنده گریخته بگو
اشهد انک اله فی السماء واله فی الارض وانک
گواهی میدهم اینکه تو خدائی در آسمان و خدائی در زمین و اینکه تو
حکم فی السماء وحکم فی الارض وجبار فی السماء
حاکمی در آسمان و حاکمی در زمین و جباری در آسمان
وجبار فی الارض تردّ الضالة وتهدی من الضلالة
و جباری در زمین باز میگردانی گم شده را و هدایت میکنی از گمراهی

بجهت دفع خوف از شیر

بجهت باز آمدن بنده گریخته

فاردد

فاردد علیّ ضالتی فانها من رزقک وعطیتک لا تبتلنی
پس باز گردان بر من گم شده مرا پس بدرستیکه آن از روزی تو و بخشش تست مبتلا مکردان
بها مؤمنا ولا تغنی بها کافرا بجهت دفع ترسیدن در خواب
بآن مؤمنی را و غنی مکردان بآن کافری را مرویست که حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام فرموده است که هر گاه کسی در خواب
بترسد تعلیم کنید باو این دعا را که در وقتی که اراده خواب
کند بخواند پس اگر طفل باشد یکمرتبه بخواند و
اگر بزرگ باشد سه مرتبه بخواند و دعا این است
امنت بالله وکفرت بالجبت والطاغوت اللهم
ایمان آوردم بخدا و کافر شدم بجبت و طاغوت خداوندا
احفظنی فی منامی وفی یقظتی بجهت اداء دین
حفظ کن مرا در حال خوابیدن و در حال بیداری من مرویست که مالک بن
انس گوید که بحضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام
عرض کردم که قرضی دارم پس تعلیم کن بمن دعائی که هر گاه آنرا
بخوانم حق تعالی دین مرا ادا کند پس آنحضرت
فرمود که بعد از هر نماز سه مرتبه بگو
اللهم صل علی محمد وآل محمد واقض لی دینی
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ادا کن برای من قرض مرا

بجهت دفع ترسیدن در خواب

بجهت اداء دین

وَسَهِّلْ لِی قَضَآءَهُ وَیَسِّرْهُ عَلَیَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ

و آسان کن برای من ادا کردن آنرا و میسر گردان آنرا بر من بقوت خود و توانائی خود

اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

بدرستی که تو بر هر چیز بغایت توانائی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بجهت ایمن شدن از خوف داود رقی کوید که رفتم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام پس فرمود که ای داود آیا تعلیم نکنم بتو کلماتی را که هرگاه آنها را هر روز صبح و شام سه مرتبه بخوانی حق تعالی ایمن کرداند ترا از هر چیزی که خوف داشته باشی از آن کفتم تعلیم کن ای فرزند رسول خدا پس فرمود که بکو

اَصْبَحْتُ بِذِمَمِ اللهِ وَذِمَمِ اَنْبِیَآئِهِ وَذِمَمِ رُسُلِهِ

صبح کردم به پیمانهای خدا و پیمانهای پیغمبران خدا و پیمانهای رسولان خدا

وَذِمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَذِمَمِ الْاَوْصِیَآءِ

و پیمان محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او و پیمانهای جانشینان

عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اٰمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِیَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ

که بر ایشان باد سلام ایمان آوردم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان

وَغَآئِبِهِمْ وَاَشْهَدُ اَنَّهُمْ فِی عِلْمِ اللهِ وَطَاعَتِهِ لِمُحَمَّدٍ

و غایب ایشان و کواهی میدهم اینکه ایشان در علم خدا و فرمانبرداری او نید برای محمد

بجهت ایمن شدن از خوف

صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ داود کوید که من این دعا را نخواندم بجهت مطلبی مکر آنکه برآمد مطلب من که رحمت فرستد خدا بر او و آل او

در کتاب منیة الداعی و غنیة الواعی که شیخ محمد بن عابد در احراز نموده در تالیف نموده مذکور است که آمنه مادر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون با نحضرت حامله شد کسی را در خواب دید که باو کفت که حامله شده به بهترین خلق خدا پس او را محمد نام کن و نام او در توریة احمد است و بنا و بزبر و این نوشته را و چون بیدار شد دید که بر زد سر او نی پاره کذارده و در میان آن ورقی هست و این دعا بر آن نوشته شده است

و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَسْتَرْعِیْكَ رَبَّكَ

بنام خدای بخشاینده مهربان می سپارم ترا به پروردکار تو

وَاُعِیْذُكَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَآئِمٍ اَوْ قَاعِدٍ

و پناه میدهم ترا بیکانه از شر هر حسد برنده ایستاده یا نشسته

وَكُلِّ خَلْقٍ زَآئِدٍ فِی طُرُقِ الْمَوَارِدِ لَا تَضُرُّوْهُ

و هر مخلوق پیش رونده در راههای وارد شدن ضرر مرسانید او را

فِی یَقْظَةٍ وَلَا مَنَامٍ وَفِی ظَعْنٍ وَلَا فِی مُقَامٍ

در حال بیداری و نه در حال خواب و نه در وقت حرکت کردن و نه در وقت ایستادن

سَجِیْسَ اللَّیَالِی وَاٰخِرَ الْاَیَّامِ یَدُ اللهِ فَوْقَ

در تمام شبها و آخر روزها قدرت خدا بالای از

تعویذ حضرت رسول صلی الله علیه و آله

ابدیهم و حجاب الله فوق عادیتهم بجهت دفع هم
قدرتهای ایشانست و منع کردن خدا بالاتر از دشمنی ایشانست و کرفتکی دل
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود
یا علی امانست برای امت من از هم و کرفتکی دل اینکه بکویند
لا حول و لا قوة الا بالله لا ملجأ و لا منجا من الله
نیست قوتی و نه توانائی مگر بخدا نیست پناهی و نه نجاتی از خدا
الا الیه بجهت دفع ضرر شیطان و دفع ضرر
مگر بسوی او ساحران از آنحضرت صلی الله علیه
و آله منقول است که فرمود یا علی هر که بترسد
از شیطانی یا از ساحری پس بخواند این آیات شریفه را
ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض
بدرستی که پروردکار شما خدائیست که آفرید آسمانها و زمین را
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل
در شش روز بعد از آن مستولی شد بر عرش می پوشاند شب را
النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم
بروز طلب میکند آنرا روز شتاب و آفرید آفتاب و ماه و ستارکان را
مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک
در حالیکه رام کرده شده اند بفرمان او آکاه باشید که از برای خداست آفریدن و فرمان دادن مبارکست

بجهت دفع غم و کرفتکی دل

بجهت دفع ضرر شیطان و دفع ضرر ساحران

یعنی طلب میکند روز شب را یا شب روز را بزودی

الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه
خدائی که پروردکار عالمیان است بخوانید پروردکار خود را فروتنی کنان و پنهان کنان بدرستی که او
لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد
دوست نمیدارد از حد درکذرندکانرا و فساد مکنید در زمین بعد از
اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمت الله
اصلاح آن و بخوانید خدارا خوف دارنده و طمع دارنده بدرستی که رحمت خدا
قریب من المحسنین و هر که بترسد از جانوران
نزدیکست بنیکوکاران درنده پس بخواند این دو آیه را که
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم
بتحقیق که آمده است شمارا رسولی از جنس شما که دشوار است بر او آنچه برنجید و مشقت کشید
حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان
حریص و خواهانست بر خوب شدن شما بمؤمنان بسیار مهربان و صاحب رحم است پس اکر
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
رو بکردانند پس بکو ای محمد کفایت است مرا خدائی که نیست خدائی مکر او بر او توکل و اعتماد کردم
و هو رب العرش العظیم بجهت دفع خوف از درندها
و او پروردکار عرش بزرکست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که از پدران خود علیهم السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع
فرموده است که هر که از درنده بترسد که او را بکوسفندان او ضرر رساند پس بکوید

بجهت دفع ضرر جانوران درنده

بجهت دفع خوف از درندها اینجا

بجهت ایمن شدن از فرود آمدن سقف بر سر آدمی

اللهم رب دانیال ورب الجب ورب کل اسد
خداوندا ای پروردگار دانیال و پروردگار چاه و پروردگار هر شیر
مستاسد احفظنی واحفظ علی عنی بجهت ایمن شدن
صاحب جراءت حفظ کن مرا و حفظ کن برمن کوسفندمرا از فرود آمدن سقف
بر سر آدمی بسند مذکور از حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله منقولست که فرموده است یا علی برای امت من امان
است از فرود آمدن سقف خواندن این آیه شریفه که
ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زایل شوند و اگر
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
زایل شوند نگاه نمیدارد آنها را کسی بعد از او بدرستی که خدا هست
حلیما غفورا بجهت ایمن شدن از غرق بسند مذکور از حضرت
بردبار بسیار آمرزنده رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود یا علی برای امت من امان است
از غرق شدن اینکه چون اراده سوار شدن بکشتی کنند بخوانند این آیه را
که بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
بنام خدای بخشاینده مهربان و نشناخته اند خدا را بقدر سزاواری شناختن او
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
و زمین تمام آن در قبضه قدرت اوست در روز قیامت و آسمانها در هم پیچیده شده اند

بجهت ایمن شدن از غرق

بیمینه

بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها
بقدرت کامله او منزه است او و برتر است از آنچه شریك او قرار میدهند بنام خداست راندن آن
ومرسیها ان ربی لغفور رحیم بجهت ایمن شدن از ضرر
و باز داشتن آن بدرستی که پروردگار من هر آینه آمرزنده مهربانست دزدان بسند مذکور
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود
یا علی برای امت من امان است از دزدان خواندن این دو آیه شریفه
که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
بگو ای محمد که بخوانید خدا را بنام الله یا بخوانید او را بنام رحمن بهر نام که بخوانید او را پس برای اوست
الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت
نامهای نیکو و بسیار بلند مکن قراءت نماز خود را و بسیار آهسته مکن
بها وابتغ بین ذلك سبیلا وقل الحمد لله الذی لم
آنرا و طلب کن میان آن و این راهی و بگو که سپاس مر خدا راست که
یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن
فرا نگرفته است فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و نیست
له ولی من الذل وکبره تکبیرا بجهت دفع سرکشی
برای او دوستی از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر کردنی و شموسی حیوانات
سواری بسند مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که فرمود یا علی هر که سرکشی کند بر وی دابه او پس در گوش راست آن بخوانند

بجهت ایمن شدن از ضرر دزدان

بجهت دفع سرکشی حیوانات سواری

که وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
واز برای او انقیاد کرده است هرکه در آسمانها و زمین است از روی خوشی و ناخوشی
والیه ترجعون بجهت دفع زرد آب و درد شکم
و بسوی او باز گشته میکنید شما بسند مذکور از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که فرمود یا علی هرکه در شکم او زرد آب
باشد پس بنویسد بر شکم خود آیة الکرسی را و آنرا باب بشوید
و آن آبرا بیاشامد تا صحت یابد باذن حق تعالی و مرویست
از عثمن بن ابی العاص ثقفی که بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله رفتم و گفتم که شکم من درد میکند پس
فرمود که هفت مرتبه دست بر شکم خود بمال و بگو
اللهم انی اعوذ بک بعزتک وقدرتک من شر
خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو بحق عزت تو و قدرت تو . از شر
ما اجد فی بطنی بجهت دفع وسوسه شیطان ابو بصیر
آنچه می یابم در شکم خودم و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد
باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما روایت کرده اند
که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرموده است که
هرگاه یکی از شما از وسوسه شیطان بترسد پس پناه برد
بخدا و بزبان و دل بگوید امنت بالله و رسوله
ایمان آوردم بخدا و رسول خدا

بجهت دفع زرد آب و درد شکم

بجهت دفع وسوسه شیطان

مخلصا له الدین اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
در حالتیکه اخلاص ورزنده ام برای او دین را پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده
بجهت دفع خوف کردن در شب بسند مذکور مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام فرموده است که هرکه در شب
بترسد پس چون بخوابگاه خود رود بخواند سوره قل هو الله احد
را پس بدرستیکه چون این سوره را بخواند حق تعالی موکل کرداند
برو پنجاه هزار فرشته را که در آن شب حفظ و حراست او کنند
بجهت دفع چشم زخم مرویست که حضرت جبرئیل علیه السلام
افسون کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را از ضرر چشم زخم
باین طریق که خواند این را که بسم الله ارقیک
من کل شیء یوذیک ومن کل عین بنام خدا حفظ میکنم ترا
از هر چیزی که آزار کند ترا و از هر چشمی وحاسد الله یشفیک
بسم الله ارقیک و حسد برنده خدا شفا دهد ترا ایضا بجهت دفع
بنام خدا حفظ میکنم ترا ضرر چشم از حضرت امیر المؤمنین علیه
الصلوة والسلام منقولست که جبرئیل علیه السلام بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد پس آنحضرت را غمگین
دید پس گفت یا محمد چیست این غم که در روی مبارک تو می
بینم آنحضرت جواب داد که حسن و حسین را چشم زده اند

بجهت دفع خوف کردن در شب

بجهت دفع چشم زخم

ایضا بجهت دفع ضرر چشم

مخلصا

پس جبرئیل گفت یا محمد تصدیق کن باینکه چشم اثر میکند پس
بد دستی که چشم حق است تعویذ کن ایشانرا باین کلمات و این
کلماترا برایشان بخوان پس آنحضرت فرمود که کدام است آن کلمات جبرئیل گفت
بگو اللهم ذا السلطان العظیم والمن القدیم والوجه
خداوندا ای صاحب سلطنت عظیم و نعمت قدیم و ذات
الکریم ذا الکلمات التامات والدعوات المستجابات
کریم ای صاحب کلمهای تمام و دعاهای مستجاب
عافِ الحسن والحسین من شر الجن واعین الانس
عافیت ده حسن و حسین را از شر جنیان و چشمهای آدمیان
پس آنحضرت این کلماترا بر حضرت امام حسن و امام حسین
علیهما السلام خواند پس آزار ایشان رفع شد و برخواستند
و در پیش روی آنحضرت بازی میکردند و آنحضرت باصحاب
فرمود که تعویذ کنید خود را و زنان و اولاد خود را باین تعویذ
پس بد دستی که تعویذی مثل این نمیباشد **بجهت دفع درد چشم**
از ائمه هدی علیهم السلام روایت شده است که هرکه خواهد
که چشم او درد نیاید سزاوار است که در همه اوقات از شب و
روز این دعا را بخواند که اللهم انی اسئلک بحق
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق

بجهت دفع درد چشم

محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد
محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی
و اینکه بگردانی نور را در چشم من و بینائی را در دین من
والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی و
و یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و
السلامة فی نفسی والسعة فی رزقی و
سلامتی را در جان من و توسعه را در روزی من و
الشکر لک ابدا ما ابقیتنی **ایضا بجهت دفع**
شکر را برای تو همیشه مادام که باقی بداری مرا **درد چشم**
از ائمه علیهم السلام روایت شده است که هرکه
چشم خود را دوا کند سزاوار است که این آیه شریفه
را در جامی بنویسد که آن جام را از تربت مبارکه
حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ساخته و
گل آنرا باب زمزم سرشته باشند و بعد از آنکه این
آیه را بر آن جام نویسد آنرا باب بشوید و آب
را در شیشه کند و بچشم کشد تا شفا یابد
انشاء الله تعالی و آیه شریفه اینست الله
خدا

ایضا بجهت دفع درد چشم

نُورُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكٰوةٍ

نُورِ آسمانها و زمین است مثل و حکایت نور او مانند چراغ دانی است

فِيهَا مِصْبَاحٌ اَلْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ اَلزُّجَاجَةُ

که در آن چراغی باشد که آن چراغ در شیشه باشد و آن شیشه

كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ

گویا ستاره باشد درخشان که افروخته شود آن چراغ از درخت

مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ

مبارک زیتون که نه از سمت مشرق باشد و نه از سمت مغرب

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى

نزدیک باشد روغن زیتان که روشن شود و اگرچه نرسد بآن آتش نوری باشد [illegible] بر روی

نُورٍ يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ بجهت رفع درد

نوری راهنمائی میکند خدا برای نور خود هرکرا میخواهد سر بَرَد و دور سر

کسی که سر او درد دارد بنویسد بمداد یا بر

کاغذی بنویسد و بر سر او بندد این را که

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا

ای پروردگار ما میل مگردان دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کرده ما را و ببخش برای ما

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ

از نزد خودت رحمتی بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده

بجهت رفع درد سر

بجهت رفع درد سر و صداع مشهور بشقیقه مرویست که

ائمه علیهم السلام فرموده اند که هر که سر

او درد کند یا او را صداع شقیقه باشد بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الْكَبِيرِ وَ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدای بزرگ و

اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ ضَارٍّ وَ

پناه میبرم بخدای عظیم از شر هر رگ ضرر رساننده و

مِنْ حَرِّ النَّارِ و مرویست که هفت مرتبه این دعا را

از حرارت آتش آهسته بخوانند بطریقی که کسی نشنود و دعا این است

اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

پناه میبرم بخدائی که ساکن شده است برای او آنچه در صحرا و دریا

وَالسَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ مِنْ صُدَاعِ رَاْسِي و از ائمه علیهم

و آسمانها و زمین است از درد سر خود السلم مرویست

که بجهت رفع درد سر اذان و اقامه را باید نوشت و بر سر باید

آویخت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که هر کسی که

هر چه عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى كُلِّ حَالٍ

هرگز درد گوش و درد دندان سپاس مر خدا راست بر هر حالی

باو نرسد از حضرات ائمه معصومین علیهم السلم مرویست که

بجهت رفع درد سر و صداع شقیقه

بجهت رفع درد دندان و درد گوش

بجهت رفع درد دندان

چوبی یا آهنی بردار و بمال بران دندان تو که درد میکند و هفت مرتبه بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا و بیاری خدا محمد

رسول الله صلی الله علیه و آله ابرهیم خلیل الله

رسول خداست رحمت فرستد خدا برو و آل او ابرهیم دوست خداست

اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و

ساکن شو بانکسی که ساکن شده است برای او آنچه در شب و روز است و

هو السمیع العلیم و هو علی کل شیء قدیر بجهت دفع نیشها

اوست شنوای دانا و او بر هر چیز قادر است

بجهت رفع نیشها و دردها

و پیمادیها از ابن عباس منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را بما تعلیم نمود بجهت رفع نیشها و دردها همگی و دعا اینست بسم الله الکبیر اعوذ بالله العظیم من شر کل بنام خدای

بزرگ است پناه میبرم بخدای عظیم از شر هر عرق ضار

رگ ضرر رساننده

و من حر النار مرویست که سعید بن قیس

و از حرارت آتش گفته است که از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام شنیدم که فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که

بجهت حفظ مال و خانه

بر مال یا بر خانه خود نترسد پس بگوید لا اله الا انت ربی علیک توکلت و انت رب العرش

نیست خدائی مگر

تو که پروردگار منی بر تو توکل و اعتماد کردم و توئی پروردگار عرش

العظیم ما شاء الله کان لا حول و لا قوة الا بالله

بزرگ آنچه خواست خدا شده است نیست قوتی و نه توانائی مگر بخدای

العلی العظیم اشهد ان لا اله الا الله و اشهد

بلند رتبه بزرگ مرتبه گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله و گواهی میدهم

ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط

اینکه خدا بر هر چیزی قادر است و اینکه خدا بتحقیق که احاطه کرده است

بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا اللهم

بهر چیز از راه علم و شمرده است هر چیزی را از جهت عدد خداوندا

انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک منه

بدرستی که من پناه میبرم بتو از شر نفس خود و پناه میجویم بتو از آن

و من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها انک

و از شر هر جنبنده که تو گرفته موی پیش سر آن را بدرستی که تو

علی صراط مستقیم امنت بالله و کفرت بالطاغوت

بر راه راستی ایمان آوردم بخدا و کافر شدم بشیطان

و استمسکت بالعروة الوثقی لا انفصام لها

و چنگ زدم بدست آویز محکم تر که نیست شکستنی برای آن

وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ

و خدا شنوای داناست عزیز است همسایهٔ تو و بزرگ است ستایش تو و نیست خدا غیر تو

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پس زود باشد که کفایت کند از تو شر ایشان را خدا و اوست شنوای دانا

حمداً لاله هو بالحمد حقیق که بامداد دقایق توفیق ترجمهٔ
ادعیهٔ کتاب کنوز النجاح و عدة السفر را سید محمد بن
محمد باقر الحسینی بپایان رسانید و بعضی از مواضع
که احتمالات داشت یا محتاج بتوضیح بود در حواشی
ببیان آن پرداخت بتاریخ شهر
ربیع المولود سنه هزار و
صد و سی هجری

سنه ۱۱۳۰

بلوح الخط فی القرطاس دهراً وکاتبه رمیم فی التراب
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت کند در حق مسکینان دعائی

فی دار السلطنة اصفهان صانها
الله عن الحدثان